بسم الله الرحمن الرحیم

چند قطره از کتاب هزار و یک قطره

فهرست


۱. قطره‌ی ۹۷ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله – چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار؟
۲. قطره‌ی ۹۸ از کتاب هزار و یک قطره چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار؟ اصلاح پول ایران قسمت دوم
۳. قطرهٔ ۹۹ از کتاب هزار و یک قطره چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار؟ اصلاح پول ایران قسمت سوم- این نوشتار قسمتی از جزوهٔ بانکداری اسلامی می‌باشد- پاسخ به چند سؤال و شبهه
٤. قطره‌ی ۹٦ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طرق غیرعادی- چرا قیمت دلار بالا می‌رود؟ آینده‌ی دلار چیست؟ راه حل کنترل دلار چیست؟
۵. قطره‌ی ۱۰٤ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله – حمایت از کالای ایرانی
٦. قطره‌ی ۱۰۱ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله – خلاصه مباحث تاریخ ۹۷,۱,۲۹ –
۷. نامه به دکتر ولایتی
۸. توصیه به جریانی که بعد از دولت دوازدهم قبل از سال ۱٤۰۰ به روی کار
۹. نامه به نتانیاهو

۱۰. نامه به سردار عبد اللهی
۱۱. سه هشدار، هشدار به بانکها ، هشدار به ملت و ...
۱۲. نامه به ستاد جنگ اقتصادی
۱۳. نامه به افرادی که در کابینه‌ی دولت دوازدهم جایگزین میشوند
۱٤. نامه به رضا پهلوی
۱۵. نامه به سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی در رابطه با تنگه‌ی هرمز
۱٦. نامه به حضرت آیت‌الله لاریجانی
۱۷. نامه به دکتر ولی الله سیف رئیس محترم بانک مرکزی
۱۸. این متن، قطره‌ی ۷۳ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله می‌باشد- خلاصه کتابِ انتقال آب از طریق عادی
۱۹. قطره‌ی ۹۳ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی-پاسخ به چند سوال در رابطه با روش دوم غیر عادی رفع خشکسالی در عرض دو ماه یعنی انفطار السماء،(شیب دار نمودن آسمان به سمت ایران و شکافتن آسمان و ایجاد چاله‌ی جوی درون ایران)
۲۰. بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۹۲ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله در عرض چند ماه – این قطره جواب اول به متخصصین حوزه‌ی آب کشور در اشکال به قطره‌ی ۷۳ در طرح انتقال آب خلیج‌فارس
۲۱. قطره‌ی ۹٤ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله می‌باشد- اشکالات متخصصین حوزه آب کشور به قطره‌ی ۷۳ –سری دوم و سوم اشکالات متخصصین اجرایی کشور به راهکار عادی یکساله
۲۲. بارش باران و ادامه‌ی خشک‌سالی قسمت اول
**۲۳. ۷۸٦ – قطره‌ی ۷٤ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه- بحث دروغ و ربا قسمت اول**

**۲٤. بسم‌الله الرحمن الرحیم ، قطره‌ی ۷۵ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه- ادامه‌ی قطره‌ی ۷٤ در بحث ربا- راهکار بیرون رفت از ربای بانکی - در جواب جناب آقای دکتر روحانی**

۲۵. قطره‌ی ۷٦ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- بحث ربا قسمت سوم

**۲٦. قطره‌ی ۷۷ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- بحث ربا قسمت چهارم، حکمت احکام**

**۲۷. قطره‌ی ۷۷ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- بحث ربا قسمت چهارم، حکمت احکام**

**۲۸.** بسم الله الرحمن الرحیم **قطره‌ی ۷۸** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله - **بحث پنجم ربا، دزدی پنهان در چاپ پول و رواج تورم ، و افزایش غیر عادلانه‌ی درآمد و هزینه‌ها، آیا نقدینگی تورم آور است**

۲۹. **قطره‌ی ۷۹ از کتاب هزار و یک قطره** در رفع خشکسالی ایران از طریق غیر عادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله – **چند نکته در رابطه با نماز باران**

۳۰. **قطره‌ی ۸۰ از کتاب هزار و یک قطره** در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله–**اهم مباحث منبرهای ایام فاطمیه،**

۳۱. **بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۸۱** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله– **نماز باران و شرایط آن که توبه است و ارتباط ترک امر به معروف و نهی از منکر و عدم استجابت دعا و نزول عذاب الهی**

۳۲. **قطره‌ی ۸۲** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- **نمونه‌هایی از هشدارهای مسئولین به همراه قطره‌ی ١٤ از کتاب هزار و یک قطره**

۳۳. **طره‌ی ۸۳** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله-**پشت پرده‌ی تئوری نقد امام معصوم- هشدارهای محیط زیستی رهبر انقلاب دامت برکاته**

۳٤. **قطره‌ی ٨٤-در این متن واکنش علما به نقد امام معصوم بیان میشود- امور معنوی یکی از عمده دلایل خشکسالی**- خلاصه ای از بیانات علما در باب نقد امام معصوم

۳۵. **قطره‌ی ۸۵** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- **در این بحث اثبات می‌کنیم دلیل خشک‌سالی و بیشتر مشکلات فعلی ایران تفکرات جناب دکتر حسن روحانی میباشد و این مطلب را از چهار منظر اثبات مینماییم**

۳٦. **قطره‌ی ٨٦ از** کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- **نقد سخنان دکتر روحانی در باره نقد امام معصوم**

۳۷. **قطره‌ی ۸۷ از** کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی- **چند نکته در رابطه باران و برف‌ها در تاریخ ۹٦,۱۱,۰۸ و ادامه‌ی خشک‌سالی**

۳۸. **قطره‌ی ۸۸ از** کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی- **هشدار سه کارشناس در مورد بحران آب**

۳۹. **قطره‌ی ۸۹** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- هشدارهای پروفسور کردوانی در رابطه با بحران آب

٤۰. **قطره‌ی ۹۰** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- **براندازی و تغییر به واسطه‌ی گسترش خشک‌سالی در ایران:**

٤١. خلاصه نامهی مهم که در تاریخ ۹۶،۳،۱۲ انتشار پیدا کرده است – قطره ۹۹۳ از کتاب هزار و یک قطره
٤٢. ۱۰۰۰- متن طرح دوم اسماء اللهی:

بسم الله الرحمن الرحیم: قطرهی ۹۷ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشکسالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله – چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمتها در بازار؟ این نوشتار قسمتی از جزوهی بانکداری اسلامی میباشد

۱ –در شرایط کنونی اقتصادی که حقیقتاً در جنگ اقتصادی میباشیم تمامی راهکارهای گذشته برای اقتصاد فاقد ارزش نجاتبخش میباشد که اگر راهکارهای گذشته ارزشمند بودند هماکنون در چنین وضعیتی نبودیم و لذا اگرچه که رئیس بانک مرکزی تغییر نمود اما درروند افزایش دلار و سقوط ریال و بالا رفتن قیمت سکه و رشد تورم و رکود بازار تغییری حاصل نشد بلکه در این ابتدای امر وضعیت بحرانیتر گردید، حتی اگر تمامی دولت تغییر کند نیز توفیقی حاصل نمیشود چراکه کارشناسان دیگر نیز مانند کارشناسان و مسئولین کنونی عمل مینمایند و راهکار عملی نجاتبخشی ندارند هر آنچه دیگران میخواهند انجام دهند افراد کنونی انجام داده و نتیجه همان است که میبینیم، مسئولین کشور ازلحاظ عملکرد تماماً یک رویکرد رادارند و تنها در رویکرد سیاسی با یکدیگر تفاوت دارند، مشکل اصلی و اساسی تمامی بحرانهای جامعهی ما خشکسالی است و متأسفانه مسئولین و رؤسای اجرایی یا این مسئله را نمیدانند و یا اینکه راهکار نجاتبخش برای بیرون رفت از بحران خشکسالی در دست ندارند که در قطرههای مختلف از کتاب هزار و یک قطره این مطلب را توضیح دادهایم.۲- در این وضعیت بحرانی میخواهیم یک راهکار عملی و نجاتبخش برای بیرون رفت از تورم و افزایش قیمت دلار و کنترل قیمت سکه و جلوگیری از هجوم مردم به با بازار دلار و سکه و طلا و جلوگیری از سقوط ریال ارائه دهیم که این راهکار میتواند منشأ تحولات اقتصادی در ایران گردد، این متن

به‌اختصار نوشته‌شده و اگر مسئولین بانک مرکزی توضیحات بیشتری را بخواهند می‌توانیم در جلسه‌ای که با حضور کارشناسان برقرار می‌شود ابعاد دیگر طرح را ارائه دهیم، و اعلام می‌کنیم اگر سریعاً این راهکار عملی نشود فعلاً دلار در جهش ۲۰ هزارتومانی و سکه در جهش ۵ میلیون تومانی قرار دارد و این روند غیرقابل‌کنترل می‌باشد۳- از نتایج عمل به این راهکار کنترل همیشگی تورم، جلوگیری از افزایش دلار، جلوگیری از سقوط ریال، جلوگیری از افزایش قیمت طلا و سکه حتی اگر قیمت جهانی طلا افزایش یابد، بالا رفتن ارزش پول ملی، پایین آمدن ارزش دلار در برابر ریال، بالا رفتن ارزش مزد کارگر بدون افزایش دستمزد کارگر و ایجاد آرامش در بین مردم و جلوگیری از هجوم مردم به خرید سکه و طلا و اجناس دیگر حتی در زمان بحران می‌باشد، پس‌ازآن ثبات اقتصادی و آرامش و رونق تجارت در بین مردم آشکار می‌گردد.٤ - مقدمه: در زمان‌های گذشته در بین مردم مبادلات بر پایه‌ی مبادله‌ی کالا به کالا و سکه‌ی طلا و نقره در عوض کالا بود و چیزی به نام پول کاغذی وجود نداشت و لذا آنچه در دست مردم وجود داشت یا کالا بود و یا سکه‌های طلا و نقره لذا اگر ارزش طلا و نقره بالا می‌رفت آنچه در دست مردم بود ارزشش بیشتر می‌گشت اما با دلایلی به‌ظاهر درست اما خیانت پشت پرده دولت‌ها اقدام به چاپ اسکناس کرده و طلا و نقره را از دست مردم خارج نمودند، در ابتدا اگرچه دلیل اصلی را مشکل بودن حمل‌ونقل طلا و نقره عنوان می‌کردند اما در پشت پرده چیز دیگری بود دولت‌ها سکه‌های طلا و نقره را از میان ملت‌ها جمع کردند و پول کاغذی را در میان مردم رواج دادند و در ابتدا برای هر پول ارزش مشخصی از طلا و نقره قراردادند و در ادامه بدون این اینکه برای پول‌های چاپ‌شده طلا و نقره ذخیره کنند پول بدون پشتوانه چاپ کرده و از این طریق در حقیقت دولت‌ها با رواج پول بدون پشتوانه در حقیقت مردم را به بردگی کشیده و پول و زحمات مردم را به جیب زدند و هرگاه که به مشکل مالی برخورد نمودند پول چاپ نمودند و ملت‌ها نیز بدون اینکه در جریان این روال باشند برای کاغذهای رنگ‌شده که پول نام داشت ارزش طلا و نقره قراردادند درحالی‌که پول کاغذی به‌خودی‌خود هیچ ارزشی ندارد بلکه ارزش پول به پشتوانه‌ی طلا و نقره‌ی آن می‌باشد و اگر پشتوانه نداشته باشند ارزش هر قطعه اسکناس به‌اندازه‌ی یک برگه کاغذ باطله می‌باشد، دولت‌ها پول بدون پشتوانه چاپ

کردند و مردم برای این کاغذهای رنگی ارزش طلا و نقره قراردادند و دلیل اصلی اختلاف واحدهای پولی با یکدیگر همین مطلب است. ۵ - سؤال اصلی که تمامی حکومت‌ها باید پاسخ دهند این است که چه مقدار پول چاپ کرده‌اید و چه مقدار ذخیره‌ی طلا دارید؟ اگر تمامی کشورها به مقدار پول چاپ‌شده ذخیره‌ی طلا داشته باشند در این صورت واحد تمامی پول‌ها باهم یکی می‌باشد یعنی ۱ ریال برابر با ۱ دلار و برابر با ۱ یورو و برابر ۱ لیر و برابر ۱ یوان و ... می‌باشد اما اگر این نسبت رعایت نشده باشد به مقداری که نسبت رعایت نشده آن پول از ارزش کمتری برخوردار است، لذا حقیقتاً توجیهی ندارد که تمامی واحدهای پولی با یکدیگر برابر نباشند مگر اینکه کشورها پول بدون پشتوانه چاپ کرده باشند لذا حل مشکل اقتصاد جهانی در این است که تمامی دولت‌ها مقدار پول چاپ‌شده و ذخیره‌ی ارزی خود را اعلام نمایند ولی بدانید هیچ‌گاه کشورها چنین کاری نمی‌کنند چراکه این سؤال در حقیقت سؤال از حساس‌ترین و محرمانه‌ترین اسرار هر کشور است که پاسخ به این سؤال مقدار دزدی‌ها و کلاه‌برداری‌های کلان حکومتی را آشکار می‌کند و همه می‌فهمند علت فقر توده‌ها حکومت‌ها بوده‌اند، البته اگرچه دولت‌ها پشتوانه‌های پولی خود را اعلام نکنند اما ما از طرق دیگری می‌توانیم این اطلاعات را به دست آوریم و نکته‌ی عجیب دیگر اینکه ما می‌توانیم سریعاً تمامی سیستم‌های اقتصادی دنیا را به چالش بکشیم و با اصلاح واحد پولی ایران از اینکه در مبادلات جهانی دلار محور باشد ریال را محور قرار دهیم.٦- اصلاح پولی ایران و محور شدن پول ایران در معاملات بین‌المللی لازمه‌هایی دارد که اجمالاً اشاره می‌کنیم ولی بحث ما این امور نیست اما باید بدانیم اگر می‌خواهیم به این چشم‌انداز برسیم بعد از رفع خشک‌سالی باید: مقدار پول چاپ‌شده با مقدار ذخیره‌ی طلا برابر باشد – جلوی چاپ پول بدون پشتوانه گرفته شود – تا هر مقداری که می‌توانیم باید پول‌های بدون پشتوانه را از نظام پولی خارج و امحاء نماییم که مباحث دیگری دارد. ۷- اولین راهکار عملی و سرعتی برای رسیدن به اهداف و نتایجی که دربند دوم ترسیم‌شده است: اگر ما یک واحد پول جدید را در سیستم نظام معاملاتی کشور وارد نماییم به‌تمامی اهداف خواهیم رسید، این واحد پولی جدید پول کاغذی نیست بلکه پول طلا می‌باشد مثلاً یک سکه‌ی طلا به ارزش ۲۰۰ هزار تومان که در این صورت ده‌ها اتفاق عالی رقم

خواهد خورد. نکته‌ی اول: ممکن است بگویید هم‌اکنون سکه‌های مختلفی در بازار موجود می‌باشد چه فرقی دارد؟ جواب این است که سکه‌های موجود در بازار پول نمی‌باشد ولی سکه‌ی طلای جدیدی که وارد می‌شود پول است، پولی که مثلاً دویست هزار تومان ارزش دارد. نکته: دوم بانک مرکزی هر مقدار سکه‌ی پولی طلا که وارد بازار می‌کند به همان مقدار پول کاغذی را از مردم دریافت کرده و باید پول‌هایی را که دریافت می‌کند را از بین ببرد و اگر پول‌ها را از بین نبرد هیچ‌یک از اهداف ترسیم‌شده به دست نخواهد آمد بلکه وضعیت بحرانی‌تر می‌شود .نکته‌ی سوم: این سکه‌ی پولی طلا باید ارزشش به‌اندازه‌ی خود طلا باشد یعنی این سکه‌ی ۲۰۰ هزارتومانی باید ۲۰۰ هزار تومان طلا داشته باشد حتی بنده پیشنهاد می‌دهم برای این سکه هزینه-ی ساخت هم در نظر گرفته نشود چراکه این سکه در حقیقت ترازوی سنجش تمامی پول‌های رایج در مملکت می‌باشد به این معنی که دوهزارتومانی یعنی ۱% از این سکه و اتفاقی که در اینجا می‌افتد این است در مبادلات ارزی و صرافی‌ها این سکه معیار می‌باشد یعنی اگر قیمت جهانی طلا زیاد شود در ایران ارزش پول ملی ما زیاد می‌شود یعنی اینکه مثلاً اگر دیروز این سکه‌ی طلای ۲۰۰ هزارتومانی ۲۰ دلار ارزش داشته است اگر فرضاً قیمت طلا دو برابر شود ارزش این سکه در جهان دو برابر می‌شود و به‌تبع آن تمامی پول‌های اسکناسی ما نیز ارزشش دو برابر می‌شود و این‌گونه از تورم جلوگیری می‌شود و بدون اینکه کاری انجام داده باشیم با رشد جهانی طلا پول ایران نیز رشد کرده و در مقابل آن دیروز که یک سکه ۲۰ دلار بوده ولی امروز با افزایش طلا یک سکه می‌شود ٤٠ دلار و تبع آن پول کاغذی نیز رشد نموده است، مثلاً تا دیروز ۱۰ هزار تومان ۱ دلار بوده ولی امروز با افزایش قیمت جهانی طلا مثلاً قیمت ۱ دلار ۸ هزار تومان می‌شود و قس علی هذا... نکته‌ی چهارم: این فرایند زمانی اتفاق می‌افتد که این سکه‌ی پولی طلا در معاملات رایج شود یعنی اینکه مردم برای خرید خود از این واحد پولی استفاده کنند و ضرب محدود این سکه کاری از پیش نمی‌برد، لذا می‌توان سکه‌ی طلای ۵۰ هزارتومانی ضرب نمود و تراول ۵۰ هزارتومانی را از معاملات حذف نمود.نکته‌ی پنجم: با این روند می‌توانیم واحدهای دیگر سکه‌ی طلا و نقره را وارد معاملات نماییم و البته پول‌های کاغذی را حفظ نماییم که این جریان به مردم حالت اطمینان می‌دهد و مردم برای کم نشدن ارزش پول

اقدام به ذخیره‌ی طلا و تبدیل ریال به دلار نمی‌نمایند چراکه اطمینان دارند ارزش پولی آنان محفوظ است و هرگاه بخواهند می‌توانند پول کاغذی بدهند و سکه‌ی پولی طلا دریافت نمایند.نکته‌ی ششم: در این صورت با گذر زمان ارزش حقوق کارگر متناسب با تورم جهانی افزایش پیدا می‌کند درحالی‌که حقوق کارگر ثابت مانده است یعنی حقوق یک کارگر امروز یک‌میلیون و چهارصد هزار توان است که می‌شود ۷ سکه‌ی طلا که اگر تورم جهانی طلا موجب شود طلا دو برابر شود به همان تناسب ارزش حقوق کارگر دو برابر شده در حالی مقدار حقوق افزایش نیافته است، توضیح: در سال ۱۳۸۰ حداقل دستمزد کارگر ۵۷ هزار تومان بوده است و قیمت سکه ٦٠ هزار تومان بوده است اما هم‌اکنون قیمت سکه ٤ میلیون و حداقل دستمزد یک‌میلیون و چهارصد هزار تومان می‌باشد درحالی‌که اگر تناسب رعایت شده بود هم‌اکنون باید یا سکه یک‌میلیون و چهارصد هزار تومان می‌ماند و یا اینکه حداقل دستمزد ٤ میلیون تومان باشد، حال اگر در سال ۸۰ طرح رواج سکه‌ی پولی طلا اجرایی شده بود هم‌اکنون قیمت‌ها ثابت مانده بود و سکه به ٤ میلیون تومان نمی‌رسید و این شکاف حقوق کارگر و رشد تورم جامعه حل‌شدنی نیست مگر اینکه کارهای زیر بنایی زیادی انجام گردد که یکی از آن کارها رواج سکه‌ی پولی طلا بین مردم است البته اقتصاددان‌های غربی برای توجیه تورم با چرب‌زبانی مردم را دائماً فریب می‌دهند اما باید جواب دهند چرا ارزش پول ملی ما در ٤٠ سال گذشته بیش از ۱۵۰۰ برابر کاهش‌یافته است؟ دلار ۷ تومان به ۱۱ هزار تومان رسیده و به‌زودی به ۲۰ هزار تومان می‌رسد، آقایان میگویند حباب است و یا دلایل روانی دارد و ... سؤال این است که چرا این حباب برای دلار پیش نمی‌آید؟ اگر حباب است و دروغ است شما ریال از مردم بگیرید و دلار تحویل دهید، اگر افزایش قیمت سکه حباب است شما پول‌ها را از مردم بگیرید و طلا تحویل دهید، معیارِ ارزشِ پول کشورهای بی‌طرف است اگر می‌خواهیم بدانیم ریال چه مقدار ارزش دارد باید نگاه کنیم در کشورهای بی‌طرف صرافی‌ها یک دلار را با چند ریال مبادله می‌کنند باید ببینیم طلافروش‌های کشورهای بی‌طرف که با ریال و دلار سروکار ندارند اگر ۱ میلیون تومان بدهیم چه مقدار طلا تحویل می‌دهند؟ جوانی که در سال ۸۰ ازدواج‌کرده و ١٤ سکه برای همسر خود مهریه قرار داده است اگر می‌خواست مهریه همسر خود را بپردازد در آن زمان اگر

کارکرد ۱۵ ماه خود را به همسر خودپرداخت می‌کرد مهریه را پرداخت کرده بود اما در این زمان اگر ٤٠ ماه حقوق خود را پرداخت نماید می‌تواند ١٤ سکه پرداخت کند پس از سال ۸۰ تاکنون حقوق کارگر متناسب با تورم رشد نکرده است درآمد یک ماه کارگر در سال ۸۰ برابر ۲,٦ ماه درآمد کارگر در سال ۹۷ است یعنی اگر کارگری در این زمان با ۲,٦ شغل کار کند ازنظر معیشتی برابر می‌کند با یک کارگر که در سال ۸۰ با یک شغل کار می‌کرده یعنی اگر یک مرد در سال ۸۰ با یک شغل کار می‌کرده وزندگی را اداره می‌کرده در این سال اگر زن و مرد باهم کار کنند بازهم ازنظر معیشتی به‌اندازه‌ی سال ۸۰ نیستند و عقب‌تر هستند لذا بی‌جهت نیست سن ازدواج بالا رفته است، زن و شوهر باهم کار می‌کنند تا از عهده‌ی مخارج زندگی برآیند، بی‌جهت نیست که عموم مردم رغبت ندارند چندین فرزند داشته باشند بی‌جهت نیست مردم در فکر مهاجرت از ایران هستند، بی‌جهت نیست ازدواج کم شده و در عوض فحشا زیاد شده است و ... اما اگر این قاعده اجرا شود شاهد شکاف بین حقوق کارگر و تورم نخواهیم بود اگر این طرح اجرایی شود حقوق کارگر امروز ۷ سکه‌ی پولی طلای ۲۰۰ هزارتومانی است که معادل نیم‌سکه‌ی طرح امامی است ده سال دیگر نیز حقوق کارگر نیز همین ۷ سکه است و قیمت سکه‌ی طرح امامی همین ٤ میلیون تومان است ولی اگر قیمت جهانی طلا دو برابر شده باشد بدان معنی است که قیمت‌ها در ایران ثابت مانده ولی ارزش‌های پولی زیاد شده و بدون افزایش حقوق و قیمت‌ها تورم را در ایران کنترل کرده و در مقایسه با تورم جهانی ارزش کالاهای ایرانی بالا رفته و در عوض تمامی پول‌های جهانی در برابر پول ایران بی‌ارزش شده و سقوط نموده است، البته اینجا مطالب دقیق‌تری وجود دارد که مجال گفتن نیست.نکته‌ی هفتم: ما می‌توانیم در ابتدا نوعی عمل نماییم که دلار تثبیت‌شده را از ده هزار تومان را به پنج هزار تومان ثابت نماییم که البته سخت می‌باشد ولی اساسی است.نکته‌ی هشتم: برای اجرایی نمودن این طرح بعد از تصویب آن اشکال مختلفی متصور است که در یک نوع آن می‌توان قبل از پخش پول جدید بازار را کنترل نمود. نکته‌ی نهم: گفته‌ایم می‌توان یک دلار را معادل یک ریال نمود که اولاً بدون رفع بحران خشک‌سالی امکان ندارد و برای اجرایی نمودن آن حقیقتاً یک انقلاب اقتصادی لازم است ولی در چشم‌انداز پنجاه‌ساله می‌توان به این مطلب دست‌یافت که در این مدت

ازنظر اقتصادی هرروز بهتر از روز قبل می‌باشد، کما اینکه در چهل سال گذشته ازلحاظ اقتصادی هرروز از روز قبل ... بله در این صورت تورم سقوط مکیند، البته بعضی از کشورها برای تقویت پول ملی اقدام به حذف صفر از پول می‌کنند که البته فایده‌ای ندارد که حتی دیده‌شده تا پنج صفر را از پول ملی حذف می‌کنند حقیقتاً هم‌اکنون پنج صفر در پول ما زیاد می‌باشد که پیشنهاد ما حذف صفر نیست. برای تبیین این طرح مثالی را فرض می‌نماییم : فرض کنید هم‌اکنون فردی کوزه‌ای پر از پول‌های طلای زمان ساسانیان پیدا کند که ۱ کیلوگرم وزن آن سکه‌ها می‌باشد این پول‌ها چه مقدار ارزش دارد ؟ حال فرض کنید شخصی در زمان ما دو چمدان اسکناس را پنهان کند و ۵۰۰ سال دیگر این اسکناس‌ها توسط گروهی کشف شود در آن زمان اسکناس‌ها چه مقدار ارز دارد ؟ جواب واضح است گذر زمان پول‌های طلا را بی‌ارزش نمی‌کند بلکه با گذر زمان پول طلا ارزشش متناسب با تغییر قیمت طلا افزایش پیدا می‌کند ولی پول کاغذی هرلحظه در حال کم‌ارزش‌تر شدن است تا جایی که ارزشش به‌اندازه‌ی برگ کاغذی می‌باشد. در اینجا متخصصین اقتصادی و بانک مرکزی باید پاسخ دهند: آیا راهی بهتر از این برای کنترل تورم و بی‌ارزش‌تر شدن پول ملی سراغ دارند ؟ و اگر ما اشتباه می‌کنیم باید دلایل خود را اعلام نمایند، فرض می‌کنیم تاکنون متخصصین اقتصادی و بانک ملی این مطلب را نمی‌دانستند و خیانتی پشت پرده نبوده است اما آیا اگر دلیل موجهی برای عملیاتی نمودن این طرح نباشد بازهم می‌توان گفت خیانتی در پشت پرده شکل نگرفته است؟ باید دانست سرمایه‌داران مخالف این طرح می‌باشند زیرا این طرح در حقیقت به نفع پابرهنگان بوده و سرمایه‌داران هستند که با جمع‌آوری طلا و نقره و رواج اسکناس اسباب فقیرتر شدن فقرا را فراهم آوردند . با اجرایی نمودن این طرح هیچ توجیهی برای افزایش قیمت کالاهایی که با رشد دلار افزایش پیدا می‌کنند در داخل ایران وجود ندارد به خلاف دیگر کشورها /با اجرایی نمودن این طرح کشورهای دیگر مجبور می‌شوند مانند ایران عمل نمایند که در غیر این صورت محکوم‌به شکست اقتصادی هستند / با اجرایی نمودن این طرح هزینه‌ی زیادی که برای جایگزینی پول‌های فرسوده هزینه می‌شود حذف می‌گردد / قیمت‌گذاری اولیه و مقدار طلای سکه‌ی طلایی بسیار مهم می‌باشد چراکه در حقیقت این سکه ترازویی برای سنجش همه‌چیز می‌باشد لذا مطالب دقیقی در اینجا وجود

دارد. اعلام می‌کنیم کشورهای فقیر کمترین پشتوانه‌ی پولی رادارند و عجیب این است که آمریکا نیز که قدرت برتر پولی است کمترین پشتوانه‌ی پولی را دارا است که توضیحاتی دارد/ پیش بینی میشودبعد از ضرب سکه در عرض چند ماه این سکه فراگیر شود و فراگیری آن بستگی به سرعت عمل ما دارد. اعلام می‌کنیم در حالت نجومیِ بی‌نظیری هستیم که می‌توان از طرق غیرعادی در عرض دو ماه خشک‌سالی ایران را برطرف نمود و ریشه‌ی اصلی تمامی بحران‌های کشور را برطرف نمود اگر تاریخ ۹۷,٦,٥ بگذرد و این کار را عملی ننماییم باید یک سال منتظر ماند و البته در طول این مدت تمامی بحران‌ها بیشتر می‌گردد و هیچ بحرانی از بحران‌های زیست‌محیطی و اقتصادی و فرهنگی و ... پایان نمی‌یابد و تمامی بحران‌ها و اعتراض‌ها بیشتر می‌گردد، پول ملی سقوط می‌کند و دلار افزایش میابد و تورم بیشتر می‌گردد و اعتراض‌های به‌حق مردمی تغییر ماهیت داده و به آشوب و فتنه تبدیل می‌شود پس اگر می‌خواهیم برای جنگ اقتصادی قدم اساسی برداریم در ابتدا باید خشک‌سالی را برطرف نمود، خون‌هایی که ریخته می‌شود نتیجه‌ی وضعیت خراب اقتصادی و خشک‌سالی و بی‌تدبیری‌هاست.
شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد) tvshia.com- کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸- ۹۷,٥,۱۰

**قطره‌ی ۹۸ از کتاب هزار و یک قطره چگونگی مبارزه با تورم و افرایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار؟ اصلاح پول ایران قسمت دوم- این نوشتار قسمتی از جزوه‌ی بانکداری اسلامی میباشد**

پیشنهاد ما برای کنترل افزایش دلار و سکه و طلا، کنترل تورم، یکسان‌سازی درآمد با تورم بدون افزایش قیمت‌ها و کنترل سقوط ریال ایجاد یک واحد پول طلایی جدید در معاملات بود که تمام چشم‌اندازهای ترسیم‌شده با این تکنیک اجرایی می‌شود مثلاً می‌توان تمامی تراولهای ۵۰ هزارتومانی را جمع و ابطال نمود و در عوض سکه‌ی طلایی

۵۰ هزارتومانی را در معاملات جایگزین نمود که البته مطلب بسیاری وجود دارد که مختصراً برای تبیین مطلب فروض مختلفی را بررسی می‌کنیم

۱- **دلار:** اگر این طرح اجرایی نشود دائماً دلار گران‌تر و ریال سقوط می‌کند کما اینکه در اوایل انقلاب دلار ۷ تومان بوده و هم‌اینک به ۱۱ هزار تومان رسیده است اما با اجرایی شدن این طرح با گران شدن قیمت جهانی طلا قیمت ریال نیز افزایش میابد زیرا در این صورت ریال چیزی جز طلا نمی‌باشد و با گرانی طلا ریال گران شده و دلار سقوط می‌کند، یعنی تا دیروز قیمت سکه‌ی ۵۰ هزارتومانی ۵ دلار بوده است ولی اگر قیمت طلا دو برابر شود قیمت این سکه می‌شود ۱۰ دلار یعنی به‌اندازه‌ی تورم جهانی طلا ریال افزایش قیمت و دلار کاهش قیمت خواهد داشت، با روال موجود دلار تا قبل از ۱۴۰۰ ه‌ش به‌راحتی به ۲۰ هزار تومان می‌رسد.

۲- **سکه:** اوایل انقلاب سکه ۴۲۵ تومان بوده است و هم‌اکنون به ٤ میلیون تومان رسیده است اگر این طرح اجرایی نشود سکه به‌راحتی به ۸ میلیون تومان می‌رسد اما اگر این طرح اجرایی شود سکه و طلا در قیمت ثابت خود باقی می‌ماند و با دو برابر شدن قیمت جهانی طلا ارزش پول ما دو برابر می‌شود اما قیمت‌ها ثابت می‌ماند یعنی هیچ‌گاه تورم جهانی بر ایران وارد نمی‌شود.

۳- **شکاف بین حقوق کارگر و تورم:** در سال ۸۰ حقوق یک کارگر تقریباً ٦۰ هزار تومان بوده است و قیمت سکه هم همین حدود بوده ولی هم‌اکنون حقوق کارگر یک‌میلیون و چهارصد هزار تومان و سکه چهار میلیون تومان می‌باشد، یعنی بین رشد تورم و حقوق کارگر شکاف عظیمی وجود دارد یعنی حقوق دو ماه و نیم کارگر در سال ۹۷ برابر با یک ماه حقوق کارگر در سال ۸۰ می‌باشد درحالی‌که اگر این طرح اجرایی شده بود این شکاف ایجاد نمی‌شد مثلاً در سال ۸۰ حقوق کارگر یک سکه‌ی پولی طلایی ٦۰ هزارتومانی بوده و هم‌اینک نیز همان است، واضح است تورم و افزایش قیمت‌ها تنها مربوط به سکه نمی‌باشد بلکه صدها جنس دیگر به‌تبع گرانی دلار و سکه افزایش‌یافته است مانند مسکن پس می‌توان گفت فشار تورم بر طبقه‌ی کارگر بسیار بیش از آن چیزی است که بیان شد.

٤- **هجوم مردم برای تبدیل ریال به دلار و سکه:** واضح است مردم برای اینکه ارزش پولشان کم نشود دائماً ریال را به اجناس قیمتی مانند دلار و سکه تبدیل می‌کنند و

این امر سبب گرانی طلا و سکه و ... می‌شود حال اگر ما پول طلایی در دست مردم قرار دهیم هیچ‌گاه مردم برای پایین نیامدن ارزش پول ریال را به طلا و دلار تبدیل نمی‌کنند دلیل آن واضح است زیرا که سکه‌ی طلایی پولی همان طلا است و با بالا رفتن قیمت جهانی طلا ارزش این پول هم زیاد می‌شود پس معنایی ندارد که ریال را تبدیل به دلار و یا سکه نمایند بلکه قضیه برعکس می‌شود یعنی مردم برای اینکه ارزش پولشان پایین نیاید دلار را تبدیل به سکه‌های طلایی می‌نمایند.

۵- **رونق پول ملی:** درصورتی‌که این واحد پولی جدید وارد معاملات شود پول ملی رونق می‌گیرد و دلیل آن این است که پول ملی به شیء باارزشی می‌شود که با رشد تورم جهانی رشد می‌کند و متضرر نمی‌شوند و این همان چیزی است که همگان به دنبال آن هستند به خلاف این زمان که هر که پول داشته باشند متضرر می‌شود چراکه ارزش پولی که در اختیار دارد هرسال نسبت به سال قبل کاهش میابد.

٦- **کنترل تورم در جامعه:** معمولاً گفته می‌شود فلان جنس گران شد زیرا قیمت جهانی طلا افزایش یافت و گرانی طلا به گرانی ریال و اجناس سرایت می‌کند درحالی‌که اگر سکه‌ی پولی طلا در معاملات وارد گردد گرانی طلا به ریال منتقل نمی‌شود و مانع تورم اجناسی می‌گردد که با گرانی طلا گران می‌شوند.

۷- **اگر می‌خواهیم اقتصاد ایران ویران گردد سکه‌ی بهار آزادی ضرب کنیم و اگر می‌خواهیم اقتصاد ایران آباد جلوی ضرب سکه‌ی بهار آزادی را گرفته و سکه‌ی پولی طلا ضرب کنیم:** ضرب سکه‌ی بهار آزادی سبب بالا رفتن قیمت طلا می‌گردد و دولت برای کنترل قیمت سکه مجبور است دائماً سکه‌ی جدید ضرب نماید و شاهد بودیم تنها در سال ۹۷ هفت میلیون و شش‌صد و پنجاه‌هزار سکه‌ی طلا ضرب نمود که دیدیم قیمت سکه کنترل نشد که هیچ بلکه تا بیش از ۲ برابر افزایش قیمت داشت پس ضرب سکه‌ی بهار آزادی سبب کنترل قیمت سکه نمی‌شود بلکه باعث کم‌ارزش شدن پول ملی و افزایش قیمت‌ها می‌شود بلکه ضرب سکه‌ی بهار آزادی در حقیقت خارج نمودن طلا از اقتصاد ملی می‌باشد زیرا مردم برای کم‌ارزش نشدن سرمایه‌ی خود دائماً ریال را به سکه تبدیل کرده و به امید گران شدن سکه که در حقیقت به امید بی‌ارزش شدن ریال است آن را نگاه می‌دارند بله در حقیقت ضرب سکه‌ی بهار آزادی خارج نمودن طلا از چرخه‌ی اقتصاد ملی می‌باشد چراکه جایگاه سکه‌ی طلا در گاوصندوق‌ها

می‌باشد و در چرخه‌ی اقتصادی جایگاهی ندارد اما اگر همین طلا را که صرف ضرب سکه‌ی طلا می‌کنیم تبدیل به سکه‌ی پولی طلا نماییم در حقیقت سرمایه‌ی ملی را وارد معاملات پولی کرده‌ایم و از گاوصندوق‌ها به چرخه‌ی اقتصاد وارد نموده‌ایم و هیچ‌کس اقدام به نگاهداری سکه به امید گران شدن آن نخواهد نمود چراکه این سکه پول است به خلاف سکه‌ی بهار آزادی که پول نمی‌باشد بلکه دارایی فردی و ثروت است و گران شدن آن تنها به جیب عده‌ای خاص می‌رود و عموم ملت از این تورم جهانی طلا بی‌نصیب هستند، اما اگر سکه‌ی پولی طلا ضرب کنیم گرانی جهانی طلا به نفع ملت است.

۸- **ضرب سکه‌ی بهار آزادی سبب تضعیف پول ملی می‌باشد اما ضرب سکه‌ی پولی طلا تقویت پول ملی می‌باشد:** در اوایل انقلاب سکه ٤٢٠ تومان بوده است و هم‌اکنون به ٤ میلیون تومان رسیده است و به‌تبع آن تمامی اشیاء شاهد همین تورم بلکه بیشتر بوده‌اند درحالی‌که اگر از ابتدا سکه‌ی پولی طلا ضرب می‌نمودیم با افزایش قیمت طلا پول ایران ارزش بیشتری پیدا می‌نمود با یک حساب‌وکتاب ساده معلوم می‌شود اگر این طرح در اوایل انقلاب عملی شده بود و سکه‌ی ٤٢٠ تومانی طلا ضرب نموده بودیم دلار از ۷ تومان اوایل انقلاب در این زمان به ۱ ریال مساوی ۵ دلار رسیده بود نه اینکه هم‌اکنون یک دلار مساوی با ۱۱۰ هزار ریال باشد.

۹- **سردمداران اقتصادی کشور هیچ توجیهی برای ضرب سکه‌ی بهار آزادی ندارند** و فکر می‌کنم این عملکرد نتیجه‌ی اقتصاد بر پایه‌ی مؤلفه‌های غربی باشد و چه‌بسا عوامل اقتصاددان نفوذی در این جریان نقش داشته باشند به‌هرحال دانشمندان اقتصادی ما علوم خود را از غرب آموخته‌اند و علوم غربی مخصوصاً در حوزه‌ی اقتصاد و علوم انسانی در خدمت نظام سرمایه‌داری و سرکیسه نمودن توده‌ها می‌باشد و الا چه توجیهی دارد طلا که جنس باارزشی است را با ضرب سکه‌ی بهار آزادی از چرخه‌ی اقتصاد ملی خارج نماییم؟

۱۰- **مردم به چه دلیل سکه و دلار خریداری می‌کنند؟** دلیل آن جلوگیری از کم‌ارزش شدن سرمایه است که اگر پول در دست داشته باشند دائماً ارزش پول کم می‌شود لذا پول را تبدیل به سکه و دلار می‌نمایند حال اگر سکه‌ی پولی طلا را در معاملات وارد نماییم ارزش پول کم نمی‌گردد بلکه با رشد جهانی طلا ارزش پولی که در دست دارند

نیز بیشتر می‌شود لذا مردم به خرید سکه و طلا روی نمی‌آورند چراکه می‌دانند پولی که در دست دارند ارزشمند می‌باشد و لذا با خیال راحت به امور اقتصادی خود می‌پردازند.

۱۱- **بازگشت ثبات در بازار:** در این زمان شاهد هستیم فروشندگانی که جنس دارند حتی با سود هم حاضر نیستند جنس خود را بفروشند زیرا اگر امروز این جنس را با سود بفروشند فردا باید پول بیشتری بدهند تا همان جنس را خریداری کنند و این‌ها نتیجه‌ی بی‌ارزش شدن دائمی ریال است که با این طرح این روند متوقف می‌شود، زیرا ریال ثبات پیدا می‌کند و بالا رفتن قیمت جهانی طلا بر روی ریال اثر منفی ندارد بلکه اثر مثبت خواهد داشت و دلار نیز یکسان‌سازی می‌شود.

۱۲ - **سؤال اساسی که باید بانک مرکزی پاسخ دهد** این است که: ۱ چرا قیمت سکه در مقایسه با بازار جهانی این مقدار بالا می‌باشد؟ ۲: از اول انقلاب تاکنون چه مقدار سکه در ایران ضرب نموده است؟ ۳ طلایی که برای ضرب سکه استفاده می‌شود از کجا به دست میاید آیا این مقدار طلا تولید می‌نماییم یا اینکه از خارج خریداری می‌شود و یا اینکه از ذخایر ارزی طلا استفاده می‌شود؟ این سه سؤال توضیحات مفصلی دارد و بسیار راهگشا می‌باشد که در این مختصر فرصت نمی‌باشد.

۱۳ - **یکی از مشکلات اقتصاد ایران این است که هیچ‌چیز ثابتی در ایران وجود ندارد** که اجناس با آن سنجیده شود و قیمت‌های درون ایران را خارج از ایران تعیین می‌کنند، قیمت همه‌چیز به طلا بستگی دارد و طلا در خارج از ایران قیمت‌گذاری می‌شود و قیمت ریال هم به دلار بستگی دارد که دشمنی صاحب دلار با ملت ایران روشن‌تر از آفتاب است، این شناور بودن قیمت‌ها آسیب جدی به اقتصاد ما وارد می‌کند، ضرب سکه‌ی پولی طلای ۵۰ هزارتومانی این مشکل را برطرف می‌نماید زیرا با افزایش قیمت جهانی طلا ارزش پول طلایی ما بیشتر می‌شود ولی قیمت‌ها تغییر نمی‌کند چراکه پول ما کاغذی نیست بلکه پول ایران طلایی است و مستقیم با طلا ارتباط دارد، در حقیقت با این کار ما در ایران ترازوی ثابتی برای سنجش اقتصاد خواهیم داشت درحالی‌که هم‌اکنون برای اقتصاد ایران چنین ترازویی وجود ندارد، در حقیقت سکه‌ی طلایی ۵۰ هزارتومانی گذشته از اینکه پول می‌باشد ترازوی ثابت برای سنجش امور اقتصادی

می‌باشد و البته تا زمانی که این ترازو برای اقتصاد تولید نشود اقتصاد هیچ معیار و مبنایی ندارد.

۱٤ - **یکی از راه‌های دیگر برای اصلاح پول در ایران استفاده از نخ طلا در پول می‌باشد** به این معنی که هم‌اکنون که در پول‌ها از نخ پول استفاده می‌شود می‌توان بجای آن از نخ طلایی استفاده نمود و در هر پول به مقدار ارزش آن پول طلا در آن قرارداد لذا در این صورت اسکناس‌ها ارزششان به خودشان می‌باشد و در حقیقت پشتوانه‌ی پولی را در خود اسکناس قرارداده‌ایم و با بالا رفتن قیمت طلا ارزش این اسکناس نیز بالا می‌رود و در این صورت مانع سقوط ریال و رشد دلار و بالا رفتن قیمت طلا خواهیم شد.

۱۵ - **اگر نظام پولی ایران را اصلاح نکنیم دلار به‌راحتی به ۲۰ هزار تومان و سکه به‌راحتی به ۸ میلیون تومان خواهد رسید** در طول ٤۰ سال گذشته دلار از ۷ هزار تومان به ۱۱ هزار تومان و سکه از ٤۲۵ تومان به ٤ میلیون تومان رسیده است یعنی در هر ٤ سال قیمت سکه و دلار دو برابر قبل شده است که البته این رشد در دلار بیشتر بوده است نکته‌ی قابل‌تأمل اینجاست که رشد تصاعدی دلار و سکه و بقیه‌ی اجناس سرعت بیشتری گرفته است.

۱٦- **هر کشوری که سریعاً از پول کاغذی که ارزش توهمی بیش نیست دست بردارد و به ارزش واقعی روی آورد** تمامی اقتصادها را به چالش خواهد کشید و تبدیل به قدرت اقتصادی می‌گردد واضح است کشورهای دیگر برای جلوگیری از سقوط ارزی راهکارهایی را اتخاذ می‌نمایند که یکی از آن راهکارها پیروی از همین الگو می‌باشد و لذا در این عرصه می‌توانیم الگو و پیش‌قدم باشیم.

۱۷- **خسارت وام‌دهنده به علت کم‌ارزش شدن ریال** فرض کنیم شخصی ٤۰ سال پیش ۸۵۰ تومان وام به کسی داده و امروز می‌خواهد پول خود را پس بگیرد چه مقدار باید به او داده شود؟ قرض گیرنده می‌گوید ۸۵۰ تومان بدهکار بودم و وام‌دهنده می‌گوید ۸۵۰ تومان آن زمان یعنی ۲ سکه‌ی بهار آزادی چراکه سکه در آن زمان ٤۲۵ تومان بوده است و لذا الآن باید به من به‌اندازه‌ی ۲ سکه که می‌شود ۸ میلیون تومان پس بدهی؟ حق با چه کسی است؟ هر دو درست میگویند ولی با یک حساب باید ۸۵۰ تومان داده شود و با یک حساب باید ۸ میلیون تومان داده شود که از این نوع

جدال و ستیز بسیار دیده‌شده است مثلاً در مورد مهریه و پرداخت سکه: در سال ۸۰ حقوق کارگر هرماه به‌اندازه‌ی یک سکه بوده و کسی که ۱۴ سکه بدهکار بوده با ۱۴ ماه کار می‌توانست مهریه را پرداخت نماید اما هم‌اکنون که حقوق کارگر یک‌میلیون و چهارصد هزار تومان و سکه چهار میلیون است یک کارگر باید حقوق ۴۰ ماه خود را پرداخت نماید تا ۱۴ سکه را پرداخت کرده باشد و مرد می‌گوید من زمانی که سکه مهر کرده‌ام قیمت ۱۴ سکه هشت‌صد و چهل هزار تومان می‌شده و همین مقدار مهریه بدهکارم و زن می‌گوید سکه مهر من است و باید یا اینکه ۱۴ سکه بدهی و یا اینکه قیمت روز آن‌که می‌شود پنجاه‌وشش میلیون تومان را بدهی تمامی این امور به علت وجود نداشتن شیء ثابت برای سنجش امور اقتصادی می‌باشد که اگر سکه‌ی پولی طلای ۵۰ هزارتومانی وارد معاملات شود تمامی این امور مهلک برطرف می‌شود شخصی که هم‌اکنون یک‌میلیون تومان بدهکار است یعنی ۲۰ سکه طلایی ۵۰ هزارتومانی و صدسال هم بگذرد همین مقدار با همین ارزش بدهکار می‌باشد و با گذر زمان چیزی از ارزش کم و یا زیاد نمی‌گردد لذا وضعیت کنونی باعث شده تا قرض‌الحسنه منسوخ گردد چراکه کسی که وام می‌دهد در حقیقت ضرر کرده است زیرا سال بعد اگر بخواهد پولی را که داده است پس بگیرد در حقیقت ارزش پولش کم گردیده است و همین منوال در رابطه با ازدواج زیرا زن سکه طلب می‌کند و مرد می‌داند که ارزش سکه دائماً زیاد می‌گردد و این عدم ثبات باعث کم رونق شدن ازدواج می‌گردد.

**۱۸- اگرچه که اهمیت اصلاح پول ملی بسیار زیاد بوده و اقتصاد ما بستگی با آن دارد اما اعلام می‌داریم اقتصاد آینده در اختیار کسانی است که بیشترین آب رادارند** و سریعاً خود را از خشک‌سالی نجات دهند زیرا با افزایش گرما و کم شدن نزولات آسمانی کشورها در تأمین منابع غذایی به مشکل برمی‌خورند و تمامی معادلات اقتصادی دچار شکست می‌شوند الا کشورهایی که آب‌دارند زیرا بدون طلا می‌توان زندگی کرد ولی بدون آب نمی‌توان زندگی نمود در آینده‌ی نزدیک طلا و بلکه تمامی سرمایه‌ها در مقابل آب و غذا بی‌ارزش می‌گردد پس در حقیقت ثروتمندترین کشورها پرآب‌ترین کشورها خواهند بود و تورم قیمت آب و محصولات کشاورزی از تورم قیمت طلا بسیار بیشتر خواهد بود پس راهکار اصلی ثروت و قدرت و حیات در آب

است کشورهایی که آب‌دارند به‌راحتی با فروش آب و محصولات کشاورزی طلا را از کشورهای ثروتمند خارج می‌نمایند و بعد از مدتی توانایی خواهند داشت ملت‌ها را به بردگی بکشند واضح است قدرت اقتصادی بقیه‌ی قدرت‌ها را نیز در دست خواهد داشت مانند قدرت نظامی و فرهنگی و سیاسی و ... پس اگر به دنبال اقتصاد و فرهنگ هستیم مشکل آب را برطرف نماییم اگر به دنبال پیشرفت و حیات و انسجام ملی و فرهنگ و اقتدار و ... هستیم آب را برطرف نماییم که ریشه‌ی تمامی بحران‌های ما از خشک‌سالی است و تا آب نیاید مشکلی برطرف نخواهد شد بالفرض که ما نظام پولی خود را اصلاح نمودیم اما اگر آب نباشد مجبوریم تمامی سرمایه‌های انسانی و خدادادی و منابع طبیعی و ... را بدهیم تا غذایی به دست آورده و از مرگ نجات یابیم و این نقشه‌ی شوم تا جایی ادامه دارد که جمعیت زیادی در کام مرگ کشیده شده و جمعیت زیادی اسیر دشمنان گردند و این واقعه چیز عجیبی نیست درحالی‌که در صدسال گذشته ایران شاهد سه خشک‌سالی بزرگ بوده که تنها دریکی از آن وقایع ۱۱ میلیون ایرانی یعنی ٤٠% جمعیت ایران به مرگ دچار گردید اعلام می‌نمایم در دو ماه از طریق غیرعادی می‌توان خشک‌سالی ایران را برطرف نمود و اگر زمان مشخص سال ۹۷ نیز مانند ۹٦ بگذرد و کلام ما مسموع نشود آشوب‌ها و ریخته شدن خون‌هایی درراه است که هیچ راهی برای مهار آن وجود ندارد چراکه ریشه‌ی آن اعتراض‌های به اغتشاش کشیده شده اقتصاد است و اقتصاد ایران تا آب نیاید جان نگیرد و رشد خشک‌سالی مساوی با خشکی اقتصاد است و هرسال از سال قبل خشک‌سالی شدت می‌گیرد و نتیجتاً هرسال نسبت به سال قبل اقتصاد ویران‌تر می‌گردد و نتیجتاً هرسال از سال قبل آشوب و فتنه و نارضایتی بیشتر می‌گردد، بله در مدت دو ماه از طریق غیرعادی می‌توان آسمان را به سمت ایران شیب‌دار نمود و در ایران چاله‌ی جوی ایجاد نمود و آب را از تمامی سرزمین‌ها به ایران وارد نمود قطرات ۹۳،۷۳،۹۲،۹٤،۱۰۰۰،۱۰۰۱ علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@
اینستاگرام:khoshksali۹٦ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸- ۹۷,٥,۱٦

**قطرهٔ ۹۹ از کتاب هزار و یک قطره چگونگی مبارزه با تورم و افزایش قیمت دلار و مبارزه با بالا رفتن قیمت سکه، مساوی سازی حقوق کارگر با تورم و ثبات قیمت‌ها در بازار؟ اصلاح پول ایران قسمت سوم- این نوشتار قسمتی از جزوهٔ بانکداری اسلامی می‌باشد- پاسخ به چند سؤال و شبهه**

بسم الله الرحمن الرحیم راهکار ما ضرب سکه پولی طلای ۵۰ هزارتومانی و باطل نمودن تمامی تراولهای ۵۰ هزارتومانی بود، مشکل پول‌های کاغذی چیست؟ مشکل این است که پول کاغذی سند است ولی سند برای چه چیزی معلوم نمی‌باشد تا زمانی که معلوم نباشد پول سند برای چه چیزی است تورم، سقوط ریال و افزایش دلار و فاصله‌ی بین تورم و درآمد و گرانی باقی است و می‌توان حقیقتاً فقیرتر شدن فقرا و اختلاف طبقاتی و مشکلات اقتصادی را از جانب رؤسای بانک دانست که معلوم نمی‌کنند پول چه ارزشی دارد که اگر ارزش اسکناس معلوم شده بود تمامی این مشکلات برطرف می‌شد، با ضرب سکه‌های پولی طلا تمامی این مشکلات برطرف می‌شود و ارزش اسکناس که در حقیقت سند است معلوم می‌شود. یکی از فواید رواج سکهٔ پولی طلا این است که اجناس خارجی لحظه‌به‌لحظه ارزان می‌شود، هم‌اکنون بسیاری از اجناس احتکار می‌شوند، دلیل آن این است که با سقوط دائمی ریال فروشندهٔ جنس ضرر می‌کند زیرا جنسی را هم‌اکنون با دلار ۵ هزار تومان خریده اگر جنس را بفروشد فردا مجبور است همان جنس را با دلار ۱۰ هزار تومان بخرد پس در حقیقت اگر جنسی را امروز بفروشد فردا باید گران‌تر بخرد پس بهتر است جنس را نفروشد و لذا احتکار شکل می‌گیرد اما اگر سکهٔ پولی طلا وارد معاملات گردد امربر عکس می‌شود و دلیل آن واضح است زیرا دائماً دلار و بقیهٔ ارزها در مقابل ریال طلایی ایران کم‌ارزش‌تر می‌شود و لذا اجناس وارداتی دائماً ارزان‌تر می‌گردد پس واردات بی‌رویه و بی‌حساب‌وکتاب اجناس به ضرر واردکننده خواهد بود مگر اینکه بتوانند سریعاً اجناس خود را بفروشند زیرا فردا دلار ارزان‌تر می‌شود و نتیجتاً جنس وارداتی فردا از امروز ارزان‌تر خواهد بود لذا از این طریق می‌توان از واردات بی‌رویهٔ اجناس خارجی جلوگیری نمود و این امر باعث رواج تولیدات داخلی می‌گردد، ممکن است بگویند در

این صورت تولید داخلی کاملاً زمین می‌خورد زیرا اجناس خارجی روزبه‌روز ارزان‌تر خواهد شد و بدیهی است جنس خارجی ارزان‌تر و باکیفیت‌تر از جنس داخلی موجب خرید اجناس خارجی می‌شود، در اینجا سه راهکار پیشنهاد می‌شود که اجمالاً بیان می‌شود: یا اینکه: با مالیات می‌توان قیمت اجناس وارداتی را کنترل نمود راهکار دوم: تولیدکننده‌های خارجی، محصولات را درون ایران تولید کنند که این امر سبب می‌شود مشاغل زیادی در ایران ایجاد شود و فناوری‌ها و تکنولوژی عملاً به مردم ایران هدیه داده شود. راهکار سوم که این راهکار خوب است اینکه: رویکرد تولید را در ایران تغییر دهیم مثلاً تولیدات خارجی مانند خودرو را از خارج وارد نماییم و ظرفیت تولید داخلی را به سمت تولیداتی که ورود نداریم هدایت کنیم که مشخصاً منظور ما در مورد تولید ماشین‌آلات کشاورزی می‌باشد که ما درزمینهٔ تولید این ماشین‌آلات سهم بسیار پایین در بازار داخلی و صادرات داریم که البته در رابطه با محصولات مختلف به‌حسب مورد موضع‌گیری‌ها متفاوت است مثلاً در رابطه با محصولات خانگی- می‌گویند ضرب سکهٔ طلا باعث خارج شدن طلا از کشور می‌شود، اولاً اگر بنا به خارج کردن طلا باشد خوب در رابطه با سکهٔ بهار آزادی هم این اشکال می‌باشد هر توجیهی که برای ضرب سکهٔ بهار آزادی وجود دارد در اینجا هم وجود دارد و اگر آنجا اشکالی وجود ندارد اینجا هم وجود ندارد ثانیاً آنچه باعث خروج طلا از کشور می‌باشد سکهٔ بهار آزادی است و نه سکه‌ی پولی طلا زیرا سکه مال شخصی و در مالکیت شخص است اما پول در مالکیت ملت است. ثالثاً: با خروج سکهٔ پولی طلا از کشور در حقیقت دلار از خارج وارد ایران شده است و می‌توان با اموری مقدار خروج سکه‌ی طلا را از کشور را حساب نمود و در عوض با دلارهایی که وارد کشور شده طلا خریداری نمود و تبدیل به سکهٔ پولی طلا نمود. رابعاً می‌توان با یک ترفند کاری کرد که هر فردی که سکهٔ پولی طلا را از کشور خارج کند مجبور باشد آن را دوباره به‌نظام معاملاتی ایران برگرداند و روش چنین است که می‌توان در سکه‌ی پولی ۵۰ هزارتومانی ٤٥ هزار تومان طلا قرارداد و ۵ هزار تومان آن را به‌عنوان پشتوانه نگاه داشت در این صورت کسی که این سکه را تهیه‌کرده به‌اندازهٔ ۵۰ هزار تومان هزینه کرده حال اگر به خارج

ببرد و از نظام معاملاتی خارج کند در حقیقت ۵ هزار تومان ضرر کرده و ۵ هزار تومان به نفع اقتصاد ملی کارکرده است و اگر پول را به سیستم معاملاتی برگرداند فبها المراد، در اینجا ممکن است کسی بگوید ممکن است سکه‌های طلا را مردم به زیورآلات تبدیل کنند که جواب آن داده‌شده زیرا در حقیقت سکهٔ ۵۰ هزارتومانی ٤٥ هزار تومان طلا دارد اگر سکه را آب کنند و به زیورآلات تبدیل کنند ۵ هزار تومان ضرر کرده‌اند، این حرف مانند این است که کسی بگوید ممکن است مردم سکه‌های بهار آزادی را آب کنند و به زیورآلات تبدیل کنند بدیهی است کسی که چنین کاری را انجام دهد ضرری فاحش کرده است چراکه قیمت و ارزش و وزن سکه‌های بهار آزادی به‌گونه‌ای است که سکهٔ بهار آزادی ارزشی دارد که اگر سکه از بین برود و مقدار طلای آن سنجیده شود از ارزش آن کم می‌گردد در مورد سکهٔ پولی طلا هم‌چنین خواهد بود-میگویند آیا این مقدار طلا وجود دارد که تمامی تراولهای ۵۰ هزارتومانی را ابطال و بجای آن سکهٔ طلای ۵۰ هزارتومانی انتشار دهیم؟ سؤال این است هم‌اکنون پشتوانهٔ اسکناس‌ها و پول‌های ما چه چیزی است؟ اگر بگویند پشتوانه‌ای ندارد که وامصیبتا، خوب است که یک دلار مساوی با ۱۰ هزار تومان است که اگر پول ما پشتوانه نداشته باشد اگر بگویند یک دلار مساوی با یک‌میلیون تومان هم کم است و اگر پول ما پشتوانه دارد که مشکلی نیست هر مقدار تراول را از سیستم خارج می‌کنیم به همان مقدار از ذخیرهٔ طلا برمی‌داریم و به سکهٔ طلایی تبدیل می‌کنیم-میگویند تکلیف پول‌های کاغذی چه می‌شود؟ در قطرهٔ ۹۸ در مورد نخ طلا توضیح داده‌ایم که می‌توان در تمامی اسکناس‌ها به‌اندازهٔ مشخصی از نخ طلا قرارداد و در حقیقت تمام پول‌ها را طلایی نمود اما پیشنهاد ما این نیست بلکه در هر نظام پولی زمانی که پول‌های کوچک به نصاب خاصی می‌رسد واحد پولی جدید می‌شود مثلاً زمانی که تعداد ریال‌ها به ۱۰ عدد می‌رسد واحد پول تومان می‌شود لذا می‌توانیم اعلام نماییم زمانی که تعداد ریال‌ها به ۵۰۰ هزار عدد می‌رسد واحد پول می‌شود سکه، در این صورت این سکه واحد جدید پولی است که معادل ۵۰۰ هزار ریال می‌باشد پس در این صورت پول‌های کاغذی به قوت خود باقی است، تمام نظام‌های

پولی واحدهای کوچک‌تر پولی دارند مثلاً پول آمریکا قبل از اینکه به یک دلار برسد سنت می‌باشد اما در مورد واحدی پولی ما به علت کم‌ارزش بودن ریال واحد کوچک‌تر از ریال وجود ندارد و حقیقتاً می‌توان گفت ریال هم منسوخ‌شده است و شاید بتوان گفت واحد پولی ما از ۱۰۰ تومان شروع می‌شود درحالی‌که اگر پول سالم و قوی داشتیم باید قبل از رسیدن پول به ریال واحدهای کوچک‌تری هم وجود داشت که با آن واحدهای کوچک‌تر معاملات در جریان بود-میگویند اگر چنین شود مردم سکه‌های پولی ۵۰ هزارتومانی در خانه‌های خود پنهان می‌کنند: واضح است چنین چیزی باطل است زیرا آنچه مردم درون خانه‌های خود پنهان می‌کنند طلا و سکهٔ بهار آزادی است نه پول، این واحد جدید پولی اگرچه که از جنس طلا است اما پول است و مردم برای معامله احتیاج به پول‌دارند و جایگاه پول درون کیف پول و بانک است لذا هیچ‌گاه مردم این سکه‌ها را درون صندوق‌های خانه پنهان نمی‌کنند بله هم‌اکنون مردم سکه‌های بهار آزادی را درون خانه‌های خود پنهان کرده‌اند زیرا این سکه‌ها پول نیست اما اگر سکهٔ طلا همان پول باشد آن را در بانک نگهداری می‌کنند، مردم مجبور به معامله هستند و باید پول‌های خود را در بانک نگهدارند-میگویند ضرب سکهٔ پولی طلا در حقیقت خارج نمودن طلا از اقتصاد ملی می‌باشد، واضح است ضرب سکهٔ بهار آزادی خارج نمودن طلا از اقتصاد ملی و واردکردن طلا در ثروت شخصی افراد می‌باشد زیرا با گران شدن قیمت جهانی طلا در حقیقت هر که سکه و طلا دارد سود می‌کند و گرانی طلا یعنی کم‌ارزش شدن پول ملی حال اگر ما طلا را تبدیل به پول ملی کنیم به این معناست که گرانی جهانی طلا مساوی است با ارزشمندتر شدن پول ملی و پول در دست همگان است پس در حقیقت ضرب سکهٔ طلایی پولی در حقیقت تقویت پول ملی و واردکردن پول در ذخیرهٔ ملی و جلوگیری کردن از خروج طلا از سرمایهٔ ملی می‌باشد-یکی از ارکان بانکداری و اقتصاد شیطانی غرب اسکناس و پول کاغذی می‌باشد که چیستی و ماهیت آن معلوم نیست؟ هر اسکناس چه معنا و چه ارزشی دارد معلوم نیست، اگر پول اصلاح شود ستون خیمهٔ اقتصاد شیطانی سرنگون می‌شود و سلسله وار تمامی امور شیطانی اصلاح می‌گردد، یکی از اموری که اصلاح

می‌گردد بحث ربا می‌باشد، بحث ربا و راه‌های جلوگیری ربا بحث مفصلی دارد اما آنچه در این فرصت کم می‌توان بیان نمود اینکه با اصلاح پول تورم در جامعه کاهش پیدا می‌کند و می‌توان گفت در بسیاری از مسائل به صفر می‌رسد و در این صورت برای بانک‌ها پرداخت سود زیان‌آور می‌باشد و دیگر بانک‌ها قادر نخواهند به حیل مختلف پول را از دست مردم خارج نموده و وعدهٔ سودهای کلان بدهند، هم‌اکنون بانک برای سپرده‌گذاری ۲۰% مثلاً سود می‌دهد مثلاً برای ۱۰۰ میلیون تومان بعد از یک سال ۱۲۰ میلیون تومان پرداخت می‌کند درحالی‌که اگر همین شخص سپرده‌گذار ۱۰۰ میلیون تومان را تبدیل به ملک و یا طلا و یا ... نموده بود بعد از یک سال ۲۰۰ میلیون تومان شده بود لذا در این شرایط افرادی که از این امور خبردارند هیچ‌گاه پول را در بانک نمی‌گذارند تا سود بگیرند بلکه پول را به جنس باارزش تبدیل می‌کنند تا ضرر نکنند با اجرایی کردن طرح سکهٔ پولی طلا تورم در ایران کنترل می‌شود و ۱۰۰ میلیون تومان سال گذشته در امسال نیز همان هم‌مقدار ارزش دارد و لذا برای بانک‌ها سودی ندارد که پول‌ها را از مردم بگیرند و به مردم سود دهند از طرفی خود مردم مجبور هستند برای افزایش سرمایه‌هایشان کار کنند و لذا روی میاورند به کسب‌وکار و تولید مفید، از طرفی در شرایطی که تورم کنترل‌شده است بانک‌ها به یکی از این دو کار مجبور می‌شود یا اینکه محکوم‌به تعطیلی و ورشکستگی هستند چراکه نمی‌توانند با روال گذشته هزینه‌های خود را تأمین نمایند و یا اینکه مجبورند واقعاً در عرصهٔ تولید و تجارت سالم وارد شوند و این امر موجب می‌شوند که بانک‌ها و مؤسسات پولی مجبور شوند در جامعه کار و شغل ایجاد نمایند هم‌اینکه بانک‌ها از چه راه‌هایی هزینه‌های خود را به دست میاورند بحثی مهم و مفصل دارد که از خداوند می‌خواهیم آن‌ها را هدایت فرماید و الا حقیقتاً دشمنان خدا هستند. با ضرب سکه‌ی بهار آزادی تاکنون حجم بسیاری از طلا که سرمایهٔ ملی است را از گردونهٔ اقتصاد ملی خارج نموده و در اختیار افراد ثروتمند قرارداده‌ایم و سبب ثروتمندتر شدن افراد شده‌ایم از طرفی این حجم بالای طلا در گاوصندوق‌ها در انتظار روزی است که قیمت سکه بالا رود که معنای آن این است که در امید روزی هستند که ریال سقوط

بیشتر پیدا کند با یک‌راه حل بسیار عالی می‌توانیم تمامی این سکه‌ها که از اقتصاد ملی خارج‌شده است را به اقتصاد ملی بازگردانیم و آن این است که سکه‌ی بهار آزادی را به‌عنوان پول اعلام نماییم که ده‌ها اتفاق عالی رقم می‌خورد اولاً اینکه قیمت سکه برای همیشه کنترل می‌شود، ثانیاً: سکه از گاوصندوق‌ها به با بازار معاملاتی و بانک‌ها راه پیدا می‌کند ثالثاً: سود نصیب تمامی ملت می‌شود و به جیب افرادی خاص سرازیر نمی‌شود رابعاً: افرادی که سکه خریده و بدون هیچ فایده‌ای گوشه‌ای پنهان کرده‌اند تا پول آن‌ها کم‌ارزش نشود بدون هیچ نگرانی می‌توانند سکه‌ها را این بار به‌عنوان پول وارد بانک و بازار معاملات کنند و این امر سبب رواج اقتصاد می‌شود که البته اختصاراً بیان می‌کنیم می‌توانیم بعد از ارزش‌گذاری قیمت طلا مقدار طلای سکه‌ی ۵۰ هزارتومانی را تعیین نماییم سپس مقدار قیمت سکه‌ی بهار آزادی را که در معاملات وارد می‌شود نیز تعیین نماییم که مثلاً اگر قیمت پولی سکه‌ی بهار آزادی را ۳,۵ میلیون اعلام نماییم مشخص می‌شود که ۷۰ سکه‌ی طلایی ۵۰ هزارتومانی با وزن خاص معادل یک سکه‌ی بهار آزادی است بدیهی است اگر این اتفاق نیفتد به‌راحتی قیمت سکه به بیش از ٦ میلیون و قیمت دلار به ۲۰ هزار تومان و ... خواهد رسید و با تورم و افزایش قیمت‌های کمرشکن مواجه خواهیم شد. مشتاقانه منتظریم تا روش کنترل تورم و سقوط ریال را کارشناسان نقد نمایند اما واضح است انتقاد علمی وجود ندارند بلکه به‌یقین میگویم اقتصاددان‌های غربی در اینجا در حکم دانش‌آموز هستند چراکه ریشه‌ی این حرف‌ها در قرآن و روایات است که تخلفی ندارد و ریشه‌ی علوم دیگران در علومی است که سراسر آزمون‌وخطاست. میگویند حجم وزن سکه‌ی پولی طلا زیاد است، درحالی‌که سکه‌ی طلا وزن کمتر و حجم کمتری دارد یک سکه بهار آزادی را کنار ٤ میلیون تومان اسکناس قرار دهید و ببینید کدام‌یک حجم و وزن بیشتری دارد. با ضرب سکه‌ی پولی طلا عملاً مانع ضرب پول بدون پشتوانه می‌شویم و هیچ‌گاه دولت‌ها نمی‌توانند برای جبران مشکلات مالی خود پول بدون پشتوانه چاپ کنند زیرا در این صورت اگر طلا موجود بود سکه‌ی طلایی ضرب می‌کنند و الا ناگزیر هستند برای جبران مشکلات مالی خود اقدامات عملی اقتصادی سالم انجام دهند واضح است

در صورت ضرب سکه‌ی پولی طلا ما شاهد اسکناس‌های درشت نخواهیم بود بلکه بزرگ‌ترین اسکناس پولی ۱۰ هزارتومانی خواهد بود و بعدازآن پول‌ها تبدیل به سکه‌ی طلا می‌شود واضح است متخصصین اقتصادی یکی از راه‌های تقویت پول را حذف تعدادی صفر از پول می‌دانند که اعلام می‌کنیم با حذف صفر هیچ اتفاقی برای تقویت پول اتفاق نمی‌افتد کما اینکه این روش را ترکیه برای تقویت پولی خود پیمود و هم‌اینک شاهد هستیم که ترکیه با شکست مواجه شده است و لیر ترکیه در مقابل دلار سقوط نمود، به‌هرحال وظیفه‌ی اصلی بانک ملی تقویت پول ملی است و از اول انقلاب تاکنون ریال ۱۵۰۰ برابر کم کم‌ارزش‌تر از قبل شده است چراکه دلار ۷۰ ریال به ۱۱۰ هزار ریال تبدیل‌شده است و واضح است ادامه‌ی روال و راهکارهای گذشته نتیجه‌ی کنونی را برای آینده به همراه دارد، در نامه به دکتر سیف و ستاد جنگ اقتصادی و افرادی که در دولت جایگزین می‌شوند اعلام نمودیم هیچ‌گونه تغییری در اقتصاد روی نخواهد داد مگر اینکه رویکردها تغییر کند راهکارهای گذشته مشکلات امروز را به همراه داشته و مشکلات فردای ما از راهکارهای غلط امروز ما می‌باشد مگر اینکه سریعاً تغییر کنیم و البته راهکار اصلی بیرون رفت از مشکلات اقتصادی در رفع سریع خشک‌سالی است چراکه به‌زودی برای تأمین غذا تمامی کشورهای ثروتمند باید دارایی خود را بدهند تا گرسنه نمانند که راهکارهای عادی و غیرعادی رفع خشک‌سالی را در قطره‌های ۷۳،۹۲،۹۳،۹٤،۱۰۰۰،۱۰۰۱ توضیح داده‌ایم تأکید می‌کنیم اگر تاریخ ۹۷,٦,٥ برای راهکار غیرعادی رفع خشک‌سالی در مدت دو ماه بگذرد باید یک سال منتظر ماند که در آن زمان می‌توان در عرض دو ماه آسمان را به سمت ایران شیب‌دار نمود و در ایران چاله‌ی جوی ایجاد نمود و آب را از تمامی آسمان‌ها به سمت ایران سرازیر نمود که در بحث انفطار السماء توضیح داده‌ایم و اگر سریعاً اقدام ننماییم اعتراضات جدید با بهانه‌ی اقتصادی شکل‌گرفته و اعتراضات تبدیل به آشوب و اغتشاش می‌گردد کما اینکه در دی‌ماه سال ۹٦ شاهد بودیم تأکید می‌کنیم بسته‌ی جدید بانک مرکزی و ستاد جنگ اقتصادی نیز راهگشا نمی‌باشد و دلیل آن این است که راهکارهای ارائه‌شده در این اقدامات عیناً مانند گذشته می‌باشد: حکم

الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد و ادامه‌ی راهکار گذشته در آینده همان نتیجه‌ای را دارد که امروز شاهد آن هستیم بلکه به‌حکم قرآن ریشه‌ی تمامی مشکلات خشک‌سالی و آبِ است که خداوند در سوره‌ی انبیاء آیه‌ی ۳۰ می‌فرماید: و جعلنا من الماء کل شیء حیّ - قطره‌های ۹۷ و ۹۸ مطالعه شود و چند فایل صوتی در رابطه با اصلاح پول انجام داده‌ایم.

علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸-
۹۷,۵,۱۸

**<u>قطره‌ی ۹٦ از کتاب هزار و یک قطره</u>** در رفع خشک‌سالی ایران از طرق غیرعادی-

**چرا قیمت دلار بالا می‌رود؟ آینده‌ی دلار چیست؟ راه حل کنترل دلار چیست؟**

**<u>مقدمه:</u>** راهکاری جدی برای اتکا و حمایت از تولید داخلی نداریم، بانک‌ها نیز نمی‌توانند تعهدات خود به مردم را پاسخگو باشند از طرفی مردم برای تجارت و کسب کار روی به واردات میاورند و واردات دلار لازم دارد، لذا دلار بالا می‌رود و از طرفی ریال و پول ملی سقوط می‌کند و این بدان معناست که ایرانی فقیر شده است و دشمنان ما ثروتمندتر می‌شوند و فقر تمامی مشکلات اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی را به دنبال دارد، از طرفی بالا رفتن قیمت دلار را باید بانک مرکزی کنترل کند و می‌تواند با اشباع بازار دلار را به قیمت معقول برساند ولی از طرفی نفوذ دشمن در اقتصاد و بانک‌های ایران و افرادی که پایین آمدن دلار به ضرر آن‌هاست مانع کنترل بازار دلار می‌شود چرا که بالا رفتن دلار در بازار آزاد دلیل موجهی است برای بالا بردن دلار توسط بانک‌هاست و بانک‌ها که سال‌هاست به واسطه‌ی ربوی بودن از جنگ باخدا ابایی ندارند از بالا رفتن قیمت دلار اگر چه که به ظاهر ناخشنود و در پی کنترل آن هستند ولی در باطن بالا بودن دلار برای آن‌ها منفعتی سرشار دارد و از این طریق سود سرشاری را از جیب مردم به جیب می‌زنند و عدم توانایی در بانکداری موفق را به این وسیله جبران می‌کنند، بله دولت روزانه تنها از طریق فروش نفت ۲٤۰ میلیون دلار دریافت می‌کند و این پول را باید به ریال تبدیل نماید و اگر تنها ۱۰۰۰ تومان

قیمت آن بالاتر باشد روزانه تنها از این هزار تومان بیشتر ۲۴۰ میلیارد تومان بیشتر کسب درآمد کرده است پس هر چقدر دلار بالاتر باشد سود بیشتری نصیب او می‌شود و در پرداخت یارانه به مردم مشکل کمتری دارد، حال سؤال ما این است که اگر واقعاً چنین نیست، چرا دلار را در قیمت مطلوب خود کنترل نمی‌کنند؟ آیا بالا رفتن دلار فشار مضاعف بر تمامی زندگی مردم نیست؟ آیا این دولت نیست که بیش‌ترین دلار را در ایران به دست دارد و باید به هر طریقی دلار را به ریال تبدیل نماید و هر چه دلار بالاتر باشد به نفع اوست؟ آیا واقعاً دولت نمی‌توانند دلار یک هفته از دریافتی نفت را در بازار وارد کرده و بازار را اشباع کند تا قیمت دلار پایین بیاید؟ آیا با تزریق روزانه ۵ میلیون دلار در بازار ارز می‌توان صعود دلار را کنترل نمود؟ آیا برای تأمین یارانه‌ی مردم و ... باید دلار را بالا برد و به مردم دلار بالا فروخت و از طرفی مقداری از سود دلار را دوباره به عنوان یارانه به مردم پرداخت نمود؟ آیا این روش روشی درست برای اداره‌ی جامعه است؟ ما منتظر جواب قانع‌کننده هستیم و فرض می‌کنیم تا کنون دولت‌مردان به این امر توجه نداشته‌اند اما **بعد از این نوشته دیگر جای هیچ‌گونه مسامحه‌ای نیست و بالا بودن قیمت دلار برای ما قابل توجیه نیست و تمامی گفته‌ها مانند اینکه افراد سود جو این کار را می‌کنند و یا اینکه بالا بودن دلار دلیل روانی دارد و یا حباب است و ... برای ما غیرقابل‌قبول است** چرا که ما راهکار ارائه دادیم و عدم عمل نمودن به این راهکار به معنای این است که **صاحبان کلان دلار در کشور که دولت است** راضی به بالا بودن دلار است و از این طریق سود سرشار به دست میاورد و تمامی ناراحتی‌ها و گفته‌ها پیرامون کنترل دلار چیزی جز ظاهر قضیه نمی‌باشد و **باطن چیز دیگری است.**

**۱ - تاریخچه‌ی روند رشد دلار.**

| سال | قیمت دلار به تومان | مقدار درصد افزایش قیمت | مقدار زمان سپری‌شده | نتیجه: |
|---|---|---|---|---|
| | | | | **۱ - قیمت دلار در عرض ۳۹ سال گذشته ۴۹۰ برابر سال ۵۷ شده است** |

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۵۷ | ۱۰ تومان | | | ۲- **قیمت دلار ۹ بار دو برابر شدن را شاهد بوده** و در آستانه ۵۱۲۰ تومان قرار گرفته است یعنی تقریباً هر چهار سال قیمت دو برابر قبل می‌شود.<br>۳- طبق روال گذشته قیمت دلار در جهش بعدی که در عرض سه الی چهار سال آینده شاهد خواهیم بود به مرز ۱۰,۲۴۰ تومان می‌رسد، شاید روند سرعت هم بگیرد.<br>٤- قیمت دلار طبق نمودارها به راحتی به بالای صد هزار تومان خواهد رسید، چیزی که از نمودارها به دست میاید بسیار عجیب است بهتر است خودتان حساب کنید.<br>۵- **روند رو به رشد دلار طبق الگوی گذشته نیست بلکه روند بالا رفتن قیمت سرعت بیشتری پیدا خواهد کرد** و دلیل آن رکود و تورم عجیبی است که در پیش است و این تورم و رکود با وضعیت خشک‌سالی فعلی قابل‌کنترل نیست. |
| ۵۹ | ۲۰ تومان | ۲ برابر | در عرض ۲ سال | |
| ٦۲ | ٤۵ تومان | ۲,۲۵ برابر | در عرض ۳ سال | |
| ٦٦ | ۹۹ تومان | ۲,۲ برابر | در عرض ٤ سال | |
| ۷۲ | ۱۸۰ تومان | ۱,۸ برابر | در عرض ٦ سال | |
| ۷۵ | ٤٤٤ تومان | ۲,٤ برابر | در عرض ۳ سال | |
| ۷۹ | ۸۱۳ تومان | ۱,۸ برابر | در عرض ٤ سال | |
| ۸۹ | ۱۱۰۰ تومان | ۱,۳ برابر | در عرض ۱۰ سال | |
| ۹۱ | ۱۵۰۰ تومان | ۱,۳ برابر | در عرض ۲ سال | |
| ۹٦ | ٤۹۰۰ تومان | ۳,۲ برابر | در عرض ۵ سال | |

**۲ - <u>بالا رفتن قیمت دلار چه تأثیری بر معاش مردم دارد؟</u>** واضح است که کشور ما کشوری وارد کننده است و دولت نتوانسته زمینه‌ی اشتغال را برای مردم فراهم کند و با این روال به مرور زمان تبدیل به کشوری مصرف‌کننده می‌شویم که حتی مجبور هستیم غذایمان را نیز از خارج وارد نماییم، لذا آنچه مشهود است **بالا بودن قیمت دلار بر تمامی اقشار جامعه تأثیر می‌گذارد حتی آنان که تا کنون دلار را ندیده‌اند،** چرا که با نگاهی به لیست واردات از محصولات کشاورزی تا صنعتی و ... متوجه

می‌شویم که **تمامی افراد جامعه بی‌واسطه یا باواسطه با دلار سروکاردارند**، برنج هندی و تایلندی و قند و شکر و ... تماماً با دلار خریده شده و به ایران وارد می‌گردد و این بدان معنا است که بالا رفتن قیمت دلار بر تمامی اقشار جامعه تأثیر داشته و مستقیماً با سفره‌ی مردم ارتباط دارد.

**<u>۳ -چرا دلار را بالا می‌برد؟</u>** ۱ -دلیل بالا بردن دلار معلوم است **فراهم آمدن سود بیشتر برای اصحاب دلار ۲- زمانی که مردم به فکر مهاجرت از ایران باشند احتیاج دارند ریال را به دلار تبدیل کنند و هجوم مردم به بازار دلار دلیل بالا رفتن دلار می‌شود**، اما دلیل اینکه مردم به فکر مهاجرت هستند بحثی دیگر را می‌طلبد. ۳ - **زمانی که سود در واردات باشد مردم احتیاج دارند برای دادوستد بین‌المللی ریال را به دلار تبدیل کنند پس رکود بازار داخلی و رونق واردات دلیل بر افزایش دلار است** و چرا بازار راکد است و تولید داخلی چنین است بحثی دیگر می‌طلبد. ٤ - **زمانی که دولت کسری بودجه داشته باشد بعضی از افراد وابسته درون دولت تلاش می‌کنند دلار را در بازار آزاد افزایش دهند و این امر موجب می‌شود که بانک مرکزی برای افزایش دلار دولتی توجیه موجهی داشته باشد**، لذا در بازار آزاد دلار را افزایش می‌دهند و بعد از آن با این توجیه دلار دولتی را افزایش می‌دهند و از این طریق به کسب درآمد می‌پردازند، هم اکنون بانک روزانه ٥ میلیون دلار به بازار تزریق می‌کند حال اگر تفاوت دلار آزاد و دولتی هزار تومان باشد یعنی روزانه ٥ میلیارد تومان سود بدون هیچ‌گونه کاری نصیب می‌گردد و این سود سرشار می‌تواند تا حدودی مشکل ورشکستگی بانک‌ها را حل نماید یعنی افرادِ نفوذیِ دولت عدم کارایی خود در تولید و اشتغال را با گران کردن دلار تأمین می‌نمایند، بله **دولت تذکر داده بود افراد از دریافت یارانه انصراف دهند حال که مردم گوش ندادند و از طرفی شب پرداخت یارانه شب عزای دولت است لذا از طریق گرانی دلار، دلار را به مردم می‌فروشند و از این طریق پول یارانه از جیب مردم تأمین می‌شود، لذا** با این حساب که اگر تفاوت قیمت دلار دولتی و آزاد تنها هزار تومان باشد و بانک روزانه ٥ میلیون دلار در بازار تزریق کند با این حساب بانک ماهیانه ۱۵۰ میلیارد تومان فقط از طریق این تزریق پول از جیب مردم به جیب میزند و سود بیشتری به دست می‌آورد، حال سؤال دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه ما روزانه تقریباً ٤ میلیون بشکه نفت‌فروش داریم اگر

قیمت هر بشکه را ٦٠ دلار حساب کنیم، می‌شود ٢٤٠ میلیون دلار در روز، سؤال این است که دولت این پول را چگونه در ایران خرج می‌کند؟ باید دلار تبدیل به ریال شود، واضح است تنها از طریق همین هزار تومان هر چقدر دلار بالاتر به فروش برسد سود بیشتری کرده است پس به نفع دولت است که دلار گران‌تر باشد، **اگر در ایران دلار ١,٠٠٠ تومان گران‌تر شود دولت روزانه ٢٤٠ میلیارد تومان سود بیشتر بدون هیچ کار انجام داده‌ای به دست آورده است و لذا از این طریق دولت یک‌بار نفت را فروخته و یک‌بار دلار را فروخته است،** وضعیت بانک‌ها نیز معلوم است که در بازپرداخت پول مردم دچار مشکل هستند پس از نظر بانکی نیز مقرون به صرفه است دلار را در بازار آزاد افزایش دهند و بعد بانک‌ها دلار را با قیمت بالاتر به مردم بفروشند و از این فروش سود به جیب بزنند و بعد مقداری از این ورشکستی خود را جبران نمایند، این تنها در مورد نفت بود حال اگر به این جریان فروش گاز و فولاد و سایر خام فروشی‌ها را نیز اضافه کنیم بهت‌زده می‌شویم، لذا اجمالاً یکی از دلایل گرانی دلار افراد نفوذی دولت می‌باشند که از این گرانی سود سرشار نصیب خود می‌کند، بله دلار را در بازار آزاد افزایش می‌دهند و بعد میگویند نمی‌دانیم چرا دلار بالا رفت و بعد به این بهانه خودشان نیز دلار را گران می‌فروشند و راه‌های بسیاری است که به صورت نامحسوس می‌توانند دلار را در بازار افزایش دهند وجود دارد و این تازه گوشه‌ای از کار است بماند سایر امور دیگری که افراد نفوذی دولت از آن راه‌ها ناتوانی خود در امر تولید و اشتغال را با شعبده‌های اقتصادی از جیب مردم بیرون می‌کشند و مردم نمی‌دانند، بی‌جهت نبود تأکیدات رهبر انقلاب دامت برکاته در امر نفوذ و اقتصاد اسلامی، بله ما غافل شدیم و دشمن با تلاش مدام نفوذ نمود و به ما با چهره‌ای حق‌به‌جانب ضربه میزند.

**<u>٤ - چه کسی دلار را بالا می‌برد؟</u>** ١- در این زمان مهم‌ترین افزایش‌دهندگان دلار افراد نفوذی در دولت هستند که در امر اقتصاد ناتوان‌اند لذا گاهی اوقات غیر عمدی دلار بالا می‌رود و گاهی اوقات عمدی دلار را بالا می‌برند، تصور نکنید ما فقط در انرژی هسته‌ای نفوذی داریم نفوذ در بانک داری و اقتصاد بسیار مهم می‌باشد که بارها بحث نفوذ در بیانات رهبر انقلاب مطرح گردیده است، **افراد نفوذی وابسته در بانک‌ها و دولت‌ها برای به زانو در آوردن انقلاب اسلامی دائماً قیمت دلار را بالا**

**می‌برند و این یعنی پایین آمدن ارزش پول ملی، از اول انقلاب تا کنون ۵۰۰ برابر دلار گران‌تر شده است و این بدان معنی است که ریال ۵۰۰ برابر کم ارزش تر شده است یعنی هزار تومان در سال ۵۷ به اندازه ۵۰۰ هزار تومان در این زمان ارزش داشته است** اگر نگوییم بیشتر از این است، به عقیده بنده افراد نفوذی دولت‌ها در گران شدن دلار نقش اصلی را دارند و چرا این‌گونه نباشد درحالی‌که دولت بزرگ‌ترین صاحب دلار می‌باشد و گرانی دلار به نفع اوست و امروز خزینه‌ی اصلی دلار در دست دولت است و اگر دلار بالا برود دولت است که سود اصلی را می‌برد و البته چند دلال خرده‌فروش نیز از این آب گل آلود نیز ماهی می‌گیرند که به جایی بر نمی‌خورد، ۲- پشت پرده این داستان حقیقتاً دشمنان یهودی هستند که بازار اصلی پول و بانک در دستان آنان است و خیلی راحت دلار را افزایش می‌دهند و ریال ارزش کمتری پیدا می‌کند آن وقت دلار را به ما می‌فروشند و ریال می‌خرند و با ریال اجناس را از ما می‌خرند و با قیمت بالاتر صادر می‌کنند یعنی در حقیقت چندین منفعت می‌برند.

**۵ - بالا رفتن دلار به نفع چه کسی است؟** با بالا رفتن دلار اختلاف طبقاتی زیاد می‌شود و فقیر فقیرتر و غنی غنی‌تر می‌شود، آنکه دلار دارد ثروتمند و آنکه رنگ دلار را هم ندیده فقیرتر می‌شود و همه میدانیم که **بزرگ‌ترین طبقه‌ای که امروز دلار را در دست دارد دولت است که بزرگ‌ترین صادرات نفت و گاز و ... را دارد** و دلار دریافت می‌کند و به هر حال باید دلار را تبدیل به ریال کند و چگونه این تبدیل را انجام می‌دهد آیا راهی به غیر از فروش وجود دارد؟

**٦- تا حالا برای مقابله با افزایش دلار چه کارکرده‌اند؟** ۱- **راهکارهای جاری برای کنترل دلار در آینده همان راهکارهای قبل است** و لذا در آینده نیز نتیجه نخواهد داد، باید سریعاً رویکردها را عوض نمود، طبق الگوها تقریباً هر چهار سال قیمت دلار دو برابر می‌شود لذا جهش بعدی دلار ده هزار تومان است مگر اینکه سریعاً امور اصلاح گردد که البته بسیاری از نفوذی‌ها اصلاً نمی‌خواهند امور اصلاح شود و مانع هستند. ۲- **برای کنترل دلار چند نفر دلال گوشه‌ی خیابان گرفته می‌شوند،** سؤال این است آیا چند نفر که در گوشه خیابان هستند می‌توانند چنین چالش عظیم اقتصادی ایجاد کنند؟ خوب آن‌ها دستگیر شدند آیا مشکل قیمت دلار مرتفع شد؟ نه مشکل حل

نشد پس آن‌ها مقصر نیستند ۳ - **میگویند حباب است، مشکل روانی دارد** و ...، اشتباه می‌کنید اگر نمی‌دانید گفتیم، مشکل دلار نه حباب است و نه روانی بلکه عملکردی حساب شده است تا اقتصاد ایران ویران گردد و البته صاحبان دلار در ظاهر گریان و در باطن دل شادند.

**<u>۷- برای جلوگیری از افزایش دلار چه می‌توان کرد؟</u>**۱- **دلیل گرانی دلار، رکود و گرانی** و عدم موفقیت در تولید داخلی و خام فروشی است که این‌ها همه به خشک‌سالی بازمی‌گردد.۲- هر چه خشک‌سالی بیشتر شود اقتصاد فلج‌تر از گذشته می‌شود و لذا واردات بیشتر می‌شود و تقاضای دلار بیشتر و قیمت دلار بالاتر و ریال ارزش کمتری خواهد داشت. ۲- **اگر سریعاً خشک‌سالی بر طرف نشود**، برای غذا و ... مجبور به واردات بیشتر هستیم و واردات نیز دلار لازم دارد ، از طرفی قیمت نفت سقوط می‌کند و... لذا دلار با شدت بیشتری بالا می‌رود.۳- **تنها راه مهار دلار مهار سریع خشک‌سالی است**. ٤- **اگر راهکار برای خشک‌سالی دارید ارائه دهید** که البته میدانیم هیچ راهکاری ندارید و اگر راهکار ندارید گوش دهید تا خشک‌سالی بر طرف شد.

**<u>چند نکته</u>:** ۱- **عدد یک بر روی هزار تومانی‌های** جدید که آن هزار تومانی‌ها در نگاه اول مانند ده هزار تومانی است به ذهن این مطلب را هشدار می‌دهد که دلار به ۱۰ هزار تومان می‌رسد، همچنین مطلبی بر روی پول ملی سابقه نداشته است و در اینجا بحثی دیگر است که ارزش پول نسبت به گذشته چقدر پایین آمده است؟ ۲- **اگر خشک‌سالی بر طرف شود روند افزایش دلار معکوس می‌شود** و ریال ارزش پیدا می‌کند و دلار سقوط می‌کند.۳- دلار **آتشی است که با نبود آب شعله‌ور تر می‌شود**، اگر می‌خواهیم این آتش را کنترل کرده و خاموش کنیم باید سریعاً آب‌رسانی شود.

**علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹٦ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸-**
**۹٦,۱۱,۲۵**

بسم الله الرحمن الرحیم: **قطره‌ی ۱۰٤** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله - **حمایت از کالای ایرانی**

همان‌گونه که میدانیم سال ۱۳۹۷ از طرف مقام معظم رهبری دامت برکاته **سال حمایت از کالای ایرانی** نام نهاده شده است لذا در این راستا مطالبی کوتاه را عرض می‌نماییم:

**مقدمه: یکی از اهداف انقلاب اسلامی تحقق عدالت اقتصادی اسلام بوده** که بنیان‌گذار انقلاب ره بر این مطلب تأکید داشته و بارها رهبر انقلاب دامت برکاته شعار سال را مزین به مباحث اقتصادی فرموده است، در سال‌های متمادی و در سال ۹۷ با تأکید بر **اقتصاد مقاومتی** شعار سال را **حمایت از کالای ایرانی** نام نهاده‌اند آنچه واضح است تاکنون نه درزمینه‌ی اقتصاد و نه در تحقق شعارهای سال و نه توزیع عدالت اقتصادی و اقتصاد اسلامی جامعه‌ی ما دستاورد چشم‌گیری به دست نیاورده است و همه میدانیم با روال کنونی نیز امسال هم مانند سال‌های گذشته دستاورد جدیدی به دست نمی‌آید لذا ما در این نوشته‌ی کوتاه به **اهم راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی و تحقق شعار سال** می‌پردازیم لازم به ذکر است که ما به بایدها و نبایدهای عملی و الزامات این شعار می‌پردازیم به این معنی که اگر بخواهیم این شعار تحقق پیدا نماید چه‌کارهایی باید انجام گردد:

**۱/** آنچه واضح است اینکه برای حمایت از کالای ایرانی همه‌ی ایرانیان باید باگذشت و ایثار و ازخودگذشتگی کالای ایرانی بخرند تا کالای ایرانی به تراز قابل‌قبول قیمت و کیفیت نائل شود ولی همه میدانیم این **حمایت عامه‌ی مردم دستوری نمی‌باشد** و اگر فعالیت جدی صورت نگیرد مردم رغبت به خرید جنس ایرانی پیدا نمی‌کنند لذا **باید موانع حمایت از کالای ایرانی بررسی شود** و با برطرف نمودن آن موانع حمایت از کالای ایرانی صورت گیرد.

**۲/** سؤالی که باید جواب داده شود این است که: **چرا مردم جنس ایرانی نمی‌خرند و کالای خارجی می‌خرند؟**

**<u>الف</u>: جنس خارجی نمونه‌ی ایرانی ندارد**، بله در بعضی از اجناس ما نمونه‌ی ایرانی نداریم لذا از اساس در این موارد حمایتی صورت نخواهد گرفت، مانند بعضی داروهای بیماری‌های خاص و یا بعضی از ماشین‌آلات و یا بعضی از موارد اولیه.
**<u>ب</u>: جنس خارجی کیفیت بهتری دارد**، مثلاً در بعضی از اجناس دیده می‌شود که مردم حتی باقیمت‌های بسیار بیشتری به دنبال جنس خارجی هستند و حتی بعضاً از ایران سفر کرده تا جنس خارجی به دست بیاورند مثلاً در دارو که باجانِ مردم سروکار دارد، این دسته را می‌توان به سه صورت در نظر گرفت:۱- **اجناس حیاتی** مانند دارو لوازم پزشکی ۲- **اجناس غیر حیاتی ولی لازم برای زندگی مانند** لوازم منزل و ماشین و لوازم صنعتی و اداری و ...۳- **لوازم لوکس** به عقیده‌ی بنده کسی که زندگی لوکس و اشرافی دارد هیچ‌گاه گوششان بدهکار این نیست که برای حمایت از کالای ایرانی جنس خارجی را رها کنند بلکه به دنبال زندگی اشرافی خود هستند حتی بعضاً تولیدکننده هستند ولی از تولید مشابه جنس خارجی استفاده می‌کنند- اما در مورد دارو لوازم حیاتی نیز چنین است کسانی که محتاج لوازم حیاتی باشد مانند دارو لوازم پزشکی و حتی خودرو که باجان و امنیت سروکار دارد در این موارد نیز مردم جنس باکیفیت را انتخاب می‌کنند که بهتر و راه مطمئن‌تری باشد - اما در مورد اجناس ضروری زندگی است بازهم عموم مردم اگر مخیر باشند بین جنس خوب و بد و خوب و خوب‌تر آنچه اختیار می‌کنند خارجی و کیفیت بهتر است چراکه ضرب‌المثل مشهور می‌گوید فقیر نشدم که جنس ارزان (کم کیفیت) بخرم، چراکه یک فرد مثلاً یک‌بار جنس باکیفیت می‌خرد و ۳۰ سال استفاده می‌کند ولی اگر جنس کم کیفیت بخرد هم مدت‌زمان استفاده کم می‌باشد و هم باید هزینه‌ی چند برابر بدهد چراکه جنس کم کیفیت عمر کمتری دارد و باید بعد از مدتِ کمی به سراغ تعمیرکار رفت و الی‌آخر ... **پس یکی از دلایل رغبت مردم به اجناسِ کیفیت است** اگر کیفیت جنس ایرانی بهتر باشد مردم به آن رغبت می‌کنند و الا عملاً مردم رغبتی نخواهند داشت، پس **اگر می‌خواهیم مردم جنس ایرانی بخرند باید کیفیت و خدمات پس از فروش را بالا ببریم.**
**ج: یکی از فاکتورهای مهم رغبت عمومی مردم به اجناس قیمت می‌باشد**، جنسی که ارزان‌تر باشد خریداری می‌شود لذا اگر می‌خواهیم جنس ایرانی خریداری شود باید

ارزان گردد، سؤال خیلی ساده: **اگر گمرک برداشته شود و ماشین‌های خارجی بدون گمرک وارد ایران گردد آیا ایرانیان ماشین ایرانی انتخاب می‌کنند؟** جواب واضح است خیر و دلیل آن‌هم واضح است: ماشین خارجی نسبت به ایرانی کیفیت بهتر و قیمت پایین‌تری دارد لذا در صورت توانایی هیچ‌گاه مردم حتی برای حمایت از کالای ایرانی هم اقدام به خرید جنس گران‌تر و کیفیت پایین‌تر نخواهند داشت کما اینکه دیده‌ایم تعدادی از مسئولین سوار ماشین ایرانی نمی‌شوند و البته می‌توان گزارشِ جامعِ واقعی را از جامعه به دست آورد و دلیل این مطلب را از مردم جویا شد که **چرا بجای جنس ایرانی جنس خارجی استفاده می‌نمایند؟** واضح و عقلانی است که هر ملیتی باید از کالای ملی خود حمایت کند و در صورت برابری دو جنس این اتفاق می‌افتد ولی زمانی که دو جنس باهم برابر نیستند و کالای خارجی مزیتی دارد مردم رغبت به کالای خارجی می‌کنند. اینجا ممکن است کسی بگوید ما ایرانی‌ها مرغ همسایه را غاز میدانیم و به خارجی بها می‌دهیم و به ایرانی بها نمی‌دهیم درحالی‌که این مسئله کاملاً اشتباه است، اگر جنس خارجی مزیت معقول نداشته باشد مردم به سراغ آن نمی‌روند کما اینکه در استفاده از محصول برنج و فرش مردم به کالای ایرانی رغبت دارند و نه خارجی زیرا که جنس ایرانی در این موارد نسبت به خارجی مزیت دارد.

**۱**/ اما **دلیل اول استفاده از اجناس خارجی که کیفیت است** : باید با تلاش و قوانین کیفیت کالاها را بالا ببریم که در این مجال اندک آن بحث را واگذار می‌نماییم و در مسئله‌ی دوم بحث یعنی قیمت و گرانی اجناسِ ایرانی را پیگیری می‌نماییم، پس **اگر می‌خواهیم حمایت از کالای ایرانی صورت پذیرد باید قیمت کاهش پیدا نماید** و مسائل مربوط به ارزان شدن کالاها را باهم بررسی می‌نماییم.

**۲**/ **چرا جنس ایرانی گران است؟** چرا ماشین خارجی از ماشین ایرانی ارزان‌تر است؟ چرا جنس چینی از جنس ایرانی ارزان‌تر می‌باشد؟

ما این ادعا را نمی‌کنیم که اجناس ایرانی کیفیت بهتر دارند و لذا گران است چراکه دیده‌شده اجناس خارجی باکیفیت بهتر و قیمت پایین‌تر در ایران فروخته‌شده است لذا این اشکال را از اساس قبول می‌کنیم که جنس خارجی باکیفیت مساوی و حتی بهتر از جنس ایرانی ارزان‌تر از جنس ایرانی در کشور موجود است لذا سریعاً به اصل مسئله می‌پردازیم و مسئله این است که چرا جنس خارجی از ایرانی ارزان‌تر می‌باشد

و ما تا جنس ایرانی را ارزان ارائه ندهیم حمایت از تولید داخلی انجام نخواهد شد و **این مطلب بسیار عجیب است که چگونه جنسی از هزاران کیلومتر دورتر می‌آید و هزینه‌ی حمل‌ونقل و گمرک واسطه‌های بسیاری اضافه می‌شود ولی کماکان از جنس ایرانی که درون کشور تولیدشده ارزان‌تر می‌باشد؟**

**۱/ چرا جنس ایرانی گرانی است؟**

الف **قیمت تمام‌شده بالاست** ب: **تولید صنعتی و انبوه نداریم** لذا به دنبال فروش کم و سود بالا هستیم درحالی‌که باید تولید انبوه و فروش زیاد و سود کم باشد تا هم قیمت تمام‌شده پایین بیاید و هم‌سود بیشتر به تولیدکننده برسد و هم‌جنس ارزان‌تر به دست مشتری برسد.

چه‌کار کنیم صنعتی شویم که نتیجتاً سود بیشتر و فروش بیشتر و مشتری نیز کمتر پرداخت می‌کند. باید صنعتی شویم یعنی تولید بیشتر با نیروی کار و هزینه‌ی کمتر داشته باشیم، باید تولیدکنندگان ما مدیریت را بیاموزند باید کشورهایی مانند برزیل، آلمان، ژاپن، هلند، چین ... را نگاه تحلیلگرانه داشته باشیم، این کشورها در مدت کوتاهی از فقیرترین کشورها به کشورهای ثروتمندی تبدیل شدند، در آینده کشورهای مختلف را بررسی خواهیم نمود.

**چرا قیمت تمام‌شده بالاست؟ الف: هزینه‌ی مواد اولیه بالاست ب: هزینه‌ی کارگاه بالاست ج: هزینه‌ی کارگر بالاست د: هزینه‌ی مالیات بالاست د: هزینه‌ی برق زیاد است ه: بعضاً واسطه‌ها عامل افزایش قیمت می‌باشند. لذا باید کاری کنیم که تمامی موارد ذکرشده تقلیل یابد اما چگونه؟**

**<u>بایدونبایدهای تقلیل قیمت تمام‌شده‌ی کالاهای تولیدی:</u>**

**<u>الف</u>: تا زمانی که کارگاه‌های تولیدی ما در زمین‌های گران قرار دارد اجاره و هزینه‌های کارگاه هزینه‌ی تولید را بالا میبرد** لذا باید کارگاه‌های تولیدی را به شهرهای کوچک و حتی روستاها و زمین‌های ارزان انتقال دهیم در این صورت هزینه‌ی تولید پایین آمده و جنس تولیدی ارزان می‌شود.

**<u>ب</u>: باید برق را ارزان نمود که در این صورت قیمت تمامی کالاها کاهش چشم‌گیری خواهند داشت** و این امر شدنی است و می‌توان با برطرف کردن مشکل آب قیمت

برق را کاهش داد که مسئله‌ی کلیدی ما برطرف نمودن خشک‌سالی می‌باشد که در بحث برق مباحث مهمی داریم.

**ج: باید قیمت مواد اولیه را در ایران کاهش داد**، یکی از دلایل گرانی اجناس تولیدی در ایران بالا بودن قیمت مواد اولیه می‌باشد، اما چرا مواد اولیه گران است، دلیل این است که مواد اولیه کم تولید می‌شود مانند صنایع غذایی و یا صنایع چوب و یا پارچه، بسیاری از مواد اولیه به علت خشک‌سالی در ایران دچار بحران شده است ولی اگر مشکل آب را حل نماییم مواد اولیه زیاد می‌شود و در آن هنگام قیمت مواد اولیه کاهش میابد مانند محصولات کشاورزی و یا محصولاتی که باواسطه با محصولات کشاورزی در ارتباط هستند پس برای تحقق این بند لازم است مشکل خشک‌سالی را برطرف نماییم تا مواد اولیه‌ی ارزان تولید گردد و بعد از آن از اساس بسیاری از اجناس ارزان می‌گردد مانند صنایع کشاورزی و غذایی و صنعت چوب و نساجی و ...

**د: باید قیمت دستمزد کارگر ثابت گردد** درحالی‌که همه میدانیم با دستمزدهای کنونی کارگران دچار مشکل می‌باشند و هزینه با درآمد سازگاری ندارد لذا چه باید انجام داد؟ سؤال جدّی که باید پاسخ داده شود این است که: چگونه در چین قیمت دستمزد کارگر پایین است و درعین‌حال هزینه‌های آنان هم مانند دیگر انسان‌ها است؟ جواب در پایین بودن مسکن است و بهداشت می‌باشد، اگر ما بتوانیم مشکن مسکن کارگران را برطرف نماییم و هزینه‌هایی مانند بهداشت و درمان را کاهش دهیم می‌توانیم دستمزد را ثابت نگاه‌داریم و درنهایت قیمت تمام‌شده را کاهش دهیم و درصورتی‌که خشک‌سالی را برطرف نماییم می‌توانیم قیمت مسکن را کاهش دهیم و فشار اقتصادی از دوش کارگران برداشته شود بله در صورت برطرف نمودن خشک‌سالی می‌توانیم به‌راحتی شهرهای جدید بسازیم وام‌های بلند در اختیار کارگران قرار دهیم و مشکل عمده‌ی هزینه‌ی کارگران برطرف می‌شود.

**ج: باید تولیدکنندگان را با بخشودگی‌های مالیاتی یاری نمود** لذا در مورد مالیات باید بگویم دولت و مجلس هر چه سریع‌تر باید جلوی بزرگ‌تر شدن دولت را بگیرند و حتی دولت را کوچک و کارآمد نمایند و الا دولت مجبور است برای هزینه‌های خود از مردم مالیات بگیرد و خرج خود نماید باید از بخشودگی‌های مالیاتی بهره برد تا درنهایت تولید داخلی رشد پیدا نماید.

**د: باید تولید را صنعتی نمود** به این معنی که باید تولیدات را به سمت ماشینی نمودن برد که سرعت تولید بالا می‌رود و در عوض باید سطح کارگران را به سمت مدیریت کارگاه‌ها هدایت نمود یعنی تولید بیشتر با کارگران کمتر، ما اگر بتوانیم در بخش کشاورزی رشد نموده و کشاورزی را صنعتی نماییم می‌توانیم تولید بیشتر با کارگران کمتر داشته باشیم که متأسفانه به علت مشکلات عدیده تولیدات کشاورزی ما سنتی می‌باشد یعنی تولید کم و هزینه‌ی زیاد و دلایل آن زیاد است ازجمله دلایل آن این است که در تولید ماشین‌های کشاورزی به جد ورود پیدا نکرده‌ایم، ماشین‌سازی ما باید در ابتدا به سراغ تولید ماشین‌ها و ادوات کشاورزی می‌رفتند تا به کمک بخش کشاورزی بیایند اما متأسفانه ماشین‌سازی ایران اکثرا به سمت ساخت خودروهای سواری هدایت گردید و بخش کشاورزی را رها نمودند درحالی‌که اگر مخیر باشیم بین ساخت ماشین‌های کشاورزی و خودروهای سواری باید رونق معطوف به تولید ماشین‌های کشاورزی باشد و اگر مخیر باشیم بین واردات ادوات کشاورزی واردات خودروهای سواری باید واردات خودرو اولویت باشد چراکه بی‌نیازی در ادوات کشاورزی منجر به تولید کار و برطرف نمودن نیاز تولید زیرساختی جامعه یعنی بخش کشاورزی می‌شود به خلاف خودروهای سواری، به‌بیان‌دیگر ساخت ادوات کشاورزی هم صنعت را رونق می‌دهد و هم کشاورزی را اما ساخت خودروی سواری تنها موجب رونق صنعت است واضح است ما تا رسیدن به این افق که بتوانیم ایران را به قطب کشاورزی جهان تبدیل نماییم فاصله‌ی زیادی داریم و اگر سیاست اصلی نظام در جهت کشاورزی صنعتی قرار گیرد صنعتگران با تلاش شبانه‌روزی هم به این سادگی‌ها نمی‌توانند پاسخگوی این بخش عظیم باشند گذشته از اینکه ما در این بخش هم می‌توانیم جوابگوی بازار داخل باشیم و هم می‌توانیم به صادرات فکر نماییم.

**ه: باید برای تمامی اجناسمان رقیب سازی داخلی نماییم.** زمانی کیفیت بهتر و قیمت شکسته می‌شود که رقیب سازی شود لذا باید افراد مستعد شناسایی‌شده و با حمایت برای تمامی اجناس رقیب ایجاد نماییم تا از تک‌قطبی بودنِ اجناس خارج شویم که در این صورت اجناس تنوع پیدا می‌کنند و تولیدکنندگان مجبور می‌شوند هزینه‌ها را کم کرده تا قیمت پایین بیاید و مجبور می‌شوند خدمات پس از فروش ارائه دهند و مجبور می‌شوند کیفیت را بالا ببرند.

نکته‌ی آخر اینکه ما **کشورهای بسیاری را سراغ داریم که ظرف مدت کوتاهی اقتصاد را متحول نمودند** مانند چین ،ترکیه، برزیل، آلمان، ژاپن، روسیه و ... باید بررسی نمود که آن‌ها چگونه توانستند این تحول عظیم را ایجاد نمایند؟ در چه مسیری قدم برداشتند؟ ولی واضح است **استعداد و زمینه و لوازم و شرایط مردم ایران در کشاورزی و دامداری است که با نیاز اولیه و همیشگی تمامی انسان‌ها سروکار دارد و این مسیر می‌تواند امیدبخش باشد.**

**مباحث مربوط به تورم، قاچاق کالا، ثابت نگاه‌داشتن ارزش پول، نقدینگی، تحریم‌های بانکی و کالا و خام فروشی و بالا بودن سود بانکی و ربا و بانکداری را جداگانه بررسی نموده‌ایم.**

علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸-
۹۷,۱,۱٤

بسم الله الرحمن الرحیم: **قطره‌ی ۱۰۱** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله – **خلاصه مباحث تاریخ ۹۷,۱,۲۹** - سلام علیکم: می‌خواهیم در رابطه با **مهم‌ترین بحران و چالشی که به همه‌ی ایرانیان ارتباط دارد** با شما صحبت نماییم، فرقی نمی‌کند مذهبی باشیم و یا غیرمذهبی، اصولگرا یا اصلاح‌طلب، چپ یا راست و ... **این مسئله مسئله‌ی مرگ و زندگیست**، تنها کافی‌ست کمی فکر کنیم و بیدار شویم، اگر پیشرفت می‌خواهیم این مسئله به ما ارتباط دارد، اگر به دنبال ارتقاء فرهنگی و سیاسی و اقتصادی هستیم این مسئله به ما ارتباط دارد، اگر به دنبال این هستیم که مشکلاتی مانند فقر و بیکاری و مشکل مسکن و سن ازدواج و تورم و گرانی و ریز گردها و آلودگی هوا و ... بر طرف شود این مسئله قدم اول و اساسی برای حل تمامی این بحران‌هاست، بله بنده می‌خواهم در رابطه با خشک‌سالی با شما صحبت نمایم، باید بدانیم: **اگر بحران خشک‌سالی را سریعاً بر طرف نماییم راه برای برطرف نمودن بقیه‌ی مشکلات هموار**

**می‌شود و الا تمامی مشکلات به قوت خود باقی‌ست و روزبه‌روز مشکلات بیشتر و عمیق‌تر می‌شود و ریشه‌ی تمامی بحران‌ها و مشکلات ما در خشک‌سالی می‌باشد،** آب یعنی آبادانی یعنی زندگی و همه چیز از آب زنده می‌باشد و اگر آب نباشد همه چیز می‌میرد. باید بدانیم **ایران در خشک‌سالی عظیمی قرار دارد و فرصت چندانی نداریم و تنها راه نجات بر طرف نمودن خشک‌سالی و تولید آب است و صرفه جویی اگر چه که لازم است ولی درمان نیست.**امروز اگر کمی به اطرافمان توجه نماییم می‌بینیم که وضعیت نسبت به قبل فرق کرده، **رودخانه‌ها خشکیده، عمق چاه‌ها به بیش از ۲۰۰ متر رسیده،** وضعیت دریاچه‌ها مانند دریاچه‌ی ارومیه و دریاچه‌ی نمک قم و گاوخونی و هور العظیم که برای همگان معلوم است، **هوا گرم شده و تبخیرِ آب شدّت پیدا نموده و مقدار نزولات آسمانی کم شده تا جایی که در ٦٧ سال گذشته کمی بارش‌ها بی‌نظیر بوده، استفاده از آب‌های زیرزمینی شدت پیدا نموده و کشاورزان دچار مشکلات عدیده‌ای گردیده‌اند تا جایی که اعتراضات کشاورزان اصفهانی به علت نبود آب در سال ٩٦ شروع گردیده** و تا این تاریخ ۹۷,۱,۲۹ ادامه دارد و اعتراض‌های مشابهی نیز در کوه‌رنگ و تفرش و یزد در حال شکل‌گیری می‌باشد، بنا بر نظر کارشناسی درست نیز **ریشه‌ی اغتشاشات دی‌ماه و اغتشاشات آینده نیز از خشک‌سالی می‌باشد.** دلیل عمده‌ی اغتشاشات و اعتراض‌ها در دی‌ماه سال ٩٦ و بعد از آن مسائل اقتصادی و معیشت بوده و همه میدانیم شرط اول اقتصاد آب است، چرا که سه ضلع مهم اقتصاد یعنی صنعت، کشاورزی، ساخت‌وساز و حتی گردشگری بستگی به آب دارد و اگر کشور دچار خشک‌سالی شود این امور دچار رکود گردیده و در نتیجه اقتصاد ورشکسته می‌گردد، پس بدیهی است **دلیل اصلیِ مشکلات اقتصادیِ جامعه خشک‌سالی می‌باشد** و ۹۷% کشور در خشکسالی‌ست و میدانیم بعد از جریانات دی‌ماه ٩٦ اگر چه تلاش شد اقتصاد کمی احیا شود ولی باید بدانیم کار از بنیان سُست است که دیدم **دلار تا ٦٤٠٠ تومان رسید و گرانی دلار یعنی گرانی همه چیز یعنی سقوط پول ملی** و بدانیم کار اساسی نیز صورت نگرفته و **جهش بعدی دلار ۱۰ هزار تومان می‌باشد** و میدانیم **گرانی دلار یعنی زیادشدن مهاجرت از ایران یعنی واردات بیشتر یعنی تعطیلی بیشتر کارخانه‌ها و تبدیل نرخ معاملات از دلار به یورو نیز مشکلی را بر طرف نمی‌نماید** و چرا جریانات این‌گونه شده است؟

آیا چند دلّال می‌توانند کشوری را این‌گونه دچار ناثباتی کنند و یا اینکه جریانات چیز دیگری است، **آیا در جریان بانک و ارز هم مانند محیط زیست اخلالگرانِ نفوذیِ دولتی داریم**؟ این مطلبی است که به جِدّ باید پیگیری شود.با وضعیت کنونی **استقلالِ کشاورزی ما خدشه‌دار شده و واردکننده‌ی محصولات شده‌ایم و زمانی که کار به اینجا برسد آزادی سیاسی خود را نیز از دست می‌دهیم** چرا که کشوری که واردکننده-ی غذاست نمی‌تواند بر روی مبانی خود بایستد و حتماً بله قربان گوی دیگران و حتی دشمنان خواهد بود و زمانی که اقتصاد و کشاورزی ما خدشه‌دار شود بدیهی است که اسلامیت و جمهوریت ما نیز خدشه‌دار می‌شود، اما اسلامیت خدشه‌دار می‌شود، زیرا **وابستگی کشاورزی یعنی شکست در عرصه‌ی اقتصاد و نتیجتاً جامعه و مردم را از الگوی کنونی اداره‌ی جامعه و حکومت مأیوس شده و اغتشاشات بیشتر و بیشتر می‌گردد** و در نهایت... و خداوند به هیچ حکومتی تضمین نداده که تا ابد باقی بماند و لذا با ادامه‌ی خشک‌سالی تمامی ماهیت انقلاب یعنی شعار اساسی: استقلال آزادی جمهوری اسلامی - و شعار: نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی - به چالش کشیده می‌شود. شاید فکر کنیم خشک‌سالی امری طبیعی است و در برابر آن کاری نمی‌توان انجام داد درحالی‌که این تصور پندار و توهمی بیش نمی‌باشد، **تمامی تفکرها چه مادی و چه الهی و حتی فِرَق انحرافی برای کنترل خشک‌سالی راه چاره دارند** و البته در اسلام نیز راهکارهایِ معنویِ متعددی می‌باشد که از جمله‌ی آن‌ها نماز باران می‌باشد ولی راهکارهای غیرعادی دیگری نیز وجود دارد که اکثراً بی‌اطلاع می‌باشند، **ناامیدی از مهار خشک‌سالی نتیجه‌ی فعالیت‌های دشمن می‌باشد ولی بنده اعلام می‌کنم از طریق غیرعادی در عرض دو ماه می‌توان این بلای خانمان‌سوز را مهار نمود** و توضیح کوتاه این است که در شرایط خاصی از راه غیرعادی می‌توان آسمان را به سمت ایران شیب‌دار نمود و درون آسمان ایران چاله‌ی جوی درست نمود و آب را از آسمانها به ایران انتقال داد و برای همیشه مشکل خشک‌سالی را بر طرف نمود، این حرکت حرکتی جمعی می‌باشد و به تنهایی نمی‌توان آن را انجام داد و در سال یک‌بار بیشتر نمی‌توان آن را انجام داد و در سال گذشته تاریخ آن ۹۶,۶,۶ بوده است و در سال ۹۷ نیز تاریخ مشخصی دارد که می‌توانید به قطره‌های۹۳ و۱۰۰۱ مراجعه فرمایید **و راهکار عادی یک ساله‌ی ما برای بر طرف نمودن خشکسالی انتقالِ یک ساله‌ی آب خلیج‌فارس و**

**دریای عمان به کل کشور می‌باشد** که در قطره‌های ۷۳،۹۲،۹٤ توضیح داده شده است، ولی متأسفانه جامعه‌ی ما به این باور رسیده است که در برابر خشک‌سالی نمی‌توان اقدام مهمی انجام داد، به عقیده‌ی بسیاری از متفکرین و نخبگان جامعه: خشک‌سالی ایران و امور مهیب دیگری که از سال ۹٦ در ایران شدت گرفته است مانند زلزله‌ها نتیجه‌ی دستاوردهای جدید غرب بوده و **ما هم اکنون در جنگی قرار داریم که از سلاح‌های آن بی‌خبریم، جنگِ اکوسیستمی(هجومِ امواجِ مخرب و تاثیر گذار بر محیط زیست)** یعنی: تغییر آب وَ هوا و سردی و گرمی هوا و تغییرات منفی بوسیله‌ی تکنولوژی‌های مدرن در کشور هدف که علت بسیاری از مشکلات اقتصادی و در نهایت اغتشاشات می‌باشد. به عقیده‌ی عده‌ای گرمی زمستان و شکوفه دادن درختان و بعد از آن سرما و برف و گرمی هوای فروردین و سرما و برفِ دوباره که منجر به ضررهای جبران‌ناپذیر در کشاورزی ایران گردید نتیجه‌ی همین جنگ خانمان‌سوز است بله **در دوره‌ی عجیبی قرار داریم ۹۷% کشور در خشک‌سالی قرار دارد و ضررهای خشک‌سالی متوجه مملکت گردید و کشت برنج در کرمانشاه و خوزستان و شیراز و اصفهان ممنوع شده از طرف دیگر جای دیگر مملکت بر اثر سرما و برف و سیل ضرر می‌بیند، و محصولات یخ میزند، این برف و سرمای فروردین ۹۷ خشک‌سالی را بر طرف ننمود ولی کشاورزی ما را ویران نمود** و زمانی که می‌بینیم **در سال ۹٦ گروهی به عنوان جاسوس در حیطه‌ی محیط‌زیست دستگیر می‌شوند و یکی از آنان در زندان خودکشی می‌کند و بعد از آن در فروردین ۹۷ معاون محیط‌زیست ایران که یکی از افراد مشکوک است که با آن گروه ارتباط داشته از ایران خارج می‌گردد و بعد اعلام می‌شود استعفا داده است ظن و گمان بیشتر می‌شود که دست‌هایی در پس پرده مشغول فعالیت است که نمی‌خواهند مشکلات این مملکت بر طرف گردد و در عوض در صدد هستند با گسترش خشک‌سالی اعتراضات مردمی بیشتر گردد و در نهایت این اعتراضات ایران را دچار فروپاشی نماید** و این مطلب از ذهن به دور نیست زمانی که در بررسی‌های خود به اینجا می‌رسیم که **یکی از علل فروپاشی شوروی ناتوانی در بخش کشاورزی بوده و یکی از علل نا آرامی‌ها در سوریه نیز شروع اعتراض‌های کشاورزی در سوریه بوده** باز به اینجا می‌رسیم که دشمن با الگوهایی که برای از بین بردن رقبای خود تا کنون پیروز بوده اقدام به

تأثیرات منفی در ایران نموده است، بله **دشمنان ایران در سال ۱۲۹۸ با ایجاد خشک‌سالی مصنوعی حکومت قاجار را در ایران براندازی نموده و قیام مشروطه را در ایران ناکام گذاشتند و در نهایت حکومت و فردی را که مورد پسند خودشان بود را در ایران بر روی کار آوردند و انگلیس‌ها اعلام نموده‌اند که ما تا سال ۲۰۵۰ مدارک و اتفاقات آن زمان را در اختیار کسی قرار نمی‌دهیم که در آن زمان ٤٠% ایرانیان یعنی ۱۱ میلیون نفر در ایران بر اثر گرسنگی و بیماری‌های عمومی جان دادند و این اتفاقات عیناً در ایران در حال تکرار می‌باشد، انقلاب را با خشکسالی میخواهند به چالش بکشند،** بله آنان از تجربه‌ی گذشته خود در این زمان کمال بهره را می‌برند، ایران در حال خشک شدن است و مسئولین هیچ راه‌حلی ندارند و متأسفانه آن چه بدتر می‌باشد اینکه: فکر می‌کنند راه حل دارند در حالی **مدیریت‌ها و برنامه‌های گذشته‌ی آنان وضعیت را برای ما چنین نموده است و مدیریت حال آنان با گذشته هیچ تفاوتی ندارد و از آن بدتر اینکه گوش به حرف هیچ کس نمی‌سپارند** و واضح است که اوضاع روزبه‌روز از این وخیم تر شده و سؤال این است: آیا در هنگامه‌ای که مصیبت برای همه آشکار شود مسئولین کنار مردم می‌مانند و یا در آن زمان مردم مصیبت زده را رها خواهند نمود؟ **اگر مسئولین برای کشاورزان اصفهان کاری کردند در آینده هم برای ایرانیان کاری انجام میدهند،** مصیبت دیگر این است که مسئولین وضعیت بحرانی را نمی‌گویند و امید دارند سال‌های آینده وضعیت بهتر گردد درحالی‌که با این امیدها نمی‌توان کار را به جایی برد، **ما به اندازه‌ی نیازمان نزولات آسمانی نداریم و هم اکنون با آب‌های زیرزمینی اوضاع را عادی نگاه داشته‌ایم درحالی‌که استفاده از آب‌های زیرزمینی از نظر علوم زمین‌شناسی حرام مطلق است چرا که آب‌های زیرزمینی تضمین‌کننده تعادل زمین است و اگر آن آب‌ها استفاده گردد سبب زلزله و فرو رفتن زمین می‌گردد ولی چه باید کرد که ما در این وضعیت بحرانی با تمامی سرعت از آن آب‌ها استفاده می‌نماییم،** مشکل دیگر این است که مردم عموماً از خشک‌سالی خبر ندارند و نمی‌دانند وضعیت چقدر بحرانی است که البته نگاه‌داشتن مردم در بی‌خبری هم شاید یک سیاست باشد، شاید توجیه این سیاست این باشد که اگر بگوییم وضعیت چگونه است مشکلات دیگری به وجود می‌آید و لذا نمی‌گویند و منتظرند ببینند در آینده چه می‌شود درحالی‌که نگفتن بحران

خیانتی جبران‌ناپذیر است، اولاً باید بدانیم به صورت عادی وضعیت تغییر نخواهد نمود و در آینده دولت نیز دستاورد جدیدی پیدا نخواهد نمود که وضعیت را بهبود ببخشد لذا بهتر است از همین الان به مردم واقعیت را بگوییم تا اینکه به لطف خدا با کار جمعی و ملی از این مشکل بیرون شویم، بله **مردم ما نسبت به خشک‌سالی آگاهی ندارند چرا که یا اصلاً نمی‌دانند خشک‌سالی می‌باشد و یا اینکه با اندک باران و برف فکر می‌کنند خشک‌سالی بر طرف شده است** و چرا این‌گونه فکر نکنند در حالی جمعیت کشور از ٦٩% روستانشین به ٢٩% تقلیل پیدا نموده و آنکه می‌تواند خشک‌سالی را بفهمد مردم شهر نیستند بلکه روستانشینان هستند، یکی از موانع دیگری که نمی‌گذارد مردم بفهمند خشک‌سالی وجود دارد جبران کسری محصولات کشاورزی از راه واردات می‌باشد اما سؤال این است: تا چه زمان می‌توان وضعیت را این‌گونه با واردات عادی نگاه داشت؟ **راه‌حل‌هایی که کارشناسان عنوان می‌دارند عموماً همان اموری است که در گذشته انجام داده‌اند، اگر مدیریت منابع آبی و اصلاح الگوی مصرف و بهینه‌سازی کشاورزی و ممنوعیت استفاده از آب‌های زیرزمینی و آب مجازی و یونیزه کرده ابرها و انتقال آب دریا و ... تا کنون راه حل نجات‌بخش بود که وضعیت ما چنین نبود، راه‌حل‌های گذشته‌ی مسئولین برای ما فایده‌ای نداشته لذا بدانیم آن راه‌حل‌ها برای آینده‌ی ما نیز فایده‌ای ندارد حتی اگر با جدّیت تمام امور را دنبال نمایند باز هم نمی‌توانند کاری انجام دهند چرا که حرف نو و تازه‌ای برای گفتن ندارند،** مسئله‌ی مهم این است که ما زمان برای حل این بحران نداریم و اوضاعِ کنونی با استفاده از آب‌های ممنوعه‌ی زیرزمینی است که عادی نگاه داشته شده ولی دیر یا زود آن‌ها هم تمام می‌شود، آنگاه باید چه انجام داد؟ **راه‌حل‌های مسئولین تماماً امور لازمی است که باید انجام گردد ولی درمان قطعی نمی‌باشد، راه‌حل‌های مسئولین نهایتاً مرگ را مقداری عقب می‌اندازد، درمان قطعی زمانی است که بتوان در مدت کوتاهی در ایران آب زیاد تولید نمود، ٢٠٠ دشت کشور در حال فرو رفتن است و ما با این مدیریت برای آیندگان نه خاک و نه آبی باقی نخواهیم گذاشت.** از طرفی به جِدّ این مطلب مطرح است که **در اثر ورشکستی اقتصادی که روزبه‌روز بیشتر آشکار می‌گردد مجبور می‌گردیم از بسیاری از اصول خود در سیاست داخلی خارجی دست‌برداریم بله مشکلِ اقتصادی، قطعنامه ٥٩٨ را**

**بر امام ره تحمیل نمود و مشکل تحریم‌ها برجام را و طبق این روال آن جریانات تکرار شدنی است و این بار از تمامی آن وقایع خون‌بار تر خواهد بود چرا که در جریان پیش رو ملت محتاج آب هستند،** از طرفی گمان می‌رود بعضی افراد از اساس به این وضعیت خشنود باشند بعضی می‌دانند به زانو در آوردن انقلاب نه با جنگ روبرو امکان دارد و نه ... بلکه **اگر خشک‌سالی رواج یابد انقلاب مجبور به پذیرش هر آنچه دشمن می‌خواهد خواهد بود، با وضعیت کنونی نه کالایی برای ایران باقی می‌ماند که ما حمایت نماییم و نه انسجام و اتحاد ملی باقی خواهد ماند و نه می‌توانیم جمعیت را زیاد نماییم بلکه خطر مرگ ۵۰ میلیون نفر در ایران وجود دارد که برای زنده ماندن یا مجبور به کوچ از ایران هستیم و یا مذاکره بر سر تمامی دارایی و دین خود و در غیر آن صورت جریان ۱۳۰٤ در ایران تکرار خواهد شد، یعنی با روال پیش رو هر روز ایران ضعیف و ضعیف تر می‌گردد و اعتراض‌ها و اغتشاش‌ها بیشتر می‌گردد و مردم از حکومت ناامید می‌گردند** و در نهایت... بله بعضی به این وضعیت راضی هستند و آینده‌ی دین و ملت برایشان اهمیتی ندارد، مطمئناً **عده‌ای در این حوزه نفوذ نموده‌اند و ماموریتهای ویژه‌ای دارند و تعدادی هم به خشک‌سالی راضی هستند تا از راه گسترش خشک‌سالی واردات محصولات کشاورزی گسترش یابد و از این راه پول‌های هنگفت بادآورده به جیب زنند و البته لازم است بدانیم قوی‌ترین کشورها در حوزه‌های مباحث مربوط به آب دشمنان ما هستند مانند آمریکا و اسرائیل غاصب و آن‌ها هیچ‌گاه آخرین دستاوردهای خود در این زمینه‌ی حیاتی را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند** لذا باید بدانیم به علوم غربی هم نمی‌توانیم اعتماد چندانی داشته باشیم اگر چه که باید استفاده نماییم.البته بر پژوهشگران و آینده‌پژوهان این مطلب هویدا است که ما زمان زیادی برای بر طرف کردن بحران خشک‌سالی نداریم **طبق گزارش‌ها هم اکنون آب شرب مردم اصفهان در مخاطره می‌باشد و وضعیت مشهد و تهران نیز مشابه آن می‌باشد، وضعیت روستاها بحرانی تر است، بدیهی است زمانی آب شرب شهرها در خطر باشد آب کشاورزی وجود نخواهد داشت،** لذا **تنها کلام کسانی مسموع میباشد که میگویند میتوان مشکل خشکسالی را با تولید آب فراوان آن هم کمتر از یکسال بر طرف نمود و ما نیز اعلام نمودیم که از طریق عادی و غیر عادی در عرض یکسال و کمتر از**

**میتوان خشکسالی را بر طرف نمود به قطره های۷۳و ۹۳ مراجعه نمایید.**علی **بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:٩٦khoshksali ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸**

**بسم الله الرحمن الرحیم** خدمت دکتر ولایتی دامت‌توفیقاته سلام‌علیکم: یکی از دستاوردهای سفر شما به روسیه افزایش ۵۷% مبادلات محصولات کشاورزی است و تشکر می‌نماییم از شما که قبل از وقوع فاجعه به فکر افتاده تا از طریق توسعه‌ی روابط با روسیه در بخش مبادلات کشاورزی تدبیری برای بیرون رفت از این ابر بحران بنمایید اما نکاتی را عرض می‌نماییم، همان‌گونه که واضح است بحران خشک‌سالی کشاورزی ما را ورشکسته نموده، روستاها خالی‌شده و تولید بعضی از محصولات اساسی در ایران ممنوع گردیده است اما چند سؤال را خدمت شما عرض می‌نماییم، همان‌گونه که همه میدانیم کشور پهناور روسیه یکی ابرقدرت‌های علمی و اقتصادی بوده که بیشترین منابع آب‌های شیرین را در دست دارد سؤال این است هم‌اکنون که ما برای تأمین غذای ملت به مشکل برخورد نموده‌ایم آیا برای برطرف نمودن این مشکل باید به فکر خرید غذا از روسیه باشیم و یا اینکه اگر می‌خواهیم کاری اساسی را انجام دهیم باید از روسیه برای برطرف نمودن مشکل خشک‌سالی کمک بگیریم؟ که اگر روس‌ها کمک کنند و خشک‌سالی برطرف شود بسیار راحت بجای اینکه بخواهیم نفت دهیم و غذا بگیریم خودمان غذای خودمان را تأمین می‌نماییم، آیا اعتمادی وجود دارد درزمانی که احتیاج ما به واردات غذا بیشتر می‌شود روس‌ها قیمت فروش محصولات کشاورزی را تا ده بلکه صد برابر افزایش ندهند؟ که نمونه‌ی این واقعه در تاریخ موجود است که در زمانی که چیزی جز نان اندکی برای خوردن نبود قیمت نان تا ۱۵ برابر فزایش پیدا کرد ، نانی که بعضاً با خاک‌اره مخلوط مینمودند و اصولاً چشم‌اندازِ واردات غذا از خارج تا چه زمانی است؟ آیا چشم‌اندازی برای احیاء

کشاورزی وجود دارد؟ آیا می‌توانیم بدون تولید و خودکفایی در کشاورزی نظام را به‌صورت زنده نگاه‌داریم و یا درصورتی‌که سریعاً مشکل آب و کشاورزی را برطرف ننماییم به سرنوشت شوروی و قاجار مبتلا می‌شویم که ما در کتابمان اثبات نموده‌ایم در تمامی مدل‌های فروپاشی هستیم و دو مدل از آن مدل‌ها مدل‌های قاجار و شوروی است مگر اینکه سریعاً خشک‌سالی را برطرف نماییم، روس‌ها بزرگ‌ترین منابع آبی دنیا را در دست دارند چرا برای انتقال آب‌های شیرین قطب شمال با آن‌ها مذاکره نکردید؟ روس‌ها تکنولوژی اتمی برای شیرین سازی آب دریا رادارند چرا برای انتقال و شیرین سازی آب‌های جنوب از آن‌ها کمک نخواستید؟ هم‌اکنون جمعیت ایران ۸۰ میلیون نفر است و ما در تأمین غذای این مردم به مشکل برخورد نموده و تنها راه‌حل را واردات محصولات کشاورزی دیده‌اید ولی این روال تا کی می‌تواند ادامه داشته باشد؟ آیا با این روال می‌توان چشم‌انداز ۱۵۰ میلیون نفری ایران را تحقق بخشید؟ یا اینکه با روال موجود فقر و تورم و بیکاری و سوءتغذیه در ایران موجب می‌شود تا فاجعه‌ی ۱۲۹۸ که منجر به مرگ ۱۱ میلیون نفر شد در ایران تکرار شود؟ جواب کشاورزی ذبح‌شده‌ی ایران را چه خواهیم داد؟ جواب تاریخ را چه خواهیم داد؟ اگرچه که در این سفر از طرف سخنگوی وزارت خارجه میانجی‌گری روسیه برای نزدیک نمودن روابط ایران با آمریکا و اسرائیل تکذیب شد ولی باز ما در کتاب خودمان اثبات نموده‌ایم اگر سریعاً مشکل خشک‌سالی را برطرف ننماییم به مذاکره با اسرائیل خواهیم رسید البته شاید این مطلب را بخواهیم انکار نماییم اما به همان دلایلی که ایران به قطعنامه‌ی ۵۹۸ رسید و با دشمن خود یعنی رژیم بعث به مذاکره رسید و در مرحله‌ی بعد به مذاکره با آمریکا و برجام رسید، به همان دلایل این بار به مذاکره با اسرائیل خواهیم رسید مگر اینکه سریعاً مشکل خشک‌سالی را برطرف نماییم و پیش‌بینی این مطلب برای کسانی که کمی تأمل نمایند آسان است، تحریم‌های کمرشکن در تمامی زمینه‌ها درراه است، ریال به کم‌ارزش‌ترین پول دنیا تبدیل‌شده ، خشک‌سالی کشاورزی ما را ذبح کرده و سلسله وار صنعت و ساخت‌وساز را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، پس فقر و تورم و بیکاری زیاد می‌شود پیامد آن امور در خانواده و فرهنگ

و وفاق ملی نمایان می‌شود و هیچ برنامه‌ای برای احیاء اقتصاد موجود نیست، دولتمردان ما نیز تنها به مذاکره و برداشت تحریم‌ها دل‌خوش نموده‌اند و صاحبان تحریم و دشمنان ما نیز چیزی جز به رسمیت شناختن اسرائیل و عقب‌نشینی از جبهه‌ی مقاومت و کنار گذاشتن اسلام راضی نیستند پس چشم‌انداز ما در چند سال پیش رو چیزی جز این نیست که برای حفظ حداقلی‌های حکومتی به مذاکره با اسرائیل بپردازیم و البته به همان راحتی که ۵۹۸ و برجام توجیه شد این بار هم توجیه خواهد شد بله برداشته شدن تحریم‌ها منوط به عقب‌نشینی از جبهه مقاومت است و از طرفی میدانیم اسرائیل نیز یکی از ابرقدرت‌های آبی جهان است و همین دو علت برای سوق به سمت مذاکره با اسرائیل کافی است مگر اینکه سریعاً خشک‌سالی را برطرف نماییم، عرض می‌نمایم هرگونه تلاش برای حل بحران‌های ایران محکوم است مگر اینکه تلاش کنیم خشک‌سالی برطرف شود چراکه ریشه‌ی تمامی بحران‌های ما خشک‌سالی است و تا خشک‌سالی‌ست هیچ بحرانی اعم از فرهنگی و اجتماعی و امنیتی و اقتصادی و ... برطرف نمی‌شود چراکه قرآن می‌فرماید **و جعلنا من الماء کل شیء حی** و اگر نمی‌دانید چگونه می‌توان خشک‌سالی را برطرف نمود ما اعلام نموده‌ایم با طرح‌های عادی در یک سال و با طرح‌های غیرعادی در دو ماه خشک‌سالی را می‌توان برطرف نمود. قطره‌های ۷۳، ۹۲ ،۹۳ ،۹٤ ،۱۰۰۰،۱۰۰۱ - والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته - **شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسه - ۹۷,٤,۲٦**

**بسم الله الذی جعل السسب و المسبب و العلة و المعلول و هو القاهر فوق کل شیء و کل شیء عنده ذلیل فقیر جاهل مقهور بل هم فقر و ضعف و جهل و هو العالم القادر الغنی بل هو علم و قدرة و هو هو ، لا یعلم هو الا هو و لا نحن الا هو**

توصیه به جریانی که بعد از دولت دوازدهم قبل از سال ۱٤۰۰ به روی کار میاید: سلام علیکم دلیل آنکه آقای دکتر روحانی نتوانستند تا آخر دوره‌ی ریاست جمهوری خود دوام بیاورند اشتباهات فاحشی بود که انجام دادند و ایشان را در حل مشکلات جامعه ناتوان ساختند اگر آن اشتباهات تکرار شود همان عاقبت در انتظار شما

می‌باشد و دلایل آن بسیار است اما دلیل عقلی آن این است که: **اذا تکررت العلة تکرر المعلول و اذا اشتدت العلة اشتدت و تسرعت المعلول و یمکن لعلة واحده معالیل کثیره و یبوسه الارض و عدم نزول المطر فی جمیع البلاد علة لجمیع المصیبات الاقتصادیه و الاجتماعیه و الفردیه و الاخلاقیه و ... و اذا اشتدت العلة اشتد المعالیل و الواضح اشتداد حروره الارض و السماء و یبوسة الارض و اتمام الماء فی ایران و من نتائجه کساد الاقتصاد و الزراعه و ...** لذا توصیه می‌کنیم اگر می‌خواهید شما به آن سرنوشت مبتلا نشوید سریعاً با تمام توان مشکل خشک‌سالی را برطرف نمایید که مشکل فقر و اقتصاد و بیکاری و مشکلات زیست‌محیطی و تورم و ... همه از خشک‌سالی می‌باشد چراکه خداوند می‌فرماید: و جعلنا من الماء کل شیء حی و مشکل آب را بدون وابستگی به غرب و شرق سریعاً می‌توان برطرف نمود و بدانید تکیه بر راهکارهای گذشته‌ی حل بحران آب و کم‌اهمیت دانستن خشک‌سالی همان اشتباهی است که آقای دکتر روحانی مبتلا شدند و به آن سرنوشت دچار شدند اولاً راهکارهای گذشته اگرچه که لازم است ولی کافی نیست ثانیاً باید به تمامی زمین‌ها مخصوصاً روستاها و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی آب‌رسانی کرد ثالثاً: باید سریعاً این اقدام صورت گیرد رابعاً باید به عرصه‌های بین‌المللی برای برطرف نمودن خشک‌سالی جهانی وارد شویم و هرکدام از این امور اتفاق نیفتاد آن سرنوشت برای شما هم تکرار می‌شود. از طریق عادی و غیرعادی می‌توانیم مشکل را در کمتر از یکسال برطرف نماییم که در قطره‌های ۷۳ و ۹۲ و ۹۳ و ۹٤ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ توضیح داده‌ایم.
قم المقدسة - شیخ علی بهرامی نیکو – ۹۷,۳,۲٦ –

**سلام بر کسی که بشنود، فکر کند، پاسخ گوید که اگر سکوت کند جوابی نداشته جناب آقای نتانیاهو** شاهد بودیم کانال تلگرامی فن آوریهای اسرائیل در حوزه‌ی آب با سخنرانی شما در حل بحران خشک‌سالی ایران اقدام به فعالیت نمود اما باگذشت بیش از یک ماه چیز مفیدی در سایت و کانال شما مشاهده نمیشود لذا مطالبی را یادآور می‌شویم، پیشنهاد شما برای رفع بحران خشک‌سالی در ایران پیرامون بازیافت

پس‌آب فاضلاب بود که پیشنهاد شمارا بررسی می‌نماییم اولاً شما که بنا بر ادعای خودتان امور ایران را کاملاً زیر نظر داشته و در زیروبم نظام نفوذ دارید تا جایی که میدانید برای سرقت اطلاعات فوق محرمانه‌ی هسته‌ای ٦ ساعت و ٢٩ دقیقه وقت دارید و می‌توانید بیش از نیم تُن اسناد کاغذی و ١٨٣ عدد سی دی محرمانه‌ی اسناد هسته‌ای را سرقت کرده و به اسرائیل انتقال دهید، آیا نمی‌دانید وضعیت آبی به حدی وخیم است که در بعضی از مکان‌ها اصولاً آبی نیست که بخواهیم با تصفیه‌ی پس آب مشکل خشک‌سالی را برطرف نماییم؟ بعید است این مطلب راندانید، اگر نمی‌دانید چگونه برای رفع خشک‌سالی ایران نظر می‌دهید و اگر میدانید چگونه پیشنهاد تصفیه‌ی پس آب را می‌دهید؟ وضعیت آبی ما برای شما کاملاً نمایان است گذشته از آنکه رژیم سابق ایران با شما روابط حسنه‌ای داشته و شما بسیاری از نقشه‌های زیرساخت‌های ایران را در دست دارید، نقشه‌های آبی و محیط‌زیست دشت مغان و قزوین و خوزستان و ... و شما اصولاً در مقطع زمانی رژیم سابق منافع بسیاری زیادی را در ایران داشته‌اید، پس تعجب اینجاست با اطلاعات دقیق و بالایی که از زیرساخت‌ها و منابع و استعدادهای ایران دارید چگونه پیشنهاد استفاده از پس آب را برای حل بحران خشک‌سالی به ما می‌دهید؟ نکته‌ی دیگر اینکه ما برای کشاورزی و صنعت به آب زیادی احتیاج داریم یعنی صدها میلیارد متر کعب در سال و البته هرسال نیز نیاز ما به آب بیشتر می‌شود آیا پیشنهاد استفاده از پس آب مشکلی را از این ملت برطرف می‌نماید؟ آنچه واضح است مهم‌ترین اقدام شما برای عبور از بحران خشک‌سالی در سرزمین‌های اشغالی انتقال و شیرین سازی آب دریا به‌وسیله‌ی انرژی هسته‌ای بوده است لذا سؤال ما این است: چرا در پیشنهاد خود به پروژه‌ی انتقال و شیرین سازی آب خلیج‌فارس و دریای عمان به‌وسیله‌ی انرژی هسته‌ای اشاره‌ای نکرده‌اید، لذا تقاضا داریم اگر می‌خواهید برای این ملت کاری انجام دهید با هم‌پیمانان خود یعنی آمریکا و انگلیس و ... مذاکره نمایید تا اولاً تحریم‌ها را از ایران بردارند ثانیاً حق غنی‌سازی اورانیوم را به رسمیت بشناسند تا ما بتوانیم به کمک انرژی هسته‌ای مشکل برق و شیرین سازی و انتقال آب دریا را برطرف نماییم، شما خوب میدانید اگر

راکتورهای هسته‌ای شما نبود هیچ‌گاه نمی‌توانستید مشکل آب خود را برطرف نمایید، حال که این تکنولوژی باعث برون‌رفت شما از خشک‌سالی گردیده است راهکاری غیرازاین نمی‌تواند مشکل خشک‌سالی ایران را برطرف نماید پس چرا در به رسمیت شناختن حداقل اورانیوم ۲۰% غنی‌شده که بتوان مشکل برق و شیرین سازی آب دریا و درمان هسته‌ای ما را برطرف نماید تلاش بین‌المللی نمی‌نمایید؟ نکته‌ی دیگر اینکه بحرانی‌ترین نقاط که مشکل آب شرب و بهداشت دارند کرانه‌ی باختری و مردم غزه و فلسطین می‌باشند چرا بجای برطرف کردن مشکل آب و سوءتغذیه به آنان موشک و گلوله هدیه می‌دهید؟ آیا می‌توانیم قبول نماییم که شما از این فاصله‌ی دور دلتان به حال ما  بسوزد و برای بحران‌های ما تلاش نمایید اما برای همسایگان خود که در حقیقت مالک زمین‌های شما هستند تلاشی نکنید و در عوض از حقوق ابتدایی محروم باشند؟ به نظر می‌رسد در اینجا تناقض‌های بسیاری وجود دارد، آیا پشت پرده‌ی پیشنهاد شما به ما فلسطینی کردن ایران نیست، یعنی با همان روشی که در فلسطین جای پا پیدا نمودید و درنهایت صاحب‌خانه را از خانه بیرون کرده و صاحب‌خانه شدید درصدد نیستید در ایران همان پروژه را عملی نمایید؟ با این اوصاف که خودتان اعتراف دارید بانفوذ توانسته‌اید محرمانه‌ترین اسناد هسته‌ای ایران را سرقت نمایید چگونه پیشنهاد می‌دهید تا دانشمندان شما به ایران سفر نمایند؟ بله اگر دلتان به حال مردم کرانه‌ی باختری و غزه و فلسطین سوخت و خانه را به صاحب‌خانه پس دادید شاید در ادعای دوستی شما کمی تردید نماییم اما با این وضع قسم به تورات را قبول نمی‌نماییم زیرا که دم‌روباه را به عیان می‌بینیم، نکته‌ی دیگر در مورد مصاحبه‌ی یک کارشناس امنیتی شما با اسپوتنیک می‌باشد که اعلام کرده احتمال استفاده‌ی اسرائیل از تسلیحات آب و هوایی علیه ایران رد نمی‌کند، بعید است شما از این تسلیحات بی‌خبر باشید اما سؤال این است که چرا این فرد را تحویل مقامات ایران نمی‌دهید تا صحت و یا کذب مطلب بررسی شود و اصولاً چرا از این تکنولوژی برای بیرون رفت از بحران خشک‌سالی سخن نمی‌گویید؟ بله هولوکاست واقعی کشته شدن ٤٠% ایرانیان در جریان جنگ جهانی اول به‌واسطه‌ی قحطی و خشک‌سالی است که از آن

سخن گفته نمی‌شود، هولوکاست واقعی اشغال ایران در جنگ جهانی دوم است که لطمات جبران‌ناپذیری را متحمل گردیدیم و بااینکه در هر دو جنگ هیچ‌کدام از طرفین جنگ نبودیم اما از تمامی کشورها صدمات بیشتری را متحمل شدیم، ما ایرانیان موردتهاجم قرارگرفته و ۱۱ میلیون کشته دادیم و درنهایت طرف‌های پیروز جنگ اسرائیل را در سرزمین‌های مقدس مسلمانان و آل سعود وهابی را در جای دیگری پایه نهادند و از طرفی امپراتوری عثمانی را تکه‌تکه نموده و بر هر قسمت جیره‌خواری را بر کار نشاندند و ازآن‌پس ما شاهد بودیم ایران نیز جولانگاه انگلیس و آمریکا گردید و در ادامه شاهد حضور اسرائیل در ایران بودیم، بله هولوکاست واقعی که باید جواب داده شود خون‌های به‌ناحق ریخته‌ی ۱۱ میلیون ایرانی است در جنگی هیچ نقشی نداشتند نه ادعاهای بدون سند و مدرک که بارها توسط تاریخ‌شناسان و پژوهشگران مردود شده است. والسلام علی من اتبع الهدی – شیخ علی بهرامی نیکو – قم المقدسه – ۹۷,٤,۲۷

**بسم الله الرحمن الرحیم** خدمت بردار جهادی سردار عبداللهی دامت توفیقاته سلام‌علیکم: جهاد شبانه‌روزی و مخلصانه‌ی خاتم‌الانبیاء ص در اجرایی نمودن پروژه‌ی بی‌نظیر آب‌رسانی غدیر یاد و خاطره‌ی سنگر سازان بی سنگر را زنده نمود و اثبات نمودید در برابر اراده‌ی مؤمن کوه‌ها کوچک بوده و این تفکر می‌تواند کارهای بزرگ را در مدت کوتاه به ثمر برساند، بله کاری که در طول ٤ سال توقع آن می‌رفت را در چند ماه عملی نمودید و قدرت تفکر جهاد و جهادی را به نمایش گذاشتید این همان چیزی است که انقلاب با آن جان می‌گیرد که متأسفانه به فراموشی سپرده‌شده، شما اثبات نمودید تفکر و توانِ ساخت پل خیبری و پل بعثت و ... هنوز باقی است شما یاد خاطره‌ی کاوه‌ها، همت‌ها، برونسی‌ها، باقری‌ها، حاج والی‌ها را بعد از سال‌ها عملاً زنده نمودید، باید اعتراف نماییم تنها این تفکر و اراده و تنها مسئله‌ی آب‌رسانی

بسیار سریع به‌تمامی زمین‌های تشنه است که می‌تواند ما را از این موقعیت حساس که انقلاب و ملت در آن قرار دهد نجات دهد، اما اگرچه که در عملی نمودن پروژه دنیا را متحیر کرده و یکی از پیچیده‌ترین و پرسرعت‌ترین مهندسی‌ها را عملی نمودید اما بزرگ‌ترین و فاحش‌ترین اشتباه را مرتکب شدید که در سال‌های آینده معلوم شده و زبان خناسان را دراز می‌نماید و تعجب می‌کنم که چرا بدون توجه به این مسئله اقدام به عملی نمودن این پروژه نموده‌اید که البته شاید توجیهاتی داشته باشید اما حقیقتاً این اشتباه در آینده تمامی زحمات شمارا خنثی می‌سازد و آن مسئله انتقال آب از سرشاخه‌های دز است به جنوب است مسئله این است که با گرمی هوا و کم شدن نزولات آسمانی و ممانعت کشورها از ورود آب به ایران و نیاز روزافزون کشور به منابع آبی به‌زودی دز نیز به مشکل بی‌آب و خشکسالی برمی‌خورد و خط انتقالی شما چیزی برای انتقال در دست نخواهد داشت، بله سرگذشت زاینده رود و جازموریان در انتظار دز است گذشته از اینکه: مردم خوزستان تنها به آب شرب و مصارف خانگی احتیاج ندارند و اگر آب برای بقیه‌ی مصارف آب نداشته باشند عملاً زندگی مختل می‌شود و شما بهتر میدانید این خط انتقال آب جوابگوی مابقی مصارف مردم از قبیل دامداری و کشاورزی و صنعت و ... را نخواهد بود پس عملاً چون نتوانستید بقیه‌ی نیازهای آبی مردم را تأمین نمایید بازهم خطر درگیری و خالی شدن مردم آن منطقه وجود دارد، نکته دیگر اینکه این عملیات انتقالی شما درزمانی شکل گرفت که شاهد درگیری در خوزستان بودیم، چرا قبل از وقوع این جریانات شما چنین کاری را انجام ندادید؟ لذا بازهم خطر درگیری وجود دارد چرا که در آینده شاهد جنبش کشاورزان و دامداران و ... خواهیم بود، از این‌ها گذشته بقیه‌ی استان‌ها نیز آماده‌ی جریاناتی مشابه خرمشهر می‌باشد چراکه در حقیقت مردم به این نتیجه رسیده‌اند که حق گرفتنی است اگر می‌خواهند به‌حق خود برسند باید مانند مردم خرمشهر عمل نمایند، و این تفکر تمامی ایران را در آستانه‌ی خطری جدی قرار می‌دهد، آیا به کشاورزان ورزنه‌ی اصفهان جوابی درست داده شد؟ آیا بین کوهرنگ و اصفهان و یزد مخاصمات آبی وجود ندارد؟ لذا پیشنهاد می‌دهم قبل از وقوع واقعه‌ی

وحشتناک که سراسر ایران را فرا بگیرد تدبیری جامع را دنبال نمایید و به‌تمامی زمین‌ها آب‌رسانی نمایید که آب خاموش‌کننده‌ی آتش فتنه می‌باشد، نکته‌ی دیگر اینکه به‌سادگی زیر بار طرح‌های دولت‌ها نروید تفکر جهاد و جهادی به‌خودی‌خود طراح و ناقد می‌باشد و شما در پیام نوروزی ترامپ به مردم ایران دیدید که چگونه ترامپ خاتم‌الانبیاء را متهم به خشک‌سالی نمود و در استدلال مغالطه‌ای خود گفته بود: خشکسالی از سد سازی است و سد سازیها کار خاتم الانبیاء میباشد پس عامل خشکسالی ایران سپاه و خاتم الانبیاء ص میباشد ، لذا توصیه می‌کنم که تنها قوه‌ی عامله نباشید که دیگران بگویند و شما عمل کنید بلکه شما قوه‌ی عاقلانه‌ی منتقدانه باشید و امور اشتباه پیشنهادی دولت‌ها و متخصصین را نقد نموده و عملی نمودن آن را به آنان واگذار نمایید، نکته دیگر اینکه راه درست برای مردم خوزستان انتقال و شیرین سازی آب خلیج‌فارس بود و نه انتقال آب دِز چراکه آب دِز محدود و در حال کم شدن است به خلاف آب خلیج‌فارس که در قطره‌های ۷۳، ۹۲، ۹٤ توضیح داده‌ایم و بدانید راه نجات ایران در انفطار السماء است که در قطره‌های ۹۳، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱ توضیح داده‌ایم ، بنده به تمامی ۱۱ ابر پروژه‌ی آبی که در سال ۹۷ میخواهید انجام دهید و البته تمامی ٤۰ ابر پروژه‌ی شما در سال ۹۷ اشکالاتی دارم.

شیخ علی بهرامی نیکو – ۹۷,٤,۱٤ – قم المقدسه

**بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تبارک و تعالی: لا تقربا هذه الشجره فتکونا من الظالمین** آنچه در خبرها شنیده‌شده حاکی از آن است که بانک‌ها برای انتقال آب خلیج‌فارس در حال اقدام جدی می‌باشند لذا اموری را یادآور می‌شویم: اوضح من الشمس است که آب خلیج‌فارس به‌راحتی قابلیت شیرین سازی و انتقال به جمیع سرزمین‌های ایران را داشته و درصورتی‌که حکیمانه و با در نظر گرفتن حقوق ملت این اتفاق عملی شود بعدازآن ایران و ایرانی به عزت غیرقابل‌تصور رسیده و ابرقدرت اقتصادی دنیا می‌گردند و تعیین‌کننده تمامی معادلات این کره خاکی خواهیم بود و با سرعت بیرون از حد تصور می‌توانیم به اهداف ملی و بین‌المللی دست‌یابیم این

ایده‌ی اقتصادی اگرچه که بر عموم ملت پوشیده است اما بر نخبگان و اندیشمندان خودی و غیرخودی پوشیده نیست و ما ایرانیان بسیار قبل‌تر باید به این گنج پنهان پی می‌بردیم، لذا هر گروه تفکری برای دستیابی به این ثروت عظیم تلاش می‌نمایند، یکی از گروه‌هایی که خطر آن برای ملت بیش از بقیه‌ی گروه‌ها می‌باشد و چشم طمع به این ثروت خدادادی دارند بانک‌ها می‌باشند، وضعیت بانک‌ها برای ملت و مؤمنین واضح می‌باشد، در نامه‌ی به جناب آقای سیف پشت پرده‌ی کوچکی از اقتصاد شیطانی بانک‌ها برای ملت بازگو گردید و باید بدانیم درجایی که بانک‌ها ورود نمایند منافع قشر سرمایه‌دار لحاظ می‌شود لذا اولاً به ملت هشدار می‌دهیم یگانه مسیری که به نجات ملت ایران از فقر و بیکاری و تورم و ... می‌انجامد آب‌رسانی سریع به‌تمامی ایران است منتهی اگر آب ملی نشود و در دستان بانک‌ها قرار گیرد کاربر عکس می‌شود یعنی فقر از ملت برطرف نشده و در عوض باعث اختلاف بسیار شدید طبقاتی و فقیرتر شدن فقرا و ثروتمندتر شدن ثروتمندان می‌شود، بلکه بانک‌ها که از جنگ باخدا و گرفتن ربا ابایی ندارد از به بردگی کشیدن هم نوع خود به‌طریق‌اولی ابایی ندارد، اگر قبل از اینکه ملت مشکل خشک‌سالی و بحران آب را برطرف نمایند بانک‌ها بتوانند این مشکل را با هر روشی برطرف نمایند تمامی ملت مانند بنی‌اسرائیل به بردگی کشیده شده و سهم زندگی آنان کار شبانه‌روزی و بی‌بهره بودن از مواهب دنیایی و پر نمودن شکم‌سیری ناپذیر جهان خواران و سرمایه‌داران خواهد بود پس قبل از آنکه آنان آب را در دست‌گیرند ملت باید اقدام نماید و در قطره‌های ۷۳،۹۲،۹٤ روش عادی برطرف شدن بحران خشک‌سالی را توضیح داده‌ایم که بانک‌ها با همان الگوها می‌خواهند مشکل را برطرف نمایند که البته بهتر است بگوییم مشکل ملت را صد برابر نمایند لذا باید ملت نگذارند آب به سرنوشت نفت مبتلا شود، از طرف دیگر به دلسوزان انقلاب یادآور می‌شویم آب تنها امری است که در این لحظات حساس که در ابر بحران و جنگ اقتصادی همه‌جانبه هستیم می‌تواند ما را نجات دهد قبل از اینکه دیر شود و یا غیر متعهدین بخواهند این گوهر را از دست ملت بیرون آورند باید اقدام نماییم و آب را در قباله‌ی ملت درآوریم تا از تمامی ابر بحران‌ها به‌سرعت

بیرون شویم و عظمت تفکر اسلام در برپایی و ثمر رسیدن حکومت اسلامی را به همگان نشان دهیم و به بانک‌ها و امثال‌ذلک که راه قارون‌ها را می‌پیمایند و در پی زراندوزی هستند یادآور می‌شویم آب حریم مقدسی دارد که برای شما شجره‌ی ممنوعه می‌باشد، آب نعمت عام خداوند است که نمی‌توانید با در اختیار گرفتن آن نقش کلیدی در اقتصاد و زندگی ملت را ایفا نمایید، این فکر را از سرخود بیرون کنید که بتوانید با آب به ثروت عظیمی برای خود دست‌یابید، آب حق ملتی است که ٤٠ سال بادل و جان در برابر دشمنان ایستادگی کرده‌اند، آب حافظی دارد که دستان غیر را قطع می‌کند، آب برای شما گندم ری است که هیچ‌گاه از آن نمی‌خورید، آب حق کوخ‌نشینان و پابرهنگان و زاغه‌نشینان است، بدانید آب مهربان است و وحشی، بستگی به‌طرف مقابل دارد اگر موسی و نوح باشد آب نجات‌دهنده است و الا آب غرق می‌کند، بدانید ایران در آستانه‌ی تولدی عظیم است و ملت نقش بانک‌ها را در فقر و بیچارگی خود فراموش نمی‌کنند پس اگر نیت شما کمک به مردم است تغییرات اساسی را عملاً به مردم نشان دهید و جواب سؤال‌های ما را در نامه به جناب دکتر سیف مرقوم فرمایید و بگویم قبل از اینکه به آب دست‌یابید و این ثروت را در قباله‌ی شخصی خودتان وارد نمایید تحولات عظیمی شکل می‌گیرد و آب در قباله‌ی ملت در میاید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسه - ٩٧,٤,١٧

**بسم‌الله الذی نزل کهیعص‌حمعسق‌ن‌ق:** ستاد جنگ اقتصادی سلام‌علیکم: بحران اقتصادی در چند ماه آینده انقلاب را وارد عرصهٔ بسیار حساسی می‌کند که اغتشاشات دی‌ماه ٩٦ و فتنهٔ ٨٨ و ٧٨ در مقابل آن یک شوخی قلمداد می‌شود و اگر سریعاً مشکل را برطرف ننماییم انقلاب با بزرگ‌ترین چالش جدی خود روبرو می‌شود لذا برای بیرون رفت سریع از این بحران تمامی گزینه‌های روی میز را اجمالاً بررسی و نقد نموده و راهکار اصلی را ارائه می‌دهیم واضح است در ماه‌های آینده

تحریم‌های جدیدی اعمال می‌شود که تنها راه برون‌رفت یا تسلیم محض در برابر نظام سلطه و قبول زورگویی‌هاست و یا مقاومت و اتکاء بر نیروها و ظرفیت‌های داخلی است که اگر پیشنهادی که مطرح می‌نماییم قبول واقع نگردد چیزی جز شکست در انتظار نمی‌باشد چراکه از خود سخن نمی‌گوییم گفته‌های ما مبتنی بر اموری است که در این نوشته از قرآن و عقل سخن میگوییم بررسی راهکارها: **۱ تغییر دولت و یا جابجایی کابینه**، واضح است اختلاف دو قطب مهم اصولگرا و اصلاح‌طلب که نقش اساسی را در هدایت و ادارهٔ جامعه ایفاء می‌نمایند در مسائل سیاسی بوده و راهکارهای اقتصادی هر دو طیف مشابه هم می‌باشد اقتصاددان‌های اصولگرا همان علومی را تلمذ نموده‌اند که اقتصاددانان اصلاح‌طلب آموخته‌اند لذا در راهکارها شبیه هم عمل می‌نمایند و اگر دولت آقای روحانی نتوانست برای اقتصاد کاری انجام دهند جریان اصولگرا هم نمی‌تواند گذشته از اینکه اگر دولت اصولگرا امور دولت را به دست بگیرد کار وخیم می‌شود چراکه ملت به این نتیجه می‌رسند که نه اصلاح‌طلب و نه اصولگرا هیچ‌کدام نمی‌توانند برای ادارهٔ جامعه کاری انجام دهند **حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد ۲** اگر بخواهیم **دوباره برای مذاکره تلاش نماییم** و از مواضع خود کوتاه بیاییم تا تحریم‌ها برطرف شود و برجام دیگری امضاء شود بدیهی است که این کار عملاً غیرممکن می‌باشد مگر اینکه ما از اسلامیت خود دست‌برداریم که البته بعضی به همین چشم‌انداز دل‌بسته‌اند **۳ بستن تنگهٔ هرمز و به چالش کشیدن اقتصاد جهانی**: بدیهی است اگر آن‌ها بازور بخواهند از صادرات جلوگیری نمایند بزرگ‌ترین اشتباه را مرتکب شده و پیروزی از آن ما می‌شود ولی اگر آن‌ها با دیپلماسی مشتریان نفت را از خرید از ایران منصرف نموده و تولید خود را افزایش دهند آیا می‌توانیم با بستن تنگهٔ هرمز کشورهای دیگر را مجبور نماییم تا از ما نفت خرید کنند و یا کشورهای دیگر تولید خود را کاهش دهند؟ آیا در این صورت افکار عمومی علیه ما نشده و ایران را کشوری غیرمعقول و جنگ‌طلب قلمداد نمی‌نمایند؟ آیا ایران در این صورت وارد جنگ عظیمی نمی‌گردد که درصحنهٔ بین‌الملل باید ناتو وارد جنگ نظامی مستقیم شود؟ و در این صورت آیا کشور ضررهای غیرقابل‌شمارشی را متحمل نمی‌شود؟ مضافاً بر اینکه هم‌اکنون بااینکه جلوی صارادات ما را نگرفته‌اند و کشورهای خریدار نفت از ما نفت می‌خرند و تولیدکنندگان نفت هم چیزی افزایش نداده‌اند بازهم در اقتصاد با چالش‌های اساسی روبرو هستیم پس اگر شرایط تغییر کند چه می‌شود؟ **٤ جمع‌آوری نقدینگی**

**از بازار توسط بانک‌ها با بالا بردن سود بانکی**: این هم مشکلی را برطرف نمی‌نماید که در جزوهٔ بانکداری توضیح داده‌ایم و این بدان معناست که تولید در ایران متوقف شود و مردم پول بدهند و سود بگیرند و در این صورت بانک‌ها مجبورند هم‌سود بدهند و هم هزینه‌های خود را تأمین کنند که در این صورت تولید داخلی کم شده و خود بانک‌ها اسباب تورم و ذبح تولید داخلی و توسعهٔ واردات و بالا رفتن قیمت مسکن را فراهم میاورند چراکه سود عمده‌ی بانک‌ها در واردات و وام با بهره‌ی بالا و دلالی در خریدوفروش و مشابه این امور است که همه این‌ها تورم‌زا است.
**۵ کنترل دلار و ثابت نگاه‌داشتن قیمت طلا و سکه**: یقیناً با وضعیت موجود که تولید داخلی در مرز ورشکستی و صادرات ما ذبح‌شده تا جایی که باید برای واردات غذا با روسیه وارد مذاکره شویم هیچ‌گاه شاهد ثبوت دلار و طلا نخواهیم بود و دلیل آن این است که مردم برای جلوگیری از ورشکستگی پول خود را تبدیل به طلا می‌نمایند پس نتیجتاً طلا کم می‌شود و قیمت آن بالا می‌رود و از طرفی با زمین خوردن تولید داخلی نیاز به واردات بیشتر می‌گردد و واردات دلار لازم دارد پس نتیجتاً دائماً دلار افزایش میابد و از اول انقلاب تاکنون دلار بیش از هزار برابر گران و این بدان معناست که ریال بیش از هزار برابر سقوط نموده است و البته یکی از دلایل عمدهٔ آن چاپ پول بدون پشتوانه می‌باشد که باید سریعاً جلوگیری گردد و در عوض پشتوانه ذخیره نموده و پول چاپ نکنیم **٦ توسعه‌ی کشاورزی**: اگر بخواهیم کشاورزی را توسعه دهیم آب نداریم زیرا در خشک‌سالی هستیم پس نمی‌توانیم اگر می‌توانستیم که با روسیه قرارداد توسعه‌ی واردات کشاورزی امضاء نمی‌کردیم **۷ صنعت**: صنایع کنونی ما در حالت ورشکستگی و تعطیلی هستند و در حفظ حالت موجود دچار مشکل هستیم چه برسد به اینکه بخواهیم صنایع جدید ایجاد نماییم گذشته از اینکه زمان‌بر است و زمان زیادی نداریم **۸ قاچاق کالا**: اگر بخواهیم با کوله برها به‌صورت جدی برخورد نماییم تمامی مرزهای کشور درخطر اعتراض قرار می‌گیرند کما اینکه در بانه دیده شد اگر بخواهیم مرز را باز بگذاریم صنایع داخلی ورشکسته می‌شوند **۹** اگر بخواهیم با **راه‌اندازی بخش مسکن** جامعه را متحرک نماییم وضعیت روستاها و شهرهای آباد ما چنین است که از بی‌آبی و مشکلات زیست‌محیطی و زیرساختی و برق و... در حال خالی شدن و هجرت مردم به کلان‌شهرها هستند لذا وقتی نتوانیم تأمین زیرساخت‌های شهرهای موجود را داشته باشیم جایی برای احداث شهرهای جدید باقی نمی‌ماند، نگاه کنید چند شهر کشور در تنش آبی قرار

دارد ۱۰ اگر بخواهیم **مناطق آزاد را توسعه کمی و کیفی بدهیم** بازهم منجر به ذبح تولید داخلی است ۱۱ اگر بخواهیم با **توسعهٔ گردشگری** امور را اصلاح نماییم با این وضعیت امکان ندارد چراکه اگر وضعیت موجود ایدئال بود که ۱,۵ میلیون نفر در صف مهاجرت از ایران نبودند و شاهد بازگشت افغان‌ها از ایران نبودیم ۱۲ در این زمان دل بستن به **دو تابعیتی‌ها** و دور زدن تحریم‌ها از این طریق هم راه به‌جایی نمی‌برد مشکل بزرگ‌تر از آن است که این امور جزئی بتوانند کاری کنند ۱۳ **فروش نفت در بورس و صادرات توسط افراد** هم مشکلی را حل نمی‌نماید جدا از اینکه تحریم جدید وضع می‌شود این امر تورم‌زا است و درآمد نظام را کم می‌کند ۱۴ بدیهی است شرایط ما به‌گونه‌ای است که در مسائل اصلی مانند **دارو و غذا محتاج واردات** هستیم و با روال موجود **بازار داخلی** به تعطیلی کشیده می‌شود و اگر سریعاً عمل ننماییم **سرمایه‌ی اجتماعی** دچار ریزش‌های زیادی می‌گردد و **اعتماد عمومی** با سرعت بیشتر کاهش میابد از طرفی تکیه‌بر **راه‌اندازی مجدد انرژی هسته‌ای** نیز مشکلی را برطرف نمی‌نماید که بخواهیم به‌عنوان دیپلماسی و هشدار به غرب نظام سلطه را متقاعد به عقب‌نشینی نماید چراکه تا بهره‌برداری اقتصادی از انرژی هسته‌ای زمان زیادی لازم است و راه مطمئن **بازسازی امور در اقل زمان** است، واضح است روال گذشته و تکیه‌بر اقتصاد غربی وضعیت ما را چنین نموده است و ادامهٔ راه گذشته همان چیزی را در آینده به دنبال دارد که امروز در آن به سر می‌بریم اقتصاد ایران مانند بهمنی است که در سراشیبی کوه قرارگرفته و هرلحظه خرابی‌های بیشتری را با خود همراه می‌نماید مگر اینکه سریعاً تغییر کند اعلام می‌کنیم اگر می‌خواهیم تمامی امور ذکرشده اصلاح گردد و بینهایت فایده نصیب ایران گردد باید سریعاً خشک‌سالی برطرف گردد و این معجزه‌ی کلام خداست **و جعلنا من الماء کل شیء حی** و اعلام می‌داریم در ظرف دو ماه این امکان وجود دارد که خشک‌سالی را برطرف نموده و کشور نه به جنگ نظامی کشیده شود و نه محتاج این باشیم که غرب تحریم‌ها را برطرف نماید، ما تمامی راهکارهای ستاد جنگ اقتصادی را نقد نمودیم و راهکار خود را ارائه دادیم، اگر در نقدهای ما نسبت به راهکارهای ستاد جوابی هست ارائه فرمایید و اگر در اصل راهکار ما مناقشه دارید راهکار ما را نقد فرمایید اما اگر نه توان دفاع از راهکارهای خود رادارید و راهکار دیگری هم ندارید و اصل موضوع خشک‌سالی و راهکار آب‌رسانی برای بیرون رفت از بحران اقتصادی هم نقد و مناقشه ندارد احتمال اینکه در راهکار دوماهه نیز درست بگوییم احتمالی

قوی میباشد، اعلام می‌کنیم اگر تاریخ انفطار السماء در سال ۹۷ بگذرد باید تا سال ۹۸ منتظر بود و هیچ بحرانی از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و امنیتی برطرف نمی‌شود و بحران‌ها بیشتر و عمیق‌تر می‌گردد. شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسه - ۹۷,٤,۳۱

بسم الله الرحمن الرحیم اگر فکر کنیم و بشنویم گرفتار نمی‌شویم، بدیهی است تغییرات در کابینه‌ی دولت دوازدهم به علت بحران اقتصادی می‌باشد لذا تغییرات اساسی در حوزه‌ی سلامت، فرهنگ، امنیت، سیاست خارجه و ... شاهد نخواهیم بود، اما سؤال این است منشأ بحران اقتصادی چیست؟ جوابی که دولت یازدهم و دوازدهم به این پرسش می‌دهد این است تحریم‌ها دلیل مشکلات اقتصادی است لذا باید تحریم برطرف شود تا مشکل آب، برق، شغل، تورم، اقتصاد و ... برطرف شود که شاهد بودیم تمامی تلاش‌های دولت برای ثمر دادن بر جام و رفع تحریمها بود که آن نیز ثمری نداشت و در عوض زمان را از دست داده و مشکلات نیز بزرگ و بیشتر شدند، از طرفی شاهد تشدید تحریم‌ها خواهیم بود پس نتیجتاً تغییرات در کابینه هیچ‌گاه منجر به برطرف شدن مشکلات اقتصادی نخواهد شد مگر اینکه تیم جدید ادعا کنند که با دیپلماسی و بر جامِ جدیدی قادر خواهند بود نظام سلطه را متقاعد کنند که تحریم‌ها را برطرف نمایند که نتیجه‌ی این توافق جدید به‌مراتب بدتر از توافق گذشته خواهد بود، از طرفی باید توجه داشت: افراد کنونیِ کابینه ازنظر دکتر روحانی بهترین افراد بوده‌اند لذا روشن است زمانی که گزینه‌های بهتر نتوانستند کاری کنند گزینه‌های پایین‌تر به‌طریق‌اولی نمی‌توانند کاری انجام دهند، اگر بگوییم افراد جایگزین از اصولگراها انتخاب می‌شوند در اینجا کار بسیار وخیم‌تر می‌شود هم برای دولت و هم برای اصل انقلاب، اولاً اینکه چگونه یک اصول‌گرا با حفظ اصولگرایی خود می‌تواند در دولتی وارد شود که اصل جبهه‌گیری آن دولت را قبول ندارد هنوز مناظره‌های انتخابی ۹٦ هنوز در اذهان باقی است، از طرفی بعد از مدتی اختلافات

بسیاری آشکار شود و هر یک دیگری را متهم کنند و اصولاً اصولگرایی که در این دولت وارد شود از طرف تمامی اصولگراها طرد خواهد شد، نکته‌ی دیگر اینکه اگر آقای روحانی تمامی دولت و معاونین خود را نیز از اصولگراها قرار دهد بازهم مشکلی برطرف نخواهد شد چرا که چالش اقتصادی ما نه به اصولگرا ارتباطی دارد و نه به اصلاح‌طلب، چالش و دلیل اصلی بحران اقتصادی و البته تمامی بحران‌ها خشک‌سالی است که هر دو طیف از این مسئله غافل بوده و راهکاری برای آن ندارند پس هیچ‌کدام نمی‌توانند برای اقتصاد کاری انجام دهند ، لذا اگر افراد جایگزین از اصولگراها باشند این بار اصل انقلاب درخطر قرار می‌گیرد و سریع به سمت اغتشاشات بیشتر و رفراندوم و انتخابات زودرس پیش خواهیم رفت، زیرا با تغییر کابینه تغییری در اقتصاد داده نمی‌شود اما مردم از الگوهای جدید نیز ناامید می‌شوند، لذا اگر کابینه از اصولگراها انتخاب شوند دو جریان تقویت می‌شوند اول جریان‌های برانداز و ضد نظام و دیگر جریان عدالت محور دکتر احمدی‌نژاد و البته فرایند ناامیدی از تغییر کابینه زیاد هم طول نمی‌کشد کمتر از یک سال شکست تغییر کابینه جهت احیاء اقتصاد برای همگان نمایان می‌شود، لذا حقیقتاً باید کسانی که از کابینه کناره‌گیری می‌کنند خدا را هر صبح شام شکر نمایند که از این بلیه نجات یافتند و البته افراد جدیدی که در کشتی کابینه وارد می‌شود باید بدانند وقتی آب نیست کشتی حرکت نمی‌کند و هم‌اینک در خشک‌سالی عظیمی هستیم ، رفتار و پیشنهادهای افراد جدید کابینه با افراد قبل تفاوتی نخواهد داشت چراکه همه یک نوع معلومات و یک نوع پیشنهاد دارند و البته تمامی حرف‌هایی که نفرات جدید خواهند زد در قبل گفته‌شده و بهترین راهکارها تاکنون عملی شده و ثمره همان است که هم‌اکنون می‌بینیم، آیا نفرات جدید می‌توانند از سرعت افزایش دلار و سقوط ریال جلوگیری کنند؟ آیا می‌توانند تحریم‌ها را برطرف نمایند؟ آیا می‌توانند مشکل خشک‌سالی و ریز گردها و خالی شدن روستاها را برطرف نمایند؟ آیا می‌توانند تورم و افزایش قیمتها را کنترل کنند ؟ آیا می‌توانند مشکل مؤسسات مالی و اعتباری را برطرف نمایند؟ خوب اگر می‌توانستند همان پیشنهادها را به افراد موجود میدادند و

اگر پیشنهادی ندارند و یا پیشنهادهای گذشته را تکرار می‌کنند پس نمیتوانند کاری انجام دهند و نتیجه همان نتیجه‌ی قبل است، **حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد**، اما راه حل چیست؟ اولاً ما تنها مشکل اقتصاد نداریم بلکه در تمامی زمینه‌ها مشکل‌داریم و هر حوزه بر حوزه‌ی دیگر تاثیر گذار است ثانیاً مشکل اقتصاد در افراد نیست که با تغییر فرد مشکل برطرف شود مشکل اقتصاد در نبود اولین زیرساخت اقتصاد است که آن آب است و آب چیزی است که مسئولین ما آن را به تمامِ درک نکرده‌اند لذا دکتر روحانی می‌فرماید درست است ما مشکل آب‌داریم ولی مشکل پول‌نداریم درحالی‌که باید گفت اگر مشکل شغل و تورم و امنیت و ... داریم به علت مشکل خشک‌سالی است پس باید در ابتدا مشکل آب را برطرف نماییم تا زمینه‌ی بر طرف شدن همه‌ی مشکلات فراهم شود ، لذا برای برطرف کردن مشکل اقتصاد نباید به سراغ وزیر اقتصاد و صنعت و ... رفت بلکه باید مشکل را در وزارت نیرو جستجو نمود، اگر آب باشد به‌راحتی کشاورزی و چند میلیون شغل احیاء می‌شود و سلسله وار چند میلیون شغل وابسته نیز به تحرک می‌رسد بله یک ده آباد بهتر است از هزاران شهر ویران، پیشنهاد اقتصاددانان برای احیاء اقتصاد یکی از این امور است: صنعت، گردشگری، ساخت‌وساز، کشاورزی درحالی‌که همه‌ی این‌ها بدون آب فلج هستند.  شیخ علی بهرامی نیکو- قم المقدسه-۹۷,٤,۲۸

**سلام بر کسی که بشنود، فکر کند، پاسخ گوید که اگر سکوت کند جوابی نداشته آقای رضا پهلوی** باعث خرسندی است که بحران آب باعث شده تا تمامی کسانی این بحران را درک نکرده‌اند از آن سخن‌گویند و در پی رفع این معضل باشند لذا مطالبی را بیان می‌نماییم: خوب میدانید که در زمان پادشاهی جد شما بر ایران اموری عجیبی روی داد که باید به‌تمامی ایرانیان پاسخ قانع‌کننده داده شود، در زمان رضاشاه کوه‌های آرارات به ترکیه بخشیده شد و در توجیه این بذل و بخشش رضاشاه گفت: مهم نیست

این کوه‌ها از آن‌که باشد مهم این است که ما با ترکیه دوست باشیم و بدیهی است که این کوه‌ها در رفع خشک‌سالی ایران نقشی اساسی داشته است، اما در شرق کشور نیز رضاشاه دشت ناامید را به افغانستان بذل و بخشش نمود که این دشت می‌توانست قسمت مهمی از مشکل خشک‌سالی سیستان و بلوچستان را مرتفع نماید و در بخشش پادشاهانه‌ی دیگری اروند را به عراق بخشید و در دوران پادشاهی پدر شما بحرین از ایران جدا گردید، معلوم نبود اگر آن پادشاهی کمی بیشتر طول کشیده بود چه مقدار از زمین‌های ایران از ایران جدا می‌گردید، لذا شما به‌عنوان میراث دار خاندان پهلوی پاسخ دهید رضاشاه و پدر شما با چه مجوزی این بذل و بخشش‌ها را نموده و این مناطق را از ایران جدا کردند؟ که اگر آن پادشاهی ادامه میافت معلوم نبود در هرسال چه مقدار از خاک ایران از ایران جدا می‌شد و اگر آن مناطق از ایران جدا نشده بود ما در این زمان در چنین بحران آبیِ وخیمی قرار نداشتیم، در حقیقت یکی از عوامل خشک‌سالی ایران پادشاهی خاندان پهلوی در ایران بوده است، نکته بعد سیاست غلط تقسیم اراضی بود که آن‌هم به‌نوعی در خشک‌سالی ایران نقش عمده‌ای را ایجاد نمود، نکته دیگر اینکه ما در سال‌های ۱۲۸۸ و ۱۲۹۸ و بعد از آن  تا سال ۱۳۲۰ ضربه‌های بسیاری را از خشک‌سالی متحمل شدیم: اجداد شما برای رفع خشک‌سالی ایران چه کردند؟ آیا در قحطی و خشک‌سالی در زمان رضاشاه در جنگ جهانی دوم اجداد شما برای این مردم کار اساسی انجام دادند؟ اولین شرط حکومت‌داری تأمین آب است، پهلوی اول و دوم برای تأمین آب موردنیاز این مردم چه کردند؟ واضح است که کاری نکردند بلکه بحران ایران را با بذل و بخشش و سیاست‌های غلط بحرانی‌تر نمودند، اجداد شما که فریفته‌ی غرب شده بودند و با تمامی توان به دول شرق و غرب گوش می‌دادند جامعه‌ی ایران به سمت مصرف‌گرایی پیش برده و در حقیقت ایران را به بازار مصرف و جولانگاه غربی‌ها تبدیل نمودند، یک روز پناه به انگلیس روز دیگر پناه به شوروی روز دیگر پناه به آمریکا و روز دیگر تمایل به آلمان، در حقیقت پادشهای پهلوی با ذبح کشاورزی ایران روستاها را خالی از سکنه و ویران نمود و در عوض بنای مهاجرت از روستا به شهر را بنیان گذاشتند و با

شعار خشک‌سالی ایران را به واردت کننده در تمامی ابعاد تبدیل نمودند، ما نفت می‌دادیم تا غذا وارد نماییم، از این‌ها گذشته به‌تمامی ایرانیان باید پاسخ دهید که خاندان شما از خانواده‌ای فقیر بوده که حتی قدرت خرید خانه را نیز نداشتند و قبل از پادشاهی مستأجر بودند و بعد از پادشاهی به بزرگ‌ترین مَلّاک ایران تبدیل شدید که تنها در زمان خارج شدن رضاشاه از ایران بیش از ۴۰ هزار سند ملک بسیار بزرگ را به خاندان خود انتقال داد، لذا باید پاسخ دهید که چگونه ممکن است بدون فساد مالی و اقتصادی چنین ثروت عظیمی را به دست آورده باشید؟ اجداد شما به‌عنوان پادشاه حقوق و مزایای مشخصی داشته‌اند اما چگونه است که خاندان پهلوی به یکی از ثروتمندترین خانواده‌های این کره‌ی خاکی تبدیل‌شده باشند، ثروت عظیمی که امروز در دست شماست و در خارج از ایران به عیش و نوش میگذارانید از کجا بدست آمده است؟ لذا اگر واقعاً دلتان به حال این ملت می‌سوزد در ابتدا اموال غارت‌شده‌ی ملت را به ایران باز پس دهید و جواب دهید به چه حقی ایران را در دوران پادشاهی خاندان شما توسط پدران شما بذل و بخشش نمودند؟ بفرمایید برای رفع خشک‌سالی ایران و در دوران اجداد شما چه اتفاقی افتاد و شما چه برنامه‌ای دارید که میدانیم هیچ برنامه‌ای ندارید، مضافاً بر اینکه امروز شما موردحمایت دشمنان این ملت هستید، از طرفی شما جمعیت ۸۰ میلیونی ایران را قبول ندارید درحالی‌که این از کمال سستی عقل است که میگویید ایران ۳۷ میلیونی اشتباه است که ۸۰ میلیون شده است درحالی‌که بزرگ‌ترین سرمایه‌ی هر کشور نیروی انسانی آن کشور است و اگر کمی اطلاعات منابع و زیرساخت‌های ایران را در مقایسه با سایر کشورها را بررسی می‌نمودید اعتراف می‌کردید که جمعیت ایران نه‌تنها ۱۵۰ میلیون بلکه استعدادهایی بسیار بیشتر را دارد، پس در حقیقت شما برای رفع خشک‌سالی برنامه‌ای ندارید که میگویید باید جمعیت را ثابت نگاه داشته و جمعیت مطلوب همان ۳۷ میلیون نفر است و باید از خودکفایی کشاورزی دست‌برداریم بله برنامه‌ای ندارید جز اینکه ایران را خشک‌تر نمایید و جمعیت ایران را از ایران بگیرید اما در رابطه به خشک‌سالی ایران باید بگوییم دولت‌های بعد از انقلاب متأسفانه با همان رویکرد زمان پهلوی به امور

کشوری پرداخته‌اند و این خشک‌سالی ربطی به تفکر اسلامی ندارد اما وعده می‌دهم به‌زودی قدرت اسلام قدرت‌نمایی کرده و در ظرف مدت بسیار کمی خشک‌سالی را برطرف کرده و که نتیجه‌ی آن برطرف شدن بسیاری از بحران‌ها می‌باشد و این حربه را از شما و امثال شما خواهیم گرفت.**والسلام علی من اتبع الهدی - شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسه - ۹۷,٤,۲۳**

**بسم الله الرحمن الرحیم** خدمت بردار مجاهد سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی زید عزه سلام‌علیکم: واضح است اگر نظام سلطه و استکبار و اذناب آنها با قلدر مآبی و قوه‌ی قهریه بخواهند جلوی صادرات نفت ایران را بگیرند تمام کره‌ی خاکی را وارد بحرانی عظیم نموده‌اند که محکوم‌به شکستند چراکه امروز برای کسی عظمت تنگه‌ی هرمز در اقتصاد جهانی پوشیده نیست و همه می‌دانند صدمات بسته شدن تنگه‌ی هرمز که به آسانی قابل دست‌یابی است به اقتصاد جهانی از دو جنگ جهانی بیشتر می‌باشد اما سؤال مهم و اساسی این است که اگر نظام‌های استکباری بخواهند با دیپلماسی و گفتگو مشتریان خرید نفت ایران را به هر نحوی از خرید نفت از ایران منصرف کرده و کشورهای تولیدکننده‌ی نفت هم با افزایش تولید کسری بازار نفت را جبران نموده و قیمت‌ها را ثابت نگه‌دارند آیا ما می‌توانیم در اینجا متوسل به قوای قهریه شویم و کشورها را مجبور به خرید نفت از ایران نماییم؟ و اگر این اقدام تنها راه و تدبیر ما باشد نظام اسلامی منزوی نشده و افکار عمومی جهان علیه ما نمی‌شود؟ از طرفی متأسفانه وابستگی ما به صادرات نفت و گاز و وضعیت وخیم تولید داخلی و اقتصاد ما به نحوی است که نظام به پول نفت وابسته میباشد که اگر این پول به جامعه تزریق نشود در پرداخت یارانه‌ها و حقوق کارمندان و... به مشکل برمی‌خوریم و در این صورت وضع جامعه وخیم‌تر می‌شود، نکته‌ی دیگر اینکه در جواب دیپلماسی تحریم نفت ایران و افزایش تولید نفت کشورهای عضو در اُپِک نمی‌توانیم کشورهای خریدار نفت را مجبور نماییم از ما خرید نمایند و کشورهای تولید کننده‌ی نفت تولید نفت را کاهش دهند، همه میدانیم تعهدات بین‌المللی تا جایی عمل می‌شود که

منفعت در آن تعهد باشد و الا کاغذ باطله‌ای بیش محسوب نمی‌شود که در جریان بر جام که توسط ترامپ ملغی گردید دیده شد لذا باید در پی راهکاری باشیم که از اساس مشکل را با کمترین لطمه برطرف نماید، باید سازوکاری در نظر گرفته شود که نه به جنگ کشیده شویم و نه اینکه آنان با تحریم خرید نفت ایران و بالا بردن تولید نفت کشورهای تولیدکننده‌ی نفت بتوانند به ما ضرری وارد نمایند، بله باید از اقتصاد وابسته به نفت و خام فروشی سریعاً خلاص شویم و این مطلب شدنی است یعنی ما می‌توانیم از این اقتصاد وابسته‌ی خراب سریعاً تأکید می‌کنم سریعاً نجات پیدا نماییم، راهکار در آب‌رسانی سریع به ایران است که در این صورت بارونق بخش کشاورزی و دامداری و باغداری و ساخت‌وساز در بخش مسکن ما به ابرقدرت اقتصادی دنیا تبدیل می‌شویم و با این حرکت اساسی این ما هستیم که می‌توانیم دنیا را تحریم نماییم، در نامه‌های مکرر که به بعضی از معتمدین شما در سال ۹۶ داده‌ایم بحث آب‌رسانی سریع را مطرح نموده‌ایم حال بازهم تأکید می‌نماییم با وضعیت کنونیِ اقتصاد نباید منتظر بود که آمریکا و اذناب آنان از بیرون به ما حمله نمایند بلکه دشمن اصلی ما اقتصاد ویران‌شده‌ی داخلی است که زمینه را برای جریاناتی مانند اغتشاشات ۹۶ فراهم نموده است که اغتشاشات پیش رو وخیم‌تر از قبل می‌باشد، اگر مشکل اقتصاد را سریعاً برطرف ننمایم جریانات مشابه سوریه در داخل ایران جوانه میزند در آن صورت لازم نیست داعش از مرزها گذر کند و به ایران وارد شود بلکه داعش نتیجه‌ی فقر و بیکاری و تورم است که ریشه‌ی تمامی این‌ها خشک‌سالی است چراکه خداوند می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی**، لحظات بسیار حساس و تعیین‌کننده می‌باشد و ماه‌های مرداد و شهریور ۹۷ به بعد شاهد جریانات عظیم‌تری خواهیم بود، فرصتی استثنایی در سال ۹۷ برای ما در پیش است دوراهی صعود یا هبوط، زمان پیش رو فرصت است اما اگر قدر دانسته نشود حسرت می‌شود، در عرض دو ماه می‌توان خشک‌سالی ایران را برطرف نمود ولی اگر زمان مشخص آن بگذرد باید یک سال صبر نمود که در کتاب توضیح داده‌ایم ولی جریانات هرسال از سال گذشته وخیم‌تر می‌باشد، **تاکیدا سؤال اصلی خود را تکرار می‌نمایم اگر نظام سلطه با**

**دیپلماسی و گفت و گفتگو مشتریان نفت ایران را از خرید نفت منصرف نموده و تولید نفت هم توسط مزدوران منطقه افزایش پیدا کند راهکار عملی برای این جنگ اقتصادی چیست؟** شیخ علی بهرامی نیکو (نیروی گروهان شهید موسوی به فرماندهی شهید مرتضی کریمی که در سال ۹٤ در خان‌طومان به شهادت رسید روحش شاد) – قم المقدسه – ۹۷,٤,۱٤

**بسم الله الرحمن الرحیم** خدمت حضرت آیت‌الله لاریجانی رئیس محترم قوه‌ی قضائیه دامت برکاته سلام‌علیکم: در نشست خبری تیر ۹۷ فرمودید برحسب گزارش‌ها در حال حاضر میزان نقدینگی ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان است درحالی‌که این میزان در سال ۹۲ حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان بود ... بنا بر نظر بسیاری از متخصصان و کارشناسان اقتصادی این حجم از نقدینگی موجب تورم می‌شود – تمام- لذا برای برون‌رفت از بحران اقتصادی مطالبی را عرض می‌نماییم: ۱: در ابتدای انقلاب نقدینگی چقدر بوده و چه مقدار طلا پشتوانه‌ی پول‌های چاپ‌شده بوده و هم‌اکنون چه مقدار طلا در عوض ۱۵۰۰ میلیارد تومان طلا ذخیره می‌باشد؟ بدیهی است هر مقدار نسبت رعایت نشده باشد در حقیقت پول بدون پشتوانه چاپ‌شده و چاپ پول بدون پشتوانه نوعی کلاه‌برداری عیان می‌باشد، شاید بتوان کشف نمود سقوط بیش از هزار برابری ریال از اول انقلاب تاکنون به علت چاپ هزار برابری پول بدون پشتوانه بوده است.۲: مقدار مابه‌التفاوت نقدینگی از سال ۹۲ تاکنون اگر با مجوز رسمی و قانونی و ذخیره‌ی پشتوانه بوده است موجب تورم نمی‌شود و اگر بدون پشتوانه بوده علاوه بر تورم کلاه‌برداری آشکار می‌باشد که مسببان آن از مفسدان حقیقی اقتصادی و مسببان تورم و سقوط ریال و بالا رفتن ارز خارجی من‌جمله دلار می‌باشند. ۳: هیچ‌گاه نقدینگی باعث تورم نمی‌باشد بلکه آن چیزی که باعث تورم است عدمِ امنیتِ بازارِ تولید و گرایش مردم به واردات و یا تبدیل پول به کالاهایی است که در صورت تورم متضرر نشوند، وقتی مردم می‌بینند تولید سود ندارد گرایش به واردات پیدا می‌کنند و در این صورت تقاضای دلار زیاد شده و ریال سقوط می‌کند و یا اینکه زمانی که امنیت شغلی نباشد مردم پول را به سکه و یا طلا و یا زمین تبدیل می‌کنند و در این صورت تورم

کاذب در جامعه ایجاد می‌گردد اما درصورتی‌که چاپ پول از راه قانونی و با پشتوانه انجام گردیده باشد و شرایط تولید موجود باشد در این صورت پول داخلی در چرخه‌ی بازار قرارگرفته و به سمت یک جنس خاص هدایت نمی‌شود و در این صورت تورم ایجاد نمی‌گردد **٤**: فرضاً نقدینگی باعث تورم باشد سؤال این است که چه باید کرد؟ بانک‌ها راهکارشان این است که با حیل مختلف مانند بالا بردن سود سپرده گزاری پول را از سطح جامعه جمع نمایند تا مقدار نقدینگی جامعه کم گردد، سؤال این است آیا این روش باعث مهار تورم می‌شود و یا بازهم تورم‌زا است؟ مردم تحت هر عنوان از عناوین فقهی مانند مضاربه و مشارکت و ... پول را به بانک‌ها دادند و بانک پول را گرفت، خوب بانک برای اجرایی کردن قرارداد خود باید پول را دوباره وارد جامعه نماید تا به تعهدات خود وفا نماید، پس عملاً این حجم از پول از سطح جامعه حذف نمی‌شود بلکه قبل از این پول از طریق مردم وارد بازار می‌شد و این بار از طریق بانک در گردش اقتصادی واردشده است، مضافاً بر اینکه در این صورت تورم شدت بیشتری پیدا می‌کند دلیل آن این است که بانک علاوه بر تعهد مالی سودرسانی به مشتری باید سود قابل‌توجهی نیز برای خود کسب نماید و در اینجا به همان دلیل که مردم نمی‌توانستند کار اقتصادی مفید انجام دهند و جامعه را دچار وارونگی اقتصادی کرده بودند در اینجا بانک‌ها با شدت چند برابری وارونگی اقتصادی ایجاد می‌نمایند و تورم را افزایش می‌دهند، سؤال این است که بانک‌ها چه‌کار اقتصادی پردرآمد انجام می‌دهند که مردم نمی‌توانند؟ آیا بانک‌ها از راهِ تولیدِ مولّد کسب درآمد می‌کنند و یا ... پس نتیجه می‌گیریم نقدینگی عامل تورم نیست، بلکه چاپ پول بدون پشتوانه و نبود زیرساخت‌های تولید داخلی و هجوم مردم به واردات و تبدیل پول به زمین و طلا و دلار و سپرده‌گذاری و دریافت سود دلایل اصلی تورم می‌باشد و اقتصاددانان یا نمی‌دانند و یا نمی‌خواهند خود را با عوامل اصلی فساد اقتصادی روبرو نمایند، امروز اگرچه که در میان مسئولین ما افراد انگلیسی وجود ندارند اما یقین بدانید وابستگان نظام سلطه درون نظام رخنه کرده و اگر ما در جنگ اقتصادی هستیم مطمئن باشید وابستگان آگاه و یا ناآگاه نفوذی در بانک‌ها و کرسی‌های اقتصادیِ تزها و

سخنرانی‌های زیبای زهرآلود ارائه می‌دهند تقاضا دارم نامه‌ی ما را به جناب دکتر سیف مطالعه فرمایید که به عقیده‌ی بنده بعضی از پشت پرده‌های اقتصاد ضد اسلامی در آن بیان‌شده است، در اینجا نمی‌توان پیشنهاد داد پول‌های بدون پشتوانه را جمع کرده و امحاء نمایید اما می‌توان پیشنهاد داد که حداقل پشتوانه را جبران نمایید، ملت هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنند که بعد از شکست قرارداد رویتر در دوره‌ی قاجار، بارون رویتر درنهایت توانست قراردادی ننگین‌تری را با ناصرالدین‌شاه تنظیم نماید که جبران قرارداد استعماری رویتر را نمود، بارون رویتر از ناصرالدین‌شاه امتیاز ایجاد بانک شاهنشاهی را گرفت که حق انحصاری انتشار اسکناس در ایران را از آن خود نمود و درنهایت قبل از به پایان رسیدن قرارداد قاجار سرنگون گردید و نقش این قرارداد را نمی‌توان در سقوط قاجار بی‌تأثیر دانست، به‌هرحال بانک‌ها و انتشار پول بدون پشتوانه و پرداخت و دریافت ربا و کنترل و کم‌وزیاد کردن نقدینگی در جامعه و حاکم بودن روابط بجای ضوابط و سپرده‌گذاری و دریافت سود زیاد از مشکلات اقتصادی ما می‌باشد، درحالی‌که به عقیده‌ی ما دلیل اصلی مشکلات اقتصادی خشک‌سالی است.

شیخ علی بهرامی نیکو - قم المقدسه -

۹۷,٤,۱۷

**بسم الله الرحمن الرحیم** خدمت جناب آقای دکتر ولی الله سیف رئیس محترم بانک مرکزی سلام‌علیکم: واضح و آشکار است که قبل از جریانات تلخ دی‌ماه ۹٦ افراد بسیاری از سپرده‌گذاران مؤسسات مالی و اعتباری نسبت به بازپس‌گیری مبالغ سپرده‌گذاری شده‌ی خود اقدام نموده و جوابی معقول نشنیدند و نمی‌توان تأثیر این تجمعات را در شکل‌گیری مطالبات منجر به اغتشاش بی‌تأثیر دانست لذا سؤال‌های خود را محضرتان تقدیم می‌نماییم چراکه به عقیده‌ی ما بازهم جریاناتی در حال شکل‌گیری می‌باشد و رویکرد اشتباه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری که با مجوز رسمی بانک مرکزی فعالیت دارند در شکل‌گیری بحران‌های مشابه بی‌تأثیر نمی‌باشد، امید است جوابی قانع‌کننده را به افکار عمومی مرقوم فرمایید، آنچه واضح است

اقتصاد کشور در شرایط بحرانی قرار دارد و بانک‌ها که یکی از بنگاه‌های اصلی اقتصاد هستند در بحرانی‌تر شدن و یا بیرون رفت از این وضعیت نقش اصلی و اساسی را بازی می‌کنند: ۱ اعلام فرمایید مقدار پول چاپ‌شده در ابتدای انقلاب و مقدار ذخیره‌ی طلا چقدر بوده و هم‌اکنون چه مقدار می‌باشد؟ بدیهی است اگر نسبت رعایت نشده باشد به همان مقدار تورم جامعه و سقوط و بی‌ارزشی ریال به گردن بانک‌ها می‌باشد چراکه در حقیقت پول بدون پشتوانه چاپ کرده و وارد بازار نموده‌اند؟ و الا معنی ندارد که پول ملی چنین بی‌ارزش گردد ۲ دلیل فروش کارت سکه چیست؟ اگر طلای تولیدشده دارید چرا سکه ضرب نکرده و در دسترس مردم قرار نداده‌اید؟ اگر طلا ندارید به چه دلیل کارت سکه را به‌جای سکه به دست مردم داده‌اید؟ آیا این بدان معنی نیست که شما کاغذ را به بهای سکه فروخته‌اید؟ ۳ دلیل گران فروشی سکه به نسب مقدار طلای سکه توسط بانک چیست؟ هر سکه ۸,۱۳۳ گرم طلا دارد چرا قیمت سکه بر مبنای ارزش طلا قیمت گذاری نمیشود؟ هر سکه به اندازه ۸ گرم طلا ارزش دارد اما چرا ... ٤ برنامه‌ی عملی شما برای مبارزه با ربا چیست؟ واضح است که بانک‌ها ربا می‌گیرند و در اسلام ربا حرام و سبب عذاب الهی بوده و در حکم جنگ باخداست، آیا برنامه‌ای برای مبارزه با ربا دارید و یا اینکه از اساس این حکم اقتصادی اسلام را قبول ندارید، چرا لااقل مانند بلاد کفر عمل نمی‌نمایید و سود بانکی را پایین نمی‌آورید؟ واضح است کشورهای ثروتمند بلاد کفر نیز فهمیده‌اند ربا مخرب اقتصاد است و سود بانکی آن‌ها از کشور اسلامی ما بسیار پایین‌تر می‌باشد. ٥ در این وضعیت خراب اقتصادی بانک‌ها مشغول به چه امر اقتصادی هستند که می‌توانند سود کنند و به مردم نیز سود برسانند؟ درآمد بانک‌ها از چه اموری می‌باشد؟ شما تعداد زیادی کارمند داشته و جوایز بسیاری را بانک‌ها برای جذب سرمایه به مردم پرداخت می‌کنند و از طرفی پاداش‌های نجومی به بعض از کارمندان و خرج‌های بسیاری که دارید ... مقدار درآمد بانک‌ها و مقدار هزینه‌های آنان و محل درآمد بانک‌ها از کجاست؟ این حق ملت است که بدانند که آیا بانک‌ها برای تأمین هزینه‌های خود از طرق غیرمعمول درآمد کسب کرده و تورم ایجاد می‌کنند و یا اینکه در این امور نقشی

ندارند؟ ٦ به چه مجوزی موسسات مالی و اعتباری که مورد تایید بانک مرکزی است پولی را که مردم اعتماد کرده و در اختیار آنان قرار داده‌اند را به مردم پس نمی‌دهند؟ چرا نظارت بر مؤسسات مالی نمی‌باشد تا اگر در آستانه‌ی ورشکستگی قرار گرفتند قبل از این مرحله از فعالیت آنان جلوگیری گردیده تا سبب نارضایتی و ضرر مردم فراهم نگردد؟چرا تضمینهای لازم گرفته نشده است؟ ۷ دائماً گفته می‌شود نقدینگی باعث تورم است، سؤال ما این است آیا این حجم از پول که در جامعه می‌باشد را مردم چاپ کرده‌اند و یا بانک‌ها چاپ کرده‌اند؟ اگر نقدینگی باعث تورم است چرا این‌قدر پول چاپ نموده‌اید؟ اگر مردم پول‌ها را به بانک‌ها پس بدهند در قبال هر یک‌میلیون تومان چقدر پشتوانه‌ی طلا به مردم بازگردانده می‌شود؟ آنچه به نظر میاید اینکه: از دلایل اصلی وضعیت بحرانی اقتصادی کشور ما بانک‌ها می‌باشند که بدون پشتوانه پول چاپ می‌کنند، مؤسسات مالی جذب پول‌دارند و با وعده‌ی سودهای کلان پول را جمع می‌کنند و از طرفی اقتصاد سالم و مولد ندارند لذا یا به ورشکستگی می‌رسند و یا از راه اقتصاد مخرب سودهای کلان می‌برند که نتیجه‌ی آن تورم در جامعه است و بانک‌ها من‌جمله بانک مرکزی برنامه‌ای برای مبارزه با ربا ندارد، بانک‌ها با حیل مختلف از مردم پول می‌گیرند وعده‌ی سود می‌دهند و این پول را وام با بهره‌ی بسیار می‌دهند و سودهای کلان به جیب می‌زنند و مقداری سود هم به سپرده‌گذار می‌دهند و بقیه‌ی آن را به جیب می‌زنند لذا فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراکز برنامه ریزی شده برای فروپاشی جامعه‌ی ما بانک‌ها می‌باشند، ما در مصاحبه‌ی شما شنیدیم که فرمودید نمی‌دانیم چه باید کرد ما به شما میگوییم: جواب سؤال‌های مطرح‌شده را به‌تفصیل ارائه دهید تا راه نجات از این ورطه ارائه گردد.

**بسم الله الرحمن الرحیم-**

**این متن، قطره‌ی ۷۳ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله می‌باشد- خلاصه کتابِ انتقال آب از طریق عادی**

مقدمه: همان‌گونه که در جریان هستید ما قائل هستیم زمان در نجات تمامی شئون ایران (مرگ خاک، جانوران، گیاهان و شئون معنوی و سیاسی) از خطر مرگ نقش اساسی دارد، **ما وظیفه داریم در اَقلّ زمان ممکن خشک‌سالی را بر طرف نماییم** چرا که هر لحظه غدّه‌ی سرطانیِ خشک‌سالی برای ما صدمات جبران‌ناپذیری دارد، لذا با تمامی ویژگی‌های منحصر به فردی که طرح عادی یک ساله دارد و از تمامی طرح‌های موجود در ایران بهتر است **این طرح مورد قبول ما نیست،** ما اعتقاددارایم **می‌توان آب را از آسمان به مقدار زیادی آورد که در طرح انفطار السماء که در قطره‌ی هزار آمده است** همین مطلب را بیان می‌نماید و یا **قطره‌ی هزار و یک که آن هم از طریق غیرعادیِ در مِدت کوتاهی مشکل آب را حل می‌نماید،** لذا حال که آن دو قطره که به منزله‌ی مَنّ و سَلوی برای ما ایرانیان است مورد تمسخر قرارگرفته لازم می‌بینیم که راهکار عادی را دوباره عرضه کنیم تا ببینیم و بشنویم **چه مشکلی برای رفع خشک‌سالی وجود دارد که اینهمه تعلل میشود** ، همان‌گونه که قبلاً گفته‌ایم و عکسِ نوشته‌های دستی ما در اینترنت پخش است ما در رابطه با طرح غیرعادی یک کتاب نوشته‌ایم، **در این متن کوتاه به اهم مباحث انتقال آب عادی می‌پردازیم** و شبهات اصلی و اساسی را جواب می‌دهیم و در این نوشته **اثبات می‌کنیم حتی به صورت عادی نیز می‌توان مشکل آب را حل نمود،** اگر جدی شود میتوانم اثبات کنم کمتر از یک سال هم حتی با روشهای عادی میشود.

۱ طرح عادی انتقال آب از دریای عمان است، **انتقال آب از خزر به دلایلی که ذکر می‌شود فایده‌ی چندانی ندارد.**

۲ این طرح با طرح اتصال خزر به خلیج‌فارس که توسط روس‌ها در زمان پهلوی مطرح کرده‌اند تفاوت دارد و با طرح کانال مرکزی در فلات ایران که در زمان آقای هاشمی رفسنجانی مطرح بوده تفاوت دارد و با طرح دکتر احمدی‌نژاد نیز تفاوت دارد، با طرح مطرح در مجلس که انتقال آب به ۱۸ استان کشور است نیز تفاوت دارد که در ضمن بحث معلوم می‌گردد، **این طرح انتقال آب به استان‌ها و شهرها و روستاها و زمین‌های بایر در مدت کوتاه است،** آنهم نه برای ترانزیت کشتیرانی بلکه هدف اصلی کشاورزی است.

۳ **اهمّ اهداف طرح چیست؟** تأمین آب مورد نیاز کشاورزی - دو مصرفه نمودن آب در ایران و ذخیره نمودن آب شیرین- پر آب نمودن دریاچه‌های خشک‌شده ایران مانند

دریاچه‌ی جازموریان و دریاچه‌های نمک و دریاچه‌ی ارومیه و... - تأمین آب جهت راه‌اندازی تولید و پرورش ماهی شور دریایی - تأمین آب سدهای تولید برق جهت تولیدو ارزان نمودن برق - راه‌اندازی دریاچه‌های مصنوعی جهت تغییر آب و هوای فلات ایران به سمت اکوسیستم مطلوب - تأمین آب صنعتی - تأمین آب جهت ساختمان‌سازی و شهرسازی - تأمین آب جهت بیابان‌زدایی و کاشت درخت - تأمین آب دشت‌هایی که به سمت بیابانی شدن در حال حرکت‌اند.

٤ **در بحث آب دو مقوله‌ی تصفیه‌ی آب و شیرین سازی مطرح است** که هر کدام بحثی جدا دارد اما برای آنان که اطلاع کمتر دارند بیان می‌کنیم که امروز **کشورهای زیادی برای کشاورزی و شرب از آب دریا استفاده می‌کنند**، حتی **کشتی‌های اقیانوس پیما نیز آب شرب خود را از دریا تأمین می‌کنند**، آب شرب جزیره‌ی کیش از تصفیه آب دریا به دست میاید، **عربستان و امارات آب دریا را شیرین می‌کنند** و استفاده می‌کنند، ما در بحث تصفیه و شیرین سازی آب که خود دو بحث جداگانه و تخصصی است نیز راهکارهای منحصر به فردی داریم اما به صورت اجمال بدانید که روش‌های متعددی برای شیرین سازی و تصفیه آب وجود دارد که در یکی از قطره‌ها توضیح داده میشود، شبهه هزینه جواب داده شده.

٥ بهترین آبی را که می‌توان از دریا برداشت نمود آب دریای عمان است و در طرح ما ۷ کانال از دریای عمان تأمین آب می‌شود و ٥ کانال اجباراً از خلیج‌فارس تأمین آب می‌شود، **ویژگی دریای عمان این است که آب بهتری دارد چرا که نزدیک‌تر به قطب جنوب است و آلاینده‌های آن کمتر است**، لذا تصفیه و شیرین سازی راحت‌تر است، چرا که دائماً قطب بر اثر گرمای هوا ذوب‌شده و آب شیرین درون دریا می‌ریزد، همین‌جا معلوم میشود که یکی از بحرانهای پیش روی بشر بالا آمدن آب دریاست که کشورهای زیادری را زیر آب میبرد و هر که تلاش کند آب را برداشت نماید به کل بشریت خدمت کرده است، لازم است بدانیم هر چقدر آب را از دورتر از ساحل برداریم آب بهتر و زحمت کمتری برای شیرین سازی و تصفیه آن لازم است چرا که آبی که نزدیک ساحل است به علت عمق کم دریا آلاینده‌های بیشتری دارد، پس بهترین آب آخرین مرز شرقی آبی ایران است.

٦ **آب دریای خزر برای انتقال به فلات ایران خوب نمی‌باشد**، چرا که **اولاً** مشکلات سیاسی ایجاد خواهد نمود چرا که آب خزر محدود و محصور بین چند کشور است و ممکن است در آینده کشورهای همسایه مشکل ایجاد کنند، **ثانیاً** مشکل وجود رشته‌کوه بین دریای خزر که اگر چه که با نقد زدن از زیر و روش‌های دیگر قابل حل است ولی زمان و هزینه‌ی بسیار می‌برد، البته مشکل پَس‌آب شور آب دریا و تغییر اکوسیستم و شور نمودن آب خزر اشکالات سطحی است که جواب داده شده است، ما با تبدیل پَس‌آب باقیمانده به نمک دریا از پَس‌آب نیز ثروت حلال تأمین می‌نماییم ولی در کل آب خزر برای انتقال خوب نمیباشد.

٧ ممکن است بگویند این در طرح در مجلس مطرح است و نمونه‌ی مشابه دارد، باید بگویم **جزئیات اجرایی و مدیریتی و تأمین منابع مالی و اجرایی و طرح عملیاتی این طرح بی‌نظیر است** و اصلاً نمونه‌ی مشابه ندارد **تفاوت این طرح و طرح مجلس، تفاوت آب و سراب است، آقایان مسئول اگر طرح دارید چرا اجرا نمی‌کنید؟** یا اینکه طرحی ندارید، یا اینکه وضعیت موجود را متوجه نیستید که کاری نمی‌کنید، **بنده مطمئن هستم که نوش داروی شما بعد از مرگ سهراب هم آماده نمی‌شود**، چند سال است که طرح شما در وضعیت بررسی و تحقیقات قرار دارد؟ میدانید چه باغ‌ها که سوخت؟ چه دریاچه‌ها که بی‌آب شد و حیوانات و گیاهان تاوان کم کاری ما را با هلاک شدن خود پرداخت کردند؟ میدانید بلایی که در این مدت بر ملت ما واردشده قابل شمارش نیست؟ وعده شما سرابی است که مرگ را همراه دارد.

٨ چند مشکل اساسی در طرح انتقال آب دریای جنوب به فلات مرکزی که در مجلس مطرح است موجود است : **الف:** چرا طرح اجرایی نشده است؟ **ب:** این طرح هیچ‌گاه ادعا ندارد آب را به تمام روستاها می‌رساند بلکه آب به شهرستان‌ها می‌رسد. **ج:** زمان شروع و پایان طرح چه زمانی است؟ بنده میگویم **طرحی که در مجلس برای انتقال آب مطرح است همانند طرح بزرگ‌راه تهران به شمال است که ۲۵ سال است می‌خواهد انجام شود.** آقایانِ مسئولِ تهران نشین : مشکل اصلی این است که از حال فقرا و روستانشینان و کشاورزان خبری ندارید، آب نیاید و مردم هلاک شوند مگر اتفاق خاصی افتاده است، کما اینکه آیا تا کنون غیر از این بوده است؟ **اگر وضعیت بحرانی خشک‌سالی درک می‌شد لحظه‌ای تعلل نمی‌شد**، میگویید مشکل مالی وجود دارد؟ **چرا**

**از تریبون‌هایی که در دست دارید مردم را در جریان خطر پیش رو قرار نمی‌دهید** و از مردم کمک نمی‌گیرید؟ **چرا تمام کارهایی که فایده‌ی چندانی برای ملت ندارد را تعطیل نمی‌کنید** و متمرکز در آب رسانی نمی‌شوید؟ **چرا با هزینه‌ای که در دست دارید کار را شروع نمی‌کنید تا کمی از تلفات عظیمی که در پیش است را کاهش دهیم؟**

۹ ممکن است بگویید کار را شروع کرده‌ایم، باید بدانید اشتباه می‌کنید، **اولاً** کاری که شروع کرده‌اید انتقال آب خزر به سمنان و خلیج‌فارس به یزد است که انتقال خزر به سمنان اشتباه است، پول زیاد و بهره‌برداری کم و در آینده نیز مشکل سیاسی از طرف همسایگان خزر برای ما پیش میاید، **ثانیاً** چرا فقط به فریاد سمنان و یزد رسیده‌اید پس کرمان و قم و اصفهان و تهران و خراسان و سیستان و بلوچستان و خوزستان و ... چه می‌شود؟ بدانید **با این نحو انتقال ویرانی آن نقاط را نزدیک‌تر کرده‌اید**، چرا که **در آینده‌ای نزدیک هر کجا که آب باشد خطرناک‌ترین نقطه خواهد بود زیرا مردم از سایر نقاط خشک‌شده به آنجا هجوم میاورند**، افراد مهاجم برای آب به آنجا میایند و افراد ساکن آنجا که نیز تنها به اندازه‌ی خود آب دارند و برای دفاع از آب و خاک خود می‌جنگند پس این‌گونه است که ایرانی به جان ایرانی می‌افتد، **مردم اگر برای تأمین آب به جایی که آب دارد نروند می‌میرند و اگر به آنجا بروند در آنجا هجوم مردم و جنگ و قتل واقع شود**، در این زمان حساس کل ایران ناامن می‌شود، **جایی که آب نیست خالی‌شده و دشمن آنجا را تصاحب کند و جایی که آب وجود دارد ایرانیان با یکدیگر در حال جنگ و از بین بردن خود هستند**، اینجاست که میگوییم طرح غیر عادی نجات بخش است چرا که **در آن دو طرح آب به همه جا میرسد و کسی از جایی بجایی کوچ نمیکند حتی کشورهای همسایه را نجات میدهیم**، تعجب نکنید تاریخ سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰٤ را که قحطی و خشک‌سالی آمد را ملاحظه فرمایید در خاطرات آمده که **اگر فردی تنها بیرون می‌رفت امیدی به بازگشت او نبود، او ربوده می‌شد، کشته می‌شد و گوشت او خورده می‌شد، دقیقاً همان جریان در حال وقوع است**، سؤال دیگر از شما این است: چند سال است که این طرح شروع‌شده و هم اکنون در چه وضعیتی است، **آیا توانستید مشکل آبی یزد و سمنان را حل کنید؟ جواب واضح است که نتوانستید.** واضح بگویم انگیزه‌ای برای حل این مشکل نیست و در نگاه خوش‌بینانه **خطر پیش رو برای شما تبیین نشده** که اراده‌ی جدّی برای حل این بحران داشته باشید، بنده در اسلام یاد گرفتم

که باانصاف باشم و اگر مرده‌ی سگی بد بو را دیدم و بینی خود را گرفتم ولی از دندان‌های سفید و تیز آن نیز یادی کنم، پهلوی اول در طول ۱۳ سال خط راه آهن بندر ترکمن به بندر امام (از خزر تا خلیج‌فارس) را انجام داد راه آهنی که از بین دو کوه رد میشود با پُلهای بسیاری که دارد، از آن زمان که حدود ۷۶ سال گذشته است در آن دوران ایران نه این تعداد دکتر و مهندس داشته نه این همه ماشین‌آلات و... اما سیزده ساله آن کار را انجام داد اگر ما در آن زمان بودیم شاید این حرکت ۳۰۰ سال طول می‌کشید و اگر او در این زمان بود شاید در طول ۱۳ ماه این راه‌آهن را انجام می‌داد، دقت کنید بنده حقیقتی را میگویم که ما را در فکر فروبرد و الا همه‌ی ما میدانیم او چه ضربه‌ای به دین وارد نمود و چه جنایتی کرد، ولی سؤال این است که چه شد که در قم و مشهد درود به او گفته شد؟ اگر او در این زمان بود در طول چند وقت مشکل آب را حل می‌نمود؟ ما چه مشکلی داریم که ۱۲۰ کیلومتر آزادراه تهران شمال ۲۵ سال است هنوز به بهره‌برداری نرسیده است؟ چرا باید طرح‌های حیاتی و نجات‌بخش ما مانند آب ده‌ها سال به مرحله اجرا نرسد؟ بگویم **اگر مشکل آب را سریعاً حل نکنیم آیندگان همان قضاوتی را در مورد ما می‌کنند که ما در مورد گذشتگان می‌کنیم اگر نگویم قضاوتی بدتر خواهند نمود**، حداقل در زمینه‌ی آب ما از نسل آینده دزدی کرده‌ایم، حداقل اگر اشتباه فکر می‌کنیم بگویید به ما مشکل چیست تا بدانیم.

**۱۰ طبق طرح ما باید ۱۲ کانال از جنوب کشور به سمت فلات مرکزی و شمال کشور کشیده شود**، از بین ۱۲ کانال، ۷ کانال از دریای عمان می‌باشد که فلات شرقی کشور را تأمین می‌نماید، ۵ کانال از بندرعباس و خلیج‌فارس می‌باشد که فلات غربی کشور را آبیاری می‌کند، هر کانال ۱۵۰۰ کیلومتر است، کار با ۳۶۰ تیم انجام می‌شود از ۳۶۰ نقطه همزمان شروع می‌شود لذا همزمان کار شروع می‌شود و همزمان کار پایان می‌یابد، کار در سه شیفت انجام می‌شود، تمامی شئون مملکت باید درگیر مسئله‌ی آب رسانی شوند و تمامی کارهای پوپولیسمی تعطیل شود، گروه پیشتاز نقشه مسیر را در روی زمین تعیین می‌کنند دقیقاً مانند گروه پیشتاز در اطلاعات عملیات جنگ، هر ۵۰ کیلومتر آب رها می‌شود و پست زده می‌شود، پست‌ها دریاچه‌های مصنوعی است که امور مختلفی در آنجا انجام می‌گردد از قبیل: انتقال آب به زمین‌های اطراف، تصفیه‌ی دوباره و شیرین سازی آب، بالا بردن آب برای ریخته شدن در ادامه‌ی کانال در زمین‌های شیب‌دار و تولید برق (قبل

از ریخته شدن آب در پست از نیروی آب که در ۵۰ کیلومتر قبل است برق تولید می‌شود که در حقیقت هر کانال یا لوله به منزله‌ی سد مهار آب تولید برق می‌باشد)و...، نتیجه‌ی این حرکت این است که از همان ابتدا قبل از آب رسانی شغل در مملکت ایجاد می‌شود، آقایان می‌فرمایند ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌اند، اگر ۷۰۰ هزار نفر در این طرح مشغول به کار شوند کمتر از یک سال آب رسانی عادی انجام میگردد و این قاعده کاملاً معقول می‌باشد، **هر چقدر قدرت و توان را بالا ببریم هدف زودتر حاصل میشود،** هزینه‌ی ایجاد هر شغل را کارشناسان بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان اعلام کرده‌اند معاون وزیر تعاون می‌فرماید بین ۵۰ الی ۷۰ میلیون هزینه لازم دارد ما کلام معاون وزیر را معیار می‌گیریم و جناب آقای روحانی فرمودند ما ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ایم اگر برای هر شغل ٦۰ میلیون تومان هم هزینه لازم باشد می‌شود ٤۲۰ بیلیون ریال، **اگر دولت این پول را در طرح آب رسانی هزینه کرده بود و به هیچ هزینه‌ی دیگری هم دست نمی‌زد کار آبرسانی در مدت بسیار کوتاه‌تر از یک سال انجام شده بود و از همان ابتدا شغل زیاد شده و مهم‌ترین زیرساخت پیشرفت نیز در ایران انجام شده بود** ولی این کار انجام نشد و **ما هم نمی‌دانیم چه شغل زودبازده‌ی در ایران ایجادشده؟ ما که هر چه می‌بینیم تعطیلی کارخانه‌ها است؟** آیا تعطیلی و مشکلی که برای کارخانه‌ی هپکو ایجاد شد فراموش‌شدنی است؟ بدانیم **با این روال هپکوهای بسیاری در راه است،** گذشته از اینکه **ایجاد شغل‌های زودبازده به فرض اینکه انجام شده باشد مطمئن باشید بازدهی نخواهد داشت** چرا که خشک‌سالی آن‌ها را نیز خشک خواهد نمود، گذشته از تمامی بحث‌هایِ مهندسی که ما در جزئیات را در کتاب طرح عادی ثبت نموده‌ایم در وضعیت کنونی بحث بر سر نقشه‌ی راه و یا اینکه دیواره‌ها سیمانی باشد و یا آهنی و لوله‌ی اسپیرال باشد و قطرش چقدر، نقد زده شود یا کانال و لوله و ... نیست، بحث بر سر این است **چرا این قدر تعلل می‌کنید؟ نوش داروی شما به چلّه و سال و قَرن سهراب هم نمی‌رسد،** چرا خشک‌سالی را شوخی گرفته‌اید، سریعاً طرحی را که در مجلس است را عملی نمایید و بقیه‌ی نقشه نگاری‌ها را در حین انجام کار انجام دهید، بگویم **در آینده‌ای نزدیک آنچه که سال‌ها وقت گذاشته و هزینه کرده‌اید کاغذ باطله‌ای بیش نخواهد بود،** شاید باشیم و ببینید و ببینیم، **بنده به طرح دو ماهه اعتقاددارم و نهایتاً در وقت راستی آزمایی حقانیت ما معلوم می‌گردد، در آن زمان نه تنها طرحِ مجلس بلکه تمامیِ طرح‌های**

**کوچک و بزرگ آبی در حال اجرا باطل می‌شود مَثَل طرح غیرعادی و امور در حال اجرا مَثَل مقایسه سرعت نور با حرکت لاک‌پشت است،** خدا را تو را شکر که بی‌منت عطا می‌کنی.

**۱۱ یکی از مشکلات طرح را نبود هزینه عنوان می‌کنند که در لابه‌لای بند ۱۴ معلوم شد که این مطلب بهانه‌ای بیش نیست،** طبق محاسبات بنده طرح عادی یکساله ۲۱,۶۰۰ مهندس در فنون مختلف لازم دارد که برای هر مدیر ماهیانه ٦ میلیون تومان حقوق در نظر گرفته‌ایم و طبق همین محاسبات ۱۳۰ هزار نفر کارگر متخصص از قبیل آرماتوربند و جوشکار و راننده کامیون و لودر و ... لازم داریم که حقوق ٤ میلیون و پانصد هزار تومان برای هر نفر در نظر گرفته شده است که **۷ بیلیون تومان هزینه لازم است،** اگر دولت و بقیه‌ی دستگاه‌ها نخواهند کمک کنند بسیار ساده از طریق مشارکت عمومی این بودجه قابل تأمین است، اما چگونه؟ دولت ماهیانه به ۷۷ میلیون نفر ٤٥ هزار و ۵۰۰ تومان یارانه می‌دهد که می‌شود ماهیانه تقریباً ۳,۵ بیلیون تومان، هزینه‌ی یک سال مدیران و کارگران این طرح می‌شود ۷ بیلیون تومان، فرض کنیم هیچ کس کمک نکند بنده مطمئن هستم اگر برای مردم خطر نبود آب و ثمرات آمدن آب به صورت شفاف بیان شود و اینکه بعد از آمدن آب چه سود سرشاری نصیب ملت و هر کس که در طرح آب رسانی شرکت کند میشود، کمتر کسی پیدا میشود که در سرمایه‌گزاری برای آب رسانی شرکت نکند که در این صورت اگر همان ۷۷ میلیون ایران ماهیانه ۱۰ هزار تومان سرمایه گزاری کنند بیش از مبلغ مورد نیاز پول برای دستمزدها جمع می‌شود، عدد به دست آمده بیش از ۹ بیلیون می‌باشد، **ما باید در این طرح برنامه‌ای داشته باشیم که گردن کلفتان اقتصادی تمامی سهام آب را به نام خود نزنند و باید تا آنجا که میتوانیم محرومین و مستضعفین را در آن شرکت دهیم** تنها **یک بحث می‌ماند آن اینکه مصالح و لوازم مورد نیاز را از کجا تأمین کنیم؟** این سؤال سؤالی بَس عجیب است و تنها از کسی سر میزند که نداند ایران ۱۰% منابع طبیعی جهان بلکه بیشتر در دسترس ما ایرانیان است، **اگر منابع طبیعی ایران به داد ما نرسد چه فایده‌ای دارد ؟ ما ادعای صادرات فولاد را داریم آن وقت برای لوله انتقال آب خودمان چیزی نداشته باشیم؟ ادعای صادرات سیمان داریم آن وقت برای بتون‌ریزی خودمان سیمان نداریم؟** سوالهایی مانند چگونگی بر طرف کردن اختلاف سطح دریا با زمین و یا چگونگی بالا بردن آب و یا چگونگی تأمین

برق و ... سوالهایی بسیار ابتدایی است که در این مجال اندک وقت پاسخگویی نیست، ولی بگوییم ما با الگوی چاه‌های آرتزین مصرف برق را در انتقال آب به صورت عجیبی پایین میاوریم و نیازی هم به موتورهای پر قدرت پمپاژ نخواهیم داشت، لازم به ذکر است برای گسترش طرح به همه‌ی زمینها از سال اول بودجه مورد نیاز از درآمد حاصل از سال قبل قابل تامین است ، آب بیاید ثروت سرشاری را به همراه خواهد داشت.
این قطره (قطره‌ی ۷۳)خلاصه‌ای از کتاب رفع خشک‌سالی ایران از طریق عادی است که به اهم شبهات و مباحث مطرح در زمینه‌ی انتقال آب از طریق عادی پرداخته است که در یک قطره‌ی دیگر مطالبی نیز در ادامه عنوان میگردد، بدیهی است که خلاصه کردن یک کتاب در یک برگه کاری بسیار دشوار میباشد. لطفا سوالها و مطالب خود را با ما در میان بگذارید- برای دریافت مباحث به آیدی تلگرام پیام دهید- بیش از ۲۵۰ سخنرانی پیرامون آب عنوان گردیده و نامه‌هایی نیز وجود دارد- برای دریافت پی دی اف کتاب هزار و یک قطره در رفع خشکسالی ایران از طریق غیر عادی به کمک اسماء الله در عرض چند ماه به آیدی تلگرام پیام دهید. بدیهی است که شبهه‌ی تغییر اکوسیتم نیز در ضمن مباحث جواب داده شده است. ۹۶,۱۰۱۷- علی بهرامی نیکو (هُدهُد)

**شیخ علی بهرامی نیکو - ۹۷,٤,۱٦ - قم المقدسه**
**بسم‌الله الرحمن الرحیم:قطره‌ی ۹۳ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی-پاسخ به چند سوال در رابطه با روش دوم غیر عادی رفع خشکسالی در عرض دو ماه یعنی انفطار السماء،(شیب دار نمودن آسمان به سمت ایران و شکافتن آسمان و ایجاد چاله‌ی جوی درون ایران)**
**۱-طُرُق غیرعادی یعنی چه؟** طُرُق غیرعادی به اموری میگویند که علت آن امور از دسترس بیشتر انسان‌ها خارج می‌باشد و به علل پنهان ارتباط دارد، مانند حرزها و طلسمات و سحر و تاثیر کلمات و اشکال و اعداد و معدنیات و بعض اعمال در زمان و مکان و شرایط مشخص و تحقق اموری در این عالم، ما به وسیله‌ی عملی نمودن آن دو لوح (متن قطره ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱) در مدت کمی بدون هزینه و زمان زیادی خشک‌سالی ایران را بر طرف می‌نماییم، تاکید می‌کنم خشک‌سالی بر طرف می‌شود نه

اینکه باران و برف محدودی می‌بارد، آن‌قدر آب در ایران جاری می‌شود که خوف این می‌رود که ایران غرق گردد و البته برای نجات ایران از غرق شدن باید یا قوانین امحاء شوند و یا اینکه برای آب آماده‌باشیم و آب را به زیرزمین هدایت نماییم و وارد صادرات آب شویم که در تاریخ شهود جمعی نشان داده می‌شود.

**۲- نتیجه‌ی عمل به آن لوح چیست؟** ۱- هوای ایران به شدت سرد می‌شود تا جایی که تعطیلات تابستانی مدارس به زمستان می‌افتد-۲-سقف آسمان دنیا به سمت ایران شیب‌دار می‌شود و درون آسمان ایران چاله‌ی جوی ایجاد می‌شود لذا دشمنان هر آنچه می‌توانند سد بزنند و از ورود آب به ایران جلوگیری کنند از آسمان آب شیرین به ایران جریان پیدا می‌کند ۳- اکوسیستم هوای ایران به قبل بازمی‌گردد چرا که یون منفی طبیعی بدون هزینه در ایران زیاد می‌شود ٤- هوای تمامی ایران پاکیزه می‌شود ٥- به تمامی نقاط ایران آب می‌رسد حتی مناطق ممنوعه که در اثر خشک‌سالی در حال ویران شدن است.

**۳- این طریق از کجا به دست آمده است؟** بنده متخصص آب نبوده و نیستم و هیچ‌گاه در این رابطه نه استاد و نه مطالعه‌ای داشته‌ام سال‌ها دعای مختلف و نماز استغاثه به امام زمان عج می‌خواندم تا مشکلات جهان تشیع را بر طرف نمایم و حقیقتاً در اعمالی که داشته‌ام درخواست شخصی نداشته‌ام چرا که اعتقاددارم که: تو بندگی چو گدایان به شرط مزد نکن که خواجه خود هنر بنده‌پروری داند و البته گذشته‌ی ۲٤ سال طلبگی بنده به لطف خداوند حاکی از این امر می‌باشد، دعاها تماماً برای این بود که در جهت بر طرف نمودن مشکلات مکتبی اسلام ناب از عالم غیب کمک بگیرم و دعاهای مختلفی را می‌گفتم: **اللهم انا نشکوا الیک فقد نبینا و غیبه ولینا و کثره عدونا و قله عددنا و ...، یا ایها العزیر مسنا و اهلنا الضر ...،** سال‌ها مدد رسید و به لطف خدا امور سنگینی را انجام گردید که هیچ کس هم نمی‌تواند انکار کند، مکرر از سیمای سراسری به عنوان طلبه‌ای موفق مستندهایی از زندگی شخصی و کار گروهی ما ساخته‌شده و پخش گردیده است حتی در سال ۹٦ که مجموعه تعطیل شده بود باز هم بارها مستند فعالیت‌های ما از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش گردید، ظرف گدایی ما درب خانه خدا و اهل از آب پر شد، آبی که نجات همه‌ی ملت ایران در آن است و بعد از آن سمت قله‌هایی عجیب حرکت خواهیم نمود ان‌شاءالله.

**٤- چرا غیر شما به این طریق اشاره‌ای نکرده‌اند؟** دانستن این امر برای ما فضیلت نیست و ندانستن آن برای غیب کسر شان نمیباشد کما اینکه خبر هُدهُد برای هُدهُد فضیلت و ندانستن آن برای سلیمان کسر شان نبود، در کتب مختلف به روش‌های غیرعادی برای حل مشکلات اشاره شده است، مانند کتاب‌های شیخ بهایی و میرفندرسکی و ملا احمد نراقی و ... حتی علمای بسیاری نیز با این علوم به حل مشکلات جامعه می‌پرداخته‌اند مانند مرحوم نخودکی و مرحوم شیخ بهایی و ... آنچه بنده میدانم این است که بسیاری از علما نیز این امور را در خفا انجام می‌دهند و ما خبری نداریم که البته در محضر بعضی از علما بوده‌ایم و در قرآن نیز به این مسائل بسیار پرداخته شده است مانند بحث جابجایی تخت بلقیس به واسطه‌ی قدرت اجنه و به کمک اسماء الله توسط آصف بین برخیا و یا اعمالی که توسط سَحَره انجام می‌گردید که هاروت و ماروت به اذن خداوند به زمین آمدند و به مردم تعلیم سحر نمودند و یا در قرآن در مورد شرارت‌های جن و آدمیان سخن می‌گوید که آن‌ها در گره می‌دمند و در زندگی مردم مشکل ایجاد می‌نمایند، حتی اگر لازم باشد از کتاب‌هایی شاهد میاورم که آن‌ها برای حل بحران خشک‌سالی و باران و مطالبی نوشته‌اند و ادعا دارند در صورت عمل به این دستور باران می‌بارد، گذشته از آن اصلاً هیچ اشاره‌ای نشده باشد بنده در کمال صحت و سلامت و با یقین و اطمینان ۱۰۰% میگویم در صورت عمل به این دستور مشکل خشک‌سالی بر طرف می‌شود تا کنون خلاف عقل عمل نکرده و نگفته‌ام در این مورد اگر شکی وجود دارد که اشتباه می‌کنم و یا درست میگویم نمی‌توان بدون دلیل انکار نمود چرا که حتی اگر یک هزارم هم درست بگویم خطری عظیم دفع می‌گردد و منفعتی بسیار کثیر برای تمامیِ ایرانیان حاضر و نسل‌های پیش رو و چه بسا برای تمامی بشریت به همراه دارد، بله اگر سابقه‌ی دیوانگی داشتم و یا فردی مجهول بودم و یا گذشته‌ی بنده امور بی‌اهمیت را نشان می‌داد شاید قابل پیگیری نبود اما آنچه بر همه معلوم است به لطف خدا سابقه جرم و دیوانه بودن ندارم، در تمامی زندگی به لطف خدا در اموری که ورود داشته‌ام شاخص بوده‌ام چه در امور تبلیغی چه در امور طبی چه در اجتماعیات و چه در صحنه‌های نبرد و... حال در این مسئله مهم نمی‌توان به سادگی از کنار گفتار بنده عبور نمود.

**۵-ما مأمور به طرق غیرعادی نیستیم؟** ما از منکرات و حرام نهی شده‌ایم و تقویت اسلام واجب است، این امر سحر نیست که حرام باشد و نیز آب رسانی به ایران بزرگ‌ترین واجب می‌باشد، گذشته از این چگونه امور غیرعادی که علل آن از دسترس ما خارج است را نباید انجام دهیم که یکی از این امور غیرعادی دعا است و بنده نیز سال‌ها دعا خواندم و این فرمول هدیه داده شده است، مثلاً نماز باران برای بر طرف شدن خشک‌سالی نیز یکی از امور غیرعادی برای حل بحران آب است و اصولاً امدادهای غیبی یعنی امور غیرعادی که از اول انقلاب بسیاری از امور به صورت غیرعادی در ایران اتفاق افتاده است، شما نفرمایید ما مأمور به امور غیرعادی نیستیم بفرمایید بنده نمی‌دانم لذا شما را با علم خود میسنجیم و برای انکار شما به هر مطلبی چنگ می‌زنم، لذا جواب می‌دهیم: بروید مطالعه فرمایید فتح روم توسط مأمون به واسطه‌ی حرزی بود که امام جواد ع هدیه فرمودند، در فتح‌های دیگر نیز مطالبی وجود دارد، اصولاً باب بسیار مهمی در کتب ادعیه تحت عنوان حرزها موجود است که همه رسیدن به مطلوب از طریق غیرعادی می‌باشد و حتی نص قرآن است که ملائکه به کمک مؤمنین میایند و حتی در جنگ ملائکه به کمک مؤمنین آمدند و تمامی این‌ها غیر عادی است، اگر هم کسی بگوید ماثور نیست جواب دهیم بسیاری از اموری که علما فرموده‌اند و انجام داده‌اند ماثور نمیباشد .

**٦- انفطار السماء چیست؟** در غرب برای ایجاد باران و برون‌رفت از خشک‌سالی امور مختلفی وجود دارد که البته در نگاه قرآنی شیطان لشکریان خود را یاری می‌کند تا بر اهل حق پیروز شوند قرآن می‌فرماید: **ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم**، شیطان به دوستان خود وحی می‌کند و امداد می‌رساند چه بسا بسیاری از پیشرفته‌ای جامعه غرب برای پیروزی باطل بر حق نتیجه‌ی امداد شیطان باشد و بنده اعتقاددارم امروز دنیای غرب با کمک شیطان در جنگ با ما است و به عقیده‌ی بنده دنیای غرب با سحر و طلسمات و حتی توهین به قرآن و استفاده و مطالعه در قرآن به جنگ با ما آمده است، یکی از امور غربی که برای رفع خشک‌سالی در منطقه‌ی خاصی می‌باشد انفجار یون منفی غیرطبیعی می‌باشد، در این فرایند گازهای رهاشده در آسمان افت فشار ایجاد می‌کند و چاله درون هوا ایجاد می‌شود و ابرها پایین میاید و تبدیل به قطرات باران می‌شود و زمانی که یون منفی از بین برود آن فرایند از بین می‌رود این

روش محذورات بسیاری دارد، مانند هزینه‌ی بالا و اینکه برای ریزش باران باید این روش تکرار شود و صدای زیادی دارد و ... ما با الگوی خود بدون هزینه و زمان و مشکلات خاص برای همیشه در کل ایران باران‌ها و برفها را ایجاد می‌نماییم.

**۷- چگونه اعتماد کنیم؟** بسیاری از کسانی که مرا می‌شناسند به بنده گفته‌اند به گفته‌ی تو یقین داریم که راست میگویی و اشتباه نمکینی، حتی دیدم آیت‌الله‌ی که از قبل بنده را نمی‌شناخت ولی این مطلب را به بنده گفت که مَثَل تو در این زمان مثل گالیله می‌باشد که در آینده تو را تصدیق خواهند نمود، پس گروهی یقین دارند که بنده راست میگویم، گروهی احتمال می‌دهند و میگویند امری که میگویی ممکن است، بسیاری نیز این‌گونه هستند حتی با بعض از اساتیدی که معروف به اساتید سیر و سلوک هستند مطالب را عرضه نموده‌ام و هیچ‌کدام انکار نکرده‌اند، گروهی نیز نمی‌توانند رد کنند ولی بهانه میاورند که سؤالات این صفحه بیشتر مطالبی است که از آن‌ها شنیده و جواب داده‌ام، گروهی با تمام توان انکار می‌کنند و دلیل میاورند که حرف تو محال است، این دسته جاهلانی هستند که جهل خود را مبنا قرار می‌دهند و هر چه را نفهمند میگویند محال است، در حالی انکار امور ممکن دلیل بر جهل و فقدان عقل است، امری که ما گفته‌ایم محال نیست، به آنان که ادعای علم می‌کنند و امور خارج از توان خود را محال می‌دانند عرض می‌نمایم اجتماع و ارتفاع نقیضین و اجتماع ضدین است که محال است غیر از آن چیزی محال نیست، اموری را که ما گفته‌ایم هیچ‌کدام از این سه مسئله نیست بلکه امری است که در توان اکثر انسان‌ها نیست و از دایره‌ی علمی آن‌ها خارج است، مانند اینکه کسی در این دنیا ادعا کند که من می‌توانم پرواز کنم بله به صورت عادی اتفاق نمی‌افتد ولی اگر کسی این ادعا را کرد می‌توان او را امتحان نمود تا راست و دروغ آن فهمیده شود، **بنده بارها گفته‌ام و بازمیگویم یا به طرح عادی عمل نمایید و ایران را از خشک‌سالی نجات دهید که در آن طرح تمامی اشکالات متخصصین جواب داده شده است و تمامی مشکلات مرتفع شده است، یا به دو طرح غیرعادی که در دستان شما است عمل نمایید،** اگر یقین ندارید قبل از انجام دادن آن لوح می‌توان آن را نشان داد و به شهود جمعی رساند که از اثرات شهود جمعی یقین و تصدیق است و سپس عمل نمایید، زمان شهود جمعی را در آورده‌ایم در آن زمان در طول ۱۸ دقیقه می‌توان تمامی امور را نشان داد،

تاکید می‌کنم باید شرایط فراهم گردد تا همه ببینند و الا فرضاً اگر کسی یقین کند و اعلام نماید که مردم چنین کنید و الی آخر او هم به دیوانه و بودن و بقیه‌ی اموری که بنده را محکوم کرده‌اند متهم می‌شود و به یقین میگویم بدانید نه اشتباه می‌کنم و نه دروغ میگویم، آن‌قدر انفطار السماء عجیب است که اگر هزار نفر برای نفر بعد شهادت دهند آن نفر بعد نیز دیگران را متهم می‌کند، بنده بعد از بار اولی که جریانات را فهمیدم چندین روز نمی‌توانستم بخوابم.

**۸- انفطار السماء چه مقدماتی لازم دارد؟** بدون آن مقدمات نمی‌توان آن امور را انجام داد، مقدمات عبارت است از ۱- آمادگی برای سرما و یخبندان و برف و باران و سیل، اگر آمادگی نباشد با خشک‌سالی هلاک شویم بهتر است چرا که خشک‌سالی آرام از بین می‌برد و آن واقعه در صورت آماده نبودن همه را به یک‌باره نابود می‌کند. ۲- امضاء ۳- دفن کلمات، بدون اینکه همه انجام دهند آن امور اتفاق نمی‌افتد و اگر ببینند، یقین کنند و همه انجام می‌دهند.٤- در هر سال یک‌بار می‌توان آن را عمل کرد، برای سال ۹٦ تاریخ ۹٦,٦,٦ بوده است و در سال ۹۷ هم در زمان خاصی می‌توان انجام داد، برای شهود جمعی قبل از عمل نمودن نیز شرایط و زمان خاصی وجود دارد، اشتباه است فکر کنید تاریخ انفطار در سال ۹۷، ۹۷,۷,۷ و یا ۹۷,٦,٦ میباشد هیچکدام از آنها نیست.

**۹-اگر به دستور عمل کردیم و انفطار السماء انجام نشد چه؟** به هیچ عنوان امکان ندارد که عمل شود و انفطار اتفاق نیفتد، اگر آنچه را که بنده دیده‌ام را شما هم ببینید تصدیق خواهید نمود، شهود جمعی قبل از عمل نمودن برای همین امر است.

**۱۰- تا کنون دشمنی‌های بسیاری با بنده کرده‌اند ،** آنان که دشمن هستند را به خداوند واگذار می‌کنم ولی آنان که به واسطه‌ی جهل دشمنی نموده‌اند را توصیه می‌کنم توبه کنند چرا که به واسطه عقب افتادن آب رسانی هر لحظه هزاران هزار هزار هزار مصیبت به ما و مکتب ما می‌رسد ، طلاق‌ها ، خون‌ها، آشوب‌ها ، فسادها، فحشاها، مشکلات آسمانی و زمینی و اجتماعی و فردی و خانوادگی ... توبه کنید.

اگر سؤالی است بفرمایید تا جواب داده شود **متن لوح برای سال ۹٦**

۷۸٦زمانی که دو روز از دخول قمر از عقرب گذشته، و شش ش در شمس، و سه شین در قمر، در انتهای ۱۳ و ابتدای ۱٤ و ورود به ۱۵ قرار دارید، می‌توان آسمان را کَند،

و کندن به عدد کمتر از سبع المثانی و شصت است، این زمان سنبله در دو هشت است، پس ٦٠ بعد از آن عقرب در جمعه است، و ٨ هفت مانده است، و شش ٥ شده، و سنبله عقرب را از سرما کشته و چه عجیب است کشته شدن عقرب از سرما، سرما آب را نازل کند، برف، باد، تگرگ، مه ، همه رحمت است، اما اگر آماده نباشند هلاک شوند، و اینگونه شش که آب استَ در تشرین اول جاری میشود، پس از آب شروع کنید، ایلول را کار کنید تا تشرینِ اول پر آب شود، آب آتش‌ها را خاموش کند، زمین پر آب، دریاچه‌ها سیراب، درختان شاد، حیوانات زیاد شوند، هوا پاکیزه شود، ابرها پایین آیند پس باید همه تعهد دهند و امضاء نمایند ٧٨٦ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن پس زمانی که امضاء شد همه و همه در همه زمینها آن را دفن کنند تا عقرب درون خاک بمیرد، پس لوله از بالا پر شود و هر چقدر آب لازم دارید را بردارید، اگر نکنید در ٣ شین عقرب زمانی که از دو ١٩ گذشته عقرب به بهار الاول نیش‌ها زند و بدنها خشک شود چرا که عقرب با خاک و گرما قوی‌تر شده و نیش آن زهراگین‌تر، چرا که از آب که در برج دو شین است را جاری نکردید، پس آب همان سنبله است، ایلول همان ترازوست، تشرین اول همان عقرب است، اخ‌ف‌قبا؟ ثبت الزمان، ظهر الزمان، کشف الزمان، و انا الرسول بسلطان مبین، وضع الشیء فی احسن وجهه علی اتقن وجهه، اول آخر آخر اول ظاهر باطن باطن ظاهر ممممبامم‌غ‌ف‌ب‌خ‌دق‌ح‌رف‌ر٩٦٦٦ ان شاء الله ، و السلام علی من اتبع الهدی - ٩٦,٥,١٩ - ساعت ١٩,٢٥-

**علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:٩٦khoshksali ٠٩١٩٨٨٤٤٧٩٨-**
**٩٦,١٢,٠٨**

**بسم الله الرحمن الرحیم**
**قال الله تبارک و تعالی : و جعلنا من الماء کل شیء حی**
**قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم : الدنیا مزرعه الآخره**

سلام علیکم در این لحظات حساس که می‌بینیم در خیابانهای کشور اسلامی ایران عده‌ای با مطالبه‌ی به حق به خیابان آمده‌اند و عده‌ای قلیل از دشمنان قسم‌خورده‌ی اسلام از جریانات سوءاستفاده کرده و مطالبه‌ی به حق مردم را به سمت ضربه به دین و انقلاب پیش می‌برند لازم میدانم مطالبی را کوتاه عرض نمایم.

**بسیار ساده‌اندیشی است که از کنار جریانات امروز درون شهرهای کشور به سطحی عبور نماییم**، از به شهادت رساندن روحانیون در انظار عمومی گرفته تا سنگ باران کردن و آتش زدن حوزه و منزل روحانیون تا تخریب اموال عمومی و خصوصی و هتک حرمت نیروهای مذهبی تا راه افتادن کمپین چهارشنبه‌های سفید و ترویج دهندگان فساد و شعارهای ضد اسلام و قرآن در قم و سایر مناطق کشور، یقین بدانیم آتش شعله‌ور شده را اگر کنترل نکنیم و سکوت کنیم تا درب خانه‌ی مراجع و طلاب و مذهبی‌ها و حرم‌های مقدس کشیده شود و این چیز به دور از ذهنی نیست گذشته از آنکه در تاریخ ۱۰۰ سال گذشته نمونه داشته زمانی که شیخ فضل‌الله توسط آخوندی درباری محکوم شد و به دار آویخته شد، **آنچه زمینه‌ی پیدایش این اعتراضات است مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم است، گرانی و فقر آسیب‌های جدی به اعتقادات و زندگی مردم وارد کرده است،** سن ازدواج بالا رفته و طلاق شدت یافته تا جایی که رابطه‌های بدون ازدواج شیوع پیدا نموده است، دلیل عمده‌ی این وقایع مشکلات اقتصادی است، که در حدیث شریف می‌فرماید : **کاد الفقر ان یکون کفرا** و در جای دیگر می‌فرماید : **لا دین لمن لا معاش له**، بر تمامی صاحب‌نظران و واقع‌بینان **اظهر من الشمس** است که اقتصاد ایران به مرز ورشکستگی رسیده، این کلام رئیس مجلس جناب آقای دکتر لاریجانی است که ۹۰% از درآمدهای دولت صرف خود دولت می‌شود و دولت نتوانسته کار اقتصادی قابل قبولی داشته باشد، **چگونه می‌شود ایرانی که تنها ۱% جمعیت دنیا را دارد و حداقل ۱۰% منابع طبیعی را در دست دارد به چنین وخامت اقتصادی رسیده باشد؟** و متأسفانه رهنمودها و مطالبه‌های رهبر انقلاب دامت برکاته در تحقق اقتصاد مقاومتی هیچ‌گاه تحقق پیدا نکرده است، اوضاع چنان وخیم است که بانک‌ها پولی را که مردم به ودیعه گذاشته‌اند را نمی‌توانند به

صاحبان آن بر گردانند، اگر بانکها که معدن پولند چک برگشتی دارند وای به حال ملت، مضافاً بر اینکه **دولت محترم بیش‌ترین درآمد را از فروش نفت و خام فروشی‌های مشابه و عوارض و مالیات کسب می‌کند، و این بدان معناست که دولت از مردم پول می‌گیرد و خام فروشی می‌کند و امورات خود را می‌گذراند،** آیا چنین وضعیتی قابل‌قبول است؟ بانک‌ها نیز مزید بر بحران‌ها هستند، آنان پول را از مردم می‌گیرند و سود کمی به مردم می‌دهند، و از طرفی وام می‌دهند و سود بالایی میگیرند و این یعنی بدون کار اقتصادی ثروتمند شدن غنی و فقیر تر شدن مستضعف، نهایت کار اقتصادی که بکنند واردات است که این مسئله یعنی ذبح شدن تولید داخلی، یعنی اختلاف طبقاتی، یعنی استضعاف مردم، از طرفی قشر مرفه جامعه روز به زور بالانشین تر می‌شوند و چشم فقرا را به خود خیره می‌کنند و امنیت روانی جامعه را خدشه‌دار مینمایند، از طرف دیگر تمامی این امور به اسلام نسبت داده می‌شود، **بخواهیم یا نخواهیم، توجیه کنیم یا نه مردم فعل دولت و دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌ها را پای اسلام و رهبر انقلاب و روحانیت می‌گذارند،** بی‌دلیل نبود شعارهای ضد قرآن و اسلام در کشور حتی در قم و سر دادن شعارهای شاهنشاهی حتی در قم، باید بدانیم این چیزی نیست که فکر کنیم بعض از مدیران پند می‌گیرند و حل می‌نمایند، هلّا و کلّا، آنان بنابراین فرض که می‌خواستند هم نیمدانستند، چرا که از اسلام چیزی نمی‌دانند، و کسی که چیزی نمی‌داند چگونه عمل نماید، **قرآن برای بیشتر ما چیزی جز قرائت برای ثواب در گورستان‌ها نیست، به یقین میگویم اگر به کتاب خدا و کلام اهل‌بیت علیهم السلام به عنوان دارویی شفابخش نگاه کرده بودیم قبل از آنکه مرگ فرابرسد و در انتظار بهشت باشیم دنیا را بهشت کرده بودیم،** به هر حال باید بدانیم آینده‌ی پیش رو با روال دیروز چیزی جز وضعیت امروز را به همراه ندارد بلکه وضعیت به مراتب بیشتر می‌گردد، چرا که ایران بلکه جهان در دوره‌ی جدیدی از مشکلات اقلیمی و آب و هوایی قرار گرفته است و نشانه‌های آن برای صاحبان عقل آشکار است، هوای گرم زمستان حکایت از تابستانی آتشین دارد، و وقتی از آسمان بجای باران و برف و سرما گرما ببارد باید منتظر قحطی و بیماری‌های عمومی و کمی غلات و آشوب‌ها و ناامنی‌ها و زیادشدن فساد و فحشا باشیم، مشکل اصلی را باز بیان می‌کنم **مشکل در اینجاست که نگاه ما به قرآن به عنوان کتابی**

**نجات‌بخش نیست که دنیا و آخرت را باهم آباد می‌کند،** آری ما اسمی از اسلام به ارث برده‌ایم، ما قرآنی نیستیم و **بعض از سران اجرایی نظام به بافته‌های اومانیسم و مارکسیسم بیش از کتاب خدا اعتقاددارند که باید بگویم تنها به آن اعتقاددارند،** لذا ما به عنوان کسانی که به اسلام ناب ایمان داریم اعلام می‌کنیم تا به کتاب خدا بازگشت نکنیم هیچ مشکلی از مشکلات بر طرف نشده و **روزبه‌روز بحران‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود،** ما هنوز در این زمان (۹۶,۱۰,۱۱) در مشکلی وارد نشده‌ایم، **مشکلات زمانی شروع می‌شود که آب‌های زیرزمینی ما به سرنوشت زاینده‌رود و دریاچه‌ی نمک و بقیه رودها و قنات‌های خشک تبدیل شود .** بله مشکل اصلی و ریشه‌ای ما از نظر قرآن آب است، آب باشد آبادانی است در تمام شئون حیات و اگر نباشد مرگ است در تمامی شئون از دنیا گرفته تا آخرت، چرا که قرآن می‌فرماید : **و جعلنا من الماء کل شیء حی،** آری محور در تمام امور و اقتصاد اسلامی آب است و متاسفانه آب در جامعه ما محور نیست، و این بدان معناست که ما عملاً پایند به قرآن نیستیم و این یعنی **جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عضین،** وقتی این‌گونه شد تمام نکبت‌های غیر قرآنی بودن به ما می‌رسد، **بانکداری مَاَ ربوی می‌شود، آنگاه جامعه در جنگ باخدا می‌شود، آنگاه بلاهای ارضی و سماوی که همه لشکر خدا هستند به ما می‌رسد آنگاه دعا می‌شود و شنیده نمی‌شود،** آنگاه لقمه‌ی حرام قلب و چشم و گوش را کر و کور و قفل زده می‌کند و آنگاه هبوط به ارض تحقق یابد و ما بجای آسمانی بودن و معراجی بودن زمینی شویم و در اسفل مراتب وجود زندانی شویم، و در این زندان که نتیجه‌ی فکر و عمل ما است با یکدیگر دشمن شویم و آنچه که در خیابان‌ها شاهد هستیم به وقوع می‌پیوندد . بله ریشه‌ی مشکلات ما از نظر قرآن خشک‌سالی است، **نگاه ما به امور با محوریت آب نبود،** و این گناه اولین ما هبوط به زمین و نزول بلای خشک‌سالی را به همراه داشت و خشک‌سالی نیز درختی شوم به تلخی زقوم است که در تمامی ایران اسلامی ریشه دوانده است، **بدانیم تا نگاهمان را عوض نکنیم مشکلات و بحرانهای یکی پس از دیگری مانند دانه‌های تسبیح در راه است،** و هر لحظه شدت میابد، پس باید توبه کنیم و خود را تغییر دهیم تا خدا هم تغییر دهد، باید محوریت آب باشد که متاسفانه تا کنون نبوده است، **اگر سریعا دیدگاه را تغییر ندهیم به زودی اتفاقات ۱۲۹۸ تا ۱۳۰٤ در سالهای ۱۳۹۸ تا ۱٤۰٤ در ایران تکرار**

**میشود** در آن سالها از خشک‌سالی و قحطی و بیماری‌های عمومی و مرگ ٤٠% از ایرانیان یعنی ١١ میلیون ایرانی شروع شد تا جایی که قاجار توسط رضاشاه ساقط شدن و بعد از آن با دین و آیین آن کرد که باید دیده‌ها بر آن خون بگرید و همه می‌دانند که سنگ بنای مشکلات فرهنگی و ضد دین در آن زمان در ایران اجرایی شد و تا کنون نیز ادامه دارد از کشف حجاب گرفته تا تغییر لباس و خوراک و طب و .... و متاسقانه وضع به گونه‌ای شده که کسی جرات کند درود بر او و مرگ بر ... سر دهد.

**مشکل اصلی کشور ما خشک‌سالی است و از این سال ایران و جهان وارد مرحله‌ی جدیدی از خشکی شده است** که می‌بینیم گرما و عدم نزول باران در ٦٧ سال گذشته بی‌سابقه بوده و هر چه زمان بگذرد بیشتر می‌شود، **عقلای قوم باید سریعاً فکری بکنند،** بنده اعلام می‌کنم که هیچ‌کدام از دستگاه‌ها راه حل نجات‌بخش برای خشک‌سالی ندارند، تمام راهکارها را در حضور ٦ نفر از کارشناسان اجرایی حوزه آب نقد کردیم و اثبات کردیم هیچ‌کدام نجات‌بخش نیست، **اگر به همین منوال پیش رود به زودی نیمه‌ی شرقی کشور تماماً خشک‌شده و هجوم به سمت غرب کشور می‌شود، غرب کشور نیز دچار خشک‌سالی است، پس جنگ شروع می‌شود، جنگ بر سر آب،** جنگ بر سر زنده ماندن در این اوضاع ایران ناامن می‌شود و مردم ایران مبتلا شوند به هجرت از ایران، ولی سؤال این است به کجا هجرت کنند؟ آیا دشمنان به ما رحم می‌کنند؟ اگر دشمنان به آوارگان سوریه رحم کردند به ما هم رحم می‌کنند، پس همان‌گونه که می‌بینیم هوا گرم شده و می‌توان گفت که زمستان مرده است و در آینده‌ی نزدیک اگر تدبیر نکنیم پاییز و بهار هم می‌میرد و همه فصل‌ها می‌شود تابستان، در این زمان سفره‌های عمیق ما نیز از بین می‌رود و تاریخ صد سال گذشته دوباره تکرار می‌شود .

ما در نامه‌ها و پیام‌ها مکرر این مطالب را به رؤسای کشور رسانده‌ایم و تا کنون جوابی جدی دریافت نکرده‌ایم، لذا **به دولت محترم که مسئول اصلی این قضایا است دوباره با جدیت بیشتری اعلام می‌کنیم اولاً : خطری جدی در آینده نزدیک ایران را**

**تهدید می‌کند . ثانیاً : ریشه‌ی تمامی مشکلات امروز جامعه از زلزله گرفته تا آلودگی هوا و شلوغی شهرها و گرانی در خشک‌سالی است. ثالثاً : آشوب‌های امروز که مطمئن باشید لحظه به لحظه بیشتر می‌شود حتی اگر موقتاً خاموش شود در آب و خشکسالی است، چرا که بهانه‌ی اصلی اغتشاشات بحران اقتصادی و فقر بوده و اقتصاد زمانی که آب نداشته باشد به این درجه از ورشکستگی و مرگ می‌رسد . لذا اگر بحران را سریعاً حل نکنید بلاهای شدیدتری گریبان گیرمان می‌شود.**

**شما خوب میدانید جوامع غربی با الگوهای خود و تکنولوژی مشکل را حل کرده می‌کنند، جوامع عرفانی مانند هند و آفریقا نیز با روش‌های خود حل می‌کنند و ...، و میدانید ما هم در اسلام روش‌های متعددی داریم که از جمله روش‌های معروف آن نماز باران است، شما که مسئول هستید باهر روشی که صحیح و صلاح میدانید مشکل باران را حل کنید و ملت را نجات دهید، اگر نمی‌توانید مشکل را حل کنید بنده شیخ علی بهرامی نیکو باز اعلام می‌کنم خشک‌سالی در مدت دو ماه قابل حل است،** دو لوحی که نوشته‌ایم در نزد افراد مورد وثوق شما موجود است مضافاً بر اینکه بارها مسائل ما در سامانه‌های ارتباط مردمی شما از اوایل امسال ثبت‌شده و نامه‌های بسیاری برای شما ارسال شده است، انتشار و شدت خشکسالی بر عهده دولت و مقامات اجرایی است چرا که آن دو لوح را میتوانستید اجرایی کنید اما نکردید و جریانات امروز از زلزله ها و آشوبها نیز بر گردن شماست، چرا که همه‌ی اینها بازگشت به خشکسالی دارد و اگر گوش کرده بودید اثرات خشکسالی مرتفع گردیده بود.

خدایا تو را شاهد می‌گیرم اگر نمی‌دانستند گفتیم، اگر نمی‌توانستند آنچه بود بی‌منت تقدیم نمودیم ولی اگر دانستند و فهمیدند و می‌توانند ولی، پس به تو پناه می‌بریم.

**والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته** – قم المقدسه – ۹۶,۱۰,۱۲ – شیخ علی بهرامی نیکو (هدهد)

کانل : @hodhodbashid– ادمین : @hodhodbash -سایت : tvshia.com - همراه ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۹۲ از** کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله در عرض چند ماه – این قطره جواب اول به متخصصین حوزه‌ی آب کشور در اشکال به قطره‌ی ۷۳ در طرح انتقال آب خلیج‌فارس

با سلام ، همان‌گونه که در جریان هستید ما برای رفع خشک‌سالی ایران ۳ پیشنهاد داریم که شامل دو پیشنهاد غیرعادی و یک پیشنهاد عادی می‌باشد، پیشنهاد عادی که انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان است و در قطره‌ی ۷۳ آمده است و از طرف متخصصین مورد اشکال قرارگرفته که ما برای روشن شدن مطلب قطره‌ی ۷۳ را در ابتدا میاوریم و سپس سری اول اشکالات متخصصین عنوان می‌گردد و بعد از آن جواب‌های ما میاید، پیشاپیش از محضر دوستان و متخصصین پوزش می‌طلبیم . این متن به سرعت تهیه گردیده است و لذا از اشکالات املایی و دستور زبانی که وجود دارد پوزش میطلبیم. در تاریخ ۹۶,۱۱,۱۱ اشکالات به دست ما رسیده است.

متن قطره‌ی ۷۳ که از طرف متخصصین اشکال شده است:

**بسم الله الرحمن الرحیم-**

**این متن، قطره‌ی ۷۳ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله می‌باشد- خلاصه کتابِ انتقال آب از طریق عادی**

مقدمه: همان‌گونه که در جریان هستید ما قائل هستیم زمان در نجات تمامی شئون ایران (مرگ خاک، جانوران، گیاهان و شئون معنوی و سیاسی) از خطر مرگ نقش اساسی دارد، **ما وظیفه داریم در اَقلّ زمان ممکن خشک‌سالی را بر طرف نماییم** چرا که هر لحظه غدّه‌ی سرطانیِ خشک‌سالی برای ما صدمات جبران‌ناپذیری دارد، لذا با تمامی ویژگی‌های منحصر به فردی که طرح عادی یک ساله دارد و از تمامی طرح‌های موجود در ایران بهتر است **این طرح مورد قبول ما نیست،** ما اعتقادداریم **می‌توان آب را از آسمان به مقدار زیادی آورد که در طرح انفطار السماء که در قطره‌ی هزار آمده است** همین مطلب را بیان می‌نماید و یا **قطره‌ی هزار و یک که آن هم از طریق غیرعادی در مدت کوتاهی**

**مشکل آب را حل می‌نماید**، لذا حال که آن دو قطره که به منزله‌ی مَنّ و سَلوی برای ما ایرانیان است مورد تمسخر قرارگرفته لازم می‌بینیم که راهکار عادی را دوباره عرضه کنیم تا ببینیم و بشنویم **چه مشکلی برای رفع خشک‌سالی وجود دارد که اینهمه تعلل میشود** ، همان‌گونه که قبلاً گفته‌ایم و عکسِ نوشته‌های دستی ما در اینترنت پخش است ما در رابطه با طرح غیرعادی یک کتاب نوشته‌ایم، **در این متن کوتاه به اهم مباحث انتقال آب عادی می‌پردازیم** و شبهات اصلی و اساسی را جواب می‌دهیم و در این نوشته **اثبات می‌کنیم حتی به صورت عادی نیز می‌توان مشکل آب را حل نمود**، اگر جدی شود میتوانم اثبات کنم کمتر از یک سال هم حتی با روشهای عادی میشود.

۱ طرح عادی انتقال آب از دریای عمان است، **انتقال آب از خزر به دلایلی که ذکر می‌شود فایده‌ی چندانی ندارد.**

۲ این طرح با طرح اتصال خزر به خلیج‌فارس که توسط روس‌ها در زمان پهلوی مطرح کرده‌اند تفاوت دارد و با طرح کانال مرکزی در فلات ایران که در زمان آقای هاشمی رفسنجانی مطرح بوده تفاوت دارد و با طرح دکتر احمدی‌نژاد نیز تفاوت دارد، با طرح مطرح در مجلس که انتقال آب به ۱۸ استان کشور است نیز تفاوت دارد که در ضمن بحث معلوم می‌گردد، **این طرح انتقال آب به استان‌ها و شهرها و روستاها و زمین‌های بایر در مدت کوتاه است**، آنهم نه برای ترانزیت کشتیرانی بلکه هدف اصلی کشاورزی است.

۳ **اهمّ اهداف طرح چیست؟** تأمین آب مورد نیاز کشاورزی – دو مصرفه نمودن آب در ایران و ذخیره نمودن آب شیرین- پر آب نمودن دریاچه‌های خشک‌شده ایران مانند دریاچه‌ی جازموریان و دریاچه‌های نمک و دریاچه‌ی ارومیه و... – تأمین آب جهت راه‌اندازی تولید و پرورش ماهی شور دریایی - تأمین آب سدهای تولید برق جهت تولیدو ارزان نمودن برق – راه‌اندازی دریاچه‌های مصنوعی جهت تغییر آب و هوای فلات ایران به سمت اکوسیستم مطلوب – تأمین آب صنعتی – تأمین آب جهت ساختمان‌سازی و شهرسازی – تأمین آب جهت بیابان‌زدایی و کاشت درخت – تأمین آب دشت‌هایی که به سمت بیابانی شدن در حال حرکت‌اند.

٤ **در بحث آب دو مقوله‌ی تصفیه‌ی آب و شیرین سازی مطرح است** که هر کدام بحثی جدا دارد اما برای آنان که اطلاع کمتر دارند بیان می‌کنیم که امروز **کشورهای زیادی برای**

**کشاورزی و شرب از آب دریا استفاده می‌کنند**، حتی **کشتی‌های اقیانوس پیما نیز آب شرب خود را از دریا تأمین می‌کنند**، آب شرب جزیره‌ی کیش از تصفیه آب دریا به دست میاید، **عربستان و امارات آب دریا را شیرین می‌کنند** و استفاده می‌کنند، ما در بحث تصفیه و شیرین سازی آب که خود دو بحث جداگانه و تخصصی است نیز راهکارهای منحصر به فردی داریم اما به صورت اجمال بدانید که روش‌های متعددی برای شیرین سازی و تصفیه آب وجود دارد که در یکی از قطره‌ها توضیح داده میشود، شبهه هزینه جواب داده شده.

۵ بهترین آبی را که می‌توان از دریا برداشت نمود آب دریای عمان است و در طرح ما ۷ کانال از دریای عمان تأمین آب می‌شود و ۵ کانال اجباراً از خلیج‌فارس تأمین آب می‌شود، **ویژگی دریای عمان این است که آب بهتری دارد چرا که نزدیک‌تر به قطب جنوب است و آلاینده‌های آن کمتر است**، لذا تصفیه و شیرین سازی راحت‌تر است، چرا که دائماً قطب بر اثر گرمای هوا ذوب‌شده و آب شیرین درون دریا می‌ریزد، همین‌جا معلوم میشود که یکی از بحرانهای پیش روی بشر بالا آمدن آب دریاست که کشورهای زیادری را زیر آب میبرد و هر که تلاش کند آب را برداشت نماید به کل بشریت خدمت کرده است، لازم است بدانیم هر چقدر آب را از دورتر از ساحل برداریم آب بهتر و زحمت کمتری برای شیرین سازی و تصفیه آن لازم است چرا که آبی که نزدیک ساحل است به علت عمق کم دریا آلاینده‌های بیشتری دارد، پس بهترین آب آخرین مرز شرقی آبی ایران است.

٦ **آب دریای خزر برای انتقال به فلات ایران خوب نمی‌باشد**، چرا که **اولاً** مشکلات سیاسی ایجاد خواهد نمود چرا که آب خزر محدود و محصور بین چند کشور است و ممکن است در آینده کشورهای همسایه مشکل ایجاد کنند، **ثانیاً** مشکل وجود رشته‌کوه بین دریای خزر که اگر چه که با نقد زدن از زیر و روش‌های دیگر قابل حل است ولی زمان و هزینه‌ی بسیار می‌برد، البته مشکل پَس‌آب شور آب دریا و تغییر اکوسیستم و شور نمودن آب خزر اشکالات سطحی است که جواب داده شده است، ما با تبدیل پَس‌آب باقیمانده به نمک دریا از پَس‌آب نیز ثروت حلال تأمین می‌نماییم ولی در کل آب خزر برای انتقال خوب نمیباشد.

۷ ممکن است بگویند این در طرح در مجلس مطرح است و نمونه‌ی مشابه دارد، باید بگویم **جزئیات اجرایی و مدیریتی و تأمین منابع مالی و اجرایی و طرح عملیاتی این طرح بی‌نظیر است** و اصلاً نمونه‌ی مشابه ندارد **تفاوت این طرح و طرح مجلس، تفاوت آب و سراب است، آقایان مسئول اگر طرح دارید چرا اجرا نمی‌کنید؟** یا اینکه طرحی ندارید، یا اینکه وضعیت موجود را متوجه نیستید که کاری نمی‌کنید، **بنده مطمئن هستم که نوش داروی شما بعد از مرگ سهراب هم آماده نمی‌شود،** چند سال است که طرح شما در وضعیت بررسی و تحقیقات قرار دارد؟ میدانید چه باغ‌ها که سوخت؟ چه دریاچه‌ها که بی‌آب شد و حیوانات و گیاهان تاوان کم کاری ما را با هلاک شدن خود پرداخت کردند؟ میدانید بلایی که در این مدت بر ملت ما واردشده قابل شمارش نیست؟ وعده شما سرابی است که مرگ را همراه دارد.

۸ چند مشکل اساسی در طرح انتقال آب دریای جنوب به فلات مرکزی که در مجلس مطرح است موجود است : **الف:** چرا طرح اجرایی نشده است؟ **ب:** این طرح هیچ‌گاه ادعا ندارد آب را به تمام روستاها می‌رساند بلکه آب به شهرستان‌ها می‌رسد. **ج:** زمان شروع و پایان طرح چه زمانی است؟ بنده میگویم **طرحی که در مجلس برای انتقال آب مطرح است همانند طرح بزرگ‌راه تهران به شمال است که ۲۵ سال است می‌خواهد انجام شود.** آقایانِ مسئولِ تهران نشین : مشکل اصلی این است که از حال فقرا و روستانشینان و کشاورزان خبری ندارید، آب نیاید و مردم هلاک شوند مگر اتفاق خاصی افتاده است، کما اینکه آیا تا کنون غیر از این بوده است؟ **اگر وضعیت بحرانی خشک‌سالی درک می‌شد لحظه‌ای تعلل نمی‌شد،** میگویید مشکل مالی وجود دارد؟ **چرا از تریبون‌هایی که در دست دارید مردم را در جریان خطر پیش رو قرار نمی‌دهید** و از مردم کمک نمی‌گیرید؟ **چرا تمام کارهایی که فایده‌ی چندانی برای ملت ندارد را تعطیل نمی‌کنید** و متمرکز در آب رسانی نمی‌شوید؟ **چرا با هزینه‌ای که در دست دارید کار را شروع نمی‌کنید تا کمی از تلفات عظیمی که در پیش است را کاهش دهیم؟**

۹ ممکن است بگویید کار را شروع کرده‌ایم، باید بدانید اشتباه می‌کنید، **اولاً** کاری که شروع کرده‌اید انتقال آب خزر به سمنان و خلیج‌فارس به یزد است که انتقال خزر به سمنان اشتباه است، پول زیاد و بهره‌برداری کم و در آینده نیز مشکل سیاسی از طرف همسایگان خزر برای ما پیش میاید، **ثانیاً** چرا فقط به فریاد سمنان و یزد رسیده‌اید پس

کرمان و قم و اصفهان و تهران و خراسان و سیستان و بلوچستان و خوزستان و ... چه می‌شود؟ بدانید **با این نحو انتقال ویرانی آن نقاط را نزدیک‌تر کرده‌اید**، چرا که **در آینده‌ای نزدیک هر کجا که آب باشد خطرناک‌ترین نقطه خواهد بود زیرا مردم از سایر نقاط خشک‌شده به آنجا هجوم میاورند**، افراد مهاجم برای آب به آنجا میایند و افراد ساکن آنجا که نیز تنها به اندازه‌ی خود آب دارند و برای دفاع از آب و خاک خود می‌جنگند پس این‌گونه است که ایرانی به جان ایرانی می‌افتد، **مردم اگر برای تأمین آب به جایی که آب دارد نروند می‌میرند و اگر به آنجا بروند در آنجا هجوم مردم و جنگ و قتل واقع شود**، در این زمان حساس کل ایران ناامن می‌شود، **جایی که آب نیست خالی‌شده و دشمن آنجا را تصاحب کند و جایی که آب وجود دارد ایرانیان با یکدیگر در حال جنگ و از بین بردن خود هستند**، اینجاست که میگوییم طرح غیر عادی نجات بخش است چرا که **در آن دو طرح آب به همه جا میرسد و کسی از جایی بجایی کوچ نمیکند حتی کشورهای همسایه را نجات میدهیم**، تعجب نکنید تاریخ سال‌های ۱۲۹۶ تا ۱۳۰۴ را که قحطی و خشک‌سالی آمد را ملاحظه فرمایید در خاطرات آمده که **اگر فردی تنها بیرون می‌رفت امیدی به بازگشت او نبود، او ربوده می‌شد، کشته می‌شد و گوشت او خورده می‌شد، دقیقاً همان جریان در حال وقوع است**، سؤال دیگر از شما این است: چند سال است که این طرح شروع‌شده و هم اکنون در چه وضعیتی است، **آیا توانستید مشکل آبی یزد و سمنان را حل کنید؟ جواب واضح است که نتوانستید.** واضح بگویم انگیزه‌ای برای حل این مشکل نیست و در نگاه خوش‌بینانه **خطر پیش رو برای شما تبیین نشده** که اراده‌ی جدّی برای حل این بحران داشته باشید، بنده در اسلام یاد گرفتم که باانصاف باشم و اگر مرده‌ی سگی بد بو را دیدم و بینی خود را گرفتم ولی از دندان‌های سفید و تیز آن نیز یادی کنم، پهلوی اول در طول ۱۳ سال خط راه آهن بندر ترکمن به بندر امام (از خزر تا خلیج‌فارس) را انجام داد راه آهنی که از بین دو کوه رد میشود با پُلهای بسیاری که دارد، از آن زمان که حدود ۷۶ سال گذشته است در آن دوران ایران نه این تعداد دکتر و مهندس داشته نه این همه ماشین‌آلات و... اما سیزده ساله آن کار را انجام داد اگر ما در آن زمان بودیم شاید این حرکت ۳۰۰ سال طول می‌کشید و اگر او در این زمان بود شاید در طول ۱۳ ماه این راه‌آهن را انجام می‌داد، دقت کنید بنده حقیقتی را میگویم که ما را در فکر فروبرد و الا همه‌ی ما میدانیم او چه ضربه‌ای

به دین وارد نمود و چه جنایتی کرد، ولی سؤال این است که چه شد که در قم و مشهد درود به او گفته شد؟ اگر او در این زمان بود در طول چند وقت مشکل آب را حل می‌نمود؟ ما چه مشکلی داریم که ۱۲۰ کیلومتر آزادراه تهران شمال ۲۵ سال است هنوز به بهره‌برداری نرسیده است؟ چرا باید طرح‌های حیاتی و نجات‌بخش ما مانند آب ده‌ها سال به مرحله اجرا نرسد؟ بگویم **اگر مشکل آب را سریعاً حل نکنیم آیندگان همان قضاوتی را در مورد ما می‌کنند که ما در مورد گذشتگان می‌کنیم اگر نگویم قضاوتی بدتر خواهند نمود**، حداقل در زمینه‌ی آب ما از نسل آینده دزدی کرده‌ایم، حداقل اگر اشتباه فکر می‌کنیم بگویید به ما مشکل چیست تا بدانیم.

**۱۰ طبق طرح ما باید ۱۲ کانال از جنوب کشور به سمت فلات مرکزی و شمال کشور کشیده شود**، از بین ۱۲ کانال، ۷ کانال از دریای عمان می‌باشد که فلات شرقی کشور را تأمین می‌نماید، ۵ کانال از بندرعباس و خلیج‌فارس می‌باشد که فلات غربی کشور را آبیاری می‌کند، هر کانال ۱۵۰۰ کیلومتر است، کار با ۳۶۰ تیم انجام می‌شود از ۳۶۰ نقطه همزمان شروع می‌شود لذا همزمان کار شروع می‌شود و همزمان کار پایان می‌یابد، کار در سه شیفت انجام می‌شود، تمامی شئون مملکت باید درگیر مسئله‌ی آب رسانی شوند و تمامی کارهای پوپولیسمی تعطیل شود، گروه پیشتاز نقشه مسیر را در روی زمین تعیین می‌کنند دقیقاً مانند گروه پیشتاز در اطلاعات عملیات جنگ، هر ۵۰ کیلومتر آب رها می‌شود و پست زده می‌شود، پست‌ها دریاچه‌های مصنوعی است که امور مختلفی در آنجا انجام می‌گردد از قبیل: انتقال آب به زمین‌های اطراف، تصفیه‌ی دوباره و شیرین سازی آب، بالا بردن آب برای ریخته شدن در ادامه‌ی کانال در زمین‌های شیب‌دار و تولید برق (قبل از ریخته شدن آب در پست از نیروی آب که در ۵۰ کیلومتر قبل است برق تولید می‌شود که در حقیقت هر کانال یا لوله به منزله‌ی سد مهار آب تولید برق می‌باشد)و...، نتیجه‌ی این حرکت این است که از همان ابتدا قبل از آب رسانی شغل در مملکت ایجاد می‌شود، آقایان می‌فرمایند ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌اند، اگر ۷۰۰ هزار نفر در این طرح مشغول به کار شوند کمتر از یک سال آب رسانی عادی انجام میگردد و این قاعده کاملاً معقول می‌باشد، **هر چقدر قدرت و توان را بالا ببریم هدف زودتر حاصل میشود**، هزینه‌ی ایجاد هر شغل را کارشناسان بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان اعلام کرده‌اند معاون وزیر تعاون می‌فرماید بین ۵۰ الی ۷۰ میلیون هزینه لازم دارد ما کلام معاون وزیر را معیار می‌گیریم

و جناب آقای روحانی فرمودند ما ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ایم اگر برای هر شغل ٦٠ میلیون تومان هم هزینه لازم باشد می‌شود ٤٢٠ بیلیون ریال، **اگر دولت این پول را در طرح آب رسانی هزینه کرده بود و به هیچ هزینه‌ی دیگری هم دست نمی‌زد کار آبرسانی در مدت بسیار کوتاه‌تر از یک سال انجام شده بود و از همان ابتدا شغل زیاد شده و مهم‌ترین زیرساخت پیشرفت نیز در ایران انجام شده بود** ولی این کار انجام نشد و **ما هم نمی‌دانیم چه شغل زودبازده‌ی در ایران ایجادشده؟ ما که هر چه می‌بینیم تعطیلی کارخانه‌ها است؟** آیا تعطیلی و مشکلی که برای کارخانه‌ی هپکو ایجاد شد فراموش‌شدنی است؟ بدانیم **با این روال هپکوهای بسیاری در راه است**، گذشته از اینکه **ایجاد شغل‌های زودبازده به فرض اینکه انجام شده باشد مطمئن باشید بازدهی نخواهد داشت** چرا که خشک‌سالی آن‌ها را نیز خشک خواهد نمود، گذشته از تمامی بحث‌هایِ مهندسی که ما در جزئیات را در کتاب طرح عادی ثبت نموده‌ایم در وضعیت کنونی بحث بر سر نقشه‌ی راه و یا اینکه دیواره‌ها سیمانی باشد و یا آهنی و لوله‌ی اسپیرال باشد و قطرش چقدر، نقد زده شود یا کانال و لوله و ... نیست، بحث بر سر این است **چرا این قدر تعلل می‌کنید؟ نوش داروی شما به چلّه و سال و قَرن سهراب هم نمی‌رسد،** چرا خشک‌سالی را شوخی گرفته‌اید، سریعاً طرحی را که در مجلس است را عملی نمایید و بقیه‌ی نقشه نگاری‌ها را در حین انجام کار انجام دهید، بگویم **در آینده‌ای نزدیک آنچه که سال‌ها وقت گذاشته و هزینه کرده‌اید کاغذ باطله‌ای بیش نخواهد بود،** شاید باشیم و ببینید و ببینیم، **بنده به طرح دو ماهه اعتقاددارم و نهایتاً در وقت راستی آزمایی حقانیت ما معلوم می‌گردد، در آن زمان نه تنها طرحِ مجلس بلکه تمامیِ طرح‌های کوچک و بزرگ آبی در حال اجرا باطل می‌شود مَثَل طرح غیرعادی و امور در حال اجرا مَثَل مقایسه سرعت نور با حرکت لاک‌پشت است،** خدا را تو را شکر که بی‌منت عطا می‌کنی.

**<u>۱۱</u> یکی از مشکلات طرح را نبود هزینه عنوان می‌کنند که در لابه‌لای بند ١٤ معلوم شد که این مطلب بهانه‌ای بیش نیست،** طبق محاسبات بنده طرح عادی یکساله ٢١,٦٠٠ مهندس در فنون مختلف لازم دارد که برای هر مدیر ماهیانه ٦ میلیون تومان حقوق در نظر گرفته‌ایم و طبق همین محاسبات ۱۳۰ هزار نفر کارگر متخصص از قبیل آرماتوربند و جوشکار و راننده کامیون و لودر و ... لازم داریم که حقوق ٤ میلیون و پانصد هزار

تومان برای هر نفر در نظر گرفته شده است که **۷ بیلیون تومان هزینه لازم است،** اگر دولت و بقیه‌ی دستگاه‌ها نخواهند کمک کنند بسیار ساده از طریق مشارکت عمومی این بودجه قابل تأمین است، اما چگونه؟ دولت ماهیانه به ۷۷ میلیون نفر ٤٥ هزار و ۵۰۰ تومان یارانه می‌دهد که می‌شود ماهیانه تقریباً ۳,۵ بیلیون تومان، هزینه‌ی یک سال مدیران و کارگران این طرح می‌شود ۷ بیلیون تومان، فرض کنیم هیچ کس کمک نکند بنده مطمئن هستم اگر برای مردم خطر نبود آب و ثمرات آمدن آب به صورت شفاف بیان شود و اینکه بعد از آمدن آب چه سود سرشاری نصیب ملت و هر کس که در طرح آب رسانی شرکت کند میشود، کمتر کسی پیدا میشود که در سرمایه‌گزاری برای آب رسانی شرکت نکند که در این صورت اگر همان ۷۷ میلیون ایران ماهیانه ۱۰ هزار تومان سرمایه گزاری کنند بیش از مبلغ مورد نیاز پول برای دستمزدها جمع می‌شود، عدد به دست آمده بیش از ۹ بیلیون می‌باشد، **ما باید در این طرح برنامه‌ای داشته باشیم که گردن کلفتان اقتصادی تمامی سهام آب را به نام خود نزنند و باید تا آنجا که میتوانیم محرومین و مستضعفین را در آن شرکت دهیم** تنها **یک بحث می‌ماند آن اینکه مصالح و لوازم مورد نیاز را از کجا تأمین کنیم؟** این سؤال سؤالی بَس عجیب است و تنها از کسی سر میزند که نداند ایران ۱۰% منابع طبیعی جهان بلکه بیشتر در دسترس ما ایرانیان است، **اگر منابع طبیعی ایران به داد ما نرسد چه فایده‌ای دارد ؟ ما ادعای صادرات فولاد را داریم آن وقت برای لوله انتقال آب خودمان چیزی نداشته باشیم؟ ادعای صادرات سیمان داریم آن وقت برای بتون‌ریزی خودمان سیمان نداریم؟** سوالهایی مانند چگونگی بر طرف کردن اختلاف سطح دریا با زمین و یا چگونگی بالا بردن آب و یا چگونگی تأمین برق و ... سوالهایی بسیار ابتدایی است که در این مجال اندک وقت پاسخگویی نیست، ولی بگوییم ما با الگوی چاه‌های آرتزین مصرف برق را در انتقال آب به صورت عجیبی پایین میاوریم و نیازی هم به موتورهای پر قدرت پمپاژ نخواهیم داشت، لازم به ذکر است برای گسترش طرح به همه‌ی زمینها از سال اول بودجه مورد نیاز از درآمد حاصل از سال قبل قابل تامین است ، آب بیاید ثروت سرشاری را به همراه خواهد داشت.

این قطره (قطره‌ی ۷۳)خلاصه‌ای از کتاب رفع خشک‌سالی ایران از طریق عادی است که به اهم شبهات و مباحث مطرح در زمینه‌ی انتقال آب از طریق عادی پرداخته

است که در یک قطره‌ی دیگر مطالبی نیز در ادامه عنوان میگردد، بدیهی است که خلاصه کردن یک کتاب در یک برگه کاری بسیار دشوار میباشد. لطفا سوالها و مطالب خود را با ما در میان بگذارید- برای دریافت مباحث به آیدی تلگرام پیام دهید- بیش از ۲۵۰ سخنرانی پیرامون آب عنوان گردیده و نامه‌هایی نیز وجود دارد- برای دریافت پی دی اف کتاب هزار و یک قطره در رفع خشکسالی ایران از طریق غیر عادی به کمک اسماء الله در عرض چند ماه به آیدی تلگرام پیام دهید. بدیهی است که شبهه‌ی تغییر اکوسیتم نیز در ضمن مباحث جواب داده شده است. ۹۶,۱۰۱۷- علی بهرامی نیکو (هُدهُد)

**متن اشکالات متخصصین (قسمتهای رنگی موضوعاتی است که از طرف ما جواب داده شده است)**

**بررسي پيشنهاد جناب آقاي علي بهرامي نيکو در مورد انتقال آب از درياي عمان و خليج‌فارس**

توجه به مقوله کمبود منابع آب در ايران از جاني هر کدام از متخصصان، صاحب‌نظران و انديشمندان امري قابل‌تقدير و نشان‌دهنده اهميت اين موضوع در اذهان اين پژوهشگران مي‌باشد. مسئله انتقال آب از درياها (چه درياي خزر و چه خليج‌فارس و درياي عمان) نيز يکي از مواردي است که در اين موضوعات مورد توجه قرار داشته است. عليرغم گذشت سالیان متمادي از مطرح‌شدن بحث انتقال آب از دريا به مناطق مرکزي کشور، هنوز اقدام عملياتي و اجرايي در اين زمينه انجام نشده است. تنها مواردي که در مورد بهره‌برداري آب از درياها به مرحله عمل رسيده است، مسئله شيرين سازی آب دريا در برخي نواحي بوده است و مسئله انتقال آب دريا باهدف تأمين کسري آب در بخش عمده‌اي از کشور، سابقه اجرايي ندارد. ۱

با اين وجود مطالعات متعددي در زمينه اجراي اين‌چنين طرح‌هايي انجام گرفته است تا جوانب علمي، فني، زيست- محيطي، اجتماعي و اقتصادي آن‌ها بررسي گردد.۲

پيشنهاديه ارائه‌شده توسط جناب آقاي بهرامي را در دو بخش كلي مي‌توان مورد بحث قرارداد. بخش اول اين پيشنهاديه كه قسمت عمده‌اي از آن را نيز شامل مي‌شود، مربوط به بيان اهميت تأمين آب در نواحي خشک و کم آب کشور است. ۳

اين قسمت نه به صورت يک بخش يكپارچه، بلكه به صورت پراكنده در تمامي اين پيشنهاديه مورد تأكيد و تكرار قرارگرفته است. جهت تأكيد بيشتر بر اين مقوله، ايشان سعي نموده‌اند تا با استناد به برخي شواهد وقايع تاريخي (نظير خشكسالي سال‌هاي ۱۲۹٦ تا ۱۰۳٤، احداث راه‌آهن در زمان حكومت پهلوي اول و ...)، به اهميت موضوع بيفزايند. ٦

همچنين در اين رابطه انتقاداتي نيز به عملكرد مسئولين وارد شده است. از اين ديدگاه تناقضاتي در برخي مطالب ارائه‌شده به چشم مي‌خورد، ولي به دليل ارتباط غير مستقيم اين مطالب با مقوله تخصصي انتقال آب از دريا، به نقد و بررسي آن‌ها پرداخته نمي‌شود. ۷

بخش ديگري از اين پيشنهاديه به موضوع فني انتقال آب از دريا اشاره نموده است. اين بخش فرض را بر اين قرارداده است كه انتقال آب از درياي خزر به دلايل سياسي و فني قابل‌قبول نبوده و از طرف ديگر با قطعيت كامل بر انتقال آب از درياي عمان و همچنين خليج‌فارس صحه گذاشته است. ۸

در اين راستا پيشنهاداتي مبني بر نحوه تأمين منابع مالي (از محل طرح هدفمندي يارانه‌ها) و تخميني نيز از نيروي متخصص (۲۱٦۰۰ نفر) و نيروي كارگري (۱۳۰۰۰۰ نفر) ارائه‌شده است و اين امر را در راستاي اشتغال‌زايي دانسته است. ۹

با فرض تحقق اين موارد، مشكل اساسي اين طرح را مي‌توان در عدم توجيه فني آن دانست. ۱۰

مشكل اصلي اين طرح در توجه صرف به مقوله منبع آب مي‌باشد. در اين طرح فرض بر آن شده است كه صرف وجود دريا در جنوب كشور و كم آبی در مناطق مركزي، توجيه‌كننده اين انتقال خواهد بود. ۱۱

بر اين اساس يک طرح ضربتي پيشنهاد شده است که ۷ کانال از درياي عمان و ۵ کانال از خليج‌فارس را شامل مي‌شود. در هر ۵۰ کيلومتر نيز يک درياچه مصنوعي (پست) احداث شود و حتي بر اساس انتقال آب از هر پست به پست بعدي برق نيز توليد شود. با اين وجود جواب اين سوالات در اين پيشنهاديه هنوز داده نشده است:

۱- چگونه بدون مطالعه جامع فني طرح، به چنين قطعيتي در مورد تعداد نيروي تخصصي، کارگري و حتي جوانب اجرايي اظهار نظر شده است؟ ۱۲

به طور واضح، هدف انتقال آب از درياهاي جنوب کشور چه مناطقي هستند؟ ۱۳

با فرض اينکه يکي از نواحي هدف، شهر يزد باشد، با فرض اختلاف ارتفاع ۱۲۳۰ متري از سطح دريا و ۷۰۰ کيلومتر فاصله، بايد شيب متوسط حدود ۲ متر در هر کيلومتر در اين مسير وجود دارد. چگونه قرار است اين کانال‌ها بر اين شيب غلبه نمايند. ۱٤

اصلاً بدون تأمين انرژي هنگفت آيا امکان انتقال وجود دارد؟ ۱۵

حال آنکه فرض شده است که حتي اين کار باعث توليد برق نيز خواهد شد. ۱٦

۲- انتقال آب شور از دريا به خشکي، بدون تصفيه آن به هيچ عنوان قابل پذيرش نيست. کافيست به ساير موارد در سطح دنيا رجوع شود. اگر با انتقال آب شور از دريا به خشکي، مشکل کم آبی قابل رفع شدن بود، خاورميانه با وجود درياهاي متعدد، جزء خشک‌ترين نقاط جهان به حساب نمي‌آمد. تمامي تکنيک‌هاي انتقال آب از دريا بايد بر اساس شيرين سازی آب در مبدأ و تعيين حدود مصرف در نقاط هدف انجام گيرد. اينکه به صورت ضربتي اقدام به احداث کانال، لوله و يا هر ابنيه ديگري شود و مشخص نباشد که اين آب شور دقيقاً به چه مصرفي مي‌رسد، انتقال آب شور تنها يک سم مهلک براي حيات در نواحي مختلف کشور

خواهد بود و ممكن است اكوسيستم زخم‌خورده كشور را به ورطه نابودي كامل بكشاند. ۱۷

ممكن است ذكر شود كه قبل از انتقال آب، شوري‌زدايي آن انجام خواهد شد. در اين صورت نياز به هيچ طرح توجيهي نخواهد بود.

مسلماً عامل محدود كننده اصلي، هزينه شيرين سازی آب است. هزينه اين كار بين تا ٦ هزار تومان در هر مترمكعب متغير است كه بايد به آن هزينه‌هاي انتقال را نيز افزود و بنابراين حداقل ۱۵ هزار تومان براي شيرين سازی و انتقال (فقط هزينه انرژي) منظور كرد. در صورتي كه هدف از اين كار رفع كمبود آب در كشور باشد، بايد تقريباً ٤٠ ميليارد مترمكعب آب از اين طريق در سال استحصال شود (جبران كسري تقريبي آب تجديد شونده كشور). اين كار مستلزم هزينه تقريبي ٦۰۰ هزار ميليارد تومان در سال است. حال اين مبلغ را با كل بودجه عمراني سال ۱۳۹۷ (٦۰ هزار ميليارد تومان) مقايسه كنيد. اين بدان معني است كه دولت بايد ۱۰ برابر كل بودجه عمراني كشور در هر سال فقط به شيرين سازی و انتقال آب اختصاص دهد. ۱۸

حتي در صورت لحاظ كردن هزينه احداث كانال‌ها و ابنيه، دولت بايد در طي يک سال تمام درآمد كشور اعم از نفت و ماليات و ... را صرف اين كار كند.۱۹

بنابراين لازم به توضيح بيشتر نيست كه چنين طرح‌هايی قرار نيست مشكل آب كشور را در سطحي كه جناب آقاي بهرامي در نظر دارند رفع كند. در اين حالت فقط بايد انتظار داشت كه بتوان آب شرب را نواحي بسيار حساس برآورده كرد و اين كار نيز بايد با توجه به مديريت مصرف انجام شود.۲۰

۳- در متن پيشنهاديه ذكرشده است كه يكي از تفاوت‌هاي اين طرح با ساير طرح‌هاي در دست مطالعه آن است كه قادر به آب‌رساني به تمامي شهرها و روستاهاست، (مثلاً ذكرشده طرحي كه در مجلس در دست بررسي است، تنها آب‌رسانی به

شهرها را مدنظر دارد). آيا قرار است تمامي سطح كشور پر از لوله و كانال شود؟ ٢١

اين كار را شايد بتوان در يک مزرعه يا دشت انجام داد، ولي براي كل كشور اين كار ابداً ممكن نيست. حتي در مورد جاده‌ها نيز امكان عبور از هر نقطه‌اي وجود ندارد. كانال آب يا لوله كه قرار است روي زمين يا زير آن احداث شود، سيم يا دكل برق نيست كه بتوان در هر نقطه احداث كرد و از روي تمام اراضي عبور داد. ٢٢

٤- نویسنده هیچ گونه جزئیاتی در مورد روش، مکان و حجم شیرین سازی آب ارائه نداده است که ضروری است ارائه گردند. ٢٣

همچنین بزرگ‌ترین دستگاه آب‌شیرین‌کن دنیا در ریاض عربستان حداکثر ظرفیتی حدود ۷۳۰ هزار مترمکعب در روز دارد. لذا بنظر می رسد در این طرح قرار است ارقام بسیار بزرگتر در حد چند میلیاردمترمکعب در سال شیرین سازی آب صورت گیرد. ٢٤

ضمناً چنین حجم عظیم شیرین سازی در خشکی اگر انجام شود با توجه به حجم عظیم پساب تولیدی، خود معضل زیست‌محیطی بزرگی را موجب خواهد شد که می بایست در طرح نحوه رفع این مشکل توضیح داده شود. ٢٥
با توجه به مطالب بالا بنظر می رسد اینگونه موارد نیازمند مطالعات كامل فني از لحاظ برآوردهاي اقتصادي، نقاط مصرف و اولويت‌بندي صحيح است. ٢٦

به علاوه اين طرح‌ها براي مقاصد موضعي و رفع نيازهاي ضروري قابل توجيه است و فرض حل كردن كل مشكل آب كشور با اين طرح اشتباه است.٢٧

**متن جوابهای ما به متخصصین**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

**قال الله تبارک و تعالی: و جعلنا من الماء کل شی حی** خداوند همه چیز از آب زنده قرار داده است.

ضمن تشکر از جناب آقای دکتر افتخاری و با آرزوی موفقیت برای شما و تمامی همکاران شما نکاتی را زحمت‌کشیده و بیان فرموده‌اید را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بنده از بعد مطالعه متن شما قسمت‌هایی از متن را که باید جواب داده شود را شماره گزاری نموده و عیناً متن شده با جواب ارائه داده میشود.

پیشاپیش از صریح گویی خود عذر طلب نموده و بینی و بین الله آنچه را که باید بگویم ملاک قرار داده‌ام تا جوابی برای فردای نزدیک داشته باشم.

جواب کلی به متن:

۱ -همان‌گونه که در جلسه‌ی تاریخ ۹۶,۸,۳ به مدت ۵ ساعت در حضور شش نفر از متخصصین شما بیان گردید تمامی راهکارهای موجود در ایران برای بحران خشک‌سالی فاقد ارزش بوده و عملیاتی نجات‌بخش نیست، عمده طرح‌هایی که مطرح است مربوط به: بارورسازی ابرها، تغییر الگوی مصرف در بخش صنعت و کشاورزی و خانگی و خرید آب از خارج کشور و طرح‌های انتقال آب می‌باشد که در آنجا اثبات نمودیم تمامی راهکارهای موجود یعنی قبول مرگ برای دین و ملت در آینده‌ی بسیار نزدیک، لذا تنها زمانی توانایی نقد راهکارهای ما امکان دارد که الگوی بهتری را بتوانید ارائه دهید که تا کنون این امر میسر نشده است، باز اعلام می‌داریم اگر الگویی دارید ارائه فرمایید.

۲ -دلیل دیگر فاقد ارزش بودن تمامی راهکارهای موجود در کشور این است که هیچ‌کدام از این راهکارها امروز برای ما ثمره‌ای نداشته و هر کدام به بهانه‌ای امر را به فردا موکول نموده است که عمده‌ی مشکل در تمامی طرح‌ها مربوط به هزینه و عدم اعتبار می‌باشد، الحمدالله که در طرح‌های ما این اشکال حل شده و در اشکالاتی که شما برای ما عنوان نموده‌اید این مطلب به چشم نمی‌خورد و تنها شما مشکل هزینه را در بحث شیرین سازی مطرح نموده‌اید که آن هم در همین متن جواب داده میشود، یعنی شما با ارسال این اشکالات برای ما در حقیقت یک مطلب را ضمناً قبول نموده‌اید که هزینه برای اجرای این

پروژهی عظیم ملی وجود دارد و ایران اعتراف ضمنی قدمی بسیار بزرگ می‌باشد.

۳ -همان‌گونه که میدانید بنده نه متخصص آب بوده و هستم و نه هیچ‌گاه در دانشگاه آب درس‌خوانده‌ام و... و ارائه طرح آب با زبان دانشگاه تنها برای این است که متخصصین این حوزه در فکر فرو بروند که شاید دو طرح غیرعادی ما نیز قابل تأمل باشد، بله بنده با زبان تخصص شما برای شما اثبات می‌نمایم که در یک سال می‌توان و باید مشکل خشک‌سالی را بر طرف نمود و بعد از اثبات این مطلب خود این طرح را باطل نموده‌ام و میگویم ما برای برطرف کردن مشکلِ آب یک سال هم زمان نداریم، چرا که خشک‌سالی در هر ثانیه بلکه هر لحظه ضربات جبران‌ناپذیری در مقیاس‌های بسیار بالایی به ما میزند که حقیقتاً شمارش آن مصیبت‌ها از توان همه‌ی ما بیرون است، تنها اشاره‌کنم تمامی مشکلات آشکار و پنهان سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی ما به خشک‌سالی بازگشت دارد و این مشکل تمامیِ دستاوردهای انقلاب و قبل از آن را به نابودی می‌کشاند و ملت ما را به سقوط و هبوط می‌کشاند.

٤ -هیچ‌کدام از اشکالات شما وارد نیست چرا که بنده در طرح عادی یک ساله چیز جدیدی را ارائه نداده‌ام بلکه بنده گفته‌ام باید طرح‌هایی که سال‌هاست مطرح است با جدیت تمام اجرایی شود و در یک سال به ثمر برسد ، اگر برای اولین بار بود که مطرح می‌کردم شاید اشکالات شما قابل تأمل بود ولی در جایی که در این مملکت این طرح‌ها در حال اجراست اشکالات شما جایی برای مطرح‌شدن ندارد، اگر طرح ما اشکال دارد آنچه در حال اجراست هم اشکال دارد، چرا در آنجا اشکال نکردید؟ اگر آنجا اشکال ندارد پس چرا در اینجا اشکال می‌کنید؟ اگر مشکل شیرین سازی و بالا و پایین بردن آب در طرح ما می‌باشد خوب در آنجا هم هست هر گونه که آنان حل کردند ما هم حل می‌کنیم ، و لذا به تمامی اشکالاتی که شما مطرح کرده‌اید قبلاً جواب داده شده است و چه بسا اصلاً با توجه به این مسئله نیازی نبود که ما پاسخ دهیم، اما به اشکالات شما از منظر دانشگاه پاسخ می‌دهم تا شاید گمان شما به اینکه چه بسا در

طرح‌های غیرعادی خود نیز توانا باشم برای شما افزوده شود و بتوانیم ملت و دین را از این گردنه‌ی وحشتناک نجات دهیم.

۵ آنچه در متن میاید رعایت ایجاز و پرهیز از حاشیه است، ولی حقیقتاً در نظر ما آب یک مسئله نیست آب همه‌ی مسائل است، و اگر احتمال حاشیه گویی باشد نیز اثبات می‌نماییم حاشیه نبوده و به متن بر می‌گردد، لذا باید دانست که اشکالاتی اگر مطرح گردد باب مطالب بسیاری را برای ما باز می‌نماید.

٦ -لذا با این پنج فرض اقدام به پاسخگویی موارد ذکرشده می‌نمایم.

پاسخ به متن اشکالات، بنده سعی نمودم به تمامی مواردی که در نظرم احتیاج به پاسخگویی دارد بپردازم و اگر احتمالاً موردی از قلم افتاده دوباره می‌توانم رفع شبهه نمایم ، لازم است این مطلب را تذکر دهم که چه بسا برای یک مطلب چند جواب مطرح نموده باشم و اگر آن مطلب باز هم مورد مناقشه‌ی شما می‌باشد اگر تمامی جواب‌ها را نقد ننمایید مطلب را باطل نساخته‌اید لذا درخواست دارم اگر مطلبی از مطالب بیان‌شده مورد قبول شما نیست پاسخ دهید و الا مطلب تمام و اثبات‌شده می‌باشد و هیچ‌گاه کلی گویی مطلبی را باطل نمی‌نماید.

متن:

۱ - علیرغم گذشت سالیان متمادي از مطرح‌شدن بحث انتقال آب از دریا به مناطق مرکزي کشور، هنوز اقدام عملياتي و اجرايي در اين زمينه انجام نشده است. تنها مواردي که در مورد بهره‌برداري آب از درياها به مرحله عمل رسيده است، مسئله شيرين سازی آب دريا در برخي نواحي بوده است و مسئله انتقال آب دريا باهدف تأمين کسري آب در بخش عمده‌اي از کشور، سابقه اجرايي ندارد. ۱

جواب:

۱:چرا برای انتقال آب از دریا اقدام عملیاتی و اجرایی انجام نداده‌اید؟

۲:اینجا هر پاسخی داده شود محکوم است، نمی‌توانید بفرمایید نمی‌شود، چرا که این کار شدنی است، نمی‌توانید بفرمایید هزینه نداریم که اگر مشکل هزینه بود باید مشکل هزینه‌ی انتقال زیرساخت را بیان می‌کردید ولی مشکل هزینه را مطرح نکرده‌اید پس هزینه هم وجود دارد کما اینکه در قطره‌ی ۷۳ مطرح کرده و جواب داده‌ایم.

۳:شما خود اعتراف دارید برای شیرین سازی در برخی نواحی اقداماتی انجام داده‌اید، اشکال عمده‌ی شما به ما در طرح عادی بحث شیرین سازی بوده است، لذا جواب آینده را اجمالاً همین جا جواب می‌دهیم، به همان‌گونه‌ای که در همان بعض نواحی آب را شیرین کرده‌اند همان‌گونه در ابتدای برداشت از آب دریا آب را شیرین می‌کنیم و بعد انتقال می‌دهیم، اگر آنجا مقرون به صرفه است در اینجا هم هست، اگر اینجا مقرون به صرفه نیست پس چرا آنان اقدام نموده‌اند؟

۲ -با اين وجود مطالعات متعددي در زمينه اجراي اين‌چنين طرح‌هايي انجام گرفته است تا جوانب علمي، فني، زيست- محيطي، اجتماعي و اقتصادي آن‌ها بررسي گردد.۲

٤:سؤال: به نظر شما آیا ما برای حل کردن مشکل آب بیش از حد وقت را تلف ننموده‌ایم؟ این مطالعات متعدد تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟
مسئله خیلی واضح است، پیشرفت و توسعه‌ی ما به آب بستگی دارد و اگر آب نباشد ما به همراه خود، نسلِ آینده و تمامیِ دستاوردهای حال و گذشته را می‌بریم، پس باید آب بیایَد، طبق علوم دانشگاهی آب باید از دریا انتقال داده شود و شیرین سازی و تصفیه شود، هم راهکار انتقال وجود دارد و هم راهکارِ شیرین سازی، آیا جایی برای بهانه باقی است، چه چیزی را می‌خواهید مطالعه فرمایید؟ اگر واقعاً سؤالاتی دارید بفرمایید تا سریعاً پاسخ‌گوییم.

۳ -پيشنهاديه ارائه‌شده توسط جناب آقاي بهرامي را در دو بخش كلي مي‌توان مورد بحث قرارداد. بخش اول اين پيشنهاديه كه قسمت عمده‌اي از آن را نيز شامل مي‌شود، مربوط به بيان اهميت تأمين آب در نواحي خشک و كم آب كشور است. ۳

٥:اشتباه اینجاست متن بنده شامل سه بخش کلی است
الف: اثبات اینکه حتی یک ساله از طریق عادی هم می‌توان و باید مشکل آب را حل نمود.
**ب:** اثبات اینکه در تمامی نواحی باید مشکل آب را حل نمود، در نواحی گرم و خشک به علت اینکه در غیر این صورت مردم آن نواحی به مناطق پر آب کوچ می‌کنند و از دو نظر مشکل پیش میاید: الف: مناطقی که خالی از سکنه شده‌اند به علت خالی

شدن مورد تهدید دشمن خارجی قرار می‌گیرد ب: مناطقی که پر آب است به علت هجوم و ازدحام ایرانیان مورد تهاجم قرار می‌گیرد پس باید مناطق خشک را از خشک‌سالی نجات داد، اما مناطقی که مشکل خشک‌سالی ندارند را باید آب رسانی کرد چرا که اگر چه آنان برای آب شرب مشکل ندارند ولی خشک‌سالی کشاورزی پیدا نموده‌اند که ما امروز شاهد خشک‌سالی در مناطق پر آب نیز هستیم مانند سبلان، گلستان، اصفهان، پس ما در تمامی کشور مشکل خشک‌سالی داریم چه مناطقِ خشک و چه مناطقِ تر، اگر نتوانیم خشک‌سالی کشاورزی و صنعتی و ساخت‌وساز را بر طرف نماییم باز هم کشور رو به نیستی و نابودی می‌رود چرا که در این صورت احتیاج غذایی به خارج خواهیم داشت و در اینجا ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم با واردات مشکل غذا را حل کنیم دلیل آن این است که اگر احتیاج غذایی به خارج پیدا نماییم در آن زمان قیمت اجناس را آنان تعیین می‌کنند، شاید حتی برای یک کیلو گندم مجبور باشیم یک بشکه نفت بدهیم، یا مجبور باشیم قسمتی از مملکت را به آنان بدهیم و در صورت تمام شدن مواد خام باید چه کینم؟ خدا می‌داند، لذا اگر بخواهیم در مملکت بمانیم مساوی با مرگ است، اگر بخواهیم تمامی ایرانیان را کوچ دهیم سؤال این است: به کجا سفر کنیم و چه کشوری ما را پذیرا خواهد بود؟ لذا اتفاقی که برای مردم آواره‌ی سوریه‌ای افتاد برای ما تکرار خواهد شد، لذا چاره‌ای نداریم جز اینکه سریعاً تمامی سرزمین را آب رسانی کنیم تا هیچ کس به فکر کوچ از خانه و کاشانه‌ی خود نیفتد و حتی بنده قائل هستم که در این صورت کوچ معکوس صورت می‌گیرد که ما شاهد کوچک شدن شهرها و بزرگ و آباد شدن روستاها می‌شویم و حتی می‌توانیم به الگویی برسیم که پناه پناه‌جویان خارجی شویم، آنان برای زنده ماندن به ایران میایند و ما هم با استقبال از آنان پذیرایی می‌نماییم، هم پناه داده‌ایم و هم نیروی کار را تأمین نموده‌ایم دقیقاً هما نکاری کاری که استکبار با ما نمود ما با الگوی اسلامی عمل می‌نماییم.

ج: مطلب دیگری که در طرح پیشنهادی یک ساله انجام داده‌ام که حائز اهمیت است ضمن اثبات اینکه یک ساله می‌توان مشکل را حل نمود این است که: اثبات نموده‌ام طرح‌های عادی هیچ‌گاه برای ما نجات‌بخش نیست و چند دلیل در متن گنجانده شده است، اول: یک ساله مشکل حل میشود و این برای ما زمانی طولانی است. دوم:

هزینه دارد و اگر چه که اثبات نموده‌ام هزینه قابل تأمین است ولی برای بنده که علم‌دارم می‌توان بدون هزینه و زمان خشک‌سالی را بر طرف نمود معقول است که این طرح را نیز باطل بدانم. **سوم:** این طرح باطل است چرا که در طرح عادی آب به زمین‌های بایر و دشت‌های دور از دسترس نمی‌رسد و همان‌گونه که میدانید ۲۰۰ دشت کشور که هزاران سال است آباد بوده‌اند در اثر خشک‌سالی رو به نابودی رفته‌اند و این چیزی نیست که قابل‌قبول باشد، در طرح عادی آب به دشت‌ها و زمین‌های بایر نمی‌رسد، **چهارم:** یکی از دلایل باطل بودن طرح عادی این است که اگر ما تنها مشکل ایران را حل نماییم در این صورت ایران ناامن شده و مورد هجوم دیگران واقع میشود لذا بنده گفته‌ام که اگر می‌خواهیم نجات یابیم باید در ابتدا ایران را نجات دهیم و بعد به سمت نجات تمامی کشورها از خشک‌سالی حرکت نماییم در اینجاست که ما نجات‌یافته و نجات می‌یابیم، در غیر این صورت در الگوی مبارزه با غرب و آمریکا در جنگ نرم و به دست آوردن جمعیت طرفدار، آمریکایی‌ها می‌توانند مشکل خشک‌سالی کشورها را حل نمایند و ما ایرانیان در این رقابت شکست می‌خوریم.

٦ -این قسمت نه به صورت یک بخش یکپارچه، بلکه به صورت پراکنده در تمامي این پیشنهادیه مورد تأکید و تکرار قرارگرفته است. جهت تأکید بیشتر بر این مقوله، ایشان سعي نموده‌اند تا با استناد به برخي شواهد وقایع تاریخي (نظیر خشکسالي سال‌هاي ١٢٩٦ تا ١٠٣٤، احداث راه‌آهن در زمان حکومت پهلوي اول و ...)، به اهمیت موضوع بیفزایند. ٦

جواب:

٦ -مسئله اینجاست آن چیزی که ما را وادار می‌کند که به هر تقدیری که شده مشکل را حل نماییم فهم و اهمیت موضوع است و مشکل اصلی ما این بوده که اهمیت آب و خطر نبود آن به صورت یک امر اساسی و محوری مورد توجه نبوده و نیست، لذا باید دائماً اهمیت آب و خطر پیش رو پر رنگ شود، آن چیزی که سبب شده تا کنون معضل آب حل نشود این بوده که تا کنون این خطر برای ما به صورت جدی و شفاف بیان نشده است، بله هنوز ایرانیان نمی‌دانند که در سال ۱۲۹۸ در ایران ٤٠% ایرانیان جان باختند، هنوز ما نمی‌دانیم پیشرفت در همه‌ی شئون به آب بستگی دارد، هنوز

نمی‌دانیم ایجاد اشتغال بدون آب امکان ندارد و ده‌ها مسئله‌ی دیگر و الا خود شما از ما بهتر میدانید که به راحتی می‌توان آب را شیرین سازی نمود و انتقال داد و این امر احتیاج به مطالعه زیادی ندارد، سؤال می‌کنم اگر شما کسی را ببینید که از تشنگی در حال مردن است چه کار می‌کنید؟ مطالعه می‌کنید؟ بررسی می‌کنید؟ و ... آیا روستاهای ما در حال مردن نیست؟ آیا تعداد روستاییان از ٦٩% به ٢٩% نرسیده است؟ در سال ١٤٠٢ ما چند درصد روستانشین خواهیم داشت؟ غذای ما را چه کسی تأمین می‌کند؟ اگر قرار است پول بدهیم و غذا بخریم ،چه چیزی باید بفروشیم؟ اگر آب نداشته باشیم آیا چیزی برای فروش داریم؟ آیا می‌توان بدون آب کشاورزی کرد؟ آیا می‌توان بدون آب صنعتی بود؟ آیا حتی می‌توانیم فولاد تهیه نماییم؟ آیا می‌توانیم جمعیت را افزایش دهیم؟ آیا می‌توانیم شغل ایجاد نماییم؟ آیا می‌توانیم مشکل مسکن را بر طرف نماییم؟ آیا می‌توانیم جمعیت را زیاد کنیم؟ آیا می‌توانیم از روند بزرگ و کلان شدن شهرها جلوگیری کنیم؟ آیا می‌توانیم جلوی رکود بازار را بگیریم؟ آیا می‌توانیم از روند رو به پیشرفت تورم جلوگیری نماییم؟ آیا می‌توانیم از سقوط ارزش ریال جلوگیری کنیم؟ در متن شما آمده که بنده خواسته‌ام به اهمیت موضوع بیفزایم ولی اشتباه می‌فرمایید بنده هنوز اهمیت موضوع را بیان نکرده‌ام فقط اشاره‌ای می‌کنم و آن اینکه اگر آب را آوردیم و مشکل را حل کردیم که خدا را شکر و الا در غیر این صورت جامعه‌ی ایران رو به براندازی است و این جریان در سال‌های ١٤٠٢ الی ١٤٠٤ تکمیل می‌گردد، با عرض شرمندگی از اینکه واضح میگویم: بنده به عنوان یک روحانی شیعه هیچ‌گاه قبول نمی‌نمایم که به علت سهل‌انگاری امروز شما و اینکه مشکل عظیم را کوچک دانسته‌اید جامعه‌ی ما فعل شما را به پای روحانیت بگذارند و در اغتشاشات آینده‌ای که نزدیک است شعار مرگ بر ... سر دهد و درود بر پهلوی و بازگشت او را خواهان باشد، بدانید اقتصادِ فلج شده‌ی ما از خشک‌سالی است و زمینه‌ی اغتشاشات در ایران فراهم شده است و فعلِ امروزِ شما به پای ما نوشته میشود لذا بنده اعلام می‌دارم یا مشکل را سریعاً حل نمایید و یا اگر نمی‌توانید گوش کنید تا حل نماییم و الا باید همه بدانند این نامه‌ها اتمام حجتی است که در صورتِ عدمِ استماع، ما هیچ کمی و کاستی را به عهده نخواهیم گرفت و فعل شما به ما ربطی ندارد.

۷ همچنين در اين رابطه انتقاداتي نيز به عملكرد مسئولين وارد شده است. از اين ديدگاه تناقضاتي در برخي مطالب ارائه‌شده به چشم مي‌خورد، ولي به دليل ارتباط غير مستقيم اين مطالب با مقوله تخصصي انتقال آب از دريا، به نقد و بررسي آن‌ها پرداخته نمي‌شود. ۷

جواب

**۷**:ما خود را معصوم نمی‌دانیم و حتماً در کلام و گفتارمان اشتباه داریم، ولی درخواست داریم اگر موردی را در نظر دارید بفرمایید تا حق برادر دینی را در حق ما تمام نموده باشید و ما هم پذیرا هستیم و الا در غیر این صورت ما که صادقانه نوشته‌ایم به تکلیف خود عمل نموده‌ایم ولی شما هم باید به تکلیف خود که امر به معروف و نهی از منکر است عمل نموده باشید لذا منتظر هستیم تا نقدهای شما را ببینیم، درحالی‌که شاید اشکالاتی که در ذهن شما مطرح است، حقیقتاً اشکال نباشد و جوابی را آماده داشته باشیم، لذا کلی گویی را قبول نمی‌کنیم و تا تناقض را به صورت آشکار بیان ننموده باشید قبول نمی‌نماییم، و ادعا داریم مطالبی که غیر مستقیم به آب عنوان‌شده نیز ارتباط با آب دارند.

بخش ديگري از اين پيشنهاديه به موضوع فني انتقال آب از دريا اشاره نموده است. اين بخش فرض را بر اين قرارداده است كه انتقال آب از درياي خزر به دلايل سياسي و فني قابل‌قبول نبوده و از طرف ديگر با قطعيت كامل بر انتقال آب از درياي عمان و همچنين خليج‌فارس صحه گذاشته است. ۸

جواب

**۸.۱:** اگر شما انتقال آب از خزر را قبول دارید به طریق اولی باید انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان را قبول داشته باشید.

**۸.۲:** اگر راهکار شما انتقال آب دریای خزر است اعلام دارید تا مشکلات عدیده‌ای که در آنجا وجود دارد را بیان کنیم لذا چند اشکال عمده را بیان می‌داریم:

**اشکالات انتقال آب خزر به فلات ایران:**

**الف**: اگر در انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان اشکالی جود دارد در انتقال آب خزر اشکالات ده‌ها برابر میشود.

**ب:** آب خزر محدود است و به دریاهای آزاد ارتباط ندارد به خلاف آب جنوب، لذا هر چقدر از آب خزر برداشته شود اکوسیستم خزر به خطر می‌افتد به خلاف آب جنوب، چرا که با برداشت آب خزر آب در آن دریاچه کم میشود به خلاف آب جنوب که به دریاهای آزاد ارتباط دارد و هرچقدر آب برداریم آب کم نمی‌شود و دلیل این مطلب گرمای کره‌ی زمین است که موجب ذوب شدن دو قطب شده است و آب ذوب‌شده درون دریا می‌ریزد و همان‌گونه که میدانیم یکی از مشکلات کشورهای حاشیه‌ی دریاهای آزاد بالا آمدن آب و از دست رفتن خاک می‌باشد که کشورهای مختلف هر کدام راهکاری را اتخاذ نموده‌اند لذا با برداشت آب از جنوب ما به جامعه-ی جهانی نیز خدمت کرده و چه بسا آنان از ما تشکر هم بنمایند، بعضی از کارشناسان ۸ متر و بعضی تا ۸۰ متر اعلام نموده‌اند که آب بالا میاید که می‌توان برای این منظور به توپوگرافی‌های خشک‌سالی و دریا و مقالات علمی مراجعه نمود.

**ج:** هر اشکالی که در پس آب دریای جنوب بیان فرمودید در پس آب خزر نیز بیان میشود مضافاً بر اینکه در جنوب به علت نزدیک بودن به استوا و قوت بیشتر خورشید می‌توان از انرژی خورشیدی برای تبدیل پس آب به نمک دریایی استفاده نمود ولی در دریای شمال این امر ناممکن است.

**د:** یکی از مشکلات آب خزر ارتفاعات البرز و زاگرس است که این مشکل اقلیمی در آب دریای جنوب مرتفع شده است، شما برای انتقال آب خزر چه کار می‌خواهید انجام دهید یا باید آب را بالا ببرید و سپس پایین بیاورید؛ یا اینکه باید در کوه تونل بزنید که میدانید این امر بسیار سخت است، یکی از اشکالات شما به طرح ما مشکل اختلاف سطح یزد با خلیج‌فارس بود که مثلاً بیان فرموده‌اید که اختلاف سطح ۱۲۳۰ متری را چه کار خواهیم کرد؟ حال بنده سؤال می‌کنم اختلاف سطح خزر با زاگرس و البرز را چه می‌خواهید انجام دهید؟

**هـ:** یکی از مشکلات دریای خزر محدود بودن آن بین چند کشور است، آیا شما قبول ندارید که در صورت موفق بودن و اجرایی نمودن طرح انتقال آب خزر آنان در آینده اعتراض خواهند نمود؟ بله این احتمال کاملاً درست و عقلی است، لذا نمی‌توان با این احتمال مهم اقدام به آن عمل نمود، حتی بنده احیاء دریاچه‌ی ارومیه را نیز به واسطه‌ی خزر باطل میدانم، دریاچه‌ی ارومیه را باید سریعاً احیاء نمود ولی از طریق

خزر، اشتباه است چرا که در طولانی مدت خزر به مشکل بر می‌خورد که در آن صورت تمامی دنیا علیه ما می‌شوند، باید دریاچه‌ی ارومیه را از طریق دیگری احیاء نمود.

**و:** یکی از مشکلات اکوسیستم است که هر مشکل اکو سیتمی که در دریای جنوب مطرح شود ده‌ها برابر آن در خزر مطرح است.

**ز:** شما یکی از مشکلات را اختلاف سطح مطرح نموده‌اید درحالی‌که همه میدانیم سطح دریای خزر نسبت به خلیج‌فارس ۲۹ متر پایین تر است یعنی اگر ما دو کوه البرز و زاگرس را نیز در نظر نگیریم باز هم برای انتقال خزر متناسب نیست چرا که آب خزر نسبت به جنوب پایین تر می‌باشد و آب را باید بالا آورد.

۹ -در این راستا پیشنهاداتي مبني بر نحوه تأمين منابع مالي (از محل طرح هدفمندي يارانه‌ها) و تخميني نيز از نيروي متخصص (۲۱۶۰۰ نفر) و نيروي كارگري (۱۳۰۰۰۰ نفر) ارائه‌شده است و اين امر را در راستاي اشتغال‌زايي دانسته است. ۹

**جواب:**

**۹.۱:** آیا قبول ندارید از ابتدای شروع پروژه قدمی بلند برای اشتغال‌زایی برداشته میشود که البته شغل مستقیم پروژه ۱۵۰ هزار نفر واقعی است و الا اگر بخواهیم دقیق حساب نماییم بسیار بیشتر می‌باشد.

**۹.۲** :آیا قبول ندارید در صورت موفقیت زمینه برای ایجاد میلیون‌ها شغل در ایران فراهم میشود؟

**۹.۳:**تأمین منابع مالی ما به هیچ‌وجه از محل هدفمندی یارانه‌ها نمی‌باشد، متن را به دقت بخوانید در آنجا اثبات نمودیم که اگر دولت محترم که اعلام نموده بود ما ۷۰۰ هزار شغل ایجاد نمودیم آن منبع را به آب اختصاص داده بود مشکل آب حل می‌شد و البته در صورتی که دولت هم کمک نکند از طریق مشارکت عمومی این امر قابل حل می‌باشد، ما تنها مقایسه‌ای بین هزینه برای اجرای این پروژه و یارانه‌ها داشته‌ایم.

**۹.٤ :** و با توجه به اهمیت آب، صرف نمودن منابع مالی به غیر از حوزه‌ی آب به هیچ‌وجه توجیه عقلانی ندارد، وقتی ما مشکل آب داریم و اگر این مشکل حل نشود

تمامی دستاوردهای حال و گذشته را از دست می‌دهیم، اگر بودجه‌ای هست باید صرف آب شود و نه چیز دیگری که متأسفانه چنین نیست.

۱۰ -با فرض تحقق این موارد، مشکل اساسي این طرح را مي‌توان در عدم توجیه فني آن دانست. ۱۰

**جواب:**

**۱.۱۰:** عدم توجیه فنی به معنای چیست؟ اگر به معنای این است که: در اجرایی شدن جزئیات طرح امور تخصصی داریم که نیاز به پاسخ‌گویی دارد مطلب را به صورت مشخص و مصداقی بفرمایید تا جواب دهیم و الا اگر ضرورت و هدف و اجرایی بودن آن بدیهی است طرح توجیه فنی دارد، و مسائل کوچک مصداقی را متخصصین جواب خواند داد.

**۲.۱۰:** نکته دوم چرا سؤال و مطلبی طرح شود که جوابی واضح دارد طرح انتقال آب هم اکنون در دستور کار قرار دارد و مشغول اجرایی شدن است و اصل اشکال ما مربوط به این است که چرا تنها انتقال آب به یزد و سمنان و کرمان صورت می‌گیرد و یا اشکال دیگر ما این است که چرا طرح انتقال آب به ۱۸ استان کشور که در مجلس مطرح است به صورت جدی و عملیاتی انجام نمی‌گیرد اگر شما به ما اشکال می‌نمایید که توجیه فنی نداریم آن‌ها هم ندارند، ولی اگر آن‌ها توجیهات را انجام داده‌اند پس عنوان کردن این اشکال در اینجا بی‌اساس می‌باشد، چرا که همان جواب‌ها را در اینجا تکرار می‌کنیم.

۱۱ -مشکل اصلي این طرح در توجه صرف به مقوله منبع آب مي‌باشد. در این طرح فرض بر آن شده است که صرف وجود دریا در جنوب کشور و کم آبی در مناطق مرکزي، توجیه‌کننده این انتقال خواهد بود. ۱۱

**جواب**

**۱.۱۱:** ما اتفاقاً توجه صرف به مقوله‌ی منبع آب از دریای جنوب و مناطق مرکزی نداریم، لذا اینجا چند نکته را بیان می‌کنم:

**الف:** به زودی تنها منبع آبی قابل‌دسترسی برای ایران آب‌های شور خواهد بود، دلیل آن این است که آب‌های سطحی و زیرزمینی به زودی بخواهیم و یا نخواهیم تمام میشود و دو دلیل عمده‌ی آن استفاده‌ی کاربران از منابع آبی موجود (آب‌های سطح و زیرزمینی) و شدت گرمی هوا و عدم نزولات آسمانی است و تنها منبع آبی دریاها خواهد بود و خواهی نخواهی یکی از چند کار را باید انجام دهیم، یا باید آب وارد کنیم که این امر هم به دلایل مختلف منتفی است یا باید مستعمره‌ی کشور دیگر باشیم یا باید مملکت را به دیگران بدهیم تا آنان مشکل آب ما را حل نمایند و یا باید با ذلت جان دهیم، لذا بهترین راه این است که با توکل و استمداد الهی هر چه سریع‌تر مشکل آب را خودمان حل و فصل نماییم.

**ب:** منبع دوم آب که منبع اصلی است آسمان است که بحث اصلی طرح نجات ایران از خشک‌سالی به واسطه‌ی اجرایی نمودن طرح غیرعادی به همین منبع آبی اشاره دارد، آبی پاک و زلال و شفاف و شیرین برای همه جای کشور و نه تنها فقط به شهرها و روستاها بلکه آب برای زمین‌ها برای تمامی گیاهان و حیوانات و جمادات که همه به آب احتیاج دارد.

میدانم که شما هم اعتقاد به آب آسمان دارید و آنچه که دنبال می‌کنید بارورسازی ابرها می‌باشد اما با مشکل بودجه مواجه هستید، بدانید مشکل بودجه حل نمی‌شود و حل نخواهد شد و هر سال از سال قبل بودجه‌ی کمتری اختصاص میابد، فرضاً اگر مشکل بودجه هم حل شود باز هم به دلایل متعدد مشکل حل نمی‌شود که در یکی از قطره‌های کتاب هزار و یک قطره مستقلاً به نقد تمامی راهکارهای موجود من جمله بارورسازی ابرها خواهیم پرداخت، و لذا عملاً بارورسازی ابرها اگر چه که عملی است ولی حقیقتاً منتفی است ولی بنده امری را که دنبال می‌نمایم بدون بودجه آن هم نه برای یک سال، آن هم نه برای یک مقطع زمانی در یک فصل خاص آن هم نه برای یک منطقه و یا یک شهر بلکه برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها می‌باشد و بدون صرف هزینه و زمان چندانی می‌باشد.

غرب با انفجار یون منفی و یا هارپ و هدایت ابرها و بارور کردن ابرها و یا تکنولوژی تأمین آب از رطوبت هوا مشکل را حل نموده است و ما با الگوی اسلامی دینی خود این مشکل را حل می‌نماییم، چگونه این امر محقق میشود و ماهیت آن چیست؟

سؤالی است که باید راهی را که رفته‌اند شما هم بروید تا بدانید و الا هیچ‌گاه توجیه این مطلب برای غیر اهل آن فاش شدنی نیست، ولی آنچه بعد از اجرایی نمودن آن جریان اتفاق می‌افتد این است که سطح آسمان دنیا به سمت ایران شیب‌دار میشود و درون آسمان ایران چاله ایجاد میشود و ابرها حتی از قطب شمال و جنوب به سمت ایران حرکت کرده و در ایران سقوط می‌کند و ما شاهد نزولات بسیاری خواهیم بود.
اینجا ممکن است دوباره سؤالاتی که در جلسه‌ی ۹۶,۳,۸ مطرح شد و ما پاسخ دادیم مطرح شود که اجمالاً پاسخ میگویم:
برای اجرایی نمودن این امر سه اتفاق باید انجام شود: ۱ امضاء لوح توسط تمامی مسئولین در تمامی شهرها به همراه امضاء مردم ۲ دفن ۳ آمادگی برای برف و سرما و نزولات بسیار آسمانی
بدون این سه مقوله آن امور امکان ندارد، برفی که در بهمن ۹۶ به ایران آمد تنها گذر یک توده‌ی هوای سرد از ایران بود و انفطار صورت نگرفته بود با این حال دیدید که چه اتفاقی افتاد و چه مقدار مشکلات به وجود آمد اگر آن کمی طول می‌کشید بسیار ضررهایی بیش از آنچه مشاهده کردیم را می‌دیدیم که خبرهای ضرر آن برف و کولاک در آینده منتشر خواهد شد، ما در آن جلسه عرض کردیم اگر اعتماد به آن نوشته‌های غیرعادی دارید عمل کنید و الا ما قبل از اجرایی کردن آن اگر شرایط فراهم شود می‌توانیم آن امور را دو بار نشان دهیم و میدانیم که اگر نبینند باور نمی‌کنند و یقین نمی‌کنند و اگر ببینند یقین می‌کنند و انجام می‌دهند، باز هم اعلام می‌کنم در سال یک‌بار می‌توان آن امر را اجرایی نمود که سال ۹۶ گذشت و طبق وعده‌ی قبلی ما وارد بحران‌های بسیاری شدیم که می‌توان به زلزله‌ها و آشوب‌ها و ضررهای مادی و معنوی و کمی محصولات کشاورزی اشاره نمود ولی فرصت برای سال آینده می‌باشد و بازمیگویم یا عمل کنید و اگر یقین ندارید شرایط راستی آزمایی را مهیا کنید تا نشان دهیم و یقین کنید و بعد از آن عمل نمایید.
**۱۱,۲:** لذا بازمیگوییم دو منبع آب داریم آب دریا و آب آسمان ما به آب آسمان اعتقادداریم اما با روال جاری مملکت شما توانایی عملی انتقال آب از آسمان را ندارید، بله تکنولوژی موجود است ولی مشکل هزینه‌دارید، مضافاً بر اینکه اگر لازم باشد اثبات می‌نمایم که هر چقدر هم به شما هزینه بدهند تا با کمک بارورسازی

ابرها مشکل را حل کنید هیچ‌گاه نخواهید توانست مشکل خشک‌سالی را حل نمایید، دلیل آن این است که:

**الف:** ورودی ابر به ایران بسیار کم شده است و شما ابرهای واردشده را بارور می‌کنید، ابرها به نقاط سردسیر مهاجرت کرده‌اند و این مهاجرت بیشتر خواهد شد.

**ب:** بر فرض بارور کردن تمامی ابرها آن هم با محاسبات دقیق که باعث ضرر نشود، باز هم هیچ‌گاه نمی‌توانید از نجات مرگ ۲۰۰ دشت کشور جلوگیری کنید و میدانید مقوله‌ی مرگ خاک و فرونشست زمین از مقوله‌ی عدم باران و خشک‌سالی اهمیت کمتری ندارد.

**۱۱.۳:** بازمیگویم نگاه ما به خشک‌سالی فقط مختص مناطق خشک و کم آب نیست، اگر نگاه ما این بود که طرح دوازده کانال را پیشنهاد نمی‌دادیم بلکه تنها طرح انتقال آب به نیمه‌ی مرکزی و شرقی کشور را پیشنهاد می‌دادیم.

**۱۱.٤** گذشته از آنکه تمامی استان‌های کشور دچار خشک‌سالی شده‌اند.

**۱۱.۵:** نگاه ما به آب این است که به مناطق کم آب برای نجات از مرگ آب برسد و مناطق پر آب برای توسعه آب برسد و بعد از آن برای رفع خشک‌سالی جهانی قدم برداریم و چرا این کار را نکنیم زمانی که می‌توانیم ابر بحران جهانی خشک‌سالی را بر طرف نماییم.

۱- چگونه بدون مطالعه جامع فني طرح، به چنين قطعيتي در مورد تعداد نيروي تخصصي، كارگري و حتي جوانب اجرايي اظهارنظر شده است؟ ۱۲

**۱۲.۱:** بفرمایید و طرح را تکمیل فرمایید اگر نیرو کم است اضافه می‌کنیم؟ ولی اگر تعداد نیرو کافی می‌باشد دیگر جایی برای اشکال نیست مضافاً بر اینکه اظهارنظر در مورد جوانب اجرایی دلالت بر دقت در مسائل ریز دارد و از کلی گویی نیز پرهیز نموده‌ایم که درخواست داریم اشکالات را صریح و مشخص بفرمایید تا ما هم بتوانیم پاسخ دهیم.

**۱۲.۲:** آنچه در طرح به صورت آشکار معلوم است کار شبانه‌روزی است که در سه شیفت انجام می‌گیرد

توجیه نفرات حاضر در طرح از این قرار است که تعداد تیم‌ها ۳٦۰ تیم می‌باشد که هر تیم عهده‌دار ۵۰ کیلومتر می‌باشد و هر تیم ٦۰ مدیر و مهندس دارد.

در هر شیفت کاری ۱۲۰ نفر کارگر متخصص کار می‌کنند: از قبیل جوشکار و آرماتوربند و راننده و راننده کامیون و لودر و ...

به طور واضح، هدف انتقال آب از دریاهاي جنوب کشور چه مناطقي هستند؟ ۱۳

**۱۳.۱:** این سؤال را در ضمن مطالب گذشته پاسخ دادیم و البته در متن هم پاسخ داده شده است، هدف ما انتقال به تمامی کشور است، مناطق خشک و بی‌آب را باید تأمین آب نمود تا از مرگ نجات یابند و مناطق تر سال ما را باید آب رساند چرا که آن‌ها اگر چه در آب شرب مشکل ندارند ولی در آب کشاورزی و صنعتی مشکل‌دارند و توسعه بدون آب معنی ندارد و اگر ما به سمت توسعه حرکت نکنیم باز هم نمی‌توانیم به سمت اهدافمان حرکت کنیم و قله‌های پیش رو را فتح نماییم، باید تالاب‌ها و دریاچه-ها نیز آب‌رسانی نمود و به سفره‌های زیرزمینی نیز آب تزریق نمود.

**۱۳.۲:** لذا همان‌گونه که در طرح هم آمده این طرح را در هر سال باید ادامه دهیم تا به نتیجه‌ی مطلوب که آبادانی کل ایران است دست یابیم، مطرح نمودن این سؤال در این زمان مانند این است که کسی بگوید ما تا چه زمانی باید جاده بسازیم و یا اینکه تا چه زمانی باید خط راه آهن بسازیم؟ ما تا زمانی که ظرفیت آبادانی در کل کشور فراهم نیامده باید طرح را ادامه دهیم منتهی در سال اول چشم‌انداز تمامی استان‌ها است و بعد از آن دوباره طرح تکمیل می‌گردد.

**۱۳.۳:** چشم‌انداز طرح آب‌رسانی عادی در سال اول رسیدن آب به تمامی استان‌ها و در سال دوم ادامه‌ی آب رسانی به شهرها و ... می‌باشد، در هر سال با تکمیل پروژه آب‌رسانی برکات آب در شهرها و روستاها هویدا میشود و با توجه به اینکه: تولید داخلی به صورت عجیبی افزایش میابد کار برای انجام در سال‌های بعد بسیار آسان تر میشود.

**۱۳.٤:** نکته مهم و پر اهمیت دیگر آب‌رسانی به سدهای تولید برق آبی است که در اثر بی‌آبی خشکیده‌اند و حقیقتاً تغییر کاربری داده‌اند.

با فرض اینکه یکي از نواحي هدف، شهر یزد باشد، با فرض اختلاف ارتفاع ۱۲۳۰ متري از سطح دریا و ۷۰۰ کیلومتر فاصله، باید شیب متوسط حدود ۲ متر در هر

کیلومتر در این مسیر وجود دارد. چگونه قرار است این کانال‌ها بر این شیب غلبه نمایند. ۱۴

**۱۴،۱:** اولاً آب‌رسانی مختص یزد نیست بلکه برای تمامی کشور است، از جنوب کشور تا کوهپایه‌های البرز و زاگرس که شیب بسیار تند میشود و امکان آب‌رسانی مقدور به صرفه نمی‌باشد که البته در این صورت مناطق کوهستانی نیز که دچار خشک‌سالی شده است نجات میابد زیرا دیگر لازم نیستیم برای تأمین آب مناطق خشک آب را از آن مناطق بیاوریم لذا آن مناطق نیز بدون آب‌رسانی از خشک‌سالی نجات میابند.

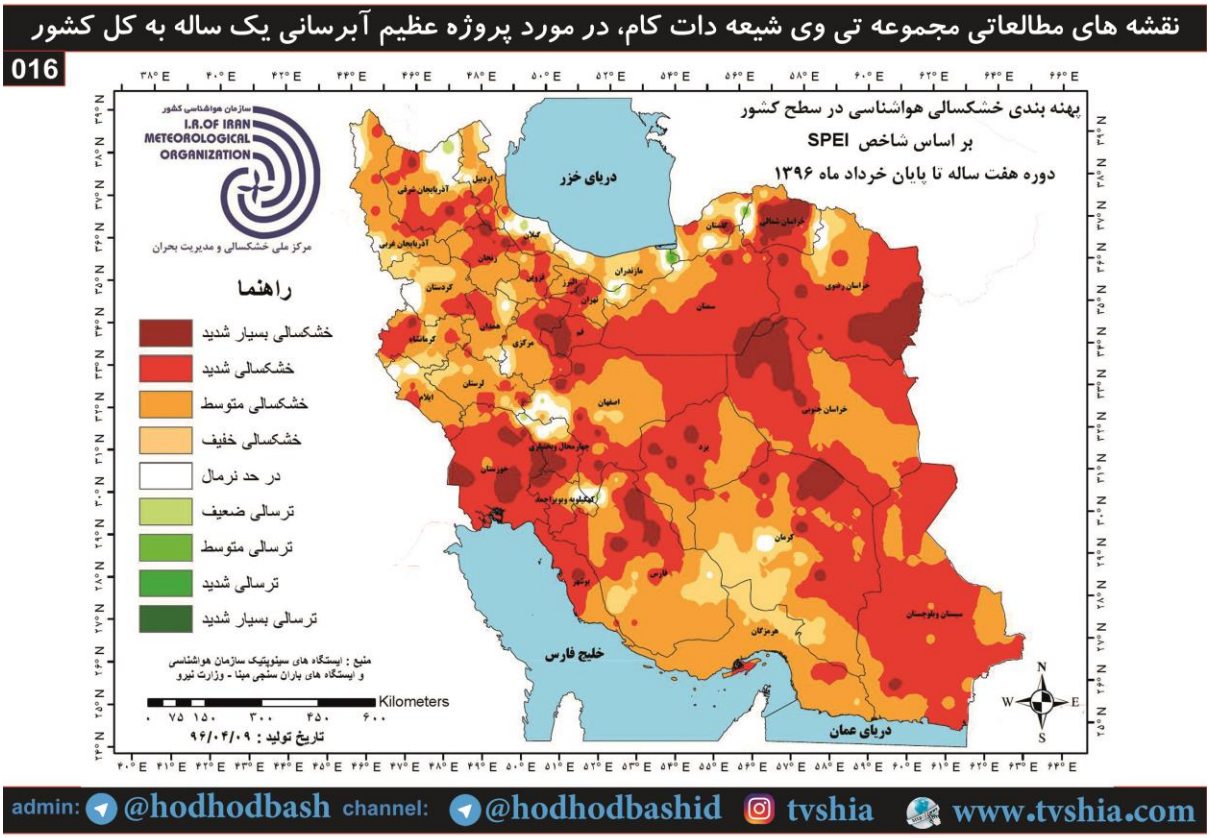

**۱۴.۲:** حقیقتاً مطرح نمودن این اشکال (اختلاف سطح) بعید به نظر می‌رسید ولی جواب میگوییم:

**الف:** اختلاف سطح بین تهران و دریا ۱۲۰۰ متر می‌باشد.

**ب:** همه میدانیم که بین دو ماده سیال آب و نفت خام انتقال نفت از آب بسیار سخت تر می‌باشد.

**ج:** همه میدانیم در پانزده کیلومتری تهران پالایشگاه نفت وجود دارد و نفت این پالایشگاه از میدان نفتی مازون و اهواز تأمین میشود و اختلاف سطح بین تهران و اهواز ۱۱۸۸ متر می‌باشد چرا که اختلاف سطح اهواز ۱۲ متر از سطح دریاست و اختلاف سطح تهران از دریا متوسط ۱۲۰۰ متر است، لذا به هر طریقی که می‌توان اختلاف سطح اهواز تهران را برای نفت حل نمود ساده‌تر از آن می‌توان اختلاف سطح برای آب را حل نمود، دلیل آسان تر بودن این است که آب را می‌توان در زمین رها کرد به خلاف نفت، از آب می‌توان چندین بار برق تأمین نمود به خلاف نفت و آب سیلان بیشتری دارد به خلاف نفت که چسبنده است و چگالی بیشتری دارد.

**۱۴.۳:** لازم به ذکر است به این مطلب توجه کنیم که آب مانند نفت نیست که هدف مشخص و نهایی داشته باشد، بلکه آب تا هر کجا بیاید یکی از اهداف تأمین شده

است چرا که آب برای آن زمین احیاء کننده است به خلاف نفت که حتماً باید از اهواز تا تهران بیاید و هدف پالایشگاه است.

**۱٤،٤:** چگونگی غلبه بر شیب‌ها:

**۱٤،٤،۱:** ما در تمامی زمین‌ها شیب بالا نداریم و در زمین‌هایی که شیب نداریم و یا شیب پایین داریم می‌توانیم و باید کانال بزنیم و تولید برق نماییم.

**۱٤،٤،۲:** راه حل رایج غلبه بر شیب لوله و پمپ است که مشکل حل میشود ولی ما اصلاً این مدل را قبول نداریم، این مدل مدل رایج انتقال سیالات است.

**۱٤،٤،۳:** راه حل دوم: در شیب‌های تند نقد زدن است، همان مدل قنات که سال‌هاست ایرانیان استفاده می‌کنند این مدل هم بد نیست ولی روش‌های بهتری نیز موجود می‌باشد.

**۱٤،٤،٤:** راه حل سوم عمیق شدن کانال در انتها است که این راه حل هم معقول نمی‌باشد یعنی در ابتدای کانال عمق ۸ متر است ولی در انتهای کانال عمق میشود ۱۰۸ متر.

**۱٤،٤،٥:** راه حل آرتزین، کاری که خواجه نصیر در حوضچه‌های کاشان انجام داده است، پیشنهاد لوله و کانال هم سطح زمین که به تدریج کانال به همراه زمین رو به سمت بالا هدایت میشود، منتهی در ابتدای کانال ، کانال معکوس یا لوله‌های اسپیرال منبع آبی افقی قرار داده میشود، یعنی اگر طول کانال ۵۰ کیلومتر است و هر کیلومتر دو متر اختلاف سطح دارد در انتهای کانال ۱۰۰ متر اختلاف سطح داریم لذا در ابتدای کانال یا لوله‌ی افقی داریم که ارتفاع آن مثلاً ۱۲۰ متر است در ابتدای کانال آب با پمپ در مخزن ریخته میشود و به واسطه‌ی قانون جاذبه و هم‌سطح شدن آب با ابتدای آب، آب مجبور است که مسیر ۵۰ کیلومتر را طی نماید و خود را هم سطح مبدأ نماید، پیشنهاد ما این است که مبدأ آب ۱,۵ برابر مقصد باشد که آب در مقصد با فشار خارج شود یعنی اگر اختلاف سطح ۱۰۰ متر است ابتدای کانال ۱۵۰ متر بالاتر از زمین باشد و در انتها نیز آب در پست و یا همان دریاچه‌ی مصنوعی رها میشود و با فشار آب خارج میشود و می‌توان برق نیز تولید نمود، جزئیات مربوط به چگونگی آب به داخل پست(حوضچه، دریاچه‌ی مصنوعی) بدیهی است اما اشاره‌ای می‌کنیم و آن اینکه اگر آب در هنگام رها شدن از کانال و یا لوله چند متر رو به پایین هدایت

شود فشار آب بسیار زیاد میشود که در اینجا می‌تواند این‌گونه قلمداد شود که آب از بالا به پایین آمده است درحالی‌که واقعاً ما آب را از پایین به بالابرده‌ایم
**۱٤،٤،٦:** اشکال سست دیگری اینجا مطرح می‌کنند که خوب ما چگونه و با چه نیرویی آب را در ابتدای کانال به درون منبع ابتدایی بریزیم، این سؤال تنها از کسی قبول است که نداند که امروز چاه‌های نفتی با عمق ۱۲ کیلومتر وجود دارد و در ایران چاه‌های نفتی با عمق بیش از ٥ هزار متر وجود دارد و از آن عمق نفت که بسیار سخت تر از آب است پمپاژ میشود، گذشته از اینکه امروز در کشور شاهد هستیم روستاییان اقدام به حفر چاه‌های عمیق نموده حتی بعضاً از عمق ٥۰۰ متری زمین آب را بالا می‌شکند پس اگر ارزش دارد آب را از ٥۰۰ متری برای زمین اطراف پمپاژ نمود هزاران برابر ارزش دارد که آب را ۱٥۰ متر بالا ببریم و با استفاده از قانون‌های خدادادی آب را تا ده‌ها بلکه صدها کیلومتر حرکت دهیم و بالا ببریم.
**۱٤،٤،۷:** مسائل جزئی دیگری مانند تقویت سرعت آب در میانه‌ی هر کانال توسط پمپ تقویتی و یا افت سرعت بر اثر تماس آب با بدنه دیواری و ایجاد اصطکاک امور بدیهی است که جواب داده شده است.
**۱٤،٤،۸:** ما فعلاً نیز به بحث استفاده از انرژی هسته‌ای و پمپ‌های خورشیدی نیز نمی‌پردازیم.
**۱٤،٤،۹ :** پس معلوم شد هم می‌توان آب را بالا برد و هم تأمین برق نمود.

## اصلاً بدون تأمين انرژي هنگفت آيا امكان انتقال وجود دارد؟ ۱٥

اگر چه در بند ۱٤ به این سؤال پاسخ داده شده است ولی لازم میدانیم از منظر دیگری به این سؤال پاسخ داده شود:
**۱٥،۱:** ما اثبات نمودیم بدون انرژی هنگفت این امر امکان دارد با الگوی چاه‌های آرتزین و البته به بحث انرژی هسته‌ای و تلمبه‌های خورشیدی را نیز کاری نداریم.
**۱٥،۲:** تاکید می‌کنم ما راهی جز این نداریم که به هر تقدیر شده مشکل آب را حل نماییم حتی اگر شده با هزینه‌ی هنگفت اگر شما الگو دارید ارائه دهید که البته تمامی راهکارها را نقد کرده‌ایم و اثبات نموده‌ایم اگر مشکل را حل نکنیم خطری بزرگ در

راه است، لذا راهی نداریم جز اینکه سریعاً اقدام نماییم و باهر روشی که می‌توانیم قیمت‌ها را پایین و در غیر این صورت باز راهی نداریم جز اینکه هزینه نماییم.
**۱۵،۳:** یکی از انرژی‌های که با آب تولید میشود برق زیاد و ارزان می‌باشد، همان‌گونه که میدانید ۶۰% نیروگاه‌های برق آبی ما به علت نبود آب در حال تعطیلی و گاها تغییر کاربری است پس متوانیم آن نیروگاه‌ها را با آب انتقال داده‌شده احیا نماییم، گذشته از اینکه می‌توانیم نیروگاه‌های برق آبی جدید تأسیس کرده و از خود کانال‌ها به جای سد تولید برق نماییم.
**۱۵،۵:** باهر دلیل توجیهی که انتقال آب به یزد در حال اجرایی شدن است با همان دلیل باید آب را به بقیه جاها رساند.
**۱۵،۶:** لذا اگر ابعاد وسیعی که خشک‌سالی به ما ضرر میزند را در نظر بگیریم مانند مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، دینی و ... باید مشکل آب را به هر تقدیری حل نمود، بله شاید قبول نماییم هزینه بالا است ولی در مقابل هزینه‌ای که ما در قبال نبود آب می‌پردازیم ناچیز است، اگر ما مخیر باشیم بین خطری که جان میلیون‌ها ایرانی را تهدید می‌کند و یا صرف نمودن هزینه کدامیک را قبول می‌نماییم؟ مشکلاتی که ما از قبال خشک‌سالی می‌بینیم غیرقابل‌شمارش است.

مسلماً عامل محدود كننده اصلي، هزينه شيرين سازی آب است. هزينه اين كار بين تا ٦ هزار تومان در هر مترمكعب متغير است كه بايد به آن هزينه‌هاي انتقال را نيز افزود و بنابراين حداقل ١٥ هزار تومان براي شيرين سازی و انتقال (فقط هزينه انرژي) منظور كرد. در صورتي كه هدف از اين كار رفع كمبود آب در كشور باشد، بايد تقريباً ٤٠ ميليارد مترمكعب آب از اين طريق در سال استحصال شود (جبران كسري تقريبي آب تجديد شونده كشور). اين كار مستلزم هزينه تقريبي ٦٠٠ هزار ميليارد تومان در سال است. حال اين مبلغ را با كل بودجه عمراني سال ١٣٩٧ (٦٠ هزار ميليارد تومان) مقايسه كنيد. اين بدان معني است كه دولت بايد ١٠ برابر كل بودجه عمراني كشور در هر سال فقط به شيرين سازی و انتقال آب اختصاص دهد. ١٨

در اینجا چند مسئله باهم خلط گردیده است که لازم است مباحث را با دقت بیشتری نظر کنیم:

**۱۸.۱**: لذا چند متن را در ابتدا قرار می‌دهیم:

- ✓حمید چیت چیان: حدود ۵۰ تأسیسات آب‌شیرین‌کن در طول سواحل دریای عمان و خلیج‌فارس احداث‌شده تا شهرها و روستاهای این منطقه از آب شیرین برخوردار شوند و ما باید همه راه‌های استحصال آب را تجربه کنیم. ۱۲ فروردین ۱۳۹۵
- ✓حمید چیت چیان از اجرای پروژه انتقال آب دریای خزر به استان سمنان خبر داد و گفت: تمهیدات لازم برای اجرای این پروژه فراهم‌شده و با تأیید نظر کارشناسان محیط‌زیست این طرح در آینده عملیاتی می‌شود. ۱۰ مرداد ۱۳۹۶
- ✓حمید چیت چیان: در این مناطق مشکلات جدی برای تأمین آب وجود دارد اما با وجود دسترسی این مناطق به دریا می‌توان از طریق نمک‌زدایی و شیرین سازی آب بخشی از این مشکلات را برطرف کرد. شنبه ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓چیت‌چیان با اشاره به برنامه‌ریزی این وزارتخانه برای شیرین سازی آب جهت استفاده در ۵ استان واقع در محدوده سواحل جنوب کشور خاطرنشان کرد: در این طرح از بازیافت حرارت نیروگاه‌های برق، برای شیرین سازی آب استفاده خواهد شد. ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓پس از سخنان وزیر نیرو، نماینده این وزارتخانه گزارشی از برخی طرح‌های کلیدی در حوزه آب و برق را ارائه کرد که یکی از این طرح‌ها تولید همزمان برق و آب در سواحل جنوبی کشور بود و جزئیات فنی، اهداف طرح، اعتبارات مورد نیاز و الزامات اجرای آن مورد بحث بررسی قرار گرفت. ۲ خرداد ۱۳۹۴
- ✓دکتر روحانی: انتقال آب از دریای خزر و همچنین خلیج‌فارس و دریای عمان به استان سمنان و فلات مرکزی ایران از طرح‌های بلندمدت است که بررسی‌های لازم در این زمینه انجام‌شده و مطابق این بررسی‌ها، انتقال آب از دریای خزر به سمنان هیچ مشکلی ندارد و اصول زیست‌محیطی نیز در این خصوص رعایت

شده است. این طرح‌ها توسط بخش خصوصی اجرایی می‌شود و افرادی نیز به عنوان سرمایه‌گذار اعلام آمادگی کرده‌اند. سه شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۵

- ✓مهندس میدانی: رئیس‌جمهور در سال ۱۳۹۳ حجت را تمام کرد و گفت: انتقال حوزه به حوزه باهدف آب شرب می‌تواند صورت گیرد. البته باید به این مسئله توجه کرد که این حساسیت‌ها برای انتقال آب از دریا نیست و حساسیت بیشتر در زمینه انتقال آب از یک استان به استان دیگر است و همان طور که ما از کشورهای بالاتر انتظار داریم که برای تأمین نیازهای حیاتی ما کمک کنند، صحیح نیست که استانی برای انتقال آب به استانی دیگر ناراضی باشد. ایران ناگزیر به انتقال آب است اما باید در اجرای این مسئله به مسائل زیست‌محیطی توجه کند. ۲۶ مهر ۱۳۹۶
- ✓دکتر اردکانیان : امیدواریم در سال‌های آتی بتوانیم بخش اعظمی از مصارف شرب و صنعت خود را با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی از آب‌های ژرف (دریا) تأمین کنیم ۹۶,۱۱,۱۰
- ✓دکتر اردکانیان : درزمان حاضر کشورهای حاشیه خلیج‌فارس با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی سالانه حدود ۱۲ میلیارد مترمکعب از آب‌های ژرف استفاده می‌کنند و ما نیز امیدواریم در سال‌های آتی بتوانیم بخش اعظمی از مصارف شرب و صنعت خود را با رعایت استانداردهای زیست‌محیطی از این طریق تأمین کنیم. ۹۶,۱۱,۱۰
- ✓مهندس جهانگیری: انتقال آب از خلیج‌فارس و دریای عمان به استان کرمان باید تسریع شود.
- ✓علی‌رضا رزم حسینی استاندار کرمان: اشاره به پیشرفت بیش از ٤٠ درصدی طرح انتقال آب از بندرعباس به سیرجان افزود: درباره انتقال آب از دریای عمان نیز قرار شده است این آب پس از شیرین شدن در منطقه زیارت، به سد منتقل و سپس به فلات مرکزی کرمان منتقل شود که از این طریق کریدور انتقال آب در کشور ایجاد می‌شود. رزم حسینی بیان کرد: کارگاه احداث بزرگ‌ترین تونل انتقال آب خاورمیانه به سرعت در آذرماه ٩٤ ایجاد شد و

ریاست جمهوری نیز در سفر به کرمان به اهمیت توجه به موضوع آب در استان کرمان تاکید و اعلام کردند باید در این حوزه فکر اساسی شود. ۹۶,۰۱,۰۲

- ✓دکتر کلانتری: کاهش منابع آبی و خالی شدن سفره‌های زیرزمینی یکی از مشکلات مهم کشور است و به اعتقاد کارشناسان، چالشی اساسی ایجاد کرده است که اگر فکری برای آن نشود، نتایج جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. در اینکه دنیا از آب دریاها استفاده می‌کند، بحثی نیست. آب را شیرین می‌کنند تا انتقال دهند که ممکن است یک کیلومتر یا ۵۰۰ کیلومتر مسیر آن باشد. آب دریا را شیرین می‌کنند که استفاده اقتصادی کنند. ما که نوبر آن را در ایران نیاورده‌ایم، تمام دنیا دارد آب دریا را شیرین و استفاده می‌کند؛ ۸۰ درصد زندگی مردم جهان در حاشیه دریاها است. از آبادان تا چابهار ۱,۸ درصد جمعیت کشور زندگی می‌کنند، اگر بخواهیم جمعیت را در مکران در کنار ساحل هم حفظ کنیم باید آب داشته باشیم. اکنون کشورهای حاشیه خلیج‌فارس سالانه نزدیک به ۱۰ تا ۱۲ میلیارد مترمکعب آب را شیرین و استفاده می‌کنند، اما ما هنوز به ۴۰۰ میلیون مترمکعب هم نرسیده‌ایم.

**۱۸.۲**: اگر به سخنان دولت نگاه کنیم تمامی اشکالات و شبهاتی که دوستان دارند جواب داده میشود

اگر انتقال آب نمی‌شود چرا گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب هزینه‌ی سنگین دارد و مقرون به صرفه نیست چرا گفتند و پیشنهاد دادند و وعده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب مشکلات فنی دارد چرا گفتند و پیشنهاد دادند و وعده دادند و کلنگ زدند؟

اگر انتقال آب مشکلات زیست‌محیطی و اکوسیستمی دارد چرا گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند پس سوالهای مطرح‌شده چیست؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند پس چرا عملی نکردند؟

اگر گفتند و پیشنهاد دادند وعده دادند و کلنگ زدند پس چرا با جدیت پیگیری نکردند؟
اگر به ما اشکال می‌کنید قبل از آن باید به مدیران بالادست خود اشکال می‌کردید که گفتند و کلنگ زدند
اگر آنجا اشکال نکردید اینجا نیز نباید اشکال کنید.
اگر از ما مطالبه‌ی جواب نمودید قبل از آن باید از مسئولین خود مطالبه‌ی جواب می‌نمودید که چرا تا کنون به بهره‌برداری نرسیده است.
و بدانیم این اگرها تماماً مسیری است برنده‌تر از شمشیر و باریک‌تر از مو که یا هم اکنون باید جواب شفاف داد و یا.
**۱۸،۳**: طبق صحبت‌های آقای عیسی کلانتری کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس ۱۰ میلیارد مترمکعب آب شیرین سازی می‌کنند، خوب چرا ما نتوانیم؟ که اتفاقاً ایشان و تمامی افرادی که پیشنهاد داده‌اند این توقع را دارند، اگر برای عرب‌ها و بقیه‌ی انسان‌ها مقدور به صرفه است برای ما هم هست و اگر مقدور به صرفه نیست چرا مسئولین نظر دادند و کشورهای دیگر نیز عمل می‌کنند؟
**۱۸،٤**: زمانی که ما آب را یک مسئله بدانیم این سؤال پیش میاید که بودجه‌ی عمرانی مثلاً ٦۰ هزار میلیارد تومان است و ... درحالی‌که نگاه ما به آب بسیار کلان تر می‌باشد، نگاه ما این است که آب یک مسئله نیست، آب تمام مسائل است، اگر در اهمیت آب بحث کنیم که در اثر نبود آن همه چیز به مشکل بر می‌خورد و ما مجبوریم صدها بلکه هزاران هزینه خرج کنیم تا کمی و کاستی آب را جبران نماییم و در صورت وجود آب بسیاری از هزینه‌ها تعطیل میشود، دیگر جای این نخواهد بود که بحث کنیم این کار هزینه دارد یا خیر؟ ارزش آب بالاتر از نفت و طلا و الماس است و این حقیقتی است که تا درک نشود ما مجبور هستیم بحث نماییم تا به نتیجه برسیم، باید محاسبه کنیم و ببینیم که در این وضعیت در اثر نبود آب چقدر زیان می‌بینیم تا بعد به آن برسیم که آیا حتی اگر قیمت تمام‌شده هر مترمکعب ٦ هزار تومان باشد ارزش دارد یا خیر؟ شما ببینید برای مشکلات ریز گردها و بیماری‌های ناشی از نبود آب و از دست رفتن خاک (فرونشست زمین)، تعطیلی کارخانه‌ها و کشاورزی واردات و آلودگی هوا تعطیلی و هجوم مردم از روستا به شهر و مشکلات عدیده‌ی شهری ... چه زیانی

می‌کنیم آن وقت به قطع و یقین حکم می‌کنیم که باید انتقال آب را انجام داد حتی اگر هزینه شیرین سازی زیاد هم باشد.

**۱۸,۵ :** از طرفی ما که در قم زندگی می‌کنیم برای خرید آب باید گالن در دست بگیریم و یا کارتی آب را تهیه کنیم و یا از مغازه آب شرب بخریم که هر گالن ۲۰ لیتری هزار تومان است یعنی یک مترمکعب آب برای ما ۵۰ هزار تومان تمام میشود، آن وقت همین آب شیرین در لوله به مردم تهران تحویل میشود مترمکعب فرضاً ۵۰۰ تومان سؤال این است چرا باید ما برای آب ۱۰۰ برابر پول بیشتری بپردازیم؟ یا اینکه سؤال دیگر اینکه چرا برای بعضی از شهرها فرصتی فراهم کرده‌اید و یارانه پرداخت‌نموده‌اید تا با آبی که مردم سایر شهرها برای نوشیدن هم به دست نمیاورند مردم تهران به استحمام بروند و یا با آن ماشین بشویند و ... این روال در هیچ کشوری نیست حتی آمریکا و روسیه که بیش‌ترین آب‌های شیرین دنیا را در دست دارند، آب را برای همه یکسان‌سازی کنید، خود مردم تهران و شهرهای دیگر هم با این بی‌تدبیری به مشکل بر می‌خورند، آب را با حداقل تصفیه در شبکه‌ی آب وارد نمایید و مردم خود برای شیرین سازی اقدام نمایند مانند سایر مناطق کشور، البته به زودی شاهد خواهیم بود که این بی‌عدالتی و بی‌تدبیری تمامی آن شهرها را نیز به مشکل میکشاندف نزدیک است زمانی که آب در کلان‌شهرها جیره‌بندی شود، شما که این اشکال را در اینجا می‌نمایید اول در اینجا اشکال کنید که چرا آب شرب را در شبکه‌ی آب‌رسانی وارد می‌کنید تا مردم مجبور باشند با آن آب به دست‌شویی رفته و استحمام نمایند و برای ساختن ساختمان از آن آب استفاده نمایند؟ آیا خون مردم با یکدیگر تفاوت دارد که حتماً باید برای فراهم شدن آب تهران آب را از صدها کلیومتر آنطرف تر به تهران انتقال داد و حتماً آن آب را با قرار دادن یارانه که سهم تمامی ملت است شیرین نمایید و بعد به راحتی تنها ۱۱% این آب برای شرب استفاده شود و بقیه‌ی آن برای کارهایی استفاده شود که لازم به شیرین بودن آب نیست آن وقت در این شرایط مردم بسیاری در این کشور از نعمت آب سالم برای شرب هم محروم باشند؟ آیا این ظلم نیست؟ یا اینکه آب را شیرین نکنید و در لوله قرار ندهید تا خود مردم آب را شیرین کنند ، یا اینکه برای همه یکسان‌سازی کنید و این موقعیت را برای همه به وجود آورید، یا اینکه بودجه‌ای که آنجا صرف کرده‌اید برای دیگران هم صرف کنید.

**۱۸.٦**: نکته‌ی دیگر هزینه‌ای که بیان میشود این مقدار نیست دلیل آن این است که هزینه‌ی آب در مناطق دریایی اگر ٦ هزار تومان هم باشد چرا برای انتقال می‌فرمایید ۱۱ هزار تومان برای انتقال هزینه لازم است ؟ مگر انتقال‌های دیگری که صورت می‌گیرد چقدر هزینه می‌برد که در انتقال دریا این قدر هزینه لازم است؟

**۱۸.۷**: نکته‌ی دیگری از آن غافل هستیم اینکه بعد از آب رسانی سوددهی فرامی‌رسد چرا که کشاورزی و صنعت و ساخت‌وساز با آب رونق می‌گیرد و آن چیزی که بنده برای آینده‌ی آب می‌بینیم صنعتی بزرگ و سودآور است که صدها برابر نفت سود خواهد داشت، چرا که ما می‌توانیم علاوه بر استفاده‌ی داخلی آب را صادر کنیم و از این راه سود به دست بیاوریم کما اینکه هم اکنون همان‌گونه که در کلمات آقای جهانگیری نیز بود دولت به فکر خرید آب از کشور افتاده که به علت مشکلات مالی و قیمت بالا کاری از پیش نرفته است و باید بدانیم در این زمان ما نیاز شدید به آب نداریم و الا در آینده‌ای نزدیک قیمت آب بسیار بالا شود تا جایی که با لیوان آبی بتوان انسانی را خرید و فروخت، خوب اگر ما سریعاً به سمت استفاده از آب دریا حرکت کنیم می‌توانیم نجات یابیم و نجات یابیم و البته سود اقتصادی ببریم مضافاً بر اینکه ملت نیز از این آب استفاده کافی و سود سرشار را می‌برند.

حتي در صورت لحاظ کردن هزینه احداث کانال‌ها و ابنیه، دولت باید در طي یک سال تمام درآمد کشور اعم از نفت و مالیات و ... را صرف این کار کند.۱۹

**۱۹.۱**: این متن برای بنده نامفهوم است لذا ما احتمالات مختلفی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

**۱۹.۲**: اگر منظور این است که برای ساخت و اجرای پروژه پول نیست که در خود قطره‌ی ۷۳ اثبات نموده‌ایم که اگر تنها هزینه‌ی بنگاه‌های زودبازده را صرف کنند هزینه‌ی اجرای طرح کافی می‌باشد و از زمانی که طرح عملیاتی شود پول از دست رفته به واسطه‌ی رونق اشتغال در کشور بازگشت می‌کند بلکه بعد از آن است که حکومت به کارکرد اصلی خود می‌رسد، بله در شرایط فعلی که دولت ۹۰% درآمدها را صرف دولت می‌کند و ۱۰% تنها باقی می‌ماند وضعیت چنین است یعنی به هیچ عنوان دولت نتوانسته کار اقتصادی قابل‌قبولی را انجام دهد، ولی اگر آب بیاید حتماً درآمد دولت افزوده شود بلکه تازه دولت به کارکرد اصلی خود بر می‌گردد و درآمد

زا میشود و سهم مردم از زیرساخت‌های ایران نیز بیشتر گردد و مردم و ملت از فقر نجات یابند.

**۱۹.۳**: اگر منظور این است که طرح اجرایی است ولی بعد از آن برای بهره‌برداری دچار مشکل می‌شویم باز هم معقول نمی‌باشد، تنها کافیست هزینه‌ای را که دولت هر ساله صرف بنگاه‌های زودبازده می‌کند را اختصاص به آب‌رسانی دهد و هر سال همین زیرساخت اصلی کشور را کامل نماید.

**۱۹.٤**: بر این نکته تاکید می‌کنم در وضعیت کنونی دولت مجبور است در حوزه‌های مختلف هزینه کند که به هیچ عنوان هزینه‌های انجام‌شده معقول نمی‌باشد، به طور مثال دولت برای مبارزه با ریز گردها چه مقدار تا کنون هزینه نموده است؟ تنها برای مالت پاشی دولت باید دو هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان هزینه پرداخت کند (خداکرم جلالی رییس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور تاریخ ۹۵,۱۰,۲۵) که باید بگوییم این هزینه یعنی سوزاندن پول هیچ فایده‌ای ندارد چرا که در گذشته مالت پاشیدید ولی وضعیت هم اکنون چگونه است اگر دوباره این اشتباه را تکرار کنید وضعیت آینده مانند هم اکنون است، آیا وضعیت خوزستان قابل‌قبول است، استاندار جهانی ۱۵۰میکروگرم ذرات معلق بر مترمکعب است، ولی در آخرین اندازه‌گیری‌ها تا ۱۰۰۰۰ میکروگرم برآورد شده است،(به نقل از نماینده‌ی مردم خوزستان) آیا افزایش ٦٦ برابر آلاینده در شهر قابل‌قبول است؟ آیا بیماری‌های تنفسی و ... که مردم به واسطه‌ی هوای آلوده می‌بینند قابل‌قبول است؟ بنده ادعا دارم تمامی مشکلات کشور به مشکل خشک‌سالی بر می‌گردد و اگر می‌خواهید باز هم این مطلب را اثبات می‌نمایم، لازمه‌ی این حرف این است که تمامی بودجه‌ای که هم اکنون در امور دیگر هزینه میشود هدر دادن هزینه است و باید اول مشکل خشک‌سالی را حل نمود، لذا با توجه به این بحث هیچ‌گاه نمی‌توانید بالا بودن هزینه را مطرح نمایید چرا که با حل نمودن مشکل خشک‌سالی مابقی هزینه‌ها که هم اکنون هدر دادن هزینه است حل می‌گردد و به جیب دولت و ملت بازمی‌گردد، لذا با این مبنا حتی اگر باید برای هر مترمکعب ۱۵ هزار تومان هم هزینه کرد و حتی اگر برگشت نداشته باشد یابد این هزینه را انجام دهیم و دلیل آن این است که با برطرف شدن این مشکل تمامی آن مشکلات حل می‌گردد.

**۱۹.۵**: ما چگونه امروز شیرین سازی آب دریا را امری سخت میدانیم و از آب یک غول بی شاخ و دم ساخته‌ایم درحالی‌که کشورهای دیگر حتی آمریکا نه تنها از آب دریا برای عبور از بحران خشک‌سالی رو به شیرین سازی آب دریا آورده‌اند که حتی آمریکایی‌ها برای عبور از بحران آب، رو به تصفیه و شیرین سازی آب دستشوییها (توالت) آورده‌اند که برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به بحث آب در ایالت کالیفرنیا بپردازیم که اسم طرح (استفاده از آب توالت) می‌باشد.

**۱۹.۶**: سؤال دیگری که امروز باید از تمامی متخصصین حوزه‌ی آبی کشور پرسیده شود اینکه چرا در حوزه‌ی تخصصی خود تلاش نمی‌کنید و منتظر هستید تا یا از علم دیگران استفاده کنیم و یا اینکه جامعه به کام مرگ کشیده شود و آیندگان ما را محکوم کنند؟ چرا از دنیا در این عرصه پیشی نمی‌گیرید؟ اگر تخصص شما در این زمان به فریاد ما نرسد پس این تخصص چه فایده‌ای دارد؟ اگر آیندگان تمامی مشکلاتی را شما مطرح نموده‌اید را حل کنند آیا جوابی برای تاریخ خواهیم داست؟ درحالی‌که نیازی به قضاوت آیندگان نیست همین الان دانشمندان معاصر غربی مشکلاتی را که شما مطرح می‌نمایید حل نموده‌اند، سؤال من از تمامی پژوهشگران حوزه‌ی آب این است ما در زمینه‌ی آب در قرن چند میلادی هستیم؟ درحالی‌که باید در این زمینه پیشتاز باشیم چرا که ما در گذشته پیشتاز بوده‌ایم.

**روش‌های شیرین سازی**

**۱۹.۷.۱**: آیا با انرژی خورشیدی نمی‌توان به برق تبدیل نمود و از آن برای شیرین سازی استفاده نمود؟ بله یکی از نعمت‌های مملکت ما این است که نزدیک خط استوا می‌باشد و می‌توان از انرژی بدون هزینه‌ی خورشید برای تولید برق و گرما و سپس برای شیرین سازی استفاده نمود. لازم است به این مطلب اشاره‌کنیم با شدت خشک‌سالی گرما و تبخیر نیز افزایش میابد که خود این گرما نعمتی است که ما باید زودتر از دیگران آن را کشف نماییم ، آیا غیر از این است که تمامی ابرهای متراکمی را که در آسمان می‌بینیم توسط خورشید تبخیر شده است پس می‌توان از نعمت خورشید برای شیرین سازی و تولید برق می‌توان استفاده نمود، و می‌توان مزارع زیاد تولید برق خورشیدی را راه انداخت.

**۱۹،۷،۲**: آیا نمی‌توان از گاز طبیعی برای تولید برق استفاده نمود و از حرارت تولیدشده آب را هم شیرین سازی نمود و از برق ایجادشده دوباره برای شیرین نمودن آب استفاده نمود؟ چرا ما باید گاز رایگان به ترکیه صادر کنیم ولی از مردم مملکتمان برای گاز پول بگیریم از طرفی هنوز خوزستان گاز نداشته باشد؟

**۱۹،۷،۳**: آیا نمی‌توان دریاچه‌های آب شور را با آب دریا پر آب نمود و زمین و خورشید و باد به صورت طبیعتی که خدا در آن‌ها قرار داده است اقدام به شیرین کردن آب نمایند؟ شما بررسی بفرمایید از زمانی که دریاچه‌های آب شور ما خشکیده است چقدر در بی‌آب شدن قنات‌ها و آب‌های زیرزمینی ما تأثیر داشته است.

**۱۹،۷،۳**: آیا نمی‌توان از آب‌شیرین‌کن‌های صنعتی برای شیرین سازی آب دریا استفاده نمود؟

**۱۹،۷،٤**: آیا نمی‌توان از علم نانو برای ساخت فیلترهای تصفیه‌ی آب استفاده نمود؟ مگر ایران رتبه‌ی چهارم علم نانو را ندارد، چرا از این علم در شیرین سازی استفاده نکنیم و فیلترهای جدید تصفیه‌ی آب درست ننماییم؟

**۱۹،۷،۵**: آیا نمی‌توان از اورانیوم ۲۰% غنی‌شده برای شیرین سازی استفاده نمود؟ در اینجا برای روشن شدن اهمیت این موضوع باید یک بررسی انجام دهیم و آن مقایسه-ای کوتاه بین ایران و رژیم غاصب صهیونیستی است.

ایران با مساحت ۱،۶۴۸،۱۹۵کیلومترمربع (هفدهم کشور وسیع جهان) و اسرائیل با مساحت ۲۰،۷۰۰ کیلومترمربع (یکصد و پنجاهمین کشور جهان) می‌باشد (ما فعلاً با این بحث کاری نداریم که اسرائیل اصلاً کشور نمی‌باشد و آن‌ها غاصب‌اند) یعنی ایران ۷۹ برابر اسرائیل زمین دارد و جمعیت ایران حدود ۸۰ میلیون نفر و جمعیت اسرائیل ۸،۴۷۶،۶۰۰ نفر و این یعنی ایران ۹،٤ برابر اسرائیل جمعیت دارد، حال نسبت سنجی میان مساحت و جمعیت اسرائیل می‌نماییم که در هر کیلومترمربع در اسرائیل ٤۰۹ نفر زندگی می‌کنند، حال همین نسبت سنجی را در ایران انجام می‌دهیم جواب ٤۸ نفر می‌باشد پس ایران در مقایسه با اسرائیل ۷۹ برابر بزرگ‌تر می‌باشد و ۹،٤ برابر اسرائیل جمعیت دارد ولی تراکم در اسرائیل ٤۰۹ نفر در کیلومتر است ولی در ایران ٤۸ نفر در کیلومترمربع است، یعنی اگر برای هر ایرانی ۸،۵ متر زمین برای زندگی وجود داشته باشد در اسرائیل برای هر نفر یک متر زمین وجود دارد پس به همین

تناسب باید وضعیت مسکن و صادرات و معیشت ۸,۵ برابر سخت‌تر باشد مخصوصاً اینکه بدانیم ذخایر منابع طبیعی ایران از قبیل معدنی‌ات و خاک و نفت و گاز و ... بی‌بدیل است ولی در فروشگاه‌های مواد غذایی اروپا، به دفعات زیاد می‌توان محصولاتی را دید که روی بسته‌بندی آن‌ها، کشور تولیدکننده را اسرائیل درج کرده است در حالی اسرائیل به اندازه یکی استان‌های کوچک ما می‌باشد تقریباً به اندازه‌ی استان زنجان می‌باشد .بیش از شصت درصد از مساحت سرزمین‌های اشغالی بیابانی و نیمه بیابانی است و با وجود اینکه حتی یک رودخانه بزرگ هم در این کشور وجود ندارد چطور با وجود این همه بیابان و خشک‌سالی مفرط در خاورمیانه، محصولات کشاورزی که همگی محصولاتی هستند که به آب فراوان نیاز دارند، تولید کرده و به سایر نقاط دنیا صادر می‌کنند؟ مسئله زمانی جالب‌تر و گیج‌کننده می-شود که توجه کنیم این رژیم تا پنجاه سال پیش برای تضمین تأمین آب شرب خودش، سرزمین‌های جنوب لبنان و بلندی‌های جولان سوریه را اشغال کرد تا به سر شاخه‌های دو رودخانه فصلی تسلط کامل داشته باشد! اما امروزه با کمال تعجب شاهد آن هستیم که آن‌ها در صحرای بی‌آب و علف نقب در قلب سرزمین‌های اشغالی، در بر بیابان، واحدهای پرورش ماهی احداث کرده‌اند و طبق آمار شرکت‌های فعال در این زمینه، سود بسیاری هم از فروش محصولات شیلات خود برای مصرف داخلی و صادرات مازاد آن به سایر کشورهای دنیا کسب می‌کنند! ولی در عوض کشور ما به جایی رسیده که حتی شتر و کنجاله و گندم و برنج و چای و پرتقال را از خارج تأمین می‌کند درحالی‌که باید بر عکس باشد همین جریان را در مقایسه‌ی ایران با سایر کشورها نیز می‌توان انجام داد مانند مقایسه‌ی ایران با هلند، جواب در آب و شیرین سازی آب است حقیقت این است ما مشکل آب را حل نکرده‌ایم و حتی در حال خشک کردن کشور خود هستیم ولی آنان مشکل آب را حل کردند، اسرائیل یکی از بزرگ‌ترین نیروگاه‌های هسته‌ای آب شیرین‌کن دنیا را در کنار دریای مدیترانه در منطقه‌ی سورک (Sorek) احداث کرده است که ظرفیت شیرین سازی ٦٢٤ هزار مترمکعب آب در روز را دارد که معادل با حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب در سال می‌باشد (طرح اولیه برای ۱۵۰ میلیون مترمکعب آب برنامه‌ریزی شده بود که در طرح نهایی به ۲۳۰ میلیون مترمکعب ارتقا پیدا کرد). تأسیسات آب‌شیرین‌کن سورِک در ۱۵ کیلومتری جنوب تل‌آویو در اکتبر سال

۲۰۱۳ عملیاتی شد و روزانه توانایی املاح زدایی ٦٢٤ هزار متر مکعب آب دریا را داراست که بزرگ‌ترین نیروگاه املاح زدایی در کل دنیا محسوب می‌شود. ساخت این نیروگاه از ژانویه ۲۰۱۱ آغاز و با هزینه ٤۰۰ میلیون دلار به اتمام رسید. خوب سؤال این است آیا ما نمی‌توانیم آب‌شیرین‌کن هسته‌ای داشته باشیم؟ آیا باید باز هم بهانه بیاوریم؟ اگر اسرائیل غاصب می‌تواند ما هم می‌توانیم اگر او یکی دارد ما باید ده عدد داشته باشیم در مقایسه با جمعیت و یا باید ۷۹ عدد داشته باشیم در مقایسه با مساحت.

بنده به عنوان شاگرد مکتب اسلام ناب اعلام می‌کنم در اینجا هیچ بهانه‌ای مورد قبول نیست، کسی که باید جواب سوالهای مطرح‌شده‌ی شما را بدهد بنده‌ی طلبه نبودم و نیستم اما جواب تمامی مسائل شما را می‌دهم و راه بهانه‌ای باقی نمی‌گذارم و اعلام می‌دارم یا مشکل آب را از طریق دانشگاهی خود حل کنید که جای هیچ بهانه‌ای وجود ندارد و اگر میگویید سخت است و ... با طرق غیرعادی حل می‌کنیم و اگر هیچ‌کدام را قبول نمی‌کنید ما جواب آیندگان را نمی‌توانیم بدهیم و لعن و نفرین آنان را نیز نمی‌توانیم بشنویم، اگر دانشگاه‌های ایران با این همه طول و عرض نتواند مشکل آب ایران را سریعاً حل نماید پس چه فایده‌ای دارد؟ اگر ایرانیان از عربستان و اسرائیل و آمریکا که سه ضلع دشمنی ما هستند در برآورده کردن نیاز آب مانده‌اند چگونه ادعای مبارزه و جنگ با آنان را داریم؟ ما اعلام می‌کنیم رشد علمی ٤,٤% داریم و جزء ٤ کشور اول دنیا هستیم و در آمار منتشرشده اسمی از عربستان و اسرائیل دیده نمی‌شود آن وقت چگونه است که در مبحث آب که یکی از زیربنایی‌ترین امور است از کشورهای بسیاری مانند عربستان وهابی و اسرائیل غاصب یهودی عقب‌افتاده باشیم تا جایی که آقای جهانگیری عنوان کنند که باید به فکر وارد آب باشیم؟ (آقای جهانگیری: ممکن است نیاز باشد تا آب شرب مورد نیاز کشور از بیرون از مرزها یا انتقال از طریق خلیج‌فارس و دریای خزر انجام شود؛ این در حالی است که در بسیاری از کشورها آب شرب مورد نیاز از طریق دریاها و آب‌شیرین‌کن‌ها تأمین می‌شود.١٣٩٦,٠٦,١٤ )

اینجا بر این نکته تاکید می‌کنم، نمودارهای خشکی و خشک‌سالی و پایین رفتن آب زمین و بالا رفتن گرمای هوا و تبخیر شدن آب و خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه و

دریاچه‌ها و ... را سال به سال مقایسه کنید و میابید که نمودار از این سال شیب بسیار تندی پیدا کرده است و هر سال از سال قبل بدتر میشود و خود شما هم میدانید که راه نجات‌بخش برای ایران ندارید، حال این سؤال را مطرح می‌کنم : شش سال آینده‌ی وضعیت آبی ایران چگونه است و در آن زمان برای حل بحران آب آیا راهی داریم یا خیر؟ اگر در آن زمان اسرائیل اعلام کند که: ای مردم ایران ما مشکل آب ایران را حل می‌کنیم به شرط اینکه ... چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا با این وضعیت ما می‌توانیم غذای ایرانیان را تأمین کنیم؟ با چه پولی می‌توانیم واردات انجام دهیم؟ مردم ما از کجا پول بیاورند تا غذا تهیه کنند؟

**فروپاشی شوروی**

لازم است در اینجا به مسئله‌ی فروپاشی شوروی نیز اشاره‌ای داشته باشیم و ببینیم: چرا شوروی دچار فروپاشی گردید؟ دولت‌های کمونیستی اروپای شرقی قادر نبودند برای شهروندان خود استانداردی از سطح زندگی را فراهم آورند که با جهان غرب قابل مقایسه باشد. مسئله‌ای که اکثر محققان بر آن متفق‌القول هستند که عامل اصلی، نارضایتی‌های گسترده‌ی اواخر دهه ۸۰ در آن کشورها بود. هنگامی که ساکنان شرق مجبور بودند تا ساعت‌ها در صف غذا و محصولات مصرفی خود منتظر بمانند، دوره‌ای که مجبور بودند در آپارتمان‌های ترسناک و بی‌روح زندگی کنند، زمانی که در تلویزیون، آمریکایی‌ها و ساکنان اروپای غربی را می‌دیدند که سوار بر ماشین‌های گران‌قیمت با لباس‌هایی شکیل در حال گذران زندگی هستند، و این امور موجب نارضایتی‌های عمومی در ۱۹۸۹ را ایجاد نمود . واضح است که مردم از وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور رضایت نداشتند. نارضایتی‌هایی که منجر به شورش‌هایی پراکنده شد. سیستم اقتصادی شوروی مبتنی بر دو رکن بیشتر نبود؛ یکی فروش نفت و دیگری اقتصاد کشاورزی و اقتصاد شوروی رکود پیدا نمود و در نهایت به فروپاشی آن انجامید. سؤالی دیگری که به صورت شفاف جواب داد نشده این است که چه شد که شوروی در اقتصاد و کشاورزی به آنجا رسید که مردم در نان خود دچار مشکل شدند آیا شوروی نمی‌توانست مشکل کشاورزی خود را حل نماید، بله می‌توانست و دلیل عمده‌ی این مطلب این است که روسیه بعد از فروپاشی شوروی به صادرکننده‌ی اول محصولات غله تبدیل شد درحالی‌که در زمان شوروی سابق در سال ۱۹۹۱ مردم با کوپن نان تهیه

می‌کردند، به عقیده‌ی بنده به صورت عادی این جریان در ایران در حال تکرار است تا ایران را با همان الگوی تجزیه و فروپاشی شوروی دچار تجزیه کنند و بعد از سر کار آمدن نظامی که به دنبالش هستند کارها را سامان دهند، (راه خنثی‌سازی این نقشه آب‌رسانی سریع است) لذا برای بنده که میدانم در صورت نبود آب چه اتفاقی برای ملت می‌افتد و از طرفی میدانم که چگونه می‌توان امور را سامان داد نمی‌توانم ساکت نشسته و برای اصلاح امور تلاش نکنم. بله اگر ژاپن، اسرائیل و ... راکتور آب‌شیرین‌کن هسته‌ای دارند چرا ما نداشته باشیم، آیا همین ژاپن نبود که در جنگ جهانی دوم همه‌ی زیرساخت‌های خود را از دست داد ولی با تمامی محدودیت‌ها امور خود را سامان داد؟

**۱۹،۷،۶**: آیا با روش‌های طبیعی مانند پرورش جلبک‌ها نمی‌توان اقدام به شیرین سازی آب نمود؟

**۱۹،۷،۷**: آیا با روش‌های متعددی نمی‌توان جریان الکتریسیته را از آب شور رد نمود و باعث جداسازی املاح از آن شد مانند شوک الکتریکی؟

**۱۹،۷،۸**: اگر مشکل تنها در نحوه‌ی شیرین سازی است چرا اقدامات ساخت زیرساخت‌های انتقال آب را سریعاً دنبال نمی‌کنیم تا راه آسان و ارزان آن را هم در آینده‌ی نزدیک پیدا نماییم؟

بله از تمامی راه‌ها میشود و تمامی امکانات و شرایط را هم دارا هستیم.

**۱۹ هزینه‌ی شیرین سازی که بحث شما در هزینه است:**

۱۹،۱: اگر برای استرالیا، امریکا، انگلیس، چین، عربستان، اسپانیا، هند، امارات متحده عربی و حتی بحرین و بسیاری از کشورهای دیگر که آب دریا را شیرین می‌کنند مقرون به صرفه هست برای ما هم باید باشد، ۷۵۰۰ کارخانه شیرین‌کننده آب دریا در جهان وجود دارد که ۶۰ درصد این کارخانه‌ها در خاورمیانه هستند ۷۰ درصد آب مصرفی عربستان از این کارخانه‌ها به دست می‌آید. عربستان کارخانه‌های بزرگ شیرین سازی آب دریا را دارد که روزانه ۵۸۰ میلیون لیتر آب قابل شرب از دریا استحصال می‌کند. ۷۰% آب مصرفی این کشور از این کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن به دست می‌آید.

اگر کارشناسان و متخصصان امروز در ایران از توانایی پایین تری برخوردار هستند اعلام نمایند.
چگونه است برای تمامی کشورها مفید و مقرون به صرفه باشد و تنها برای ما که در خطر نابودی هستیم مشکل هزینه دارد:
باید نگاهی کوتاه به کشورهای اطراف داشته باشیم:
قزاقستان ۳۹ میلیون مترمکعب آب خزر را برای مصارف نیروگاه حرارتی، گردشگری، کشاورزی، شرب و صنایع سنگین با استفاده از ۴ واحد نمک‌زدایی شیرین می‌کند و در نظر دارد این حجم را تا ۱۴۰ میلیون مترمکعب افزایش دهد.
ترکمنستان و آذربایجان نیز که درحال‌حاضر به ترتیب حدود ۱۷ و ۴ میلیون مترمکعب آب را شیرین می‌کنند، در نظر دارند این حجم را به ۲۵ و ۷ میلیون مترمکعب افزایش دهند.
آیا ما از تمامی کشورهای همسایه پایین‌تر هستیم؟ حتی از بحرین و عربستان و ترکمنستان و آذربایجان و قرقیزستان و ...
طبق برنامه‌ریزی‌ها، این ظرفیت تا پایان برنامه ششم باید به روزانه یک میلیون مترمکعب افزایش یابد، اگر مقرون به صرفه نبوده چرا برنامه‌ریزی کرده‌اند؟ اگر لازم و ضروری و مقرون به صرفه بوده چرا بهانه میاوریم؟
**۱۸.۲**: شما چرا هزینه‌ی شیرین سازی را این قدر بالا نام می‌برید؟ آقای فهمی قیمت تمام‌شده‌ی آب شیرین را پای تأسیسات ۳۵۰۰ تا ۴ هزارتومان برای هر مترمکعب می‌داند. خوب آنچه ما شاهد هستیم اینکه در کیش، قشم، هرمز، تنب‌های کوچک و بزرگ ... آب تأمینی را به وسیله‌ی آب‌شیرین‌کن از دریا تأمین می‌کنند، اگر در آنجا میشود چرا برای تمام کشور نشود؟

> بنابراین لازم به توضیح بیشتر نیست که چنین طرح‌هایی قرار نیست مشکل آب کشور را در سطحي که جناب آقاي بهرامي در نظر دارند رفع کند. در این حالت فقط باید انتظار داشت که بتوان آب شرب را نواحي بسیار حساس برآورده کرد و این کار نیز باید با توجه به مدیریت مصرف انجام شود.[۲۰]

**۲۰.۱**: اتفاقاً توضیح بیشتر لازم است؟ بفرمایید شما چه طرحی برای نجات کشور دارید؟ اگر طرح عظیمی با این حجم انتقال آب نتواند مشکل کشور را حل نماید، چه طرح جایگزینی می‌تواند کشور را نجات دهد؟(دقیقاً ما برنامه‌ی شما را برای بحران آب می‌خواهیم بدانیم تا نظر دهیم و البته در قبل خودمان برنامه‌های شما را بیان نموده و نقد نموده‌ایم) و چرا در هنگام کلنگ زدن طرح‌های انتقال آب دریا به استان‌ها چنین اشکالاتی را مطرح ننمودید؟

**۲۰.۲**: نکته دیگر که توجه نشده است: چگونه می‌توان با اصلاح الگوی مصرف در مناطق حساس آن مناطق را نجات داد؟ آیا ما می‌خواهیم مردم را بجایی برسانیم که فقط آب برای شرب داشته باشند؟ آیا مردم احتیاج به کشاورزی و صنعت و ساخت‌وساز ندارند؟ آیا روستاهای ما که از ٦٩% به ٢٩% رسیده به خاطر این بود که آب شرب نداشتند یا به خاطر این بود که آب برای رونق اشتغال نداشتند؟ اگر شما برای منطقه‌ای از کشور تنها آب شرب داشته باشید می‌توانید در آنجا زندگی کنید؟ آیا برای استحمام آب نیاز ندارید؟ این تفکر تمامی مناطق را دچار مشکل می‌کند چرا که مردمی که آب برای کار نداشته باشند محل سکونت خود را رها می‌کنند که به محل‌هایی میایند که آب کافی وجود دارد و آنجا نیز به علت هجوم و ازدحام به مشکل بر می‌خورد و در نتیجه همه جا به مشکل بر می‌خورد.

**۲۰.۳**: بررسی این نکته ضروری است که مدیریت مصرف و فرهنگ‌سازی و ... اگر چه واقعاً لازم است و باید انجام شود ولی نه عملی شده و نه عملی میشود و تنها شانه خالی کردن از تکلیفی است که به گردن داریم، بله شما آب مورد نیاز مردم را تأمین کنید تا برای صنعت و کشاورزی و ساخت‌وساز آب داشته باشند بعد به فکر مدیریت مصرف باشید و الا همه‌ی مردم وقتی به ناچاری رسیدند خودشان بهترین مدیریت را انجام می‌دهند و در اینجا مدیر و مسئولی لازم نیست که بیاید و بگوید شما مثلاً یک لیتر آب دارید لذا برای زنده ماندن خود این یک لیتر را هدر ندهید تا زنده بمانید، مدیریت مصرف را مدیران ما باید از مردم فقیر و تهی‌دست یاد بگیرند و احتیاجی نیست که به این مردم مدیریت الگوی مصرف را یاد بدهیم، امروز یکی از خشک‌ترین نقاط کشور تهران است و یکی از پرمصرف‌ترین نقاط کشور نیز تهران است که این شهر به گونه‌ای اداره میشود که انسان فکر می‌کند اصلاً خبری از خشک‌سالی وجود

ندارد و بارش‌ها در حد نرمال و مطلوب است، اگر می‌خواهید واقعاً مدیریت الگوی مصرف کنید، بجای اینکه آب را صرف چمن‌ها و سبزه‌زارهای و فواره‌های تهران کنید تا مردم شاد زندگی کنند فکر کنید، آب این چمن‌ها و سبزه‌زارها از کجا تأمین شده است و در قبال این سبزی چه درختانی که خشک شدند و آب آن درختان به غصب به تهران انتقال پیدا نمود، لذا بجای شانه خالی کردن در رشته‌ی تخصصی خود به داد این مردم برسید.

**۲۰،٤**: یکی از منابع آبی تهران سد قزوین است، خود قزوین که از مناطق حاصلخیز ایران بوده در خشک‌سالی قرار دارد آن وقت شما آب را به تهران میاورید، آیا در حق مردم قزوین ظلم نمی‌کنید؟ آیا نفرین قزوین تهران را گرفتار نمی‌کند؟ چرا تهران خشک را اصرار دارید شهری زیبا و آباد نشان دهید درحالی‌که این‌گونه نیست، اگر شما اصرار بر اصلاح الگوی مصرف و مدیریت و فرهنگ‌سازی در مناطق خشک و تأمین آب شرب دارید خوب این کار را در تهران انجام دهید، در این صورت مردم تهران فقط باید آب شرب داشته باشند و این چیزی است که برای دیگران خواسته بودید، شما آب قزوین را به تهران آورید و قزوین را دچار خشک‌سالی نمودید و از طرفی مردم شاد روستا که روستای خود را ویرانه دیدند با ذلت به شهر آمدند و شما عملاً با توسعه‌ی تهران هم تهران و تمام کشور را از توسعه بازداشتید، اگر چه من قصد ندارم در این جوابیه با لسان دین سخن‌گویم و تمرکز بر این دارم که با علوم شما جواب را گویم ولی کوتاه اشاره‌ای می‌کنم که حجت تمام باشد، بردن آب مردم دیگر بجای دیگر در صورت نیاز آن مردم و ناراضی بودن غصب است و غصب حرام، درختان و باغداران نفرین کرده‌اند و نفرین در حال نزول است پس سریعاً امور را اصلاح نمایید، آب چمن‌های تهران از اشک چشمان فقرا و باغدارانی است که از گلوی ناتوان خود صدایی بیرون نمی‌اید و این سکوت را خدا می‌شنود.

۲۰،۵: منظور شما از نواحی حساس کجاست؟

آیا تمامی نیمه‌ی شرقی کشور حساس است؟

آیا مناطقی که هزار سال آباد بوده‌اند و هم اکنون در حال خشک شدن هستند حساس هستند؟

آیا مناطق پر جمعیت حساس است؟

آیا هر منطقه‌ای که دچار خشک‌سالی شده است حساس است؟
آیا هر منطقه‌ای که آب شرب ندارد حساس است؟
آیا هر منطقه‌ای که دچار خشک‌سالی کشاورزی شده است حساس است؟
آیا هر منطقه‌ای که آمادگی توسعه دارد ولی به دلیل خشک‌سالی شهر مرده شده است حساس است؟
آیا هر منطقه‌ای که به علت نبود شغل در حال خالی شدن از سکنه است حساس است؟
آیا هر دشتی که به علت نبود آب در حال فرو رفتن زمین است حساس است؟
اگر قرار هست هر منطقه‌ای که در خشک‌سالی است تنها آب شرب آن منطقه را تأمین کنید و با مدیریت الگوی مصرف آنجا را نجات دهید پس در ابتدا باید تمامی شهرهای کلان را به جایی برسانید که تنها آب شرب مصرف کنند چرا که تمامی شهرهای کلان در خشک‌سالی هستند، پس بسم الله از تهران شروع کنید آب تهران را قطع کنید و آب را از شهرهای دیگر به آنجا نیاورید و آب را در تهران جیره‌بندی کنید و تنها به اندازه‌ی آب شرب در اختیار مردم قرار دهید، چه لزومی دارد آب تهران از دماوند و قزوین و کرج تأمین شود و مردم تهران در رفاه کامل همه امکانات داشته باشند و مردم شهرهای دیگر در خشک‌سالی خشک شوند؟

۳- در متن پیشنهادیه ذکرشده است که یکي از تفاوت‌هاي این طرح با سایر طرح‌هاي در دست مطالعه آن است که قادر به آب‌رساني به تمامي شهرها و روستاهاست، (مثلاً ذکرشده طرحي که در مجلس در دست بررسي است، تنها آب‌رسانی به شهرها را مدنظر دارد). آیا قرار است تمامي سطح کشور پر از لوله و کانال شود؟ ۲۱

**۲۱.۱**: تفاوت‌های بسیاری طرح ما با طرح مشابه مجلس دارد و تفاوت مانند تفاوت آب با سراب است، یکی از تفاوت‌ها تفاوت در سرعت و حیطه‌ی عملی آن است و ارائه‌ی الگوهای مدیریتی است.

**۲۱.۲**: بله ما مأموریم عدالت اجتماعی را در تمام شئون رواج دهیم، قرار است تمامی کشور امکانات به صورت عادلانه تقسیم شود، معنایی ندارد که خوزستان آب قم را تأمین کند ولی نخل‌ها و باغ‌های آنجا از تشنگی بسوزد و در عوض در قم پارک احداث

شود، قرار نیست تهران از گاز خوزستان استفاده کند ولی خود خوزستان گاز کشی نشده باشد، قرار نیست برای آبادانی تهران نفت را تا ۱۵ کیلومتری تهران بیاوریم ولی آب شرب خوزستان و خرمشهر و ... تأمین نشده باشد. اگر برای آبادانی همه را جا را جاده کشی می‌کنیم، راه‌آهن می‌کشیم، برق و تلفن و گاز می‌کشیم کاملاً غیرعاقلانه است آب‌رسانی نشده باشد تا هم اکنون هم اقدامات محکوم است که ما جاده و برق و ... کشیدیم ولی به علت نبود آب همه جا را خالی از سکنه کردیم، لذا شما باهر راهی که می‌توانید آب را برسانید اگر راهی جز لوله و کانال نداریم بله همه جا را باید لوله‌کشی و کانال‌کشی کنیم.

این کار را شاید بتوان در یک مزرعه یا دشت انجام داد، ولي براي كل كشور اين كار ابداً ممكن نيست. حتي در مورد جاده‌ها نيز امكان عبور از هر نقطه‌اي وجود ندارد. كانال آب يا لوله كه قرار است روي زمين يا زير آن احداث شود، سيم يا دكل برق نيست كه بتوان در هر نقطه احداث كرد و از روي تمام اراضي عبور داد. ۲۲

**۲۲.۱**: چگونه یک متخصص می‌تواند چنین حرفی بزند درحالی‌که نمونه‌ی لوله‌ای آن برای نفت و گاز سال‌هاست درون کشور در حال اجراست، بله ما نمی‌خواهیم آب را تا بالای قله‌ی دماوند ببریم ولی باید آب را تا تمامی روستاها و زمین‌ها برسانیم. اگر توانستیم بقیه‌ی امکانات را برسانیم آب را هم می‌توانیم، ما ایرانیان زمانی که نه از دانشگاه و تجهیزات صنعتیِ کَند و کاو خبری بوده از سه هزار سال پیش دارای طولانی‌ترین قنات‌ها بوده‌ایم حال چه شده برای اجرای کانال با این همه امکانات این‌گونه سخن میگوییم؟ آیا مردمی که کلاه نمدی به سر داشته و بیل و کلنگ در دست داشته‌اند و صدها کیلومتر قنات کنده‌اند به ما که لودر و بولدوزر و ... داریم نمی‌خندند؟ ما قنات‌هایی داریم که حتی از دوره ساسانیان تا کنون کاربرد داشته و باعث افتخار ما شده است ما برای آیندگان خود چه اثر باارزشی را قرارداده‌ایم که بتوانیم به آن مباهات نماییم؟

٤ نویسنده هیچ گونه جزئیاتی در مورد روش، مکان و حجم شیرین سازی آب ارائه نداده است که ضروری است ارائه گردند. ۲۳

**۲۳.۱**: آن چیزی که مهم است اراده‌ی جدی برای عملی نمودن کار است و ما تنها قبل از شروع کار می‌توانیم موتور محرکی باشیم برای ضرورت و اجرایی نمودن کار و به هیچ عنوان نمی‌توانیم تمامی جزئیات را ذکر نماییم، جزئیات بعد از شروع کار حل و فصل میشود.

**۲۳.۲**: روش کار برای به نتیجه رسیدن مسئله این‌گونه است که در ابتدا بعد از اینکه تصمیم گیران کلان کشور به این نتیجه رسیدند که به هر صورت که شده باید برای حفظ تمامی دستاوردهای حال و گذشته و رسیدن به قله‌های پیش رو آب‌رسانی انجام گردد و باید تمامی شئون مملکت اولویت اول را صرف آب‌رسانی کنند، و تمام پروژه-های غیرضروری را متوقف کنند و کلنگ پروژهی جدیدی را نزنند، هیئت اولیه مشخص می‌شوند و تمامی قدرت و توان صرف برنامه‌ریزی برای انجام این پروژه می‌گردد، تمامی مقدمات در ستاد مرکزی تصمیم‌گیری آماده می‌گردد و هماهنگی‌های لازم انجام می‌گردد، بعد از آن دوازده تیم مهندسی برای دوازده خط انتقال آب تعیین می‌گردد و این دوازده تیم هر کدام مأموریت پیدا می‌کنند ۳۰ تیم را برای هر شعبه انتخاب نمایند که هر تیم شامل ٦۰ مهندس می‌باشد، پس در این صورت تعداد ۳٦۰ تیم به همراه رابط‌ها با گروه اولیه برنامه‌ریزی تکمیل می‌گردد و هر تیم کوچک نظرات خود را برای اجرایی نمودن پروژه به صورت مرتب و دائمی به تصمیم گیران بالادست ارائه می‌دهند تصمیمات بالادست نیز نظر نهایی را بعد از بررسی به تیم‌های پایین‌دست ارائه می‌دهند در حقیقت یک مهندسی هرمی می‌باشد که از بالا دستور میاید و از پایین پیشنهاد، مهندسان بالادست پیشنهادها را بررسی می‌نمایند و مشکلاتی که از پایین‌دست می‌رسد را حل می‌نمایند و مهندسان پایین‌دست دستورات بالادست را اجرایی می‌کنند و پیشنهاد می‌دهند به این صورت ما سریعاً می‌توانیم نقشه‌ی عملیاتی اجرایی پروژه و مشکلات را در بیاوریم که این کار به سرعت هم انجام می‌گیرد نهایتاً بعد از گذشتن یک ماه از ایجاد اولیه‌ی هسته‌ها آنچه باید ۱۰۰% بر روی خاک و زمین انجام گردد در آورده شده و کار را شروع می‌کنیم در اینجا عوامل اجراییِ شروع به کار، از ۳٦۰ نقطه کار را شروع می‌کنند و در حین انجام کار ادامه‌ی نقشه‌ی اجرایی تکمیل می‌گردند که ما به این صورت هم در حال تعیین عملیات اجرایی و نقشه‌برداری هستیم و هم در حال انجام کار می‌باشیم، ما

در انجام چنین پروژه‌هایی به هیچ عنوان نمی‌توانیم در ابتدا تمامی جزئیات را مشخص نماییم و بعد شروع به کار نماییم چرا که **اولاً**: برای ما زمان عنصر بسیار اساسی است و تا کنون نیز بسیار دیر شده است، **ثانیاً:** کلیات ابتدا و انتهای کار و بایدها و نبایدها معلوم است و جای تعلل نیست. **ثالثاً:** لزومی ندارد ما نقشه را به صورت کامل داشته باشیم و بعد شروع به کار نماییم، **رابعاً:** این پروژه آن قدر جزئیات دارد که تنها با یک جهاد به تمام معنی می‌توانیم کار را انجام دهیم، ما اگر ۳۶۰ تیم ۶۰ نفره را مأمور نماییم تا یک ماه مطالعات را انجام دهند به این معنی است که پنج میلیون و دویست و دوازده هزار و هشت صد ساعت کار مهندسی قبل از انجام پروژه انجام گردیده است و در طول زمان انجام پروژه نیز در هر ماه همین مقدار کار مهندسی در حال انجام است و مطمئناً این مقدار کار مهندسی برای این پروژه کافی می‌باشد و چه بسا زیاد هم می‌باشد؛ به عبارت دیگر ما برای هر ۵۰ کیلومتر که در حقیقت یک پروژه است ۶۰ مهندس داریم که این مهندسان کار را از یک ماه قبل شروع کرده‌اند و مطالعات را انجام می‌دهند و بعد از مطالعات گروه اجرایی اجرا می‌کنند و این روند مطالعه و اجرا تا اتمام پروژه ادامه دارد.

**۲۳.۳**: در مورد مکان نیز مطلب روشن است پروژه‌های کلنگ زنی شده را باید سریعاً تکمیل کرد و هیچ پروژه‌ی دیگری را شروع نکرد مگر اینکه در جهت تکمیل پروژه‌ی آب‌رسانی باشد، مثلاً احتیاجی نیست ما در این شرایط پروژه‌ی تولید فولاد در کرمان را تصویب کنیم، بلکه سریعاً باید پروژه‌ی آب کرمان را تکمیل کنیم و اگرمی خواهیم پروژه‌ی جدیدی را اجرایی کنیم تنها باید در جهت آب باشد مثلاً باید پروژه‌های جدید شیرین سازی آب را شروع نماییم.

**۲۳.٤**: در مورد حجم شیرین سازی آنچه بدیهی است هر چه بتوانیم حجم بیشتری انجام دهیم بهتر است و به مرور زمان باید مجهز تر شویم لذا در ابتدا تمام ظرفیت را به این مسئله معطوف می‌داریم و در آینده ظرفیت‌ها را بیشتر می‌کنیم.

همچنین بزرگ‌ترین دستگاه آب‌شیرین‌کن دنیا در ریاض عربستان حداکثر ظرفیتی حدود ۷۳۰ هزار مترمکعب در روز دارد. لذا بنظر می رسد در این طرح قرار است ارقام بسیار بزرگتر در حد چند میلیاردمترمکعب در سال شیرین سازی آب صورت گیرد. ۲٤

**۲٤.۱ :**مقایسه ایران و عربستان

| موارد | ایران | عربستان | نتیجه |
|---|---|---|---|
| جمعیت | ۸۰ میلیون نفر | ۳۱ میلیون و پانصد هزار نفر | ایران ۲,۵ برابر عربستان جمعیت دارد |
| بیکار | ۳,۳٦٦,۹۷۳ نفر یعنی ۱۲,٦% از افرادی که می‌توانند شاغل باشند | نرخ بیکاری در عربستان ٥,٦ می‌باشد | یعنی ایران ۲,۲۵ بیشتر از عربستان بیکار دارد |
| نرخ رشد علمی | سهم جهانی در سال دو هزار و شانزده، ۱,۸ می‌باشد | سهم جهانی در سال دو هزار و شانزده، ۰,٤ می‌باشد | یعنی ایران ٤,٥ برابر رشد علمی دارد ولی با مقایسه جمعیت و تناسب سنجی ایران تقریباً دو برابر رشد علمی بیشتر دارد |

| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | |
| برابری پول | ۴۷,۰۰۰ ریال معادل ۱ دلار | ۱۲,۷۳۰ ریال معادل ۱ ریال عربستان | یعنی با ۳,۶ ریال عربستان می‌توان یک دلار خرید ولی با پول ایران باید ۴۷,۰۰۰ ریال بپردازیم تا یک دلار بخریم |
| صادرات نفت ولی متغیر می‌باشد | ۳,۹۵۰,۰۰۰ در روز | ۷,۵۰۰,۰۰ بشکه در روز | یعنی عربستان ۱,۸ برابر ایران تولید نفت دارد |
| درآمد نفتی بدون هزینه‌ی تمام‌شده که تقریباً هزینه‌ی تمام‌شده‌ی هر بشکه نفت ۱۰ دلار می‌باشد | بر اساس بشکه‌ای ۵۷ دلار ۱,۰۵۸,۲۰۵,۰۰۰,۰۰۰ تومان در روز یعنی ۱۹۹,۵۰۰,۰۰۰ دلار یعنی به ازای هر ایرانی ۲,۴ دلار در روز یعنی ۱۳,۲۰۰ تومان در روز یعنی ماهانه به ازای هر ایرانی ۳۹۶ هزار تومان | بر اساس بشکه‌ای ۵۷ دلار ۲,۰۰۹,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان یعنی ۴۲۷,۵۰۰,۰۰۰ دلار یعنی به ازای هر عربستانی ۱۳,۷ دلار یعنی ۶۴۸۰۰ تومان در روز یعنی ماهانه به ازای هر عربستانی ۱,۹۴۴,۰۰۰ هزار تومان | یعنی بر اساس الگوی جمعیت ایران آلان باید ۱۸ میلیون و هفت صد و پنجاه هزار بشکه صادرات داشته باشد یا اینکه عربستان باید یک میلیون و هشت صد و پنجاه میلیون بشکه تولید داشته باشد طبق |

| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | مقایسه عربستان ٤,٥ برابر تولید بیشتر دارد و اگر عربستان را معیار بگیریم ایران ٤,٧ کمتر تولید دارد |
| تبدیل آب دریا | در مناطق ساحلی جنوب و شمال کشور ۵۵ واحد تأسیسات نمک‌زدایی با مجموع ظرفیت ۱۲۸,۷ هزار مترمکعب در روز در حال کار بوده است، نخستین تأسیسات نمک‌زدایی آب کشور، در سال ۱۳۴۰ فراهم آمده است | ۷۳۰ هزار مترمکعب در روز ، به عقیده‌ی بنده یکی از علل پشت پرده‌ی حمله‌ی عربستان به یمن دستیابی به آب‌های آزاد بیشتر می‌باشد تا هزینه‌ی تمام‌شده‌ی شیرین سازی را پایین آورد | یعنی اگر مقیاس را عربستان بگیریم عربستان ٥,٦ برابر ایران شیرین سازی دارد و در حالی در مقایسه ایران با عربستان ایران باید یک میلیون و هشت صد و بیست و پنج هزار لیتر در روز شیرین سازی داشته باشد یعنی اگر هم اکنون ما ظرفیت را ١٤ برابر کنیم تازه با عربستان برابر می‌شویم، |

| | | | |
|---|---|---|---|
| | | | همین جا لازم است مقایسه نسبتی با نفت را هم به میان بکشیم که کسی نگوید نفت بیشتر می‌فروشند و آب بیشتری شیرین می‌کنند. |
| مساحت | ۱،۶۴۸،۱۹۵کیلومترمربع | ۲،۱۴۹،۶۹۰ کیلومترمربع | یعنی عربستان ۱,۳ از ایران بزرگ‌تر است |
| تراکم | ٤٨ نفر در هر کیلومترمربع در ایران | ١٤,٤ نفر در هر کیلومترمربع در عربستان | یعنی تراکم در ایران ۳,۲ بیشتر از عربستان است یعنی اگر به ازای هر عربستانی ۳,۲ متر زمین وجود داشته باشد برای هر ایرانی ۱ متر زمین وجود دارد |

نتیجه

**<u>۲٤.۱</u>**: چه عاملی باعث شده که ما از عربستان وهابی عقب‌افتاده باشیم؟ آیا آنان تمدن قوی‌تری دارند؟ آیا آنان علم بیشتری دارند؟ آیا در میان آنان دانشمندان نامی

مانند بوعلی و شیخ مفید و خواجه نصیر و شیخ بهایی وجود دارد؟ آیا آنان مکتب قوی تری دارند؟ آیا رشد علمی آنان بالاتر است؟ آیا آنان تکنولوژی هسته‌ای را بومی کرده‌اند ولی ما خیر؟ آیا آنان دارای تکنولوژی پرتاب ماهواره در فضا هستند ولی ما خیر؟ آیا آنان در نانو پیشرفت علمی دارند ولی ما خیر؟ چرا آنان بزرگ‌ترین تجهیزات شیرین سازی آب دریا را داشته باشند ولی ما خیر؟

**۲٤,۲**: اگر آنان ۷۳۰ هزار مکعب در روز شیرین سازی دارند چرا ما دو میلیون مترمکعب در روز شیرین سازی نداشته باشیم؟

**۲٤,۳**: بله ما می‌توانیم و باید در سال به رقم میلیارد مترمکعب برسیم، در نفت از عربستان عقب‌افتاده‌ایم آیا باید در آب هم عقب بیفتیم؟ درحالی‌که ما در بخش آب اولین‌های بشریت هستیم که تنها کافی است نگاهی به قنات‌های خشکیده‌ی خود بیندازیم.

**۲٥,٤**: عربستانی که از ابتدا بیابان بود برای آباد کردن خود این مقدار آب شیرین می‌کند، کشور که ما از ابتدا آباد بود و در حال بیابانی شدن است با بهانه شانه خالی می‌کنیم، در حالی طبق تاریخ و امکانات مکتبی که داریم و دانشمندان می‌توانیم و حتماً و باید سریعاً مشکل را حل نماییم و به جایگاه اصلی خود برسیم.

ضمناً چنین حجم عظیم شیرین سازی در خشکی اگر انجام شود با توجه به حجم عظیم پساب تولیدی، خود معضل زیست‌محیطی بزرگی را موجب خواهد شد که می‌بایست در طرح نحوه رفع این مشکل توضیح داده شود. ٢٥

**۲٥,۱**: پس آب تولیدی را تمامی دنیا چه می‌کنند ما هم همان کار را انجام می‌دهیم ولی هیچ‌گاه به این بهانه نمی‌توان اصل کار را رها نمود، عربستان پس آب را چه می‌کند، آمریکا و اسرائیل پس آب را چه می‌کنند و ...، طرح‌های انتقال آب خلیج‌فارس و دریای عمان و خزر برای پس آب چه فکری کرده‌اند در این طرح هم همان انجام می‌گیرد، آب‌شیرین‌کن قشم و بندرعباس و کیش و ... با پس آب چه می‌کنند ما هم همان کار را انجام می‌دهیم

با توجه به مطالب بالا بنظر می‌رسد اینگونه موارد نیازمند مطالعات کامل فني از لحاظ برآوردهاي اقتصادي، نقاط مصرف و اولويت‌بندي صحيح است. ٢٦

**۲۶.۱**: اگر نکته‌ی مبهمی وجود دارد و یا سؤال دارید و یا جواب داده‌شده کامل نبوده بفرمایید تا جواب دهیم و الا به نظر نمی‌رسد بعد از مطالعات چیز قابل‌توجهی به دست آید، مسئله‌ی مهم در طرح هدف و ضرورت و بودجه و نحوه‌ی اجراست که تماماً معلوم است مگر اینکه کسی نخواهد کار را انجام دهد که در آن صورت هیچ کاری نمی‌توان انجام داد و الا اگر کسی ضرورت را بداند و تصمیم بر اجرایی نمودن پروژه داشته باشد در هفته‌ی اول تمامی مشکلات مرتفع میشود چرا که ٦٠ نفر سر تیم اصلی وجود دارد و ٦٠ رابط وجود دارد و دوازده تیم برای هر خط آبی وجود دارد و ٣٦٠ تیم مهندس اجرایی وجود دارد که هر تیم ٦٠ مهندس دارد ، درعین‌حال در ماه اول شروع به کار ٥,٢١٢,٨٠٠ ساعت کار مهندسی تخصصی انجام‌شده و این تازه برای شروع پروژه است و در هر ماه همین مقدار کار مهندسی نیز انجام می‌گیرد، شما خود متخصص هستید بفرمایید آیا این مقدار کار مهندسی برای انجام این پروژه کم است که اگر در مجموع حساب کنیم میشود ٦٧,٧٦٦,٤٠٠ ساعت کار مهندسی، سؤال می‌کنم شما الگویی بهتر را سراغ دارید؟

به علاوه این طرح‌ها براي مقاصد موضعي و رفع نيازهاي ضروري قابل توجيه است و فرض حل کردن کل مشکل آب کشور با این طرح اشتباه است.۲۷

**۲۷.۱**: شما اعتراف دارید که برای رفع نیازهای ضروری این طرح قابل توجیه است، پس بسم الله طرح را اجرایی نمایید تا ما شاهد باشیم که سال آینده (۹۷,۱۱,۱۷) آب به تمامی استان‌ها رسیده باشد.

**۲۷.۲**: شما می‌فرمایید این طرح برای حل کردن مشکل کل کشور اشتباه است، سؤال می‌کنیم شما چه طرحی برای رفع مشکل آب کل کشور دارید بفرمایید تا ما هم نظر دهیم ولی به یقین میگوییم که هیچ طرحی ندارید و این طرح در مقابل تمامی طرح‌هایی که در ذهن شماست مانند آب است در مقابل سراب.

**۲۷.۳:** دلیل خود را بفرمایید که اگر طرح اجرایی شود و عملی چرا نمی‌تواند نیاز آبی کل کشور را بر طرف نماید؟

چند نکته‌ی پایانی:

۱: برای پس آب به غیر از آنچه گفته شد می‌توان پس آب را در حوضچه‌های معین ریخت و با استفاده از خورشید و برق خورشیدی اقدام به تبخیر آب نمود و از این راه

نیز می‌توان به اقتصاد تولید نمک دریایی دست یافت که آن نمک بسیار باارزش و گران می‌باشد که بعضی تنها از این راه امرار معاش می‌کنند و ما وقتی پس آب داریم که درصد شوری بیشتری دارد راحت‌تر می‌توانیم این امر را محقق سازیم.

**۲**: اگر طرح برای اولین بار عنوان شده بود باز جای اما و اگر داشت ولی زمانی که نمونه‌ی مشابه این طرح حتی در ایران در حال اجراست به هیچ عنوان نمی‌توان در این طرح اشکال نمود، مگر اینکه کسی در طرح‌های مشابه هم اشکال وارد نماید که آن جواب دارد.

**۳**: کسی که اشکال مطرح می‌نماید باید الگوی جایگزین داشته باشد و اشکال کنندگان هیچ الگوی جایگزینی ندارند.

**٤** : بدانید تمامی بحران‌ها لحظه به لحظه مانند غده‌ی سرطانی در حال بزرگتر شدن است و تمامی دستاوردهای حال و گذشته در حال نابودی است و مسئول آن تمامی کسانی هستند که در حوزه‌ی آب کارشکنی می‌کنند.

**۵: الگوی بنده برای شیرین سازی چیست:**

**۵,۱**: اولاً که شیرین سازی غلط عام است و درست آن املاح زدایی است، که املاح زدایی کامل یعنی آب قابل شرب.

**۵,۲:** ثانیاً قبل از شیرین سازی تصفیه انجام می‌گیرد ، تصفیه‌ی آب برای مصارف غیر شرب استفاده دارد.

**۵,۳**: ثالثاً بحث را در سه مقوله مطرح می‌نمایم: الف : آب بدون تصفیه –ب: آب تصفیه‌شده برای مصارف کشاورزی و صنعتی و ... غیر از شرب –ج: آب املاح زدایی شده‌ی کامل برای شرب

۵,٤,۱ : فواید آب دریا بدون املاح زدایی:

۵,٤,۱,۱: باید بدانیم آب دریا بدون تصفیه نیز نجات‌بخش ایران است زیرا در این آب فواید بسیاری وجود دارد، اگر اینگونه نبود چرا برای احیاء دریاچه‌ی ارومیه که آبی شور دارد و یا بقیه‌ی دریاچه‌ها این قدر زحمت می‌کشند و ستاد تشکیل می‌دهند؟ و آیا اینگونه نیست که اگر دریاچه‌ی ارومیه به مشکل برخورد نماید تا شعاع ۵۰۰ کیلومتر اطراف به مشکل بر می‌خورد و زندگی میلونها نفر با مشکل‌های متعدد روبرو میشود؟ آیا انتقال آب شور به تنهایی نمی‌تواند شغل ایجاد کند و ...

۵,٤,۱,۲ : ممکن است مطرح نمایید که آب شور به تنهایی اکوسیستم را بر هم میزند و باعث خرابی زمین میشود و ..، سؤال می‌کنیم مگر هم اکنون به واسطه‌ی طولانی شدن خشک‌سالی زمین ما در حال نابودی نیست؟ مگر ۲۰۰ دشت کشور در اثر نبود آب در حال فرو رفتن نیستند؟ مگر باغ‌های ما در حال ویران شدن نیستند؟ ما میگوییم آب را شیرین کنید میگویید هزینه دارد، میگوییم آب را بیاورید میگویید زمین خراب میشود، میگوییم در این وضعیت نیز زمین در حال خراب شدن است اگر آب شور برسانیم حداقل اکوسیستم کمتر نابود میشود بلکه تغییر می‌کند و ملت نیز حفظ می‌شوند، شما اگر مخیر باشید بین اینکه مریضی که مرض قند دارد یا دست روی دست بگذارید تا مریض بمیرد و یا اینکه پای او را قطع کنید چه می‌کنید؟ من پیشنهاد می‌دهم پا را قطع کنید، بله قطعی پا ضرر است ولی از ضرر بیشتر جلوگیری می‌کند.

**۵,٤,۱,۳ : فواید انتقال آب شور دریا بدون شیرین سازی :**

۱ : راه‌اندازی ٦۰% از کارخانه‌های برق آبی کشور که در اثر نبود آب تعطیل‌شده و از کارافتاده‌اند، و تولید برق زیاد در کشور.

۲ : وقتی توانستیم از پتانسیل آب برای تولید برق زیاد و ارزان استفاده نماییم آنگاه از این برق برای شیرین سازی آب نیز استفاده می‌کنیم، پس مشکل شیرین سازی و قیمت تمام‌شده نیز حل میشود.

٤ : می‌توانیم از آب دریا، در کنار دریا، سدهای مصنوعی تولید برق درست نماییم و با آب دریا اقدام به تولید برق نماییم و با آن آب برای شیرین سازی و انتقال اقدام نماییم.

۵ : می‌توانیم تمامی دریاچه‌های آب شور را پر آب نماییم مانند هامون و دریاچه‌ی ارومیه و ... و زمین و خورشید و باد خودبه‌خود اقدام به شیرین سازی می‌نمایند.

٦ : می‌توانیم کشاورزی را رونق ببخشیم، بسیاری از گیاهان هستند که با آب شور قابل تغذیه هستند .

۷ : می‌توانیم وارد صنعت پرورش ماهی حلال دریایی شویم و استخرهای پرورش ماهی ایجاد نماییم.

**۷** :می‌توانیم آب را در ایران دو مصرفه نماییم و از آب‌های شیرین تنها برای شرب استفاده نماییم و از آب دریا جهت امور دیگر استفاده نماییم که در این صورت خطر عظیمی را که ما را تهدید می‌کند به عقب می‌اندزیم.

نتیجه اگر مخیر شویم بین تغییر اکوسیستم و حفظ ملت ایران و یا اینکه اکوسیستم را با آب شور تغییر ندهیم ولی باز هم ملت و تمامی دستاوردها از بین رود عقل حکم می‌کند آب را انتقال دهیم حتی اگر منجر به تغییر اکوسیستم شود.

**۵,۵ : انتقال آب دریا با تصفیه آب برای مقاصد غیر شرب بدون شیرین سازی :**

**۵,۵,۱** : آن چیزی که ما از انتقال آب دریا انتظار داریم به هیچ عنوان شیرین سازی برای شرب نیست که این کار کاملاً اشتباه است بلکه ما باید آب را تنها به اندازه‌ای شیرین سازی نماییم که اکوسیستم زمین را خراب ننماید و احتیاج ما برای کشاورزی و صنعت و مراتع را حفظ نماید و حتی برای مصارف شرب باید خود مردم اقدام به شیرین سازی نمایند.

**۵,۵,۲** : بر اساس آمارها تنها ۱۱% از آب‌های شهری برای شرب استفاده میشود و بقیه‌ی آب برای مصارف بهداشتی و ساختمانی و ... مصرف میشود و این به معنای ظلم و اسراف می‌باشد از طرفی دولت مجبور است که برای این شیرین سازی هزینه‌ی انبوهی را صرف نماید لذا آن چه عقلانی است اینکه باید یا آب را در ایران دو مصرفه نماییم که امری بسیار مشکل است و در شرایط کنونی امکان وقوعی آن نمی‌باشد، لذا پیشنهاد این است که آب را دیگر به اندازه‌ی شرب تصفیه ننماییم بلکه به اندازه‌ی حداقلی مصارف بهداشتی در شبکه آب‌رسانی قرار دهیم و دولت با اختصاص یک آب‌شیرین‌کن برای هر خانوار برای همیشه هزینه‌ی هنگفت شیرین سازی را حذف نماید و از این راه چند اتفاق می‌افتد **اول** اینکه ما می‌توانیم آب دریا را به همین اندازه املاح زدایی کرده و در شبکه‌ی آب‌رسانی قرار دهیم که شگرد بسیار عالی می‌باشد، و البته هم اکنون نیز بسیاری از شهرهای ما از همین طریق آب شرب را به دست میاورند که نمونه‌ی بارز آن قم می‌باشد، پس نتیجه این شد که : ۱ آب شهرها را تصفیه‌ی شرب نمی‌کنیم ۲ در اختیار هر خانوار ایرانی یک آب‌شیرین‌کن از منبع بودجه‌ی شیرین سازی آب قرار می‌دهیم ۳ آب را تنها به اندازه‌ی حداقلی شیرین می‌کنیم برای مصارف غیر شرب ٤ آب دریا را به اندازه‌ی حداقلی تصفیه می‌کنیم و

در شبکه لوله‌ای کشور وارد می‌کنیم ۵ بودجه‌ی هنگفت شیرین سازی را برای همیشه حذف می‌نماییم ٦ آب در ایران بدون لوله کشی اضافی دو مصرفه میشود ۷ می‌توانیم در شبکه‌ی آب رسانی آب دریا را وارد نماییم و از زیرساخت لوله‌ی کشور برای آب‌رسانی استفاده نماییم – با این شگرد دیگر لازم نیست در سراسر کشور لوله و کانال بکشیم، بلکه از دریا آب را تا منبع تغذیه آب را هدایت می‌کنیم و آب را در آن منبع جاری می‌کنیم و از زیرساخت‌های موجود برای انتقال آب استفاده می‌نماییم مثلاً ما آب را تنها تا کارون بالا میاوریم و کارون را پر آب می‌نماییم و زیرساخت انتقال کارون به بقیه‌ی جاها نیز موجود است و الی آخر ...

**۵,۵,۳ : چند تکنیک برای شیرین سازی آب و پایین آوردن هزینه‌ی شیرین سازی :**

**۵,۵,۳,۱** : سریعاً از تمامی ملت برای تمامی مشکلات آب دعوت به عمل آید، بسیاری هستند که می‌توانند کمک کنند ولی به علت بی‌مهری دستگاه‌ها طردشده‌اند یا در گوشه‌ای بی‌صدا منتظرند و یا از ایران رفته‌اند.

**۵,۵,۳,۲** : تمامی شئون مملکت را باید درگیر نمود و پروژه تعریف نمود مانند درخواست از نخبگان و مخترعین و دانشگاه‌ها برای توسعه‌ی علم در آن چیزی که مورد درخواست است.

**۵,۵,۳,۳** : باید تمامی علومی را که تجاری و به درجه‌ی بهره‌برداری نرسیده بسیج نمود تا به بهره‌برداری برسد مانند انرژی هسته‌ای و نانو و ..

**۵,۵,۳,٤** : باید از انرژی خورشیدی برای ساخت مزارع تولید برق کمال استفاده را برد ، یکی از مشکلات شما هزینه بود که ما هزینه را با مزارع خورشیدی تولید برق حل می‌نماییم ، این مزارع برق مورد نیاز ما را برای شیرین سازی و انتقال حل می‌نمایند.

**۵,۵,۳,۵** : باید در کنار دریا سدهای تولید برق ساخت که این سدهای مصنوعی آب را از دریا می‌گیرد و برق تولید می‌نماید یعنی بدون هزینه‌ی سد سازی با انرژی دریا برق تولید می‌نماییم و الگو چنین است که اگر از یازده متر پایین سطح دریا لوله بکشیم و به سمت دریاچه‌ی مصنوعی حرکت دهیم در اولین خروجی آب به زمین، آب قوت بسیار عظیمی ایجاد میشود که ژنراتور(تولید برق) آبی را باقوت به حرکت در میاورد که هم آب انتقال پیداکرده و هم برق تولید میشود و از آن برق می‌توان

استفاده کرد، در حقیقت با این تکنیک ما کل آب‌های دنیا را به منزله‌ی سدی کرده‌ایم و از انرژی آن برای تولید برق استفاده می‌نماییم.

**۵،۵،۳،۶** : برای کاهش دادن در راحتی شیرین سازی باید از دریای عمان آب را برداشت نمود چرا که آب خلیج‌فارس هر ۳۰ سال یک‌بار عوض میشود و تنها راه جابجایی آب از تنگه‌ی هرمز می‌باشد، ولی آب دریای عمان چنین نیست و به آب‌های آزادراه دارد و نزدیک‌ترین آب ما به قطب جنوب آب دریای عمان است، که میدانیم دائماً آب شیرین قطب جنوب ذوب میشود و به دریا می‌ریزد ، از طرفی کشورهای حاشیه‌ی خلیج‌فارس به خصوص عربستان دائماً پس آب شور خود را در خلیج‌فارس می‌ریزند و خلیج‌فارس دائماً آلاینده‌های بیشتری پیدا می‌کند، پس برای ما آب خلیج‌فارس مناسب نیست حتی راهکار اساسی بنده برای این طرح این است که تمامی آب را از دریای عمان برداشت نماییم حتی آب مورد نیاز خوزستان را، و بهترین آب ما آخرین مرز آبی جنوب شرق می‌باشد که کمترین املاح را دارد.

**۵،۵،۳،۷** : قبل از اینکه بخواهیم آب را وارد تصفیه سازی کنیم آب را در کانال ۵۰ کیلومتری با شیب ملایم به صورت آرام به حرکت در میاوریم و با ایجاد موانع طبیعی متعدد که شامل ماسه و حتی بعضی از گیاهان متناسب با آب شور است مانند جلبگها تا مقدار زیادی املاح آب را ته نشین می‌کنیم و کاهش می‌دهیم و بعد از آن اقدام می‌نماییم تا آب را به صورت غیرطبیعی تصفیه نماییم این راهکار کار را بسیار ارزان و راحت می‌نماید از این روش حتی برای تصفیه‌ی آب توالت و عفونت‌زدایی نیز استفاده میشود، این روش همان روشی الهی خدادادی است که طبیعت اقدام به شیرین سازی می‌نماید، طبق آنچه بنده فهمیده‌ام با این روش ۵۰% املاح از ابتدا زایل میشود، لذا ما با این روش پس آب زیادی هم نخواهیم داشت چرا که ما تنها در موعدهای مشخص باید اقدام به تخلیه‌ی موانع طبیعی نماییم و آن مواد دیگر پس آب نمی‌باشد بلکه زباله می‌باشد که برای آن هم برنامه‌ای جدا می‌توان داشت.

**۵،۵،۳،۸** : ما فعلاً درون مملکت سه نوع شیرین سازی داریم که باید بقیه‌ی شیرین سازی‌ها نیز اضافه گردد اما : شیرین سازی تبخیری(حرارتی)، الکتریکی، فشاری در هر سه نوع راهکارهایی داریم تا انرژی را پایین آوریم.

**۵،۵،۳،۹** : برای پایین آوردن انرژی در شیرین سازی تبخیری حرارتی چیزی که مرسوم است اینکه حرارت در بالای زمین ایجاد می‌گردد که این امر باعث هدر رفت سریع حرارت میشود لذا راهکار این است که دیگ‌های تولید حرارت در زیرزمین قرار گیرد تا خود زمین مانع باید و بیرون رفت حرارت گردد، و این چیزی است که در گرمابه‌های قدیمی مورد استفاده قرار می‌گرفت که برای گرم کردن باید از هیزم استفاده می‌کردند، هر چقدر آتش در روی زمین باشد حرارت زودتر از در هوا پراکنده میشود و انرژی بیشتری لازم است، لذا ما باید الگوی ساخت آب‌شیرین‌کن‌های حرارتی را تغییر دهیم.
**۵،۵،۳،۱۰** : برای پایین آوردن انرژی برق در شیرین سازی فشاری و عبور آب از فیلترها : عمده تأمین برق در این سیستم آن است که باید آب را با فشار از فیلتر عبور دهیم در اینجا ما می‌توانیم با طراحی‌های لوله و کانال از نیروی جاذبه در این امر کمک بگیریم و موتور فشار برای عبور آب از فیلتر را که به نیروی برق احتیاج دارد را حذف نماییم و در نیروی برق صرفه‌جویی نماییم .
**۵،۵،۳،۱۱** : برای پایین آوردن انرژی در شیرین سازی الکتریکی : همان طور که گفتیم ما می‌توانیم از مزارع خورشیدی در این امر استفاده کنیم یعنی از خورشید برق تأمین کنیم و برای شیرین سازی و انتقال استفاده نماییم گذشته از آنکه می‌توانیم وارد عرصه‌ی انرژی هسته‌ای نیز گردیم و از آب دریا نیز برای تولید برق فراوان استفاده نماییم.
**٦**: همان طور که دیده شد هیچ‌کدام از اشکالات وارد نبود. آن چیزی که ما در قطره‌ی ۷۳ ارائه دادیم و طرح عادی یک ساله را خلاصتا مطرح نمودیم چیزی نبود جز ارائه‌ی الگوی سرعتی برای آب‌رسانی و تسریع بخشیدن در پروژه‌های در حال اجرا و در حال بررسی و با این مبنا ما نباید به هیچ‌کدام از جزئیات آب‌رسانی و شیرین سازی جواب می‌دادیم چرا که ما از موضع مدیریت و ضرورت و سرعت بخشی بحث می‌کردیم و متخصصین محترم از حوزه‌ی تخصصی انتقال و شیرین سازی، درحالی‌که تمامی مباحث تخصصی را متخصصان قبلاً جواب داده‌اند که کار در ایران به اجرا رسیده است، بله ما نباید جواب می‌دادیم ولی جواب دادیم، مانند اینکه یک مالک زمین بخواهد زمینی را تبدیل به برج نماید بعد یک نفر بیاید سؤالات مهندس معمار را از او بپرسد که مثلاً دَرزِ انقطاع باید چقدر باشد؟ یا اینکه پی ساختمان باید با بتون چند ریخته شود؟ یا

اینکه چند عدد میل‌گرد و شماره چند باید استفاده شود؟ یا اینکه قطر سقف باید چه مقدار باشد و الی آخر، این سؤالات مربوط به مالک نیست این سؤالات باید از مهندس پرسیده شود، ما اشکالات متخصصین را جواب دادیم تا خوانندگان فکر نمایند که شاید ما در بقیه‌ی ادعاهایمان راست‌گو باشیم چرا که بنده به طرح‌های عادی اعتقادی ندارم، بنده اعتقاددارم که آب را می‌توانیم از آسمان آن هم در چند ماه با روش غیرعادی به کل کشور بیاوریم لذا چرا باید به طرح عادی بسنده کنیم؟ لذا تنها به این سؤالات پاسخ دادیم که شما کمی در این فکر فرورویدکه شیخ علی بهرامی که هیچ‌گاه در زمینه‌ی آب درسی نخوانده و استادی ندیده زمانی که توانست در رشته‌ی تخصصی آب برای متخصصین الگوهایی ارائه دهد که حقیقتاً احتیاج به تخصص دارد شاید در بقیه‌ی ادعاهای خود نیز صادق باشد و اگر صادق باشد چه گنج عظیمی را برای کشور به ارمغان دارد، لذا درخواست دارم صادقانه و با در نظر گرفتن آینده‌ی دین و ملت و خداوند متعال به دور از هر گونه تعصب نظر دهید و گزارش واقعی را خدمت مقامات بالاتر و دکتر روحانی و بیت رهبری ارائه دهید تا ما با الگوی بهتر از این گردنه‌ی تاریخی عبور نماییم و اسباب تعالی در دین و دنیا را فراهم آوریم.
سری دوم و سوم اشکالهای متخخصین نیز جواب داده میشود

از تمامی عزیزان و بزرگواران پوزش می‌طلبم و آماده و شنوای انتقادات و پیشنهادهای شما هستم .
پایان **۹۶,۱۱,۱۶**

**علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸-قم المقدسه**

**بسم الله الرحمن الرحیم قطره‌ی ۹٤ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی به کمک اسماء الله می‌باشد- اشکالات متخصصین حوزه آب کشور به قطره‌ی ۷۳ -**

**با سلام متن زیر سری دوم و سوم اشکالات متخصصین اجرایی کشور به راهکار عادی یکساله می‌باشد که ما نیز اقدام به پاسخگویی نموده‌ایم تاریخ ۹٦,۱۱,۱۳**

**دکتر ... که اشکالات خود را بیان کرده است.**

- هر طرحی بایستی پشوانه علمی داشته باشد. در این موضوع متاسفانه هیچ مستندات علمی ارایه نشده است. در ابتدا یک نقشه و طرح جامع و علمی ارایه شود سپس جنبه های اقتصادی، مقایسه یا طرحهای مشابه و امثالهم بررسی شود.
- اولین تاثیر نامطلوبی را که انتقال آب از دریای عمان می‌تواند بر محیط زیست منطقه داشته باشد، انتقال شوری آب به زمین‌های اطراف است، زیرا آبی که قرار است منتقل شود، حاوی مقدارزیادی شوری است.
- چون خاک شهرهایی همچون سمنان و مناطق مرکزی کلا ترکیبی از شن و خاک رس است، قابل کشت نیست و لذا اجرای این طرح نمی تواند کاربرد کشاورزی داشته باشد. از طرفی نوع خاک از مناطق جنوبی به سمت منطقه مرکزی ایران از ناحیه به ناحیه ای فرق دارد لذا نوع خاک می تواند تاثیر مهم در هزینه های حفر کانال و غیره داشته باشد.
- اشکال دیگر تفاوت محیط مبداء و مقصد در انتقال آب دریای عمان است. این دو محیط باهم متفاوتند و به تبع خطر یا احتمال انتقال گونه‌های غیربومی از منطقه مبدأ به مقصد و حتی انقراض آنها انجام گیرد. که اگر حتی این اتفاق نیفتد می‌تواند تهدیدی در تنوع زیستی در منطقه بوجود آید. از طرفی اختلاف دما در کویر یا قسمتهای جنوبی کشور ممکن است شدت تبخیر را به شدت زیاد کند که همین امر باعث افزایش بیش از حد شوری خواهد شد.
- سنگینی آبی که به کویرها منتقل میشود می تواند باعث فشار به گسلهای منطقه گردیده و بروز زلزله های متعدد را به همراه داشته باشد.
- همانطور که در گزارش آمده، آب انتقال یافته باید شیرین سازی شود. پساب شور آب شیرین باید مدیریت شود و محل تخلیه کاملا بررسی و مطالعه شود . یا استفاده از آب شیرین کن‌ها، به ازای هر یک لیتر آب، تقریبا ۳۷ تا ۳۸ گرم نمک در محیط باقی می‌ماند. اگر پساب شور آب شیرین کن به آبهای سطحی تخلیه شود نه تنها سبب افزایش شوری آب شده بلکه افزایش دمای آب شوک شدیدی به آبزیان وارد می سازد. همچنین با نمک زدایی به وسیله آب شیرین کن معمولا میزان زیادی از غلظت روی و سرب نیز ممکن است همراه با پساب وارد آب شود که به صورت محلول در آب قرار می‌گیرد که در صورت تخلیه به آبهای سطحی می‌تواند برای آبزیان خطرآفرین باشد.
- اگر برای شیرین سازی آب نیازمند استفاده از آب شیرین کن‌های عظیم یا حجم شیرین سازی میلیون متر مکعبی هستیم باید توجه داشت که ایران تجربه چندانی در استفاده از آب شیرین کن‌ها ندارد. آب شیرین‌کن‌هایی که تاکنون در کشور استفاده شده ظرفیت کمی داشته و قابلیت شیرین سازی میلیون متر مکعبی آب را ندارند. از طرفی دیگر برای شیرین سازی ۲۵۰ میلیون متر مکعب آب در سال، تقریبا بر اساس اخبار موجود یک میلیارد دلار سرمایه گذاری لازم است. همچنین هزینه برای دفع پساب سیستمهای نمکزدایی با ۴-۵ در صد شوری به اندازه هزینه سرمایه گذاری کارخانه تصفیه فاضلاب تخمین زده شده است.

بنابر این در اجرای این طرح بایستی از تجربیات سایر کشورها استفاده نمود و قبل از اجرا بایستی از جنبه های مختلف آثار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بخصوص زیست محیطی، آب و هوایی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین بهتر است قبل از اجرای این طرح، تمرکز و هزینه را بر بهینه سازی مصرف آب در کشاورزی و ایجاد الگوی صرفه جویی بگذاریم. طرح اصلاح الگوی کشت، اصلاح الگوی مصرف، تصفیه فاضلاب‌ها و مدیریت صحیح آب، راهکارهایی محسوب می‌شوند که قبل از انجام هر گونه انتقال باید انجام پذیرد.

موارد که به نظرم می رسد جای سوال دارد

۱- نخست پیشنهاد می گردد نویسنده اطلاعات خود را از طرح انتقال آب دریای عمان به مناطق مرکزی ایران و همچنین طرح انتقال آب از دریای خزر به فلات مرکزی ایران تقویت کند.

۲- در خصوص ابعاد مهندسی و چگونگی اجرای طرح مورد اشاره توضیحات مبسوط فنی ارائه نشده است.

۳- با وجود نقشه های موجود و نرم افزارهای مدرن در علم نقشه برداری چرا باید حین کار نقشه برداری انجام داد بدون انکه بدانیم مقصد کجاست؟

۴- منطق تعیین ۱۲ کانال چیست و در خصوص ظرفیت و ابعاد آن توضیح داده نشده است.

۵- در انتقال آب به صورت کانال باز حجم قابل توجهی از آن به صورت تبخیر از دست می رود و این خود نقطه قابل تأملی است.

۶- ایده الگوی چاههای آرتزین و نقش آن در کاهش مصرف برق بیشتر توضیح داده شود.

۷- ایده ایجاد دریاچه های مصنوعی نیازمند بحث بیشتری است کما اینکه دریاچه مصنوعی چیتگر ایجاد گردید ولی اثرات زیست محیطی آن هم اکنون قابل تامل است.

۸- نویسنده اشاره می دارد برای شیرین سازی طرح خاصی دارد خواهشمند است مشخصات طرح خود را ذکرنماید.

درخاتمه پیشنهاد مینماید بار سیاسی مطلب کاسته شده و بار فنی آن ارتقاء یابد.

---

**اشکال**

✓هر طرحی بایستی پشتوانه‌ی علمی داشته باشد؛ و در این موضوع متأسفانه هیچ مستند علمی ارائه نشده است. در ابتدا یک نقشه و طرح جامع علمی ارائه شود سپس جنبه‌های اقتصادی، مقایسه یا طرح‌های مشابه و امثالهم بررسی شود.

**جواب:**

۱. تمامی مطالب درج‌شده در قطره‌ی ۷۳ و جوابیه در قطره‌ی ۹۲ پشتوانه‌ی علمی دارد و در هر جمله و پیشنهاد که شک دارید بیان فرمایید تا باز هم با دلایل محکم اثبات نماییم و نمونه‌ی مشابه آن بیان گردد، لازم به تذکر است جوانب این طرح سالها مورد بررسی بوده است و مشکل ما این است که چرا سریعا اجرایی نمیگردد، این گونه عمل نمودن مرگ ایران را حتمی میکند، دشمن ما را دنبال نخود سیاه فرستاده و تفکر کاووس سید امامیها و کاوه مدنیها این است که ما را به تاخیر اندازد تا دو دستی مملکت تقدیم دشمنان گردد.

۲. دوستانی در جریان نیستند باید قطره‌ی ۷۳ را مطالعه کرده باشند و اشکال متخصصین را که در ۲ صفحه به ما رسیده در قطره‌ی ۹۱ و جوابی که در ۳۶ صفحه داده شد است چرا که در این متن به قطره‌ی ۹۲ ارجاع داده میشود و جوابهای داده شده تکرار نمیگردد.

۳. مستندات علمی گاهی رفرنس است و گاهی دلیل بدیهی و وجدانی و عقلی است بهترین مستندات علمی متن استدلالات می‌باشد که متن موجود ما را بی نیاز از دلیل خارجی می‌کند، ما به این نوعِ سند دهی استدلال میگوییم و استدلال بالاتر از سند خارجی است چرا که در رفرنس و سند باز هم ممکن است اما و اگر وجود داشته باشد و سند ارائه شده مورد قبول گروهی نباشد اما در جایی که بر مطلبی استدلال بیان می‌شود

جایی برای اما و اگر و بهانه تراشی نیست چرا که در این صورت تنها راه این است که باید استدلال باطل گردد و آنچه مشهود است طرح ما طرحی استدلالی است که بی نیاز کننده از استدلال خارجی است و سند درون خود متن گنجانده شده است لذا تمامی متن سند می‌باشد مگر اینکه فرد غیرمتخصص و غیر مطلع بخواهد اشکال‌تراشی نماید.

٤. آنچه که مغفول واقع‌شده و موجب این‌چنین اشکالاتی است این است که: ما در پیگیری طرح عادی یک ساله‌ی انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان به دنبال این نیستیم که اصل قضیه‌ی انتقال آب را برای اولین بار عنوان داریم بلکه تنها ضرورت و نحوه‌ی عملی شدن سریع و به نتیجه رسیدن یک ساله‌ی آن را عنوان می‌داریم و الا چیزی که واضح است این طرح سال‌ها بررسی شده است و هم اکنون در حال اجرایی شدن است ما تنها درخواست تسریع و تکثیر آن را داریم و با ارائه‌ی الگوی مدیریتی جدید و بیان اینکه منابع مالی وجود دارد درخواست داریم در مدت کوتاهی طرح تکمیل گردد لذا با توجه به این مسئله جایی برای سؤال باقی نمی‌ماند.

٥. درخواست داریم از کلی گویی پرهیز نمایید و اصل اشکال را به صورت واضح و شفاف بیان کنید تا پاسخ‌گوییم، این‌گونه اشکالات کلی گویی بوده و جز اتلاف وقت چیزی برای ما به ارمغان ندارد، زمانی که هدف و ضرورت و شیوه کار و منابع مالی معلوم باشد سؤالات اساسی جواب داده‌شده.

٦. یکی از دانشجویان برای بنده یک پایان نامه در رابطه با بررسی موقعیت راهبردی طرح انتقال آب برای بنده ارسال نموده که به یقین میتوان گفت در رابطه با هر سوال شما حداقل یک پایان نامه و چندین مقاله موجود

است، عنوان پایان نامه: بررسی طرح ایرانرود در بهبود موقعیت راهبردی – البته باز هم میگویم طرح عادی یکساله ما با تمامی طرح های گذشته و فعلی تفاوت دارد.

✓ اولین تأثیر نامطلوبی را که انتقال آب از دریای عمان می‌تواند بر محیط‌زیست داشته باشد انتقال شوری آب به زمین‌های اطراف است، زیرا آبی که قرار است منتقل شود حاوی مقدار زیادی شوری است.

**جواب:**

۱- این اشکال وارد نیست چرا هیچ عاقلی اقدام به انتقال آب دریا بدون املاح زدایی نمی‌نماید مگر اینکه ضرورتی مهم‌تر ایجاب نماید و ما هم در قطرات ۷۳ و ۹۲ اعلام کرده بودیم که املاح زدایی می‌نماییم همان‌گونه تمامی کشورهایی که رو به سمت آب دریا نموده‌اند این کار را انجام داده‌اند.

✓ چون خاک شهرهایی همچون سمنان و مناطق مرکزی کلاً ترکیبی از شن و خاک رس است، قابل کشت نیست و لذا اجرای این طرح نمی‌تواند کاربرد کشاورزی داشته باشد، از طرفی نوع خاک از مناطق جنوبی به سمت منطقه مرکزی ایران از ناحیه به ناحیه‌ای فرق دارد لذا انواع خاک می‌تواند تأثیر مهم در هزینه‌های حفر کانال و غیره داشته باشد.

**جواب:**

۱. اولاً ما تنها برای کشاورزی آب را انتقال نمی‌دهیم، انتقال آب برای کشاورزی، صنعت، ساخت‌وساز، پر نمودن دریاچه‌ها و سفره‌های زیرزمینی و ... می‌باشد.
۲. ثانیاً: کشاورزی می‌تواند شامل کشت گلخانه‌ای و غیره باشد که در این صورت حتی در زمین شوره‌زار هم می‌توان کشاورزی نمود.

۳. ثالثاً: کشاورزی در زمین شوره‌زار با اب شور هم کاربرد دارد مانند کشت پسته و امثال ذلک
٤. رابعاً: در جایی که زمین برای کشاورزی مفید نباشد برای غیر کشاورزی مانند دام داری و پرورش طیور و ماهی و ... کاربرد دارد.
٥. خامسا: این گزارشی کوتاه از ظرفیت‌های کشاورزی سمنان که شما کشاورزی در سمنان را انکار کردید

**<u>قابلیت‌های بخش کشاورزی استان سمنان</u>**

- ❖ وجود اقلیم متنوع و مناسب جهت کشت انواع محصولات زراعی و باغی در ۱۹۳۰۰۰ هکتار از اراضی استان
- ❖ نزدیکی به تهران به عنوان بازار بزرگ مصرف محصولات خام و فرآوری شده
- ❖ تنوع اکولوژیکی و پوشش گیاهی در عرصه‌های مرتعی و جنگلی استان
- ❖ وسعت قابل‌ملاحظه عرصه‌های مرتعی استان و تنوع اقلیم در نقاط مختلف عرصه‌های عشایری، همچنین وجود شبکه‌های تعاونی عشایری در کلیه مناطق استقرار عشایر
- ❖ وجود رویشگاه‌های طبیعی و مرتعی گیاهان دارویی در پراکنشی به وسعت ۳۰۰ هزار هکتار و سطح زیر کشت گیاهان دارویی (دست کاشت) در باغات و مزارع در سطح ۱۰۲۱ هکتار با تنوع ۲۵ گونه
- ❖ وجود بیش از ۲۰۰۰ دانش‌آموخته بخش کشاورزی به عنوان منابع انسانی خبره و جویای کار بخش کشاورزی

- ❖ فراهم بودن زیرساخت‌های لازم برای توسعه فعالیت‌های دامی (پرواربندی و پرورش گاو شیری و پرورش شتر) در ۱۱ مجتمع تولیدی دامی
- ❖ وجود خاك حاصلخیز و آب باکیفیت در عرض‌های شمالي استان
- ❖ وجود ۴۳۰۰۰ بهره‌برداران سخت‌کوش و زحمت کش در بخش کشاورزی
- ❖ امکان ایجاد واحدهای ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی (گندم، جو،
- ❖ با توجه به تمامی قابلیت‌های نام‌برده شده استان به آب بسیار زیاد لازم دارد

٦. چگونه به انتقال آب دریا برای استان سمنان اشکال می‌شود درحالی‌که این انتقال هم اکنون در حال اجرایی شدن است؟
۷. اگر لازم باشد تک‌تک استان‌هایی که ممکن است اشکال شود و حتی تک‌تک زمین‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.
۸. اما در رابطه با تغییر خاک و هزینه در نحوه‌ی انتقال: بله خاک با خاک تفاوت دارد جایی خاک شور دارد، جای دیگر گچی و یا آهکی و جایی می‌توان آب را رها کرد و جایی باید با لوله آب را آورد و جای دیگر با کانال و البته هزینه‌ها با یکدیگر فرق دارد و این جزء بدیهیات است و البته هر کارگروه در هر زمین بنا به مقتضیات خاص آن تصمیم‌گیری می‌نماید ولی این مطلب چه اشکال در اصل طرح وارد می‌نماید؟

✓اشکال دیگر تفاوت محیط مبدأ و مقصد در انتقال آب دریای عمان است. این دو محیط باهم متفاوت‌اند و به تبع خطر یا احتمال انتقال گونه‌های غیربومی از منطقه‌ی مبدأ به مقصد و حتی انقراض آن‌ها انجام می‌گیرد؛ که حتی اگر این اتفاق نیفتد می‌تواند تهدیدی در تنوع زیستی در منطقه به وجود آید. از طرفی اختلاف دما در کویر یا قسمت‌های جنوبی کشور ممکن است شدت تبخیر را به شدت زیاد کند که همین امر باعث افزایش بیش از حد شوری خواهد شد.

۱. اشکال مبدأ و مقصد در هر طرح انتقالی وجود دارد با این اوضاع هیچ‌چیزی را از هیچ جا نباید انتقال داد، نباید نفت را از خوزستان به تهران انتقال داد، نباید آب را از دز به قم انتقال داد، نباید آب جنوب را به سمنان انتقال داد و الی آخر و بطلان این مطلب بدیهی است، انسان برای بهبود و نیازی که دارد همیشه هر چیزی را که لازم دارد انتقال می‌دهد و همیشه بین مبدأ و منتهی اختلاف وجود دارد.
۲. خطر انتقال گونه‌های غیربومی: اگر تصور بر این باشد که ما می‌خواهیم یک کانال بین جنوب و فلات مرکزی بکشیم شاید این اشکال مطرح شود که باز هم جواب دارد اما طرح ما آب‌رسانی است و این آب بعد از فرایند املاح زدایی عملیاتی می‌شود.
۳. در مورد اشکال ((از طرفی اختلاف دما در کویر یا قسمت‌های جنوبی کشور ممکن است شدت تبخیر را به شدت زیاد کند که همین امر باعث افزایش بیش از حد شوری خواهد شد.)) آن چیزی که باعث شوری بیش از حد زمین و خرابی آن است اینکه: هم اکنون به علت نبود آب در استان‌های کشور باعث شده است زمین ما تخریب شود و بیش از ۲۰۰ دشت کشور دچار فرو نشست شود و بعضا بعضی

جاها منطقه ممنوعه شده است و در اثر خشکسالی حتی مراتع و باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی ما از بین برود لذا لازم است در اجرای طرح سریعاً اقدام شود و نه با اینکه با چنین اشکالاتی که اصلاً و ابداً وارد نیست در اصل سرعت بخشی به پروژه باعث هدر رفت زمان شویم. تنها اشاره‌کنم که فقط سمنان سومین استان خشک کشور می‌باشد و استان سمنان را در درازمدت به کانون گرد و غبار و ریز گرد تبدیل می‌کند و خشک‌سالی بزرگ‌ترین عامل تخلیه‌ی روستاهای سمنان می‌باشد و وضعیت امروز خوزستان در سمنان دیده خواهد شد.

✓سنگینی آبی که به کویرها منتقل می‌شود می‌تواند باعث فشار به گسل‌های منطقه گردیده و بروز زلزله‌های متعدد را به همراه داشته باشد.

۱. اگر این‌گونه است چرا در هنگام ساخت شهر و ساختمان این اشکال وارد نشده است؟ چرا در هنگام کشیدن ریل راه‌آهن این اشکال نشده است؟ چرا هنگام جاده کشی و ساخت فرودگاه این اشکال نشده است؟ چرا در برابر خط سریع السیر به مشهد که از سمنان میگذرد این اشکال را مطرح ننمودید؟
۲. چرا در هنگام اجرایی شدن پروژه انتقال آب جنوب به سمنان این اشکال نشده است؟
۳. آن چیزی که از لحاظ علمی اثبات شده است که عامل زلزله این است که: خشکی زمین باعث سفت شدن سطح زمین می‌گردد و این روند تا لایه‌های پایین زمین ادامه دارد و در این صورت گسل‌های زمین نمی‌توانند به صورت تدریجی بخارات و گازهای درونی زمین را تخلیه

کنند و در این صورت خروج دفعی اتفاق افتاده و زلزله روی می‌دهد و لذا اگر ما بتوانیم به لایه‌های بالایی زمین آب برسانیم یکی از دلایل مهم مبارزه با زلزله انجام گردیده است، لذا انتقال آب مبارزه با زلزله و عوامل آن است نه اینکه عامل زلزله باشد.

✓همان طور که در گزارش آمده، آب انتقال‌یافته باید شیرین سازی شود، پساب آب شیرین باید مدیریت شود و محل تخلیه کاملاً بررسی و مطالعه شود. با استفاده از آب شیرین کن‌ها به ازای هر یک لیتر آب تقریباً ۳۷ تا ۳۸ گرم نمک در محیط باقی می‌ماند، اگر پساب شور آب‌شیرین‌کن به آب‌های سطحی تخلیه شود نه تنها سبب شوری آب شده بلکه افزایش دمای آب شوک شدیدی به آبزیان وارد می‌سازد. همچنین یا نمک‌زدایی به وسیله آب‌شیرین‌کن معمولاً میزان زیادی از غلظت روی و سرب نیز ممکن است همراه با پس آب وارد آب شود که به صورت محلول در آب قرار می‌گیرد که در صورت تخلیه به آب‌های سطحی می‌تواند برای آبزیان خطرآفرین باشد.

۱. اگر شما به بحث شیرین سازی ما توجه داشتید دیگر چرا اشکالات بالا را مطرح نمودید،شما که میدانستید ما میخواهیم شیرین سازی کنیم و انتقال دهیم ؟
۲. در قطره ۹۲ جواب داده ایم.
۳. بله پس آب باید مدیریت شود و تعداد ۲۱,٦۰۰ مدیر پیش‌بینی‌شده در طرح قرار است همین مدیریت‌ها را انجام دهند.
٤. یک پیشنهاد دیگر ما برای پس آب این بود که فیلترهای جدید نانو برای املاح زدایی طراحی شود و در نهایت ما بتوانیم اصلاً پس آب نداشته باشیم و در انتها ما از پس آب، نمک دریا تولید نماییم و به هیچ عنوان مطرح نکرده‌ایم که پس آب را در محیط باقی بگذاریم.

✓ اگر برای شیرین سازی آب نیازمند استفاده از آب شیرین کن‌های عظیم با حجم شیرین سازی میلیون مترمکعبی هستیم باید توجه داشت که ایران تجربه چندانی در استفاده از آب شیرین کن‌ها ندارد. آب شیرین کنهایی که تاکنون در کشور استفاده‌شده ظرفیت کمی داشته و قابلیت شیرین سازی میلیون مترمکعبی آب را ندارد. از طرفی دیگر برای شیرین سازی ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب در سال تقریباً بر اساس اخبار موجود یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است. همچنین برای دفع پس آب سیستم‌های نمکزدایی با ٤-٥ درصد شوری به اندازه‌هزینه سرمایه‌گذاری کارخانه تصفیه فاضلاب تخمین زده شده است.

۱. در قطره ۹۲ جواب داده شده است.
۲. اگر قرار است بی‌تجربه بودن دلیل شود که ما ورود پیدا نکنیم پس در هیچ‌چیز جدیدی نباید ورود پیدا نماییم و بطلان این مطلب بدیهی است، در حالی که در بسیاری از امور ورود پیدا کرده و موفق هم بوده ایم.
۳. چگونه است کشورهایی مانند عربستان و رژیم غاصب صهیونیستی و کشورهای بسیار پایین‌تر که نه تمدن دارند و نه رشد علمی دارند و ... در این زمینه‌ها ورود داشته و موفق بوده‌اند ولی ما نمی‌توانیم؟ و ما در بسیاری از امور که جامعه‌ی جهانی ورود نداشته ورود داشته و موفق هم بوده‌ایم لذا عدم تجربه دلیل موجهی بر ورود پیدا کردن نیست.
٤. از طرفی ما تجربه لازم و زیر ساخت‌ها را نیز دارا می‌باشیم که می‌توانیم به شیرین سازی‌های آب در مناطق جنوب کشور اشاره‌کرده.
٥. از طرفی طرح شیرین سازی آب از قبل از انقلاب در دستور کار بوده است در سال ۱۳٤۰ شمسی، در زمانی که کشورهای همسایه به فکر شیرین سازی نبوده‌اند ما اقدام کرده بودیم ولی آنها اقدام نمودند و ما عقب افتادیم لذا باید سریعاً اقدام نماییم و کمی و کاستی‌های گذشته را سریعاً جبران نماییم.

٦. متن اشکال: ((آب شیرین کن‌هایی که تاکنون در کشور استفاده‌شده ظرفیت کمی داشته و قابلیت شیرین سازی میلیون مترمکعبی آب را ندارد.)) بله ما باید در شیرین سازی آب توسعه پیدا نماییم و آب شیرین کن‌ها را ابر صنعتی نماییم و وارد شیرین سازی با الگوهای مختلف شویم و از علوم مختلف (علم نانو، انرژی هسته‌ای، مزارع خورشیدی تولید برق، فیلترهای جدید صنعتی و ...) و استعدادهای مختلف در این عرصه کمال استفاده را ببریم.

۷. اما سرمایه‌گذاری در این عرصه بله مطمئناً سرمایه‌گذاری لازم است، ما باید تمام پروژه‌هایی که رنگ تبلیغاتی دارند را حذف نماییم، تمامی پروژه‌هایی که اولویت یک ندارند را تعلیق نمایم، تمامی کارهایی که نقش اساسی در بر طرف کردن مشکلات ندارند را باید متوقف نماییم و تمامی معطوف به آب‌رسانی و مشکلات اصلی و زیربنایی شویم، در سال اول اگر توانستیم به چشم‌انداز برسیم که چه بهر و الا باید آن‌قدر ادامه دهیم تا در سال‌های آینده جبران گردد و البته از سال‌های بعد کار بسیار آسان می‌گردد چرا که مشکلات ریشه‌ای و اساسی حل می‌شود و هر سال ما به تولید داخلی و سود واقعی ملی دست پیدا می‌کنیم و آنگاه سرمایه‌گذاری نیز آسان‌تر می‌شود.

۸. در بودجه‌ی ۹۷ تنها در بخش اشتغال ۷۰ هزار میلیارد تومان هزینه تعلق گرفته است، خوب ما تنها در این بخش می‌توانیم این بودجه را به آب‌رسانی اختصاص دهیم که هم اشتغال ایجاد می‌شود و هم می‌توانیم مسئله‌ی اصلی و زیرساختی و استراتژیک کلان را حل بنماییم.

✓ بنابراین در اجرای این طرح بایستی از تجربیات سایر کشورها استفاده نمود و قبل از اجرا بایستی از جنبه‌های مختلف آثار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به خصوص زیست‌محیطی آب و هوایی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. ما منکر استفاده از تجربیات کشورهای دیگر نیستیم اما عقیده داریم تمرکز بر ظرفیت‌های داخلی حرف اول را میزند و متأسفانه رویکرد مسئولین معمولاً این بوده که از ظرفیت‌های عظیم داخلی چشم‌پوشی نموده‌اند، تفکرات مانند کاووس سید امامی که از اساتید دانشگاه میباشد متاسفانه ما را به نا امیدی رسانده است، آنها میخواهند ما زمان  از دست دهیم، گاهی اوقات مطالب اشکال نیست شاید بوی بهانه بدهد.
۲. تمامی مباحث مربوط به آثار اقتصادی و ... اظهر من الشمس است و تنها می‌توان اشاره نمود که اگر ما سریعاً مشکل را حل ننماییم تمامی دستاوردهای حال و گذشته را از دست خواهیم داد ولی اگر سؤالی است بفرمایید تا پاسخ دهیم، لذا از پرداختن به این مطلب پرهیز می‌نمایم چرا که اثرات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، فردی و خانوادگی آب‌رسانی امری واضح است و بیان واضحات می‌باشد، در جلسه حضوری یک پایان نامه دفاع شده دکترا خدمت شما تقدیم میگردد.

✓همچنین بهتر است قبل از اجرای این طرح تمرکز و هزینه را بر بهینه‌سازی مصرف آب در کشاورزی و ایجاد الگوی صرفه‌جویی بگذاریم.

۱. مدیریت الگوی مصرف امری لازم است که حتی بعد از بر طرف شدن مشکل آب و خشک‌سالی باید مورد توجه قرار گیرد اما نکته قابل‌توجه این است که ما تمامی راه‌های لازم برای بیرون رفت از خشک‌سالی را همزمان باید بپیماییم.
۲. نکته دیگر اینکه ما اگر صرفه‌جویی که به حد ایده آل هم برسانیم باز هم نمی‌توانیم مشکلی را آب را حل نماییم مگر اینکه راهکار برای تولید آب داشته باشیم، چرا که زمستان گرم شده و نزولات آسمانی کم شده

است و حتی اگر در الگوی مصرف نیز اصلاحاتی اجرا نماییم و آب تولید نکنیم تنها مقداری مرگ را به تأخیر انداخته‌ایم و مشکلی را از اساس حل ننموده‌ایم لذا باید سریعاً آب تولید نماییم.

✓ طرح اصلاح الگوی کشت، اصلاح الگوی مصرف، تصفیه فاضلاب‌ها و مدیریت صحیح آب راهکارهایی محسوب می‌شوند که قبل از انجام هر گونه انتقال باید انجام پذیرد.

۱. با کمال ادب احترام بیان می‌گردد سال‌هاست با بیان این‌گونه مطالب مشکلی از حوزه‌ی آب حل نشده ولی زمان را از دست داده‌ایم، شما از تصفیه‌ی آب فاضلاب سخن میگویید ولی به شیرین سازی آب دریا اشکال می‌کنید درحالی‌که تصفیه آب فاضلاب علاوه بر فرایندهایی که در شیرین سازی آب دریا وجود دارد عفونت‌زدایی و انگل زدایی و ... هم لازم دارد در حالی که هزینه بسیار بالاتر و بهره‌وری بسیار پایین تر است خوب این پارادوکس چگونه قابل حل است؟
۲. قبل از هر گونه اقدام باید این پارادوکس گویی حل شود.

**اتمام اشکال و پاسخ**

**از محضر شما بابت سخن صریح پوزش میطلبم**

==========

**دکتر ... که اشکالات خود را بیان کرده است.**

مواردی که به نظرم می‌رسد جای سؤال دارد:

✓نخست پیشنهاد می‌گردد نویسنده اطلاعات خود را از طرح انتقال آب دریای عمان به مناطق مرکزی ایران و همچنین طرح انتقال آب دریای خزر به فلات مرکزی تقویت کند.

۱. خیلی پیشنهاد خوبی است ولی میگوییم هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند حتی در یک مسئله‌ی کوچه تمامی اطلاعات را دارا است اما تقاضا داریم اگر اطلاعات مفیدی دارید که می‌تواند ما را کمک کند در اختیار ما قرار دهید.
۲. اطلاعات زیادی از این‌گونه مسائل داریم اما در این‌گونه موارد تنها موارد ضروری ذکر می‌گردد.
۳. اگر اشکالی در طرح وجود دارد مشخصاً بیان گردد تا بتوانیم جواب‌گوییم و کلی گویی اشکال نیست و چیزی که اشکال نیست پاسخ ندارد.

✓در خصوص ابعاد مهندسی و چگونگی اجرای طرح مورد اشاره توضیحات مبسوط فنی ارائه نشده است.

۱. در جوابیه اول قطره‌ی ۹۲ و قطره‌ی ۷۳ مطرح‌شده ولی در صورت لزوم مشخصاً سؤالات مطرح شود تا جواب دهیم ۲۱,۶۰۰ مهندس در ۳۶۰ تیم در طول ۱۳ ماه فعالیت چیزی است که ما برای ابعاد مهندسی در نظر گرفته‌ایم ولی در صورت لزوم باز هم به سؤالات پاسخ می‌دهیم.
۲. روش اجرای طرح را هم بیان کرده‌ایم یک تیم مهندسی اصلی داریم که ۶۰ کارشناس در ستاد اصلی تصمیم می‌گیرند رابطها مطالب را به ۱۲ کارگروه پایین‌دست منعکس می‌کنند هر کدام از این ۱۲ تیم با ۳۰ تیم ارتباط دارند و نقشه کلی ۳۶۰ تیم مشخص شده است هر تیم مهندسی الگوی حرکتی را مشخص می‌کند و تیم اجرایی متخصصین کارگرها عمل

می‌نمایند و از پایین پیشنهاد داده می‌شود و تیم اصلی مرکزی تصمیم می‌گیرد و تصمیمات ابلاغ می‌شود و خرده تیم‌ها که ۳۶۰ تیم هستند در سه شیف امور را اجرایی می‌کنند.

✓با وجود نقشه‌های موجود و نرم‌افزارهای مدرن در علم نقشه‌برداری چرا باید حین کار نقشه‌برداری انجام داد بدون آنکه بدانیم مقصد کجاست؟

۱. شما پاسخ دهید با وجود نرم افزار و نقشه و ... چه نیازی بود که کاووس سید امامی و تیم او بروند زمین را ببینند و شناسایی کنند و فیلمبرداری کنند و ... به همان دلایلی که آنها زمین را از نزدیک میدیدند ما هم باید از نزدیک ببینیم.
۲. ما مبدأ مقصد را میدانیم، دوازده کانال جنوب به شمال داریم و هر کانال ۳۰ خرده تیم دارد و هر تیم مسئول ۵۰ کیلومتر است نقطه‌ی شروع و انتهای هر تیم معلوم است تنها چیزی که معلوم نیست و هر تیم تصمیم می‌گیرد الگوی حرکتی و نوع حرکت در هر کانال است که به نوع زمین و پستی و بلندی ارتباط دارد، پس مبدأ و مقصد معلوم است.
۳. اما چرا باید حین کار نقشه‌برداری انجام گردد، دلیل روشن است هیچ‌گاه نقشه‌ها نمی‌توانند تمامی عوارض و پستی‌ها و بلندی‌ها و تغییرات را به صورت کامل و ملموس نشان دهند لذا ما از نرم‌افزار و انواع نقشه‌ها استفاده می‌کنیم اما در مقام عمل حتماً باید مهندسین در هنگام اجرای پروژه دوباره همه چیز را روی زمین چک نمایند تا بهترین الگوی حرکتی در بیاید.

✓منطق تعیین ۱۲ کانال چیست و در خصوص ظرفیت و ابعاد آن توضیح داده نشده است.

۱. تعیین دوازده کانال بر مبنای تحقق آب‌رسانی و نجات ایران از خشک‌سالی می‌باشد، اگر قرار است بتوانیم تمامی ایران را از خشک‌سالی نجات دهیم و از تمامی ظرفیت‌های اقلیمی استفاده نماییم باید بتوانیم آب را به تمامی زمین‌ها برسانیم لذا باید فاصله کانالها به تمامی زمین‌ها به نحوی باشد که آب‌رسانی راحت انجام گردد و با توجه به اینکه مرز آبی جنوبی کشور ۲,۲۰۰ کیلومتر است ما برای اینکه به تمامی روستاها بتوانیم آب رسانی کنیم لازم است در حد فاصل نزدیک به تمامی زمین‌ها آب داشته باشیم لذا بهترین راه این است که دوازده خط از جنوب به شمال داشته باشیم تا بتوانیم در حد فاصل هر صد کیلومتر یک کانال وجود داشته باشد که بتوانیم آب‌رسانی انجام دهیم که البته با دوازده خط آب‌رسانی این امر تحقق پیدا می‌کند.

۲. اما در مورد ابعاد آن پیشنهاد اولیه کانال ۷ متر عرض در ۸ متر عمق است که محاسبات تعداد نفرات بر این مبنا بوده است که ابتدای کانال ۸ متر است و در هر ۵۰ کیلومتر ٤ متر عمق زیاد می‌شود و به انتهای کانال می‌رسیم و آب در پست رها می‌شود، البته این نقشه کلی است و الا آنچه مورد نظر ماست تلفیقی از همه‌ی تکنیک‌های انتقال آب است و در مورد وجب به وجب این طرح خود گروه مهندسی در هر گروه نظر می‌دهند که در این حد فاصل لوله باشد و یا کانال و یا اینکه آب رها شود و الی آخر و بدیهی است آب در ۵۰ کیلومتر اول از حجم بیشتری برخوردار است و در انتهای پست سی‌ام بعد از تقریباً ۱۵۰۰ کیلومتر دیگر احتیاجی به کانال ۷ در ۸ نمی‌باشد.

۳. در مورد عرض کانال که ۷ متر است برای خاک‌برداری راحت درون کانال این حداقل عرض می‌باشد و البته تکنیک‌های دیگری هم می‌باشد ولی این عرض کانال را در تمامی طول مسیر آسان می‌نماید.

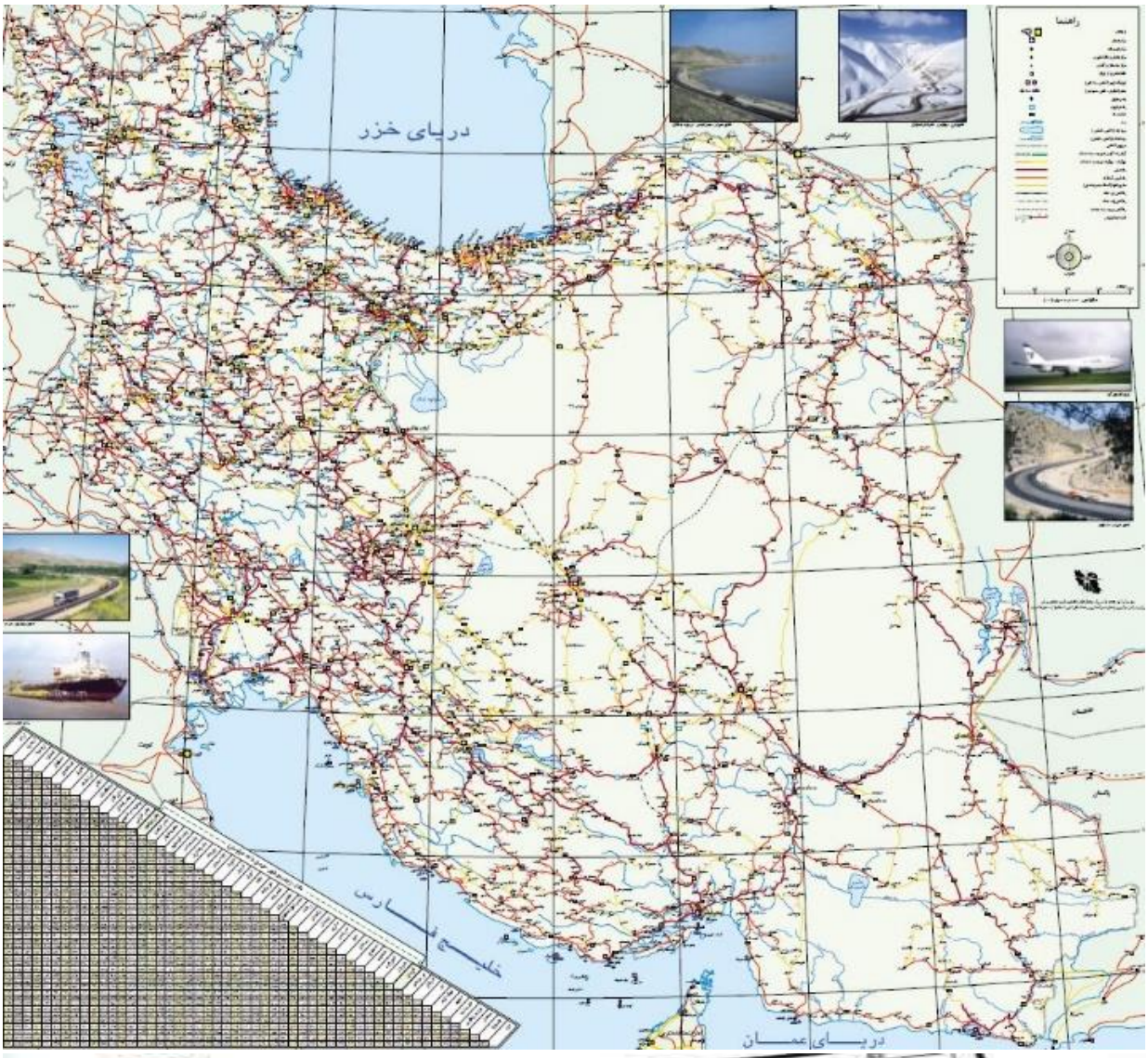
دریای خزر
راهنما
خلیج فارس
دریای عمان

Anar-94

✓در انتقال آب به صورت کانال باز حجم قابل‌توجهی از آن به صورت تبخیر از دست می‌رود و این خود نقطه‌ی قابل تأملی است.

۱. البته هر مطلب فواید و مضراتی دارد، کانال رو باز موجب تبخیر می‌شود و از طرفی موجب تغییر آب و هوا و ... می‌شود و بدیهی است این‌گونه موارد جزئی بوده و ما اصراری بر اینکه کانال رو باز باشد و یا رو بسته و یا لوله باشد و یا نقد زیرزمینی و ... نداریم بلکه در هر مورد باید بنا به شرایط ویژه‌ی منطقه تصمیم اتخاذ شود.

✓ایده الگوی چاه‌های آرتزین و نقش آن در کاهش مصرف برق بیشتر توضیح داده شود.

۱. در جوابیه اول توضیح داده شد ولی اجمالاً اینکه ما برای اینکه آب را در زمین‌های شیب‌دار بالا ببریم از الگوی پمپ در طول مسیر استفاده نمی‌کنیم بلکه در ابتدا ورودی آب را به وسیله کانال و یا لوله‌ی عمودی بالا می‌بریم و در طول مسیر با قانون جاذبه آب حرکت می‌کند تا با مبدأ آب یکسان شود و لذا ما نیروی برق هنگفت مصرف نمی‌کنیم و در ضمن آب را با فشار و سرعت رو به بالا می‌بریم.

✓ایده ایجاد دریاچه‌های مصنوعی نیازمند بحث بیشتری است کما اینکه دریاچه مصنوعی چیتگر ایجاد گردید ولی اثرات زیست‌محیطی آن هم اکنون قابل تأمل است.

۱. منظور ما از دریاچه مصنوعی مشابه چیتگر نیست بلکه در حقیقت محلی برای رهاسازی آب و توزیع آب در مناطق حاشیه می‌باشد که به صورت دریاچه می‌تواند باشد که البته پیشنهاد ما استخری عایق‌بندی

شده است تا از نفوذ بیش از حد آب در زمین جلوگیری شود، بله اگر دریاچه مانند چیتگر باشد که بدون حساب‌وکتاب آبگیری شده و نوع آب آن معلوم نباشد و در محل شهری زیست‌گاه حیوانی باشد خوب مشکلات زیست‌محیطی دارد که واضح است ولی بحث ما دریاچه‌های این‌چنینی نیست.

✓نویسنده اشاره می‌دارد برای شیرین سازی طرح خاصی دارد خواهشمند است مشخصاً طرح خود را ذکر نماید.

۱. در جوابیه اول پاسخ داده‌شده است، ولی ما از تمامی الگوهای موجود در ایران و غیر آن باید استفاده نماییم و بیش‌ترین آب را باید از دریای عمان برداریم و شیرین سازی و املاح زداییِ حداقلی دو مقوله است و ما آب را در هدف اولیه برای کشاورزی میاوریم نه برای شرب و میدانیم که املاح زدایی برای کشاورزی و شیرین سازی شرب بسیار تفاوت دارد و از خورشید و نیروی جاذبه و فشار آب و حرکت آب و موانع طبیعی برای تصفیه‌ی آب نیز استفاده می‌کنیم که در سری اول جواب‌ها توضیح داده‌شده است.

✓در خاتمه پیشنهاد می‌نماید بار سیاسی مطلب کاسته شده و بار فنی آن ارتقاء یابد.

۱. ممنون از شما ولی باید بدانیم آب یک چیز نیست آب همه چیز است و لذا وقتی آب را مورد بررسی قرار می‌دهیم بحث اثرات و آسیب‌ها و ... پیش می‌آید که لزوماً مباحث دیگر را نیز پیش میاورد.

**اتمام اشکال و پاسخ**

**از محضر شما بابت سخن صریح پوزش میطلبم**

==========

اتمام پاسخ به تمامی سؤالات متخصصین اجرایی آب کشور لذا چند تذکر را یادآور می‌شویم:

۱. طبق فرموده شما ما مطالب را ارائه دادیم و شما هم لطف نمودید اشکالات خود را ارسال نمودید و ما هم سعی کردیم به هر اشکال چندین جواب دهیم لذا اگر جمله به جمله مباحث ما جواب داده نشود دلیل بر اثبات مطلب است.

۲. ما منتظر هستیم تاریخ را مشخص فرمایید تا تبادل نظر نماییم که در این دفعه بنده به همراه چند شخصیت مهم خدمت شما خواهم رسید و دلیل این مطلب تأکیدی بوده که بزرگان به بنده فرموده‌اند تا آن بزرگواران نیز جلسه را به افرادی منعکس نمایند.

۳. ظاهراً از انعکاس مطلب در فضای مجازی ناراحت شده‌اید:

الف: بنده اسمی از شخصی نیاورده‌ام و تنها عین مطالب را نقل کرده و جواب داده‌ام .

ب: اینکه ما بفهمیم واکنش مردم به سخنان ما چیست چیز بدی نیست اتفاقاً عالی هم می‌باشد تا اگر ما خطایی کردیم دیگر تکرار ننماییم.

ج: توقع نداشته باشیم که بنده مطالب را منعکس نکنم چرا که به عقیده بنده برای حل بحران آب باید مردم در جریان باشند که می‌توان مشکل را حل نمود و البته میدانم شما نیز میدانید ولی مشکل چیز دیگری است.

٤. از رُک گویی بنده ناراحت نباشید چرا که بنده به عنوان یک طلبه که میدانم چه چیزی در انتظار ملت ما میباشد تکلیف دارم یا موضوع را بر طرف نمایم و یا اعلام دارم که روند رو به جلوی جامعه به عهده روحانیت

نیست و چرا اعلام نکنم مگر امر به معروف و نهی از منکر تکلیف نیست، مگر حضرت آقا دامت برکاته اعلام نکردند که گره علمی را حل کنید بنده متوجه شده‌ام که کاووس سید امامی‌ها وجود دارند و می‌خواهند ما به قهقرا کشیده شویم چرا به عنوان یک متعهد عمل نکنم پس شما در یک دوراهی هستید یا مشکل را حل کنید و یا گوش کنید تا مشکل حل شود و الا کاووس سید امامی نیست ولی راهش ...

۵. بنده در تخصص شما که هیچ تخصصی نداشتم صحبت کردم و طرح دادم و به تمامی سؤالات شما جواب دادم و هیچ جوابی برای گفتن وجود ندارد و نخواید داشت، باز اعلام می‌کنم زمان آن‌قدر مهم است که ما نمی‌توانیم به طرح عادی یک ساله اکتفا کنیم، اعلام می‌کنم به دلایل متعدد طرح عادی یک ساله‌ی دوازده لوله و کانال برای ما ثمره‌ای ندارد ما باید در مدت کوتاه در آب‌رسانی وسیع تر کار را انجام دهیم، در جلسه‌ی ۵ ساعته در حضور ٦ کارشناس اجرایی کشور چند کار را انجام دادیم ۱ - خطرهای عجیب آینده‌ی خشک‌سالی را متذکر شدیم ۲ - تمامی ۹ راهکارهای شما من جمله بارورسازی ابرها و ... را نقد نمودیم و اثبات نمودیم همگی بی‌نتیجه است ۳ - یک راهکار عادی که مورد بحث ما بود و دو راهکار غیرعادی را مطرح کردیم و شما نیز اعلام کردید که توانایی رد یا قبول دو راهکار غیرعادی را نداریدقطره‌های ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ ٤ - اعلام کردیم گزارش جلسه را به دو مرکز حیاتی که ذکر نمی‌کنیم را دهید و شما عنوان داشتید که طبق روال اداری شما امکان ندارد باز اعلام می‌کنیم کسی که قطره‌ی ۷۳ و ۹۲ و این قطره را نوشته دیوانه نیست احتمال دهید که در بقیه‌ی ادعاها صادق باشد و راست میگوید که اگر این احتمال را ندهید غیرعقلانی برخورد نموده‌اید و تاریخ یکی از ما را

تأیید و دیگری را رد می‌نماید ۵ - بنده یک نسخه از قطره ۷۳ و ۹۳ و این قطره را برای بیت رهبری و مجلس و دفتر ریاست جمهوری و شورای عالی امنیت ملی و تشخیص مصلحت نظام و جامعه مدرسین و جاهای دیگری که می‌شناسم ارسال می‌نمایم تا تکلیف خود را انجام داده باشم و پیشنهاد می‌دهم که شما هم همین کار را انجام دهید. ۵ - از تمامی کسانی که مطالب را خواندند درخواست دارم شما نیز مطالب را به افراد ذی‌صلاح و صاحب نفوذ برسانید ٦ - تحقق تمامی آرمان‌های اسلام ناب امروز به رفع سریع خشک‌سالی دارد و در غیر آن صورت ما در معرض از دست دادن تمامی دستاوردها هستیم. ۷ - در یکی از قطره‌ها مستقلاً تمامی راهکارهای شما را به صورت نوشتاری نقد کرده‌ایم درحالی‌که در این ده ماه گذشته بیش از ۲۵۰ سخنرانی در رابطه با آب داشته‌ام و بارها تمامی راهکارهای موجود را نقد نموده‌ام. ۸ - توصیه می‌کنم بقیه‌ی قطره‌ها را نیز مطالعه فرمایید ۹- توصیه می‌کنم به کسانی که از غرب علم آموخته‌اند زیاد خوش‌بین نباشید اگر چه که کسانی هم که در ایران درس‌خوانده‌اند نیز متأسفانه همان علوم را آموزش می‌بینند مشکل ما با افراد نیست مشکل ما با علوم آنهاست چرا که وقتی در دانشگاه امام صادق ع کاووس سید امامی درس بدهد تکلیف بقیه دانشگاه‌ها نیز معلوم است، معمولا دانشگاهها و نظریه های علمی به یهود ختم میشود و یهود چیزی را به خورد ما میدهد که به آن اعتقاد ندارد ما این مطلب در قطره‌های کتاب توضیح داده‌ایم، در علو مختلف در اقتصاد در طب در آموزش در آب و علوم روانشناسی و ... همانطور که دیدید میشود مشکل را حل کرد اما چرا حل نکرده‌اند؟ چرا میگویند حل شدنی نیست؟ ۱۰ - شما متخصصین آب یک چیز را تکرار کنید تا موفق شوید:

بگویید باید در عرض ۱۱ ماه مشکل آب را حل می‌نماییم آنگاه توسل کنید و کوشش نمایید تا عنایات خداوند را شاهد شوید ما به اهل‌بیت و خدایی اعتقادداریم که زنده هستند و همین الان نیز می‌توانند عنایت کنند اگر گفتید نمی‌شود و یا ناامید شدید بدانید نتوانسته‌اید شیطان را از خود دور کنید. دلیل طولانی شدن جوای این بود که در این مدت مباحث بسیاری پیش آمد که باید تولید محتوا مینمودم.

در آخر از صراحت کلامم پوزش می‌طلبم

شیخ علی بهرامی نیکو

۹۶,۱۱,۲۹

قم المقدسه

**علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸-**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

۱ سؤال این است : آیا باران‌هایی که در این ایام می‌بارد خشک‌سالی را مرتفع می‌کند؟ خلاصه جواب ما این است که یکی از عوامل خشکسالی دشمن است که با امور مختلفی ما را دچار خشکسالی نموده است هر گاه احساس کند ما به این مطلب آگاه شده‌ایم آنها با همان روشی که خشکسالی میاورند باران میاورند تا ما غفلت کرده و از موضوع اصلی منحرف شویم، گذشته از اینکه بر فرض که اینگونه نباشد بارانهای کنونی تناسبی با آب مورد نیاز ما ندارند و هر لحظه بحران خشکسالی بیشتر میشود، لذا سریعا **دولت و مسئولین مکلفند آب لازم را ایجاد نمایند**، و باز اعلام میکنیم **از هر راهی میتوانید**

**مشکل خشکسالی را بر طرف نمایید اگر نمیتوانید بپرسید و کمک بگیرید تا همه را از این بلای پیش رو نجات دهیم.**

برای پاسخ به این مطلب چند مبحث را باید مرور نماییم:

۲ - از تمامی دوستانی که به خشک‌سالی پی برده و از آبرو گذشتند و نماز باران را شروع کردند تشکر می‌نماییم و باران‌ها را نتیجه‌ی حرکت ایمانی آنان دانسته و بر این باور هستیم که اگر همه به این ایمان رسیده و به دستورات قرآن و اهل‌بیت علیهم السلام عمل می‌کردیم در یک روز خشک‌سالی ایران پایان میافت کما اینکه نمونه‌های تاریخی بسیاری وجود دارد و تضمین قرآنی می‌فرماید: **وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ** (اعراف آیه ۹۶) اما چه کَنیم که ... اَولین ایمان و تَقوا این است که بدانیم آب محور است

۳ - قبلاً گفته‌ایم طبق آنچه مشهود و منقول و معقول است و به تجربه رسیده بشر می‌تواند در عالم تغییراتی ایجاد نماید که این مطلب یا به واسطه‌ی قوا و شئون نفس است (مانند کاری که اولیای الهی انجام میدهند با اتصال به مبادی نورانی عالم و یا مانند کارهایی که مرتاض‌ها می‌کنند با اتصال به علل ظلمانی عالم) و یا به وسیله‌ی تکنولوژی و یا به وسیله‌ی کمک از مبادی نورانی و یا ظلمانی است، ما عقیده داریم که یکی از علل خشک‌سالی دشمنی دشمنان است که به وسیله‌ی تمامی قواهای نام‌برده شده از قبیل هارپ و سحر و شیاطین و طلسمات این کار را انجام میدهند، لذا با این پیش‌زمینه که قبلاً مباحث مفصلی داشته‌ایم اعتقادداریم: هر گاه مردم ایران کمی از خواب غفلت بیدار شوند و بفهمند مشکل اصلی خشک‌سالی است و باید برای رهایی از آن یک بسیج عمومی ایجاد کرد، دشمنان با نیروهایی که در دست دارند اقدام به ایجاد باران و یا برف مصنوعی می‌کنند تا مردم را دوباره به خواب غفلت فرو برند، لذا این احتمال قوی وجود دارد که باران‌ها امور مصنوعی توسط دشمن باشد تا ما از موضوع اصلی که خشک‌سالی است غفلت نماییم و خشک‌سالی را امری موهوم بدانیم، **کربلا به ما آموخت که دشمن در ابتدا آب را تحت اختیار میگیرد.**

٤ - خشک‌سالی و بارش باران دو مقوله‌ی جداگانه می‌باشد، ما در خشک‌سالی عظیم هستیم و هر لحظه این خشک‌سالی بیشتر می‌شود و دلیل آن باران بهاری در زمستان است آن هم به مقدار محدود درحالی‌که در زمستان باید برف ببارد نه باران لذا زمستان مرده و بهار در زمستان قرارگرفته و تابستان در بهار دیده شود و **آتش در تابستان در راه است**، نگاهی به وضعیت کشاورزی و منابع آبی ما روشنگر این است که در خشک‌سالی وحشتناک قرار داریم بدانیم **تا زمانی که منابع آبی کشور مانند دریاچه‌ها و رودها به حالت سابق خود بر نگردد در خشک‌سالی هستیم.**

٥ - حتی مقدار سرانه‌ی آب مصرفی ایرانیان و مقدار بارش‌ها برابر نمی‌باشد و تا زمانی که این مقدار با یکدیگر مساوی نشود حتی بحران خشک‌سالی کنترل نشده است: طبق نظر کارشناسان مقدار سرانه‌ی مصرف آب برای هر نفر ۲۰۰ لیتر می‌باشد، یعنی مصرف آب برای انسان‌های ایران‌زمین در هر روز ۲۰۰ لیتر ضربدر ۸۰ میلیون نفر است و عدد به دست آمده را باید در ٣٦٥ روز ضرب نمود تا مقدار آب مصرفی در طول یک سال به دست بیاید، یعنی **اگر در تمام مدت سال در هر روز ١٦ میلیارد لیتر آب از آسمان نازل شود و این آب هدر نرود و بخار نشود تازه ما به اندازه‌ی مصرف آب انسان‌های ایران‌زمین آب داریم و به وضعیت سکون رسیده‌ایم**، هر چقدر کمتر آب ببارد مجبوریم از سفره‌های زیرزمینی آب برداشت نماییم که برداشت آب از سفره‌ها خطری بسیار بزرگ و هشداری جدی است و متأسفانه ما سال‌هاست که از سفره‌های زیرزمینی آب برداشت می‌کنیم، اگر وضعیت به همین منوال پیش برود و در آینده‌ی نزدیک سفره‌های زیرزمینی ما تمام شود، سؤال این است چه باید انجام دهیم؟ **مَثَل کسی که از سفره‌های زیرزمینی آب برداشت می‌کند مَثَل انسان تنبلی است که کار نمی‌کند و بجای آن کلیه و چشم و دست و پای خود را می‌فروشد تا امرار معاش کند، تذکر می‌دهیم، دولت و حکومت موظف است آب ایجاد کند** در تمامی جوامع این‌گونه بوده حتی جوامع جاهلی قبل از اسلام، سؤال این است آیا ما در هر روز این مقدار آب نازل‌شده داریم؟ جواب منفی است، **بسیاری از نقاط کشور است که سال‌ها خشک‌شده و آبادانیها تبدیل به ویرانه شدند** و سال‌هاست قطره‌ای آبی ندیده‌اند و عطش آن‌ها را هلاک کرده است، ما

تا جایی پیش‌رفته‌ایم که بیان‌های ما نیز خشک‌شده و واردکننده شتر از سایر کشورها شده‌ایم،۵۰۰ هکتار از جنگل‌های استان گلستان تبدیل به بیابان شده است **وقتی گلستانِ آباد بیان شود استانهای کویری چگونه است؟**یعنی مقدار مصرف آب انسان‌ها در ایران با مقدار نزولات آسمانی تناسبی ندارد، حال در این وضعیت چه می‌کنیم و از کجا آب را تأمین نماییم؟

٦ - جواب سؤال این است که ما از ذخیره‌ی آبی سفره‌های زیرزمینی در حال برداشت هستیم و البته با نگاه کنونی کارگزاران اجرایی راه‌حلی دیگری نیز نداریم، **ما حوزویان مکلف هستیم با این منکر کشنده مبارزه نماییم، باران مورد نیاز نمی‌بارد، دولت و مسئولین اجرایی نیز آب تولید نمی‌کنند**، تنها راه، برداشتِ آب از سفره‌های زیرزمینی است، در حالی در این زمان **اگر دولت دلسوز مردم است سریعاً باید آب تولید کند** نه اینکه از سفره‌های زیرزمینیِ آب استفاده کند، **استفاده از سفره‌های زیرزمینی آب یعنی خودکشی**، باید دانست: **هر تفکری برای بر طرف کردن خشک‌سالی راهکار دارد**، غرب راهکار دارد، بی‌دین‌ها راهکار دارند شیطان پر ست‌ها راهکار دارند، جوامع جاهلی قبل از اسلام راهکار داشتند و ...، ولی **دولت محترم برای این مشکل راهکار ندارد و از سفره‌های زیرزمینی آب برداشت می‌کند**، و این یعنی **مرگ تدریجی ایران.**

۷ - **با روال پیش رو مرگ تمامی شئون ایران از مادی گرفته تا معنوی به واسطه‌ی خشک‌سالی قطعی است** مگر اینکه سریعاً ما در نگاه و نگرش و رفتارمان تغییر ایجاد نماییم، این چیزی است که قرآن و سنت می‌گوید و برهان عقلی نیز اقامه شده است، **إِنَّ اللهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَومٍ حَتّىٰ يُغَيِّروا ما بِأنفُسِهِم (رعد۱۱)**

۸ - بدانید تا زمانی که وضعیت تالاب‌ها و دریاچه‌ها و سفره‌های زیرزمینی ما به حال سابق بر نگردد خشک‌سالی مهار نشده و **تا وضعیت آبی ما بهتر از گذشته نشود توسعه و اقتصاد درون‌زای متکی بر ظرفیت‌های داخلی هیچ معنایی نخواهد داشت.**

**آیا باران‌های کنونی حتی یک سانتیمتر وضعیت چاه‌های ما را بهبود بخشید؟** آیا آب مورد نیاز زمین‌های عطشان ما تأمین شد؟

آیا باران‌های کنونی **سدهای تولید برق را که ۶۰% آن به واسطه‌ی خشک‌سالی فعالیت نمی‌کند** را به راه انداخت؟
آیا باران‌های کنونی توانست **۲۰۰ دشت حاصلخیز کشور را که در هزاران سال گذشته آباد بوده و هم اکنون تبدیل به بیابان شده است** را به حالت سابق خود بر گرداند؟

۹ - نکته پر اهمیت دیگر شعارها و اهدافی که دنبال می‌کنیم : آن **اهداف هیچ‌گاه تحقق پیدا نخواهد کرد مگر اینکه مشکل آب را حل نماییم** ما تنها در صورتی به چشم‌اندازها و پیشرفت می‌رسیم که اول شرط پیشرفت را دارا باشیم:
آیا امکان دارد جمعیت ایران افزایش پیدا کند و مشکل آب را حل نکنیم؟ **با روال پیش رو جمعیت ایران به ۳۰ میلیون نفر می‌رسد.**
آیا امکان دارد مشکل فقر را بدون حل کردن مشکل آب حل نماییم؟**با روال پیش رو کشاورزی و صنعت و ساخت‌وساز فلج می‌شود و فقر همه‌گیر شود.**
آیا می‌توانیم شهرهای جدید بنا کنیم ولی مشکل آب را حل نکرده باشیم؟ **با روال پیش رو بقیه‌ی روستاهای ما نیز می‌میرد.**
آیا می‌توانیم گرانی را مهار کنیم ولی مشکل آب را حل نکرده باشیم؟ **با روال پیش رو واردکننده‌ی تمامی اقلام کشاورزی خواهیم شد و گرانی بیشتر میشود.**
آیا می‌توانیم با ریز گردها و هوای آلوده شهرهای مقابله کنیم ولی مشکل آب را حل نکرده باشیم؟ **با این روال طوفان کشنده‌ی نمک در راه است.**
آیا می‌توانیم اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشیده ولی مشکل آب را حل نکرده باشیم؟ **با این روال کارخانه‌های بیشتری تعطیل می‌شود.**
آیا می‌توانیم جامعه را به سمت تقوا ببریم ولی بانکداری ربوی را حل نکرده باشیم؟ **با این روال فقر و ربا زیاد و زیادتر می‌شود.**
تا زمانی که ما تولید داخلی نداشته باشیم مشکل بانکداری ربوی حل نمی‌شود و تولید داخلی نخواهیم داشت تا مشکل آب را حل نکنیم.
باید بدانیم عموم مردم زمانی که فقیر شدند در دینشان تزلزل پیدا می‌شود و حدیث شریف می‌فرماید: **کاد الفقر ان یکون کفرا**، در جای دیگر می‌فرماید: **من لا معاش له لا**

**معاد له**، بدانیم **کسی که لقمه‌ی حلال ندارد دین او دچار مشکل می‌شود، شرط تقوا لقمه‌ی حلال است.**

**بگویم هیچ بحرانی از بحران‌های حکومت حل نمی‌شود مگر اینکه مشکل آب حل شود** و **هیچ پیشرفتی شروع نمی‌شود مگر اینکه مشکل آب حل شود** و اگر مشکل آب حل نشود به دوره‌ای خواهیم رسید که تمامی دستاوردهای خود را چه در باب امور دنیا و چه در باب امور دین از دست خواهیم داد، تاریخ را مطالعه کنیم، زمانی که خشک‌سالی ۱۲۹۸ ه‌ش پیش آمد **خانواده‌های شیعه را بهاییان با نانی خریدند** و پدر و کل خانواده بهایی شدند و تا کنون نیز بهایی ماندند و بگویم که این جریان در حال تکرار است و بدانیم **وقتی آب نباشد دنیای ما خراب شود**، دنیا مزرعه‌ی آخرت است وقتی مزرعه‌ی دنیای ما با خشک‌سالی خشک شد آخرت ما هم خشک می‌شود، ببینیم چه رابطه‌ی مستقیمی بین فقر و فحشا وجود دارد: خشک‌سالی فقر میاورد، فقر فحشا میاورد، فحشا بلا و زلزله میاورد و این‌ها همه نتیجه‌ی درخت شومی است که خشک‌سالی نام دارد، بدانیم **مدیرانی که برای بر طرف کردن مشکلات جامعه تلاش می‌کنند ولی برای بر طرف کردن خشک‌سالی تلاش نمی‌کنند یا جاهل‌اند که خدا کند چنین باشد و یا خائن،** ما تلاش می‌کنیم اگر جاهل‌اند علم را به آنان هدیه کنیم و الا به خداوند پناه میبریم.

۱۰- نکته دیگر اینکه آب مصرفی مورد نیاز در ایران برای حفظ وضعیت موجود چقدر است؟

ما روزانه ۲۰۰ لیتر آب ضربدر ۸۰ میلیون نفر آب برای هر ایرانی لازم داریم که این آب مقدار مصرف روزانه آب برای هر انسان بعلاوه غذایی است که می‌خورد اما اگر بخواهیم جنگل‌ها و گونه‌های گیاهی و حیوانات حفظ شود و زمین‌های ما نمیرند و دشت‌ها به بیابان تبدیل نشود و باغ‌های پدران ما خراب نشود عدد مورد نیاز ما به آب بسیار عجیب می‌شود، گذشته از اینکه **رسیدن به چشم‌اندازها و اهداف بلند تعیین‌شده برای ایران نیز عدد آب را بسیار بالاتر می‌برد**، فقط بگویم ما **باران به اندازه‌ی مصرف انسان‌های ایران‌زمین هم نداریم** و این یعنی اینکه ایران با این روال به سمت مرگ در حال حرکت است، مرگ دریاچه‌ها و حیوانات و گیاهان و جنگل‌ها و دریاچه‌ها و تالاب‌ها و روستاها

و در نهایت **مرگ ۵۰ میلیون ایرانی** که این ۵۰ میلیون نفر به واسطه‌ی عوارض خشک‌سالی که جنگ و بیماری و فقر و گرسنگی است در معرض تلف قرار دارند.
**پس بارانهای کنونی هیچگاه خشکسالی را بر طرف نمیکند، فریب نخوریم.**(در قسمت دوم این مبحث انواع باران را مورد بررسی قرار میدهیم)۹۶,۱۰,۱۷

**۷۸۶ - قطره‌ی ۷۴ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه- بحث دروغ و ربا قسمت اول**
**۱ وزیر نیرو: امسال با بحران آب روبرو نیستیم. (چهارشنبه ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۶) تمام-جواب :**

۱. آن‌قدر بحران آب شدید شده است که کمتر کسی است که نداند در شدیدترین بحران آبی واردشده‌ایم، بلکه در شدیدترین بحران آب و هوایی تاریخ بشریت واردشده‌ایم.
۲. چگونه وزیر نیرو می‌فرماید با بحران آب روبرو نیستیم درحالی‌که سال‌هاست با بحران آبی روبرو هستیم و امسال در موج جدیدی از گرما و عدم نزول باران واردشده‌ایم آیا وضعیت خشک‌سالی در ٦٧ سال گذشته بی‌سابقه نبوده است.
۳. زمانی که وزیر نیرو که مسئولِ اصلی بر طرف کردن بحران خشک‌سالی است موضوع بحران خشک‌سالی را نداند هیچ‌گاه نمی‌تواند آن را حل نماید.
٤. لذا همان‌گونه که قبلا هم در مورد وزارت نیرو و به خصوص وزیر نیرو تذکر داده بودیم، درخواست داریم سریعاً وزیر نیرو راهکار خود را برای بیرون رفت از بحران خشک‌سالی ارائه دهد.
۵. ما اعلام می‌کنیم هیچ راهکار نجات بخشی برای بحران خشک‌سالی در دستان دولت و مجلس موجود و ... نمی‌باشد و با این وضعیت تمامی شئون جامعه و دستاوردهای گذشته و پیشرفت‌های پیش رو در خطر جدی می‌باشد.
٦. از مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم تا خشک‌سالی ما را به لبه‌ی پرتگاه نرسانده است از وزیر نیرو راهکار جدی و عملی بیرون رفت از خشک‌سالی را

جویا شود که مطمئناً ایشان راهکاری ندارند و آمارهای فعلی و آتی و وضعیت کنونی و پیش رو اشتباه وزیر نیرو را بر همگان آشکار می‌کند.

۷. امیدواریم وزیر نیرو با اعلام رسمی بحران خشک‌سالی حداقل ما را به اندازه‌ی سر سوزنی دل خوش کنند که حداقل ایشان می‌دانند بحران خشک‌سالی داریم.

**امام رضا (ع) می‌فرمایند: هرگاه حاکمان دروغ بگویند باران نمی‌بارد. میزان الحکمه جلد ۳ صفحه ۲۸۶**

**۱ آقای روحانی می‌فرماید: بارندگی پاییز امسال نسبت به پاییز ۱۰ سال گذشته ۵۵% کاهش داره، این(عدم نزول باران) دست ما نیست، باید دعا کنیم خدا رحمت را نازل کنه- تمام - جواب**

۱. طبق روایات معصومین علیهم السلام خشک‌سالی نتیجه‌ی اعمال ما می‌باشد که دلایل بسیاری برای آن ذکرشده که طبق روایت یکی از دلایل آن دروغ مسئولین است، فقط یک نمونه‌ی بسیار کوچک از دروغ‌ها: وقتی وزیر نیرویِ شما اصل خشک‌سالی را انکار می‌کند، نتیجه‌ی این دروغ شدت خشک‌سالی است، شما جلوی دروغ‌های مسئولین را بگیرید تا رحمت خداوند نازل شود. قسم می‌خورم تا از دروغ دست بر نداریم خشک‌سالی بر طرف نمی‌شود، چرا که یکی از علت‌های خشک‌سالی ایران دروغ است که در حدیث امام رضا ع تصریح شده است.

**۲.** شما می‌فرمایید این کاهش بارندگی دست ما نیست: اتفاقاً این خشک‌سالی نتیجه‌ی اعمال ماست، شماآقای روحانی رئیس جمهور محترم مسئول امر به معروف و نهی از منکر در جامعه هستید چقدر با منکرات مبارزه کردید؟ چقدر با فساد مالی مبارزه کردید؟ چقدر با ربای بانکی مبارزه کردید؟ ربا جنگ باخداست که سال‌های سال همه فریاد می‌زنند اما رو به‌روز بیشتر و بیشتر می‌شود حال که ما با رواج ربا به جنگ خدا رفته‌ایم پس باید عواقب این جنگ را هم ببینیم، عاقبت این جنگ خشک‌سالی وحشتناکی است که شروع‌شده پس اگر می‌خواهید خشک‌سالی بر طرف شود سریعاً به صورت جدی با ربا و فساد بانکی و منکرات و دزدی‌های کلان که به اسم حقوق نجومی مطرح است

مبارزه کنید که اگر نکنید خشک‌سالی همه را خشک می‌کند، **بدانید خشک‌سالی لشکر خداست.**

**۳. نکته دیگر می‌فرمایید دعا کنیم تا خشک‌سالی بر طرف شود.**

- بسم‌الله دعا کنید تا خشک‌سالی بر طرف شود ولی بدانید به دلایل زیادی دعا مستجاب نمی‌شود، شکم‌های ما از ربای بانکی پر شده و شکمی که در آن مال حرام باشد دعایش مستجاب نیست، **آیت‌الله مکارم شیرازی دامت برکاته فرمودند: یکی از مشکلات زمان ما این است که غذای بدون شبهه هیچ کجا پیدا نمیشه به علت اینکه همه‌ی پول‌ها می‌رود در بانک، بانک هم رباخواری‌اش مسلم است، پول حلال ما، پول امام زمان ع آمیخته می‌شود با این پول‌های ربا و هر جنسی بخواهیم بخریم با آن می‌خریم، هیچ راهی هم غیر از این نداره بنابراین یکی از عوامل عدم استجابت دعاها همین آلوده بودن غذا به حرام یا مشکوک لا اقل و این مشکل زمان ما است، سابقاً این‌طوری نبود بانکی نبود، هر کسی پول حلال خودش را نگاه می‌داشت می‌رفت جنس می‌خرید، جنس حلال، پول حلال، ما الآن دیگه پولی نداریم از غیر مسیر بانک**- متن سخنرانی تمام - خداوند در سوره‌ی بقره می‌فرماید: **يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿۲۷۶﴾** خدا از ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خدَاوند هیچ نَاسپاس گناهکَاری را دوست نمی‌دارد. (۲۷۶) **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۲۷۷﴾** کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۷۷) **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۲۷۸﴾** ای کسانی که ایمانَ آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربَا باقی مانده است واگذارید. (۲۷۸) **فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿۲۷۹﴾** و اگر (چنین) نکردید، بدَانید به جنگ باخدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید. (۲۷۹) – ترجمه تمام - تنها برای اینکه ابعاد وحشتناک مسئله‌ی پیش رو را با روال عادی پیش رو بیان کنم نتیجه‌ی ادامه وضعیت ربا که حرب و جنگ باخداست را از کتاب خدا

یادآور می‌شوم، قرآن کریم در سوره‌ی مائده در آیه‌ی ۳۳ در مورد حکم محارب می‌فرماید: **إِنَّما جَزاءُ الَّذينَ يُحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْديهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظيمٌ** ۳۳ جز این نیست که سزای آنان که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین به فسادگری می‌کوشند این است که کشته شوند یا به صلیب کشیده شوند و یا دست و پایشان برخلاف یکدیگر بریده شود و یا از آن [سرزمین] به نقطه‌ای دیگر [تبعید] گردند. این کیفر، رسوایی آنان در دنیاست و برای آنان در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود-ترجمه تمام - البته این واضح است که ما تنها به دنبال اثرات شوم و وضعی آثار ربا در جامعه هستیم، لذا طبق آیه‌ی کریمه: ربا جنگ باخداست و حکم جنگ باخدا نیز در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده بیان‌شده، امروز جای سؤال دارد که همه فکر کنند، چرا هوا گرم شده؟ و چرا بجای باران و برف در تمامی ایران زلزله میاید؟ آنچه من گمان می‌کنم تحقق آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده در حق جامعه‌ی ما است: ما با ربا و سیاست‌هایی که فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر نمود به جنگ باخدا پرداختیم و فرصت زیادی داشتیم تا اصلاح شویم حال خداوند گزینه‌ی نظامی خود را به میان آورده تا ما را اصلاح کند، باران نمی‌بارد، هوا گرم شده، زلزله میاید، بیماری و گرانی و قحطی در راه است، پرندگان می‌میرند و تخم‌مرغ گران می‌شود، در زمستان تالاب آتش می‌گیرد و هوا ناسالم می‌شود و این جریان ادامه دارد مگر اینکه سریعاً توبه کنیم و تا اصلاح شویم ما با رباخواری به فساد پرداختیم و کتاب خدا را پشت سر گذاشتیم و آن فساد این بلاهای ارضی و سماوی و جان و مال و دام و طیور و ... را به همراه داشت در حقیقت این بلاها تحقق دقیق آیه‌ی ۳۳ سوره مائده در حق ماست، اگر ما آیات قرآن را نمی‌دانستیم و حجت بر ما تمام نشده بود مانند جوامع غربی و مارکسیسمی و اومانیسمی بودیم، خوب در آنجا حجت تمام نشده بود و مسئله فرق می‌کرد اما در مملکت ایران اسلامی که معارف الهی را حتی افراد عوام آن می‌داند جای هیچ‌گونه مسامحه‌ای نیست، ما قرآن را میدانیم ولی با الگوی غیر قرآنی رفتار می‌کنیم، پس حجت بر ما تمام‌شده و جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای نیست، حال که ما بر کرده‌های خود پافشاری می‌کنیم، خداوند عالم هم باقدرت خود با ما برخورد می‌کند.

- اگر واقعاً می‌خواهیم قدم جدی برای استجابت دعا برداریم جلوی ربای بانکی را بگیرید ما عملاً در جنگ باخدا هستیم، آن وقت چگونه خداوند دعای کسی که با او در جنگ است را مستجاب کند؟ اگر اصرار دارید دعا در این وضعیت جوابگو است این شما و این تمامی کُتُب ادعیه دعا فرمایید. ربای بانکی فقیر را فقیرتر و غنی را غنی‌تر کرده، چه خانواده‌ها که متلاشی نشد؟ چه ضجه‌ها که بلند نشد؟چه طلاق‌ها و فسادها و فحشاها که اتفاق نیفتاد؟ که همه بازگشت به ربا و دروغ داشت، بدانید تا تغییر نکنیم و امر به معروف و نهی از منکر را عملاً از سطوح بالایی مسئولین شروع نکنید هیچ اتفاقی نمی‌افتد روایت می‌فرماید: **إذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوف وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنْ مُنْكَرٍ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْل بَيْتِی سَلَّطَ اللهُ عَلَيْهِمْ شرَارَهُمْ فَيَدْعُو عِنْدَ ذَلكَ خِيَارُهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ** لَهُم هرگاه (مردم) امر به معروف و نهی از منکر نکنند و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدانشان را بر آنان مسلّط گرداند و نیکانشان دعا کنند امّا دعایشان مستجاب نشود .امالی (صدوق) ص ۳۰۸- تنها چند روایت در مورد ربا را یادآور می‌شویم: امام **صادق علیه السلام: (عَنْ اَبی بصیرٍ قال) قُلْتُ: آكلُ الرِّبا بَعْدَ البَيِّنَة؟ قالَ: يُؤَدَّبُ فَانْ عادَ اُدِّبَ فَانْ عادَ قُتِلَ؛** (ابو بصیر از امام صادق علیه السلام پرسید) حکم رباخوار بعد از روشن بودن حکم ربا برای وی چیست؟ حضرت فرمودند: تأدیب می‌شود و اگر (برای بار دوم) ربا گرفت باز تأدیب می‌شود و (برای بار سوّم) اگر ربا گرفت، کشته می‌شود. کافی ج ۷، ص ۲۴۲، ح ۹ - **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: اَلرِّبا وَ انْ كَثُرَ فَانَّ عاقبَتَهُ تَصيرُ الی قُلٍّ؛ سود** ربا گرچه بسیار باشد ولی سرانجام به کمی (و بی‌برکتی) می‌گراید. نهج الفصاحه ص ۵۰۷، ح ۱۶۸۴ - **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: انَّ اَخْوَفَ ما اَخافُ عَلی اُمَّتی منْ بَعْدی هذه الْمَكاسبُ الْمُحَرَّمَةُ وَ الشَّهْوَةُ الخَفيَّةُ وَ الرِّبا؛** آنچه بیش از هر چیز بر امتم بعد از خود می‌ترسم، درآمدهای حرام، هواپرستی پنهان و رباست. مستدرک الوسایل و مستنبط المسایل ج ۱۳، ص ۶۷، ح ۱۴۷۶۳ - بحارالانوارج ۱۰۰، ص ۵۴، ح ۲۶ - **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: اذا ظَهَرَ الزِّنا وَ الرِّبا فی قَرْيَة فَقَدْ اَحَلّوا بِاَنْفُسهمْ عَذابَ الله؛ هرگاه** زنا و ربا در جایی آشکار شود، مردم آنجا خود را در عذاب خدا افکنده‌اند. نهج الفصاحه ص ۱۹۶، ح ۱۱ - **امام رضا علیه السلام: اعْلَمْ يَرْحَمُكَ الله اَنَ الرِّبا حَرامٌ سُحتٌ، منَ الكَبائر وَ مِمّا قَدْ وَعَدَ الله عَلَيْهِ النّارَ فَنَعوذُ بِالله مِنْها، وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلی لِسانِ كُلِّ نَبی وَ فی كُلِّ**

**کتابِ؛ خدایت** رحمت کند! بدان که ربا حرام و از گناهان کبیره است و خداوند بر آن وعده آتش داده است پس پناه می‌بریم به خدا از آتش. ربا را همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی حرام کرده‌اند. فقه الرضا علیه السلام ص ٢٥٦ - **امام صادق علیه السلام:{لَمّا سُئلَ عَنْ قَوْلِ الله عَزَّ وَ جَلَّ } (يَمْحَقُ اللهُ الرِّبا وَ يُرْبِي الصَّدَقات) وَ قَد أرى مَنْ يَأكُلُ الرِّبا يَرْبُو مالُهُ؟ فقال فَأيُّ مَحْقٍ أمْحَقُ منْ درْهَمٍ ربا يَمْحَقُ الدّينَ فَإنْ تابَ منْهُ ذَهَبَ مالُهُ وَ افْتَقَرَ؛** مردی از امام صادق علیه السلام درباره آیه «خداوند ربا را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد» سئوال کرد و گفت: گاه کسی را می‌بینم که ربا می‌خورد و با این حال ثروتش زیاد می‌شود؟ حضرت فرمودند: کدام نابودی، نابودکننده تر از يك درهم ربا که دین را نابود می‌کند. که اگر توبه هم کند ثروتش از دست می رود و فقیر می‌شود. تهذیب الاحکامج ٧، ص ١٩، ح ٦٥ - من لا یحضره الفقیه ج ٣، ص ٢٧٩، ح ٤٠٠٥ - **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: مَنْ أكَلَ الرِّبا مَلأَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَطْنَهُ منْ نار جَهَنَّمَ بقَدْر ما أكَلَ وَ إن اكْتَسَبَ منْهُ مالاً لا يَقْبَلُ اللهُ تَعالى منْهُ شَيئا منْ عَمَله وَ لَمْ يَزَلْ فى لَعْنَة اللهِ وَ الْمَلائكَة ما كانَ عنْدَهُ منْهُ قيراطٌ واحدٌ؛** هر کس ربا بخورد خداوند عز و جل به اندازه ربایی که خورده شکمش را از آتش دوزخ پر کند و اگر از طریق ربا مالی به دست آورد، خدای تعالی هیچ عمل او را نپذیرد و تا زمانی که قیراطی (کمترین مقدار) از مال ربا نزدش باشد، پیوسته خداوند و فرشتگانش او را نفرین کنند. بحار الانوارج ٧٣، ص ٣٦٤، ح ٣٠ - **امام صادق علیه السلام: آكلُ الرِّبا لا يَخْرُجُ منَ الدُّنْيا حَتّى يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطانُ؛** رباخوار از دنیا نرود تا آن که شیطان دیوانه‌اش کند. بحارالانوارج ١٠٠، ص ١٢٠، ح ٣٠ - **امام صادق علیه السلام: درْهَمُ ربا أعْظَمُ عنْدَ اللهِ منْ سَبْعينَ زنْيَةً بذات مَحْرَم فى بَيْت اللهِ الْحَرامِ و قال: الربا سبعون جزءا أيسره ان ينكح الرجل امه في بيت الله الحرام يك** درهم ربا نزد خداوند سنگین تر است از هفتاد بار زنا کردن با محارم در خانه خدا و فرمود ربا هفتاد جزء دارد که آسان‌ترینش این است که مرد با مادرش در بیت‌الله الحرام ازدواج کند بحار-ج ١٠٠، ص ١١٧، ح ١٣ - تفسیر نور نورالثقلین ج ١، ص ٢٩٥، ح ١١٧٧ - **رسول اکرم صلی الله علیه و آله: إنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعَنَ آكلَ الرِّبَا وَ مُؤْكلَهُ وَ كَاتبَهُ وَ شَاهدَيْهِ** خدای عز و جل رباخوار و ربادهنده و نویسنده و شاهد بر آن را لعنت

کرده است. من لا یحضره الفقیه ج ٤، ص ٨، ح ٤٩٦٨ - بحث ربا و ادمه‌ی جواب در قطره‌های بعد

**بسم‌الله الرحمن الرحیم ، قطره‌ی ۷۵ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه- ادامه‌ی قطره‌ی ۷٤ در بحث ربا- راهکار بیرون رفت از ربای بانکی - در جواب جناب آقای دکتر روحانی**
**آقای روحانی می‌فرمایند: بارندگی پاییز امسال نسبت به پاییز ۱۰ سال گذشته ۵۵% کاهش داره، این (عدم نزول باران) دست ما نیست، باید دعا کنیم خدا رحمت را نازل کنه- تمام - جواب : همان طور که در قطره‌ی ۷٤ عرض کردیم:** اگر شما عقیده دارید در این وضعیت با دعا مشکل حل است **بفرمایید و دعا نمایید** ما قبلاً دعا کرده‌ایم چیز دیگری فهمیده‌ایم، **جامعه‌ی ما از بس دروغ شنیده که قبول نمی‌کند بگوییم توبه کنید دعا کنید تا آب بیاید لذا باید آب بیاورید تا همه دعا کن شوند آن گروهی هم که دعاخوان هستند به علت ترک امر به معروف و نهی از منکر دعایشان ...، تازه اگر دعا کنیم بارانی هم بیاید مطمئن باشید خشک‌سالی را بر طرف نمی‌کند، آمدن باران و بر طرف کردن خشکسالی دو مقوله است و ما هم اکنون در خشکسالی وحشتناک هستیم و یکی دیگر از اسباب عدم استجابت دعا بانک‌های و پولهای ربوی است** لذا طبق آنچه روایات و بزرگان فرموده‌اند **جامعه‌ای که مبتلا به ربا باشد، دعا در آنجا مستجاب نمی‌شود و البته جامعه‌ای که مبتلا به ربا باشد آن جامعه در جنگ و محاربه با خداوند است و طبق آیات دیگر مانند آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده بلا بر آن جامعه سرازیر می‌شود که طبق فهم ما خشک‌سالی‌ها و زلزله‌های پی‌درپی و اموری که سلسله‌وار در انتظار جامعه ایران است نتیجه‌ی جنگی است که از سوی خداوند بر ما نازل‌شده و تا ما، مخصوصا مسئولین ربا را پایان ندهیم جنگ را پایان نداده‌ایم و این جنگ ادامه دارد و بلاها بیشتر و شدیدتر می‌شود، تا همگی توبه نماییم (متن آیه ربا در مورد جنگ با خدا بقره : یا أیها الذین آمنوا اتقوا الله وذروا ما بقي من الربا إن کنتم مؤمنین ( ۲۷۸ )فإن لم تفعلوا فأذنوا بحرب من الله**

**ورسوله -متن آیه: ۳۳-در مورد محاربه : إِنَّما جَزاءُ الَّذينَ يُحارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْديهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خلاف أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذابٌ عَظيمٌ)-خَلاصَه‌ی قطره‌ی قبل تمام-حَال ادامه‌ی بحث**

**سؤال اینجاست چرا جامعه‌ی ما مبتلا به ربا شد؟ و از چه زمانی ربا شدت گرفت؟ و در این وضعیت برای نجات از ربا باید چه کرد؟** همان‌گونه که معلوم است ربا مربوط به این زمان نیست، بلکه در دوران صدر اسلام بلکه قبل از اسلام نیز ربا وجود داشته همان‌گونه که در حدیث شریف امام رضا ع می‌فرماید: **اعْلَمْ يَرْحَمُكَ الله اَنَ الرِّبا حَرامٌ سُحتٌ، منَ الكَبائرِ وَ ممّا قَدْ وَعَدَ الله عَلَيْه النّارَ فَنَعوذُ بِالله منْها، وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلى لسانِ كُلِّ نَبىَ وَ فَ كُلِّ كِتابٍ؛ خدایت** رحمتَ کند! بدان که ربا حَرام و از گناهان کبیره اَست و خداوند بر آن وعده آتش داده است پس پناه می‌بریم به خدا از آتش. **ربا را همه پیامبران و همه کتاب‌های آسمانی حرام کرده‌اند.** فقه الرضا علیه‌السلام ص ۲۵۶ – اما بدیهی است که رواج و گسترش ربا بعد از پیدایش بانک‌ها بوده که به ناچار همه‌ی مردم حتی مسلمانان مبتلا به آن شده‌اند و مشکل اساسی اینجاست که ما مسلمانان حتی شیعیان نتوانسته‌ایم سازوکار مناسب حلال اسلامی برای مبادلات و تجارت ارائه دهیم که البته این مشکل از جانب ماست نه از جانب اسلام، مشکل بیشتر اینجاست که با تمامیِ عقودی که سعی شد در سازوکار بانک‌ها ایجاد شود تا بانک‌ها از ربا دور شود باز هم به شهادت علما و فقها و کارشناسان نتوانسته‌ایم کار چندانی از پیش ببریم. سؤال این است که **چرا بانک‌های ما نتوانستند با انقلاب اسلامی، اسلامی شوند؟** انقلاب تحقق یافت ولی عملیات جدی و حقیقی برای اسلامی بودن بانک‌ها انجام نشد تا جایی که فردی، وام خودرو می‌خواهد و بانک خودروی ۲۰ میلیونی را ۵۰ میلیون اقساط می‌فروشد، حال کافی‌ست که یک قسط او عقب بیفتد سود دیرکرد او شروع می‌شود، او که در این وضعیت خراب اقتصادی نمی‌تواند قسط‌های ساده‌ی خود را پرداخت کند حال باید دیرکرد قسط اول را پرداخت کند قسط دوم می‌رسد تازه می‌تواند دیرکرد قسط اول را پرداخت کند تا جایی که وام‌گیرنده که وام گرفته بود تا دردی از او دوا شود، مجبور می‌شود وام دیگری بگیرد تا فقط دیرکردهای وام اول را بپردازد که در اینجا نه تنها دارایی‌ای به داراییِ او اضافه

نشده است بلکه از گذشته نیز فقیر تر شده است که نَدارِ خود را نیز از دست داده است، حال بگذریم از اینکه **بانک‌ها به از ما بِهتَران وام‌های کلان با سود کم می‌دهند که حتی در صورت دیرکرد هم کاری با آن‌ها ندارند ولی به مردم عادی وام‌های کم با سود بسیار می‌دهند، آن از ما بِهتَران‌ها وام کلان را می‌گیرند و در همان بانک ودیعه می‌گذارند و سود زیاد می‌گیرند و با سود گرفته‌شده اصل و فرع وام را شاید پس بدهند** که نمونه‌های آن بسیار است از طرفی همین **بانک‌ها پول مردم را می‌گیرند و اصل پول مردم را هم پس نمی‌دهند که** شروع اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ از آنجا آغاز شد که چند بانک و موسسه مالی اصل پول مردم را پس نمی‌دانند...، چرا بانک‌ها اسلامی نشدند؟ دلیل اصلی این است که **ما فکر کردیم که اگر احکام فقهی را بر قراردادهای بانک‌ها حاکم کنیم بانک اسلامی می‌شود،** یا اگر برای رؤسای بانک‌ها کلاس اخلاقِ اقتصاد گذاشتیم بانک اسلامی می‌شود، امروز به جرئت میگویم **اگر رؤسای بانک‌ها را از متدین‌ترین مذهبی‌ها بگذاریم تغییری در بانک‌ها ایجاد نمی‌شود بلکه وضعیت خراب‌تر هم می‌شود،** دلیل خراب‌تر شدن این است که آن فرد مذهبی تلاش می‌کند ربا را از بانک حذف کند، دو حالت دارد یا باید وام بدهد یا خیر،وام ندادن که امکان ندارد، اگر وام بدهد: مردم پول قرض می‌گیرند، یا پس نمی‌دهند و یا دیر پس می‌دهند از طرفی بانک هزینه‌های بسیاری هم دارد از طرف دیگر بانک درآمدزایی ندارد پس نمی‌تواند خرج امورات خود را در بیاورد لذا عملاً بانک‌ها ورشکسته و تعطیل می‌شود، لذا بنده فکر می‌کنم **بیشتر کسانی که تا کنون به بانک‌های ربوی اشکال کرده‌اند اگر بانک‌ها را به آنان بسپاریم وضیعت کشور را بحرانی‌تر می‌کنند تا کنون بنده راهکار عملی برای موفقیت بانک‌ها در کار اقتصاد برای برچیده شدن ربا ندیده‌ام** هر چه دیده‌ام بیان احکام و یا اخلاق اقتصاد بوده است، سؤال اصلی این است **برای به دست آمدن ثروت حلال که ربا و بهره هم در کار نباشد، اسلام چه راه حل عملی دارد؟** بله تا زمانی که ما نتوانیم راه حل عملی برای ایجاد ثروت حلال به مردم و بانک‌ها و بنگاه‌های کوچک و بزرگ ارائه دهیم هیچ‌گاه ربا و بهره و سود و نزول از جامعه بر چیده نمی‌شود، بنده تا کنون سخنرانی و کتابی در رابطه اقتصاد اسلامی ندیده‌ام ولی به این اسم کتاب‌های زیادی دیده‌ام و سخنرانی‌ها شنیده‌ام ولی هیچ‌کدام اقتصاد اسلامی نبوده همه اخلاق و احکام

اقتصاد اسلامی بوده است، بین این سه مقوله با یکدیگر تفاوت است، اقتصاد اسلامی، اخلاق اقتصاد اسلامی و احکام اقتصاد اسلامی، حال نمی‌خواهم جعل اصلاح کنم خیلی ساده بنده تا کنون ندیده‌ام راهکاری در مملکت گفته شود که با آن راهکار اقتصاد مملکت متحول شود و به سمت ثروت حلال حرکت کنیم، بله **صحبت از اقتصاد مقاومتی ، اشتغال ، تکیه بر پتانسیل‌های داخلی ، حمایت از تولید داخلی ، مبارزه با قاچاق کالا ، فقرزدایی و کم کردن اختلاف طبقاتی و ده‌ها امید و آرزوی دیگر هست ولی سؤال این است راهکار چیست؟** راهکاری بیان نمی‌شود، همین جا اعلام می‌کنم تا کنون هیچ راهکاری را نشنیده‌ام ولی اعلام می‌کنم: **راهکار، آب‌رسانی سریع است، این راهکار حقیقتاً پیچ تاریخی است، این راهکار ایران را در عرض مدت کوتاهی به ابرقدرت بلامنازع جهان تبدیل می‌کند،** این راهکار تنها در بعد کشاورزی ایران را ٤٠٠ سال جلو می‌اندازد یعنی همان طی الزمان حکومتی است که قبلاً هم گفته بودیم و بدانید و بدانند **ایران در آستانه‌ی ابرقدرت شدن است، ابرقدرتی که شرق و غرب را به زانو در میاورد** تا جایی که ما را از تمامی خام فروشی‌ها نجات می‌دهد تا جایی که مجبور باشیم با تسهیلات ویژه کارگر وارد کنیم و ایرانیان به بالاترین ترقی‌های در حد امکان دست‌یابی پیدا کنند تا جایی که از اقتصاد متکی بر نفت آزاد شویم، بله بی‌جهت نبود پیام حضرت روح‌الله به گورباچف که فرمودند: نقل به مضمون به غرب روی نیاورید و بلند شوید بیایید قم و درس بخوانید و الا ...(متن نامه‌ی امام رحمت‌الله علیه: **شما اگر بخواهید در این مقطع تنها گره‌هاي كور اقتصادي سوسياليسم و كمونيسم را با پناه بردن به كانون سرمايه‌داري غرب حل كنيد، نه تنها دردي از جامعه خويش را دوا نكرده‌ايد، كه ديگران بايد بيايند و اشتباهات شما را جبران كنند؛ چرا كه امروز اگر ماركسيسم در روش‌های اقتصادي و اجتماعي به بن‌بست رسيده است، دنياي غرب هم در همين مسائل، البته به شكل ديگر، و نيز در مسائل ديگر گرفتار حادثه است ٠٠٠٠. تني چند از خبرگان تيزهوش خود را كه در اين‌گونه مسائل قوياً دست دارند، راهي قم گردانيد، تا پس از چند سالي با توكل به خدا از عمق لطيف باريک‌تر از موي منازل معرفت آگاه گردند، كه بدون اين سفر آگاهي از آن امكان ندارد)** ما هر چه یاد گرفتیم از برکت قرآن و روایات و اهل‌بیت عصمت و طهارت و علما است، کلید مشکل ما را این آیه حل

می‌نماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی**، از آب هر چیزی زنده می‌شود حتی بانکداری ربوی، حتی اقتصاد رو به ورشکستگی ایران، حتی بیکاری و فقر و ... این آیه اطلاق دارد و همه چیز را می‌گیرد، این آن گره‌ی علمی هست که رهبر انقلاب دامت برکاته اعلام نمودند باز کنید نقل به معنی (متن بیانات: **فرض بفرمایید در مسائل اقتصادی کشور، ما این همه راجع به مسائل اقتصادی حرف می‌زنیم، همه هم تصدیق می‌کنند؛ اقتصاد مقاومتی را مطرح کردیم، همه هم از صدر تا ذیل تأیید می‌کنند، تصدیق می‌کنند، برایش جلسه و کمیته و کمیسیون و مانند این‌ها هم تشکیل می‌دهند، [امّا] آن چنان‌که بایدوشاید کار پیش نمی‌رود. خب اشکال کجا است؟ یک گره علمی وجود دارد؛ این گره علمی را چه کسی باید باز کند؟** -بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۳۱/ خرداد/ ۱۳۹۶)این گره در قم بازشده، بله ما انقلاب کردیم و نظام اسلامی که قانون اساسی است نیز انجام شد ولی هیچ‌گاه دولت اسلامی و جامعه اسلامی تشکیل نشد که در بیانات مختلفی از رهبر انقلاب دامت برکاته عنوان شده است (یکی از متن‌ها : **بر اساس حرکت انقلابی، نظام اسلامی به وجود آمد و این توفیقات بسیار مهم حاصل شد اما تا رسیدن به نقطه مطلوب و تشکیل دولت اسلامی و جامعه اسلامی فاصله زیادی وجود دارد و ما بدون شک در این راه در حال حرکت و پیشرفت هستیم.**)، یعنی بانکداری ما همانند زمان پهلوی باقی ماند، یعنی وزارتخانه‌های ما اسلامی نشد و ... به عقیده‌ی بنده **اگر امروز ما مشکل خشک‌سالی را بر طرف نماییم به اهدافی که در ابتدا برای آن انقلاب کرده‌ایم نائل می‌شویم و اگر مشکل آب را حل نکنیم هیچ مشکلی را نمی‌توانیم حل کنیم**، بر کسی این مسئله پوشیده نیست که **ما در زمینه‌ی اقتصاد ناتوان هستیم و تا کنون امورات خود را از طریق خام فروشی و یا اموری که فایده‌ی چندانی ندارد گذرانده‌ایم و کشاورزی ما رو به نابودی نهاده است**، درحالی‌که قبلاً هم گفته‌ایم **سیاستمداران ما اشتباه کردند و می‌کنند که حرکت اصلی جامعه‌ی ما را می‌خواهند به سمت صنعتی شدن ببرند، ما مخالف صنعت نیستیم بلکه ۱۰۰% موافقیم**، ولی سؤال این است: **ایران باید جامعه صنعتی باشد که کشاورزی هم می‌کند و یا اینکه ایران جامعه‌ی کشاورزی است که صنعت هم در آن در خدمت کشاورزی باشد؟ باید بدانیم اصل در جامعه‌ی ایران کشاورزی است** که البته در تمامی

جوامع مدرن کشاورزی اصل است، غرب برای بهره‌وری بیشتر از کشاورزی بود که صنعتی شد و در ابتدا صنعت را به خدمت کشاورزی قرارداد، بعد به سراغ صنعت در جهت تفریح و رفاه رفت، ولی ما با چشم‌پوشی از کشاورزی روی به سیاست صنعت در خدمت غیر کشاورزی آوردیم لذا می‌بینیم که واردکننده‌ی محصولات کشاورزی هستیم و **در مملکت ما کشاورز دارای ارج و قرب زیادی نیست**، آیا غیر از این است که وضعیت روستانشینان ما از ٦٩% به ٢٩% رسیده است؟ اگر کشاورزی ارج و قرب داشت این‌گونه روستاهای ما خالی می‌شد؟ **کدام تمدن است که ادعای جهانی بودن داشته باشد ولی غذایش را از خارج تأمین کند؟** کدام ابرقدرت است که واردکننده‌ی غذا باشد؟ بله **مسئولین ما زمانی که در خشک‌سالی قرار گرفتند و نتوانستند مشکل آب را حل کنند به ناچار از کشاورزی چشم پوشیدند، درحالی‌که بزرگ‌ترین اشتباه را کردند**، ایران با ظرفیت کشاورزی تمام دنیا را به لرزه در میاورد، اکثر پدران ما دامدار و باغدار و کشاورز بودند و این شغل بسیار پر برکت و پر طرفدار و پر سود و دائمی است و بافت جامعه‌ی مردم ما نیز بر آن استوار بوده، ما ایرانیان زمین‌های بسیار وسیعی داریم و در خون مردم ماست که می‌توانند با آب و زمین محصولات متنوع ایجاد کنند، به خلاف صنعت که هزینه و پیچیدگی‌های بسیاری دارد و در صورت موفقیت در تولید، آن‌قدر به دست‌آوردن بازارهای جهانی سخت و پر رقیب است، **شما آب را برای این مردم بیاورید در مدت کوتاهی همه شاغل شده و ثروت حلال زیاد ایجاد می‌شود، حال با کدام حرکت اقتصادی صنعتی است که بتوانید مردم را مدت کوتاهی شاغل کرده و نجات دهید؟** خودتان حساب کنید برای ایجاد یک کارخانه چقدر باید هزینه شود و چند نفر مشغول کار می‌شوند؟ چقدر درآمد در آخر برداشت می‌شود؟ و چقدر طول می‌کشد تا کارخانه از کلنگ زنی تا بهره‌برداری برسد؟ همین هزینه را مقایسه کنید با کشاورزی، از لحاظ زمان و هزینه و مقدار بهره‌وری و ... اصلاً قابل‌مقایسه نیست، بله **ما در کشاورزی مشکل آب داشتیم قبول، خوب مشکل آب را حل می‌کردید، چرا اصل مساله را خط زدید؟** در طرح عادیِ ما (که آن را قبول نداریم ولی) آب از خلیج‌فارس و دریای عمان به کشور می‌رسد مگر چقدر زمان و هزینه لازم دارد؟ با قیمت کنونی ٧ هزار میلیارد تومان بیشتر هزینه‌ی دست مزد لازم ندارد، شما بفرما کم حساب کرده‌ای ٧٠ هزار میلیارد تومان، بفرما کم

است ۴۲۰ هزار میلیارد خوب است؟ خوب طبق آمار آقای رئیس‌جمهور: در این سال ۷۰۰ هزار شغل ایجاد کرده‌ایم، برای هر شغل اگر ۶۰ میلیون هم هزینه شده باشد که همه می‌دانند با ۶۰ میلیون شاید نتوان یک مغازه هم رهن کرد، عدد می‌شود ۴۲۰ هزار میلیارد تومان، خوب همین پول را قرار می‌دادید تا این زیرساخت آب را که عام‌المنفعه هم است را درست می‌کردید و بجای ۷۰۰ هزار شغل ۷ میلیون شغل بلکه بیشتر آن هم نه برای یک سال بلکه برای همیشه درست می‌کردید، بگویم **اگر آب نیاورید نه تنها در آینده هیچ اتفاقی نمی‌افتد بلکه تمامی ساخته‌های انقلاب و قبل از انقلاب نیز از بین خواهد رفت،** این مسئله جدی است ایران در حال خشکی کامل است، به هر حال **بحث ربا تنها زمانی قابل حل است که ثروت حلال تولید کنیم تا ملت بجایی برسند که نیازی به وام نداشته باشند و نیز بانک‌ها بتوانند تولید ثروت حلال بنمایند نه اینکه ناتوانایی خود در اقتصاد را با گروکشی و سود گیری از مردم تأمین کنند** و گفته‌ایم اگر راهکار دو ماهه‌ی غیرعادی ما برای انتقال آب را قبول نمی‌کنید راهکار عادی که هیچ شک و شبهه‌ای در آن نیست را عملی کنید و نجات دهید و نجات پیدا کنید، اگر هم اشکالی دارد بفرمایید تا بدانیم. بحث ربا در قطری بعد ادامه دارد ۹۶,۱۰,۲۲

**شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد)**– سایت:tvshia.com - تلگرام:@hodhodbashid – ارتباط با ادمین:@hodhodbash اینستاگرام:khoshksali۹۶– ۰۹۱۹۸۸۴۴۷۹۸

بسم الله الرحمن الرحیم

قطره‌ی ۷۶ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- بحث ربا قسمت سوم

در قطره ۷۴ توضیح دادیم که **دعاها به دلیل دروغ و ربا و ترک امر به معروف و نهی از منکر و ... مستجاب نمی‌شود، در قطره‌ی ۷۵ توضیح دادیم که جامعه به علت اینکه نتوانست الگوی درست و کارآمد درآمدزایی و ثروت حلال داشته باشد مبتلا به ربا شد و در این زمان جامعه رسماً وارد جنگ باخدا شد و مصیبات امروز جامعه‌ی**

**ما از قبیل زلزله‌ها و خشک‌سالی، نتیجه و اثر وضعی گناهان است که یکی از آن‌ها ربا می‌باشد و راه بیرون رفت از ربا ایجاد سازوکار صحیح برای تولید ثروت عمومی حلال است تا بانک‌ها بجای ربا، وارد درآمدزایی حلال شوند و مردم هم احتیاجی به ربا پیدا نکنند که بنا بر آنچه که از قرآن فهمیدیم آب مشکل فقر و عدم درآمدزایی جامعه‌ی ایران را حل می‌نماید** وان شاء الله از ربا نجات میابیم

ادامه‌ی بحث ربا: **ما در مسئله‌ی بانک و پول باید بسیار حساس باشیم چرا که در صورت بروز اشتباه حتی اشتباه سهوی ما وارد جنگ باخدا شده‌ایم و در آن صورت حکم محارب در حق جامعه‌ی ما محقق می‌شود** و بلا به جامعه‌ی ما نازل می‌شود، مانند کسی که اشتباهاً شراب خورده این شخص اگر چه که گناه نکرده باشد اما اثر وضعی آن که از بین رفتن عقل است به او رسیده و به خود و دیگران ضرر میزند، هر گناه اثر وضعی دارد و اثر وضعی ربا جنگ باخدا و نزول بلا بر جامعه است، **شاید گفته شود تمامی عقودی که در بانک‌ها انجام می‌گیرد عقد شرعی است و ربا نیست،** سؤال: آیا آنچه نوشته‌شده عمل می‌شود؟ جریمه‌ی دیرکرد تحت چه عنوانی قرار دارد؟ شخص طبق قرار اولیه مثلاً باید ۱۰ میلیون باز پس دهد اما به علت شرایط بد اقتصادی و ... وام‌گیرنده نمی‌تواند قسط را در موعد مقرر بپردازد و مثلاً ۱۵ میلیون بازپرداخت می‌کند، **آیا این اضافه ربا نیست؟** وام برای این بود که کمکی به نیازمند باشد اما می‌بینیم که در انتها به شخص کمکی که نشده هیچ بلکه فقیرتر هم شده است، سؤال این است که: **بالفرض این عمل شرعی باشد آیا اخلاقی هم می‌باشد، آیا نباید جامعه به سمت اخلاق حرکت کند؟** آیا پیامبر برای تکمیل اخلاق مبعوث نشدند؟ بالفرض عقودی که بانک‌ها قرار می‌دهند شرعی باشد، **آیا حیله و کلاه شرعی نیست؟** باید بین علما بحث شود اگر ربا جنگ باخداست و اثرات وضعی وحشتناکی دارد بهتر نیست در این مسئله‌ی حیاتی نظر تمامی علما در آن لحاظ شود؟ **آیا بهتر نیست در مسئله‌ی جدی و حیاتی ربا در جایی که شک داریم احتیاط کنیم و برائت را جاری نکنیم؟** همه میدانیم اصحاب سبت مأمور بودند که شنبه ماهیگیری نکنند و آن‌ها هم شنبه ماهیگیری نکردند بلکه شنبه گودال‌هایی کندند که ماهی‌ها در آن گیر می‌کردند و یکشنبه می‌گرفتند ولی خدا همه‌ی آنان را عذاب کرد، سؤال این است، اصحاب سبت که گناهی نکردند اتفاقاً طبق فقه مرتکب حرامی نشدند، ولی چرا خدا

آن‌ها را عذاب کرد؟ از اینجا به این مسئله می‌رسیم که **شاید فقه باید با وجدان و اخلاق گره بخورد تا راهگشا باشد،** مخصوصاً اینکه پیامبر ص فرمودند: من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاق را تکمیل کنم و نفرمودند مبعوث شدم تا احکام را تکمیل کنم، سؤال این است: عمل فقهی بانک‌ها آیا مطابق با اخلاق هم می‌باشد؟ و سؤال دیگر این است که **چرا بعضی از فقها دامت برکاتهم رباخواری بانک‌ها را مسلم می‌دانند؟ شاید برای نجات جامعه از اثر وضعی ربا و ... باید قوانین اخلاق را هم به فقه ضمیمه کرد و آنگاه نظر نهایی را داد؟ اگر می‌خواهیم حکومت دینی موفق باشد باید حکومت مردم را به اخلاق دعوت کند و خود ملزم به حداکثری‌های اخلاق باشد و اگر ما بخواهیم جامعه را با حداقلی‌های فقه اداره کنیم حتماً جامعه از هم می‌پاشد،** شما فقط تصور کنید جامعه‌ای را که با حداقل‌های فقهی بر پا شود، وضعیت لباس زن‌ها و مردها چه می‌شود، آیا نماز جماعتی باقی می‌ماند؟ آیا عزاداری مذهبی حتی در ایام عزا باقی می‌ماند؟ و...، **آیا اکنون سیاستمداران و کارگزاران ما خود را پایبند به حداقل‌های فقهی می‌دانند و یا پایبند به حداکثرهای اخلاقی می‌دانند؟** آیا عمل به اخلاقیات برای کارگزاران حکومت واجب است و یا مستحب؟ **البته بین فقه و اخلاق جدایی نیست چرا که اخلاق قسمت عظیمی از بایدها و نبایدهای فقهی است،** ولی متأسفانه این قسمت از فقه را بسیاری با توجیهات تعطیل نموده‌اند،آنچه که ما را بیشتر در مسئله ربا با وضعیت کنونی هوشیار می‌کند این است که **وام‌گیرندگان نیز به مطلوب خود نمی‌رسند و بعضاً دچار سختی‌های بیشتری می‌شوند** و اگر ناچار نبودند چه بسا زیر بار وام نمی‌رفتند، **وام برای این بود که دردی از او دوا شود ولی کار معکوس شد، دردی دوا نشد که هیچ بلکه مشکل او بیشتر شد و عملاً همان اتفاقی که به وسیله‌ی ربا به فرد می‌رسید به فرد رسید منتهی این بار با ظاهر شرعی،** ما فرض کنیم عقود بانک‌ها شرعی و اسلامی، خوب سؤال این است که **چرا این عقود شرعی و اسلامی نتیجه‌ی اسلامی نداشت و نتیجه‌ی ربوی برای ما داشت؟** در آیه ٦٥ سوره انعام می‌فرماید: **قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ** بگو: او تواناَست که بر شما عذابی از بالایَ سرتان (چون سنگ و صاعقه و سجیل فروریزد) یا از زیر پاهایتان (مانند زلزله و خسوف، فرو رفتن زمین)

برانگیزد یا شما را گروه‌گروه به جان هم اندازد و عذاب برخی از شما را به برخی بچشاند (طبقه ستمگر بالا را بر پایین تر آن مسلط، یا طبقه پایین را علیه طبقه بالا منفجر سازد) بنگر چگونه ما آیات و نشانه‌های گوناگون را می‌آوریم، شاید بفهمند- ترجمه تمام- ما وقتی خوب نگاه می‌کنیم می‌بینیم **هر سه وعده‌ی آیه در جامعه‌ی ما تحقق پیدا کرده است، وعید اول عذاب بالای سر** مانند آلودگی هوا و گرد و خاکی که در هوا است مانند طوفان نمک، گرمای زمستان، عدم نزول باران و برف، **وعید دوم عذاب پایین پا:** که همه می‌بینند بیشتر نقاط کشور بر اثر زلزله می‌لرزد، بیشتر زمین‌های ما بی‌آب شده، بیشتر زمین‌های ما در حال فرو رفتن است که در زبان دین خسوف و در زبان زمین‌شناسی فرونشست زمین میگویند، برکت زمین رفته و کشاورزی ما دچار مشکل شده است، **وعید سوم آیه که مشکلات تفرقه اجتماعی است** نیز به ما رسیده، تجمعات و اغتشاشات مردم، طبقه‌ی پایین در مقابل طبقه‌ی بالا و طبقه دین‌دار که به میدان میاید و با اغتشاشات مبارزه می‌کند و خود این طبقه نیز بر طبقه‌ی حاکم اعتراض دارد، از طرفی طبقات بالایی نیز خود باهم مشکل‌دارند و چه بسا مشکلات طبقات بالایی  بود که مردم را در طبقات پایینی دچار مشکل کرده است، چرا که **الناس علی دین ملوکهم**، ما در طبقات بالایی حاکمیت حتماً نفوذی و منافق داریم و درعین‌حال حتماً انسان‌های مؤمن و متعهد داریم درعین‌حال هر دو گروه ادعای ایمان محض دارند درعین‌حال هر دو گروه با یکدیگر مشغول نزاع هستند، در عین حال همه با هم دوست هستند، در این حال مردم نیز شعبه شعبه می‌شوند و چون تا کنون یک گروه نتوانسته است بر دیگری پیروز شود آن نزاع و جنگ پنهان به جامعه می‌رسد و جامعه را دچار مشکل کرده است، **باید سریعا سیستم اداری جراحی شود و الّا غدّه‌ی سرطانی، بدخیم و کشنده است و فراموش نکنیم فقط آتش پاک کننده نیست آب هم یکی از مطهرات است،** سؤال این است **چرا امت‌های گذشته مانند عاد و ثمود و شداد و فرعون و ... هلاک شدند و به بلاهایی مانند صاعقه و زمین‌لرزه و فرو رفتن در زمین و ... هلاک شدند؟** آیا غیر از این بود که آنان احکام الهی را پایمال کردند و حرمت الهی را شکستند و خدا هم با نیرو و توان خود با آنان برخورد نمود؟ **آیا نزول عذاب تنها بر امت‌های گذشته بوده و با اهل این زمان کاری ندارد و در این زمان امور طبیعی است؟ آیا ما در جامعه‌ی خود**

**ربا و سایر منکرات الهی نداریم؟** بله مسلم داریم، **آیا مخصوصاً از ماه آبان سال ۹۶ مشکلات ارضی و سماوی مانند زلزله و بیماری و ... زیاد نشده؟** بله زیاد شده است، آیا می‌توان گفت که این امور از حیطه‌ی قدرت الهی خارج است و بلا نمی‌باشد؟ **آیا بین ما و خدا قرابتی است که اگر گناه کنیم بلا بر ما نازل نشود ولی بر سایر امم بلا نازل شده است؟** اصلاً حکمت وجود این همه داستان قرآنی در مورد نزول بلا بر اثر نافرمانی چه می‌باشد؟ اگر بین وجود بلا و گناه رابطه‌ای نیست و ما تمامی امور زمین و آسمان را به امور طبیعی و روال طبیعی منسوب کنیم چرا در امت‌های گذشته چنین نباشد و اصلاً قرآن برای ما چه پیامی دارد؟ خواهی نخواهی جامعه‌ی ما مبتلا به ربا و منکرات است و امر به معروف و نهی از منکر رو به خاموشی نهاده است و می‌بینیم بلاهای مختلف زمینی و آسمانی که به ما می‌رسد نتیجتاً فرد دین‌مدار کشف می‌کند که این امور بلا می‌باشد و تا ما همگی توبه نکنیم این امور ادامه دارد، **امروز اگر برای هر جامعه‌ای حجت تمام نشده باشد برای ملت ایران حجت تمام است**، امروز اگر هر جامعه‌ای را خدا مهلت دهد برای جامعه‌ی ایران مهلت تمام است، آیا در جامعه ما ظلم نیست؟ آیا ما نمی‌توانیم تا حد امکان با فساد در تمامی شئون آن برخورد کنیم و یا می‌توانیم؟ بله ظلم و فساد وجود دارد و ما مأمور به برخورد با آن هستیم و تا حد توان هم حتی تلاش نکرده‌ایم، یا باید امور را اصلاح کنیم یا وعیدهای قرآنی در حق ما تحقق میابد **و این امور و عذاب و برخورد الهی نیز از الطاف خفیه‌ی الهی است تا اینکه سریعاً ملت ایران بر کشتی نجات سوار شوند و از بلای الهی که تمامی بشریت را فرامی‌گیرد نجات‌یافته** و ان‌شاءالله دیگران را نجات دهند، فراموش نکنیم بلای جهانی در زمان حضرت نوح از خانه‌ی نوح نبی شروع شد (**حتی اذا جاء امرنا و فار التنور**) و اول کسانی که از آن بلا نجات یافتند نوح و اهل نوح بودند، **بلای جهانی امروز به ایران هم رسیده است بلکه شاید از ایران شروع‌شده و ما باید سریعاً تمامی ملت را در کشتی نجات وارد کنیم که آن کشتی چیزی نیست جز عمل به دین حقیقی که اسلام ناب است** در این صورت در کشتی نجات واردشده و از بلا جان سالم بدر برده‌ایم و می‌توانیم زمینه‌ی نجات دیگران را هم فراهم کنیم، **باز هم به آیه‌ی عظیم قرآنی که سر نجات ما در این لحظات حساس است را اشاره می‌کنیم و جعلنا من الماء کل شیء حی**، از آب همه چیز زنده می‌شود، ما اگر محوریت تمامی

امور ایران را در این لحظات حساس آب قرار دهیم، می‌توانیم بیشتر امور را اصلاح کنیم، ما در یکی قطره‌ها مفصل در مورد نتیجه‌ی آب‌رسانی به ایران صحبت خواهیم کرد اما بدانیم هر فتنه و فساد و آمال و آرزویی که داریم با آب‌رسانی فراهم می‌شود **حتی صبح**، اما اجمالاً: اول اتفاقی که با آب‌رسانی سریع برای مهار خشک‌سالی می‌افتد زمینه‌ی از بین بردن فقر جامعه و ایجاد شغل و تولید ثروت حلال را فراهم نموده‌ایم، اختلاف طبقاتی و نارضایتی عمومی کم می‌شود، زمینه‌ی کم شدن و از بین رفتن ربا را فراهم آورده‌ایم و مشکلات بسیار اجتماعی از بین می‌رود، رضایتمندی از حکومت دینی در جامعه به حداکثر ممکن خود می‌رسد، حتی دیگران نیز از ما الگو خواهند گرفت و **ما می‌توانیم برای دیگران اسوه‌ی حسنه‌ی حکومتی شویم**، آنچه بنده به نظرم میاید **اتفاق مصر در ایران تکرار می‌شود** و در این زمان زمینه‌ی از بین بردن بلاهای زمینی و آسمانی نیز فراهم می‌شود، اگر آب بیاید از نظر معنوی دین احیای می‌شود و بلاهای الهی نیز کم می‌شود و با نگاه مادی نیز اگر آب بیاید زلزله کم می‌شود، جلوگیری از فرونشست زمین و خسوف می‌شود، بیماری که به علت خشک‌سالی است کم می‌شود، هوای آلوده و ریز گردها از بین می‌رود و هر خیرات و برکاتی بر ما نازل می‌شود، تصریح می‌کنیم، آب‌رسانی و رفع خشک‌سالی زمینه‌ی هر خیرات و برکات است **حتی ما با علوم خود می‌توانیم سایر کشورها را نیز نجات دهیم و تمامی کشورها به اسلام ناب محتاج می‌شوند و امید است به زودی تمامی کشورها با جان و دل به اسلام ناب ایمان بیاورند** و هیچ کس این امر را بعید نداند، پیام قرآن در سوره‌ی یوسف همین است که یوسف توانست در مدت کوتاهی جامعه-ی بت پرست مصر را موحد کرده و حتی تمامی کشورهای اطراف را نیز تغییر دهد، **وضعیت جهانی امروز ما بی‌شباهت به جریان مصر نیست**، لذاست که میگوییم **خشک‌سالی لشکر خداست، تمامی بلاها لشکر خداست، تمامی این امور مقدمه برای برگشت بشریت به دین است، بله کیمیای گمشده‌ی بشریت که همه را نجات می‌دهد در قرآن است و تمامیِ این امور مهیب و مصیبت زا، تازیانه‌های خداست که گله‌ی راه گم کرده را به مسیر درست بر می‌گرداند پس بهتر است با میل و رغبت بازگردیم و الا مجبور هستیم بازگردیم، باید توبه کرد و توبه‌ی اولیه در تغییر رویکرد ما نسبت به قرآن و سیاست‌های کلی است باید محور اولیه در حکومت آب باشد** و

تمامی امور با آب هماهنگ شود و باید با تمام توان در ابتدا مشکل آب را حل کرد در این صورت ما قرآن را محور قرار داده‌ایم که قرآن محور را آب می‌داند چرا که می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی** که البته ظاهر و باطن و باطن تر آن حجت است و نمی‌توان به بهانه‌ی اینکه تأویل آیه در روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت از آب امام است ظاهر آیه را کنار زد، **بله الماء سه مرتبه دارد: ظاهر آن آب خوردن، باطن آن امام ع و باطن تر آن توحید است و هر سه مرتبه و سه‌شان آن حجت می‌باشد.**

قطره‌ی ۷۶ بحث سوم ربا شیخ علی بهرامی نیکو(هُدهُد)سایت:tvshia.com - تلگرام:@hodhodbashid –ارتباط با ادمین:@hodhodbash اینستاگرام:tvshia – ۱۲ مرداد ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸-۱۳۹٦

بسم‌الله الرحمن الرحیم

**قطره‌ی ۷۷ از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- بحث ربا قسمت چهارم، حکمت احکام**

در قطره‌های قبل توضیح دادیم ما نتوانستیم الگوی کسب ثروت حلال را بدست آوریم لذا مبتلا به ربا شدیم و ربا جنگ باخداست و در این زمان سه بلا به جامعه ما رسیده عذاب بالای سر و پایین پا و عذاب‌های اجتماعی، اگر می‌خواهیم مشکلات حل شود یکی از آن کارها پایان دادن به ربا است و راهکار عملی برای حل مشکلات من جمله ربا و بر طرف کردن عذاب از جامعه، آب رسانیِ سریع و مبارزه با منکرات است

ادامه‌ی بحث: سؤال این است **چرا ربا حرام است، با اینکه در بعضی از حالت‌های ربا اصلاً ضرر محسوسی هم متصور نیست** مثلاً اگر یک میلیارد تومان بدهد و یک تک تومانی ربا بگیرد، در اینجا باز هم ربا حرام است و **طبق فتوای فقها باید تعزیر شود و در بار چهارم به فتوای جمیع فقها ربا دهند کشته می‌شود** و البته ربا دهند و گیرنده و کمک‌کننده و شاهد و ... همه مرتکب حرام شده‌اند و ربا از گناهان کبیره و است و او علناً اعلام جنگ باخدا نموده است، **آیا در ایران ربا داریم؟** جواب مثبت

است، **چرا تا کنون حکم ربا را در حق آنان اجرا نکرده‌ایم؟آیا یک نفر تا کنون به خاطر ربا کشته شده است؟** چرا در جایی که قاتلی را دستگیر می‌کنیم او را قصاص می‌کنیم ولی در مورد ربا که محارب باخدا و رسول است این حکم را جاری نمی‌کنیم؟ مگر حکومت اسلامی مأمور به برپایی احکام نمی‌باشد؟ **چگونه توقع داریم جامعه‌ای که در جنگ باخداست خدا آن جامعه را کمک کند؟** چگونه دعا در این جامعه قبول شود؟ ربا شکم‌ها را مملو از حرام می‌کند، چگونه در شکمی حرام جای دارد دعایش بالا رود؟ **آیا در جامعه‌ی ربوی نماز قبول است؟ آیا در این جامعه اوجب واجبات این نیست که در برابر ربا و اصحاب ربا قیام نمود؟** آیا سکوت در برابر این منکر خانمان‌سوز حرام نیست؟ **جواب اینکه چرا ربا حرام است و سؤال‌های مشابه که از علت احکام سؤال می‌شود این است که: چون خداوند از طریق اهل‌بیت فرموده حرام است لذا حرام است، ما در احکام و علل احکام چرا نداریم**، بله شما می‌توانید سؤال کنید چرا خدا هست؟ چرا خدا یکی است؟ چرا اهل‌بیت معصوم هستند؟ و... ولی وقتی عقاید با دلیل و استدلال اثبات شد در احکام جای سؤال و چون و چرا نیست، وقتی طبابت یک طبیب و تخصص او اثبات شد دیگر از چرایی نسخه او سؤال نمی‌کنیم، ما در عقاید که ریشه و اصل است سؤال می‌کنیم و جواب یقینی می‌شنویم، ولی **در احکام اثبات می‌کنیم که هم سؤال نمی‌توان کرد و کسی هم که بخواهد در علل احکام وارد شود و از عقل خود علت تراشی کند حتماً به انحراف می‌رود، ما نه علت احکام را میدانیم و نه می‌توانیم علت را کشف کنیم و آن کس که این کار را کند حتماً به گمراهی می‌رود**، البته اگر اهل‌بیت ع مطلبی در مورد علت احکام بیان داشته باشند می‌پذیریم ولی آنچه مشهود است آنچه اهل‌بیت ع بیان فرموده‌اند علت تامه نبوده و چه بسا حکمت باشد و اصولاً **قبول احکام بدون دانستن علت آن نشانه‌ی ایمان است** و اصلاً اسلام یعنی همین، تسلیم محض بودن، ولی باز هم بیان می‌کنم ما در اعتقادات اثبات می‌کنیم که در احکام نباید سؤال کرد، چرا که اصلاً **شاید یک حکم تنها برای سنجش ایمان باشد** و علت آن حکم در این است که مقدار ایمان سنجیده شود، از باب نمونه ابراهیم نبی مأمور می‌شود پسر معصوم و بی‌گناه خود را سر ببرد، خوب این چه حکم و چه مأموریتی است؟ اسماعیل علی نبینا و آله و علیهم السلام چه گناهی کرده است؟ خدا چرا این حکم را می‌دهد؟چرا باید مقداری گندم

را برای خدا آتش زد(در جریان پسر حضرت آدم)؟چرا باید خضر آن بچه را بکشد؟ مگر بچه چه گناهی کرده است؟ بالفرض که این بچه بخواهد در آینده منحرف بشود، آیا مگر غیر از این است که آمده‌ایم در این دنیا امتحان شویم؟ و بدانیم اگر قرار باشد در مورد احکام اجازه‌ی سؤال داشته باشیم و تا جواب قانع‌کننده پیدا نکنیم آن حکم را قبول نکنیم هیچ حکمی در اسلام باقی نمی‌ماند چون در تمامی احکام اسلامی می‌توان اشکال وارد کرد و به یقین نرسید، **جواب یک چیز است، ما در علل احکام تسلیم هستیم،** عقل ما کوتاه‌تر است از اینکه علل احکام را بفهمد، چون عصمت و برتری اهل‌بیت برای ما به صورت یقینی اثبات‌شده در این مسائل تنها سمعا و طاعتا میگوییم، می‌شنویم و اطاعت می‌کنیم و سؤال نشانه‌ی ضعف در عقاید است، متأسفانه از این دست سؤال‌ها بسیار است که تماماً نشانه‌ی ضعف در عقاید می‌باشد، **چرا ربا حرام است؟ چون امام معصوم فرموده و جای هیچ چون و چرایی هم ندارد، اگر کسی در احکام باز هم سؤال دارد و چون و چرا می‌کند بحث در عصمت می‌شود نه در علت احکام، باید بگوییم در عصمت بحث بسیار است، آن کس که عصمت را شفاف‌تر و عمیق تر فهمیده ایمان بیشتری دارد،** ما در ضمن آیات ۳۱ و ۳۲ سوره‌ی فاطر اثبات نمودیم که عصمت مراتب دارد، مراتب پایین آن که شامل عصمت در فعل و فکر است شامل حال تمامی شیعیان است چه شیعیان قبل از بعثت پیامبر و چه شیعیان بعد از بعثت پیامبر، که قرآن می‌فرماید **ان من شیعته لابراهیم** تاکید میکنم شیعیان نه مانند ما که از مراتب پایین محبین هستیم، و اجمال آنچه در آن آیات بیان کرده‌ایم این است که **اصطیفنا و اورثنا الکتاب و عبادنا تدل علی عصمتهم و مکان ثم تدل علی انهم بعد الرسول لا انبیاء قبل و ظالم تدل علی انهم غیر اهل البیت لانهم لیسوا بظالم و هم لیسوا بمقتصد بل سابق و هم لیسوا بسابق لانهم اصل الخیر لا سابق بالخیرات و آیتین فی وصف الشیعه نسبهم الی انفسهم لشده التقیه و تحیر العقول من مقاماتهم و لا مجال لمعرفتهم الا ان نقول اکبر من ان یوصف و هم اسماء الله – تم، فتامل**- اگر عصمت را قبول نکنیم و یا زیر سؤال ببریم هیچ‌چیزی قابل‌اثبات نخواهد بود او می‌تواند تمام دین را زیر سؤال ببرد، حتی کتاب خدا، به دلیل اینکه شاید کسی بگوید انبیاء همیشه راست گفتند الا آنجا که گفتند خدا این مطلب و این کتاب را نازل کرده و اصل کتاب و خدا را زیر سؤال ببرند، اگر عصمت انبیاء و ائمه زیر

سؤال برود تقریر و کلام و سیره و همه چیز زیر سؤال می‌رود، چرا که دائماً این سؤال پیش میاید، آیا او در این گفته و در این فعل و ... اشتباه کرد و یا نه؟ دروغ گفت یا نه؟ (نعوذ بالله)و بدانیم **زیر سؤال بردن عصمت از خطرات بزرگی است که منجر به انکار کل دین می‌شود،** اگر عصمت قبول نشود، شما سؤال می‌کنید این امری که شما بیان کرده‌اید اَ من الله او منک، این از خدا بود یا از جانب تو، پیامبر چه جواب میفرماید، جواب میفرماید من الله، دوباره سؤال پیش میاید این جواب اَ من الله او منک، پیامبر جواب می‌دهد من الله، حال سؤال می‌کنیم اثبات کن من الله بوده، خدا چگونه با شما سخن گفت که ما نشنیدیم؟ او می‌خواهد بفرماید من معجزه دارم و خدا این معجزه را داده است، شخص می‌گوید این معجزه از طرف خدا نیست بلکه از قوای نفس شماست، خوب چه جواب داده شود، جواب این فرد تنها یک چیز است، او باید نفرین کرد و سوره‌ی تبت و سال سائل و سوره‌ی فیل را در حق او اجرایی کرد تا به چشم خود ببیند امن الله بوده یا نه؟ این شخص از عقل بهره ندارد و استدلال برای عاقل است، او باید حقیقت را ببیند و بچشد شاید دریابد که بعضاً اهل جهنم در جهنم هم دچار توهمات هستند، **زیر سؤال بردن عصمت اهل‌بیت ع زمینه‌ی زیر سؤال بردن خدا می‌باشد، کسی که بگوید همه چیز را می‌توان نقد کرد حتی امام معصوم را، او با این جمله اولاً** خود را باطل کرده چرا که آیا همین جمله را می‌توان نقد کرد یا خیر؟ اگر نمی‌شود نقد کرد متن آن جمله خود جمله را باطل کرده چرا که یک چیز که غیرقابل نقد باشد را پیداکرده‌ایم و آن همین جمله است، اگر می‌شود نقد کرد باز هم خود جمله خود را باطل کرده است چون نتیجه این می‌شود که بعضی چیزها را نمی‌شود نقد کرد، **ثانیاً:** او با این جمله ادعا کرده من معصوم هستم و دلیل عصمت او این است که جمله‌ای گفته که احتمال اشتباه هم در آن نیست، **ثالثاً:** اگر همه چیز را می‌توان نقد کرد ما چرا خدا و کتاب خدا و احکام را نقد نکنیم و همه میدانیم که اگر این باب باز شود چیزی از دین باقی نمی‌ماند و در کوچک‌ترین مسائل دینی و احکام صدها سؤال بی‌جواب می‌توان طرح کرد، **اگر عرب جاهلی می‌گوید ا من الله او منک،** من در دو راهی هستم که این سؤال را پای نافهمی آن عرب بگذارم یا اینکه این عرب را الگو قرار دهم و من هم به خودم اجازه نقد رسول‌الله و ائمه معصومین را بدهم؟ **آیا مگر سیره و فعل تمامی کسانی که با رسول‌الله بودند برای ما**

**حجت است؟** اگر این‌گونه است خوب در جایی هم به پیامبر خدا (نعوذبالله) گفتند هذیان می‌گوید، پس ما هم اجازه داریم بگوییم این‌ها هذیان است، **اگر در یک مورد جای نقد باشد خوب در همه جا جای نقد است، پس در این صورت ما همه چیز را نقد می‌کنیم حتی جایی که بیان شده باشد من الله است پس اهل بیت ع باید جواب دهند** تا درستی مطلب اثبات شود و همه میدانیم اگر کسی این‌گونه پیش برود حتی اگر معجزه هم بارها دیده شود باز می‌تواند با بهانه‌ی دیگری آن را رد کند، از این خوف دارم که این‌گونه کلمات منجر شود که حتی رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله و سلم زیر سؤال برده شود و قبل از ما شیعیان، برادران اهل سنت در برابر این انحراف عقیدتی موضع‌گیری کنند، این انحراف بسیار خطرناک است، لذا در **مسئله‌ی چرایی احکام ما اعتراف به نادانی خود می‌کنیم که این از عقل است نه از چیز دیگری، ما برای احکام علت نمی‌تراشیم که منع شده‌ایم و گمراهی است و منجر به تعطیلی دین می‌شود که هر علتی که بتراشیم در مورد دیگر با استثناء مواجه می‌شویم** که در این صورت یا باید حکم اول را یا حکم دوم را باطل کنیم درحالی‌که در دو حکم صحیح است، البته اگر حکمتی بیان شده باشد بیان می‌کنیم و حکمت غیر از علت است، **شاید ما برای یک حکم هیچ دلیل عقلی پیدا نکنیم باز هم آن حکم را قبول می‌کنیم**، سؤال می‌کنم چرا روزه روزه‌ی آخر ماه مبارک واجب و روزه‌ی اول شوال حرام است، اگر آخر ماه رمضان را بخوریم حرام انجام داده‌ایم و مستحق آتش و اگر اول شوال را روزه بگیریم حرام است و مستحق آتش، مگر روز با روز چه فرقی دارد؟ سؤال دیگر طبق فتوای یک فقیه امروز آخر رمضان است پس باید روزه بگیرد، طبق فتوای فقیه دوم امروز اول شوال است و نباید روزه بگیرد، چه باید کرد؟ باید هر مکلف طبق فتوای مجتهد خود عمل کند، سؤال چگونه دو فتوای مخالف یکدیگر و دو مکلف به دو تکلیف مخالف و حکم واقعی چیست؟ جواب این‌گونه سوال‌ها را باید در عقاید داد و تا زمانی که عقیده درست نشود هزاران سؤال این‌چنینی می‌باشد، متأسفانه جامعه‌ی ما از نظر عقاید ابتدایی می‌باشد و از این جهت ضررهای بی‌شماری بر جامعه وارد می‌شود تا جایی که بعضاً عالمی که خود را مجتهد می‌داند و گرفتار این شبهات است و بجای اینکه از جامعه رفع شبهه کند خود شبهات ضد دینی را نشر می‌دهد، اعاذنا الله، بنده فکر می‌کنیم امروز پایه‌ی اصلی دین نشان گرفته‌شده و

حوزه که متکفل دین است مأمور است به این شبهات پاسخ محکم بدهد که پاسخ به این شبهات بی‌شباهت به پاسخ حضرت امام ره در کتاب کشف‌الاسرار به نوشته‌جات علی‌اکبر حکمی زاده که در اسرار هزارساله نوشته است نیست، بله امام درس را تعطیل نمود و پاسخ داد و آن پاسخ‌ها بود که سرچشمه‌ی تحولی عظیم‌تر بود، **باید حوزه در این لحظات حساس که جامعه گرفتار بلای خشک‌سالی است به فریاد جامعه برسد و با علوم خود جامعه را نجات دهد که در غیر این صورت خوف این است که خشک‌سالی همه چیز را خشک کند حتی حوزه را که نمونه‌ی آن در سال‌های ۱۳۰٤ تا ۱۳۲۰ در ایران دیده‌شده**، اما تنها از باب اینکه جامعه مبتلا به این است که حکمتی برای احکام بیان شود ما با اعتراف به اینکه نمی‌دانیم حکمت چیست مطالبی را بیان می‌کنیم، چرا شخص ربا می‌دهد؟ دلیل واضح است به دست آوردن سود بیشتر با زحمت کمتر، سؤال اگر شخص می‌توانست با پولی که در اختیار دارد سود بیشتری ببرد آیا ربا می‌داد؟ جواب واضح است اگر راهی برای سود بیشتر داشت هیچ‌گاه ربا نمی‌داد، سؤال چرا شخص ربا می‌گیرد؟ جواب شخص نیازمند است و گرفتار و مجبور به ربا گرفتن شده است تا دردی از او درمان شود، خوب با این تصویر: **آیا امکان دارد در این جامعه هم ربادهنده سود کند و هم ربا گیرنده بتواند سود را پرداخت کند و هم مشکل مالی را بر طرف کند؟** جواب واضح است ربا گیرنده نهایت کاری که بتواند انجام دهد این است که با فعالیت خود بتواند تنها سود ربادهنده را پرداخت کند و هیچ‌گاه نمی‌تواند سود بیشتری به دست آورد تا هم سود را پرداخت کند و هم سودی ببرد، در این وضعیت ربا گیرنده چه می‌کند، او که مجبور است هم سود پرداخت کند و هم سود ببرد مجبور می‌شود متوسل به حیله‌ها و مفاسد اقتصادی شود، او وارد احتکار می‌شود، جنس و مبلغ کار خود را افزایش می‌دهد و برای جبران کسری خود به جامعه فشار می‌آورد این فعل او در جامعه باعث می‌شود که سلسله‌وار جامعه وارد تورم شود شغل‌های مشابه او نیز افزایش قیمت پیدا می‌کند و به تمامی شغل‌ها سرایت می‌کند، در حالی غافل از این هستند که افزایش قیمت و خدمات یک نفر منجر به تورم کاذب و بالا رفتن قیمت همه چیز می‌شود و اول ضرر کننده خود ربادهنده و ربا گیرنده و تمامی افراد جامعه هستند که در برابر این منکر خانمان‌سوز سکوت کرده‌اند، **اینجاست که ربا گناه کبیره است و حداکثر در بار چهارم مرگ و**

**اعدام برای آنان ثابت است، ربا امنیت اقتصادی همه‌ی افراد جامعه را به خطر می‌اندازد، عاقبت ربا گیرنده این است که او هیچ‌گاه نمی‌تواند هم سود را بدهد و هم سودی ببرد او زحمت بیهوده کشیده، کارکرده و سود خود را به شخص دیگر داده و برای خودش جز تلاش بیهوده چیزی باقی نماینده است،** او هیچ چیزی به دست نمی‌آورد در این حال یا سریعاً توبه می‌کند و دندان طمع را می‌کند و یا ادامه می‌دهد و هر چه بیشتر کار می‌کند هیچ سودی حاصل نمی‌شود، آخر کار این شخص به جنگ و دعوا با ربادهنده کشیده می‌شود، بسیار دیده‌شده که علت قتل به خاطر ربا بوده است، شما حساب کنید **یک نفر در جامعه شب تا صبح و صبح تا شب کار کند و از نظر مالی هیچ تغییری نکند و بلکه هر روز بدهکار تر شود، این شخص حتماً دیوانه می‌شود،** آیه‌ی کریمه می‌فرماید: **الَّذينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَوا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَـنُ منَ الْمَسِّ ذَلكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مثْلُ الرِّبَوا وَ أَحَلَّ اللهُ الْبَيعَ وَ حرّمَ الربا** کسانی کَه ربا می‌خورَند، بر نمی‌خیزند مگر مانَند برخاستن کسي که شیطان او را با مَسّ و برخورد خود شدیداً زده باشد. (همچون مجنوني که جنون او را بگیرد و بر زمین بخورد و سپس بلند شود و برخیزد) این حال و کیفیت در ربا خورندگان به سبب آن است که میگویند:(توجیه ربا)بیع و خرید و فروش هم مثل ربا است؛ در حالی که خداوند بیع را حلال کرده و ربا را حرام نموده است. **بحث حکمت در ربا ادامه دارد**

**شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد)** – سایت:tvshia.com - تلگرام:@hodhodbashid
-ارتباط با ادمین:@hodhodbash اینستاگرام:tvshia – ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

بسم الله الرحمن الرحیم **قطره‌ی ۷۸** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله - **بحث پنجم ربا، دزدی پنهان در چاپ پول و رواج تورم ، و افزایش غیر عادلانه‌ی درآمد و هزینه‌ها، آیا نقدینگی تورم آور است**

**اینجا یک سؤال مطرح است و آن اینکه فردی به شخصی یک میلیون تومان قرض داده است، بعد از یک سال می‌خواهد پول را پس بگیرید اگر همان یک میلیون را پس بگیرد تورم در جامعه ارزش پول او را پایین آورده ، و اگر اضافه بگیرد ربا است،**

**یعنی با این وضعیت هیچ کس رغبت به قرض‌الحسنه پیدا نمی‌کند چرا که اگر به دیگری قرض دهد حتماً ضرر خواهد نمود ، پس در این زمان چه باید کرد تا هم افراد خیّر تشویق به قرض دادن شوند و هم ضرر نکنند؟** یکی از مشکلات این زمان مبتلا شدن مردم به **امر موهومی است که پول نام دارد،** برای روشن شدن مطلب باید دقت کنیم همه‌ی اجناسی که در دست ما است ارزشش به خودش است، نه چیز دیگری مثلاً بنده یک کیلو گندم دارم و یا یک کیلو طلا دارم و ... این‌ها خودشان ارزش دارند، حال سؤال می‌کنیم این کاغذ رنگی که در دست من است و به کمک آن همه چیز را می‌خرم، **ارزش این کاغذ رنگی که پول نام دارد به چیست ؟** مطمئناً یک تراول ۱۰۰ هزار تومانی خودش ارزشی ندارد، یک کاغذ است که رنگ شده ولی با این کاغذ می‌توانم کالاهای متفاوتی را که ارزش دارند را بخرم، چرا این کاغذ رنگی ارزشش بیشتر از یک کاغذ معمولی است، بله در زمان گذشته مردم مبتلا به این مطلب نبودند معاملات مبادله‌ی جنس با جنس بود، و مردم مبتلا به موهومی به نام پول نبودند، در بین تمامی ممالک سکه‌ی طلا و نقره رایج بود، در آن زمان خود طلا و سکه ارزش داشت، به خلاف این زمان، **نظام سرمایه‌داری در قدم اول برای چپاولِ مستضعفین کاغذِ رنگی را جایگزین طلا و نقره که ارزش واقعی داشتند نمود،** یعنی طلا را بلوکه نمود و بجای آن به مردم کاغذ رنگی داد و به هر کاغذ رنگی ارزشِ معینی داد ، در قدم بعد بدون این اینکه مقدار طلا و نقره که در حقیقت پشتوانه‌ی آن کاغذها بود را افزایش دهد اقدام به چاپ کاغذها نمود، مردم بی‌خبر هم که از این سیاست بی‌خبر بودند کاغذها را می‌گرفتند و فکر می‌کردند که جنسی باارزش را دریافت می‌کنند درحالی‌که نمی‌دانستند که فریب‌خورده‌اند، این کاغذ رنگی که پول نام دارد جنسی بی‌ارزش است ، و دولت‌ها بدون اینکه مقدار ذخیره‌ی طلا را افزایش دهند اقدام به چاپ پول نموده‌اند، این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که **دولت‌ها برای افزایش ثروت خود از طریق آسان و دزدی پنهان دائماً اقدام به چاپ پول بدون افزایش پشتوانه‌ی آن که طلا و نقره است می‌کنند و در نهایت کار بجایی برسد که همه جا پول باشد ولی هیچ ارزشی هم نداشته باشد، یکی از دلایل گرانی‌ها و افزایش تورم در جامعه همین نکته** است یعنی چاپ پول بدون افزایش پشتوانه‌ی آن که متأسفانه دولت‌های غیر اسلامی اقدام به آن می‌کنند، سؤال می‌کنم : **در اول انقلاب در جامعه‌ی**

**ایران چقدر طلا و نقره ذخیره داشته‌ایم و چند ریال پولِ چاپ‌شده در میان مردم بوده است؟ هم اکنون چقدر طلا و نقره‌ی ذخیره شده داریم و چند میلیون بلکه میلیارد پول چاپ شده است؟ اگر ذخیره‌ی طلا و نقره را افزایش نداده‌ایم حقی نداشتیم پول چاپ کنیم،** پول چاپ کردن در جایی که پشتوانه ذخیره نشده است همانند پول چاپ کردن یک نفر در خانه‌ی خودش است که همه میدانیم کلاه‌برداری ۱۰۰% است، **ما بدون اینکه جنس باارزشی را تولید و ذخیره کرده باشیم آنگاه برای آن جنس سند صادر کنیم که پول نام دارد، پول تقلبی چاپ کرده‌ایم چک بی محل صادر کرده‌ایم،** در اینجا دولت‌ها به شیء بی‌ارزش که پول نام دارد ارزش دادند، و مردم هم فکر کردند آن پول ارزش دارد، به عقیده‌ی بنده چاپ پول بدون افزایش متناسب پشتوانه‌ی طلا و نقره یک دزدی پنهان است، **اگر قرار باشد ما هر کجا که در مشکل اقتصادی گیر کردیم پول بدون پشتوانه چاپ کنیم خوب بسم‌الله دولت برای اینکه مشکل مالیِ تمامی ایرانیان را در یک روز حل کند برای هر ایرانی یک میلیارد تومان پول چاپ کند و در یک روز همه را میلیاردر کند، بدانیم: پولی که بی‌ارزش بود و تنها ارزش یک نقاشی بر روی یک کاغذ بود را چاپ کردند و به مردم فروختند و مردم کالاهای باارزش خود را با آن کاغذها عوض نمودند،** امروز آمریکای جنایت‌کار بزرگ‌ترین چاپخانه‌ی چاپ پول بدون پشتوانه را در دنیا دارد و مردم دنیا اجناس باارزش خود را با کاغذ رنگی که تنها ارزش آتش زدن دارد را معاوضه می‌کنند، و بقیه‌ی حکومت‌ها هم مبتلا به همین نحو از عملکرد هستند، چاپ پول بدون افزایش پشتوانه مساوی با تورم و یک نوع دزدی پنهان است در این جا **باید تمامی دلسوزان دائماً هشیار باشند که چه مقدار پول چاپ می‌شود، اگر مقدار ذخیره‌ی طلا و نقره افزایش پیدا نکرده ولی پول چاپ شده است باید بدانیم یک دزدی و کلاهبرداری در حال شکل‌گیری است،** پس اینجا معلوم شد که پول به خودی خود ارزشی ندارد، پول یک سند است، اگر ما به موضوع این‌گونه نگاه کنیم شاید فقها فتوا را تغییر دهند که **ماهیت پول در این زمان با زمان گذشته تفاوت کرده و تنها در اسم باهم شباهت دارد،** لذا در این زمان اگر کسی ۱ میلیون تومان قرض داد در حقیقت مثلاً سند ۲۰ گرم طلا را گرفته و هنگام بازپس‌گیری باید محاسبه شود که ۲۰ گرم طلا در زمان بازپس‌گیری چقدر است و اگر شده باشد ۱ میلیون و دویست هزار توان در اینجا این

دویست هزار حرام نمی‌باشد و ربا نیست بلکه الآن ۱ میلیون و دویست هزار تومان عین همان ۱ میلیون تومان است، از اینجا نیز این مطلب معلوم می‌شود، که **بانک‌ها نیز به مردم سودی نمی‌دهند تماماً فریب است،** بانک از مردم پول می‌گیرد تا سود دهد درحالی‌که طبق نرخ تورم در حقیقت اصلاً به مردم سودی نداده، **بانک زرنگ است پول را با حیله‌ی سود از مردم می‌گیرد، و مثل۲۰% سود سالیانه به مردم می‌دهد، از طرفی با همان پول مثلاً خانه‌ی مردم را می‌خرد، قیمت ان را در یک سال ٤٠% افزایش می‌دهد، همان خانه را به مردم می‌فروشد، در اینجا در حقیقت بانک بدون اینکه سرمایه‌ای داشته باشد از مردم پول گرفت و تجارت کرد و سود حاصلش شد، در اینجا مردم ۲۰% ضرر کرده‌اند درحالی‌که فکر می‌کنند ۲۰% سود کرده‌اند،** تاکید میکنم باید بدانیم **چاپ پول بدون افزایش پشتوانه آن یک نوع دزدی پنهان است یک نوع کلاه‌برداری است یک نوع چک بی‌محلی است که به آن اعتبار داده‌ایم ، در ابتدای انقلاب چند تومان پول چاپ‌شده داشته‌ایم و هم اکنون چند تومان؟ در ابتدای انقلاب چقدر ذخیره‌ی طلا و نقره داشته‌ایم و هم اکنون چقدر؟ هر چقدر این دو باهم تناسب نداشته باشد همان مقدار دزدی واقع شده است،** والا بی‌جهت نیست ثروت‌های بادآورده‌ی کذایی، این‌ها ثروت‌های چاپ آورده است که صنعت چاپ که قرار بود علم چاپ کند این بار طلا و نقره چاپ کرده، **صنعتِ چاپ امروز کیمیای شیطانیِ قرن ۲۰ است که کاغذ را تبدیل به طلا و نقره می‌کند، لذا سر اینکه دلار در سال ۵۷ در بازار آزاد ۱۰ تومان بوده و هم اکنون ٤۲۵۰ تومان است همین می‌باشد یعنی ٤۲۵ برابر گران شده است، قیمت سکه طرح قدیم در سال پنجاه و هفت ٤۲۰ تومان بوده ولی الآن یک میلیون و چهار صد هزار تومان یعنی سه هزار و چهار صد برابر طلا گران شده است، سؤال این است آیا طلا گران شده است و یا اینکه پول بدون پشتوانه چاپ شده است؟ اگر حکومت بجای چاپ پول سکه ضرب می‌کرد هیچ‌گاه به این بلاهای اقتصادی دچار نمی‌شدیم،** دقیقاً مانند حکومت‌های قدیم در آنجا هر چقدر طلای جدید تولید شده بود همان مقدار سکه هم ضرب می‌شد، و اگر نمی‌توانستند طلا و نقره تولید کنند خوب سکه طلا و نقره و هم ضرب نمی‌کردند، **لذاست که می بنیم در قدیم خیلی‌ها به دنبال علم کیمیا بودند تا مس را تبدیل به طلا کنند و یا سکه مسی را بجای سکه طلا قالب می‌کردند و الآن خیلی‌ها**

**به دنبال دستگاه چاپ هستند تا پول چاپ کنند، متأسفانه امروز دولت‌های بسیاری پول بدون پشتوانه چاپ می‌کنند که از قالب کردن سکه‌ی مسی بجای سکه طلا زشت تر است چرا که باز هم مس کمی ارزش داشت ولی کاغذ رنگی هیچ ارزشی ندارد، اگر می‌خواهیم از این وضعیت نجات یابیم باید جلوی چاپ پول جدید را بگیریم مگر اینکه همان مقدار پول فرسوده خارج شود و یا اینکه به اندازه ارزش پولی که چاپ می‌شود طلا ذخیره شود و اگر مقداری از طلای ذخیره‌شده را از دست دادیم باید همان مقدار پول را اجتماع امحا نمود و از بین برد،** اگر می‌خواهید مطلب کاملاً آشکار شود بانک مرکزی اعلام کند از سال ۵۷ تا کنون چقدر پول چاپ شد و چقدر در قبال آن طلا تولید و ذخیره شده است؟ آیا اعلام می‌کنند؟ ولی بدانید ما از راه‌های دیگری می‌توانیم بفهمیم که طلای متناسب تولید و ذخیره نشد ولی خدا برکت دهد به دستگاه‌های چاپ که شبانه‌روزی پول چاپ نمودند، از اینجا به یک مطلب دیگر می‌رسیم **آیا افزایش نقدینگی تورم آور است؟** یعنی آیا هر چه پول در دست مردم بیشتر باشد تورم بیشتر شده و قیمت‌ها افزایش میابد؟ **جوابی که کارشناسان می‌دهند مثبت است، افزایش نقدینگی مساوی با افزایش تورم است** لذا میگویند با روش‌های متعدد از جمله تشویق مردم به سرمایه‌گذاری باید پول را از دست مردم خارج کرد، اما بنده در این زمانه‌ی فریب باز هم شک دارم، **نه هیچ‌گاه نقدینگی باعث افزایش تورم نیست، چاپ پول بدون پشتوانه باعث تورم است،** مردم هر چقدر پول دارند با آن دادوستد می‌کنند، چرا نقدینگی تورم بیاورد؟ **سیاست سرمایه‌داری برای اینکه باز هم پول بیشتری به جیب بزند باید همین پول بی‌ارزشی را که به مردم داده و برای آن ارزش قرار داده را از دست مردم خارج کند تا اینکه منحصراً اقتصاد را در دست داشته باشد، و نبض بازار را کنترل کند، و دوباره پول‌هایِ بی‌ارزش را طریق دیگری به مردم بفروشند،** و الا سؤال می‌کنیم **اگر مردم پول در دست نداشته باشند چگونه می‌توانند دادوستد و تجارت کنند، در اقتصاد سالم نقدینگی نشانه‌ی حیات اقتصاد است، اگر نقدینگی خوب نیست چرا در بازارهای جهانی هر حکومتی تلاش می‌کند مقدار نقدینگی خود را افزایش دهد؟** اگر نقدینگی برای جامعه خوب نیست برای جامعه‌ی جهانی هم خوب نیست اگر خوب است برای ملت هم خوب است و اگر بد است برای شما هم بد است، اما بازمیگویم در اقتصاد

سالم نه در اقتصادی که دستگاه‌های چاپ به کاغذ ارزش طلا و نقره می‌دهد، باید بدانیم در **اقتصاد ناسالم هر که پول دارد ضرر کرده و می‌کند و هر کس مال دارد سود می‌کند**، لذاست که می‌بینیم **ثروتمندان جامعه هیچ‌گاه پول نگاه نمی‌دارند مگر به اندازه‌ی ضرورت**، آنان دائماً پول را به اجناس تبدیل می‌کنند، پول را به زمین و طلا و نقره تبدیل می‌کنند، **و این فریب‌خوردگان هستند که پول در دست دارند و پول را در بانک می‌گذارند تا سود دریافت کنند، ثروتمند از آنجایی ثروتمند شد که این حقیقت را دانست که پول ارزش ندارد، پول را باید به سرعت از خود دور کرد و تبدیل به جنس نمود، چرا که دستگاه‌های چاپ شبانه‌روز مشغول چاپ هستند و دائماً کیمیای شیطانی می‌کنند و کاغذ را تبدیل به طلا می‌نمایند**، از اینجا یک شبهه‌ی دیگر جواب داده می‌شود که میگویند: **مقدار درآمدها با مقدار تورم برابر بوده و اگر قبلاً اجناس ارزان بوده درآمد هم بوده و الآن درآمد زیاد شده و متناسب اجناس هم گران شده**، تا سال‌ها نیز بنده هم این‌گونه فکر می‌کردم، جواب به این شبهه از شبهات گذشته سخت‌تر است، چرا که در ظاهر همه چیز درست است اما وجدانا چیزی که مشاهده می‌شود غیر از آن است، **سؤال اول** برای پاسخ به این شبهه این است که **آیا درآمد همه‌ی مردم به تناسب زیاد شده است؟** آیا مقدار درآمد یک کارگر با یک رئیس به یک تناسب افزایش داشته است؟ **چگونه است کارگر اول انقلاب هنوز کارگر است ولی افراد دیگر هم اکنون ثروت‌های زیاد و درآمدهای چند ده برابری دارند؟ درحالی‌که چه بسا کارگر بیشتر هم زحمت کشیده است**، چه شد که آن‌ها دائماً ثروتمندتر می‌شوند و ما دائماً بدهکارتر، در جامعه‌ی امروز ایران **برای فرد سالم و عادی که دزدی نکند و سراغ کار خلاف نرود آیا امیدی هست که حتی در آخر عمر خود صاحب یک آپارتمان شود؟** قیمت یک آپارتمان ۱۰۰ میلیون تومان ، **طبق آمار رسمی هزینه‌ی خوراک یک خانواده سه نفره دو میلیون تومان است این آمار غیر از مسکن و بهداشت و تفریح است و بر مبنای قیمت‌های سال ۹۵ به دست آمده است، در حالی که حداقل دستمزد یک کارگر ۹۳۰ هزار تومان است** این عدد بر مبنای حداقل دستمزد که روزانه سی و یک هزار تومان است به دست آمده و فرض این است که هر ۳۰ روز را کار کند، با وجود اینکه همین کار با همین حقوق که آرزوی خیلی‌ها است هم پیدا نمی‌شود، سؤال می‌کنیم اگر فقط هزینه‌ی خوراک یک

خانواده ۳ نفره را حساب کنیم می‌شود دو میلیون تومان ، اگر حداقل یک میلیون تومان هزینه‌ی مسکن و درمان و بهداشت هم اضافه کنیم می‌شود سه میلیون تومان در ماه ، امروز در جامعه‌ی ما اگر مرد خانواده شغلی پیدا کند که ۲ میلیون درآمد داشته باشد او خود را خوشبخت می‌داند، همین شغل زیر خط فقر هم برای مردم نیست، این فرد چگونه صاحب‌خانه شود؟ چگونه تفریح رود؟ اگر بیمار شد چگونه مداوا شود؟ آیا میتواند چیزی پس انداز کند ؟ پس نگوییم چرا طلاق زیاد شده؟ چرا فحشا زیاد شده ؟ چرا جرم و قتل و قاچاق زیاد شده ؟ چرا اغتشاش می‌شود؟ **ما برای نان انقلاب نکردیم ولی قرار هم نیست عده‌ای از فقرا برای خود پل بسازند،** حقوقهای نجومیِ بعضی به درخشندگی هزاران خورشید وحقوقهای فقرا شمع‌های خاموش؛ کار نیست، هزینه بالا، کسی هم جواب نمی‌دهد از همه بدتر گوشی هم نیست، ما اگر یک ساعت از عمرمان را تلاش نکنیم فردا از امروز گرفتارتر هستیم پس بهترین کاری که می‌توان انجام داد این است که: ما آرزوی گورکنیم و بر گورستان رویم و بگوییم: ای مردگان ای کاش ما هم پیش شما بودیم، نگوییم چرا خودکشی زیاد شده؟ سؤال این است در این وضعیت اقتصادی این نرخِ کمِ خودکشی واقعاً معجزه است؛ بگویم **نشانه‌ی آشوب آشکارشده سریعاً باید از اساس کار درست شود، اگر قیمت بنزین افزایش پیدا کند و یارانه‌ی تعداد زیادی از ملت قطع گردد، فتنه‌ای جدید پدید میاید شعار به حق مردم لیدرهایِ غیر حق پیدا می‌کند، آنگاه طراحان این فتنه‌ی پیچیده که خود سمت و سو می‌دهند که مردم چه بگویند همان مردم را سرکوب می‌نمایند، در اینجا دیگر لازم نیست آمریکا و اسرائیل به ما حمله کند قبل از هجومِ آنان ایرانی با ایرانی دشمن می‌شود و اتحاد ملی خدشه‌دار می‌شود، تجزیه‌ی ایران به واسطه‌ی خود ایرانیان اتفاق می‌افتد، حداقل کاری که در این وضعیت می‌توان انجام داد اینکه سریعاً آب را به همه جا برسانیم، بدانیم آب با خود معجزه میاورد، و همه را متحیر می‌کند، حقیقتاً آب بود که نوح را کمک کرد و موسی و بنی‌اسرائیل را نجات داد، جواب نوحه‌های طولانیِ ملت ایران و سرگردانیِ ما و نجات معجزه سای ملت ما آب است، آب ما را کمک می‌کند، آب در طول چند ماه برکت و ثروت حلال زیاد برای ما به همراه دارد، آب است که ما را در این لحظات حساس بر تمامیِ بشر پیروز می‌کند، آب است که باعث فضیلت ما بر شرق**

**و غرب می‌شود، و آب سه معنی دارد، ظاهرش خوردنی، باطنش امام معصوم ع و باطن‌ترش توحید است، اگر ظاهر را آوریم آن دو نیز به جامعه هدیه شوند دقیقاً مانند مصر، به نام آب، سلام بر آب، از آب تا آب، نفرین بر خشکی و خشک‌سالی ولی خشک‌سالی لشکر خداست، تازیانه‌ای است که ما را مجبور می‌کند سراغ آب رویم، پس بهتر است سریعاً با خوشی سراغ آب برویم، آب مشاق ماست.**
**شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد)** – سایت:tvshia.com - تلگرام:@hodhodbashid
–ارتباط با ادمین:@hodhodbash اینستاگرام:khoshksali۹۶ – ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

**بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تبارک و تعالی: وَاتَّقوا فِتنَةً لا تُصیبَنَّ الَّذینَ ظَلَموا منکُم خاصَّةً وَاعلَموا أَنَّ اللَّهَ شَدیدُ العقابِ**
**قَطره‌ی ۷۹ از کتاب هزار و یک قطرَه** در رفع خشکسالی ایران از طریق غیر عادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله – **چند نکته در رابطه با نماز باران** - حقیقتاً اکثر انسان‌ها در هنگامه‌ی بروز مشکلات به یاد خداوند می‌افتند: هنگام بیماری، زلزله، مرگ، گرفتاری ، جنگ و ...یکی از اموری که زندگی تمامی موجودات به آن بستگی دارد و در هنگام نبود آن مردم به درگاه خداوند روی میاورند آب است، **آب منشأ تمامی نعمت‌ها می‌باشد و در صورت نبود آن همه چیز رو به مرگ و نیستی خواهد رفت** که قرآن کریم می‌فرماید: **و جعلنا من الماء کل شیء حی**، همه چیز را از آب زنده گردانیدیم، **آب را خدا نازل می‌فرماید و البته در صورتی که صلاح در خشک‌سالی باشد آنگاه به سرزمین و ملتی باران را نازل نمی‌کند، پس باران از خداست، خشک‌سالی هم که نتیجه‌ی حکمت الهی است از خداست و میتوان گفت باران و خشکسالی لشکریان خدا هستند، گاهی سیل و باران و گاهی خشکسالی و خورشید سوزان.**
۱ سؤال این است **چرا خداوند گاهی بر بندگان خشک‌سالی را مقدر می‌فرماید؟** حقیقت این است که خداوند گاهی بر بندگان سخت می‌گیرد تا بندگان بیدار شده و تغییر رویه دهند، امام رضا (ع) می‌فرمایند: **هرگاه حاکمان دروغ بگویند باران نمی‌بارد.** لذا با توجه به این حدیث **عامل خشک‌سالی دروغ مسئولین است و راه بر**

**شدن خشک‌سالی این است که حاکمان دروغ نگویند،** امام رضا (ع) فرمود: **اذا کذب الولاه حبس المطر و اذا جار السلطان هانت الدوله و اذا حبست الزکاه ماتت المواشی** هنگامی‌که حاکمان دروغ بگویند باران، قطع می‌گردد، هنگامی‌که پادشاه ستم کند دولت و حکومت دچار ضعف و سستی گردد، هنگامی‌که زکات داده نشود چهارپایان و دام‌ها تلف شوند. قال **السجاد (ع): الذنوب اللتی تحبس غیث السماء جور الحکام فی القضاء و شهاده الزور و کتمان الشهاده** امام چهارم فرمود: گناهانی که باران آسمان را قطع می‌کنند، ستم زمامداران در قضاوت و شهادت به دروغ و کتمان شهادت است. **قال علی (ع): ما من سنه اقل مطرا من سنه و لکن الله یضعه حیث یشاء و ان الله اذا عمل قوم بالمعاصی صرف عنهم ما کان قدر لهم من المطر** هیچ سالی در نزول باران، کمتر از سال دیگری نیست و خداوند هر جا بخواهد باران نازل می‌کند ولی **خدای تعالی اگر مردمی مرتکب گناهان شدند آنچه بر آن‌ها مقدر کرده از بارش باران را قطع می‌کند. روی عن النبی (ع) انه قال اذا غضب الله تعالی علی امه ثم لم ینزل بها العذاب غلت اسعارها و قصرت اعمارها و لم یربح تجارها و لم تزک ثمارها و لم تعزر انهارها و حبس امطارها و سلط علیها اشرارها** از پیامبر (ص) روایت‌شده که فرمود خداوند هنگامی‌که (بر اثر گناهان) بر ملتی خشمناک شود و عذاب هلاک‌کننده خود را (به جهتی) نخواهد نازل کند، در این صورت نرخ‌ها افزایش یابد و عمرهای آنان کوتاه گردد و بازرگانان آنان سود نبرند و میوه‌های باغ‌هایشان مطلوب و گوارا و بابرکت نشود و نهرهایشان هرگز پر آب نگردد بلکه خشک و بی‌برکت می‌شود و باران‌ها از ریزش بر آنان بازداشته شوند و **شروران بر آن مردم چیره و مسلط شوند.**

۲ سؤال این است **عدم ریزش باران در ایران یک بلای الهی است و یا یک امتحان؟** برای این سؤال باید نگاهی به جامعه داشته باشیم، **وضعیت بانکداری ما** که به شهادت علماء و متخصصین مبتلا به ربا می‌باشد، **وضعیت سینمای ما** که با مُهر اسلامی فیلم‌های ضد اسلامی تولید می‌کند، **وضعیت اختلاف طبقاتی** و اختلاف در حقوق و درآمدها، **وضعیت فساد اجتماع** که سن ازدواج تا بالای ۳۰ سال رسیده است و اموری مانند ازدواج سفید و رابطه‌ی بدون ازدواج باب شده و **وضعیت حجاب و**

**تفریگاهها** به آن نحو که همه می‌دانند و ... همه حاکی از این است که **جامعه‌ی ما طبق معارف اسلامی تنظیم نمی‌باشد**، فقط از باب نمونه به یک مورد آن اشاره می‌کنیم و آن چیزی است که همه‌ی افراد جامعه به آن مبتلا هستیم: طبق شهادت صاحب‌نظران **جامعه‌ی ما مبتلا به بانکداری ربوی می‌باشد** و طبق نص قرآنی **ربا در حکم جنگ باخداست** که قرآن می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ** ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. **فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ باخدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید** - پس در حقیقت **سیستم دولتی ما خواسته یا ناخواسته به علت ربا در جنگ باخداست، حکم کسی که با خدا و رسول خدا ص می‌جنگد حکم محارب** است و خدا هم با او جنگ می‌کند که در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده می‌فرماید: **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ** سزای کسانی که باخدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که **کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند** این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت **زمانی که جامعه به وسیله‌ی ربا در جنگ باخدا شد، خدا با آن جامعه در جنگ می‌شود و طبق آیه‌ی ٦٥ سوره‌ی انعام سه بلا به آن جامعه می‌رسد بلای آسمانی و زمینی و اجتماعی**، خداوند در قرآن آیه ٦٥ سوره‌ی انعام می‌فرماید: **قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه‌گروه به هم اندازد** [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند بنگر چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند و **آنچه امروز ما در جامعه شاهد هستیم هر سه نوع بلا در جامعه‌ی ایران دیده می‌شود: بلای**

**اول: بلای آسمانی** که: شدت گرما در زمستان، عدم نزول باران و برف، آلودگی هوا و ریز گردها، **بلای دوم که بلای زمینی است شامل:** پایین رفتن آب در زمین، خالی شدن سفره‌های زیرزمینی، فرو رفتن ۲۰۰ دشت کشور که در اصطلاح زمین‌شناسی فرورفت زمین و در اصطلاح روایی عذاب خَسف گفته می‌شود، بی‌برکت شدن کشاورزی، لم‌یزرع شدن زمینهای حاصلخیز که تبدیل به شوره‌زار شده است، خشک شدن چاه‌ها و قنات‌ها، از بین رفتن گونه‌های گیاهی و حیوانی، زلزله‌های پی در پی در بیشتر نقاط کشور، **عذاب سوم که اختلافات اجتماعی و آشوب و نارضایتی است** مانند تجمعات مردم برای سپرده‌های بانکی خود، آشوب‌هایی که در دی‌ماه سال ۹۶ در ایران دیده شد، شعارهای ضد دین، توهین به خدا و رسول و اسلام و ... گذشته از اینکه ما تنها اجملا فقط ربا را بررسی نمودیم و گناهان دیگر بماند.

۳ **آیا در جامعه‌ی ایران که بهترین مدل حکومتی قبل از ظهور است می‌توان گفت که خدا این جامعه را به بلا مبتلا کرده است؟** به عقیده‌ی بنده **سزاوارترین ملت به عذاب الهی جامعه‌ی ایران است نه بقیه‌ی جوامع** و دلیل آن این است که خداوند در قرآن در آیه‌ی ۱۷ سوره‌ی اسراء می‌فرماید: **وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا ما قوم و امتی را عذاب نمی‌کنیم مگر اینکه حجت را بر آن‌ها تمام کنیم، امروز اگر بر هیچ ملتی حجت الهی تمام نشده باشد بر جامعه‌ی ایران حجت تمام شده است و دین ابلاغ شده است،** شاید جوامع اروپایی و آمریکایی در قیامت به علت کم کاری ما بتوانند بگویند خدایا ما دین تو را نشناختیم لذا نمی‌دانستیم و عمل نکردیم **ولی جامعه‌ی ایران نمی‌تواند در محضر الهی دلیل و توجیهی بیاورد،** خصوصاً اینکه تقریباً ۴۰ سال از انقلاب گذشته است، پس **اگر قرار باشد خداوند عذابی نازل نماید اول عذاب برای جامعه‌ی ما است نه برای جوامع دیگری و اول جای ایران قم است، ما اسلام را می‌دانستیم ولی به آن عمل نکردیم و تمامی مشکلات امروز جامعه‌ی ما به علت عمل نکردن به اسلام است پس جامعه‌ی ما لایق تر به عذاب است تا بقیه‌ی جوامع** و البته این چیزی نیست که تنها بنده بگویم این‌ها شرحی مختصر بر جملات رهبر انقلاب دامت برکاته است که فرمودند: **ما هنوز به کشور اسلامی**

**نرسیده‌ایم .هیچ کس نمی‌تواند ادّعا کند که کشور ما اسلامی است.** ۷۹,۹,۱۲ و در تاریخ ۹۶,۶,۶ رهبر انقلاب دامت برکاته باز بیان فرمودند: **بر اساس حرکت انقلابی، نظام اسلامی به وجود آمد و این توفیقات بسیار مهم حاصل شد اما تا رسیدن به نقطه مطلوب و تشکیل دولت اسلامی و جامعه اسلامی فاصله زیادی وجود دارد-**

٤ اینکه میگوییم عذاب نازل‌شده باید توجه داشته باشیم هر چیزی که از جانب خداوند به بندگان می‌رسد نعمت است و این امور ظاهری و باطنی دارند ، ظاهر آن ناخوشی و باطن آن تازیانه‌ای است که ما را تأدیب کرده و به مسیر صحیح بر می‌گرداند و باعث توبه می‌شود و الا **اگر در کشوری بر خلاف قرآن و اسلام عمل شود و دائماً به آن‌ها نعمت برسد آن جامعه به بلایی بدتر مبتلا شده است که به آن استدراج گفته می‌شود.**

٥ **در این وضعیت باید چه کارکرد؟** اولین کاری که باید انجام داد **توبه** است، ما سه نوع گناه داریم، **گناه شخصی، گناه خانوادگی، گناه حکومتی، بزرگترین گناهان گناهان حکومتی است** که می‌توان از بی‌توجهی مسئولین به امورات مردم و سوءاستفاده مسئولین از منصب برای رسیدن به دنیا و امیال شخصی را نام برد که **اگر مسئولین جامعه این‌گونه شوند مردم آن جامعه نیز فاسد می‌شوند چرا که مردم بر دین سردمداران خود هستند الناس علی دین ملوکهم** که در روایت امام رضا ع عامل خشک‌سالی را دروغ زمامداران می‌داند، **هر کس در هر جایگاهی است باید توبه کند و توبه‌ی مسئولین از بقیه‌ی توبه‌ها واجب‌تر است؛ یکی از گناهان مسئولین جامعه‌ی ما بی‌تدبیری و تکبر بیجاست که باید از این گناه توبه کنند ما از اردیبهشت ۹۶ به دولت و مسئولین اجرایی بارها اعلام نمودیم طیف جدید خشک‌سالی وارد ایران شده و اگر گوش دهید حتی از طریق عادی در مدت کوتاهی میتوان خشکسالی را بر طرف نمود و بارها مطالب بسیاری را برای مسئولین ارسال نموده‌ایم ولی جوابی نشنیده‌ایم این بی‌محلی یک گناه است،** سؤال ما این است **آیا تا کنون احتمال هم نداده‌اند که شاید ما راست‌گو باشیم؟** حداقل صحبت‌های ما را می‌شنیدند و رد می‌کردند و همین جا اعلام می‌کنم **تا گوش نکنند لحظه به لحظه خشک‌سالی و گرما**

**عظیم تر می‌شود، علامت صدق ما به لطف خدا ادامه‌ی خشک‌سالی و سرفراز بیرون آمدن از امتحانات پیش رو است،** خدا را شکر. دومین کاری که باید انجام داد **احیاء امر به معروف نهی از منکر است: افراد جامعه‌ی ما امروز سه قسم‌اند: اول: کسانی که گرفتار گناه و فسادند. دوم: کسانی که فساد و گناه نمی‌کنند اما در برابر فساد بی تفاوت‌اند. سوم: کسانی که مؤمن هستند و دیگران را نیز دعوت به ایمان می‌کنند و از فساد بازمی‌دارند،** این سه قسم به دو قسم دیگر تبدیل می‌شوند یا مسئولیت اداره‌ی مردم را در دست دارند و یا افراد عادی جامعه هستند، **وظیفه‌ی مسئولین از همه سنگین تر است و اگر امر به معروف نکنند آن‌ها هم داخل در افراد فاسد هستند و در هنگام نزول بلا، عذاب آن‌ها را هم می‌گیرد حتی اگر نماز شب خوان هم باشند،** در بین تمامی این افراد، **افرادِ مسئولِ فاسد از بدترین و شرورترین افراد جامعه هستند،** لذا **اگر می‌خواهیم جامعه نجات پیدا کند و باید امر به معروف و نهی از منکر نمود و نباید اشتباه نمود، امر به معروف و نهی از منکر را باید از افراد مسئول جامعه شروع کرد** چرا که اگر آن‌ها اصلاح شوند نتیجتاً جامعه اصلاح می‌شود، متأسفانه اگر امر به معروف و نهی از منکری هم در جامعه انجام شود بیشتر متوجه افرادِ عادیِ جامعه است که ما آن را منکر نیستیم ولی نکته این است که **بسیاری از منکرات اجتماعی نتیجه‌ی فساد در مراتب بالایی حکومت می‌باشد؛** پس حقیقتاً اگر می‌خواهیم مشکلی از جامعه حل شود باید امر به معروف و نهی از منکر را از رؤسای حکومتی شروع نماییم که از رئیس‌جمهور محترم خواستار احیاء امر به معروف و نهی از منکر هستیم، و این نیز **مصیبت است که ما مسئولینی را که مسئول امر به معروف و نهی از منکرند را دعوت به این دو فریضه نماییم و یا اینکه باید خود آنها را امر به معروف و نهی منکر کرده و درخواست پایان دادن به فساد نماییم.**

٦ باید بدانیم تا زمانی که در **جامعه‌ی ما ربا مورد حمایت مسئولین است خشک‌سالی حل نخواهد شد، (طبق الگوهای آبرسانی ما، بیشتر مشکلات اینچنینی نیز حل خواهد شد که در قطره‌های دیگر توضیح داده‌ایم)** سؤال این است که: **خداوند چرا در این جامعه باران نازل کند؟ اگر باران نازل کند باعث ثروتمند شدن بیشتر اهل ربا و فساد**

**است؟ چرا خدا زمینی را سبزه‌زار نماید که بعد از آن در آن زمین مردم علناً منکرات را انجام می‌دهند؟** آیا بهتر نیست زمین از آفتاب گرم سوزان بسوزد تا اینکه آباد باشد و علناً فساد ترویج شود، لذا باید بدانیم **تا ما امر به معروف و نهی از منکر را احیاء نکنیم و با بانک‌های ربوی مبارزه نکنیم، تغییر رویه نداده‌ایم و توبه ننموده‌ایم و خشک‌سالی ادامه خواهد داشت، ما با حمایت از بانک‌های ربوی در جنگ باخدا هستیم آن وقت چرا خداوند بیاید در همین وضعیت باران را بر ما نازل کند؟** اصولاً عدم نزول باران و خشک‌سالی برای این بود که ما توبه کنیم و تغییر رویه دهیم حال ما تغییر رویه نداده‌ایم ولی توقع داریم باران نازل شود، این چیزی نیست جز اینکه ما حقیقت دین و یا امور و اتفاقات الهی را درک نکرده‌ایم.

۸. **یکی از اموری که امروز باید از آن توبه نمود زیر سؤال رفتن امام زمان و عصمت ۱۴ معصوم است که در این مملکت گفته شد: امام زمان را می‌توان نقد نمود**-تم- **این گناه نابخشودنی است**، بنده خوف این دارم اگر به این سکوت ادامه داده شود تمامی ایران دچار بلایی عظیم شوند، **خدای کعبه وقتی دید می‌خواهند حریم کعبه را بشکنند اجازه نداد و بلا نازل کرد، آن وقت در مملکتی که به امام زمان عج اعتقاددارند عصمت ۱۴ معصوم زیر سؤال برده شود، جای دارد انسان باغیرت از این توهین و جسارت جان دهد و بمیرد، بدانیم سکوت در برابر توهین به ولایت نابخشودنی است و تا توبه نکنیم بلاهای متنوع تری در انتظار ما است، زیر سؤال بردن عصمت اهل‌بیت ع به منزله‌ی زیر سؤال بردن تمامی دین است، با این بحث کتاب خدا زیر سؤال می‌رود، تمامی احادیث شیعه از صحیح و غیر صحیح زیر سؤال می‌رود، وجود امام معصوم ع زیر سؤال می‌رود، این گناه از گناه کشتن امام سنگین تر است، خدشه‌دار نمودن عصمت و علم اهل‌بیت از گناه یزید سنگین‌تر است و خوف این دارم بلایی عظیم در ایران تکرار شود، حرمت مؤمن از کعبه بالاتر است و خداوند برای کعبه ابابیل را فرستاد، حال مهدی فاطمه ع کجا و کعبه و مؤمنین کجا؟ به نظر بنده با این اوضاع ایران بسیار خطرناک است، ان الله یدافع عن الذین آمنوا خداوند مدافع اهل ایمان است، و**

**اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه  بترسید از بلایی که فقط ظالمان را نمی‌گیرد (سکوت در برابر ظالم ظلم است)**، شیخ علی بهرامی نیکو (هُدهُد)-سایت tvshia.com-تلگرام:@hodhodbashid-ارتباط  با  ادمین:@hodhodbash
اینستاگرام:khoshksali۹۶ -۱۳۹۶,۱۰,۲۹-همراه ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

۹ **بسم الله الرحمن الرحیم:  قطره‌ی ۸۰ از کتاب هزار و یک قطره** در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله-**اهم مباحث منبرهای ایام فاطمیه، مقدمه:**با عرض تسلیت به مناسبت شهادت محور اهل‌بیت عصمت و طهارت،کوثر قرآن، ام‌ابیها،حقیقت شب قدری که محل نزول یازده قرآن ناطق بود، وجودی که جبرئیل بعد از شهادت رسول‌الله در محضر او حاضر شده و مطالبی از آینده را برای تسلی قلب او بیان می‌داشت که در حقیقت جبرئیل بود که کسب فیض مینمود مطالب کوتاهی را عرض می‌نماییم تا بلکه بتوانیم با پر بار کردن منبرهای فاطمیه قدمی بزرگ و عملی برای تحقق آرمان‌های پیش روی فاطمی برداریم.

۱۱۰ همان‌گونه که میدانیم **یهود حتی قبل از تولد رسول الله ص هم برای ضربه به مکتب اسلام برنامه‌ریزی می‌نمود** تا سیادت خود بر بشریت را از دست ندهد، آنان زمانی که دیدند پیامبر موعود از نسل اسماعیل است و نه از نسل اسحاق، **با برنامه‌ریزی‌های خود تلاش نمودند تمامی قدرت در تمامی شئون را منحصراً از آن خودنمایند** تا سایر انسان‌ها برای همیشه نتوانند کاری از پیش ببرند و آن‌ها با برنامه‌ریزی‌های پنهانی با ظاهری حق‌به‌جانب موفق به این امر شدند و انسان‌ها در اکثر اوقات فریب آنان را خورده‌اند، **یکی از اموری که آنان از گذشته تا کنون به دست دارند، مهندسی نمودن افکار انسان‌ها و تعیین اهداف فرعی ملت‌ها بجای اهداف اصلی و فریبِ علمی انسان‌هاست** که نتیجه‌ی این فریب به ثمر نرسیدن تلاش‌های بشر امروز برای دستیابی به اهداف مادی و معنوی می‌باشد، **آنان با شعبده‌بازی‌های به ظاهر علمی توهمات را بجای علم به عموم بنی بشر خوراندند** که نتیجه‌ی آن به ثمر نرسیدن تلاش ملت‌ها برای رسیدن به قله‌های پیروزی بوده و هست، **حقیقتاً تعیین‌کننده‌ی مطالب به ظاهر علمیِ علومِ انسانی**

**و اقتصادی و مدیریتی امروز بشریت یهود می‌باشد، آنان اموری را به خورد بشریت داده‌اند که خود هیچ‌گاه نه اعتقادی داشته و نه به آن‌ها پایند بوده‌اند،** زمانی که ما نظریه‌های مهم و بنیادی علمی امروز را در علوم مختلف را نگاه می‌کنیم رد پای یهود به چشم می‌خورد و تعجب اینجاست که آنان چگونه توانستند **جهل را بجای علم، و سراب را بجای آب به مردم بقبولانند** مانند نظریه-های بیگ بنگ و بیگ کرانچ، نظریه‌ی داروین، نظریه‌های بانکداری و مدیرتی کلان و نظریه‌های حقوق بشری و کشورداری و اقتصادی و ... **علوم اصلی آنان چیزی دیگریست.**

**۲۱۱ امروز در جامعه‌ی شیعی با کلان مشکلات متعددی روبرو هستیم که اگر نتوانیم آنان را سریعاً حل نماییم نه تنها به اهداف دینی خود نمی‌رسیم بلکه تمامی دستاوردها و زحمات گذشتگان را نیز از دست می‌دهیم، جامعه‌ی ما فقیر** شده و اکثرا از نظر اقتصادی از حد متوسط نیز پایین تر هستند، **جمعیتِ شیعی** رو به کاهش است و در قطره‌ی ٦٥ الی ٦٩ اثبات نمودیم **با روال پیشِ رو اگر ایران به هیچ مشکلی هم مانند جنگ و یا مرگ جمعی برنخورد جمعیت ما به ۳۰ میلیون نفر تقلیل خواهد نمود و خطر از دست دادن جمعیت بسیار جدی است،** از طرفی مشکلات اقتصادی باعث شده مردم نسبت به مکتب نیز دید خوبی نداشته باشند چرا که فعل دولت به پای روحانیت نوشته می‌شود در اینجا **روحانیت ارج و قرب خود را از داده** و از طرفی آن مشکلات بعضی از مردم را نسبت به امور دینی سست نموده است، از طرفی **روال پیش رو با روندِ گذشته از امروز تاریک‌تر می‌باشد،** چرا که همه میدانیم با این روال هیچ مشکلی حل نمی‌شود بلکه مشکلات دائماً زیادتر می‌شود.

**۳۱۲** یکی از عمده مشکلات که با طرف شدن آن مشکل می‌توان ادعا کرد راه برای بر طرف شدن تمامی مشکلات هموار می‌شود، **مشکل اقتصادی است بهتر بگویم اَبَر مشکل جامعه که اَبَر بحرانهای دیگر نتیجه‌ی آن است،** مشکل اقتصادی افراد و خانواده‌ها و مؤسسات و مشکلِ اقتصادیِ دولت، باید بدانیم وضعیت پیش روی اقتصادی ما بحرانی تر از آن چیزی است که بتوان تصور نمود، روزبه‌روز باید در اقتصاد قوی تر شویم ولی بدیهی است که روزبه‌روز در اقتصاد ضعیف‌تر می‌شویم

و فراموش نکنیم: **بازگشتِ مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبیِ ما به اقتصاد ارتباط دارد، یقین بدانید اَقتصاد امروز جامعه‌ی ما بر مبنای اسلام نیست، حتی در بُعد نظریه پردازی نیز بر مبنای اسلام نیست، اگر بر مبنای اسلام بود اینهمه مشکل نداشتیم و اینقدر تغییر روند و رویکرد نمیدادیم.**

**٤١٣** یکی از مشکلات دیگری که امروز جامعه‌ی ما با آن دست و پنجه نرم می‌کند اینکه: **همه مشکل را میدانیم و میدانیم باید به چه اهدافی برسیم اما حقیقتاً راهکار را نمی‌دانیم یعنی: نمی‌دانیم مشکلات چگونه حل می‌شود؟** و هر کس برای بر طرف شدن مشکلات راه‌حلی ارائه می‌دهد و زمانی را صرف می‌کنیم و بعد می‌فهمیم اشتباه کرده‌ایم مثلاً جناب آقای دکتر روحانی تمامی مشکلات را به تحریم‌ها پیوند زدند و ادعا نمودند با بر طرف شدن تحریم‌ها تمامی مشکلات حل می‌شود که ما اثبات خواهیم نمود **اگر بر فرض تحریم‌ها بر طرف هم می‌شد مشکلات ما حل نمی‌شد،** بلکه حقیقتاً مشکلات پیش روی ما در صورت بر طرف شدن تحریم‌ها باز هم به حال خود باقی میماند، **مشکل ما آب بود و تحریمها ارتباطی با آب ندارند .** مذاکرات انجام شد، شرایط را قبول کردیم و عملی نمودیم، ولی دشمنان ما نه تحریمی را لغو کردند و نه مذاکرات ثمره‌ای برای ملت ما داشت و البته مدال اخلاق نصیب ما گردید نه سانتریفیوژ چرخید و نه چرخ اقتصاد بلکه بسیاری از دستاوردهای خود را نیز از دست دادیم، این همان مهندسی نرم‌افزاری است که در بند اول توضیح دادیم، یهود فکرِ بیشترِ افراد این کره‌ی خاکی را مهندسی کرده و قرن‌هاست که ملت‌ها را به دنبال نخود سیاه فرستاده است، بقیه‌ی راهکارهای کلان و خردی که بنده تا کنون دیده‌ام نیز از همین طیف مهندسی شده می‌باشد.

**٥١٤ در این وضعیت باید چه کرد؟** مشکل اصلی ما این است که ما به مکتب و گزینه‌های دینی خود به این نحو نگاه نکرده‌ایم که مکتبِ وحیانیِ ما جامع می-باشد و با بررسی این گنجینه‌ی الهی می‌توان از تمامی منجلاب‌ها و مرداب‌ها خلاص شد و به سعادت رسید، مشکل در فراموشی حدیث ثقلین است و بی‌جهت نیست که در ابتدای وصیت‌نامه‌ی حضرت امام ره نیز این حدیث زینت‌بخش آن وصیت‌نامه شده، **ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا بعدی ابداً**، وقتی به کتاب خدا و

کلام اهل بیت ع بر می‌گردیم و راهکار عملی برای بر طرف شدن همه‌ی مشکلات را از کتاب خدا جویا می‌شویم **کتاب خدا آب را نشان می‌دهد،** آیه‌ی ۳۰ سوره‌ی انبیاء **و جعلنا من الماء کل شیء حی، ریشه‌ی مشکلات ما در کشور خشک‌سالی و نبود آب است،** جا دارد ما به صورت جدی به ارتباط بین آب و اقتصاد، آب و دین، آب و تمامی مشکلات جامعه بپردازیم، بنده به شما اطمینان می‌دهم **حتی بین گناه و خشک‌سالی ارتباط مستقیم وجود دارد** و اگر جامعه‌ی طلاب در این لحظات حساس که بحران خشک‌سالی ایران وارد مرحله‌ی جدیدی شده است بتواند مشکل آب را حل نماید نه تنها در اقتصاد به قله‌های باورنکردنی نائل می‌شویم بلکه در بُعد دینی نیز به قله‌های عجیبی دست پیدا خواهیم نمود، قله‌های عجیب دینی آن هم نه فقط در ایران و منطقه بلکه به زودی می‌توانیم قله‌های فرهنگی جهانی را به سمت مکتب اسلام ناب تغییر دهیم و خبر میدهم که میتوانیم، و اتفاق مصر در زمان حضرت یوسف ع در این زمان تکرار می‌شود و حتی کشورهای جهان نیز محتاج قدرت اقتصادی و فرهنگی و علمی ما شوند.

**٦١٥** شاید در جریان نباشید ولی اجمالاً میگویم بنده از ابتدای امسال جریانات عجیبی را متوجه شدم، از برج دو سال ۹٦ متوجه شدم **مشکل اصلی مملکت ما خشک‌سالی است که تمام مشکلات بازگشت به آن دارد** و اگر این مشکل را بر طرف نکنیم در خطر از دست دادن تمامی دستاوردهای ٤۰ سال انقلاب بلکه از دست دادن تمامی دستاوردهای دینی و ملی قبل از انقلاب قرار داریم و این مشکل را به راحتی چه از طریق عادی و چه از طرق غیرعادی می‌توان حل نمود، ولی دشمنان دائم تلاش می‌کنند ما را از موضوع اصلی غافل کرده و ما را ناامید کنند و القاء کنند که: که این مشکل را نمی‌توان حل نمود، لذا بنده مطالبی را که فهمیدم به تمامی کسانی که فکر می‌کردم امور دین و ملت برای آنان مهم است اعلام نمودم ولی باید بدانیم اگر دشمنان ما برای ما برنامه‌ریزیِ پیچیده نموده‌اند برای خنثی نمودن فعالیت‌های این‌چنینی هم برنامه‌ریزی دارند لذا ما هم باید برنامه‌ریزی کنیم.

**٧١٦** از تمامی کسانی که برای بر طرف شدن مشکل خشک‌سالی از طریق غیرعادی عادی در عرض چند ماه که ارائه داده‌ام اعتماد ندارند تقاضا دارم راهکار عادی

یک ساله که با دلیل اثبات نموده‌ام در یک سال می‌توان مشکل خشک‌سالی را بر طرف نمود را مورد مطالعه قرار دهند و آن را برای دیگران تبیین کنند (قطره‌ی ۷۳) و به عنوان یک **مطالبه‌ی عمومی به حق** در بیاورند تا **حداقل ما بتوانیم مشکل را در یک سال حل نماییم** و به سمت اهداف کلان خود حرکت نماییم، بنده سه طرح در دست دارم یک طرح عادی یکساله و دو طرح غیر عادی چند ماهه، اگر طرح‌های غیر عادی بی جهت مورد انکار است و قبول نمیشود که برای ملت ما حقیقتا مانند منّ و سلوی است طرح عادی یکساله که کاملا اثبات شده و معقول است را باید دنبال نماییم.

**۸۱۷** در خواست دارم همه با نگاه دوباره به معارف اسلامی به این نتیجه برسیم که **دین جامع اسلام منحصر در اعمال عبادی و اخلاقیِ شخصی نیست بلکه دین اسلام داعیه‌ی حکومت جهانی دارد و از محتواهای این دین برنامه برای بر طرف نمودن مشکلات اجتماعی جامعه می‌باشد،** اشتباه این است که ما طلاب فکر می‌کنیم در زمینه‌ی اقتصاد و آب و زلزله و خشک‌سالی و طب... حرفی برای گفتن نداریم درحالی‌که تمامی این امور و اموری که هنوز غرب برای آن امور فکر نکرده ما علوم محکم و قوی داریم و در صورت ورود ما در این عرصه‌ها برای غرب و دشمنان اسلام مجالی باقی نخواهد ماند، و بعضی هم به امید ظهور حرکتی نمینمایند و در انتظارند که امام زمان عج ظهور کند و مشکل آب را حل نماید، منتظری که منتظر است امام عج تشریف بیاورد تا مشکل خشکسالی حل شود منتظر آب و نان است نه منتظر امام عج. **لذا در خواست دارم** محتوای منابر فاطمیه را به این سمت سوق دهیم تا ما در فرصت کوتاه به یکی از کلان‌ترین دستاوردهای تاریخی خود دست یابیم، تاکید می‌کنم **اگر ما مشکل خشک‌سالی ایران را حل نماییم به صورت سلسله‌وار دستاوردهای کلان ملی و جهانی در تمامی شئون را خواهیم داشت در سیاست و اقتصاد و فرهنگ و دین و ...** و بدانیم **آب مهریه‌ی حضرت زهرا س است و کربلا به ما یاد داد دشمن آب را تحت کنترل میگیرد آنگاه مردان را ذبح کند و زنان را ... باید موظب آب بود، آب ظاهری دارد و باطن و باطن‌تری، ظاهرش خوردنی باطنش امام و باطن‌ترش توحید،چه باید انجام دهیم؟**

**۱۱۸** باید کاری کنیم تا **مردم از دولت بخواهند به همه جا آب‌رسانی کند،** مخصوصاً آب‌رسانی برای روستاها و کشاورزان، باید مشکل خشک‌سالی را بر طرف نمایند اگر دولت بگوید نمی‌شود، طرح یک ساله را نشان دهید در آن طرح جای هیچ بهانه‌ای وجود ندارد، اگر به سؤالی برخورد نمودید که جواب نداشتید با بنده تماس بگیرید تا در یک متن جواب را ارائه دهم، تا کنون تقریبا ۲۵۰ فایل سخنرانی کوتاه و بلند داشته‌ام ولی به تناسب دوباره سخن میگویم.

**۲۱۹** خطر نبود آب را برای مردم بیان کنید، بدانید **خطر مرگ ۵۰ میلیون نفر در ایران و از دست دادن تمامی دستاوردهای حال و گذشته در پیش است.**

**۳۲۰** رابطه‌ی مستقیمی که بین آب و اقتصاد، آب وپیشرفت و بیرون رفتن از مشکلات، آب و توسعه در تمامی شئون است را بیان نمایید.

**٤۲۱** بیان کنید که تمامی تفکرها برای بیرون رفتن از مشکل خشک‌سالی راهکار دارند و فرقی نمی‌کند جامعه اسلامی باشد و غیر اسلامی، غربی باشد یا شرقی، سنتی باشد یا مدرنیته و **دولت وظیفه‌ی آب‌رسانی دارد از هر روشی که می‌تواند مشکل آب را بر طرف کند، دولت وظیفه دارد در این شرایط آب تولید کند،** اگر با هارپ و یا انفجار یون منفی در آسمان و یا بارور کردن ابرها و ایجاد و هدایت ابر نمی‌تواند کاری کند چرا آب خلیج‌فارس را یک ساله انتقال نمی‌دهد که در قطره‌ی ۷۳ اثبات نمودیم این امر در یک سال امکان دارد، به زودی مناظره با متخصصین آب در مورد اثبات امکان یکساله انتقال آب خلیج فارس از طریق عادی انتشار میابد، هیچ بهانه‌ای وجود ندارد، هزینه وجود دارد، طرح و برنامه هم وجود دارد.

**۵۲۲** هیچ‌گاه از موضوع اصلی که تولید آب توسط دولت است منحرف نشوید، **ما هیچ‌گاه زیر بار امثال این موضوع نمی‌رویم که: مشکل خشک‌سالی از چاه‌های غیرمجاز است،** ما اثبات نموده‌ایم استفاده نکردن از آب‌های زیرزمینی امروز خیانتی عجیب تر به خاک این ملت است این شبهه و امثال آن از شبهاتی است که برای منحرف کردن اذهان مردم از موضوع اصلی طراحی‌شده و **مافیای آب در حال تولید شبهه است تا ما هیچ‌گاه به موضوع اصلی نپردازیم،** به دنبال نخود سیاه نروید و توپی را که به زمین شما انداخته‌اند را به جایگاه اصلی آن باز گردانید.

**٦٢٣ باید همه به دولت محترم اعلام کنیم** اگر نمی‌دانید ریشه‌ی مشکلات چیست؟ گفتیم خشک‌سالی است، اگر نمی‌دانید می‌توان مشکل را حل کرد؟ به شما راهکار داده‌ایم و هم اکنون منتظر جواب شما هستیم، اگر دانستید ریشه‌ی مشکلات چیست و اثبات‌شده می‌توانید ولی باز هم به ما جوابی ندادید ما به خدا پناه می‌بریم.

**٧٢٤** ملت عزیز بدانند آمدن باران و بر طرف شدن خشک‌سالی دو مقوله است،به قطره‌ی ۷۲ مراجعه فرمایید شاید با نمازِ باران باران ببارد ولی با وضعیت موجود هیچ‌گاه خشک‌سالی بر طرف نمی‌شود، لذا بنده در این وضعیت هیچ‌گاه اقدام به نماز باران نخواهم نمود و پیشنهاد می‌کنم دیگران نیز معقول فکر کنند، دلیل آن این است که: **اگر باران دست خداست، خشک‌سالی هم دست خداست،** دلیل خشک‌سالی طبق روایت اهل‌بیت عصمت به امور مختلفی بازگشت دارد که می‌توان به دروغ و ظلم اشاره کرد، حال چگونه ما بیاییم نماز باران بخوانیم درحالی‌که علت خشک‌سالی بر جای است، (به قطره‌های ٦٠ و ٧٩ مراجعه فرمایید، ما به دنبال بارش باران نیستیم به دنبال رفع خشکسالی هستیم) تنها یک مورد را اشاره می‌کنم: **بانکداری ما ربوی است، ربا جنگ باخداست، وقتی جامعه ربوی شد حکم محارب برای آن جامعه است و بر آن جامعه سه عذاب نازل می‌شود سوره‌ی انعام آیه ٦٥:عذاب اول: عذاب آسمانی** مانند گرم شدن زمستان و عدم نزول باران و برف و... **عذاب دوم: عذاب زمینی** مانند زلزله‌ها و از بین رفتن کشاورزی و.. **عذاب سوم: عذاب اجتماعی** مانند آشوب و تجمعات که هر سه عذاب را ما شاهد هستیم، از طرفی **شرایط نماز باران توبه است،** از شرایط توبه احیاء امر به معروف و نهی از منکر است، **چگونه کسی در این جامعه بدون مبارزه با ربا می‌تواند شرایط نماز باران که توبه است را انجام دهد و توقع باران داشته باشد؟** استغفراللهی که بدون نهی بانک‌ها از ربا باشد لقلقه‌ی زبان است، استغفرالله در جامعه‌ای که وضعیت سینمای آن چنان است که میدانید قبول نیست، بجای استغفرالله گفتن باید عملاً با ربا و... مبارزه کرد، لذا بنده عرض میکنم اگر قرار است تنها با خواندن یک سری ادعیه مشکل خشکسالی حل شود تمامی کتب ادعیه در اختیار شما ،ما دعا کردیم و چیز دیگری فهمیدیم(کسی که با ربا

مبارزه میکند عملا برای رفع خشکسالی عمل کرده و در نماز است قرآن نماز مومن را دائمی میداند **الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلاَتِهِمْ دَائِمُونَ** اما نماز بدون مبارزه عملی با منکرات : **فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّين الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلاَتِهِمْ سَاهُونَ**

۲۵ **۸** در این ایام محتوای فاطمی را به هیچ عنوان فراموش نکنید، از مقامات نورانی اهل‌بیت سخن بگویید، **عصمت اهل‌بیت ع را برای همه تبیین نمایید** و بدانید که اگر عصمت اهل‌بیت خدشه‌دار شود چیزی از دین باقی نمی‌ماند، حتی قرآن و وجود امام زمان عج زیر سؤال می‌رود، **زیر سؤال بردن عصمت اهل‌بیت خدشه‌دار کردن تقدس اهل‌بیت ع است و این گناه نابخشودنی است که اگر سکوت کنیم خوف این است که گرفتار عذاب الهی شویم به قطره‌های ۷۷ و ۷۹ مراجعه نمایید، خدشه دار نمودن اهل بیت ع سبب نزول عذاب است و یکی از انواع عذاب شدت خشکسالی است.** برای به دست آوردن محتوا بقیه‌ی قطره‌ها را مطالعه فرمایید و سوال خود را برای ما تلگرام نمایید، و **محتواها را چاپ کرده و و به دیگران رسانید.**

۲۶**علی بهرامی نیکو (هُدهُد)**سایتtvshia.com کانال تلگرام:hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۸۱** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله-**نماز باران و شرایط آن که توبه است و ارتباط ترک امر به معروف و نهی از منکر و عدم استجابت دعا و نزول عذاب الهی** - ما در این بحث به دنبال این هستیم تا اثبات نماییم **تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر احیاء نشود نمازهای باران تأثیر چندانی ندارد چرا که از شرایط نماز باران توبه است و در جامعه‌ای که منکرات انجام می‌شود و معروف ترک شده است، در این جامعه شرط اولی استجابت دعا که احیاء امر به معروف و نهی از منکر است انجام نشده و لذا توبه‌ی واقعی صورت نگرفته است و دعا**

**مستجاب نیست و نماز باران تاثیری بر خشکسالی نخواهد داشت و استغفرالله الله گفتن زبانی و قدم عملی بر نداشتن توبه نمیباشد. در هنگام گرفتاری انسان‌ها به ضعف خود و قدرت خداوند پی می‌برند** و یکی از آن زمان‌ها زمانی است که آب کم می‌شود و تمامی دستاوردهای انسان در خطر نابودی قرار می‌گیرد و انسان خطر مرگ را احساس می‌نماید، در این زمان است که انسان‌ها با انقطاع از امور مادی متوجه قدرت ما فوق می‌شوند و از خداوند عالم با عجز درخواست یاری و کمک می‌نمایند، البته **در تفکر اسلامی تمامی اموری که در عالم رخ می‌دهد نتیجه‌ی قضاء و قدر الهی می‌باشد و هیچ امری بیرون از حیطه‌ی قدرت و حکمت و علم الهی نبوده و تمامی امور از جانب خداست، مرگ و زندگی، خشکسالی و ترسالی و ...** لذا ما تمامی امور عالم را از جانب خداوند میدانیم و **حقیقتاً این سخن رایج را که میگویند امور طبیعی مانند زلزله و باران و خشک‌سالی و ... را به معنای رایج آن قبول نداریم، همه‌ی این امور الهی می‌باشد،** لذا خشک‌سالی و تر سالی هر دو امر الهی هستند که هر کدام حکمت خاص خود را دارند، رسول خدا ص فرموده‌اند: **وقتی خداوند بر امتی غضب کند و عذاب بر آنان نفرستد، نرخ‌ها گران می‌شود و عمرها کوتاه می‌گردد، تجار سود نمی‌برند و درخت‌ها میوه ندهند و نهرها پر آب نمی‌شود و باران از مردم قطع می‌شود و اشرار بر آنان تسلط می‌یابند.** در حدیث دیگری امام صادق ع فرموده است: و اذا جار الحکام فی القضاء امسک القطر من‌السماء. **هر گاه زمامداران و حاکمان، در دادرسی ستم کنند، باران از آسمان قطع می‌شود. طبق روایات، شیوع گناه، کفران نعمت، منع حقوق، کم‌فروشی، ظلم و حیله، ترک امر به معروف و نهی از منکر، ندادن زکات و دروغ و ظلم حاکم... سبب قطع باران می‌شود.** پس می‌توان نتیجه گرفت که **خشک‌سالی در حقیقت تازیانه‌ی خداوند است که باعث می‌شود ما به سمت خداوند و اتمام گناهان تغییر مسیر دهیم که در آن صورت خداوند هم نعمت را نازل میفرماید،** طبق آیات سوره‌ی نوح، در زمان حضرت نوح و قبل از بلای جهانی، خشک‌سالی بر قوم حضرت نوح سایه افکنده بود و حضرت نوح قوم خود را به استغفار دعوت کرده بود تا با تغییر رویه خشک‌سالی بر طرف شود قرآن در سوره‌ی نوح آیات ۵ الی ۱۱ می‌فرماید نوح به مردم فرمود: **قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا** گفت: پروردگارا! همانا قوم خود را شب و روز دعوت کردم **فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي**

**إِلَّا فِرَارًا** ولی دعوت من جز بر فرارشان نیفزود **وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا** و من هرگاه آنان را دعوت کردم تا آنان را بیامرزی، انگشتان خود را در گوش‌هایشان کردند و جامه‌هایشان را به سر کشیدند و بر انکار خود پافشاری ورزیدند و به شدت تکبّر کردند **ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا** آن گاه آنان را آشکارا دعوت کردم **ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا** سپس آشکار و پنهان آنان را خواندم **فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا** پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره بسیار آمرزنده است **يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا** تا بر شما از آسمان باران پی در پی و با برکت فرستد، **وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا** و شما را با اموال و فرزندان یاری کند و برایتان باغ‌ها و نهرها قرار دهد- تمام- **بدیهی است از دیدگاه دین گناه سبب قطع رحمت الهی است و تا زمانی که گناه پایان نیابد رحمت جاری نمی‌شود و استغفار زبانی بدون اینکه انسان گناهان را عملاً ترک کند نوعی تمسخر است و فایده‌ی چندانی ندارد،** خداوند در سوره‌ی رعد آیه‌ی ۱۱ می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَومٍ حَتّى يُغَيِّروا ما بِأنفُسِهِم وَإِذا أَرادَ اللَّهُ بِقَومٍ سوءًا فَلا مَرَدَّ لَهُ** خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (بخاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ لذا اگر عدم ریزش باران نشانه‌ی قهر و غضب الهی است و برای جلب رحمت باید توبه نمود، **استغفار زبانی بدون پایان دادن به معاصی هیچ مشکلی را بر طرف نخواهد نمود** در روایت است مردی خدمت علی (ع) رسید و نشست پیش حضرت و گفت **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** حضرت فرمود **ثَكِلَتْكَ أُمُّك** مادرت به عزایت بنشیند یعنی بمیری این چه حرفی است که می زنی؟! **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ که توبه نیست،** توبه شرایط دارد...، نکته‌ای قابل تأمل است که قرآن در سوره‌ی روم آیه‌ی ٤١ می‌فرماید: **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ** به سبب آنچه مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است-تم- پس میتوان گفت که بشر به سبب گناهان از مسیر فطری و خدایی خود جداشده و اسباب فساد در هستی را فراهم میاورد و در این زمان از پست‌ترین موجودات می‌شود که قرآن در سوره‌ی اعراف آه ۱۷۹ می‌فرماید: **وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ**

**أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ** وَ در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیانَ را برای دوزخ آفریده‌ایم [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند [آری] آن‌ها همان غافل‌ماندگانند-تم- در حدیث آمده: حضرت سلیمان با اصحاب خود برای نماز باران بیرون می‌رفت. در راه، به مورچه‌ای برخورد که یکی از پاهایش را به آسمان بلند کرده و می‌گوید: خدایا! ما مخلوقات ضعیف تو هستیم و از روزی تو بی‌نیاز نیستیم، پس به سبب گناهان بنی‌آدم، ما را به هلاکت. حضرت سلیمان -علیه‌السلام- به اصحاب خود فرمود: برگردید! همانا به خاطر دعای غیر خودتان سیراب شدید-تم- **در اسلام برای رفع خشک‌سالی دستوراتی بیان شده است که یکی از آن امور نماز استسقا است ،نماز استسقا** که برای نزول باران خوانده میشود، نماز باران دو رکعت است که رکعت اول، پنج قنوت و رکعت دوم، چهار قنوت دارد و بهتر است که با جماعت خوانده شود. در قنوت‌ها، هر دعایی می‌توان خواند، ولی بهتر است دعایی خوانده شود که در آن، از خداوند، طلب باران شده باشد و قبل از هر دعا، صلوات بر پیامبر و آلش فرستاده شود. مستحب است که حمد و سوره‌اش بلند خوانده شود. از آنجا که این نماز، برای جلب رحمت پروردگار است، در مستحبات آن اموری ذکرشده که همه، حالت رقت و زاری و نیاز بندگان رامی رساند و جلب رحمت می‌کند، از جمله، مردم سه روز، روزه بگیرند و روز سوم به صحرا روند و نماز بخوانند. زیر آسمان جمع شوند. پا برهنه باشند، مردم، منبر را با خود به صحرا ببرند، مؤذن‌ها هم همراه باشند. پیران و کودکان و چهارپایان را هم با خود ببرند، بچه‌ها را از مادران جدا کنند تا صدای گریه و ضجه زیاد شود. مانع بیرون رفتن کفار همراه خود شوند، امام جماعت و مردم، در کمال خشوع و وقار و درخواست، به بیابان بیرون روند، جای پاکی را برای نماز، انتخاب کنند و نیز، وقتی نماز به پایان رسید، پیش‌نماز به منبر رود و عبای خود را واژگونه یا پشت و رو بر دوش افکند، با صدای بلند، صد بار تکبیر بگوید، رو به مردم سمت راست کرده، صد بار بلند، سبحان‌الله بگوید، سپس به مردم طرف چپ روی کرده و صد بار با صدای بلند، لا اله الا الله بگوید، مانعی ندارد که مردم هم با صدای بلند، این شعارها را به دنبال پیش‌نماز،

تکرار کنند، چرا که رحمت و مغفرت را بهتر جلب می‌کند. آنگاه، امام جماعت و مردم، دست به دعا بردارند و بسیار التماس و دعا کنند و بنالند و بخواهند و امام جماعت، خطبه بخواند و از خداوند، طلب باران کند- البته **باید اعتراف نماییم که ما از حقیقت امور پنهانی عالم خبردار نیستیم چرا که در روایت آمده: در زمان فرعون خشک‌سالی آمد و فرعون به درگاه خدا دعا نمود و دعای او مستجاب شد و خشک‌سالی بر طرف شد،** در حدیث است از قول امام صادق ع که یاران فرعون از کاهش آب نیل پیش او سخن گفتند و اظهار کردند که این باعث هلاکت ما خواهد شد، فرعون از آنان خواست که آن  که آن روز برگردند. شب که شد، به میان‌رود نیل رفت و دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! می‌دانی که می‌دانم که جز تو، کسی توان آب آوردن ندارد، پس به ما آب بده. صبح که شد، رود نیل فوران زد و سرشار از آب شد. البته این نکته نیز حائز اهمیت است که **نماز باران به علت حساسیت خاصی که دارد اقدام به این نماز جرئت و ایثار و اخلاص خاصی می‌خواهد، چرا که ممکن است خداوند دعا را مستجاب نکند و باران نبارند آنگاه چه بسا در جامعه اثر معکوس داشته باشد و عده‌ای به اصل دین خدشه وارد کنند و سبب سست شدن دین مردم گردد،** یکی از معروف‌ترین نمازهای باران در تاریخ معاصر ، **نماز آیت‌الله العظمی سید محمدتقی خوانساری ره است. نوشته‌اند که در سال ۱۳۶۳ قمری، همان سالی که متفقین، ایران را اشغال کرده بودند،** در قم باران نبارید و باغ‌ها و مزارع کرد. آن مرجع، دو روز متوالی برای نماز باران به بیابان‌های اطراف قم رفت، **این حرکت، گرچه مورد استهزاء غیر معتقدان به امور معنوی و غیبی بود، ولی در روز دوم، چنان باران آمد که سیل‌ها روان شد و جویبارها به راه افتاد. لذا در این جریان نقل‌شده در بار اول باران نیامد و آن عالم بزرگ و وارسته مورد تمسخر مردم قرار گرفت و چه بسا اگر حکمت الهی اقتضاء کرده بود که باران نیاید چه بسا باعث می‌شد که بسیاری در اصل نماز و یا اصل دین و امور معنوی به شک و شبهه بیفتند لذا خواندن نماز باران حساسیت بسیار خاصی دارد ، بدیهی است که عدم نزول باران به علت شیوع گناه و معصیت در جامعه است و وجود گناه و معصیت در جامعه‌ی ایران امری بدیهی و اظهر من الشمس است، این گناه تنها نه آن چیزی است که ما در کوچه و خیابان نظاره گر هستیم بلکه گناه در سطوح مسئولین که چه بسا سبب گناه مردم**

**عوام هم باشد، از شرایط نماز باران توبه است** و تا توبه نکنیم وضع همچنان باقی و اوضاع وخیم‌تر می‌شود **یکی از گناهان ترک امر به معروف و نهی از منکر است، تا به صورت جدی مبارزه با منکرات و فساد شروع نشود دعایی مستجاب نمی‌شود تا به صورت جدی برای حلال نمودن اقتصاد بانک‌ها قدمی برداشته نشود لقمه‌ها حرام است و شکمی که لقمه‌ی حرام حمل کند دعایش مردود است و سکوت کننده مانند همان است،** پیامبر اکرم (ص) درباره امر به معروف و نهي از منكر مي‌فرمايند: لتأمرن بالمعروف و لتنهن عن المنكر او ليسطن الله شراركم علي خياركم فيدعو خياركم فلا يستجاب لهم. **همانا باید که دیگران را به معروف امر کنید و از منکر بازدارید، در غیر این صورت خداوند بدترین شما را بر بهترینتان مسلط مي‌كند، آنگاه نيكان شما خدا را مي‌خوانند، ولي دعايشان مستجاب نمي‌شود.** درباره قوم شعیب است. به حضرت شعیب (ع) خطاب شد، اي شعيب! **صد هزار نفر از قوم تو باید هلاك شوند: چهل هزار نفر از گناهکاران و شصت هزار نفر از نیکوکاران. حضرت شعیب (ع) عرض کرد: «پروردگارا! انسان‌های بدکار به سبب گناهشان باید هلاك شوند و مستوجب عذاب هم هستند، اما نیکو کارن به چه سبب باید نابود شوند؟ خطاب شد: اي شعيب! به این سبب که آنان شاهد ارتکاب گناه بودند و سکوت کردند؛ یعني به وظیفه امر به معروف و نهي از منكر عمل نکردند**-تم- **توجیهاتی که برای بعضی از گناهان وجود دارد بی‌شباهت به توجیه اصحاب سبت برای ماهیگیری در روز یکشنبه نیست که در روز شنبه ماهی را گیر می‌انداختند و در روز یکشنبه ماهی را از آب می‌گرفتند و خداوند هم همه را به بوزینه تبدیل نمود، تاکید می‌کنم امر به معروف باید از سطوح مسئولین شروع شود و به صورت عملی و الا باید بدانیم ظاهر مردم جامعه باطن مسئولین هستند، اگر این کار را نکنیم خداوند پوست ما را می‌کند،** رسول خدا ص: لَتَأمُرُنَّ بِالمَعروفِ و لَتَنهَوُنَّ عَنِ المُنكَرِ أو لَيَلحينَّكُمُ اللهُ كما لَحَيْتُ عَصايَ هذه لعودِ فی يدِه. باید امر به معروف و نهی از منکر کنید وگرنه همان‌گونه که من پوست این چوب‌دستی خود را کنده‌ام، خداوند پوست شما را می‌کَند. **ترک امر به معروف اعلان جنگ باخداست:** پیامبر ص : **إذا تَرَكَت امّتی الأمرَ بِالمَعروفِ و النَّهیَ عَنِ المُنكَرِ فَلْيُؤذَنْ بِوِقاعٍ منَ اللهِ جلَّ اسمُهُ.** هر گاه امّت من امر به معروف و نهی از منکر را فروگذارد، باید باَ خداوَند جلیل اعلان جنگ کند (و

خود را برای بلایی سخت از جانب خداوند جلیل آماده گرداند) **بدیهی است باید مسئولین امر به معروف را احیاء کنند و الا در جنگ باخدا هستند حتی اگر خود آن‌ها هم منکری انجام ندهند، حال اگر آن‌ها خود منکرات را انجام دهند که واویلا،** از طرفی **اگر مسئولین امر به معروف نمی‌کنند و چه بسا خود آنها منکر انجام دهند وظیفه‌ی جامعه است که آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر نمایند و مصیبت از اینجا شروع می‌شود که جامعه‌ی متدین امر به معروف مسئولین را رها کنند و با آنان از سر سازش و دوستی برآیند ولی به افراد ضعیف جامعه که می‌رسند با شدت مردم عامی را امر به معروف کنند در این صورت متدینین لباس را وارونه به تن کرده‌اند که این لباس نه زیبا می‌باشد و نه گرم می‌کند، چرا که چه بسا گناه افرادِ عامیِ جامعه نتیجه‌ی فعل مسئولین باشد، لذا وظیفه‌ی اصلی علما و طلاب امر به معروف و نهی از منکر مسئولین و مهره‌های کلان جامعه است و اگر به این مسئولیت عمل نشود هیچ قدرتی نمی‌تواند این فریضه را عملی کند و آنگاه همه باید منتظر عذاب الهی باشیم** پیامبر اسلام ص فرمودند: لَتَأمُرُنَّ بِالمَعروفِ و لَتَنهُنَّ عَنِ المُنکَرِ، أو لَیَعُمَّنَّکُم عَذابُ اللهِ. یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید، یا عذاب خدا همه شما را فرامی‌گیرد. در جای دیگر فرمودند: إنَّ النّاسَ إذا رأوُا الظّالِمَ فلَم یأخُذوا عَلی یَدَیهِ، أوشَکَ أن یَعُمَّهُمُ اللهُ بِعقابٍ منهُ. **اگر مردم، ستمگر را ببینند و دستش را [از انجامَ ظلم] نگیرند، زود باشد که خداوند کیفر خود را شامل همه آنان کند.** در جای دیگر فرمودند: لا یَزالُ النّاسُ بِخَیرٍ ما أمَروا بِالمَعروفِ و نَهَوا عَنِ المُنکَرِ و تَعاوَنوا عَلَی البِرِّ، فإذا لَم یَفعَلوا ذلکَ نُزِعَت مِنهُمُ البَرَکاتُ و سُلِّطَ بَعضُهُم عَلی بَعضٍ و لَم یَکُن لَهُم ناصِرٌ فی الأرضِ و لا فی السَّماءِ. مردم تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و در کارهای نیک همیاری نمایند، در خیر و خوبی خواهند بود؛ اما هر گاه چنین نکنند، **برکت‌ها از آنان باز گرفته شود و عده‌ای از آنان بر عدّه دیگر سلطه پیدا کنند و دیگر نه در زمین برایشان یاوری باشد و نه در آسمان.** در جای دیگر فرمودند: نخستین عیب و نقصی که بر بنی‌اسرائیل وارد شد این بود که هر گاه مردی با مردی [خلاف‌کار] رو به رو می‌شد، به او می‌گفت: ای مرد! از خدا بترس و گناه نکن که این کارها بر تو روا نیست؛ اما فردای آن روز وی را با همان وضع (خلافکاری و گناه) مشاهده می‌کرد ولی، برای این که هم کاسه و هم پیاله و هم‌نشین او باشد او را از

گناه منع نمی‌کرد. **فلَمّا فَعَلوا ذلکَ ضَرَبَ اللهُ قُلوبَ بَعضِهِم بِبَعضٍ، ثُمَّ قالَ: «لُعِنَ الّذينَ كَفَروا من بَنى إسرائيلَ»... الآيات....كَلّا و اللهِ لَتَأمُرُنَّ بِالمَعروفِ و لَتَنهَوُنَّ عَنِ المُنكَرِ و لَتَأخُذُنَّ عَلى يَدِ الظّالِمِ و لَتَأطُرُنَّهُ عَلَى الحَقِّ أطْرا.** چون این رَفتار را در پیش گرفتند، خداوند دل‌های آن‌ها را به جان یکدیگر انداخت و آن گاه فرمود: «کسانی از بنی‌اسرائیل که کافر گشتند، لعنت شدند... آری، به خدا سوگند که باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و دست ستمگر را بگیرید و او را با زور هم که شده، به سمت حق بکشانید. در جای دیگر فرمودند: إنَّ الأحبارَ منَ اليهودِ و الرُّهبانَ منَ النّصارَى لَمّا تَرَكوا الأمرَ بِالمَعروفِ و النَّهيَ عَنِ المُنكَرِ لَعَنَهُمُ اللهُ عَلى لسانِ أنبيائِهِم، ثُمَّ عُمُّوا بِالبَلاءِ. **چون عالمان یهود و راهبان نصارا کار امر به معروف و نهی از منکر را رها کردند، خداوند به زبان پیامبرانشان آن‌ها را لعنت کرد و سپس بلا همه آن‌ها را فراگرفت.** امام صادق علیه‌السلام در نامه‌ای به شیعیان نوشت: لَيعطِفَنَّ ذَوو السِّنِّ منكُم و النُهى عَلى ذَوى الجَهلِ و طُلّابِ الرِئاسَةِ، أو لَتُصيبَنَّكُم لَعنَتى أجمَعينَ. **باید افراد پخته و خردمند شما برای نادانان و ریاست‌طلبان دل بسوزانند[و نصیحت و ارشادشان کنند] و گر نه لعن و نفرین من به همه شما می‌رسد،** رسول اسلام ص فرمودند: **و اللهِ لَتَأمُرُنَّ بِالمَعروفِ و لَتَنهَوُنَّ عَنِ المُنكَرِ و لَتَأخُذُنَّ عَلى أيدى الظّالِمِ و لَتَأطُرُنَّهُ عَلَى الحَقِّ أطْرا، أو لَيَضرِبَنَّ اللهُ بِقُلوبِ بَعضِكُم عَلى بَعضٍ، ثُمَّ يَلعَنُكُم كما لَعَنَهُم.** به خدا سوگند که یا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و جلو ستمگر را می‌گیرید و او را با زور هم که شده به راه حق می‌کشانید و یا خداوند دل‌های شما را به جان یکدیگر می‌اندازد، آن گاه همچنان که عالمان یهود و راهبان مسیحی را از رحمت خویش دور کرد، شما را نیز از رحمتش دور می‌سازد. **بدیهی است که اگر ما امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنیم تفاوت چندانی با مردگان نداریم،** امام علی ع فرمودند: **مَن تَرَكَ إنكارَ الْمُنكَرِ بِقَلبِهِ و يَدِهِ ولسانه فَهُوَ مَيِّتٌ بَينَ الْأحياء** کسی که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده‌ای است میان زندگان؛ و البته احیاء کنندگان امر به معروف و نهی از منکر مقامات عجیبی در قیامت دارند، رسول اسلام ص فرمودند: **أَلا أُخْبِرُكُمْ عَنْ اَقْوامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِياء وَ لا شُهدَاء تَغْبِطُهُمْ النّاسُ يَومَ الْقيامَة ... يَأمُرُونَهُمْ بِما يُحِبُّ اللهُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمّا يَكْرَهُ اللهُ** گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید ولی مردم به مقامی که خداوند به خاطر امر به معروف و نهی از منکر به آنان عطا فرموده غبطه

می‌خورند. و محتواها را چاپ کرده و به دیگران رسانید. **پس نماز باران بدون توبه مستجاب نیست و توبه بدون احیاء امر به معروف و نهی از منکر توبه نیست پس** باید توبه‌ی حقیقی نمود و قدمی عملی برای مبارزه با منکرات و .....
علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۸۲** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- **نمونه‌هایی از هشدارهای مسئولین به همراه قطره‌ی ١٤ از کتاب هزار و یک قطره** - مسئولین ما سه دسته هستند و حالت چهارم هم ندارد: **الف: مسئولینی که نمی‌داند خشک‌سالی است** این اشخاص در این جایگاه غاصب هستند، البته این طیف بسیار کم هستند، در ایران مگر کسی عوام باشد که نداند خشک‌سالی داریم و این خشک‌سالی چقدر مخوف می‌باشد، این طیف را باید آگاه نمود، گناه این طیف غیرقابل بخشش است. **ب: مسئولینی که می‌داند خشک‌سالی است که** خود دو گروه هستند یا برای بر طرف کردن خشک‌سالی تلاش می‌کنند و یا تلاش نمی‌کنند، گناه کسی که می‌دانند خشک‌سالی است ولی تلاش نمی‌کنند از آن کسانی که نمی‌دانند خشک‌سالیست بیشتر است، اما گروهی که می‌دانند خشک‌سالی است و برای این مسئله تلاش کرده‌اند، این‌ها مأجور هستند و ما به این گروه باید نزدیک شویم و راهکارهای خود را به آنان ارائه دهیم، آنان انسان‌های پاک‌طینتی هستند که عندالله مأجور هستند، ما هم راه‌حلی داریم که آنان گوش شنوا دارند و ان‌شاءالله به زودی کلام ما را می‌شنوند. **ج: مسئولینی که می‌دانند خشک‌سالی داریم و می‌توانند برای رفع آن تلاش کنند ولی برای زیادشدن خشک‌سالی تلاش مکینند** و تماماً برای رفع خشک‌سالی مانع‌تراشی می‌کنند، آنان **افراد نفوذی** هستند که می‌دانند **با گسترش خشک‌سالی نظام به چالش کشیده شده و به براندازی نزدیک می‌شویم، آنان راهکارهای بیرون رفت از خشک‌سالی را به صورت مرموز پنهان داشته‌اند و این اولویت اول نظام را به تأخیر**

**می‌اندازند، تا نظام را با روشِ خود سرنگون کرده و شکل حکومتی خود را در ایران اجرا نمایند، سود آینده و حال این گروه در گروی خشک‌سالی است، سود هم اکنون آن‌ها بیکاری کشاورز و دامدار و باغدار و صنعت پارچه و ساختمان و ... است که نتیجه‌ی آن جواز ورود تمام این کالاها است،** نتیجه آن اختلاف طبقاتی و نارضایتی مردم، نتیجه‌ی آن پولدار شدن آن‌ها و به بردگی کشیدن قشر عظیمی از جامعه‌ی ایران، نتیجه‌ی این‌ها نارضایتی مردم و شروع آشوبها و حرکت به سمت براندازیِ نرم و تغییر نظام است، این طیف خائن هستند، این همان الگویی است که غرب برای استعمار جدید خود طرح‌ریزی کرده است، **استعمارِ مدیریتیِ نرم،** افرادی وابسته در مناصب حساس برای منافع دشمن در حال فعالیت هستند، آنان هم از توبره می‌خورد هم از آخور، آنان اگر دین حاکم باشند دین‌دارترین و اگر کفر حاکم باشد کافرترین هستند، اینان خواب نیستند که حتی با لگد هم بتوان بیدارشان کرد، آنان ذهن‌ها را از مسئله اصلی منحرف می‌کنند، آنان نمازگزاران بی‌وضویی هستند که می‌خواهند امام جماعت هم باشند، اگر بگویی خشک‌سالی می‌توانند ساعت‌ها سخنرانی کنند، در لفّاظی یَد طولانی دارند اما انتهای کلام آنان جز سر در گمی چیزی نیست، بله **منافق زیاد می‌گوید و کم عمل می‌کند و مؤمن کم می‌گوید و زیاد عمل می‌کند،** این گروه برای هر عمل خود توجیهی دارند که عقل‌ها را حیران می‌کند،آنان امور را خراب می‌کنند و در هنگامه‌ی جواب دادن گناه را به گردن دیگری می‌اندازند ، آنان دائما چهره عوض می‌کنند، تا دیروز دشمن و امروز دوست‌ترین هستند، آنان توانایی دارند همه را فریب دهند، رئیس آنان عمرو عاص و است، آنان به هنگامه‌های حساس قرآن بر نیزه می‌کنند، اگر حساس‌تر شود و خود را در معرض خطر ببینند لباس زیرین خود را در میاورند تا مؤمن رو برگرداند و آنان فرار کنند، تمام ادیان الهی از این گروه ضربه خورده‌اند و ما نیز از آنان ضربه خورده و می‌خوریم .به عقیده‌ی بنده و بسیاری از کارشناسان امروز **ما در حوزه‌ی آب شاهد نفوذ هستیم و اگر فرضاً افرادی به صورت مستقیم با اجانب در ارتباط نباشند آنان مهندسی نرم‌افزاری شده‌اند و در حال اجرایی کردن امیال دشمنان هستند** یکی از دلایل این است: **چرا که ما از بعد از انقلاب تا کنون به این وخامت در حوزه‌ی آب رسیده‌ایم که حتی در طول چند هزار سال گذشته بی‌سابقه بوده است؟** (در یکی از قطره‌ها توضیح خواهیم داد)**بعد**

**از انقلاب قرار بود پیشرفت حاصل شود، چرا در زمینه‌ی آب، ذخایرِ آبی خود را از دست داده‌ایم؟ بعد از انقلاب باید در حوزه‌ی آب پیشرفت می‌کردیم ولی پس رفت نموده‌ایم، یا باید بگوییم تفکر اسلامی باعث این وخامت شده است؟ یا باید بگوییم این وخامت در حوزه‌ی آب نتیجه‌ی تفکر و عمل غربی است؟ یا باید بگوییم غرب ما را برنامه‌ریزی کرد که این‌گونه فکر کنیم و این‌گونه عمل نماییم،** که به زودی در قطره‌های آینده بلای سد سازی در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم، بلایی که برای ما خرابی به همراه داشت، **زمینهای آباد پایین‌دست خشک شد و زمین‌های آباد بالادست زیر آب رفت یعنی عملاً زمین‌ها را ویران نمودیم، از طرفی در بعض از موارد آب شیرین را با سد سازی شور نمودیم و با این حرکت باعث شدیم آب از عمق زمین به سطح بیاید که خودِ این حرکت باعث شد خورشید سریع‌تر آب را بخار کند و ایران سریع‌تر خشک شود،** این مطلب را در ضمن یکی از قطره‌ها توضیح خواهیم داد، این در حالی است که در ابتدای انقلاب تعداد سدهای کشور ۱۹ عدد بوده است و هم اکنون تقریباً بالای ٦٤٠ سد موجود می‌باشد در حالی که چشم انداز تقریبا سه هزار سد میباشد، لازم است بدانیم دلیل اصلی سد سازی تولید برق‌آبی بوده که بعداً این مطلب را نیز مورد بررسی قرار می‌دهیم ولی اگر چه که دلیل به ظاهر خوبی برای سد سازی می‌باشد اما چگونه است که **هم اکنون ٤٠ الی ٦٠% ظرفیت سدها خالی از آب می‌باشد؟** از بین ١٦٩ سد بزرگ در کشور تا تاریخ ١٧ شهریور ٩٥، فقط مخزن ٢٠ سد، بین ٩٠ تا ١٠٠ درصد پر و ذخیره‌ی آب ٧٧ سد بزرگ کشور کمتر از ٤٠ درصد است، اول فکر غذا را می‌کردیم بعد سفره را پهن می‌کردیم، **سدهای بدون آب چه فایده‌ای دارند؟** و به زودی با این روال سدهای ایران به درد انباشته شدن ریگ‌های بیابان می‌خورد و این چیزی به دور از ذهنی نیست زمانی که در رودخانه‌ی زاینده‌رود می‌توان فوتبال بازی کرد و کویر لوط را در آنجا مشاهده نمود، بله **سد ساختیم زمین پایین‌دست خشک شد، کشاورزی ویران شد، فقیر فقیرتر شد وقتی مردم اعتراض کردند توجیهات بیهوده آوردیم و گفتیم شما هم بالاتر سد بسازید حالا ترکیه سد ایلیس می‌سازد و اروند و کارون که منابع مهم استراتژیک ایران است خشک می‌شود، وقتی که ما اعتراض کنیم آن‌ها به ما همان جوابی را خواهند داد که ما به مردم خود دادیم، اگر بگوییم این‌ها خلاف معادلات بین‌المللی است آن‌ها همان جوابی را**

**خواهند داد ما در قبال معاهده‌های بین‌المللی که قبول نداریم داده‌ایم، پس در حق ملت خود ظلم کردیم حال ظلم می‌شویم، به زودی هیچ کشوری اجازه نخواهد داد که قطره‌ای آب از کشورش خارج شود حتی اگر به آن آب احتیاج نداشته باشد** و دلیل آن این است **به زودی پشتوانه‌ی قدرت و ثروت ملت‌ها آب خواهد بود که همین الان هم میباشد لذا در اینجاست که ما اعلام نمودیم قدرت برتر بشریت در دستان کسانی است که بتوانند آب را از آسمان انتقال دهند مبع اصلی آب آسمان بوده و میباشد** که قرآن دائما میفرماید **انزلنا من السماء** در حالی که نگاه ما برای آب دائما به زمین و اعماق زمین بوده است، و البته **هر چه هوا گرمتر شود منبع آبی آسمان بیشتر میشود تا جایی که منبع آبی از قطب شمال و جنوب به آسمان انتقال پیدا کند و البته این هم کار خداست** و دلیل آن این است چرا آب که منبع حیات و قدرت است انحصارا در دست آمریکای جنایتکار باشد؟ لذا خشکسالی به سرعت منابع آبی آمریکا را از آنجا به آسمان میبرد و **آمریکایِ بدون آب در کمال ضعف خواهد بود لذا آمریکا به دلایل مختلف در آستانه‌ی فرو پاشی است** ، و غرب این قدرت را (انتقال آب از آسمان) سال‌ها پیش به دست آورده و غصه نخورید امروز هدهد از الگوی برتری خبر دارد که می‌توان آب را از آسمان انتقال داد، این الگو تا زمان راستی آزمایی قابل اثبات نیست و قابل انکار هم نیست، امریست ممکن همانگونه هُدهُد برای سلیمان ع خبری آورد که سلیمان ع بی اطلاع بود، هُدهُد خبری آورد ممکن سلیمان ع او را راستی آزمایی نمود، و صدق هُدهُد معلوم گردید، در زمان راستی آزمایی حق و باطل معلوم گردد، خبر هُدهُد نه فضیلتی برای هُدهُد بود و نه کسر شانی برای سلیمان ، چرا که هُدهُد یکی از لشکریان سلیمان بود، ولی **حیف از کسانی که ادعای علم میکنند و امور ممکن را محال میدانند** در حالی که قرآن به ما یاد داد اگر کسی گفته میتوانم قبل از بلند شدن از صندلی، تخت بلقیس را از جایی دور جابجا کنم سوالی دیگر مطرح کنید بپرسید کسی میتواند سریع‌تر و در زمان کمتری این کار را انجام دهد؟ **زمان قابل تقیل است تا زمانی که به لحظه برسد و هر ثانیه به بی نهایت لحظه قابل تقسیم است؟ امروز اگر هُدهُد گفت دو ماهه مشکل آب ایران قابل حل است، سوال عاقلانه این است که کسی میتواند در کمتر از آن و ... و در کمتر از از یک ثانیه و در لحظه‌ای مشکل را بر طرف کند؟ البته کسی که**

**انکار میکند، هُدهُد را رسوا نمیکند بلکه در ضمن انکار هُدهُد آشکار نموده که از قرآن و معارف الهی چیزی نمیداند و بر صاحب علم این مطلب روشن است، لذا فرقی نمی‌کند که سد ایلیس توسط ترکیه زده شود و قطره‌ای آب انتقال پیدا نکند، فرقی نمی‌کند کشورهای شمالی نیز سد بزنند و اجازه‌ی ورود آب را ندهند، فرقی نمی‌کند سد هیرمند را افغانستان بزند و اجازه‌ی ورود آب به شرق کشور را ندهد، فرقی نمی‌کند که با نیروی هارپ در صدد گرم و خشک کردن ایران باشند هیچ فرقی نمی‌کند بلکه مکتب اهل‌بیت ع ما را نجات می‌دهد و در کمال ناباوری به زودی تمامی جهانیان مبهوت قدرت علمی مکتب اهل بیت ع میشوند، به زودی ما به ابرقدرت آبی دنیا تبدیل می‌شویم، ما آب تصفیه‌شده را از آسمان ترکیه و روسیه و همه جا بدون هزینه‌ی مصرفی برای هارپ و یونیزه کرده و بارور کردن ابرها و انفجار یون منفی در آسمان و تمامی راهکارهایی که غرب به برای ما به ارمغان داشته است همه‌ی این آب‌ها را بدون هزینه و زحمت چندانی از آسمان برای زمین‌های خود به ارمغان میاوریم،** و هر که با ما باشد سیراب شود و هر که نباشد خشک شود و رمز پیروزی این است که **ما با خداییم و خدا با ماست** ، ما عددهای صفری هستیم که با بی نهایت جمع شده‌ایم و بی نهایت شده‌ایم ما فقیر هم نیستیم بلکه فقر مطلق هستیم، بله این قدرت اسلام است که: **الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه** و غصه نخورید که چه زمان این اتفاق می‌افتد زمان به سرعت می‌گذرد و ایران در حال خشک شدن است و خطر مرگ ملت و دین در راه است ما با خشک‌سالی شدید مدد می‌شویم که **خشک‌سالی لشکر خداست که مؤمنین را یاری می‌کند** و اگر هم اکنون گوش ندهند در زمان حساس در گوشه‌ی ذهن میلونها نفری که کلام ما را شنیدند این سؤال پیش میاید که شاید هُدهُد (بهرامی) راست می‌گفت و توانایی این کار موجود بوده و آن زمان صداقت ما اثبات می‌شود، ولی گناه مشکلاتی که هر لحظه تا آن زمان بر ما هجوم میاورد که از حد شمارش بیرون است بر تمامی کسانی است که شنیدند و کمک نکردند و جدی نگرفتند ما تا آن زمان صبر می‌کنیم که کلید پیروزی ما در صبر و گذر زمان است، **واستعینوا بالصبر و الصلوه،** طلای بی‌رنگ و بی‌بوی بشریت آب است، مخصوصاً اینکه ما در حوزه‌ی آب هنوز نتوانسته‌ایم مهندسی اسلامی دکترای آب را ارائه دهیم، پس معیار سنجش افراد در حوزه علوم

مختلفی که به آب ارتباط دارد در دست دانشگاه‌های غربی می‌باشد و در بند اول قطره‌ی ۸۱ مطرح نمودیم دانشگاه‌های موجود غربی که توسط صهیونیزم تعیین جهت می‌شوند **شعبده‌های علمی** می‌کنند و برای ملت‌ها اموری را تعیین می‌کنند که خود به آن اعتقادی ندارند ولی ملت‌ها به آن امور اعتقاد پیدا می‌کنند، آن‌ها علوم اصلی را که خود اعتقاددارند و عمل می‌کنند را پنهان می‌کنند، نفوذ در حوزه‌ی آب و کنترل نرم‌افزاری مدیران و تصمیم گیران و تصمیم سازان از جمله حساس‌ترین امور هر مملکت است که اتفاقاً واکنش‌ها در این حوزه از تمامی حوزه‌ها کمتر می‌باشد درحالی‌که **اگر آنان آب را تحت کنترل بگیرند همه چیز را تحت کنترل گرفته‌اند از اقتصاد و سیاست و فرهنگ و امور اجتماعی و ...، لذا ما به تمامی مدیران و مسئولین اعلام می‌داریم باید آب را به همه جا برسانید، اگر می‌توانید راهکار عملی را ارائه دهید، تاکید می‌کنم ما راهکار شما را می‌خواهیم ببینیم و نظر دهیم، اگر راهکار ندارید راهکار ما ببینید و نظر دهید، ولی اگر راهکار را ارائه ندادید و یا نقدهای ما را جواب ندادید و یا راهکارهای عملی و نجات‌بخش ما را جواب ندادید راهی نمی‌ماند جز این که به این یقین برسیم راهکاری ندارید و راهکارها را هم قبول نمی‌کنید و در این زمان و در آینده‌ی نزدیک دردی از این ملت دوا نخواهید نمود.** رهبر انقلاب دامت برکاته در مورد نفوذ رهنمودهای بسیاری دارند که باید مورد مطالعه قرار بگیرد و بنده در این زمان تمامی آن رهنمودها را با توجه به آب ملاحظه می‌نمایم قسمتی از آن بیانات را دوباره باهم مرور می‌نماییم: **وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده‌ی آن‌ها است؛ آن‌ها هم همین را می‌خواهند. آن‌ها دوست نمی‌دارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند،** مثل آن چیزی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در هند این کار را کردند؛ از خودشان آنجا مأمور داشتند؛ یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان‌پذیر نیست؛ برای آن‌ها **بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آن‌ها فکر کنند، مثل آن‌ها اراده کنند، مثل آن‌ها و بر طبق مصالح آن‌ها تصمیم بگیرند؛** این نفوذ سیاسی است. [هدف این است که] در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند در مراکز تصمیم سازی [نفوذ کنند])) در جای دیگر همین سخنرانی بیان

فرمودند: از **همه‌ی طرق هم استفاده می‌کنند و آدم‌های گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبه‌ی فکری و علمی هم دارند؛ همه جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند** .۹٤,٦,۲۵ -تم- **دکتر عیسی کلانتری معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان محیط زیست ایران و دبیر ستاد احیای دریاچه-ی ارومیه:** در این ۳۵ سال فقط ۱۲۰ میلیارد مکعب آبهای شیرین فسیلی صدها هزار ساله که حدود ٪۷۵ آبهای شیرین زیر زمینی بود را مصرف کردیم که حدود ۷۵ میلیارد متر مکعب آن در ۸ سال گذشته بوده است **یعنی منابع را تاراج کردیم!**جمعیت را افزایش دادیم غافل از اینکه این جمعیت باید در یک کشور آباد زندگی کند. بدون توجه به نیازهای جمعیت، منابع کشور را برای رفع نیازها به تاراج گذاشتیم.**امروز هیچ تالاب درون سرزمینی، آب ندارد**، از بختگان تا هورالعظیم، گاوخونی و اورمیه! آب های زیر زمینی ما در حال شور شدن است و ادامه این روند یعنی **تخلیه ایران از جنوب البرز تا دریاهای آزاد و از شرق زاگرس تا مرزهای شرقی کشور.ما امانتدار بسیار بدی برای این تمدن ۷۰۰۰ ساله بودیم**، زاینده رود ۹۰۰ میلیون متر مکعب از سرچشمه های کارون وارد آن می شود، یعنی نصف آب زاینده رود از سرچشمه های کارون می آید.در استاندارد جهانی هر کشوری که ۲۰٪ از آب های تجدید پذیرش را هر سال استفاده کند هیچ خطری از نظر منابع آب متوجه اش نیست. اگر ۲۰ تا ۴۰٪ استفاده شود به شرط مدیریت می توانند در دراز مدت منابع آب را تامین کنند. اما اگر بالای ۴۰٪ استفاده کنند وارد بحران شده اند. **دو کشور در دنیا بالای ۴۰٪ استفاده می کنند، اولی مصر است با ٪۴۶ و ایران با ٪۸۵ این یعنی بزودی همه جای ایران مثل گاوخونی خشک خواهد شد. حتی امروز هم دیر شد و اگر سیاست هایمان را عوض نکنیم این کشور را همراه نسل خودمان خواهیم کرد.**کارشناسان و دانشگاهیان مستقل معتقدند آب های تجدید پذیر حدود ۹۵ میلیارد متر مکعب است اما وزارت نیرو معتقد است ۱۲۰ میلیارد متر مکعب آب تجدید پذیر داریم. اگر حرف دانشگاهیان و کارشناسان مستقل را ملاک قرار دهیم یعنی سالانه ٪۹۶ از منابع آب تجدید پذیرمان را استفاده می کنیم و کاری که ما با آب های زیر زمینی می کنیم **یعنی دزدی theft از نسل بعد. یعنی نسل کشی. نه تنها آب شیرین را تمام می کنیم، همه کشور را بیابان می کنیم.** آب مصرفی باید کاهش پیدا کند **هیچ راه دیگری وجود**

**ندارد و برای کل کشور احساس خطر می کنم.** پتانسیل برداشت بیش از حد از آب های زیرزمینی را نداریم. سال گذشته **برای ۴۴ میلیون نفر غذا وارد کردیم**، فقط برای ۳۳ میلیون نفر در داخل کشور غذا تولید کردیم و بیش از این توانایی نداریم و **اگر فشار بیش از حد وارد شود مرگ سرزمین ایران سریعتر اتفاق خواهد افتاد.بحران آب در ایران هنوز برای بسیاری از اقشار جامعه به یک باور تبدیل نشده است**؛ درحال حاضر ۷۰درصد جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ مترمکعب آب در سال زندگی می‌کنند و این از نظر استانداردهای جهانی یعنی **رخداد فاجعه بزرگ .اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند.**مطابق برآوردهای علمی، منابع کشش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و **در آینده نه‌چندان دور حدود ۷۰درصد جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند** اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، **کدام کشورها حاضرند ٤٠ تا ٥٠میلیون ایرانی را اسکان دهند؟!ما چگونه می‌خواهیم برای اسکان قریب به ٥٠میلیون نفر ایرانی چاره‌اندیشی کنیم؟حتی در صورت بارش ایده‌آل و نفوذ آب به زیر زمین، جایی برای ذخیره آن وجود ندارد، درحال حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطحی رسیده است که آن شهرها از نظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرده» تعبیر می‌شوند. سازمان محیط‌زیست در ایران تا امروز یک سازمان مرده و تشریفاتی بوده است.**
علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹٦ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۸۳** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله-**پشت پرده‌ی تئوری نقد امام معصوم- هشدارهای محیط زیستی رهبر انقلاب دامت برکاته** -به عقیده‌ی بنده **تمام بیانات رهبر انقلاب تکلیف آور است**، لذا بنده در معنای رایج تقلید کمی مناقشه دارم **تقلید تنها در مسائل وضو و نماز و روزه نمی‌باشد بلکه تمامی کلماتی که در قرآن و کلام اهل‌بیت و علماء آمده است لازم الاجراء می‌باشد**، مخصوصاً **تمامی**

**کسانی که قائل به تشکیل حکومت دینی هستند باید از حاکم حکومت که ولی‌فقیه جامع شرایط است در مسائل کلان اجتماعی و سیاسی تقلید نمایند** و آن مطالب را جامع عمل بپوشانند، و هر کس به هر اندازه‌ای که از این امر غفلت بورزند به همان اندازه ضعیف‌تر می‌باشد، اینجا ضروری است این نکته را بیان نمایم اگر چه **که تصریحاً بیان داشتند در جامعه کسی معصوم نیست و همه باید نقد شوند حتی امام معصوم در زمان حضور معصوم و با مطرح کردن تئوری نقد امام معصوم ع تلویحاً عملی تر از گذشته باب نقد رهبر انقلاب دامت برکاته را باز کردند** که **این مطلب از اساس باطل است و انحرافی سخت می‌باشد که اساس مکتب حقه اهل‌بیت نشان گرفته شده است** ولی اعلام می‌داریم: اولاً **امام معصوم را نمی‌توان نقد کرد چه در امور آخرتی و چه در امور دنیایی** که اگر کسی قائل شود حتی معصومین در امور دنیایی برای ما حجت نباشند سؤال پیش میاید: **چگونه امامی که برای ما نمی‌تواند از امور دنیای ما صحبت کند و احتمال اشتباه در بیانات او در مورد امور دنیایی وجود دارد، چگونه می‌تواند از امور آخرتی برای ما صحبت نماید، امامی که نتواند دنیای ما را آباد کند چگونه می‌تواند آخرت را آباد نماید؟** اگر احتمال اشتباه در بیاناتی که مربوط به دنیای ما می‌باشد همین احتمال در امور آخرتی وجود دارد، **اگر او را می‌توان در امور دنیایی نقد نمود دیگر چرا ما مکاسب می‌خوانیم؟** آیا غیر از این است که مکاسب همان بیانات معصومین در امورات دنیایی است؟ متأسفانه بعضی برای حمایت از این تئوری خطرناک اقدام به تئوریزه نمودن این مطلب نمودند که گفتند: **معصومین در امور دنیایی اسوه نیستند که این مصیبت عظیم برای شیعیان است که بنده اسمی برای این مطلب پیدا نمی‌کنم جز اینکه بگویم سقیفه‌ی عصرِ حاضر اتفاق افتاده است،** آیا این روایت(سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۲۵، باب ۱۵، تلقیح النخل، ح ۲۴۷۰) با پیامبر خدا (ص) در نخلستانی قدم برمی داشتیم و ایشان گروهی را مشاهده کردند که عمل گرده افشانی بر درختان خرما را انجام می دادند، سپس از اطرافیان پرسیدند که آنان چه می کنند؟ پاسخ داده شد که گرده های درختان نر را بر درختان ماده می پراکنند! پیامبر فرمود: گمان نمی کنم که این کار فایده ای داشته باشد. سخن پیامبر (ص) به گوش کشاورزان رسیده و آنان از کار خود دست برداشتند. **پیامبر (ص) با مشاهده این وضعیت فرمودند: سخن من از روی حدس و گمان بوده و من انسانی**

**مانند شما هستم. شما کار خود را انجام دهید؛ چون گمان من ممکن است درست یا نادرست باشد! اما هرگاه از جانب پروردگار سخنی به شما گفتم، مطمئنا بر خدا دروغ نخواهم بست-تم- آیا این روایت مورد قبول ماست؟** و آیا با امثال این سخنان چیزی از دین باقی میماند؟ خوب شما که می‌خواهد بگویید رهبر انقلاب دامت برکاته را می‌توان نقد کرد چرا امام معصوم ع را زیر سؤال می‌برید، بله امام معصوم را زیر سؤال بردند تا رهبر انقلاب راحت‌تر زیر سؤال برده شود. **نکته دوم:** ما منکر این نیستیم که بتوان رهبر انقلاب دامت برکاته را نقد کرد که خود رهبر انقلاب نیز معترف به این مسئله هستند که ایشان در بیانات در اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱,۰۷,۱۹ فرمودند: من همین جا در داخل پرانتز عرض بکنم؛ یکی از خطاهائی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله‌ی تحدید نسل از اواسط دهه‌ی ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیم‌اند، خود بنده‌ی حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد-تم- لذا به عقیده بنده **رهبر انقلاب نقد و انتقاد را پذیرا هستند که بارها این مطلب دیده‌شده** که سخنان متعرضان را استماع فرموده‌اند و پاسخ متناسب بیان داشته‌اند حتی بیانات بالاتر ایشان در مورد امر به معروف و نهی از منکر را دوباره باید مرور نمود. لذا از مسئولینی که تشویش اذهان عمومی نموده و کلی گویی می‌کنند درخواست داریم صریحاً انتقادات خود را بیان دارند تا بجای اتلاف وقت، راه چاره را جویا شویم، **متأسفانه در این چند سال ما شاهد نقد پنهان رهبر انقلاب هستیم که در ضمن مطرح‌شدن اسلام رحمانی، مذاکرات هسته‌ای، الگوی پناه به غرب و یا تکیه بر دارایی‌های درونی و ... ملت شاهد بودیم** که تماماً بجای منفعت خاصی برای ملت ما را از راه عظیم پیش رو بازمی‌دارد، **کار انجام می‌شود و اگر خوب بود دیگران کرده‌اند و اگر اشتباه شد و به نتیجه نرسید میگویند توصیه‌ی رهبر انقلاب بوده است،** متأسفانه هم اکنون نیز بعضی بجای کار و تلاش امور را منوط به رهبر انقلاب می‌کنند، مثلاً: آقای جعفر زاده عضو کمیسیون تلفیق جدیداً بیان داشته است: بودجه‌ی دولت برای رفع بحران گرد و غبار خوزستان نیاز به اذن رهبر دارد، این بودجه هنوز حذف نشده است بلکه تعلیق شده است- تم- این کار یعنی چه؟ با این کار می‌خواهند بیان کنند مشکل گرد

و غبار و این بلای خانمان‌سوز مشکل بودجه است و بودجه هم به رهبر انقلاب بستگی دارد **درحالی‌که اگر ده‌ها برابر هم پول بیاید به یقین میگویم هیچ کار مفیدی انجام نمی‌شود** پول تمام می‌شود اما ...،روایت عجیبی از رسول گرامی اسلام ص وارد شده است که می‌فرماید: **هر امتی گوساله‌ای دارد و گوساله این امت دینار و درهم است.** ولی با این امور اذهان عمومی مشوش می‌شود .به هر حال باید بدانیم **اگر جامعه‌ی ما می‌خواهد بجایی برسد باید تمامی شئون در یک سمت حرکت کنند، یک فرمانده وجود داشته باشد و یک عملیات انجام شود، رهبری واحد، حرکت واحد، هدف واحد، آن وقت به نتیجه می‌رسیم،** اگر رهبر جامعه فرمانی بدهد و مدیران اجرایی امر دیگری عمل کنند همان می‌شود که در برجام و مذاکرات هسته‌ای دیدیم، دردی دوا نمی‌شود و درد زیاد می‌شود، اگر همان اشتباه تکرار شود همان نتیجه را خواهیم دید، متأسفانه باید مسئولین اجرایی مجری باشند درحالی‌که بعض از مسئولین اجرایی ما مجری نیستند بلکه رهبر هستند، به هر حال بحث ما تنها آب و خشک‌سالی است، لذا باز عنوان می‌کنیم **آقایان اجرایی راهکار خود را برای مشکل آب صریحاً بیان دارید تا ببینیم و نظر دهیم، اینکه راهکار داریم و چه شده و الی آخر بنده یقین دارم راهکار نجات‌بخش ندارید، اگر راهکارتان را ارائه ندهید و راهکارهای ما را هم نبینید و نظر ندهید ما در مرحله بعد تمامی راهکارهای شما را بیان می‌نماییم و دلیل تخصصی بر بطلان آن‌ها را ارائه می‌دهیم.** گلچینی از بیانات رهبر انقلاب دامت برکاته در تاریخ ۱۳۹۳,۱۲,۱۷ متن کامل سخنرانی را در سایت khamenei.ir لیدر خامنه‌ای ببینید: (تذکر این متن خلاصه‌ی بیانات می‌باشد که در این برگه آمده است)برای من یک گزارشی آوردند از صحبت‌هایی که در این چند سال از سال ۷۷ تا امروز، پانزده سال درباره‌ی این مسئله کرده‌ایم، **خیلی حرف‌ها گفته‌شده، توصیه‌ها شده، لکن توصیه به تنهایی علاج و درمان مشکلات بزرگ نیست. یک تحرّک و حرکت جدی‌ای باید دنبال کار باشد.** یک جا قرآن می‌فرماید: **وَ الاَرضَ وَضَعَها للاَنام**؛ زمین را - **یعنی این کره‌ی ارضی را - برای انسان‌ها ما آفریدیم؛ مال همه استَت. متعلّق به بعضی نیست؛ بعضی حقّ بیشتری از بعض دیگری ندارند در** آیه‌ی دیگر می‌فرماید: **وَ استَعمَرَکُم فیها؛** خداوند متعال که خالق این زمین و خالق شما است، شما را موظّف کرده است که این زمین را آباد کنید؛ یعنی ظرفیّتهای موجود در این مجموعه‌ی کره‌ی

ارضی را به فعلیّت برسانید. **خیلی از ظرفیّتها هست که ناشناخته است، بعد شناخته می‌شود و بعد اهمّیّت آن‌ها و ارزش آن‌ها فهمیده می‌شود**؛ این کار کار شما است؛ شما باید بکنید. **امروز هم که ما خیال می‌کنیم از همه‌ی ظرفیّتهای زمین‌داریم استفاده می‌کنیم، حقیقت مطلب این نیست؛ ممکن است میلیون‌ها برابرِ آنچه امروز شما از آب و از خاک و از هوا و از موادّ زیرزمینی و از محصولات روی زمین استفاده می‌کنید، بشود به نحوی استفاده کرد که امروز ما از آن خبری نداریم.** یک آیه‌ی دیگر درباره‌ی **الدّالخصام** است؛ یعنی لجوج‌ترین، خبیث‌ترین، سرسخت‌ترین دشمنان که خصوصیاتی برایش ذکر می‌شود؛ یکی از خصوصیات این است: **اذا تَوَلّی سَعی فِی الاَرضِ لِیُفسِدَ فیها وَ یُهلِکَ الحَرثَ و النَّسل**؛ حرث و نسل را از بَین می‌برد، فاسد می‌کند؛ کشت را - یعنی **تولید گیاهی را و تولید انسانی را - نابود می‌کند و از بین می‌برد. مشکل اساسی در باب مسائل محیط‌زیست این است که آثار تخریب با آسانی و بزودی ظاهر نمی‌شود؛ وقتی ظاهر شد، علاج آن آسیب‌ها و مشکل‌ها هم بعضاً بلند مدّت و بعضاً ناممکن است. وقتی انسان‌هایی پیدا شدند که احساس مسئولیت نکردند، ثروت‌های عمومی عالم را خواستند تبدیل کنند به ثروت شخصی، از هر امکانی برای فربه کردن وجود خودشان استفاده کنند، نتیجه می‌شود این. قلدری بشر، خط‌شکنی‌های قلدرمآبانه و گردن کلفتی‌های قدرت‌های بشری، قدرت‌های زر و زور در دنیا و در سطح جهان یک چنین نتایج و آثاری دارد. فرسایش خاک در کشور بر اثر سهل‌انگاری‌ها و بدعمل‌کردن‌ها و ندانم‌کاری‌ها؛ فرسایش خاک چیزی نیست که بعد بشود به آسانی جبرانش کرد. قضیه‌ی خاک از قضیه‌ی آب مهم‌تر است؛ ما مشکل آب هم داریم، مشکل بزرگی هم هست، لکن برای تهیه‌ی آب راه‌های فراوانی وجود دارد؛ برای تهیه‌ی خاک حاصلخیز این راه‌ها دیگر وجود ندارد.** جزو مسائل مهمّ زیست‌محیطی امروز ما در کشور، مسئله‌ی آلودگی هوا در شهرهای بزرگ کشور است؛ در تهران و کلان‌شهرهای کشور؛ خب، مسئله‌ی مهمی است، این را می‌شود پیشگیری کرد، می‌شود هم علاج کرد. **اگر ما حقیقتاً باهم همدل، هم‌زبان، هم نیّت نیروهایمان را روی هم بگذاریم - همه‌ی کسانی که اطراف این قضیّه هستند - این کار را می‌شود حل کرد. فلان کشور یک پنجم خاک ما وسعت دارد، دو برابر ما جمعیت دارد، مشکل آلودگی هوا را حل کرده؛ پس می‌شود [حل] کرد...همه**

**باید دست به دست هم بدهند و این مشکل را حل کنند. سه عنصر اساسی در محیط‌زیست هست که این‌ها را بایستی مورد توجّه قرارداد: هوا، آب، خاک. همه‌ی همت را باید [روی این‌ها] گذاشت.** [طبق] این آماری که به من دادند، در تهران هفتاد درصد مشکل آلودگی هوا، مربوط به حمل‌ونقل است، سی درصد مربوط به صنایع آلاینده است - حالا این آماری است که به من دادند؛ ممکن است اندکی کمتر یا زیادتر [باشد]؛ **در بین شماها متخصصین هستند، اطلاعاتشان ممکن است دقیق‌تر باشد - خیلی خب، پس [عامل] معلوم شد؛ عامل را وقتی شناختیم، یک قدم به حلّ مشکل نزدیک شدیم؛ باید با جدّیّت سراغ این مسئله رفت.** مسئله و مشکل پدیده‌ی غبار که دیروز در خوزستان، امروز در کرمان و ممکن است فردا در یک نقطه‌ی دیگر زندگی مردم را مشکل بکند، باید علاج بشود. مشکل پدیده‌ی غبار فقط تنفّس مردم نیست؛ **به بنده گزارش دادند که جنگل‌های غرب کشور - جنگل‌های بلوط - به خاطر این پدیده‌ی غبار در خطر نابودی است؛ که اگر چنانچه خدای نکرده این مشکل پیش بیاید، ضررهایش به مراتب بیشتر از آن چیزی است که ما از تنفّس در تهران یا در یک جای دیگر در هوای غبارآلود ضرر و زیان می‌بینیم. آب پشت سدها را ما اگر چنانچه جمع کنیم، [امّا] شبکه‌سازی درست نکنیم - کما اینکه متأسفانه در موارد زیادی قضیّه از این قرار است - خب این آب را در واقع هدر می‌دهیم، تبخیر می‌شود می‌رود؛ علاوه بر اینکه حالا مشکلاتی هم پشت سدها به وجود می‌آید.** مسئله‌ی **خاک. عرض کردیم فرسایش خاک، در بلند مدّت خطر بزرگ‌تری از کمبود آب است. یک مسئله مسئله‌ی جنگل‌ها و مراتع است؛ این جنگل‌های ما و مراتع ما، هم ریه‌های تنفّسی شهرها و محیط‌های زندگی‌اند، هم نگهبان خاک‌اند و خاک را که این همه درباره‌ی اهمّیّتش گفتیم، حفظ می‌کنند؛ این جنگل‌ها را باید حفظ کرد. متأسفانه در بخش‌های مختلف کشور، این جنگل‌های متراکم و انبوه شمال کشور بعضاً مورد چپاول و غارت و بعضاً آخر مورد بی توجّهی و بی اهتمامی قرار می‌گیرد. من تأکید می‌کنم اجازه ندهید به این جنگل‌ها دست‌درازی بشود؛ بخش‌های مختلف کشور که مسئولیّتی در این زمینه‌دارند، از منابع طبیعی گرفته تا محیط‌زیست تا بقیه‌ی دستگاه‌هایی که ارتباطی با این قضایا دارند، اجازه ندهند با بهانه‌های مختلف - از شهربازی درست کردن و جذب گردشگر و هتل‌داری و مانند این‌ها بگیرید تا**

**مدرسه‌ی علمیّه و حوزه‌ی علمیّه؛ همه‌ی این‌ها بهانه‌هایی می‌شوند و شده تاکنون - که جنگل‌های ما دست بخورند، به آن‌ها تعرّض بشود؛ به جنگل‌ها تعدّی بشود و تاکنون به جنگل تعدّی شده؛ جلویش را با استحکام کامل بگیرید.** یک مسئله پدیده‌ی زمین‌خواری است. البتّه پدیده‌ی زمین‌خواری پدیده‌ی جدیدی نیست؛ قدیمی است؛ **ما از دوره‌ی نوجوانی و جوانی مکرّر می‌شنفتیم زمین‌خواران، زمین‌خواران! خب، توقّع این بوده است که در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی این پدیده متوقف بشود؛ اجازه ندهیم کسانی بیایند با دست‌اندازی به زمینه‌ای گوناگون اطراف شهر و حومه‌های شهر و مناطق خوب، ثروت عمومی را به نوبه‌ی خود تبدیل کنند به ثروت شخصی. این بوستان عظیمی که فرض کنید در فلان نقطه‌ی شهر واقع است، یک ثروت عمومی است؛ [اینکه] کسانی بیایند با زرنگی، با دست‌کاری کردن قانون، با احیاناً خریدنِ یکی دو نفر آدم سست‌عنصر در فلان دستگاه، این ثروت عمومی را تبدیل کنند به ثروت شخصی خودشان، خیلی رنج‌آور است! حالا بحث زمین‌خواری، یواش‌یواش شده کوه خواری!** بنده گاهی که می‌روم ارتفاعات شمال تهران و نگاه می‌کنم، انسان واقعاً خیلی متأسّف می‌شود. **خب تلاش هم کرده‌اند لکن قاطع باید برخورد کنند. مسئولین باید در مقابلِ این سوءاستفاده کننده قاطعیت به خرج بدهند؛ عُرضه باید به خرج بدهند؛ نگذارند فلان آدمِ سوءاستفاده‌چی با شیوه‌های مشخص [سوءاستفاده کند]. انسان از آن بالا که نگاه می‌کند، می‌فهمد و می‌بیند که چه کاردارند می‌کنند. اوّل می‌روند اجازه می‌گیرند، یک تأسیساتی در انتهای یک زمین درست می‌کنند؛ بعد که انتهای زمین مال آن‌ها شد، همه‌ی سطح زمین به طور طبیعی قابل نقل‌وانتقال خواهد شد؛ از این کارها می‌کنند.** این شمال تهران و غرب تهران، در واقع مجاری تنفّسی شهر تهران است؛ ارتفاعات شمال تهران را یک‌جور، طرف زمین‌های غرب تهران را یک جور. در مشهد - شهر ما - من رفتم دیدم طرف ارتفاعات جنوب شهر که در واقع مرکز تنفّس شهر است، **دارند افرادی آن بالاخانه می‌سازند، هتل می‌سازند، ساختمان‌های چند طبقه می‌سازند؛ این‌ها بد است، این‌ها غلط است؛ جرم بدانید این‌ها را. یکی از کارهای اساسی «جرم‌انگاری» در قانون است؛ این‌ها را باید جرم دانست در قانون و این کسانی که این کارها را می‌کنند تعقیب قضائی کرد. صِرف اینکه بروند قلع بنا بکنند، کافی نیست؛ که آن را هم**

**متأسفانه در مواردی نمی‌کنند، کوتاهی می‌کنند. بنده یک مورد را خودم دیدم در یکی از ییلاقات مشهد - جا غرق - یک دوست قدیمی ما یک زمین کوچکی داشت و دارد. یک آب مختصری به قدر مثلاً نصف آنچه از لوله‌ی قوری می‌آید بیرون، آن بالا بود. این آب را جمع کردند، هدایت کردند، حفظ کردند، چند استخر در این زمین از این آب به وجود آمد و زمین آباد شد؛ از یک آب خیلی مختصر که می‌توانست به هدر برود و هیچ‌کس هم نفهمد و نبیند. «درخت‌کاری» از جمله‌ی کارهای خوب است. البتّه درخت را می‌کارند، من شنیدم درست نگهداری نمی‌شود. درخت‌کاری رایج شده امّا درخت که کاشتید، باید درخت را نگهداری کنید؛ حالا یا خودشان نگهداری بکنند یا دستگاه‌های شهرداری بکنند؛ بالأخره این کار باید انجام بگیرد.** یک جاهایی هم هست در اطراف تهران - حالا این را من اینجا بگویم - طرف شرق تهران، یک بوستان بزرگی است، یک منطقه‌ی خیلی وسیعی است بین بزرگراه بابایی تا ارتفاعات قوچک؛ یک زمینی است متعلّق به ارتش. بنده گاهی اوقات در این مسیرهای صبحگاهی در بعضی از روزها از آنجا می‌رویم و ارتفاعات را حرکت می‌کنیم، راه می‌رویم؛ **من هر وقت آنجا می‌روم، دلم می‌لرزد! چون میدانم ده‌ها چشم طمع‌کار متوجّه اینجا است. کارهایی هم شروع کردند، ما جلویش را گرفتیم، یک تشری زدیم، دعوایی کردیم؛ میدانم موقتاً دست برداشتند، امّا منتظرند یک غفلتی صورت بگیرد؛ یا این حقیر نباشم، یا غفلتی پیش بیاید، بالأخره بروند اینجا را تصرّف کنند؛ واقعاً انسان دلش می‌لرزد؛** یک بوستان بزرگ شاید چند صد هکتاری - نمی‌دانم چقدر است - که اصلش هم ظاهراً متعلّق به ارتش بوده لکن الآن مورد استفاده‌ی ارتش نیست و مورد اختلاف بین ارتش و وزارت اطّلاعات و این‌ها است. به نظر من اینجا مال مردم است؛ اینجا باید به صورت یک گردشگاه عمومی مردمی دربیاید. **مکرّر هم من این را پیغام دادم به مسئولین گوناگون، شهرداری باید برود اینجا را تصرّف کند، در اختیار مردم بگذارد.** جای بسیار وسیع، خوب، خوش‌آب‌وهوا در شرق تهران، پُر درخت. حتّی من یک‌وقتی آنجا دیدم یک گله‌ی آهو یا بز کوهی بود که از دور دیده می‌شد؛ یک جای این جوری. [این] در اختیار مردم قرار بگیرد، مردم بروند استفاده بکنند. اگر کوتاهی بشود، آنجا هم مثل بعضی جاهای دیگر [خواهد شد] که متأسفانه کوتاهی شد و یک‌وقت دیدیم که ساختمان‌ها آنجا سر بلند

کردند و مدّعی پیدا شد.**علی بهرامی نیکو (هُدهُد)**سایتtvshia.com کانال تلگرام:@hodhodbashidآی دی شخصی تلگرام:@hodhodbash
اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

بسم‌الله الرحمن الرحیم: **قطره‌ی ۸٤-در این متن واکنش علما به نقد امام معصوم بیان میشود- امور معنوی یکی از عمده دلایل خشکسالی**- خلاصه ای از بیانات علما در باب نقد امام معصوم - **نباید جوری حرف بزنیم که موجب عذاب بشود. چه جور است که به عوض برف و باران زلزله داریم، عذاب چگونه نازل می‌شود؟**
**<u>گفت:</u>** همه باید انتقاد بشوند و استثناء ندارد. تمام مسئولین در کشور قابل نقدند. **ما در کشور معصوم نداریم مگر اینکه یک‌وقت امام دوازدهم اگر ظهور کرد آنوقت هم میشود نقد کرد . پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد دیگه بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم. وقتی پیغمبر یک صحبتی می‌کرد یک نفر بلند می‌شد ، روبروی پیغمبر می‌گفت «ا من الله ام منک؟» این حرفی که میزنی نظر خودت است یا خدا وحی کرده است؟ اگر می‌گفت «من الله» که هیچ امر خداست اما اگر می‌گفت «منّی» طرف مقابل انتقاد میکرد می‌گفت قبول ندارم و نقد می‌کرد. ما در زمان حکومت معصوم هم نقد را داریم.**
**<u>۱ آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی دامت برکاته</u>: گفت‌وگوهای زیادی درباره سخنان یکی از مسئولان بود که چرا دامنه نقد را به معصومان (ع) نیز کشیده است که بعداً بخشی از آن تکذیب شد.** نامه‌های زیاد و تلفن‌های فراوانی به دفتر ما رسید که چرا حریم معصومان (ع) شکسته شده و شما سکوت کرده‌اید، عرض کردیم که سکوت نمی‌کنیم، صرف‌نظر از اینکه محتوای کلام آن مسئول دقیقاً چه بوده، عرض ما این است که معصومان (ع) خط قرمز ما هستند و معصوم بودن آن‌ها از خطا و گناه از مسلمات مذهب شیعه است- **چرا هنگامی که می‌خواهید مسئله نقد را به همه عمومیت دهید به سراغ زمان معصومان می‌روید؟ شما می‌گویید در جامعه افراد، غیر معصوم بوده و قابل نقد هستند؛ اما کاری به خط قرمز نداشته باشید.** چه ضرورتی برای این کار وجود دارد؟ در این زمان که نیاز شدید به وحدت داریم چرا

سخنانی گفته می‌شود که جامعه را ملتهب می‌کند- شما بگویید مسئولان قابل نقد هستند، اما چه کار به معصومان و زمان آن‌ها دارید که دردسر بی‌دلیل برای خود درست می‌کنید؟ **در شرایط فعلی تضعیف قوای سه‌گانه صلاح جامعه نیست اما گاهی خودشان مشکل درست می‌کنند. این‌گونه مسائل سبب شده که این باور برای برخی پیدا شود که منظور ایشان این است که ذهن مردم را از مشکلات و مطالبات دور کنند و به حاشیه ببرند.**

**۲ آیت‌الله العظمی حسین نوری همدانی دامت برکاته: اینکه می‌توان از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) انتقاد کرد مغالطه کاری است**؛ آن‌ها اجازه سؤال می‌دادند ولی انتقاد از آن‌ها وجود ندارد؛ از آن‌ها سؤال می‌شد و جواب می‌دادند پیامبر (ص) و ائمه (ع) معصوم هستند و انتقاد از آن‌ها معنا ندارد، ائمه اطهار (ع) معصوم هستند و شکی در این موضوع نیست. اوصاف ائمه اطهار (ع) در زیارت جامعه کبیره از امام هادی (ع) ذکر شده است. نباید به مسائلی مانند عصمت انبیا مشغول باشیم؛ **شاید نقشه دشمن باشد و این جریانات را به وجود می‌آورند تا مسلمانان مشغول و سرگرم به هم باشند و دشمن استفاده کند.**

**۳ آیت‌الله العظمی عبدالله جوادی آملی دامت برکاته** وی با بیان اینکه **ائمه اطهار (ع) معصوم از خطای فکری و در عمل نیز معصوم هستند**، اضافه کرد: البته در عمل به احکام فقهی، مأمور به ظاهر هستند. اگر وقتی در کار معصوم، مسئله حکم به ظاهر دیده نباید تصور کنیم مطابق با عصمت نیست.

**٤ آیت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی دامت برکاته**: از کسی که خودش روحانی است شنیدن چنین حرفی تعجب دارد! **خیلی متأثر شدم یک کسی در جایگاه ریاست جمهوری چنین حرف‌هایی بزند.**

**۵ آیت الله فاضل میبدی دامت برکاته عضو مجمع محققین و مدرسین: حمله ها به حسن روحانی را سیاسی می داند و تاکید می کند اگر کسی تاریخ اسلام را به خوبی خوانده باشد می داند که نقد حکومت معصومین وجود داشته است.** اما در زمان حکومت حضرت علی (ع) حضرت می فرمود **به من نظر و مشورت دهید و من فوق خطا نیستم. حضرت می گویند به گونه ای مرا راهنمایی کنید که جلوی خطا گرفته شود-در زمان پیغمبر هم در برخی از جنگ ها برخی از اصحاب به پیامبر نقد می**

**کردند و می گفتند این کار به نظر ما درست نیست، اگر وحی است که ما تسلیم هستیم اما اگر نظر خود شماست ما آن را قبول ندارم.**

**٦ آیت‌الله محسن غرویان دامت برکاته:** به نظر من آقای دکتر روحانی مراد جدی‌اش در این سخنان نقد معصومین به معنای رد آنها نیست. آقایان نقد را به معنای نفی و رد گرفته اند. در حالی که نقد به معنای پرسشگری است و مراد آقای روحانی این است که از معصومین هم می‌شود پرسید و این نیست که هرچه معصوم بگوید، مردم بگویند، سمعا و طاعتا.

**۷ آیت‌الله محمد یزدی دامت برکاته:** ... این روزها سخنانی از بعضی از مسئولان مبنی بر جواز نقد پیامبر اعظم (صلّی الله علیه و آله و سلّم) و ائمه‌صلوات الله علیهم) شنیده شد که **بار دیگر یکی از مسلمات اعتقادی که محل اجماع قاطبه مسلمین و همچنین یکی از اصول را که ضروری مذهب حقه تشیع اثناعشری است منکر شده:**

۱ــ از نظر عقلی، نقد منطقی بدون وجود معیار نقد امکان‌پذیر نیست... ۲ ــ خطاناپذیری کلام خدا روشن است ... ۳ــ اکیداً توصیه می‌کنیم بعضی از مسئولین از ورود به مسائل اعتقادی و تخصّصی فکری در اظهارات خویش پرهیز کنند و به جای آن، تلاش خود را به حل مشکلات معیشتی و گرفتارهای اقتصادی مردم معطوف و آنچه مردم از شماها انتظار دارند، گره‌گشایی از مسائل و مشکلات زندگی آنان است، نه اظهارنظر در مسائل اعتقادی و تخصصی که نه تنها گرهی از کار مردم باز نمی‌کند که افزون بر مشکلات دنیوی آنان، دین آنان را نیز با مشکل مواجه می‌کند.

**۸ آیت‌الله حسن ممدوحی دامت برکاته: گمان می‌کنم این ناآگاهی است وگرنه شاید هدفی هم نداشته باشد ولی ناآگاه است. این حرف‌ها غلط است اگر پیغمبر قابل نقد باشد اصلاً معصوم نیست اگر معصوم نباشد واجب الاتباع نیست .آیت‌الله** ممدوحی در پاسخ به سؤالی مبنی بر این حرف‌ها در زمان پیغمبر (ص)) چه کسانی می‌زدند، اظهار داشت: کسانی بودند که الحاد داشتند و قرآن در مذمت آن‌ها خیلی حرف زده است. **این‌ها می‌آمدند آزار و اذیت می‌کردند و انتقادهای غلط می‌کردند آن‌ها چه ربطی دارد به این که پیغمبر قابل انتقاد باشد پیغمبر قابل انتقاد باشد معصوم نیست اگر معصوم نباشد که پیغمبر نیست-**

**۹ آیت‌الله شیخ مهدی شب‌زنده‌دار دامت برکاته:** آدم بی‌سواد این حرف‌ها را می‌زند. گاهی در **کلمات بعضی از بزرگان حکومت ما کلماتی گفته می‌شود که قابل‌تحمل برای جامعه شیعه و حوزه علمیه نیست. ما نسبت به عقاید شیعه با هیچ کس رودربایستی نداریم و انقلاب ما برای این است که این ارزش‌ها گسترش و قوام پیدا کند** - نقد ائمه از ناحیه کسانی است که به مقامات ائمه آشنا نبودند و یا ریگی به کفش داشتند. ائمه که نقد ندارند. آن‌ها معصوم‌اند. پیامبر معصوم بود. این معنا ندارد که ما عقاید شیعه را مورد هجمه قرار بدهیم. **ما نسبت به عقاید شیعه با احدی رودربایستی نداریم و اگر بنا باشد این مطالب تکرار بشود همان طور که قبلاً هم شبیه این مطلب نسبت به مولا امیرالمؤمنین (ع) بیان شده بود، بدانند که حوزه در مقابل آن‌ها بر خواهد** خاست. «شما باید خدا را شکرگزار باشید که این فرصت به شما داده شده است که خدمت‌گزار باشید»، به خاطر عقاید شیعه و ولایت‌فقیه به اینجا رسیدید و الّا شما چه جایگاهی داشتید که حالا هر روز درباره عقاید شیعه مناقشه می‌کنید؟ معلوم می‌شود در حوزه درست درستان را نخوانده‌اید. اینکه ما می‌گوییم درست درس بخوانید و فقه و اصول خود را درست کنید برای همین است. آدم بی‌سواد این حرف‌ها را می‌زند. این چه حرفی است که می‌زنید؟ ما جانمان را برای ائمه کف دست گذاشتیم.

**۱۰ آیت‌الله محسن اراکی دامت برکاته**: آیات و روایات کثیره دلالت بر عصمت و خطاناپذیری پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) می‌کند و آیه «من یطع الرسول فقد اطاع الله» کلام پیامبر را مطلقاً کلام خدا می‌داند - طبق آیه «و نضع موازین القسط» و تفسیر آن، اهل‌بیت (ع)) خود میزان قسط و شاخص سنجش هستند. ظاهراً دروسی را که در جوانی خوانده‌اید فراموش کرده‌اید لذا **بهتر است به سیاست خود بپردازید، وقتی سوادش را ندارید اعتقادات مردم را رها کنید. مشکلات معیشتی و دنیوی مردم بسیار است، وقتی علمش را ندارید به مسائل اخروی‌شان کار نداشته باشید.**

**۱۱ آیت‌الله صفایی بوشهری دامت برکاته**: در زمان پیامبر نیز جنگ صورت می گرفته، آیا کسانی که در مقابل پیامبر به محاربه برخاستند کلام و رفتار آن‌ها حجت است؟! بهتر است ریاست قوه مجریه کشور به حل مشکل مردم و وعده‌هایش بپردازد. با این روش راه به جایی نخواهید برد. **رئیس‌جمهور بهتر است به وظیفه اصلی خود طبق**

**قانون اساسی بپردازد. این مبانی و حرف‌های رئیس‌جمهور قابل توجیه نیست.** همان‌هایی که به شما رأی داده‌اند نیز به این نوع اندیشه و سخنان اعتراض دارند. - **در هر خانه چند نفر بیکار نشسته و مشکلات اقتصادی نیز فراوان است، بهتر است به.**

**۱۲ آیت‌الله سید محمدرضا مدرسی یزدی دامت برکاته:** به آیات قرآن شریف مراجعه کنید! مسلمان کسی است که از هر نظر هم تسلیم خدا باشد و هم تسلیم رسول خدا (ص))، اصلاً تسلیم رسول خدا بودن یعنی تسلیم خدا بودن- این مطلب خیلی جالب است که در هیچ‌چیز از امور اداره، هیچ زلّه و خطایی نداشت. وی ادامه داد: آن وقت کسانی بیایند و نقد کردن و مخالفت در حکومت معصوم (ع) و در مقابل پیامبر اکرم (ص) را که اساس عصمت است تجویز کنند! **واقعاً جای تأمّل است. چه انگیزه‌ای باعث چنین افکار و سخنانی می‌شود؟ اگر کسی یک مقدار تعهد داشته یا یک مقدار به مسائل اجتماعی توجه داشته باشد، چنین مطلب واضح دینی و مورد قبول عامه ـ چه رسد به اهل فن و متخصصین در مسائل ـ را زیر سؤال نمی‌برد چه رسد به اینکه آن را معکوس جلوه دهد! واقعاً باید تحلیل شود. چرا چنین کاری از کسی سر می‌زند؟ به چه انگیزه‌ای؟ از جهل است؟ از عدم تعهّد است؟ از القائات دشمنان است؟ و یا ترکیبی از این‌هاست؟ علاجش چیست و چگونه باید جبران بشود؟ یک امر واضحی که این همه آیات و روایات درباره‌ی آن وجود دارد و امری که مورد قبول همه، معکوس جلوه داده شود؟!** باید به مثل این افراد، نصیحت کرد که هر چه دیگران به دهانتان می‌گذراند تکرار نکنید و هر چه را که در گوشتان می‌خوانند باور نکنید.

**۱۳ آیت‌الله سید احمد خاتمی دامت برکاته:** پیغمبر و معصومین هم قابل نقدند «را سخنی نادرست، شایسته نقد اعتقادی و یک خط در این عرصه توصیف کرده و نوشته است: «آن خلط این است که پیامبر و معصومین اجازه نقد می‌دادند ولی این به آن معنا نیست که آن‌ها قابل نقدند، به دلیل آنکه، آنان معصوم‌اند». آیت‌الله خاتمی در پایان پیام خود از آنان که تریبون در دست دارند خواست «**اعتقادات حق، مستند و مستدل اسلامی و مذهبی را در مسلخ اهداف سیاسی قربانی نکنند**

**۱٤ آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی دامت برکاته:** این روزها در کلمات رئیس‌جمهور سخنی به این مضمون مطرح و منتشرشده که همه. مع الاسف این تعبیر

را نسبت به معصومین (ع) توسعه و سرایت داده‌اند و باز تأسف بیشتر اینکه نسبت به وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) ، آن هم با استدلال به روایات این معنا را مطرح کرده‌اند- به تصریح مفسران شیعه و سنی همان‌گونه که وجوب اطاعت خدای تبارک و تعالی مطلق است، وجوب اطاعت رسول و اطاعت اولوالعزم مطلق است. **کسی که وجوب اطاعت مطلقه دارد، بالضروره باید معصوم از خطا و گناه باشد، نمی‌شود بگوییم فقط دلیل داریم که این بزرگواران گناه نکردند بلکه باید از هر دو جهت یعنی خطا و گناه معصوم باشند. انتقاد در جایی است که امکان خطا و اشتباه وجود داشته باشد- وی با تاکید کردند در بیان مسائل دین، نباید ملاحظه اشخاص و افراد را کنیم.** ممکن است مقصود اصلی رئیس‌جمهور معنای دیگری باشد، اما ظاهر کلام یک مطلب ناصحیح و غلط است- عصمت انبیا و ائمه معصومین (ع)) بر اساس آیات متعددی از قرآن کریم قابل‌اثبات است، بالاترین درجه عصمت در میان انبیا نیز متعلق به رسول اکرم (ص)) است - مسئله نقد در مورد خداوند متصور نیست، اگر خدا قابل نقد باشد، آن خدا دیگر خدا نیست. اگر قرار باشد که امام معصوم نقد شود، دیگر لزوم اطاعت مطلقه ندارد، چرا که منتقد به امام معصوم می‌گوید تو اشتباه می‌کنی و به این دلیل من نباید از تو اطاعت کنم، در این صورت شاهد از بین رفتن اطاعت مطلقه امام معصوم خواهیم بود- **مؤمنین در طول تاریخ هیچ‌گاه در مقام نقد انبیا و ائمه معصومین (ع)) نبودند، البته اهل‌بیت (ع) میدان را برای اظهارنظر افراد باز گذاشتند، اما این به معنای گشودن باب انتقاد نبود. فردی در این فضا گفته بود که دلالت قرآن فقط نسبت به عصمت انبیا و ائمه معصومین (ع) از خطا است و آن‌ها عصمت از خطا ندارند، بیان چنین حرف‌هایی موجب ایجاد تزلزل در افکار اعتقادی مردم خواهد شد، حوزه وظیفه دارد کلام دین را برای مردم بیان کند.**

**<u>۱۵ آیت‌الله سیدهاشم بطحایی گلپایگانی دامت برکاته</u>**: عصمت یک دژی که هیچ‌کس نمی‌تواند وارد آن شود؛ عصمت و عامه و معصوم غیر از عدل است؛ یعنی دژ آن‌چنان محکم است که کسی قابل ورود به آن نیست. **چنین اظهاراتی یا حاکی از معلومات پایین است یا شاید برخی‌ها می‌خواهند بگویند اگر من ایراد دارم نعوذبالله به معصومین نیز ایراد بوده است، این سخنان برای این ایراد می‌شود که برخی، حاضرند معصومین ما را خراب کنند که این بی‌انصافی است.**

**۱۶ حجت‌الاسلام والمسلمین هادی صادقی معاون فرهنگی قوه قضاییه دامت برکاته: اگر در بیان این جمله از سوی گوینده اشتباهی رخ داده است، بهتر است هر چه زودتر و به صراحت اشتباه بودن گفته خود را اعتراف کنند، این بی‌معناست که کسی که مصون از خطا و اشتباه است را نقد کنیم و این منطقی‌ترین جواب این مسئله است.** در هیچ جای قرآن نمی‌بینیم که اجازه انتقاد به پیامبر (ص) داده شده باشد و خداوند در قرآن در آیه معروف «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» تاکید دارد که از خدا و رسولش باید اطلاعت کنید و در این صورت نقد دیگر معنی پیدا نمی‌کند، کسی که مؤمن است در برابر فرمان خدا و رسولش فرمان‌بردار است و در دلش هم ناراحتی وجود ندارد و کسی که به فرمان و نظر پیامبر نقدی دارد، این به این معنی است که او دل به پیامبر نداده است و او را هنوز قبول نکرده است. **رفتار یک فرد جاهل معیاری بر صحت آن عمل نیست و سکوت و تحمل پیامبر خدا (ص) بر یک رفتار هم ملاک درستی آن عمل نیست، پس این استدلالات مغالطه آمیز را باید کنار گذاشت. این سخنان در اندیشه روشنفکرانی دارد که پایه دینی ندارند و تفکر آن‌ها در مکاتب غربی شکل گرفته است و در تفکر این عده اصل انسان است نه خدا و وقتی اصل انسان شد، به خدا هم می‌شود اعتراض کرد و این مسئله در دوران اصلاحات گفته و نوشته شد که حرفی کفرآمیز است، هیچ پایگاه دیگری ندارد و در فرهنگ دینی ما ریشه‌دار نیست.**

**۱۷ حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسرو پناه دامت برکاته: چرا بعضی از طلبه‌ها و روحانیون عمامه به سر در فکر نقد امام زمان (عج) هستند،** هدف آنان از این نوع سخنان چیست؟ شهدا برای ماندن انقلاب اسلامی خون دادند، طلبه در کنار تعلیم به اخلاق و تهذیب هم اهمیت دهد تا گرفتار مسائلی نشود که بعضی افراد عمامه به سر گرفتار آن شدند و چه فعالیت‌ها که نکردند و نمی‌کنند و تنها فرقشان با مردم عادی عمامه‌شان است.

**۱۸ آیت‌الله سید علی میلانی دامت برکاته:** اگر کسی بیاید در یک ملاء عامی بگوید که یک عربی آمد بر پیغمبر اکرم (ص) انتقاد کرد که «این کلام از شماست یا از خداست؟» پس می‌شود انتقاد کرد بر پیغمبر اکرم (ص)! این حرف است؟ کسی که تحصیل کرده باشد، کسی که اهل مطالعه باشد، تمسک می‌کند به حرف آن اعرابی که

بعد از واقعه غدیر آمد اعتراض کرد بر پیامبر اکرم (ص) که «این کلامی که گفتید از خودتان است یا از خدا؟» آن وقت آیه مبارکه «سال سائل بعذاب واقع» نازل شد و این آدم همان جا هلاک شد. این اعتراض بود **انتقاد برای سنجش حق از باطل بود، مگر معصوم باطل می‌گوید؟ نباید جوری حرف بزنیم که توجیه کنیم برخورد بعضی صحابه را با پیغمبر اکرم (ص)، نباید جوری حرف بزنیم که موجب عذاب بشود. هیچ دقت می‌کنید چقدر برف و باران داریم؟ چه جور است که به عوض برف و باران زلزله داریم، عذاب چگونه نازل می‌شود؟ باید حواسمان را جمع کنیم وقتی می‌خواهیم حرف بزنیم و در محدوده‌هایی که کار نکردیم وارد نشویم.**

**<u>۱۹ حجت‌الاسلام والمسلمین سید محسن محمودی امام جمعه ورامین دامت برکاته</u>** :

برخی برای این که به اغراض خود برسند، حتی اعتقادات مسلم را قربانی می‌کنند.

علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۸۵** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- **در این بحث اثبات می‌کنیم دلیل خشک‌سالی و بیشتر مشکلات فعلی ایران تفکرات جناب دکتر حسن روحانی میباشد و این مطلب را از چهار منظر اثبات مینماییم: <u>الف:</u> از منظر اهل سنت که رسول الله ص را قبول دارند <u>ب:</u> از منظر علمای سنتی شیعه که ولایت اهل‌بیت را قبول دارند ولی ولایت‌فقیه را قبول را ندارند <u>ج:</u> از منظر علمایی که ولایت‌فقیه را مضاف بر دو ولایت دیگر قبول دارند <u>د:</u> از منظر دانشگاهیانی که کاری با امور معنوی و علل غیر حسی ندارند و در قطره‌های بعدی اثبات مینماییم اگر سکوت نماییم ما هم در شدت پیدا کردن خشک‌سالی و نزول عذاب دخیل می‌باشیم.**

مقدمه: در فیلم منتشرشده از جناب آقای دکتر حسن روحانی ایشان فرمودند: **ما در کشور معصوم نداریم مگر اینکه یک‌وقت امام دوازدهم اگر ظهور کرد آن وقت هم می‌شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد دیگه بالاتر از پیغمبر که در تاریخ**

**نداریم. وقتی پیغمبر یک صحبتی می‌کرد یک نفر بلند می‌شد، روبروی پیغمبر می‌گفت: آ من الله اَم منک؟ این حرفی که میزنی نظر خودت است یا خدا وحی کرده است؟ اگر می‌گفت «من الله» که هیچ امر خداست اما اگر می‌گفت «منّی» طرف مقابل انتقاد میکرد می‌گفت قبول ندارم و نقد می‌کرد. ما در زمان حکومت معصوم هم نقد را داریم-تم- برای اطلاع بیشتر به قطره‌های ٨٤ الی ٨٠ مراجعه نمایید- مقدمتا عرض مینماییم که نقد کردن در لغت به معنای: آشکار کردن خوب از بد و قوت از ضعف است و این بخلاف سوال کردن و رفع ابهام و اشکال است.**

**<u>الف:</u> اثبات اینکه: از نظر اهل سنت نقد رسول‌الله ص موجبات دوری برکت خداوند و عذاب را به همراه دارد و این تئوری بسیار خطرناک می‌باشد و اگر ادامه یابد خوف این می‌رود که تمامی ملت دچار عذاب الهی شوند،** مطلب بسیار آشکار است، **اگر کسی به خود اجازه دهد پیامبر اسلام ص را نقد کند به پیامبر اسلام ایمان نیاورده است و این شخص اسباب عذاب را برای خود فراهم آورده است و عذاب دنیا قبل از عذاب آخرتی در راه است:** چرا که یکی از دلایل قرآنی بر نزول عذاب بر امت‌های گذشته انکار انبیاء بود، حال اگر کسی اجازه‌ی نقد رسول‌الله را داشته باشد این مطلب مساوی با انکار نماینده‌ی خدا است و انکار نماینده‌ی خدا مساوی با انکار خداست و انکار خداوند غضب خدا را به همراه دارد، مضافا بر اینکه همیشه اینگونه نیست که نقد کننده قانع شود، نقد کننده خود را بر حق و طرف مقابل را باطل میداند. آیا **با رسمیت دادن به نظریه‌ی نقد پیامبر ص دیگر توقعی است که مثلاً یهود و نصاری بیشتر از گذشته به اسلام حمله نکنند؟ وقتی ما خودمان اعلام می‌کنیم که می‌توان پیامبر خودمان را نقد کرد، حتما نقد پیامبر و قرآن توسط یهود و نصاری و شیطان پرستها به طریق اولی مورد قبول است،** اگر یک مسلمان به خود اجازه داد پیامبر را نقد کند و بعد اعلام نماید که من نقد کردم و جواب معقولی نشنیدم بعد از آن چه می‌شود؟ آیا هر مغرضی نمیتواند اعلام کند که من در اسلام چیز قابل قبولی ندیدم و نقد من جواب داده نشد لذا می‌خواهم از اسلام دست‌بردارم و مثلاً یهودی شوم و یا اصلاً من خدا را نقد کردم و چیز قابل قبولی ندیدم و ....، **چیزی که سلمان رشدی مطرح نمود چه بود؟** او هم پیامبر اسلام را در قالب رمانی نقد نمود، نقد او این گونه بود که اعلام داشت در بین آیات قرآن کلماتی توسط شیطان القاء شده است با این

تزِ مطرح شده سلمان رشدی محکوم نیست بلکه او یک نقد کننده‌ای بوده است که جواب قانع کننده نشنیده است، لذا با این تئوری دائماً افراد با اغراض شیطانی می‌آیند و مطالب ضد دین را در قالب نقد مطرح می‌کنند و به اسم آزادی بیان تمام اسلام را زیر سؤال می‌برند. اگر هم کسی فکر کند با یک تکذیبیه توسط شخص دیگری کار درست می‌شود سؤال می‌کنیم: **این نظریه در جامعه مطرح‌شده و چه بسا بسیاری قبول کرده باشند با آنان چه کارکنیم؟ که متأسفانه حتی بعضی از افراد این نظریه را تکمیل نمودند و نظریه‌ی نقد پیامبر را با دلایل بیشتری مطرح نمودند،** لذا طبق نظر اهل سنت: اگر جامعه‌ی اسلامی به خود اجازه دهد که پیامبر اسلام را نقد کند: آیا خدای پیامبر به طرفداری از پیامبر پاکی‌ها بر آن جامعه عذاب نمی‌کند؟ **آیا خشک‌سالی و مصیبتهای اجتماعی ما بی‌دلیل است؟ آیا خشک‌سالی و... خارج از محدوده‌ی قدرت خدا می‌باشد و امری طبیعی است؟ آیا خداوند بی‌دلیل رحمت خود را از ایران منع نموده است و یا اینکه خشک‌سالی و البته همه چیز لشکر خداست تا ما را بیدار نماید؟** آیا میتوان گفت کسی که اجازه نقد رسول‌الله را به خود می‌دهد به رسول خدا ص ایمان دارد، مگر قرآن نمی‌فرماید: **وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى** و سخن از روی هوی نمی‌گوید نیست این سخن جز آنچه بدو وحی می‌شود- اگر ما بگوییم می‌توان رسول‌الله را نقد کرد باید بگوییم کلامِ پیامبر ص وحی نیست و این مساوی با انکار قرآن و کلام خداست، چرا که قرآن کلام پیامبر ص را وحی میداند، **آیا خدا به حمایت از رسول خود عذاب نازل نمی‌کند؟ آیا اقوام گذشته بی‌جهت دچار عذاب شدند؟ آیا ما با خداوند قرابتی داریم که بر ما عذاب نازل نشود؟ آیا می‌تواند انسانی پیامبر خدا باشد ولی بتوان در کلام او خدشه وارد کرد و او را نقد نمود؟ اگر احتمال این داده شود که پیامبر خدا را بتوان نقد کرد پس اولاً غیر از قرآن را نمی‌توان قبول نمود چون حدیث کلام رسول الله است نه کلام خدا و می‌توان تمامی احادیث را نقد کرد و قبول نکرد؟ در مرحله‌ی بعد قرآن را هم نمی‌توان قبول نمود چرا که چه بسا نعوذبالله پیامبر ص که فرموده این کتاب از طرف خداوند است از طرف خدا نباشد، که همین مطلب نیز در زمان رسول خدا ص مطرح بوده** و قرآن به این مطلب در سوره‌ی الحاقه بین آیات ٤٤ الی ٤٧ اشاره دارد و می‌فرماید: **وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنكُم مِنْ**

**أَحَد عَنْهُ حَاجِزِينَ** و اگر [او] پاره‌ای گفته‌ها بر ما بسته بود دست راستش را سخت می‌گرفتیم سپس رگ قلبش را پاره می‌کردیم و هیچ یك از شما مانع از [عذاب] او نمی‌شد، لذا به این نتیجه می‌رسیم **این تفکر و امثال آن از نظر اهل سنت باعث غضب الهی و نزول عذاب می‌باشد و این زلزله‌های پی دی پی و خشک‌سالی و آلودگی هوا و مشکلات معیشتی مردم و.. بی‌جهت نمی‌باشد** و در حقیقت به دلایل مختلف آیه‌ی ٦٥ سوره‌ی انعام در حق جامعه‌ی ما تحقق پیدا نموده است: **قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ** بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند بنگر چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند (۶۵) لذا باید سریعاً توبه نمایند. نقد رسول‌الله انکار رسول خدا را به همراه دارد و انکار رسول خدا نفرین رسول‌الله را به همراه دارد و نفرین رسول‌الله ص عذاب و خشک‌سالی را به همراه دارد: مسلم در صحیح خود به سندش از ابن مسعود نقل می‌کند که **قریش نافرمانی رسول خدا نمود و از قبول اسلام سرباز زد، پیامبر ص در حق آن‌ها نفرین کرد و به خداوند عرض کرد: «بار خدایا! همانند هفت سال یوسف بر آنان قحطی بفرست.» در این هنگام بود که خشک‌سالی شبه‌جزیره حجاز را فراگرفت و کار به جایی رسید که مردار می‌خوردند و از شدت گرسنگی و عطش، آسمان را همانند دود مشاهده می‌کردند.** (مسلم بن حجاج، ١٤٢٢: ٥ / ٣٤٢؛ بخاری، ١٤٠٧: ٤ / ١٧٣٠) باید سریعا توبه کرد.

**<u>ب:</u> اثبات اینکه نقد رسول‌الله ص و امام معصوم ع موجبات دوری برکات خداوند و نزول عذاب و خشکسالی و... را به همراه دارد از منظر شیعیان سنتی که ولایت‌فقیه را قبول ندارند** -از نظر این دسته مطلب بسیار واضح است **ولایت اهل‌بیت همان ولایت رسول خداست و ولایت رسول خدا ولایت خداوند است و انکار این ولایت موجب عذاب دنیا و آخرت است که در ماجرای شأن نزول آیه‌ی سال سائل بعذاب با انکار ولایت در دنیا قبل از آخرت عذاب واقع شد** و نقد امام معصوم مساوی با انکار آنان است و تمامی مطالبی که در بند الف گفتیم در اینجا عیناً تکرار می‌شود.

تنها به یک روایت از منابع اهل سنت اشاره می‌نماییم: **ابواسحاق نیشابوری در تفسیرش، شأن نزول آیه را در مورد نعمان بن حارث بیان می‌کند** و دراین‌باره روایتی را از سفیان بن عیینه نقل می‌کند. وی می‌نویسد: زمانی که سؤال‌کننده‌ای از سفیان بن عیینه از تفسیر گفتار خداوند عزوجل و شأن نزول آیه «سأل سائل بعذاب واقع» سؤال کرد که درباره چه کسی نازل شده است؟ سفیان در پاسخ گفت: از مسئله‌ای از من سؤال کردی که هیچ کس پیش از تو درباره این مسئله از من چیزی نپرسیده است. پدرم حکایت کرد برای من از جعفر بن محمد، از پدرانش (سلام‌الله علیهم) که چون رسول خدا در غدیر خم بود، مردم را ندا کرده و فراخواند و مردم جمع شدند، آنگاه دست علی را گرفت و فرمود: «**من کنت مولاه فعلی مولاه**»، این گفتار شیوع پیدا کرد و به شهرها رسید و ازجمله به نعمان بن حارث فهری رسید و به نزد رسول خدا ص آمد، درحالی‌که بر روی شترش سوار بود و تا به پیامبر رسید از شتر خود پیاده شد و شتر را خوابانید، آنگاه به پیغمبر گفت: یا محمد! تو از جانب خداوند ما را امر کردی که شهادت دهیم: جز خداوند معبودی نیست و اینکه تو فرستاده و پیامبر از جانب خدایی! و ما این‌ها را قبول کردیم و پذیرفتیم! و تو به ما امر کردی که در پنج نوبت نماز بخوانیم و ما پذیرفتیم! و تو به ما را امر نمودی که زکات اموال خود را بدهیم و ما پذیرفتیم! و تو ما امر کردی که یک ماه روزه بگیریم و ما پذیرفتیم! و تو ما را امر کردی که حج انجام دهیم و ما پذیرفتیم! و پس از این‌ها به این‌ها راضی و قانع نشدی تا آنکه دو بازوی پسر عمویت را گرفته و برافراشتی و او را بر ما سروری و آقایی دادی و گفتی: من کنت مولاه فعلی مولاه. **آیا این کاری که کردی از جانب خودت بود و یا از جانب خداوند عزوجل؟ پیامبر ص فرمود: سوگند به آنکه جز او خداوندی نیست، این از جانب خدا بوده است. نعمان بن حارث، پشت کرد و به سوی شتر خود می‌رفت و می‌گفت: اللهم ان کان ما یقول محمد حقا فامطر علینا حجاره من السمآء او ائتنا بعذاب الیم؛ بار پروردگارا اگر آنچه را که محمد می گوید، حق است، سنگی از آسمان بر ما ببار و یا آنکه عذاب دردناکی برای ما بفرست. نعمان بن حارث، هنوز به شتر خود نرسیده بود که خداوند سنگی از آسمان بر او زد و آن سنگ بر سرش خورد و از پشتش خارج شد و او را کشت و خداوند عزوجل این آیه**

**را فرستاد: ـ سأل سآئل بعذاب واقع ـ** (ثعلبی، ۱٤۲۲: ۱۰ / ۳۵) **پس از نظر این دسته نیز این تئوری مقدمه‌ی عذاب است.**

**ج: اثبات اینکه تئوری نقد پیامبر و امام معصوم و مخالفت عملی با ولی‌فقیه و زیر سؤال بردن امام معصوم با هدف زیر سؤال بردن ولی‌فقیه جامع شرایط موجبات نزول بلا بر آن جامعه را فراهم میاورد،** از منظر شیعیانی که قائل به تشکیل حکومتِ دینی و ولایت‌فقیه هستند-مضافا بر دو بند بالا طبق مبانی مورد قبول این دسته، **ولایتِ ولیِ فقیهِ جامع شرایط، در طول ولایت اهل‌بیت و پیامبر و خداوند می‌باشد و مقابله با این ولایت مقابله باخدا و رسول و اهل‌بیت می‌باشد، طبق این نظریه فرد و شخص ولی‌فقیه از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گرد از لحاظ شخص و شخصیت، آنچه مهم است شخصیت می‌باشد و این جنبه است که به او جنبه‌ی تقدسِ الهی می‌دهد کما اینکه تمامی علماء و مؤمنین از این جهت مهم و مقدس بوده و هستند،** ولی فقیه ناقل و حاکی کلام معصوم است و مخافت با او مخالفت با خدا و رسول خدا ص است، که روایت حتی در مورد مومن میفرماید: **المؤمنُ اعظمُ حرمه من الکعبه** حرمت مومن از حرمت کعبه بالاتر است.و زمانی که به فردی از این حیثیت توهین شود خداوند از او با تمامی توان حمایت می‌کند که قرآن می‌فرماید: **ان الله یدافع عن الذین آمنوا، ما در جملات جناب آقای روحانی اجازه‌ی نقد رسول‌الله و ائمه‌ی معصومین را صریحاً شاهد هستیم که در بند الف و ب اثبات نمودیم که این تئوری نزول عذاب را به همراه دارد، اما طبق عقیده‌ی قائلین به ولایت‌فقیه در آن کلمات تلویحاً این بحث مطرح شده که جامعه به نقد رهبر انقلاب بپردازد که طبق نظر این گروه باز شدن این باب عذاب الهی را به همراه دارد** و این مطلب بسیار روشن است که عملکرد و گفتار ایشان با سیاستهای تبیین شده از جانب رهبر انقلاب مخالف است مانند جریان برجام و اسلام رحمانی و اعتماد و تکیه بر غرب و ...، **هدف ایشان از طرح این بحث چه بوده است؟ آیا میخواهند مشکلات عدم به نتیجه رسیدن دولت را بر دوش رهبر انقلاب بیندازد؟ آیا هدف این است که مشکلات را به پای اسلام بیندازد؟** ما در بحثهای آینده عمده مباحث و عملکرد دولت را بررسی خواهیم نمود و اثبات میکنیم: **تئوریها و عملکردهای ایشان نه اسلامی بوده است و نه مطابق با فرمایشات رهبر انقلاب میباشد،** اگر چه که ایشان شاید تلاش کنند که به

گونه‌ی دیگری ادعا کنندو این مطلب نیز واضح است، ما اعلام میکنیم **اولا مشکلات ما از اسلام نیست، ثانیا اینگونه هم نیست که آقای روحانی و تیم ایشان اسلام را بهتر فهمیده باشند که اگر به آن عمل نماییم نجات پیدا نموده بودیم ثالثا: تا کنون هم ایشان به آنچه اعتقاد دارند عمل نموده‌اند و نه چیز دیگری، بله طبق آنچه مشهود آقای دکتر روحانی همه را نقد مینمایند و امیدواریم حداقل در آینده به کلام منتقدین گوش فرا دهند،** دیدیم که ٤ سال وقت این ملت با برجام بر باد رفت و تنها مدال افتخار برای ما حاصل گردید، بله **آقای روحانی در سخنرانی خود این پیام را به جامعه دادند که ما معصوم در این جامعه نداریم و همه باید نقد شوند و تلویحاً اعلام کردند باید رهبر انقلاب نقد شوند، درحالی‌که در بیشتر مسائلی که آقای روحانی مطرح کرده و عمل می‌کنند ما بویی از اسلام ناب نمی‌بینیم** ایشان در خوش‌بینانه ترین حالت اسلام را به گونه‌ای می‌شناسند که شریعتی از اسلام شناخت دارد که همه در سخنرانی ایشان دیدیم که استناد ایشان بجای اینکه به عالمی برجسته باشد به صحبت‌های آقای دکتر شریعتی بود، آیا شریعتی یک اسلام‌شناس است؟ اصلاً شریعتی خوب آیا کلام او مورد استناد است و یا کلام علمای ما و یا کلام اهل‌بیت ع و قرآن؟ اینجا لازم است به این سؤال پاسخ دهیم **چرا رهبر انقلاب دامت برکاته در مقابل آقای روحانی موضع نگرفتند؟** جواب این است که **پرچم‌دار حفظ و صیانت از خدا و ائمه معصومین، ولی فقیه است که در جریان سلمان رشدی این موضع‌گیری را دیدیم که امام ره فرمودند:** بسمه تعالی إنا لله و إنا إلیه راجعون - به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشرشده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. **از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آن‌ها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد .** والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته ۲۵ .بهمن ۱۳٦۷- و در تاریخ ۲۹بهمن ۱۳٦۷ اطلاعیه‌ای از دفتر امام صادر شد به این صورت: بسمه تعالی رسانه‌های گروهی استعماری خارجی به دروغ به مسئولین نظام جمهوری

اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسنده کتاب آیات شیطانی توبه کند حکم اعدام درباره او لغو می‌گردد. امام خمینی- مدّ ظلّه- فرمودند :این موضوع صد در صد تکذیب می‌گردد. **سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی همّ خود را به کار گیرد تا او را به دَرک واصل گرداند.** حضرت امام اضافه کردند :**اگر غیرمسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشته باشد تا سریع‌تر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به عنوان جایزه و یا مزد عمل به او بپردازند.** سند khamenei.ir و یا در جریان اوشین نیز جریانی مشابه وجود دارد، ما در برابر واکنش رهبر انقلاب نیز به جریانات ضد اسلامی مانند جریان قرآن سوزی توسط تری جونز نیز از رهبر انقلاب دامت برکاته مسائلی دیده‌ایم **اما این مسئله (زیر سؤال بردن پیامبر خدا و ائمه معصومین با هدف زیر سؤال بردن ولایت‌فقیه) با امثال آن مساله فرق دارد، در اینجا هدف اصلی خودِ ولیِ فقیه است، لذا در این مقام برای دفاع از حریم ولایت باید دیگرانَ اقدام نمایند** لذا لازم است علما و حوزه و علمیه و طلاب واکنش لازم را نشان داده کما اینکه **در تاریخ زمانی که حضرت علی ع را زیر سؤال می‌بردند یاران او اقدام به دفاع می‌نمودند.** نکته مهم دیگر: **اگر ما اجازه‌ی نقد امام معصوم را داریم و نقد مفید است ما تمامی افکار و رفتار آقای روحانی را باید مورد بررسی قرار دهیم و این مطلب چیزی است که خود آقای روحانی ما را به آن دعوت نمودند، کلام و افعال آقای روحانی من الله نیست پس ما میتوانیم نقد کنیم و رد نماییم و قبول ننماییم** ، ما تا اینجا از سه منظر دینی اثبات نمودیم که تئوری فکری آقای روحانی مردود بوده و طبق مبانی مورد قبول این سه دسته باید از این‌گونه کلمات توبه کرده و الا شرایط نزول بلا برای ما فراهم آمده است و جامعه‌ی ما به هدف و ثمره‌ای قابل‌توجه دست نخواهد یافت.

**د: اثبات اینکه از نظر دانشگاه تئوری فکری آقای روحانی بسیار خطرناک بوده و هیچ راه نجاتی با رویه‌ی موجود برای فردای ملت فراهم نمی‌باشد:** از لحاظ علمی نیز دستاوردهای فردای آقای روحانی برای جامعه ما همان چیزی را به دنبال خواهد داشت که عمل دیروز آقای روحانی برای امروز ما به همراه داشته است، **عملکرد دیروز آقای روحانی معامله با غرب بود که این معامله تنها برای ما از دست دادن**

**زمان را به همراه داشت؛ تحریمی برطرف نشد و چرخ سانتریفوژ ما که می‌چرخید نیز متوقف شد حال در فردای پیش رو چه چیزهایی متوقف می‌شود؟ و ما امثال این مطلب را در سخنرانیهای دانشجویان در مقابل آقای دکتر روحانی نیز شاهد بوده و هستیم.پس نتیجه می‌گیریم در جامعه‌ی ایران افراد مذهبی و دانشگاهیِ عالم اعتمادی به آقای روحانی ندارند و کسانی اعتماد دارند که از مذهب و علم بی‌بهره هستند و یا بی اطلاعند و جریانات را نمیدانند.**

علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹٦ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸-۹٦,۱۱,۰۸

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: <u>قطره‌ی ۸٦</u> از** کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله**– <u>نقد سخنان دکتر روحانی در باره نقد امام معصوم ، به همراه کلماتی چند از سید حسن اقا میری در انکار نمودن و منتفی بودن حکم قصاص در این زمان</u>**

مقدمه در فیلم منتشرشده از جناب آقای دکتر حسن روحانی ایشان فرمودند: **ما در کشور معصوم نداریم مگر اینکه یک‌وقت امام دوازدهم اگر ظهور کرد آن وقت هم می‌شود نقد کرد. پیغمبر هم اجازه نقد می‌داد دیگه بالاتر از پیغمبر که در تاریخ نداریم. وقتی پیغمبر یک صحبتی می‌کرد یک نفر بلند می‌شد، روبروی پیغمبر می‌گفت: آ من الله آم منک؟ این حرفی که میزنی نظر خودت است یا خدا وحی کرده است؟ اگر می‌گفت «من الله» که هیچ امر خداست اما اگر می‌گفت «منّی» طرف مقابل انتقاد میکرد می‌گفت قبول ندارم و نقد می‌کرد. ما در زمان حکومت معصوم هم نقد را داریم-**

ضمن تشکر از جناب آقای دکتر حسن روحانی که باب جدیدی را در نشر معارف شیعی باز نمودند ما هم طبق فرمایشات شما اقدام به نقد همین سخنان می‌کنیم تا بتوانیم از این طریق به مسیر صحیح رهنمون گردیم:

**<u>۱</u>** سؤال: **در کجای تاریخ آمده است که کسی به رسول‌الله عرض نموده باشد: ام من الله ام منک (این سخن از طرف خداست و یا از طرف تو) و بعد رسول گرامی اسلام**

**فرموده باشد منی؟** ما در جریان نزول عذاب بر آن شخص بعد از غدیر خم در تاریخ‌داریم که گفت ولایت علی ع از طرف خداست و یا از طرف تو و پیامبر فرمودند از طرف خدا و بعد آن شخص که قبول نکرد عذاب نازل شد درشان نزول **سال سائل بعذاب**

**۲** اگر قرار باشد هر آنچه که در زمان رسول گرامی اسلام ص در منظر رسول‌الله توسط هر شخصی انجام گرفته باشد برای ما ملاک عمل باشد، خوب **در زمان رسول‌الله ص بسیاری هم به پیامبر ص توهین می‌کردند و اتفاقاً از صحابه هم بودند، خوب در این صورت ما باید جواز توهین به پیامبر را هم صادر کنیم** آیا از طرف یک مسلمان این مطلب قابل‌قبول است؟

**۳** اگر این سؤال از جانب مخاطبین پیامبر ص پذیرفته باشد که کسی سؤال کند که این مطلب را که میگویی از جانب خداست و یا از جانب خودت، امروز بنده **در مقابل تمامی احادیث شیعه و سنی این سؤال را قرار می‌دهم که این سخن رسول‌الله ص از طرف خدا بوده و یا از طرف خود رسول‌الله ص بوده است و تا اثبات نشود حدیث از جانب خدا بوده است آن را نمی‌پذیرم**، سؤال: آیا عالمی هست که بتواند اثبات نماید که تمامی احادیث رسول‌الله از جانب خدا بوده و ما مأمور به پذیرش آن هستیم و اگر با دلیل عام قرآنی اثبات شود که کلام رسول‌الله از جانب خداست و واجب التبعیت است آیا دیگر جای این دارد که ما اجازه دهیم که کلام رسول خدا را نقد کنیم و این سؤال را مطرح نماییم که کلام رسول خدا من الله است و یا از جانب رسول‌الله ص است؟

**٤ شیعه و سنی قول رسول‌الله را واجب التبعیت می‌دانند، یعنی حدیث را واجب التبعیت می‌دانند، پس این تئوری که می‌توان در کلام رسول‌الله خدشه وارد کرد و آن کلام را نقد کرد مربوط به چه تفکری است؟ ما در بین مسلمانان چنین چیزی را سابقه نداریم، اگر رسول‌الله چیزی بیان داستند باید قبول کرده و عمل نماییم، حتی خوارج هم قول پیامبر ص را حجت می‌دانند و اجازه نقد نمی‌دهند.**

**٥ نقد یک شخصیت چه زمانی صورت می‌گیرد؟ زمانی که احتمال دهیم او قول و یا فرمان او اشتباه و یا ضعیف می‌باشد، سؤال این است آیا کسی می‌تواند احتمال دهد کلام و یا فعل پیامبر اشتباه است و یا در میان امت کسی وجود دارد که بهتر از او ص سخن گوید و بهتر از او ص عمل نماید؟**

٦ اگر ما احتمال دهیم پیامبر اشتباه می‌کند اجازه داریم او را نقد نماییم، **آیا احتمال اشتباه در کلام پیامبر ص پیامبر بودن خدا را زیر سؤال نمی‌برد؟** اگر احتمال اشتباه وجود دارد دیگر پیامبر خدا نیست، **اگر کسی در ادعای پیامبر بودن پیامبر نقد وارد کند چه باید کرد؟** اگر کسی هم معجزه را دلیل بر نبوت بیاورد و او جواب دهد معجزه نبوده است بلکه از قدرت بالای روح و نفس پیامبر ص بوده است چه باید گفت؟ و این مطلب را گفته‌اند.

**۷ اگر احتمال اشتباه در پیامبر اسلام ص وجود دارد، در همه چیزی که از پیامبر به ما رسیده است احتمال اشتباه وجود دارد و یکی از چیزهایی که از وجود نازنین پیامبر به ما رسیده است قرآن است**، سؤال‌کننده همان احتمال را در مورد قرآن مطرح می‌نماید و می‌گوید من نقد دارم در مورد قرآن: او می‌گوید محمد ص آن را آورده و بعد گفته از جانب خداست من به دلایل مختلف میگویم شاید از طرف خدا نباشد، آن وقت با این ترتیب قرآن زیر سؤال نمی‌رود؟

۸ فرضاً یک نفر در زمان جاهلیت در معرض رسول خدا گفته باشد: اَ من الله ام منک، سؤال این است من **چرا بیایم آن عرب جاهلی را که مطمئناً انسان نادان و جاهلی است را ملاک خود قرار دهم؟** چرا در بین صحابه رسول‌الله کسانی را ملاک قرار ندهم حتی در محضر رسول‌الله صدایشان بلند نمی‌شد؟ آیا عمل صحابه برای ما حجت است؟ **آیا هر عملی که در زمان پیامبر خدا ص انجام‌شده برای ما حجت می‌باشد؟** خوب بعضی هم دندان پیامبر ص را شکستند.

۹ اگر کسی در امت اسلام پیدا شود که بتواند رسول خدا را نقد نماید و حرفی درست‌تر از رسول خدا ص بزند چرا رسول خدا ص واجب التبعیه باشد؟ چرا آن شخص دیگر بالاتر نباشد؟ **چرا ما از رسول خدا تبعیت نماییم؟**

۱۰ فرض کنیم ما اجازه نقد پیامبر ص را داشته باشیم: **اگر پیامبر را نقد کردیم و پیامبر جواب داد ولی ما قانع نشدیم در اینجا تکلیف چیست؟ آیا منجر به انکار رسول‌الله ص نمی‌شود؟**

**۱۱ فرض کنیم پیامبر مطلبی فرمودند و شخص سؤال کرد: ا من الله ام منک (آیا از طرف خدا است و یا خود شما)، بعد پیامبر فرمود منی (از طرف خودم است) آیا در اینجا قول پیامبر باید تبعیت شود و یا ما باید آن کلام را مورد بررسی قرار دهیم؟**

اگر بخواهیم و بررسی کنیم و بعد قبول ننماییم در اینجا مخالف قرآن عمل ننموده- ایم؟ چرا که قرآن ما را به تبعیت بی‌چون و چرا و بدون بررسی از رسول خدا دعوت می‌نماید و آیات زیادی در اینجا وجود دارد: مانند **اطیعوا الله و اطیعوا الرسول- فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا- مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى -**

**١٢** در بین تمامی ادیان الهی اثبات شده است که وقتی پیامبرشان چیزی فرمود واجب التبعیه می‌باشد **و هیچ‌کدام از ادیان الهی نگفته‌اند ما زمانی قول پیامبر را قبول می‌کنیم که از طرف خدا باشد و اگر از طرف خدا نبود باید بررسی کنیم.**

**١٣** فرض کنیم پیامبر خدا کلامی را فرمودند و بعد کسی سؤال کرد اَ من الله ام منک و بعد پیامبر خدا فرمودند منّی، این کلام از جانب خود من می‌باشد، بعد بین پیامبر و آن شخص بحث شد و بحثَ بی‌نتیجه ماند و بنده که نظاره کننده هستم و نفهمیدم حق با چه کسی است، در اینجا باید چه کنم؟

**١٤ اگر کلام آقای روحانی درست باشد که ما معصوم نداریم و همه را باید نقد کرد، سؤال می‌کنیم، آیا همین کلام شما را می‌توان نقد نمود؟ جواب مثبت است، لذا ما این کلام را نقد می‌کنیم و نتیجه می‌گیریم که بعضی از کلمات را نمی‌توان نقد کرد و معصوم داریم، مگر اینکه آقای روحانی خود را معصوم بداند، که در این صورت نمیتوان نقد نمود و واجب التبعیت است که در این صورت باز هم باید نقد کنیم چون میفرمایند معصوم هم باید نقد شود.**

**١٥** آقای روحانی فرمودند ما در جامعه معصوم نداریم و همه را باید نقد کرد مگر جایی که کلام من الله باشد: **با این معیار آیا تمامی فقها و مجتهدین زیر سؤال نمی‌روند، چرا که ما در مقابل تمامی رساله‌های مراجع همین سؤال را قرار می‌دهیم، این رساله را معصوم نوشته است؟** جواب منفی است، پس می‌توان تمامی رساله‌ها را نقد نمود و باب تقلید از علماء را تعطیل نمود، با همین منوال می‌توان کلام تمامی علماء را نیز تعطیل نمود.

**١٦ اگر تنها کلام معصوم واجب التبیعه باشد یعنی تنها کلام خدا و اهل‌بیت ع، لازمه‌ی این حرف این است که در این جامعه از کلام هیچ کس نباید تبعیت کنیم،**

**چرا که در این جامعه ما معصوم نداریم و کلام همه باید نقد شود** و آنچه دیده‌ایم در بین گفتمان بین آتئیسم‌ها و اهل توحید، گفتمان بین مسیحیت و یهود و اسلام، گفتمان بین فرق مختلف اسلام، گفتمان بین فرق انحرافی، گفتمان بین چپ و راست در ایران و بین تمامی گفتمان‌ها تا کنون هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده‌اند، لذا در وضعیتِ کنونیِ جامعه نیز نمی‌توانیم به عمل و راه مشخصی برسیم و باید در بی تکلیفیِ بمانیم، مضافاً بر اینکه اگر بتوان در هنگام ظهور نیز امام معصوم را نقد نماییم در آن زمان نیز نمی‌توانیم به نتیجه برسیم و در بی تکلیفی همیشه باقی می‌مانیم.

**۱۷ اگر همه چیز را می‌توان نقد نمود حتی معصوم را سؤال می کینم چرا خدا استثناء باشد، خوب خدا را هم می‌توان نقد کرد کما اینکه ابلیس فرمان خدا را نقد کرد و کشف نمود که خدا اشتباه می‌کند که خدا فرمان داده است به آدم سجده کند و ابلیس به کلام خودش عمل نمود و گفت خدا اشتباه میکند.**

۱۸ اگر همه چیز را می‌توان نقد نمود حتی امام معصوم را سؤال می‌کنیم **چرا قرآن را نقد نکنیم، شاید ما کتابی بهتر از قرآن را برای زندگی این زمان توانستیم پیدا کنیم، کما اینکه خیلی اقدام به این مطلب نمودند** متن زیر کلمات حسن آقا میری است که ایشان از منبری‌های خانم ابتکار معاون جناب آقای دکتر روحانی هستند و از این دست مطالب بسیار دارند-متن سخنان: **قصاص با فطرت نمی سازه، همه میگن (قصاص) نکنیم؛ چون این نسخه مال تو نیست. (این نسخه برای زمان پیامبر بوده، نه الان)... تو این جامعه، بخشش واجبه. تو قاتل نشو تو تخته از زیر پای کسی نکش در جامعه بخشش حیاته. آمدند بعد از پیامبر چی کار کردند؟ نظم این قرآن را بهم زدند، یعنی ما نمی دانیم قرآن از کجا شروع کرده است، کجا ختم کرده است، نمی دانیم نسخه‌ی اول چیست؟ نسخه‌ی دوم چیست نسخه‌ی سوم چیست نسخه‌ی چهارم چیست؟** توضیحات پیامبر از بین رفته است، شأن نزول‌ها هم از بین رفته است گفت لکل مقالٍ مقام، هر صحبتی جایی دارد اگر صحبت را در جای خودش ندانیم اصلاً نمی‌توانیم بفهمیم، فهم نمی‌شود. **بابا یک قرآنی درست شده است این قرآنی که دست ماست، بنی‌امیه و بنی‌عباس پانصد سال با این حکومت کردند، آن قرآنی که حضرت امیر جمع کرد که بدرد کسی نمی‌خورد، چون نمی‌شد با آن لفت و لیس کنی، نمی‌شد با آن از گرده‌ی مردم بار بکشی، نمی‌شد هوی و هوس را باهاش خالی کنی،**

**آن قرآن واقعاً به درد کسی غیر علی نمی‌خورد و کسی که می‌خواهد راه علی را برود. آن قرآن که نمی‌شود ازش سو استفاده کرد، برای همین گفتند: ما آن را نمی‌خواهیم. برداشتیم نظم آیات را بهم زدیم، شماره صفحه‌ها را هم پاک کردیم، شماره نسخه‌ها را هم پاک کردیم، نمی دانیم مرحله‌ی چندم است می‌گوید و فی القصاص حیات خب راست می‌گوید و فی القصاص حیات کی؟ کجا؟ در کدام جامعه؟ در جامعه‌ای که صد تا را بجای یک نفر می‌کشتند، قصاص حیات است؟ ببینید** خیلی بد است که ما درس‌هایی که در قرآن هست را اصلاً بهش توجه نکردیم، درس‌هایی که حضرت آدم به ما داده است می‌فرماید **و اتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق،** داستان بچه‌های آدم را برایشان بگو هنگامی که هر کدام کاری برای تقرب به پروردگار انجام دادند اما از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد، برادری که عملش مردود شده بود به برادر دیگر گفت به خدا سوگند تو را خواهم کشت برادر دیگر گفت من چه گناهی دارم زیرا خدا تنها از پرهیزگاران می‌پذیرد اگر تو دستت را دراز بکنی برای اینکه مرا بکشی ما انا بباسط یدی الیک، من دست دراز نمی‌کنم برای کشتن تو، چرا که من نمی‌خواهم قاتل بشوم. حاج آقا خود قران گفته است، عزیزم این را کجا گفته است؟ **علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌گوید قصاص، حیات است برای جامعه‌ی منحط برای جامعه‌ای که کفران نعمت می کند برای آن جامعه که در مقابل یک نفر صد نفر را می‌کشد حیات است اما جامعه‌ای که با مکارم اخلاق رشد کرده است قطعا در آن جامعه باید بخشید، فقط باید بخشید، چرا؟ چون تو قاتل نشو، هابیل به قابیل گفت من قاتل بشو نیستم ولو تو مرا بکشی من قاتل نخواهم شد من نمی‌خواهم قاتل باشم فقط باید بخشیدعلامه طباطبایی المیزان می‌گوید تو جامعه‌ی منحط، جامعه‌ای که کفِ درّه است، برای یک نفر صد نفر را می‌کشد در آن جامعه قصاص حیات است،** جامعه‌ای که پای روضه‌ی امام حسین بزرگ شده است امام حسینی که حر زبان‌باز نکرده است، حر را بخشیده است، جامعه‌ای که پای این حسین گریه کرده است، **در این جامعه که قصاص حیات است، خب تو می‌شوی قاتل که در این جامعه بخشش حیات است، بخشش واجب است، بخشش قصاص است.** آن نسخه‌ای که پیغمبر داد مال جامعه‌ای داد که قاتل بودند، مال آن‌هایی که صد تا را می کشتند، نه برای خودش، می گویم: بابا قرآن است، ولی این آیه مال کجا آمده است؟ مال کدام

جامعه؟ کدام مرحله است؟ از وسط داستان یک چیزی را گرفتیم یک نسخه‌ای از وسط این برگه‌ها برداشتیم بدون شماره صفحه بدون اینکه در مرحله چند است. بعد می‌گوییم: آقا آیه قرآن است دیگر. خب آیه قرآن توضیح دارد، آیه قرآن تفسیر دارد، آیه قرآن شأن نزول دارد، آیه قرآن توضیح پیامبر باهاش است، اگر نباشد چی؟ نباشد نمی‌توانیم بگوییم حکم خداست، باید احتیاط کنی، نمی توانی عمل کنی بهش، این نسخه مال تو نبوده که تویی که صحیفه سجادیه داری، تویی که ابوحمزه ثمالی می‌خوانی، تویی که کمیل می‌خوانی، نمی توانی این جوری باشی تو، تویی که پای سفره‌ی نهج‌البلاغه هستی، این حکم مال تو نیست، ولی چون بهم زدیم داستان قرآن را، معلوم نیست، فکر می‌کنیم مخاطب این آیه تویی، مخاطب تو نیستی، نمی توانی این جوری باشی - **چون توضیحات پیامبر نیست، چون نظمش بهم خورده است، چون از اهل‌بیت جدا شده است، شده ابزار دست داعش که به اسم این آدم بکشد، مگر قصاص نیست، خب نمی‌سازد با فطرت، همه می‌گویند: نکنیم این کار را. چون این نسخه مال تویی نیست که روضه‌خوان امام حسین هستی امام حسین، شمر روی سینه‌اش نشسته بود با چکمه، امام حسین بهش می‌گوید به مادرم فاطمه شفاعتت می‌کنم، پاشو برو، نمی‌گوید دستت خشک شود، خانم زینب آن بابا را نفرینش نمی‌کند.- با ضمن پوزش ما نقد این مطالب در ضمن چند سخنرانی و ویژه نامه انجام داده‌ایم-**

**علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸-**
**تاریخ ۹٦,۱۱,۰۹**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۸۷ از** کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی- **چند نکته در رابطه باران و برف‌ها در تاریخ ۹٦,۱۱,۰۸ و ادامه‌ی خشک‌سالی، خشکسالی مقوله‌ای است و بارش باران و برف مقوله‌ای دیگر، گاهی درخت با عدم آب خشک میشود و گاهی با یخ زدگی**

۱ متأسفانه **جامعه‌ی ما در حوزه‌ی آب بسیار کم سواد می‌باشد** و با کوچک‌ترین شبه‌ای از میدان خارج می‌شود، درحالی‌که ما ایرانیان در حوزه‌ی علوم مربوط به آب پیش تاز بشریت بوده‌ایم ولی هم اکنون ...، نمونه‌ی آن همین جریان برف و باران در این تاریخ است که **عوام‌الناس فکر می‌کنند دیگر خشک‌سالی وجود ندارد و یا دیگر ما مشکل آب نداریم و یا حتی اینکه خشک‌سالی نسبت به سال‌های گذشته کمتر شده است.**

۲ ما در پیرامون بحث ربا (قطره‌ی ۷۶) اعلام نمودیم در الگوی نزول عذاب هستیم و آیه‌ی ۶۵ سوره‌ی انعام در حق جامعه‌ی ما تحقق پیدا نموده است که می‌توانید به قطره‌های ۷۹ و ۷۸ مراجعه نمایید و در قبل نیز بحث **سرما و باران غیرمنتظره را مطرح نموده بودیم**، در لسان روایی ما به عنوان **مَطَرُ السوء (باران بد- باران ضربه زننده- باران بی‌موقع)** مطرح می‌باشد که در بعضی از متونی که از انبیاء در دستان ما می‌باشد به این مطلب اشاره شده است و **در علوم کشاورزی نیز جابجایی گرما و سرما در زمستان یکی از آفت‌های مخرب کشاورزی می‌باشد،** در ابتدای زمستان سال ۹۶ شاهد هوای گرم بودیم که بعضی از درختان نیز شکوفه دادند و حال با این سرما و برف چه بر سر آن‌ها آمده خدا می‌داند، سؤالی که اینجا مطرح است اینکه: **هجوم این هوای سرد و بارش برف برای باغدار ما مفید بوده و یا اینکه این هوای سرد و برف مضافاً بر خشک‌سالی برای جامعه‌ی کشاورز ما ضرری دو چندان را به همراه داشته است؟** به عقیده‌ی ما **این برف و سرمای بعد از گرمای اوایل زمستان عذابی مضاف بر عذاب گذشته است که باید منتظر باشیم تأثیر آن را بر باغداری ببینیم که چه تأثیری بر محصولات کشاورزی داشته است؟ خبرهایی از قبیل سرمازدگی و یخ زدگی درختان، خشک شدن درختان از سرما، از بین رفتن محصولات درختان...**

۳ ما فرض می‌کنیم که این سرما بعد از گرمای اوایل زمستان عذاب نباشد و برای ما منفعت داشته باشد: سؤال این است که: **آیا با این نزولات خشک‌سالی ایران بر طرف شد؟ بحث ما بر سر نزول و یا عدم نزول باران و برف نبوده و نیست، بحث ما بر سر خشک‌سالی و عذاب الهی است،** مطمئناً خشک‌سالی ایران در ۶۷ سال گذشته بی‌نظیر بوده و هست و مطمئن باشید **از عجایب این زمان این است که هم خشک‌سالی بی‌نظیر بوده و هم برف و سرما در دل خشک‌سالی که زیان زننده باشد**

**بی‌نظیر می‌باشد، یعنی کشوری که در خشک‌سالی بی‌سابقه قرار داشته باشد آنگاه از سرما و برف هم ضرری مضاعف ببیند،** به یک معنی محصول کشاورزی با خشک‌سالی تقلیل یابد و مقدار دیگری نیز با سرما از بین رود و بارها گفته‌ایم که **در وحشتناک‌ترین و بی‌ثبات‌ترین وقایع اقلیمی بشریت واردشده‌ایم که نمونه‌های آن به مرور زمان در حال آشکار شدن می‌باشد،** یکی از این بی‌ثباتی‌ها که برای همه آشکار شد گرمی هوا در ابتدای زمستان و شکوفه دادن بعضی از درختان و سرما و برف بعد از آن و از بین رفتن ثمره‌ی درختان می‌باشد.

**٤** باید توجه داشته باشیم که: **معیار خشک‌سالی و بیرون رفت از خشک‌سالی چیست؟**

**الف: اگر در ۹ ماه سال یعنی پاییز، زمستان و بهار به صورت متناسب برف و باران نداشته باشیم در خشک‌سالی واقع‌شده‌ایم** که این مطلب مشهود همگان است، مقدار ریزش باران در سال ۹٦ در ماه‌های مهر، آبان، آذر، دی در طول ٦۷ سال گذشته کم باران‌ترین بوده و باید ببینیم در این ۵ ماه آینده چه می‌شود؟

**ب: اگر مقدار نزولات آسمانی و مقدار مصرف ما متناسب نباشد ما در خشک‌سالی قرار داریم** که طبق این معیار ما سال‌هاست در خشک‌سالی هستیم و این روند در امسال شدت یافته است، یعنی شیب نموداری خشک‌سالی سرعت بیشتری پیدا کرده است برای آگاهی از این مطلب ما باید: مقدار آب مورد نیاز روزانه مردم را حساب کنیم که میانگین مقدار نیاز ۸۰ میلیون ایرانی در روز می‌شود ۱٦ میلیارد لیتر که این عدد را باید در ۳٦٦ ضرب شود که می‌شود آب مورد نیاز مردم ایران در طول یک سال، باید مقدار آب مورد نیاز جنگل‌ها و دشت‌ها و حیوانات نیز حساب شود، باید مقدار آب مورد نیاز صنعت و کشاورزی و خانه‌سازی نیز حساب شود و نیز مقدار تبخیر و هدر رفت آب نیز حساب شود تا مقدار آب مورد به دست آید، سؤال این است **آیا ما به این اندازه نزولات آسمانی داشته و داریم**؟ جواب مطمئناً منفی است.

**ج: اگر روند بیابان‌زدایی و خشک شدن چاه‌ها و قنات‌ها و دریاچه‌ها و رودها و رودخانه‌های ما با این نزولات متوقف شده باشد نشانه‌ی این است که خشک‌سالی به ثبوت رسیده و شدت پیدا نکرده است در غیر این صورت روند خشک‌سالی رو به افزایش است،** با این معیار سؤال می‌کنیم: **آیا در سال ۹۷ روند خشکی کنترل میابد**

**و یا اینکه باز هم با شدت بیشتری سفره‌های زیرزمینی خالی تر، دریاچه‌ها خشک‌تر و چاه‌ها عمیق تر می‌شوند؟** باید منتظر باشیم و ببینیم آنچه ما میگوییم این است که با روال گذشته خشکی بیشتری در همه چیز و همه جا در انتظار است، **خشک‌سالی تابستان از خشکی پاییز و زمستان و بهار است.**

**د: یکی از معیارهای خوب برای سنجش ادامه و یا عدم روند خشک‌سالی پایین رفتن آب و عمیق‌تر شدن چاه‌ها می‌باشد،** آیا ما در سال ۹۷ شاهد عمیق‌تر شدن چاه‌ها نخواهیم بود؟ آنچه ما میگوییم **عمیق‌تر شدن چاه‌ها و پایین‌تر رفتن آب می‌باشد، آیا کشاورزان می‌توانند برای کشاورزی چاه جدید حفر کنند؟**

**ه خشک‌سالی مقوله‌ای هست و نزولات آسمانی باران و برف مقوله‌ای دیگر است، هم اکنون نزولات آسمانی داریم ولی در خشک‌سالی عظیمی هستیم.**

ز بارش باران و نزول عذاب دو مقوله می‌باشد که ما در بحث ربا و نقد امام معصوم و گناه مطرح نموده‌ایم که **جامعه‌ی ما در الگوی نزول عذاب است حال این عذاب گاهی در قالب عدم نزول باران و آلودگی هوا و ریزگرد و بیماری‌های مختلف می‌باشد، گاهی به واسطه‌ی سرما و برف و مشکلات هجوم چندروزه‌ی توده‌ی هوای سرد و از بین رفتن کشاورزی و جاری شدن سیل و خرابی‌های ناشی از آن می‌باشد، آیا گرمی زمستان و شکوفه دادن درخت و بعد از آن هجوم یک‌باره‌ی باران و برف برای کشاورز مفید است یا خیر؟ گاهی درخت به علت نبود آب خشک می‌شود و گاهی به واسطه‌ی سرما و یخ زدگی خشک می‌شود.**

ز نزولات آسمانی برف و باران کم شده و هوا گرم تر شده و مقدار فصول سرد کمتر شده و در عوض گرما بیشتر شده است و مقدار تبخیر آب شدت یافته است، سؤال این است **آیا با بارش مقدار برف و باران حتی خشک‌سالی کنترل شده است؟** صدمات ماه‌ها و سال‌های گذشته را چگونه جبران کنیم؟ چقدر از این نزولات در چند روز آینده دوباره با گرمای شدید هوا تبخیر می‌شود؟ چقدر از این نزولات آسمانی برای ما ثمره‌ی مفید خواند داشت؟

**ح هر چقدر مقدار نزولات آسمانی برف و باران با مقدار احتیاج ۸۰ میلیون ایرانی تناسب نداشته باشد و کمتر باشد همان مقدار در خشک‌سالی قرار داریم.**

۹ باید بدانیم **خشک‌سالی مربوط به شهر نیست که بگوییم شهر باران آمد و لذا خشک‌سالی نیست** اگر چه که عدم باران و برف و باد در شهر باعث بروز مشکلات آلودگی هوا و ... می‌شود ولی **اصل در خشک‌سالی مربوط به روستاها می‌باشد، این روستا است که باید آب داشته باشد تا غذا و مواد اولیه‌ی پوشاک و میوه و تره‌بار مردم را تأمین کند**، سؤال این است آیا با این بارش‌ها آب مورد نیاز سال ۹۷ مردم روستانشین را تأمین شده است؟

۱۰ **فرض کنیم تمامی روستاهای غربی کشور باران و برف متناسب نازل شده باشد، سؤال این است تکلیف نیمه‌ی شرقی کشور چه می‌شود؟** آنچه در تاریخ دیده‌شده این است که خشک‌سالی در یک منطقه باعث هجوم آن منطقه به سایر نقاط می‌شود و نقاطی که آب کافی دارند نیز به مشکل آب برخورد می‌نمایند که اصلاً **جنگ آب که به عنوان جنگ جهانی سوم است از این مقوله می‌باشد: نقاطی که آب دارند به علت هجوم مردم آشوب می‌شود و همه باهم درگیر می‌شوند**، در کشور هند تمامی کشور وارد بحران شد چرا که ماندیل که یک شهر ۳۰۰ هزار نفره است به مشکل برخورد نمود و آن ۳۰۰ هزار نفر به شهرهای اطراف رفتند و سلسله وار جمعیت به شهرهای مختلف رفتند و این‌گونه تمامی هند به مشکل برخورد نمود، سؤال این است آیا تمامی شهرها و استان‌های ما ریزش باران داشته‌اند؟ آیا خشک‌سالی در همه جا مهار شد؟ که به زودی خواهیم دید که خشک‌سالی در هیچ جا مهار نشده است حتی در جاهایی که برف باریده است. **آیا خشک‌سالی یک منطقه برای کل کشور خطرناک نمی‌باشد و زمینه‌ی بروز اختلاف قومی و استانی و تجزیه‌ی ایران را فراهم نمیاورد؟ آب همانند هوا می‌باشد اگر دائماً در دسترس نباشد و به مقدار نیاز در کشور تولید نگردد کشور رو به نابودی می‌رود**، چرا که در این صورت باید از آب‌های زیرزمینی استفاده کنیم و **استفاده از آب‌های زیرزمینی خط قرمز محیط‌زیست که نابودی و دزدی از نسل آینده را به همراه دارد.**

۱۱ وجود خشک‌سالی و وجود آب برای آشامیدن دو مقوله است، ما در احسن القصص قرآن بحث خشک‌سالی مصر را شاهد هستیم، سؤال این است **آیا در مدت ۷ سال خشک‌سالی مصر اصلاً آبی برای استفاده وجود نداشته است؟ اگر این‌گونه باشد که در آن ۷ سال تمامی موجودات زنده در مصر باید جان می‌دادند؟** از اینجا معلوم

می‌گردد خشک‌سالی مربوط به آب شرب نیست، **خشک‌سالی یعنی نبود آب برای کشاورزی که مردمان یک سرزمین نتوانند غذای مورد نیاز خود را تأمین کنند و به قحطی مبتلا شوند،** با این معیار سؤال می‌کنیم: **آیا آب به اندازه‌ی نیاز کشاورزان وجود دارد؟** اگر آب وجود دارد: **چرا ما واردکننده‌ی برنج و گندم و سویا و کنجاله شده‌ایم؟ چرا حتی محتاج شده‌ایم که غذای حیواناتمان را از خارج وارد کنیم؟ چرا غذای ٤٠ میلیون نفر را از خارج وارد نموده‌ایم؟** پس بسیار ساده‌اندیشی است که بگوییم ما خشک‌سالی نداریم چون از شیر خانه‌ی ما آب جاری می‌شود، **ما شهرنشینان نمی‌دانیم خشک‌سالی یعنی چه؟ خشک‌سالی را باغدار و کشاورز و دامدار می‌فهمد،** خشک‌سالی را دامداری می‌فهمد که روزانه ۱۰۰ هزار تومان هزینه پرداخت می‌کند تا آب بخرد و دام‌هایش از تشنگی نمیرند، باغداری که درخت‌هایش به خاطر خشک‌سالی خشک‌شده می‌فهمد خشک‌سالی یعنی چه؟ کشاورزی که به علت نبود آب ۱۲ سال نتوانسته است در زمینش کشاورزی کند می‌فهمد خشک‌سالی یعنی چه؟ امثال مثلِ بنده که نمی‌دانم آب شرب داخل لوله‌هایم از خوزستان تأمین می‌شود که نمی‌دانم خشک‌سالی چه معنایی دارد، عشایری که به علت خشک شدن مراتع، شغلِ آباء و اجدادی خود را رها کرده و به شهر آمده و با شغل‌های پست و پایین جامعه در شهر زندگی می‌کند می‌فهمد خشک‌سالی یعنی چه؟ مردم حاشیه‌ی دریاچه‌های خشک می‌فهمند خشک‌سالی یعنی چه؟ کسانی که زاینده‌رود ۲۰ سال پیش را دیده‌اند می‌فهمند خشک‌سالی چیست؟ بله بنده که همیشه خیابان دیده‌ام و با اندک باران و برفی خیابان‌ها بسته می‌شود و آب جاری می‌شود باید حکم کنم که خشک‌سالی بر طرف شده و سیل راه افتاده و خشک‌سالی را انکار کنم، **تعداد روستانشینان ما از ٦٩% به ٢٩% تقلیل پیدا کرده است و این به این معنا است که در ایران نهایتاً از هر ۱۰۰ نفر ۲۹ نفر برای تأمین غذای سایر مردم کار می‌کنند و با آب به صورت مستقیم کاردارند و این یعنی ٢٩% مردم ایران حقیقتاً آب را با تمامی وجود خود درک می‌کنند،** بله ایران کویر خشکی شده که باران و برف کنونی مانند قطره‌ای است که سریعاً بلعیده می‌شود، اگر دیدیم شخصی یک میلیون تومان در جیبش دارد حکم نکنیم پولدار است شاید او ده‌ها میلیارد تومان بدهکار باشد.

**۱۲** سؤال دیگر اینکه **آیا هر شهر می‌تواند آب شرب و مورد نیاز خود را تأمین کند؟ آیا خوزستانی‌ها دیگر به انتقال آب شهر خود به قم اعتراض ندارند؟ آیا آن‌ها آبی اضافه دارند و مازاد نیازشان انتقال داده می‌شود؟ از سایر شهرها نیز همین سؤال را باید مطرح نمود.**

**۱۳** نکته‌ی دیگر در مورد توسعه و ایجاد شغل و برطرف نمودن مشکل فقر و اقتصاد است که همه به آب بستگی دارد، این مطلب واضح است که **به مقداری که آب داشته باشیم برکت در مملکت جاری میشود و می‌توانیم شغل ایجاد کنیم، آیا برف کنونی آب مورد نیاز صنعت و کشاورزی و ساخت‌وساز متناسب با پیشرفت و توسعه‌ی ما را تأمین نمود؟**

**۱٤ آن چیزی که ما دنبال می‌کردیم و دنبال خواهیم نمود بر طرف خشک‌سالی است و زمانی ما می‌توانیم بگوییم خشک‌سالی برطرف شده است که دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و سفره‌های زیرزمینی به حال خود بر گردد، آیا تنها یک سانتیمتر چاه‌های عمیق ما بهبود بخشیده شده؟ آیا زمین ایران که به علت خشک‌سالی دائماً می‌لرزد از لرزه نجات یافته است؟ آیا از روند کوچک شدن دریاچه‌ی ارومیه و ... جلوگیری شده است؟** جواب منفی است، لذا توصیه می‌کنیم از کار و تلاش دست برنداریم هر کس هر کاری را که انجام داده انجام دهد تا خشک‌سالی به صورت کامل از ایران بیرون شود، عزیزانی که مطالب علمی دانشگاهی را دنبال می‌کنند و یا کسانی که برای مبارزه با گناه و امر به معروف و نهی از منکر تلاش می‌کنند و یا دوستانی که هر هفته نماز باران می‌خواهند و ... بنده بعد از جریان گفتمان آب به وضوح مشاهده کرده‌ام که جامعه با این تلاش بسیار امیدوار شده و دارای تحرک بسیار بالا باهدفی مشخص حرکت می‌کند و این جنب و جوش و تحرک بسیار فایده دارد و مطمئناً ما را به نتیجه می‌رساند، همه بدانند ما برای رفع خشک‌سالی تلاش می‌کنیم، **ما تا سفره-های آب و چاه‌ها و رودخانه‌ها را به حالت قبل از خود بلکه بهتر از قبل بر نگردانیم تلاش خواهیم نمود و به هیچ عنوان ناامید نمی‌گردیم.**

**۱۵ خشک‌سالی ایران علت داشته و بی‌علت نبوده و فرقی هم نمی‌کند که این علت را از منظر علم روز بررسی نماییم و یا اینکه از منظر دین بررسی کنیم، آیا آن علت از بین رفته است و یا اینکه علت همچنان باقیست؟ اگر علت خشک‌سالی وجود**

**دارد همچنان معلول آن باقیست، حال ممکن است بگویید علت خشک‌سالی سوء مدیریت بوده و یا اینکه علت گناه و ربا و ظلم و دروغ و ... است، باید برای بر طرف شدن علت تمامی تلاش را انجام داد،** مضافاً بر اینکه ما در جریان داعش مطرح نمودیم که ما وارد جنگ‌های اکوسیستمی شده‌ایم و لذا **یکی از علل مشکلات اقلیمی مانند زلزله‌ها و گرمی زمستان و عدم نزول باران و هجوم یک‌باره کولاک و سرما ... هارپ می‌باشد لذا بنا بر عقیده‌ی بنده هر گاه ما بخواهیم متوجه آب شویم و برای حل مشکل خشک‌سالی اقدام نماییم دشمن از همان راهی که خشک‌سالی آورده است، از همان راه کمی باران و یا برف برای ما رها می‌کند تا ما دوباره در غفلت فروریم، بعلاوه اینکه با تغییرات آب و هوا ما را فلج می‌کند.**

**۱۶ باید بدانیم حتی اگر سیل هم بیاید ما در خشک‌سالی عظیمی قرار داریم و باید تلاش دائمی کنیم تا از بلای جهانی نجات یابیم،** غفلت ورزیدن از این امر چیزی است که دشمن ما توقع دارد و برنامه‌ریزی می‌کند، قبلاً در رابطه با ارتباط سیل و خشک‌سالی توضیح داده‌ایم باز هم مطلب را بیان می‌کنیم.

**۱۷** نکته دیگر در مورد کسانی که می‌گفتند **انفطار السماء انجام شود و آمادگی لازم نیست، ما با یک برف کوچ شاهد بودیم چه مقدار مشکلات برای راهداری ما به وجود آمد در حالی این برف و باران و سرما در مقابل آنچه که ما می‌گفتیم بسیار کم و ناچیز بوده و می‌باشد، اگر انفطار السماء در ایران اتفاق بیفتد در طول مدت ۹ ماه ما نزولات آسمانی و سرمای زیادی خواهیم داشت و بدون آمادگی ضرر آن روش غیرعادی برای ما مصیبت خواهد بود،** انفطار السماء یعنی شیب‌دار نمودن سقف تمامی آسمان به سمت ایران و ایجاد چاله‌ی جوی درون آسمان ایران و سرازیر شدن باران و برف زیاد در ایران با روش غیرعادی.

۹۶,۱۱,۸ علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@
اینستاگرام:۹۶khoshksali ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۸۸ از** کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی- **هشدار سه کارشناس در مورد بحران آب**

به عقیده ما ایران و جهان وارد خشک‌سالی عظیم و وحشتناکی گردیده است لذا از وزیر محترم نیرو تقاضا داریم: طرح‌های خود را برای عموم ارائه دهند تا با کمک هم بتوانیم از این بلای خانمان‌سوز نجات پیدا کنیم، اگر هم طرح و برنامه‌ای ندارند با شجاعت تمام اعلام نمایند، لازم به ذکر است تمامی لحظات برای ما ارزشمند بوده و هر آن‌قدر که دیرتر برای برون‌رفت از این بحران تلاش نماییم بلای بیشتری به ما می‌رسد، اگر امروز تلاش ننماییم آیندگان در مورد ما بد قضاوتی خواهند نمود و ما را نمی‌بخشند هیچ، بلکه لعن و نفرین آیندگان را نیز برای ما به ارمغان خواهد داشت؛ اکتفا نمودن به آب‌های زیرزمینی و عدم تولید آب به معنای هلاکت و دزدی از نسل آینده و خراب نمودن دستاوردهای گذشته و حال و آینده می‌باشد، که متأسفانه ما به این سمت در حال حرکتیم.

**۱ نشست نمایش مستند مادر کشی دی‌ماه ۱۳۹۴، دانشگاه فردوسی مشهد دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، استاد دانشگاه: (مافیای آب)**

دوستان یا نمی‌دانند یا نمی‌خواهند، مدت‌ها مسئولین، کسانی که درباره آب حرف می‌زنند به اصل قضیه و به اسرار مگوی آب و پشت پرده آب بحث کنند. ۳۰ سال تمام، فقط ۳ درصد بودجه وزارت نیرو درباره آب زیرزمینی بوده که می‌گویید ۷۰۰ هزار چاه هست و دشت‌ها خشک شد و ...، برای اینکه **توی آب زیرزمینی، شرکت‌های گردن کلفت مشاور، نمی‌توانستند بروند طرح‌های میلیاردی بگیرند!** آنجا پول نبوده! ۹۷ درصد پولِ آب رفته توی آب‌های سطحی. **رفتند که سد بسازند چون میلیاردها پول هست، رفتند شبکه بزنند چون میلیاردها پول هست!** صنایع بسیار بزرگی پشت آن چرخیده! **یک مافیای بسیار پیچیده حول محور اقتصاد آب در ایران تشکیل‌شده، این قدر این مافیا پیچیده شده، مثل ماهی که توی آب هست و شنا می‌کند و مثل ما که توی هوا هستیم و معنی هوا را نمی‌فهمیم، بنده و دکتر داوری و علیزاده و ... معنی آن مافیا را نمی‌فهمیم چون داخلش نیستیم، بازیچه آن‌ها هستیم!** باید افشا کنیم بگوییم سرطان وجود دارد، تو سرطان داری، این سرطانش دزدی و مافیا و قاچاق و پول درآوردن شرکت‌های عظیم هست پشت آب، همان معاون وزیر، من که این

حرف را می‌گویم، راهم نمی‌دهد بروم توی اتاقش، **آن آقایی که شرکت گردن کلفت دارد و صدها میلیارد تومان، بلکه هزاران میلیارد تومان توی آب سود برده، برای استقبالش تا پایین آسانسور می‌آید! الآن چه کسانی دنبال این هستند که آب از تاجیکستان بیاورند؟ ۲۷ تا نماینده مجلس هستند! شما نماینده مردم و قانون‌گذار هستید یا تاجر آب؟ هیچ‌کس نیست به آن‌ها بگوید!** همه می‌خواهند خودشان را بچسبانند به آن‌ها که یک پولی هم گیرشان بیاید. شجاعت هم لازمه که بگوید آقای وزیر نیرو! **توی این آب دارد میلیاردها دزدی می‌شود!** لااقل عقده دل من استاد که حل می‌شود. لااقل من می‌توانم بگویم که دیگر نادان نیستم! **همش می‌گوییم تقصیر مردم هست، فرهنگ مردم را باید درست کنیم، فرهنگ این دزدهای گردن کلفتی که بالا نشسته‌اند باید درست بشود! اصلاً مدیران میانی جرئتش را ندارند، خدا شاهد هست اگر یک مدیر میانی، مدیر میانی یعنی در حد مدیرعامل شرکت آب، در حد مدیرعامل آبفا، بخواهد پا توی کفش آن مافیا کند، صبح او را عزل می‌کنند. مافیای آب پولش از کجا می‌آید؟ از مصرف می‌آید، نه از کاهش مصرف! آب سد دوستی که می‌آید به مشهد، متری چند تمام می‌شود؟ ۳۸۰۰ تومان. متری چند به مردم می‌فروشید؟ ۱۲۰ تومان، اصلاً بگوییم ۵۰۰ تومان، ۳۳۰۰ تومان دارید یارانه می‌دهید به آن مافیای گردن کلفت! متری ۳۸ ریال حاضر نیستند برای فرهنگ‌سازی کاهش مصرف بدهند، چون اگر کاهش مصرف پیدا بشود، به ایشان ضرر می‌رسد.**

**<u>۲ محمد درویش مدیرکل دفتر آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست: (کدورت ایرانی با ایرانی بر سر انتقال آب)</u>**

**در صورت تداوم غلبه تفکر سازه‌ای در مدیریت آب، یعنی تفکری که منجر به سدسازی مداوم و اجرای طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای می‌شود، بیم آن می رود که جنگ آب در ایران شدت پیدا کند. اکنون نشانه‌هایی از کدورت میان خوزستانی‌ها و اصفهانی‌ها بروز کرده و هم‌وطنان خوزستانی به شدت به تعدد طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای و سدسازی‌ها اعتراض دارند. همچنین این‌گونه اختلافات میان هم‌وطنان ما در منطقه سامان در سر شاخه‌های کوهرنگ با کاشانی‌ها وجود دارد که به شدت درباره تونل گلاب ۱ و ۲ اعتراض دارند. بختیاری‌ها نیز درباره طرح بهشت‌آباد با اصفهانی‌ها اختلاف دارند و مردم منطقه ناقان با بروجنی‌ها درباره**

طرح انتقال آب سبز کوه مشکل‌دارند. همچنین مردم الیگودرز با مردم قم درباره حقابه به شدت مشکل‌دارند و مردم منطقه تالوار هم اعتراضاتی به دلیل سدی که قرار است در زنجان افتتاح شود و هنوز افتتاح نشده دارند. همچنین مردم منطقه میناب در هرمزگان به شدت نسبت به احداث سد استقلال معترض هستند و معتقدند حقابه تالاب جلگه حاصلخیز میناب برای نیازهای صنعت و شرب به بندرعباس انتقال پیدا کرده است. در منطقه ورزنه همین مشکل را مردم شرق اصفهان با یزدی‌ها دارند و مردم زرین گل در علی‌آباد کتول نیز با مردم شاهرود و سمنان درباره طرح انتقال آب مشکل‌دارند. لذا دولت باید به جای غلبه این تفکر در مدیریت آب کشور و برهم زدن تراز آبی حوزه‌های آبخیز کشور که منجر به بروز کدورت‌هایی میان مردم می‌شود که حتی اگر مشکل آب حل شود، ممکن است این کدورت‌ها تا چند نسل باقی بماند، از روش‌های جایگزین و کم خطرتر استفاده کند. لذا اکنون جنگ آب در کشور وجود دارد اما می‌توان آن را در مرحله کنونی مهار کرد و اجازه نداد شدت پیدا کند. لذا قبل از آنکه این منازعات شدت یابد تا وزارت کشور ناچار شود وارد عرصه شود، بهتر است وزارت نیرو این بحران را حل و فصل کند. ما در منطقه سبلان که دیگر نباید با کمبود آب روبرو باشیم؛ درحالی‌که اکنون در منطقه آبی‌بیگلو با نشست زمین روبرو هستیم. یا به طور مثال چرا در منطقه چهارمحال بختیاری که ۱۰ درصد آب های سطحی ایران از این منطقه سرچشمه می‌گیرد باید ۶۰ روستا بدون آب بمانند؟! مجموع آب شربی که ۷۸ میلیون ایرانی برای یک سال نیاز دارند ۸ میلیارد مترمکعب است. این رقم را مقایسه کنید با ۱۰ میلیارد مترمکعب که کشورهای حوزه خلیج‌فارس فقط از طریق آب‌شیرین‌کن‌ها تأمین می‌کنند درحالی‌که مجموع جمعیت کشورهای حوزه جنوبی خلیج‌فارس نصف جمعیت ایران هم نمی‌شود. من یک لابی و مافیای قدرتمند در بخش آب وجود دارد که فقط ۱۰۰ هزار نفر کارشناس ارشد و دکترا در این مافیا و شرکت‌های اقماری وابسته به وزارت نیرو حقوق می‌گیرند و تداوم حیات این‌ها به طرح‌های انتقال آب بین حوزه‌ای و سدسازی است و به هیچ‌وجه حاضر نیستند روش خود را تغییر دهند. اکنون حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در این حوزه هزینه شده و برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام نیازمند ۱۵۰ هزار میلیارد تومان دیگر هستند و این واقعاً وسوسه

**برانگیز است. لذا علت مسئله منافع اقتصادی ماجرا است که اجازه نمی‌دهد بخش‌های دیگر، متوازن با آموزه‌های توسعه پایدار در کشور رشد کنند و شاید شکل‌گیری برخی بحران‌ها باعث شود آدرس‌های اشتباهی که داده می‌شود تصحیح شود. ما اکنون با بحران جدی تری در کشور روبرو هستیم و آن بحران از دست رفتن خاک ایران است که حتی مهم تر از بحران آب می‌باشد. اگر این خاک که برای تولید یک سانتیمتر آن بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ سال زمان لازم است از دست برود به هیچ‌وجه قابل جبران نیست. اکنون در خوش‌بینانه‌ترین حالت سالانه دو میلیارد تُن خاک ایران در اثر فرسایش از بین می رود و با توجه به اینکه ارزش هر تُن خاک ۲۸ دلار است یعنی سالانه ایرانیان ۵۶ میلیارد دلار از دست می‌دهند که حداقل ۲ برابر ارزش صادرات نفت ایران است و هیچ کس متوجه این خطر نیست. این‌ها همه در حالی است که سال گذشته رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۷ اسفند خود عنوان کردند بحران خاک به مراتب جدی تر از بحران آب است و باید برای بحران خاک فکری کرد. در** یک برآورد خوش‌بینانه **دست کم ۸۰ درصد بحران آب در ایران ناشی از مدیریت نامتوازن با توانمندی‌های اکولوژیکی سرزمین ایران است و تنها ۲۰ درصد آن ناشی از تنگناهای اقلیمی و خشک‌سالی است.**

**<u>۳ سخنان عیسی کلانتری (رئیس سازمان محیط‌زیست) (بحران آب):</u>**

**بحران آب در ایران هنوز برای بسیاری از اقشار جامعه به یک باور تبدیل نشده است**؛ چرا که به باور انبوهی از مردم، این سرزمین همیشه با مشکل کم آبی دست‌وپنجه نرم کرده و حالا هم وضع بحرانی نیست! همین نگاه تا چندی پیش در بدنه مدیریتی کشور هم دیده می‌شد و کسی باور نداشت که مشکل‌داریم. بحث گسترده کردن جمعیت تازه و بیشتر ایرانی در عرصه‌های خاکی ایران هم یکی از همین استدلال‌ها بود که در دوره‌های اخیر مطرح می‌شد .در **سال‌های گذشته وزارت نیرو جرئت اعتراف به واقعیت را نداشت**؛ اما حالا بحران خشک‌سالی به اندازه‌ای رسیده که مسئولان متوجه قهقرای کشور شده‌اند، زیرا در حال حاضر ۷۰درصد جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ مترمکعب آب در سال زندگی می‌کنند و این **از نظر استانداردهای جهانی یعنی رخداد فاجعه بزرگ** .ایران **با بهره‌برداری از ۹۷درصد آب‌های سطحی خود عملاً تمام رودخانه‌های خود را خشک کرده است** و دیگر آبی

در طبیعت باقی نمانده است .این موضوع به معنای آن است که **اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند** .مسئولان دولتی تا امروز باور نداشتند که کشور دارد رو به قهقرا می‌رود و **حالا متوجه این موضوع شده‌اند که کمی دیر است؛** مطابق با استانداردهای جهانی درصد بهره‌برداری از آب‌های سطحی نباید بیشتر از ٤٠درصد باشد. این در حالی است که بیشتر کشورهای پیشرفته حد ایده‌آل بهره‌برداری برای حفظ منابع آبی خود را لحاظ کرده‌اند که حداکثر ۲۵درصد برداشت است **.تنها دو کشور در جهان وجود دارد که با بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب‌های سطحی در معرض بحران جدی قرارگرفته‌اند و آن دو کشور ایران و مصر است.** این در شرایطی است که میزان بهره‌برداری از آب‌های سطحی در مصر به ٤٦درصد و در ایران با اختلاف فاحش به ۹۷درصد رسیده است. برای این‌که عمق فاجعه را بهتر متوجه شوید عملکرد برخی از کشورهای جهان را در بهره‌برداری از آب‌های سطحی سرزمینشان مرور می‌کنیم: ژاپن ۱۹درصد، آمریکا ۲۱درصد، چین ۲۹درصد، هند ۳۳درصد و در کشوری مانند اسپانیا که از لحاظ اقلیم و ویژگی‌های جغرافیایی به ایران شباهت دارد تنها ۲۵درصد .این موضوع به آن معنی است که **حتی در صورت بارش ایده‌آل و نفوذ آب به زیرزمین، جایی برای ذخیره آن وجود ندارد، در نتیجه آب در سطح خاک جاری‌شده و تبخیر می‌شود.** این موضوع شورتر شدن خاک و از دست رفتن حاصلخیزی آن را به دنبال داشته است. **در حال حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطحی رسیده است که آن شهرها از نظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرده» تعبیر می‌شوند.** به عنوان مثال در حال حاضر شاهرود و نیشابور از نظر هیدرولوژی شهر مرده به حساب می‌آیند و بخش عمده‌ای از شهرستان رفسنجان نیز شهر مرده تلقی می‌شود .مطابق **برآوردهای علمی، منابع کشش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و در آینده نه چندان دور حدود ۷۰درصد جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، کدام کشورها حاضرند ٤٠ تا ۵۰میلیون ایرانی را اسکان دهند؟! در** حال حاضر در جزیره ماندیل هند ادامه سکونت غیرممکن شده است و این جزیره گاه و بیگاه به زیر آب می‌رود. این در شرایطی است که ماندیل تنها ۳۰۰هزار نفر جمعیت دارد اما دولت هند برای

انتقال این جمعیت دچار دردسر شده است. **ما چگونه می‌خواهیم برای اسکان قریب به ۵۰میلیون نفر ایرانی چاره‌اندیشی کنیم؟** خود بنده در زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی به خانم دکتر ابتکار شخصاً نامه نوشتم و **گفتم واقعاً آب نیست و از لحاظ منابع آبی داریم رو به بحران می‌رویم. ایشان بی‌توجه شد و گفت چنین چیزی نیست!** سازمان محیط‌زیست در ایران تا امروز یک **سازمان مرده و تشریفاتی بوده است.** همین الآن آقایان هنوز دارند درباره خودکفایی در محصولات کشاورزی صحبت می‌کنند. برای نوشتن برنامه ششم دوباره موضوع خودکفایی را به میان کشیدند که من برگشتم به آقای نوبخت گفتم تو را به دین و ایمانت بگو این مزخرفات را کنار بریزند .با این منابع آبی موجود و در صورت استفاده از مدرن‌ترین تکنولوژی‌های صنعتی و در صورت فرض محال رسیدن به بهره‌وری ۱،۵درصد **تا سال ۱۴۰۴ تنها می‌توانیم برای ۳۳میلیون نفر غذا تولید کنیم.** این در شرایطی است که بهره‌وری ما در حال حاضر تنها ۰,۲درصد است. آمار و ارقام و گزارش علمی ارائه دادم. **گفتم اگر می‌خواهیم به جمعیت ۱۵۰میلیون نفر برسیم قبل از هر چیز باید منابع آبی را نجات دهیم و پس از آن توان تولید ما در کشاورزی، تأمین غذا برای ۳۳میلیون نفر است برای تأمین غذای بقیه جمعیت باید به واردات فکر کرد .در** بسیاری از موارد شیرین کردن آب شور صرفه اقتصادی ندارد. جالب است که بدانید **اشتباه‌های مدیریتی سال‌های گذشته باعث شده است که ما هزینه کلانی بدهیم و آب شیرینمان را به آب شور تبدیل کنیم آن هم آب شوری که غلظت نمک آن ۳،۵ برابر غلظت نمک آب دریای عمان است !در** سال ۵۱ آمریکایی‌ها به ایران آمدند و درباره پروژه احداث سد گتوند پژوهش کردند. طبق گزارش آمریکایی‌ها محل سد باید ۱۴،۵ کیلومتر پایین‌تر از مخزن سد قرار می‌گرفت. علت این موضوع وجود گنبدهای نمکی گزارش شده بود اما مدیران وقت این گزارش‌ها را خیانت آمریکا به ایران دانستند و سد را روی گنبدهای نمکی احداث کردند. در آن زمان ۱۳۰میلیارد تومان هزینه شد تا پتوی رسی روی گنبدهای نمکی قرار بگیرد اما با اولین آبگیری تمام پتوهای رسی از بین رفته و آب شیرین پشت سدها به آب شوری تبدیل شد که غلظت نمک آن ۳,۵ برابر غلظت نمک آب دریای عمان است. حالا این سد با مجموع سرمایه‌گذاری ۳هزار و ۶۰۰میلیارد تومان علاوه بر شور کردن آب شیرین، سالانه ۳,۵ تن نمک به اراضی

خوزستان اضافه می‌کند و خاک حاصلخیز منطقه را شور کرده است .در زمان آقای احمدی‌نژاد، به ایشان اعلام شد اشتباه دوم را انجام نده و سد را آبگیری نکن که آب شیرین به آب شور تبدیل شود اما ایشان کار را به پیمانکار واگذار کرد تا دو خط لوله به طول ۲۷۰ کیلومتر از زیر سد رد کنند. برای این کار ۲هزار و ۲۰۰میلیارد تومان هزینه شد که در نهایت از لوله‌ای به قطر یک متر و ۱۰ سانتی‌متر تنها ۲۰۰ لیتر آب خروجی داشته باشیم. مشکل ما نه‌تنها به برداشت بی‌رویه آب مربوط می‌شود که **سدسازی‌های بی‌حساب و کتاب به این مشکلات دامن زده است.** مسئولان ما از سدسازی به عنوان سند افتخار خود یاد می‌کنند اما از بس سد ساخته شده است دیگر در رودخانه‌ها آبی جاری نمی‌شود. **در حال حاضر ٤٢درصد روان آب‌ها به دلیل سدسازی کاهش داشته و به خشک شدن بسیاری از رودخانه‌ها منجر شده است .** برای این‌که بتوانیم ظرف ٥ تا ٦سال آینده به حالت نرمال برسیم باید سطح برداشت آب از منابعمان را به نصف برسانیم و کار را باید از همین امروز شروع کنیم چرا که تا الآن هم دیر شده است. باید سطح برداشت آب از ٩٦میلیارد مترمکعب به ٥٦میلیارد مترمکعب برسد. این موضوع در حال حاضر برای ما ۲۰ تا ۲۵هزار میلیارد تومان هزینه دارد این در صورتی است که در دوره خاتمی این موضوع را تنها با ۵۰ تا ۱۰۰میلیارد تومان هزینه می‌شد مدیریت کرد اما متأسفانه **مدیران کشور تا امروز باور نداشتند که بحران جدی است و حالا این موضوع کم‌کم دارد بین دولت‌مردان جا می‌افتد** و البته **این هزینه گزاف هم برای نجات تمدن ایران و کشور ضروری و غیرقابل اجتناب است. آب، نفت نیست. بلایی که ما سر نفت آوردیم را نمی‌توانیم سر آب بیاوریم زیرا حیاتمان و موجودیت کشور به آب بستگی دارد.برای اجرای سیاست‌های نجات‌بخش آب باید جدیت داشته باشیم و از واکنش عده‌ای نترسیم. بحران آب دیگر شوخی بردار نیست. دولت باید برای نجات کشور از بحران خشک‌سالی جسارت و جدیت بیشتری به خرج دهد. همسایگان ما منابع کافی برای صادرات آب شیرین را در اختیار ندارند، در این زمینه با چند کشور نیز مذاکره شده اما نتیجه‌بخش نبوده است.** به عنوان مثال تاجیکستان اعلام کرد آبی برای صادرات ندارد و جمهوری آذربایجان نیز حاضر شد سالانه ۱۵۰ تا ۲۵۰میلیون مترمکعب آب به ایران انتقال دهد

آن هم برای مدت محدود که با هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل و میزان ناچیز توافق شده، این طرح توجیه اقتصادی کافی ندارد. متن خلاصه‌ی می‌باشد

**علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@ اینستاگرام:khoshksali۹۶ ۰۹۱۹۸۸۴۴۷۹۸-**

**۹۶,۱۱,۱۰**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۸۹** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- هشدارهای پروفسور کردوانی در رابطه با بحران آب

اعلام می‌داریم تمامی راهکارهای موجود در رابطه با بحران آب را نقد نموده‌ایم اگر راهکار نجات بخشی دارید ارائه دهید و الا راهکارهای ما را عمل کنید تا نجات یابیم و نجات دهیم قطره‌ی ۷۳ راهکار عادی یک ساله می‌باشد که مشکل هزینه‌ها و مابقی مشکلات را نیز حل نموده‌ایم.

**٤ هشدارهای پروفسور پرویز کردوانی، پدر علم کویرشناسی ایران**

در نشست‌های مختلف، بارها در مورد غارت شدن آب و تبدیل کشور به بیابانی بزرگ هشدار داده است، این‌بار این استاد نمونه دانشگاه تهران و پدر علم کویرشناسی ۸۳ساله ایران و عضو انجمن متخصصان محیط‌زیست ایران، در جمع کارکنان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی حاضر شد و به سخنرانی خود را در مورد بررسی مسائل و مشکلات منابع آب کشور در راستای تدوین برنامه ششم توسعه ارائه داد که **در این نشست، بر عمیق‌تر شدن عمق چاه‌های آب، نابودی استان‌ها با انتقال آب، متروکه شدن روستاها، تشدید معضل ریزگردها با خشک شدن رودها و تالاب‌ها و به‌طورکلی غارت شدن آب، هشدار داد** که در ادامه آورده می‌شود. **آب ایران با بی‌توجهی تمام در حال غارت شدن است و از سوی دیگر، تمام توجه مسئولان به دغدغه‌های شهری است و توجهی به مصرف بی‌رویه آب ندارند و اگر هم تصمیمی در این زمینه اتخاذ شود، دیر است.**

سمیناری ویژه آب در وزارت کشور برگزار شد که از بنده نیز دعوت کردند، اما نرفتم، زیرا چنین سمینارهایی برای رسیدگی به معضل، بسیار دیر است. گزارش**ها و اطلاعات در مورد بحران آب نشان می‌دهد کشاورزی در استان‌های مختلف در حال تعطیل**

**شدن است. آب چاه‌ها همچون پس‌انداز است و در زمان بحران باید از آن استفاده کرد، متأسفانه سدها آب دارد، اما وزارت نیرو آن را به روی مردم باز نمی‌کند که همین امر سبب شده تاکنون ٦٠ درصد مصرف آب شرب از چاه‌ها باشد، با چنین تصمیماتی باید برخورد شود. کسی** باور نمی‌کند آب نیست

دستور تشکیل شورای عالی آب هم صادر شده است، اما چنین اقدامی دیگر فایده‌ای ندارد، زیرا **امروزه کسی باور نمی‌کند آب نیست و کشور با بحران کم آبی مواجه است؛** اما نشانه‌های آن را می‌توان در گوشه‌وکنار کشور مشاهده کرد که نمونه آن، **خالی از سکنه شدن روستاهاست، شرایط ما هر روز در حال بدتر شدن است و از سوی دیگر، همواره شعار صرفه‌جویی می‌دهیم.** طبق گفته‌های نوبخت، رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۲۲ میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای خروج از رکود برداشت شده است که قسمتی از این اعتبار یعنی ۲۱۰ میلیارد تومان به کشاورزان اصفهان داده‌اند تا کشاورزی نکنند؛ اما متأسفانه **شاهد وضعیت اسفبار رودها و دریاچه‌ها هستیم که نمونه آن کارون است، در کارون سبزی کشت می‌شود و قسمتی از کارون به نخاله زباله تبدیل شده است.** از سوی دیگر، طی چند روز گذشته تصمیم‌گیری شد که آب کارون به چهارمحال‌وبختیاری سپس به اصفهان، یزد و کرمان برود و هیچ‌کس به این موضوع توجه ندارد که آب در حال تمام شدن است. **در استان اصفهان تا شعاع ٥٠ کیلومتر شهرک صنعتی زده‌اند و توسعه بدون برنامه‌ریزی صورت گرفته که سبب عمیق‌تر شدن چاه‌ها و خشک شدن زاینده‌رود شده است.** در مورد راهکارهای خروج از این وضعیت باید گفت روش مصرف را باید عوض کرد و از سوی دیگر، باید مانع توسعه بدون برنامه‌ریزی شد. خشک شدن **چاه‌ها، رودها و دریاچه‌ها و همچنین بیابانی شدن ایران، تبعات و پیامدهای مختلفی به دنبال دارد که نمونه آن بروز ریز گردهاست، زمین‌های کشاورزی استان‌های مختلف ازجمله اصفهان که طی۲۰ سال گذشته در آن کشت صورت نگرفته، اکنون معضل ریزگردها را تشدید کرده است، دراین‌زمینه هشدارهای بسیار زیادی داده شده است اما گوش شنوایی برای آن نیست،** به عنوان مثال هشدار دادیم ۹۰ درصد چاه‌های رفسنجان باید بسته می‌شد، ضمن اینکه در دهه ٦٠ هم هشدار داده بودم در این منطقه باید فقط ٤٠ چاه فعال شود، اما ۳۵۰ چاه زده شد و اکنون

شاهد هزار و ششصد و پنجاه حلقه چاه در این منطقه هستیم که به دنبال این امر، **سالانه ۵۰۷ هکتار باغات رفسنجان در حال خشک شدن است.**
**میلیاردها تومان برای کارخانه‌ها خرج کردند؛ کارخانه‌هایی که نیاز به آب داشت و آب کشاورزان را به کارخانه‌ها دادند و اکنون همین بخش صنعت خواهان انتقال آب است. بی‌تدبیری و غیرکارشناسی‌بودن تصمیمات مسئولان نیز به مشکل کم آبی دامن زده است، به عنوان نمونه در کردستانی که سالانه ۵۰۰ میلی‌متر بارندگی دارد و دارای پنج رود است؛ رودهایی که تأمین‌کننده ۲۰ درصد آب مورد نیاز هستند، اما امروز آب این استان به دیگر مناطق منتقل‌شده و خود کردستان با مشکل کم آبی روبه‌رو شده است. مسئولان کشور صنعت پتروشیمی، فولاد و آلومینیوم را به بندرعباس برده‌اند، چنین صنعت‌هایی به آب زیادی نیاز دارد و از سوی دیگر، بندرعباس با مشکل تأمین آب جدی روبه‌رو است، چرا باید چنین تصمیماتی اتخاذ شود؛ استانی که حتی در تأمین آب شهروندان خود نیز درمانده است.** امروزه افرادی هستند که ماشین زیر پایشان سه میلیارد تومان قیمت دارد، اگر بنزین لیتری صد هزار تومان هم باشد، مجبور هستند آن را خریداری کنند، زیرا ماشین سه میلیاردی بدون بنزین بدون استفاده خواهد بود، همین وضعیت را در مورد کارخانه‌ها شاهد هستیم، کارخانه‌هایی که آب ندارند و صاحبان آن برای جلوگیری از تعطیل شدن آن، خواهان انتقال آب هستند.

**درحال‌حاضر شاهد هشدار و ممنوعیت‌هایی از سوی مسئولان هستیم که این هشدارها، تنها برای مردم و کشاورزان است، دراین‌زمینه می‌توان گفت دشت ممنوعه فقط برای کشاورز درمانده ممنوع است، اما دیگران از آن استفاده می‌کنند، در استان‌های مختلف ازجمله خراسان، کرمان و یزد دشت ممنوعه وجود دارد، اما ممنوع بودن آن فقط برای کشاورز است** و از سوی دیگر **چاه‌های نیمه عمیق به عمیق تبدیل شده است که به نوعی غارت آب صورت گرفته است، با چنین وضعیتی به کجا می‌رویم؟** به وزارت نیرو می‌گوییم دیگر آبی وجود ندارد، می‌گویند کف کنی کنید! امروز **قانون برای همه یکسان اجرا نمی‌شود، کشاورزان نیز از این وضعیت خسته شده‌اند که نشانه و تبعات آن فروش زمین‌های کشاورزی و مهاجرت کشاورزان به سمت تهران و کلان شهرها است.** تاکنون شاهد حفر چاه‌های بسیار

زیادی در استان‌های کشور بودیم، گویا آب این چاه‌ها فقط برای کشاورزی ممنوع است. **وضعیت اسفبار کم آبی را از آمار مهاجرت می‌توان متوجه شد. هر پنج سال یک‌بار آمار مهاجرت استخراج می‌شود اما در یزد استخراج آمار هر ماه است؛ زیرا ۸۵ درصد روستاهای یزد تعطیل و خالی از سکنه شده** که یکی از دلایل آن، این است که آب این استان به صنعت داده شده است. مسئولان **می‌گویند ۵۵ درصد مواد غذایی از خارج تأمین می‌شود؛ چنین گفته‌ای دروغ است. وضعیت اسفبارتر از این آمارهاست؛ زیرا ۹۵ درصد روغن، چای، نان و گندم از خارج تأمین می‌شود. سازمان ملل هشدار داده تا ۲۰ سال آینده مهم‌ترین مسئله کشورهای جهان، امنیت غذایی است...** به عنوان مثال ظروف یک‌بار مصرف در کشورهای پیشرفته کمتر استفاده می‌شود؛ زیرا تهدیدی برای محیط‌زیست است، یا برای جلوگیری از تشدید معضل ریزگردها به جای مالچ‌پاشی باید ریگ پاشی شود که مطابق محیط‌زیست است یا اکنون در دنیا شاهد این هستیم که آجر، مالچ و بنزین، اتانول و... مطابق محیط‌زیست تهیه می‌شود؛ اما وضعیت ایران در این میان چطور است، **اکنون نفت داریم، اگر چنین نعمتی نداشته باشیم وضعیتمان چه می‌شود؟** متأسفانه اکنون با درآمد نفتی اقدام به واردات می‌کنند که همین امر به تهدید و آسیب برای تولیدکننده‌ها از جمله کشاورزان تبدیل شده است. شهرها **به شهر سرطان آدم و روستاها به منطقه‌ای بدون آب و ریزگردها تبدیل شده است. از سوی دیگر بارندگی کم شده است، زیرا کره زمین در حال گرم شدن است و به دنبال آن بارندگی مناطق خشک، کمتر و مناطق پربارش، بیشتر می‌شود؛ بنابراین تعادل چرخه کره زمین از بین رفته است و باید به مردم گفت که به امید بارندگی نباشند. به عنوان مثال سطح آب در جهرم ۵۷۰ متر، در رفسنجان ٤٥٠ متر و در شهریار ۳۰۰ متر پایین رفته است؛ چرخه طبیعت با اقدامات نابجا نامتعادل شده است.** حدود یک سال ونیم است که هشدارها در مورد وضعیت بحرانی آب بیشتر شده است اما بحران آب خیلی زودتر از این زمان آغازشده و اکنون واقعاً آب نیست و **بسیاری از تالاب‌ها و چاه‌ها خشک‌شده‌اند. اکنون شاهد پرآب بودن استان‌های شمالی هستیم اما آب استان‌های شمالی ازجمله مازندران به دلیل استفاده بسیار زیاد از کود ازت برای کشت برنج، سمی شده است که یکی از دلایل افزایش سرطان معده در بین شهروندان این**

**استان‌ها، همین امر است. اکنون ۹۵ درصد آب این استان از آب‌های زیرزمینی است؛ در صورتی که برای مهار آب در این منطقه باید ده‌ها سد ساخته شود. در** مورد خشک شدن دریاچه ارومیه هم باید گفت که **دیگر امکان ندارد دریاچه ارومیه احیا شود، هر چقدر آب به دریاچه ارومیه ریخته شود به چاه می‌رود و دیگر محال است این دریاچه احیا شود. دلیل خشک شدن زاینده‌رود نیز همین است، زاینده‌رود را چاه خشک کرد و این رود نیز مانند دریاچه ارومیه محال است که احیا شود زیرا زمین‌ها به دنبال عمیق‌تر شدن چاه‌ها نشست کرده است یا در بهشت‌زهرا در گذشته وقتی حفاری صورت می‌گرفت، آب فوران می‌کرد اما درحال‌حاضر به دلیل حفاری بی‌رویه چاه، زمین در آن منطقه نشست کرده است یا حفر چاه عمیق به دلیل وجود نیروگاه‌های اطراف فامنین و کبودرآهنگ سبب شده تا آب چاه کل روستاهای اطراف خشک شود و به دنبال آن زمین‌ها نشست کند؛ بنابراین چنین نیروگاه‌هایی باید تعطیل شوند. امروزه شاهد هستیم که زمین نشست می‌کند یا پل‌ها کج می‌شود که به دنبال آن لوله آب و گاز می‌شکند؛ اما هیچ‌کسی نمی‌داند علت آن چیست. باید گفت علت آن برداشت بی‌رویه از آب زیرزمینی و حفر چاه‌های عمیق است.** در مورد راه‌اندازی قطار سریع‌السیر بین تهران و مشهد باید گفت مسئولان نباید اجازه دهند چنین طرحی اجرایی شود زیرا مسیر این قطار با سرعت ۳۰۰ کیلومتر از گرمسار، سمنان و شاهرود می‌گذرد، درصورتی‌که **در این مسیر هر لحظه امکان نشست زمین وجود دارد.** یکی از دلایل آن حفر چاه‌های عمیق و برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی است. **متأسفانه به دلیل بی‌توجهی‌ها در سال‌های گذشته، شاهد عمیق‌تر شدن چاه‌ها و تشدید ریزگردها و نشست زمین‌ها بوده‌ایم یا از سوی دیگر.** همچنین کویرها با آب‌های زیرزمینی زنده هستند، بسیاری از تولیدات ازجمله شیشه سازی، ذوب‌آهن، باروت سازی و فولاد ویژه کویر است اما کویرهای ما در حال ازبین‌رفتن است. درحال‌حاضر آب از ۵۵۰ متری استخراج می‌شود، البته لیموشیرین به جای آب استخراج می‌شود بنابراین **با چنین وضعیتی کشاورزی غیراقتصادی است و کشاورزان به آب از عمق ۵۵۰ متری دل‌خوش کرده‌اند.** شهرها، صنعت و کشاورزی را توسعه داده‌ایم و اکنون اول راه بهره‌برداری است؛ اما آب تمام شده است، هشدارهای زیادی داده‌ایم، اما فایده ندارد، اکنون مانند خانواده ٤٠نفره هستیم که همه مهندس و دکتر

شده‌ایم، اما زمینه‌ای برای فعالیت و درآمدزایی نیست. **آب فاضلاب را باید تصفیه کنیم، تهران رود ندارد، اما سه رود فاضلاب دارد، از این آب می‌توان در فضای سبز استفاده کرد، البته این در حالی است که برخی کشورها، آب فاضلاب را برای آشامیدن تصفیه می‌کنند.** دومین اقدامی که باید انجام دهیم، جمع‌آوری آب‌های سطحی است، به عنوان مثال **همدان ۳۳۰ میلی‌متر بارندگی دارد، اما آب در این استان کوهستانی جیره‌بندی می‌شود.** استفاده از آب شور نیز باید مورد توجه قرار گیرد، در حال حاضر در قم کارخانه آب‌شیرین‌کن راه‌اندازی شده است، البته ناگفته نماند **بعضی‌ها از دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن استفاده می‌کنند که سرطان‌زاست، وزارت نیرو باید بهترین و استانداردترین دستگاه را معرفی کند.** وزیر جهاد کشاورزی در ماه‌های گذشته اظهارنظری کرده است مبنی بر اینکه **گندم به آب زیادی نیاز دارد بنابراین در ایران نباید کشت شود و کشت آن باید در کشورهای دیگر انجام شود، اکنون ۵۰۰ هزار هکتار از زمین‌های خارج کشور توسط ایران کشت می‌شود، پرسش بنده این است که در دنیا نمونه بیاورید که چنین کاری شبیه ما انجام می‌دهند، همین کارشناسان، مملکت را به این روز انداخته‌اند.** در حال حاضر برخی کشورها از رطوبت ۳۰ درصدی، آب می‌گیرند، اما ما به دنبال مصرف بی‌رویه آب هستیم. از سوی دیگر، **شاهد تجارت آب هستیم، به گونه‌ای که امروز آب کشاورزان را خریداری می‌کنند و به کشاورزان می‌گویند برو سفر و خوش‌گذرانی. در** مورد انتقال آب نیز باید به مسئولان گفت **هر استانی را خواستید نابود کنید، آب به آن استان دهید یا اگر خواستید بچه‌ای را نااهل و خراب کنید، به آن پول دهید.** درحال‌حاضر شاهد انتقال آب خوزستان و دیگر استان‌ها هستیم در صورتی که نباید تعادل استان‌ها را با انتقال آب برهم زنیم. همین افغانستانی که به آن لطف کرده‌ایم، زابل را با خشک کردن دریاچه هامون نابود کرد تا دو سال دیگر، سد دوستی را هم خشک می‌کند، با سدی که افغانستان احداث می‌کند، ۷۵ درصد سد دوستی خشک می‌شود. بخش خصوصی بی‌رحم است، **بخش خصوصی کار را به خوبی انجام می‌دهد، اما انصاف ندارد و بی‌رحم است.** مدیریت آب، دارای چهار رکن است که نخستین مورد، مدیریت جلوگیری از هرز رفتن آب و سدسازی است که باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد. در مورد سدسازی نیز باید گفت سدسازی همیشه بد نیست، البته در کنار سدسازی، باید

تعادل را حفظ کرد، یعنی اولویت‌بندی صحیح آب به ویژه آب سد و مدیریت در مصرف آب، باید مورد توجه قرار گیرد. در بخش صنعت می‌توان هفت بار از آب استفاده کرد، یا آب شرب در چرخه مصرف یک استان می‌تواند در سه بخش مصرف خانگی، شهرداری و ادارات مورد استفاده قرار گیرد. آب شرب مصرف خانگی در سه بخش آشپزخانه، حمام و حیاط می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، بنابراین الگوی مصرف باید داشته باشیم. از سوی دیگر، درحال‌حاضر **چهار شیوه مصرف آب ازجمله اسراف در مصرف، خسیسی در مصرف، استفاده بهینه از مصرف و هدر دادن آب وجود دارد که ما ایرانی‌ها، اولی یا آخری هستیم و هیچ زمان، تعادل را رعایت نمی‌کنیم. اگر بخواهیم در مورد وضعیت کم آبی تهران صحبت کنیم، درحال‌حاضر ۷۰ چاه دیگر نیز در تهران در حال حفر شدن است، با حفر چاه، آب زیاد نمی‌شود، بلکه آب زودتر تمام می‌شود.**

۹۶,۱۱,۱۰ علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:@hodhodbash
اینستاگرام:۹۶khoshksali ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

**بسم‌الله الرحمن الرحیم: قطره‌ی ۹۰** از کتاب هزار و یک قطره در رفع خشک‌سالی ایران از طریق غیرعادی در عرض چند ماه به کمک اسماء الله- **براندازی و تغییر به واسطه‌ی گسترش خشک‌سالی در ایران: یا خشکسالی را بر طرف نمایید و یا گوش کنید تا بر طرف شود.**

۱- «نشست جهانی حکومت» (World Government Summit) که هر سال در ماه فوریه به میزبانی دولت امارات متحده عربی و در دبی برگزار می‌شود، امسال شاهد حضور ۱۴۰ سخنران و بیش از ۴ هزار شرکت‌کننده از سراسر جهان بود. «فرانسیس فوکویاما» نظریه‌پرداز ۶۵ ساله‌ی ژاپنی-آمریکایی و استاد علوم سیاسی دانشگاه استنفورد که به خاطر نظریه‌ی خود درباره‌ی «پایان تاریخ» مشهور است از جمله سخنرانان این نشست ۳ روزه بود. **فوکویاما آشفتگی‌های اخیر در ایران را تا حدی ناشی از عوامل آب و هوایی همچون خشک‌سالی و کمبود آب دانست**

**که اغلب خشونت به بار آورده است و با دیگر عوامل بحران‌زا تداخل پیدا کرده است.** او اظهار داشت: «**بسیاری از ناآرامی‌های اخیر ایران ریشه‌های محیط‌زیستی داشت. منابع آب زیرزمینی بیش از حد استفاده شده است که خشک‌سالی ایجاد کرده است. بسیاری از خشونت‌ها در جهان به خاطر تغییرات آب و هوایی است**».

۲- **معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور حسین «ذوالفقاری»** در همایش استانداران، مدیران کل سیاسی و فرمانداران سراسر کشور: اگر دچار برخی غفلت‌های راهبردی شویم و پدیده‌ها را دقیق نشناسیم و درست تحلیل نکنیم، امنیت اجتماعی شده تبدیل به تهدید اجتماعی شده می‌شود. **تا آخر آذرماه حدود ۵ هزار تجمع عمده در کشور برگزار شد.** ذوالفقاری درباره حوادث دی ماه ۹۶ گفت: **ما در گذشته چنین پدیده‌ای نداشتیم** .ما با وضعیت متفاوت تری از گذشته مواجه‌ایم. **این اعتراضات بسیار سریع و عموماً در شهرهای کوچک گسترش یافت و خشونت در این اعتراضات بیش از همیشه بود. این اعتراضات عبور از همه جریان‌های سیاسی کشور بود و هیچ حزب یا گروه سیاسی یا مذهبی آن را رهبری نمی‌کرد.** معاون وزیر کشور تأکید کرد: **عمده دستگیرشدگان این اعتراضات، افرادی فاقد سابقه امنیتی بودند و ۸۵ درصد این افراد زیر ۳۵ سال سن داشتند.** در این راستا **باید توجه داشت که ۷۰ درصد کشور زیر ٤٠ سال هستند. بروکراسی پیچیده زمینه فساد را ایجاد می‌کند و مردم از این موضوع ناراضی‌اند،** درحالی‌که گاهی با تغییرات جزئی در قوانین می‌توانیم کار را به سرعت انجام دهیم. معاون امنیتی انتظامی وزیر کشور با طرح این سؤال که «چه باید کرد؟» گفت :**همه عادت کرده‌ایم به اینکه بگوییم چه اقداماتی باید انجام شود، اما کسی نمی‌گوید که من باید چه اقدامی انجام دهم.**

۳- **عیسی کلانتری** در چهارمین همایش منطقه‌ای تغییر اقلیم و گرمایش زمین در دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان: ایران کشور در حال توسعه است و **به دلیل عدم رعایت توسعه و عدم دقت در برنامه‌های توسعه‌ای تقریباً خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به محیط‌زیست وارد کرده‌ایم.** وی در ادامه بررسی روند تخریب محیط‌زیست در کشور با اشاره به اینکه برای تولید محصولات غذایی

نیاز به آب داشتیم، خاطرنشان کرد: برای این کار سد ساخته و چاه‌ها حفر شد و نتایج آن را می‌بینیم. **استانداردها عنوان می‌کند حق نداریم بیش از ۴۰ درصد از آب‌های تجدید پذیر را مصرف کنیم ولی ما چه کرده‌ایم؟ امروز ما ۱۱۰ درصد از این آب‌ها بهره‌برداری می‌کنیم.** کلانتری با بیان اینکه در سال ۸۵ عنوان شد که اصلاً منطقه ممنوعه آب معنایی ندارد، گفت: در پی این صحبت چه اتفاقی افتاد؟ امروز در خراسان رضوی ۱۳۲ درصد از آب‌های تجدید پذیر بهره‌برداری می‌شود. در حوزه دریاچه ارومیه ۶۹ درصد استفاده می‌شود. **علت خشک شدن این دریاچه در سال ۹۳ عنوان شد ۱۸ درصد به خاطر تغییر اقلیم و ۸۲ درصد نیز خطاهای انسانی بوده است. این‌ها چه چیزی را نشان می‌دهد.** این مسئول افزود: **ما ۵۱ میلیارد مترمکعب از آب‌های فسیلی خود را استفاده می‌کنیم؛ یعنی به حقوق نسل‌های آینده تجاوز کردیم.** تغییر اقلیم برای محیط‌زیست مصیبت است. کلانتری با بیان اینکه وقتی تصمیمات فنی تحت تأثیر قرار می‌گیرد این اتفاق رخ می‌دهد، گفت: **باید شجاعت داشته و اشتباهات را بپذیریم و تغییر روش دهیم.** وی گفت: دانش دانشگاه‌ها باید به داد سیاست‌گذاران برسد. متأسفانه تأثیر دانشگاه‌ها به تصمیمات مشهود نیست. این مسئول به وضعیت هوای خوزستان اشاره کرد و گفت: **اهواز ۱۰۰ روز است که هوای ناسالم و ۵۰ روز هوای بسیار خطرناک داشته است که این محصول اشتباهات انسانی است.** در نیمه دوم سال ریز گردها با منشأ داخلی است. **یکی پس از دیگری سد احداث کردیم، درحالی‌که سالی چند سیلاب در دشت خوزستان مانع ایجاد ریز گرد می‌شد ولی الان وضعیت چه شده است. خاک به‌مرور چسبندگی خود را از دست داد و الان شاهد ریز گرد هستیم. تالاب‌ها خشک شد، ریز گردهای نمکی ایجاد شد. بلایی بزرگ سر خوزستان آمده است.** اشتباهاتی کردیم و دلیل آن ندیدن مسائل به صورت پیوسته بوده است. وی ادامه داد: در عسلویه ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده و چون شرایط توسعه پایدار دیده نشده است، زیست در دو شهر هم‌جوار به معنای خودکشی است .چون فکر کردیم اگر شرایط زیست‌محیطی را رعایت نکنیم صرفه‌جویی کرده‌ایم، ولی چه اتفاقی رخ داده است. این مسئول ادامه داد: **ما چیزی را برای نسل بعد نداریم.** اصلاً محیط‌زیست، بازدارنده توسعه نیست.

محیط‌زیست اولین قربانی فقر است و باید باهم همزیستی کنند. **۸۰ درصد جمعیت دنیا کنار سواحل زندگی می‌کنند در ایران ۲ درصد مردم در سواحل زندگی می‌کنند و سواحل خالی از سکنه است.**

٤- **احمد، برنده جایزه «پروژه سانسورشده»** توضیح می‌دهد: **«نهادهای» سیاست خارجی آمریکا تأثیرات بحران آب در ایران طی چند سال گذشته را با دقت مورد بررسی قرار داده‌اند.** تحلیلگران دو اندیشکده آمریکایی در اظهاراتی بیان کرده است که: **اغتشاشات دی‌ماه ۹۶ در ایران علاوه بر موضوعات اقتصادی نظیر درآمدهای پایین، تحت تأثیر «انگیزه‌های بنیادین از جمله تأثیر تغییرات اقلیمی» بوده است.** احمد می‌نویسد: **ایران از دهه ۱۹۹۰ تا کنون دوره‌ای از خشک‌سالی‌های روزافزون و بسیار شدید را تجربه کرده است که عمدتاً نتیجه تغییرات اقلیمی بوده‌اند، اما به واسطه سوءمدیریت مقامات دولتی، تأثیر آن‌ها تشدید شده است. این مسئله بر تولید محصولات کشاورزی و زندگی کشاورزان روستایی تأثیر گذاشته و نرخ پیشاپیش بالای بی‌کاری در این کشور را بیش‌تر کرده است.** این کارشناس انگلیسی به مقامات ایرانی توصیه می‌کند تا **از سازمان ملل یا نهادی دیگر بخواهند و اجازه بدهند تا یک بررسی گسترده و مستقل در مورد چگونگی تأثیر سوء مدیریت ادامه‌دار بر بحران کم آبی در این کشور انجام شود، بحرانی که در صورت ادامه روند فعلی، طی سال‌های آینده موجب تشدید بحران ملی در ایران خواهد شد.** توصیه‌های حاصل از این بررسی می‌تواند منجر به سازمان‌دهی مجدد و جامع شرکت‌های کشاورزی و صنعتی این کشور باهدف تدوین سیاست‌های پایدارتر در زمینه مدیریت منابع آب و هم‌چنین افزایش تأثیرگذاری اقدامات در زمینه سازگاری با محیط‌زیست و کاهش اثرات مخرب تغییرات زیست‌محیطی شود.

٥- **محسنی اژه‌ای:** در خصوص اظهارات یکی از نمایندگان مجلس در خصوص **پروژه انتقال** آب و اینکه مربوط به **سید امامی** و طرحی صهیونیستی بوده گفت: تا الآن فرد خارجی در این پرونده بازداشت نشده است؛ اما **تردید نکنید که بحث نفوذ یک مسئله جدی است که در رأس آن آمریکا و اسراییل قرار دارند** .سخنگوی قوه

قضاییه گفت: **افرادی که می‌خواهند به صورت نفوذی کار کنند باید ظاهر خود را با محیط تطبیق دهند در غیر این صورت همه به او شک می‌کنند.**

٦- در بهمن ١٣٩٦ خبری مبنی بر دستگیری ٨ فعال محیط‌زیستی منتشر می‌شود و بعد از آن اعلام می‌گردد که یکی از دستگیرشدگان که فعال محیط‌زیستی و استاد دانشگاه امام صادق ع بوده است در زندان خودکشی نموده است که موضع‌گیری‌های متفاوتی در این زمینه ابراز می‌شود، اهم اتهام‌های عنوان‌شده پیرامون **جاسوسی از مراکز حساس و نظامی ایران و جاسوسی در حیطه‌ی محیط‌زیست و انتقال اطلاعات حساس از وضعیت محیط‌زیست کشور مخصوصاً در حوزه‌ی آب و خشک‌سالی و قحطی و مشاوره‌های غلط در حوزه مدیریت خروج از بحران خشک‌سالی و ناامید نمودن مسئولین از اینکه می‌توان در ایران مشکل آب را حل نمود و کشاورزی نمود و ارائه‌ی راهکار واردات محصولات کشاورزی و روی آوردن مسئولین به کشت فرا سرزمینی و واردات محصولات فرا ریخته و نفوذ در دانشگاهها و...** آن چیزی که بواسطه‌ی خودکشی کاووس سید امامی در ذهن تبادر می‌کند، این است که انگیزه‌ی این اقدام چه بوده است؟ آیا برای فاش نشدن دیگر اطلاعات و پنهان ماندن بقیه‌ی افراد این اقدام صورت گرفته است؟ بیان این نکته لازم است که فرد نام‌برده سال‌ها در دانشگاه به تدریس مشغول بوده است و البته یکی از مشاورین در حوزه‌ی محیط‌زیست بوده که برای حفظ یوزپلنگ ایرانی تلاش بسیاری نموده است و از این طریق بسیاری از افراد و چهره‌های معلوم‌الحال وارد ایران می‌شدند و برای حفظ یوز ایرانی هزینه‌ها و نشست‌های بسیاری انجام گردیده است درحالی‌که همه میدانیم اهمیت حفظ این حیوان نسبت به برون‌رفت ایران از خشک‌سالی به هیچ عنوان قابل‌مقایسه نیست، آنچه ما را بیشتر در اینجا هشیار می‌نماید اینکه واکنش‌های رسانه‌های خارجی و افراد معلوم‌الحال در بی‌ارتباط بودن جاسوسی محیط‌زیست و افراد نام‌برده بیش از حد معمول بوده است و تماماً تلاش نموده‌اند تا ارتباط افراد را با جاسوسی محیط‌زیست را انکار نمایند.

٧- **یکی از دست‌آویزهای مهم واشینگتن برای شوراندن مردم ایران علیه حکومت و پی‌گیری سیاست «تغییر حکومت از درون»، بحران کم آبی در ایران بوده است .**

سازمان‌های غیردولتی یا به اصطلاح مردم‌نهاد آمریکایی صراحتاً اعلام کرده‌اند که می‌توان از مسئله کم آبی و برخی نمودهای آن، از جمله وضعیت دریاچه ارومیه، سوءاستفاده و این بحران را نتیجه‌ی مدیریت ضعیف حکومت ایران ترسیم و به این ترتیب، مشروعیت و مقبولیت جمهوری اسلامی در میان مردم را متزلزل کرد و با ایجاد یک اعتراض عمومی به علت مشکلات اقتصادی ناشی از خشک‌سالی در میان کارگران و کشاورزان و به میدان آوردن جوانان و زنان زمینه‌ی تغییر در ایران را به وجود را آورد، لازم به ذکر است اعتراضهایی در اصفهان شروع شده است.

۸- **تلاش تیم دشمن برای تکرار وضعیت سوریه در ایران:** یکی از ابعاد بحران در سوریه که کمتر به آن خصوصاً در رسانه‌ها پرداخته‌شده بحث خشک‌سالی است که حدوداً ۵ یا ۶ سال قبل از آغاز جنگ در سوریه در این کشور شروع شد. درحالی‌که بین حدود سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ میلادی، این کشور با کاهش بارندگی رو به رو شد. این کاهش خصوصاً در سال ۲۰۰۸ میلادی از سال‌های دیگر شدیدتر بود. مسئله‌ی بعدی سدسازی‌های ترکیه بود که میزان آب ورودی به این کشور را کاهش داده و بر مشکلات کشاورزان سوری افزود. کشاورزان سوری عمدتاً در مناطق زندگی خود از رفاه قابل قبولی برخوردار بودند اما با از بین رفتن منابع آبی ناچار به مهاجرت به سمت شهرها شدند. این مسئله **دو مشکل را برای دولت سوریه به وجود آورد: اولاً: جمعیت در شهرها و حومه آن‌ها، شدیداً و به صورت ناگهانی افزایش پیدا کرد و بخش عمده این جمعیت کشاورز اصولاً کار دیگری بلد نبودند و دچار بیکاری و فقر شدند. ثانیا:حکومت سوریه به دلیل از دست رفتن بخش کشاورزی خود ناچار به افزایش ۱۰ برابری واردات مواد غذایی از جمله گندم و برنج شد.** بخشی از روند ایجاد نارضایتی در میان اقشار جامعه در سوریه که بعداً گروه‌های تروریستی مورد حمایت غرب و برخی دولت‌های عربی با سوءاستفاده از آن، جنگ مسلحانه را آغاز کردند. لذا بحران سوریه ناشی از برنامه‌ریزی غربی برای کاهش ورودی آب به این کشور و از دست دادن منابع و ثبات غذایی و ارزی بوده است؛ موضوعی که با توجه به سیاست خصمانه آن‌ها علیه ایران، تکرار آن نه تنها اصلاً بعید نیست، بلکه اجزای مختلفی از آن قابل رصد است. به عقیده بنده قدم به قدم این جریان پیچیده در ایران در حال تکرار است.

**علی بهرامی نیکو (هُدهُد)**

آنچه واضح است اینکه: ایران در وضعیت مشابه ۱۰۰ سال گذشته قرار دارد یعنی وضعیت ۸ سال پایانی دوره‌ی قاجار در زمان بروز جنگ جهانی اول و مُردن ۱۱ میلیون ایرانی بر اثر ناامنی و خشک‌سالی و قحطی و ...، ایران خشک‌شده و طبق آمارها ۹۷% کشور در خشک‌سالی قرار دارد و این وضعیت در ٦٧ سال گذشته بی‌نظیر می‌باشد، مشکل خشک‌سالی تمامی مشکلات را به همراه دارد و با این روال اقتصاد ویران تر می‌شود و نتیجه‌ی آن بروز اعتراض‌های مردمی بیشتری میباشد، مشکلات اقتصادی، مشکل فرهنگی را نیز به همراه دارد، فقر که از دری آمد دین از در دیگر بیرون می‌رود، طبق آیه‌ی قرآن **و جعلنا من الماء کل شیء حی**، اگر مشکل خشک‌سالی برای جایی پیش بیاید تمامی مشکلات به آنجا سرازیر می‌شود، **برای بحران آب در ایران هیچ راه‌حلی وجود ندارد و تمامی مسئولین ما در برابر این بحران تسلیم محض هستند**، تمامی راهکارهای گذشته فاقد ارزش است که اگر راهکاری بود تا کنون باید برای ما ثمره‌ای می‌داشت، **بنده سه راهکار ارائه داده‌ام**، راهکار یک ساله که در قطره‌ی ۷۳ عنوان شده است و به ٤ صفحه اشکالات متخصصین در بیش از ۵۰ صفحه در قطرات ۹۲ و ۹٤ پاسخ داده شده است و نیز راهکار دو ماهه که در قطره‌ی ۹۳ و ۱۰۰۰ عنوان شده است، لذا بازمیگوییم: **اگر برای بحران آب راهکاری دارید؟ طرح تفصیلی خود را ارائه دهید و بفرمایید در چه زمانی و به چه مکان‌هایی آب می‌رسد که ما اعلام می‌کنیم هیچ طرحی وجود ندارد اگر بخواهید از راه‌های عادی مشکل را حل نمایید فقط همان قطره‌ی ۷۳ جوابگو است و اگر به دنبال راهکار آسان تر و سریع تر می‌باشد همان راهکار انفطار السماء در قطره ۹۳ و ۱۰۰۰ جوابگو می‌باشد، پس یا مشکل را بر طرف نمایید و یا گوش دهید تا بر طرف شود.**

٩٦,١٢,١٨ علی بهرامی نیکو (هُدهُد) سایت tvshia.com کانال تلگرام: hodhodbashid@آی دی شخصی تلگرام:hodhodbash@
اینستاگرام:٩٦khoshksali ۰۹۱۹۸۸٤٤۷۹۸

خلاصه نامهی مهم که در تاریخ ۹۶,۳,۱۲ انتشار پیدا کرده است – قطره ۹۹۳ از کتاب هزار و یک قطره

... سلام بر آب از آب تا آب آنهایی که در آینده گرفتار خشکسالی میشوند گویند اگر می‌شنیدیم و یا تعقل می‌کردیم از گرفتاران و مصیبت زده گان نبویدم - پس اعتراف کردند به گناهشان که فکر نکرده و یا نشنیدند  پس تشنگی و گرسنگی و نا امنی و  مرگ جمعی بر اثر جنگ و بیماری  به گردن خودشان است - این خبر یا مطابق عقل و واقعیت نیست که در آن صورت باطل است و یا مطابق عقل و واقعیت است که باید یکدیگر را یاری کنیم تا نجات یابیم که اگر چنین نکنیم به زودی همه هلاک شویم. خشک‌سالیِ عظیم و وحشتناک و بی‌سابقه‌ای در حال وقوع است که تمامیِ کشورها را در بر میگیرد و ایران هم مستثنی از آن نیست بلکه با نگاهی کوتاه به شهرهای اطراف خود مانند یزد و اصفهان و شیراز و قم و زاهدان و اهواز و فارس و اراک و .... و با نگاه به دریاچه‌ها و چاهها و تالابها و باغها و زمینهای خشکِ کشاورزی و روستاهای خالی از سکنه و ...  برای هیچ کس جایِ شکی باقی نمیگذارد که روز به روز زمین گرم و گرمتر شده و آب آشامیدنی رو به پایان است از نشانه‌هایِ آن خشکسالی هجومِ مردم از روستا به شهر است ، وضعیت جهان در شصت سال آینده که توپوگرافیهای علمیِ (نقشه های زمین شناسی دقیق با جزئیات) آینده پژوهی معتبر نیز گویاست که در آن نقشه‌ها زمین را مانند بیابانی خشک به تصویر کشیده است کشورهایِ اطراف ما مانند افغانستان و پاکستان و هند و عراق .... نیز چنین است ، نشانه هایِ عظمت و ویرانگریِ آن خشکسالی آشکار شده ، باغهایِ ما به تدریج خشکیده ، رودها و رودخانه‌هایمان صحرا شده، از چاههایِ عمیق ما نیز چیزی جز خاک بیرون نیاید، عمق چاهها به سیصد متر رسیده ولی آبی نیست حتی در منطقه‌ی پر آبی مانند همدان ، علوفه کم شده لذا گوسفندان و دام طیور هم کم شده ، لذا قیمتِ گوشت بالا رفته، گرانی امور دیگر نیز به این سبب است، کشاورزی ما بر اثر خشک‌سالیِ ویران شده و وارد کننده‌یِ محصولات شده‌ایم، آری این تازه خبری از خشک‌سالیست و هنوز خشک‌سالی نیامده. حتی بارش باران هم کاری را از پیش نمیبرد چرا که زمین در اثر خشکسالی نشست کرده (فرونشست زمین : فشرده شدن خاک و سفت شدن زمین- نشست خاک در ایران از بیشترِ

کشورها بیشتر است ) که میتوانیم به استانهایِ خراسان و کرمان نگاهی بیندازیم  لذا خاک بر روی هم انباشته شده و مانند سنگ گردیده است؛ باران میاید ولی داخل زمین نمیرود که سفره‌هایِ زیر زمینیِ آب را پُر کند لذا باران بر زمین جاری شده و دوباره به صورت بخار به آسمان میرود، و بعضی فکر میکنند که بارانهای سیل زا مشکل خشکسالی را حل مینماید در حالی که باران به زمین رسوخ نکرده و تنها بر زمین جاری شده سیل راه میآندازد و بخار میگردد. و البته خشکسالی نتیجه‌یِ گناه است و گناهِ اصلی به گردن مسئولینی است که با برنامه ریزیِ غلط منابع آبی را از بین برده‌اند و سببِ گسترش خشکسالی و فقر در جامعه شدند،  راهکارهایی که برای بر طرف کردن خشکسالی ارائه میدهند بیشتر به طنز شبیه است، گناهِ این مسئولین تکبرِ بی جاست که به کلام و راهکارِ ملت برایِ بر طرف کردن خشکسالیِ گوش ندادند. لذا روزبه‌روز امورمان سخت تر شده و شدت میابد، فقر و قحطیِ انتهایِ قرنِ ۱۳ و ابتدای قرنِ ١٤ را دوباره ببینیم ، بخوانیم در سال‌های ١٢٩٦ الی ١٢٩٨ شمسی در ایران چه روی داد؟ و پدران و مادران ما چه کشیدند؟ قحطی و فقر و شیوع بیماری و نا امنی و گرانی مرگ که در ادامه سقوطِ قاجار و جنگهای جهانی و اشتغال ایران که بیش از ٤٠% ایرانیان را به کام مرگِ سیاه (مرگ بر اثر شیوع بیماری و گرسنگی و سوء تغذیه) کشاند، حال وقایعِ صد سال پیش عینا در حال تکرار است: خشکسالی ، گرانی ، نا امنی .... جنگ جهانی سوم و آوارگی ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی که راهی جز مرگ سیاه و سرخ ندارند ، بله آب نباشد فرزند مادر را برای جرعه‌ای آب می‌کشد و مادر گوشت فرزندش را بخورد. آیا کرمان در وضعیت قرمز آبی نیست؟ آیا در هشت شهرستان بوشهر قطعی آب وجود ندارد ؟ خرید آب از بخش خصوصی توسط دولت چه معنایی دارد؟ آیا دولت نمیتواند خود در رابطه با تامین آب اقدام کند ؟ آیا واگذاری آب به بخش خصوصی تقویتِ مافیایِ پنهان آب نیست ؟ آیا ما باید بجایی برسیم که آب را از خارج بخریم ؟ چه آینده‌ای در پیش است؟ اگر آنها آب را تحریم کنند چه میشود ؟ آیا وزیر نیرو نگفت که خشکسالی ادامه دارد ؟ اگر اینگونه است که هست و بیشتر و بدتر میشود چه کرده‌اند؟ آیا بالا رفتنِ قیمتِ مسکن و ترافیک و آلودگیِ هوا نتیجه‌ی خشکسالی روستاها و خالی از سکنه شدنشان نیست ؟ اگر هست چه کرده ایم ؟ آیا این خشکسالی به شهرها نمیرسد که بهتر بگویم رسیده است و حواسمان نیست ؟ اگر برسد از شهرها به کجا پناه بَریم؟آیا خشکسالیِ اصفهان در چهل سال گذسته بی سابقه نیست؟ آیا خشکسالیِ خراسانِ رضوی در پنجاه سال اخیر بی

سابقه نیست؟ مگر خرم آباد شهر چشمه‌ها نیست ؟ پس چرا مردمِ آنجا باید با دَبّه برایِ خود آب تامین نمایند؟ آیا آنجا هم خشک شده؟ آیا آذربایجان غربی و شرقی که همیشه پر آب بوده نیز دچار خشکسالی نشده؟ اگر شهرهای پر آبِ ما چنین است پس در یزد و کرمان و قم و زاهدان و اهواز و بوشهر که از اول کم آب بوده‌اند چگونه است؟ آیا تعطیلیِ صنایع ما به آب ربط ندارد؟ چرا لوله سازهای ما تولیدات خود را نمیتوانند بفروشند ؟ آیا اگر سیاست اول دولت آب رسانی بود کارخانه های تولید لوله و هزاران شغل وابسطه به آن بیکار و تعطیل میشدند؟ آیا اگر آب بود قیمت پوست گاو و گوسفند ارزان نمیشد که نتیجه‌یِ آن ارزان شدن قیمت تمام شده‌ی کفش بود؟ آیا در این صورت کفاشهای ما و دهها شغل وابسطه به آن ورشکست میشدند؟ چرا قیمت کفشی که از چین میاید از قیمت کفشی که در ایران تولید میشود ارزان تر است ؟ آیا اگر آب فراوان داشتیم قیمت قبض برق به این گرانی بود و دچار قطعی برق میشدیم؟ چرا سدهایی که برایِ تولید برق ساخته شده به علت بی آبی از کار افتاده‌اند؟ آیا اینگونه نیست که اگر آب بود قیمت برق نیز پایین میامد و در آن صورت قیمتِ تمام شده‌ی تمامیِ اجناسی که با برق تولیدی میشود پایین می‌آمد و تمام اجناس ارزان میشد؟ کدام تولید و صنعت است که با برق بی ارتباط است؟ آیا معاونِ توانیر نگفته است که بیش از ٦٠% تولید برق از نیروگاههایِ آبی را به علتِ خشکسالی از دست داده‌ایم؟ آیا نتیجه‌یِ خشکسالی، بیکاریِ قشر عظیمی از جامعه نیست ؟ آیا بیکاری مقدمه‌یِ قتل و زورگیری و باجگیری و دزدی و فساد و فحشاء و خودفروشی و بالا رفتن جرم در جامعه نیست؟ بله زیاد شدن زندانیها نتیجه‌یِ خشکسالیست، به فساد کشیده شدن خانواده‌های زندانیان نیز نتیجه‌یِ خشکسالیست، آیا بیش از ده سال نیست که استان فارس در جنگ با خشکسالی‌ست؟ آیا خشکسالی نیست که باعثِ هجرتِ مردمِ افغانستان به ایران شده؟ آیا خشکسالیِ افغانستان نیست که سبب شده بعضِ مردم افغانستان به داعش بپیوندند؟ بله، خشکسالی سبب تقویت داعش شده پس کلیدِ جنگ با تکفیر نیز در مبارزه با خشکسالیست، اگر خشکسالی در ایران ادامه یابد و ما راهکارِ درست را بکار نبریم چه فاجعه‌ای در حال وقوع است؟ بلایی که در آینده‌ای بسیار نزدیک به ما می‌رسد ویران کننده تر از بلاییست که در سال‌های ١٢٩٦ تا ١٣٢٢ گریبان گیر ایران شد، در آینده‌ای بسیار نزدیک ٣٠ الی ٥٠ میلیون ایرانی برای نوشیدن جرعه‌ای آب به جان یکدیگر بیفتند، بکشیم و کشته شویم، گروهی به فکر مهاجرت از ایران به کشورهای همجوار بیفتند ولی به کجا؟

همه جا خشکسالیست ، به کجا برویم ؟ به سوی وهابیت ؟ داعش ؟ عربستان ؟ ترکیه ؟ با ما چه کنند؟ حکمِ میهمان را بر ما اجرا کنند یا کنیز و برده را ؟ آنانکه با جوانانِ زائرِ ما در گیت فرودگاه آن کردند که همه میدانند در زمانی که ضعیف شده و محتاج آنانیم چه کنند؟ نگاه کنیم اطراف را تا بفهمیم. همه جا مانند هم است ، همه جا خشکسالی ، فقر ، بیماریهای جدید و قدیم مانند طاعون و وبا ،همه جا نا امنی، همه جا جنگ بر سر آب ، یعنی جنگ برای زنده ماندن ، همه جا قتل ، همه جا مرگِ سیاه و سرخ و سفید (مرگ سیاه مرگ بر اثر بیماری، مرگ سرخ بر اثر جنگ ، مرگ سفید بر اثر بی آبی و گرسنگی)، بعد از آن زلزله که از گرمی زمین و خشکسالی است ، گرسنگی ، تشنگی ، نا امنی ، مردن حیوانات ، شیوع بیماریهای واگیر دار و مُسری ، در آن زمان هر چقدر پول دهیم آبی نیست در آن زمان با یک لیوان آب میتوان انسانی را خرید و فروخت و چقدر آب ارزشمند شود که از اول هم ارزشمند بود ولی کسی نفهمید تا زمانی که آب نایاب شد. در آن هنگام هر جا آب باشد همانجا جنگی خونین است و هر جا آب نباشد همه مرده‌اند. آری هر جا آب باشد خون ریخته شود، انسان با انسان و حیوان با انسان بجنگد، قبل از قحطی و خشک‌سالیِ بزرگ نیز قیام‌هایی که برای خردمندان نشانه است ظاهر شود، ..... برادر عزیز آقای روحانی ، ما نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و به علتِ بی‌تدبیریِ امروز شاهدِ آوارگیِ تمامی ایرانی‌ها باشیم، نمی‌توانیم بازارهایِ برده و کنیزِ ایرانی را که به خاطر نبودِ آب به کفار فروخته می‌شوند را شاهد باشیم. ؟ ای کاش هزاران بمب اتم ببارد ولی خشک‌سالی برگردد. ای کاش هزاران لشکر داعشی به ما حمله کند ولی خشک‌سالی برگردد ، آقای رئیس جمهور خطر خشکسالی از بمب اتم و داعشی و تکفیری و... بیشتر است ، اگر خشکسالی مهار نشود در کمتر از یک ماه همه را نابود کند.  برطرف کردن خشک‌سالی را، بهرامی میداند ، ولی شاید مافیای آب نمیخواهد که این اتفاق روی دهد؛ آنها حاضرند تا چند صباحی از گندم رِی بخورند ولی میلیون ها ایرانی پَرپَر شوند، ... اگر راهکار را از ما قبول نکند هیچ موفقیتی بدست نمی‌آورد و بر عکس تمامیِ ملت را به سقوط نزدیک میکند راهکارِ اصلی عادی رفع بحران خشکسالی انتقال آب خلیج فارس به تمامیِ ایران است و راهکارِ جهانیِ مبارزه با تمامیِ مشکلات بشریت نیز آب است ..  اثبات مینماییم بلایی عظیم و خانمان‌سوز در راه است و ریشه‌یِ تمامیِ مشکلات در آب است و باید در عرض یک سال این مشکل را بر طرف نمود و آب خلیج فارس را به ایرانِ عطشان انتقال داد که در غیر این صورت عطش، ایران را

میخشکاند و هر چه دیر عمل نماییم مقداری از گرفتاریِ در حالِ وقوع که خشکسالی‌ست، ما را می‌گیرد پس اولویت اول همه‌یِ شئونِ کشور آب است ، آیا قرآن ریشه‌یِ همه‌یِ مشکلات را از آب نمیداند؟ و آیا اینگونه نیست؟ آیا در ایران خشکسالی وجود ندارد؟ آیا چاههایِ عمیق ما خشکیده نیست ؟ آیا ریشه‌یِ اصلیِ تمام مشکلات اقتصادی و ... خشکسالی نیست؟آیا گرانی و بیکاری از خشکسالی نیست ؟ آیا راهکارهایِ شما برای برطرف کردن خشکسالی چیزی غیر از ممنوعیت حفر چاه عمیق است ؟ آیا راهکار شما برای مبارزه با خشکسالی ملت را خوار و ذلیل‌تر نمیکند؟ چرا که این اصلا راهکار نیست، پاک کردن مساله است، آیا خشکسالی مقدمه‌یِ آشوب نیست ؟ آیا عملکرد شما جامعه را مستعد هر آشوبی ننموده است ؟ آیا اگر فقر را برطرف ننماییم فتنه‌ای عظیم تکرار نمیشود ؟آیا جنگ آب که جنگ جهانیِ سوم است در پیش نیست؟ شما برای این جنگ چه کرده اید؟ مگر مشاورینِ شما مثل آقای عیسی کلانتری نگفته‌اند در آینده‌ای نزدیک باید ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی کوچ کنند ؟ ما باید به کجا کوچ کنیم ؟ زنان و دختران ما به اجبار به کدام سوی روند ؟عربستان ؟ آنتالیایِ ترکیه ؟ اُزبکستان؟ آیا وهابیت از پناه جویانِ ایرانی بازار فروش برده و کنیز راه نمی اندازد؟ آیا شما دوست دارید که فرزندان دختر و پسر ایران زمین در ویترینهای فروش انسان جای گیرند؟ آیا غرب و شرق پناه جویان را به بردگی نمیگیرد ؟ آیا شما ندیدید اتحادیه‌یِ اروپا چه بلایی بر سر مردم پناه جویِ سوریه آورد ؟ چه کسی است که نفهمیده باشد مصیبت خشکسالی در ایران از حمله‌یِ داعش به سوریه سخت تر است؟ در سوریه که داعش حمله کرد دو میلیون آواره شدند ولی در ایران که خشکسالی حمله کند بین ۳۰ الی ۵۰ میلیون ایرانی آواره شوند. آری جنگ انسانها را میکشد و زمین را ویران میکند آیا بواسطه‌یِ مقدمه‌یِ نزدیک شدنِ خشکسالی روستاها ویران نشده؟ وای به زمانی که خشکسالی از راه برسد. چقدر آب ذخیره کرده‌اید؟ مگر جنگ جهانیِ سوم جنگ آب نیست؟ آبهای ذخیره شده‌یِ شما کجاست؟ ، رودخانه و چاه، آب ندارد ، آنوقت ما به فکر صدورِ گازِ ایران به ترکیه هستیم،آیا ما ایرانیان آنقدر به عقب برگشته ایم که بالا و پایین مملکت آب باشد(خزر و خلیج فارس و دریای عمان ) و مردم در داخل از تشنگی بمیرند ؟ آیا کانال سوئز توسط داریوش ایجاد نشده ؟ حال چگونه نمی‌توانیم از خلیج فارس به کل کشور لوله کشی کنیم ؟ چگونه هزینه برای خرید هواپیما هست ولی برای آب نیست ؟ چگونه پیمانِ ایران و ترکیه برای صدور گاز هست ولی پیمان نامه با ایرانیانِ بی کار برای

انتقالِ آبِ خلیج به کل کشور نیست؟ ؟ آیا شما از بزرگترین مافیایِ کشور غیر مطلع هستید ؟ آیا نمیدانید مافیایِ آب در کشور چه کسانی هستند ؟ آیا آنها فکر میکنند ما نمیدانیم که خطرناک تر از مافیایِ قاچاقِ موادِ مخدر و اسلحه و قاچاقِ انسان و قاچاق دارو، مافیایی خطرناک تر به نامِ مافیایِ آب در کشور است که ریشه‌یِ تمامیِ مافیاهایِ موجود است؟ در کجایِ دنیا با آبی که برای خوردن است به دستشویی میروند ؟ چرا آب را دو مصرفه نمیکنید؟ بله، اگر آب دو مصرفه شود یکی برای شرب و دیگری برای شستشو و استحمام و صنعت و کشاورزی... سود چند هزار میلیارد دلاریِ ماهانه که مافیایِ آب در ایران به جیب میزند کم میشود پس حق دارند آب را دو مصرفه نکنند ؟ مافیایِ آب ریشه یِ تمامیِ مافیاهاست و تا زمانی که این مافیا باقیست تمامیِ مافیاها پا برجا است . چگونه شیوخِ حاشیه یِ خلیج فارس از آب خلیج برای شرب استفاده میکنند اما ما برای کشاورزی نمیتوانیم... ؟ آنها با آب دریا زمینِ گُلف درست میکنند ولی باغهایِ ما که ثمره‌یِ زحمات چند ده ساله است با بی آبی میسوزد . آیا کمبود آب نیست که گوشت را به کیلویی ۵۰ هزار تومان رسانده است؟آیا نبودِ آب نیست که روستاها را خالی و شهرها را پرجمعیت کرده؟آیا نبود آب نیست که ما را به وارد کننده‌یِ محصولات کشاورزی تبدیل کرده است.آیا از آب خلیج فارس نمیتوان برای صنعتِ پرورش ماهی شور در کل کشور استفاده کرد و فقر رابرطرف نمود؟ چرا هواپیما میخریم ولی فکر شیرین کردن آب دریا نیستیم؟آیا نمیتوان با انتقالِ آب خلیج فارس به کل کشور، زمینه را از ابتدا برای ریشه‌کن کردنِ همه‌یِ بیکاری‌ها فراهم نمود ؟ چگونه میشود سنگ را به صورت خام به چین ببرند تا تراش بدهند و دوباره به ایران برگردانند ولی آب را از خلیج فارس به یزد، نه؟آیا خشک شدن چاههایِ عمیقِ شهرهای آبخیز ما نشانه‌یِ گذشتن از بحران و هشدار نیست؟آیا اولویتِ امروزِ تمامِ جوامع، تدبیری برای آب شرب نیست؟به زاینده‌رود باید چه گفت، زمانی که جز خاک چیزی ندارد؟ آیا کویر از دل آن زاییده نشد؟این گونه نیست که هر چه پیش رویم، تمامِ اجناس گران شود چون آب نیست تا جایی که جنسی برای خرید و فروش نباشد؟آیا بر اثر خشکسالی نبود که مردمِ کنعان محتاج مصر شدند ؟آیا اینگونه نیست که اگر فکر آب نباشیم، فردا محتاجِ کُفر شویم؟آیا اینگونه نیست که اگر آب باشد، شغل زیاد شود و در آن صورت ریشه‌یِ همه‌یِ مشکلات مرتفع گردد؟آیا اینگونه نیست که اگر آب باشد، ثروت حلال هست و ثروت باشد، طلاق و فحشا نیست؟آیا بهانه‌ی اصلی جنبشهای اجتماعی و فتنه‌های آینده، مسئله‌یِ اقتصادی نیست؟آیا دلیل بیشتر فساد

در جامعه، مسائلِ اقتصادی و اختلاف طبقاتی و لجبازی نیست؟آیا اینگونه نیست که اگر آب باشد فقیر هم غنی میشود و اختلاف طبقاتی کم میشود؟ آیا اینگونه نیست که اگر آب باشد شغل زیاد میشود و دیگر کارفرما به کارگر زور نمیگوید و ظلم نمیکند و دیگر مردم به شغلهای خنثی و کم درآمد روی نمیاورند ؟ آیا اینگونه نیست که از آب میتوان آتش استخراج کرد ولی از نفت نمیتوان آب استخراج کرد؟ راهکارِ جدی دولت برای مبارزه با خشکسالی چیست؟مهمترین راهکارِ دولت برای عمل به وعده‌ها چیست؟آیا روالِ فعلی دولت موجب سلب عمومی اعتماد مردم به دولت نیست؟ آیا آب رسانی زیر ساخت اصلی و اساسی و پایه‌یِ تمدنیِ هر حکومتی نیست؟ وظیفه‌یِ کنونیِ همه‌یِ ملتِ ما این است که یکدیگر را از خطرِ پیش رو آگاه کرده پیامِ خشک‌سالی با صاحب این نامه است و ما تا کنون بسیاری را آگاه نموده‌ایم و تمامِ کسانی که گوش نداده و یا بی‌توجهی کرده‌اند نالان و گریان شده‌اند.آب برای کسی که پذیرفت و کمک کرد و خشکسالی و بی آبی بر کسی که به ماظلم کرد بحق. جمعه - ۱۲ خرداد ۱۳۹۶ - الجمعة - ۷ رمضان المبارک ۱٤۳۸ - علی بهرامی نیکو(هُدهُد)- سایت:tvshia.com - تلگرام:@hodhodbashid – آیدی تلگرام ارتباط با ادمین :@hodhodbash اینستاگرام:tvshia

۱۰۰۰- متن طرح دوم اسماء اللهی:

۷۸٦زمانی که دو روز از دخول قمر از عقرب گذشته، و شش ش در شمس، و سه شین در قمر، در انتهای ۱۳ و ابتدای ۱٤ و ورود به ۱۵ قرار دارید، می‌توان آسمان را کَند، و کندن به عدد کمتر از سبع المثانی و شصت است، این زمان سنبله در دو هشت است، پس ٦۰ بعد از آن عقرب در جمعه است، و ۸ هفت مانده است، و شش ۵ شده، و سنبله عقرب را از سرما کشته و چه عجیب است کشته شدن عقرب از سرما، سرما آب را نازل کند، برف، باد، تگرگ، مه ، همه رحمت است، اما اگر آماده نباشند هلاک شوند، و اینگونه شش که آب است در تشرین اول جاری میشود، پس از آب شروع کنید، ایلول را کار کنید تا تشرینِ اول پر آب شود، آب آتش‌ها را خاموش کند، زمین پر آب، دریاچه‌ها سیراب، درختان شاد، حیوانات زیاد شوند، هوا پاکیزه شود، ابرها پایین آیند پس باید همه تعهد دهند و امضاء نمایند ۷۸٦ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن پس زمانی که امضاء شد همه و همه در همه زمینها آن را دفن کنند تا عقرب درون خاک بمیرد، پس لوله از بالا پر شود و هر چقدر آب لازم دارید را بردارید، اگر نکنید در ۳ شین عقرب زمانی که از دو ۱۹ گذشته عقرب به بهار الاول نیش‌ها

زند و بدنها خشک شود چرا که عقرب با خاک و گرما قوی‌تر شده و نیش آن زهراگین‌تر، چرا که از آب که در برج دو شین است را جاری نکردید، پس آب همان سنبله است، ایلول همان ترازوست، تشرین اول همان عقرب است، اخ‌ف‌قبا؟ ثبت الزمان، ظهر الزمان، کشف الزمان، و انا الرسول بسلطان مبین، وضع الشیء فی احسن وجهه علی اتقن وجهه، اول آخر آخر اول ظاهر باطن باطن ظاهر ممممبامم‌غ‌ف‌ب‌خ‌دق‌ح‌رف‌ر۹٦٦٦ ان شاء الله ، و السلام علی من اتبع الهدی - ۹٦,٥,۱۹ - ساعت ۱۹,۲٥-توضیح: طرح دو الهی آبرسانی دو ماهه به کل کشور از طریق غیر عادی - این نوشته نقطه یا ویرگولی و ... کم و زیاد شود باطل میشود – آنچه مشهود است اینکه فقط تا تاریخ ۹٦,٦,٦ ه‌ش و ۳۸,۱۲,٦ ه‌ق میتوان این عمل را انجام داد و همه باید آمادگی داشته باشند و بعد از آن نمیتوان مگر اینکه یک سال صبر کرد و از ۹۸,۸,۸ اگر عمل نکرده باشیم اتفاقات عجیبی در ایران رقم میخورد-آنچه باید امضاء شود و ما در تلویوزین در مقابل آقای دکتر حسن روحانی نشان میدهیم -۷۸٦اخ‌ف-قبا؟ازل‌اه‌اب‌ل‌ب‌ه‌ن ممممبامم‌غ‌ف‌ب‌خ‌دق‌ح‌رف‌ر۹٦٦٦ ان شاء الله ، و السلام علی من اتبع الهدی -نتایج این لوح : ۱ ایجاد چاله جوی درون ایران ۲ سرد شدن پاییز و زمستان و خنکی بهار و تابستان ۳ آب خلیج فارس و دریای عمان و حتی خزر و ... به کل کشور انتقال پیدا میکند ٤ انتقال اختیاری و مورد نیاز آب در زمینها بدون انتظار بارش باران و برف و تگرگ و ... ٥ تعطیل شدن بیشتر پروژه های آبی در حال اجرا ٦ اقدام به پر نمودن آب دریاچه‌ها و تالابها و ... بعد از دو ماه ۷ ورود به تر سالی در ایران ۸ لوله و کانال کنده نمیشود ۹ سدهای تولید برق پر آب میشود ۱۰ دو مصرفه شدن آب در ایران ۱۱ پر شدن سفره های زیر زمینی ۱۲ ورود در عرصه صادرات آب که اگر این کار را نکنیم آب ایران را میبرد و باید قوانین را امحاء کنیم که غیر معقول است ۱۳ پایین آمدن قیمت برق و آب در ایران ۱٤ پر شدن لوله ها از بالا ۱٥ زیاد شدن یون منفی طبیعی درون ایران ۱٦ هارپ و انفجار یون منفی و ... نیست و ..